کلی

تربت پاکان

نویسنده: حسین مدرس طباطبائی

بسم الله الرحمن الرحیم

تربت پاکان

نویسنده:

حسین مدرسی طباطبائی

ناشر چاپی:

بی جا

ناشر دیجیتالی:

فهرست

تربت پاکان

مشخصات کتاب

سرشناسه : مدرسی طباطبائی، حسین، ۱۳۲۰-
عنوان و نام پدیدآور : تربت پاکان: آثار وبناهای قدیم محدوده کنونی دارالمومنین قم/ مدرسی طباطبایی.
مشخصات نشر : [بی‌جا: بی‌نا]، ۱۳۳۵ -(قم: مهر قم(چاپخانه).
مشخصات ظاهری : ج.: مصور، نمودار، نمونه.
وضعیت فهرست نویسی : برون‌سپاری.
یادداشت : کتابنامه.
یادداشت : نمایه.
موضوع : زیارتگاه‌های شیعه -- ایران -- قم
موضوع : قم (استان) -- آثار تاریخی -- مصور
رده بندی کنگره : DSR۲۱۱۳ /م۷۴م۴ ۱۳۳۵
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۱۲۸
شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۷۷۵

جلد اول

[پیشگفتار]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه رب العالمین و صلی اللّه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین الائمهٔ الهداهٔ المهدیین. اللهم احینا حیاتهم و امتنا مماتهم.

کتابی که با نام «تربت پاکان» در دو مجلد عرضه می‌شود بخشی از بررسی‌ها و مطالعات چندین‌ساله نگارنده آن پیرامون بناها و آثار قدیم شهرستان قم است. مواد اصلی این کتاب از هشت سال پیش به مرور گردآوری شده و قسمت- هایی از آن در همان هنگام به شکل مقالاتی نشر یافته بود، سپس مجموع آن یادداشت‌ها پیرامون چهار سال پیش در مجموعه‌ای مدون گردید که از آن وقت تاکنون برگ‌ها و مطالب آن بارها تعویض و تبدیل یافت و اکنون به این صورت به دست چاپ سپرده می‌شود.

در این نوشته با خصوصیات بناها و آثار قدیم شهرستان قم آشنا می‌شویم.

سبک معرفی، تفصیلی است لیکن کوشش بسیار به عمل آمده است که عبارات تا آنجا که به افاده مقصود زیان نرساند فشرده‌تر و کوتاه‌تر باشد و بیهوده سخن به درازا نکشد.

منطقه‌ای که آثار و بناهای قدیم آن را در این نوشته می‌شناسانیم محدوده کنونی فرمانداری شهرستان قم است، یعنی مدلول کنونی این نام، براساس نقشه سازمان آمار کشور که در آغاز مجلد دوم گذاشته شده است. از آن میان نیز تنها معرفی آثار دوره اسلامی در این دو مجلد انجام گرفته است، اما از بناهای

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲

دوره پیش از اسلام مانند آتشکده‌ها و پرستشگاه‌ها و نقوش کوه‌ها و تپه‌ها و اتلال و میل‌های میان راه‌ها و آثار بازمانده آبادی‌های قدیم این منطقه و غارها و بناهایی همچون قلعه گبری و کاروانسراسنگی و قصر دختر و دیگر قلاع و کاروانسراها و بناهای مربوط به آن دوره که شمار آنها در این محدوده کم نیست (نیز ابنیه مشابه آن در دوره اسلامی چون قلاع و کاروانسراهای این دوره و سدها و بازمانده باروها و نظایر آن) در این نوشته سخنی نیست. زیرا معرفی این گونه آثار به سبک صحیح علمی نیازمند آشنایی و تخصصی است که صاحب این قلم فاقد آن است، بنابراین صلاحیت و حق بحث در این مورد را ندارد. امید است که صاحب همتی از اهل فن به شناساندن آن گونه آثار محدوده مورد سخن نیز برخیزد.

*** اینک نخستین مجلد کتاب که ویژه آستانه مقدس قم است. این مجلد در سه بخش تدوین شده که بخش نخست تاریخ آستانه (همراه کتاب‌شناسی آن)، و بخش دوم معرفی بناها و تزیینات، و بخش سوم اسناد و احکام مربوط بدان خواهد بود. تقسیمات داخلی هریک از بخش‌ها در آغاز آن گفته شده است.

قم- ماه رمضان سال ۱۳۹۵ (ه. ق)

سید حسین مدرسی طباطبائی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳

فهرست مطالب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳

آستانه قم تاریخ، مجموعه بنا و اسناد

اشاره

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۵

۱ تاریخ و کتابنامه

اشاره

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷

در سال ۲۰۱ هجری که امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مرو بودند یکی از خواهران حضرتش به نام «فاطمه»- که از پرهیزکارترین و دانشمندترین بانوان خاندان پاک پیغمبر و در تقوی و فضائل معنوی نمونه‌ای والا به شمار بود- به عزم دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان عزیمت نمود، لیکن در میان راه نزدیک ساوه بیمار شده، ناگزیر به قم آمد و در این شهر پس از توقفی هفده روزه درگذشت و در زمینی که میزبان وی «موسی بن خزرج» در نقطه‌ای بیرون شهر آن

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۸

روز به نام «بابلان» داشت مدفون گردید. آنجا که امروز روضه مقدس اوست .

نخست بر سر تربت حضرت ستی فاطمه از بوریاها سایه‌ای ساخته بودند و این شکل همچنان بود تا در نیمه دوم قرن مزبور «زینب» نواده امام جواد (ع) که پس از سال ۲۵۶ به قم آمد قبه‌ای بر تربت منور بنیاد کرد . این بنا تا پیرامون میانه قرن پنجم برجای بوده است، جز آن‌که درگاه غربی بنا را- که برابر رودخانه بود- ابو الحسین زید بن احمد بن بحر اصفهانی عامل قم در سال ۳۵۰ توسعه داد و بالا برد و دری بر آن نصب نمود .

این تربت شریف با ترغیب و تشویق پیشوایان دین از روز نخست زیارتگاه پیروان و دوستداران خاندان پاک پیغمبر بوده و در قرن سوم و چهارم از شهرهای دیگر مانند ری نیز برای زیارت بدان می‌رفته‌اند . از همان روزگاران بسیاری از

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹

علویان و بزرگان نیز در مجاورت این تربت منور مدفون شده‌اند که از آن‌جمله در فاصله میانه دو قرن سوم و چهارم چند تن

از نوادگان امام جواد (ع) که برای برخی از ایشان قبه‌ای پیوسته به قبه حضرت ستی فاطمه بنیاد نهادند و سادات حمزیه که دو قبه در نزدیک تربت منور از آن ایشان بوده است ، قبه‌ای نیز سادات شجریه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۰

داشته‌اند و بعضی دیگر .

در پیرامون میانه قرن پنجم امیر ابو الفضل عراقی از رجال دوره طغرل اول سلجوقی (۴۲۹- ۴۶۵) بنای روضه مقدس را تجدید نمود. این بنا تا نیمه دوم قرن ششم برجای بوده و گویا تا آغاز دوره صفوی پاییده است. عالم جلیل شیعی شیخ عبد الجلیل رازی قزوینی در کتاب شریف النقض- که پیرامون سال ۵۶۰ به نگارش درآمده است- در شمار امراء و بزرگان شیعی که عهده‌دار مناصب حکومتی بوده‌اند می‌نویسد:

«امیر ابو الفضل عراقی در عهد سلطان طغرل کبیر مقرب و محترم بود. باروی شهر ری او کرد و باروی قم او نهاد.

به مسجد جامع عتیق قم مناره‌ها او فرمود. مشهد و قبه فاطمه بنت موسی بن جعفر علیها السلام او کرد و خیرات بی‌مر که به ذکر همه کتاب بیفزاید »

در همین کتاب اطلاعاتی نفیس و منحصر درباره وضع آستانه قم در قرن ششم آمده است. از آن برمی‌آید که در نیمه دوم این قرن مشهد حضرت ستی فاطمه «با اوقاف و مدرسه و فقهاء و ائمه به زینت تمام و قبولی عظیم » بوده و «نور و نزهت و برکت مشهد ستی فاطمه بنت موسی بن جعفر ظاهر و باهر، و امرا و وزراء آن را معتقد- به آثار خیرات و انوار برکات که دیده‌اند و شنیده‌اند- »، و «اهل

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱

قم به زیارت فاطمه بنت مطهره موسی بن جعفر که ملوک و امراء عالم- حنفی و شافعی- به زیارت آن تربت تقرب نمایند » می‌شتافته‌اند.

در آغاز قرن هفتم امیر مظفر بن احمد بن اسماعیل نواده مختص الملوک ابو نصر احمد بن فضل بن محمود کاشی وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲

مرقد شریف را با خشت‌های کاشی زرفام این عهد تزیین نموده است. از وقف‌هایی که بعضی امرای بزرگ این دوره بر تربت منور نموده‌اند آگاهی‌هایی در دست است که پس از این خواهیم دید. در این قرن‌ها تا آغاز فرمانروایی سلسله صفوی آستانه قم از حرمت و عظمتی بسیار برخوردار بوده است. خواجه شمس الدین صاحب دیوان هنگامی که از ترس جان به هر سو گریزان بود به قم آمده، در این مشهد شریف فرود آمد و در آن مزار متبرک معتکف شد و امیری که توانسته بود خواجه را از پناه تربت منور بیرون برد مورد توجه و رعایت قرار گرفت و این نیک می‌رساند که این مزار در آن عهد از چه مایه حرمت و تقدس برخوردار بوده است.

در دوره تیموریان و ترکمانان و پیش از آن تولیت آستانه قم مقامی برجسته و بزرگ بود که- چنان‌که در جای خود خواهد آمد- با «نشان‌ها» و فرمان‌هایی مخصوص و مجلل از پادشاهان وقت تعیین می‌گردید.

*** با استیلای صفویان بر تاج‌وتخت در آغاز قرن دهم به همان‌گونه که دیگر مظاهر تشیع در ایران به یک‌باره راه کمال گرفت، مشاهد متبرک منسوب به خاندان گرامی پیامبر خدا (ص) نیز تحولاتی بسیار در جهت آبادانی و رواج و رونق و تجدید و تعمیر یافت. در دهه سوم این قرن شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل صفوی قبه پیشین حرم را برداشت و تجدید

نمود و ایوان شمالی را بنیاد نهاد و املاکی بسیار بر آن موقوف داشت که وقف‌نامه او را پس از این خواهیم دید . شاه طهماسب

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۳

دومین پادشاه این سلسله نیز نسبت به این مزار شریف توجه بسیار نمود و جز موقوفاتی که برای آن قرار داد در سفرهای خود به قم در ترویج و عمارت آن- چنان‌که دیگر مزارات این شهر- کوشش بسیار کرد. در سفر سال ۹۴۹ «همگی اوقات فرخنده ساعات به زیارت مشاهد متبرک و اماکن مشرفه که در آن بلده فاخره واقع است مصروف داشتند و در عمارت و رواج و رونق و نظم و نسق هریک از آن مزارات با برکات توجه فرموده، مبلغ‌های کلی از خزانه عامره به جهت اخراجات آن شفقت کردند و بر بعضی امکنه و مزارات املاک وقف فرموده، بر مابقی سیورغالات تعیین کردند ... ». او همه‌ساله چند هزار تومان زر نقد از خزانه عامره به آستانه معصومه قم و مشهد مقدس رضوی و حضرت عبد العظیم و اردبیل می‌فرستاد همچنان که هرساله مبلغ‌های کلی زر به سادات قم و مشهد انعام می‌نمود .

در همین دوره اعتماد الدوله قاضی جهان حسینی وزیر طهماسب دیواره کاشی گرد مرقد را بنا نهاد. سردر شمالی صحن عتیق نیز به عهد طهماسب بنیان شد. دفن شاهزاده سلطانم خواهر کوچک او به سال ۹۶۹ در جوار آستان مقدس قم و پس از او دیگر شاهزادگان صفوی مانند شاهزاده زین العابدین میرزا فرزند

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴

طهماسب در ۹۸۰ ، گوهر سلطان خانم فرزند دیگر او و دیگران نموداری از توجه خاص دربار صفوی به این مزار است که به‌خصوص به‌خاطر سلطه عثمانی بر مشاهد عراق عرب و ترکتازی‌های اوزبک بر مشهد رضوی پیوسته رو به فزونی بود.

پس از طهماسب، شاه خدابنده که مادر او حدود نیم قرن یا بیشتر ساکن قم بود در آغاز جلوس بر تخت سلطنت به قم آمده، به زیارت آستانه مقدسه منوره سمیهٔ سیدهٔ النساء فی العالمین سرافراز گشت . توجهات خاص دربار صفوی و اعتبار و حرمت آستان مقدس قم پس از این دوران نیازمند ذکر نیست و شواهد آن را از موارد مختلف تواریخ این عهد چون خلاصهٔ التواریخ و عالم‌آرا و ذیل آن و خلدبرین و نقاوهٔ الاثار و روضهٔ الصفویه و جز اینها می‌توان دریافت.

دفن شاه صفی به سال ۱۰۵۲ در جوار حرم مطهر بنایی در جهت جنوب بر ابنیه حرم افزود و آن را بیش از پیش منظور نظر دستگاه فرمانروایی آن عصر ساخت که این خود در پیشرفت و توسعه و تکامل آستانه قم تأثیری بسزا داشت.

عباس دوم چندین بار به قم آمد و از گرد راه به زیارت حرم مقدس و مضجع صفی می‌شتافت و در ایام اقامت خود در این شهر که گاه از دو ماه درمی‌گذشت مکرر سعادت زیارت آستانه مقدس می‌یافت و به اطعام و انفاق بر عموم فقراء و مجاوران

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۵

فرمان می‌داد . در دوره او بنابر آنچه از وصف شاردن سیاح فرانسوی مستفاد می‌شود بناهایی چند بر آستانه قم افزوده شده که برخی از آنها در تعمیرات فتحعلی شاهی از میان رفته است. وصف‌هایی که همین سیاح و تاورنیه و پیترو دلاواله و جملی کارری و دیگران از آستانه مقدس در این قرن و اندکی پس از آن نموده‌اند چهره‌ای روشن از وضع و حال آن عهد آستانه به دست می‌دهد.

شاه عباس دوم برای خود مدفنی در جنوب غربی حرم مطهر تهیه دید که پس از درگذشت به سال ۱۰۷۷ در آنجا به خاک رفت. موقوفات شاه سلیمان و وزراء و بزرگان درگاه او بر آستان مقدس و مضجع شاهان صفوی پس از این بسیار است.

شاه سلیمان نیز برای خود مدفنی در همان جهت حرم تدارک دید که در سال ۱۱۰۵ در آنجا مدفون شد . به‌این ترتیب آستانه

قم در دوره صفوی با این تحولات تغییراتی بسیار و دگرگونی آشکار یافت و مرافق و بیوتاتی بر آن افزوده شد.
افغان‌ها بنابر آنچه نوشته‌اند همچنان‌که بر قم صدمه بسیار وارد آوردند از آستانه و قبور شاهان صفوی نیز مال بسیار یافته و به یغما برده‌اند. در این دوره جسد شاه سلطان حسین نیز در جوار حرم مطهر به خاک سپرده شد و مقبره‌ای دیگر
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۶
نیز از اجساد سی و یک تن شاهزادگان صفوی که به فرمان محمود افغان کشته شدند بر مقابر صفویان در جوار آستانه مزید گردید . پس از این دوره نیز بسیاری از بازماندگان دودمان صفوی در این مزار مدفون شده‌اند که ازجمله آنهاست همسر شاه سلطان حسین و مادر طهماسب دوم که در ۱۱۸۰ درگذشت .
در سال ۱۱۶۲ میر سید محمد مرعشی که آن هنگام در قم بود و پس از آن از این شهر به مشهد رفته، با نام شاه سلیمان دوم تاج‌گذاری کرد مقرنس قبه مطهر را تجدید نمود و عمارت حرم را اصلاح و تعمیر کرد .
ازاین پس تا پایان قرن دوازدهم آستانه قم تحولات و تغییراتی دیگر نیز یافته است. این نکته نیز باید گفته شود که در دوره صفوی و پس از آن جز آنچه گذشت بیوتاتی دیگر نیز گرد مزار احداث شد و جز شاهان رجال دیگر این دوره هم در تعمیر و توسعه آستانه مقدس سهمی بسزا داشته‌اند.
*** فتحعلی شاه دومین پادشاه دودمان قاجار در دوران فرمانروایی خویش نسبت به قم و آستانه مقدس آن توجهی خاص داشت و در آبادانی آن دو کوششی بسیار نمود به‌طوری‌که باید گفت عظمت و توسعه آستانه مقدس در دو جهت تزیینات و مرافق و بیوتات، و آبادانی و تجدید حیات قم پس از ویرانگری و کشتار افغانان و غارتگری و چپاول ابراهیم خان ابدالی و حمله و محاصره آقا محمد خان قاجار
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷
در نیمه دوم ع ۱- ۱۱۹۹ تا حدودی بسیار مرهون توجهات و اهتمام خاص این پادشاه بوده است.
او در آغاز سلطنت خود نذر نموده بود که مبلغ یکصد هزار تومان زر در تجدید بنا و افزودن مرافق و آراستن آستانه مقدس قم مصروف دارد و ازاین‌رو در نخستین سال سلطنت خویش «حکم همایون به تذهیب قبه فیض توأمان دره طاهره نبوی و بقعه طیبه بضعه موسوی یعنی معصومه قم صادر فرمود و اشارت رفت که قبل از اتمام تذهیب در زرین بر آن آستانه کروبی آشیانه نصب کردند. به خسرو دین‌پرور چراغ علی خان نوایی در خورشید پیکر را به دار الایمان قم برده در جای خویش نصب گردید . تذهیب قبه منوره هم به نحو مقرر کما هو حقه به عمل آمده، نقود کثیر و وجوه خطیر صرف این کار فرخنده آثار شد » و در سال بعد (۱۲۱۴) «لوای فلک‌فرسا از دار السلطنه طهران به سمت دار الایمان قم به عزم زیارت مضجع مطهر گوهر درج نبوت و رسالت فاطمه بنت موسی بن جعفر- علیهم صلوات اللّه الملک الاکبر- جهان‌آرا گردید. بعد از ورود به آن مکان فیض بنیان شرایط زیارت و خشوع و لوازم استکانت و خضوع به جای آورده، از حضرت ایشان استمداد همت و طلب شفاعت کردند و چند شب متوالی
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸
در آن بقعه مبارکه به تلاوت آیات و حفظ مواقیت صلوات عزت دارین و رستگاری نشأتین مسألت، و دامن عجزه و مساکین را از سیم و زر رشک دامن کان و علماء و سادات آن مکان را به رواتب مقرره و انعامات متکاثره و احسان بی‌پایان مسرور و شادمان فرمودند و معماران هنرپیشه و مهندسان اقلیدس اندیشه را به تعمیر بقاع و مساجدی که به مرور شهور و اعوام صفت اندراس و انهدام یافته بود اشارت رفت و حکم قضاآیین بر بنای مدرسه جدیده معروف به فیضیه و تذهیب قبه میمونه حضرت

معصومه و تعمیر مسجد امام حسن عسکری (ع) و تجدید دار الشفا و کاروانسرای وقفی آستانه مقدسه و حمام و بازار به جهت زوار و مجاورین آستان ملایک آشیان شرف نفاذ یافت که نگاشتن شرح آن ابنیه سپهر بنیان بر صفحه بیان امکان نخواهد داشت ».

در بهار سال ۱۲۱۵ به دستور او «به تذهیب قبه پاک بضعه طیبه علت غایی آفرینش آب و خاک حضرت معصومه- صلوات اللّه علیها- و بنای مدرسه شروع رفت. معماران دانا و بنایان صنعت‌نما طاق قدیم را برداشتند و قبه استواری از نو بر نه رواق بلند طاق افراشتند و سدی محکم بر رودخانه قم که از سمت غربی آن روان است بسته و ساحت دو صحن کهن را به یکدیگر پیوسته، مدرسه روح‌فزا از اشکال هندسه با عرصه خلد معادل جنت مشاکل مشتمل بر حجرات و حیاض و جداول پرداخته‌اند هر حجره‌ای از آن غرفه‌ای از بهشت و انوار قدسش پیدا از گل و خشت مبنی بر چهار ایوان. در غربی آن- که از یک طرف مشرف بر فضای مدرسه است و از یک جهت به رودخانه- بالاخانه مخصوصه برای تمکن شهریار یگانه ساخته گشت و بر یک سمت صحن بالا که متصل به روضه عرش اساس است حجره‌های زرنگار و بر سمت دیگر آب‌انباری که سمک بر روی آن ایستاده و عقلای دوربین از

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹

خوض در آن سر به زانوی فکرت نهاده ترتیب یافت و قبه منوره به آیینی از خشتهای زراندود زینت گرفت که آسمان را خشت زرین مهر از طاق دل افتاد و در صباح و مسا چرخ خمیده پشت با عینک مهر و ماه دیده به نظاره آن گشاد و برحسب حکم اشرف طلبه علوم دین و عارفان معالم یقین که قوانین ملت از ایشان برجاست و لمعه شرایع از مصباح بیانشان برپاست از هر دریچه چون ملک بر دریچه‌های فلک در تسبیح‌خوانی و بر هر منظره چون مذاکران کروبی بر مناظر روحانی در حل اسرار معانی با یکدیگر در مناظره و سخن‌رانی است ».

به اجمال پوشش زرین گنبد مطهر و دو در زرپوش و بنای صحن عتیق و مأذنه زرین آن و اصل بنای مسجد بالاسر و مدرسه فیضیه و دار الشفا و تجدید تزیین حرم و ایوان شمالی و آغاز تذهیب همین ایوان و آینه‌کاری حرم از آثار فتحعلی شاه قاجار است که همه از همان وجه نذر انجام یافته است. جهانگیر میرزا قاجار ذیل وقایع سال ۱۲۵۰ در شرح ماجرای آخرین سفر فتحعلی شاه به قم می‌نویسد:

«در دار الایمان که مدفن بضعه موسی بن جعفر صلوات اللّه و سلامه علیها و علی آبائهاست خاقان مغفور خرج‌ها کرده و مدرسه و دار الشفا در کمال تنقیح ساخته و گنبد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰

مقدس را در کمال خوبی به خشت‌های طلا و درهای طلا و نقره آراسته‌اند و آنچه از اسباب زینت مثل قندیل طلا و نقره و زیارت‌نامه‌های مکلل به جواهر به قدر امکان در آنجا گذاشته‌اند. و در ایام سابق نذر فرموده بودند که صد هزار تومان در آن مکان مقدس خرج نمایند در این وقت که بدان مکان مقدس رسیدند بعد از زیارت و آستان بوسی محاسبه وجه نذریه را فرموده، هفده هزار تومان باقی مانده بود. قدری را نقد تحویل فرمودند که خشت طلا ساخته شده در رواق مبارک مصروف شود و قدری را هم مقرر فرمودند که از اصفهان روانه فرمایند تا تمام تنخواه نذر پرداخته آید ... ».

در دار الشفایی که کنار مدرسه فیضیه برای آستانه مقدس ساخته بود جراح و طبیبی را مرسوم سالیانه از سرکار خسرو گیتی‌مدار معین رفت که مرضای زوار و غربای آن مزار کثیر الانوار را معالجه نموده و مطالبه حق العلاج ننماید . قریه تبرته از روستاهای بلوک ساروق اراک را «از حکام شرع خریده وقف آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها السلام کرد که حال در

تصرف خدام آستانه مزبور است ».
در رمضان ۱۲۴۴ دیه سر تومن از روستاهای بلوك فراهان را نیز بر آستانه قم وقف داشت كه وقف‌نامه آن در دفتر آستانه مقدس نگاهداری می‌شود . وقف‌نامه‌ای دیگر از او مربوط به هفت نسخه از مصحف شریف كه در ۱۹ رمضان ۱۲۱۶ بر همین آستانه مقدس نیاز داشته بود در اسناد پایان همین مجموعه هست. در اواخر شوال سال ۱۲۴۲ قندیلی كه به هزار و دویست مثقال زر احمر و انواع لئالی و گوهر موزون

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۳۱

و مشحون بود و مقومان آن را به پنج هزار تومان قیمت كرده بودند به مضجع بضعه معصومه محترمه احمدی به شهر قم ایفاد رفت . متن وقف‌نامه این قندیل مورخ به همین تاریخ نیز در اسناد پایان این مجموعه هست .
او برای خود مقبره‌ای نیز در جوار حرم مطهر در ضلع شمالی صحن عتیق بنیاد نهاد. در آغاز كار «وقتی كه فخر الدوله به عتبات عالیات رفت مقرر فرمود كه به‌قدر پنجاه من از خاك پاك تربت عالی‌رتبت حضرت امام همام حسین بن علی علیهما السلام مخصوص محل مرقد خاقانی آورده باشد و در بارگاه معصومه قم مضجعی لطیف ساختن فرموده، آن تربت پاك را زینت مرقد خود قرار داده و سنگی مرمر را به حجاری و نقاری امر كرد و اشارت راند كه نقش پیكر بی‌مثال خاقانی را بر روی آن مرمر بر وجهی اشبه منقوش و منبت كردند و اشعاری چند بر این حالت از طبع صاف جناب صاحب دیوان میرزا محمد تقی علی‌آبادی صادر و بر آن صفحه محكوك و مثبت افتاد ». او در طول روزگار سلطنت خود مكرر به قم آمد و از بناهای

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۳۲

خویش در آستانه و شهر و از همین مقبره خود دیدار كرد. آخرین دیدار در روز دوشنبه ۱۸ ج ۱- ۱۲۵۰ بود كه برای سه روز در قم توقف داشت و سپس به اصفهان رفت و در شب ۱۹ ج ۲- ۱۲۵۰ در آنجا درگذشت و در روز پنجشنبه ۴ رجب جسد او به قم رسید و در همین مقبره به خاك رفت .
محمد شاه قاجار هم به اقتفای پدر بقعه‌ای برای خود در ضلع غربی همان صحن فراهم آورد كه اكنون مدفن اوست. او در سفر اخیر خود به قم كه در اواخر زندگی انجام داد در تزیین و آرایش این بقعه اهتمام تمام مبذول داشت .
در نیمه دوم قرن سیزدهم و سپس قرن حاضر تغییرات بسیار در آستانه پدیدار شده و بیوتاتی نو افزوده شده است كه شرح آنها در كتاب‌های مربوط- به‌خصوص راهنمای قم- آمده و نیازی به بازگو كردن آنها نیست. مهمترین این تغییرات بنای صحن نو به وسیله میرزا ابراهیم و میرزا علی اصغر خان امین السلطان در سال‌های ۱۲۹۹- ۱۳۰۵ و ملحقات آن از ایوان آینه و مأذنه‌ها و جز آن است. آغاز بنای این صحن را ماجراهاست كه در جای خود باید نقل شود و در برخی مصادر نیز به اجمال از آن یاد رفته است .
از این دوره نوشته‌های مورخ بر بناها و درها و جز آن در حرم و ملحقات آن بسیار دیده می‌شود كه این بحث را با فهرست اجمالی برخی از آنها- كه مربوط به خود حرم نه مقابر و بقاع و بیوتات وابسته به آن است- به پایان می‌بریم:

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۳۳

۱۲۷۴ پایان كتابه ضریح سیمین حاكی از ساخت و نصب آن در این سال (ماده تاریخ در دیوان سروش: ۱۲۷۶)

۱۲۷۶ تاریخ درهای خاتم تقدیمی میرزا نصر اللّه فراهانی

۱۲۷۸ تاریخ ساعت اهدائی مشكوة الملك

۱۲۸۵ تاریخ بنای مأذنه‌های ایوان طلا به وسیله حسین خان شهاب الملك شاهسون

۱۲۹۳ انجام کتابه در خاتم تقدیمی عزت الدوله خواهر ناصر الدین شاه

۱۲۹۶ انجام کتیبه سردر کریاس راهرو میان دو صحن

۱۳۰۱ انجام کتیبه ایوان شمالی صحن عتیق

۱۳۰۱ تاریخ تذهیب قبه مأذنه‌های ایوان طلا به وسیله کامران میرزا نایب السلطنه

۱۳۰۲- ۱۳۰۵ پایان کتیبه‌های صحن نو و ایوان‌ها و سردرهای آن

۱۳۰۵ تاریخ پوشانیدن ازاره حرم با سنگ مرمر به وسیله اسماعیل خان امین الملک برادر امین السلطان (تحفة الفاطمیین ۱: ۱۴۲)

۱۳۱۰ پایان کتابه در سیمین تقدیمی حسینقلی خان نظام السلطنه

۱۳۱۴ کتابه در سیمین دیگر از همو

۱۳۱۸ پایان کتیبه رواق جنوبی حرم حاکی از تعمیر آن با افزودن همین کتیبه به دستور امین السلطان

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴

[ضمیمه] کتاب‌نامه مآخذ مربوط به آستانه قم

أ- کتاب‌ها و رسائل مستقل:

۱- برقعی، سید علی اکبر: راهنمای قم، نشریه دفتر آستانه قم، ۱۳۱۷ ش، رقعی، ۱۷۱ ص+ ۶۴ ص عکس.

۲- صحفی، سید مهدی: زندگانی حضرت معصومه، کتابفروشی صحفی [قم]، ۱۳۴۷ ش، رقعی، ۱۲۳ ص.

از این کتاب ملخصی نیز در ۷۶ ص به قطع جیبی چاپ شده است.

۳- محمدی اشتهاردی، محمد: زندگی‌نامه حضرت معصومه، انتشارات علامه [قم]، ۱۳۵۰ ش، جیبی، ۲۰۲ ص+ ۱۶ ص عکس.

۴- مفلس، شیخ محمد حسین: احوالات حضرت فاطمه معصومه، مخطوط .

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۵

۵- منصوری، مهدی: حیاة الست یا زندگانی حضرت معصومه، کتابفروشی صحفی [قم]، ۱۳۸۰ ق، رقعی، ۳۲ ص.

چاپ‌های دیگر هم دارد.

ب- چند مأخذ قدیم که ذکر آستانه قم در آن آمده است:

به ترتیب تاریخ تدوین:

۱- قمی، جعفر بن محمد بن قولویه درگذشته ۳۶۸- ۳۶۹ ه: کامل الزیارات، چاپ نجف- ۱۳۵۶ ق، به اهتمام عبد الحسین امینی تبریزی، صفحه ۳۲۴.

۲- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی درگذشته ۳۸۱: عیون اخبار الرضا، چاپ قم- ۱۳۷۷ ق، جلد دوم، ص ۲۶۷.

۳- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی: ثواب الاعمال، چاپ سنگی تبریز- ۱۲۹۸ ق، صفحه ۵۶.
۴- قمی، حسن بن محمـد بن حسن: کتاب قم [تألیف به سال ۳۷۸ ه]، ترجمه فارسی، چاپ ۱۳۱۳ ش- تهران، به کوشش سید جلال الدین تهرانی، صفحه ۲۱۳- ۲۱۷.
۵- رازی قزوینی، عبد الجلیل بن ابی الحسـین بن ابی الفضل: النقض (نگاشـته پیرامون سال ۵۶۰ ه)، چاپ ۱۳۷۱ ق- تهران، به کوشش میر جلال الدین محدث ارموی، ص ۱۶۴/ ۱۶۵/ ۲۲۰/ ۶۴۳.
۶- ابن اسـفندیار، بهاء الـدین محمـد بن حسن کاتب: تاریخ طبرسـتان [نگاشـته سال ۶۱۳ ه] ملحقـات- قسم سوم، چـاپ کلاله خاور- تهران، ص ۱۶۰- ۱۶۱.
۷- رشید الدین فضل اللّه: جامع التواریخ، چاپ کتابفروشی اقبال- تهران، ۱۳۳۸ ش، به کوشش بهمن کریمی، ص ۸۰۸- ۸۰۹.
۸- مستوفی، حمد اللّه: تاریخ گزیده [نگاشته شده به سال ۷۳۰ ه]، چاپ تهران- ۱۳۳۶ ش، به کوشش عبد الحسین نوائی، ص ۲۰۵.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۶

ج- چند مأخذ دیگر:

مآخـذی که در زیر نام برده می‌شود چند نمونه از کتاب‌هایی به دو زبان فارسـی و عربی است که هریک بخش و عنوانی برای آستانه قم دارد کتـاب‌نامه تفصـیلی این‌گونه مصادر و کتاب‌هایی دیگر که از آن نکته یا نکاتی در این باب و درباره تحولات آسـتانه اسـتفاده می‌شود- مانند تقریبا همه کتابهای تاریخ دوره صـفوی و پس از آن، و بسیاری از دیوان‌های شعر- نیز مقالات مربوط، کتابی می‌خواهد.

۱) رازی- محمد: آثار الحجهٔ، چاپ قم- ۱۳۳۲ ش، جلد یکم ص ۷- ۱۰.
۲) ارباب قمی- محمد: اربعین الحسینیه، تهران- ۱۳۳۰ ق، ص ۴- ۷.
۳) دالمانی- هانری رنه: از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره‌وشی، چاپ تهران- ۱۳۳۵، ص ۸۵۰- ۸۵۷.
۴) فیض- عباس: انجم فروزان، چاپ قم- ۱۳۲۲، ص ۵۶- ۱۴۴.
۵) ارجسـتانی کچوئی- محمد علی: انوار المشعشعین، مجلد سوم، باب هفتم، نور مشعشع سوم: ص ۲۶۸- ۲۷۵ عکس کتابخانه آقای مرعشی- قم.
۶) زاهد جلیل (و) رهتابی محمد رضا: ایران زمین، چاپ تهران- ۱۳۴۸، ص ۱۳۴- ۱۳۵.
۷) مجلسی- محمد باقر: بحار الانوار، چاپ کمپانی، جلد یازدهم- ص ۳۱۷ و چهاردهم- ص ۳۴۰ و بیست و دوم- ۲۹۶/ ۲۹۷.
۸) فیض- عباس: بدر فروزان، چاپ قم- ۱۳۲۴، ص ۵- ۶.
۹) بدایع نگار- میرزا مهدی خان: بدایع الانوار فی احوال سابع الائمهٔ الاطهار، چاپ ۱۳۰۶ ق- تهران، ص ۲۸۵- ۲۸۸.
۱۰) حسینی قمی- محمد مهدی: بوارق، نسخه ش ۱۸۶ کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار وش ۳۷۱۰ کتابخانه ملی ملک- تهران.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۷

۱۱) ارباب- محمد تقی بیک: تاریخ دار الایمان قم: چاپ قم- ۱۳۵۳، ص ۳۳- ۳۷.
۱۲) فیض- علی اکبر: تاریخ قم، مخطوط، باب سیزدهم و باب چهاردهم.

۱۳) فقیهی- علی اصغر: تاریخ مذهبی قم، چاپ قم- ۱۳۵۰، ص ۸۴- ۹۶.

۱۴) طباطبائی تبریزی- محمد حسن: تبصرهٔ المسافرین نسخه ش ۱۴ ب کتابخانه دانشکده ادبیات تهران، ص ۱۱- ۲۲.

۱۵) آل بحر العلوم- جعفر: تحفهٔ العالم فی شرح خطبهٔ المعالم، چاپ نجف- ۱۳۵۵ ق، جزء دوم: ص ۳۶- ۳۷.

۱۶) مفلس- شیخ محمد حسین: تحفهٔ الفاطمیین، باب سوم از مجلد اول، ص ۷۶- ۲۵۳ نسخه اصل.

۱۷) ضیاء السلطنه- میرزا علی مشتاقی نعمت‌اللهی: تحفهٔ الفقرا، چاپ شده در مجلد ۱۶ فرهنگ ایران‌زمین، ص ۱۷۴- ۱۸۴.

۱۸) فیض- عباس: جدی فروزان، چاپ قم- بی‌تاریخ، ص ۸۸- ۱۰۹.

۱۹) کجوری- شیخ باقر واعظ: جنهٔ النعیم، چاپ تهران- ۱۲۹۶ ق، ص ۴۵۹.

۲۰) فخر الواعظین خلخالی- محمد باقر: جنات ثمانیه، نسخه ش ۲۸ تاریخ آستان قدس رضوی خاتمه کتاب.

۲۱) قرشی- باقر شریف: حیاهٔ الامام موسی بن جعفر، جلد دوم، چاپ دوم [نجف- ۱۳۹۰ ق] ص ۴۳۸- ۴۳۹.

۲۲) حسینی رضوی- صفی الدین محمد: خلاصهٔ البلدان، مطلب پانزدهم از فصل سوم از باب چهارم.

۲۳) سقازاده- رضا: دریای سخن، چاپ تهران- کتابفروشی مصطفوی، جلد یکم، ص ۱۸۹- ۱۹۹.

۲۴) مقدس‌زاده- محمد: رجال قم، چاپ تهران- ۱۳۳۵، ص ۶۷- ۷۳.

۲۵) خوانساری- محمد باقر: روضات الجنات، چاپ هشت جلدی جدید، جلد چهارم، ص ۸- ۹.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۸

۲۶) محلاتی- ذبیح اللّه: ریاحین الشریعهٔ در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه، جلد پنجم، چاپ تهران- ۱۳۷۵ ق، ص ۳۱- ۳۶.

۲۷) خوانساری- محمد بن علی اکبر: ریاض الرضا، مخطوط، روضه هیجدهم و نوزدهم.

۲۸) خوانساری- جمال الدین محمد: زیارات، نسخه کتابخانه آقای مرعشی- قم، خاتمه کتاب در زیارت معصومه قم و عبد العظیم (ذریعه ۲۰: ۳۱۷).

۲۹) کارری- جملی: سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبد العلی کارنگ، چاپ تبریز- ۱۳۴۷، ص ۵۴- ۵۶.

۳۰) دولاواله- پیترو: سفرنامه، ترجمه شعاع الدین شفا، چاپ بنگاه ترجمه و نشر کتاب- تهران، ص ۴۳۵- ۴۳۶.

۳۱) دیولافوا- مادام: سفرنامه، ترجمه فره‌وشی، چاپ تهران- ۱۳۳۲، ص ۱۸۵- ۱۸۸.

۳۲) فلاندن- اوژن: سفرنامه، ترجمه حسین نور صادقی، چاپ دوم [اصفهان- ۱۳۲۴] ص ۱۰۵- ۱۰۶.

۳۳) فوریه: سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال، چاپ تهران- ۱۳۲۶، ص ۲۵۸- ۲۶۰.

۳۴) نظام الملک- میرزا عبد الوهاب خان: سفرنامه تهران به شیراز، چاپ شده در فرهنگ ایران‌زمین- مجلد سیزدهم، ص ۲۰۱- ۲۰۵.

۳۵) افضل الملک- میرزا غلامحسین خان: سفرنامه قم، نسخه شماره ۶۹۷ کتابخانه مجلس شورای ملی- تهران، ص ۷۳- ۷۶/ ۲۰۶- ۲۳۳/ ۴۳۷- ۴۵۸.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹

۳۶) قمی- حاج شیخ عباس: سفینهٔ البحار، چاپ افست کتابفروشی سنائی- تهران، جلد دوم، ص ۳۷۶- ۳۷۷ و ۴۴۶.

۳۷) شاردن: سیاحت‌نامه، ترجمه محمد عباسی، جلد سوم، چاپ امیر کبیر- تهران [۱۳۳۶]، ص ۶۲- ۷۸.

۳۸) مدرسی طباطبائی- حسین: فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق قویونلو، چاپ قم- ۱۳۵۲، ص ۳۸- ۴۳/ ۶۲- ۶۷/ ۸۲- ۸۷/ ۱۱۸- ۱۲۳.

۳۹) فرهنگ ایرانزمین، مجلد نوزدهم، تهران- ۱۳۵۲، ص ۱۱۸- ۱۳۵.
۴۰) تهران- سازمان حفاظت آثار باستانی ایران: فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، چاپ تهران- ۱۳۴۵، ص ۱۸۳- ۱۸۴.
۴۱) تستری- محمد تقی: قاموس الرجال، چاپ مرکز نشر کتاب- تهران، جلد یازدهم، ص ۳۰.
۴۲) مدرسی طباطبائی- حسین: قم در قرن نهم هجری، چاپ قم- ۱۳۵۰، ص ۱۲۶- ۱۳۵.
۴۳) قم- اداره فرهنگ: قم را بشناسید، چاپ قم- ۱۳۲۸، ص ۵۰- ۵۱ و ۳۷.
۴۴) تاورنیه- ژان باپتیست: کتاب تاورنیه، ترجمه ابو تراب نوری، چاپ تهران- ۱۳۳۱ ق، ص ۱۳۷- ۱۴۰.
۴۵) ارباب- محمد تقی بیگ: کتابچه حالات دار الایمان قم، مخطوط، فیلم ۳۸۴۳ دانشگاه، ۳۱ ر- ۳۲ پ.
۴۶) افضل الملک- غلامحسین خان: کتابچه تفصیل و حالات دار الایمان قم، نسخه ش ۵۵۱۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۹.
۴۷) فیض- عباس: گنجینه آثار قم، جلد یکم، چاپ قم- ۱۳۴۹، ص ۳۷۷- ۶۶۹.
۴۸) رازی- محمد: گنجینه دانشمندان، جلد یکم، چاپ تهران- ۱۳۵۱، ص ۱۲- ۲۵.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰
۴۹) محلاتی- ذبیح اللّه: مآثر الکبراء فی تاریخ سامراء، جلد سوم، چاپ تهران- ۱۳۲۸، ص ۲۴۵- ۲۴۸.
۵۰) عمادزاده- حسین: مجموعه زندگانی چهارده معصوم، جلد دوم، چاپ دوم [تهران- ۱۳۳۴]، ص ۳۷۳- ۳۸۰.
۵۱) ناصر الشریعه- محمد حسین: مختار البلاد یا تاریخ قم، چاپ دوم، به کوشش علی دوانی، قم- ۱۳۴۲، ص ۷۳- ۱۱۳.
۵۲) کرمانشاهی- آقا احمد: مرآت الاحوال، فصل هشتم از مقصد نخست از مطلب پنجم (ش ۵۵۵۱ کتابخانه مجلس).
۵۳) کاشانی- محمد هادی بن شاه مرتضی: مستدرک الوافی، کتاب روضه (مجلد آخر)، جزء ۱۲، باب ما جاء فی فضل قم و آبه و اهلهما، ۶۵ ر/- ۶۷ پ نسخه اصل متعلق به آقای سید محمود مرعشی در قم.
۵۴) نوری- حاجی میرزا حسین: مستدرک الوسائل، چاپ عکسی کتابفروشی اسلامیه- تهران، جلد دوم، ص ۲۲۷.
۵۵) آل کمونه حسینی- عبد الرزاق: مشاهد العترة الطاهرة و اعیان الصحابة و التابعین، چاپ نجف- ۱۳۶۷ ق، ص ۱۶۳- ۱۶۴.
۵۶) قمی- حاج شیخ عباس: مفاتیح الجنان، خاتمه باب سوم (باب زیارات) مطلب دوم.
۵۷) خراسانی- ملا هاشم: منتخب التواریخ، چاپ علمیه اسلامیه- تهران، ص ۴۸۹- ۴۹۸.
۵۸) قمی- حاج شیخ عباس: منتهی الامال، تهران- ۱۳۳۱ (کتابفروشی علمیه اسلامیه)، جلد دوم، ص ۱۶۱- ۱۶۲.
۵۹) سپهر- عباسقلی: ناسخ التواریخ، جزء امام کاظم، چاپ تهران- ۱۳۶۶ ق، جلد سوم، ص ۶۷- ۷۱.
۶۰) عاملی- محمد بن حسن، شیخ حر: وسائل الشیعه، چاپ جدید در بیست مجلد، جلد دهم، ص ۴۵۱- ۴۵۲.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱
۶۱) سایکس- سرپرسی: هشت سال در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ اصفهان- ۱۳۱۵، جلد یکم، ص ۱۵۹- ۱۶۳.
۶۲) معیر الممالک- دوست علی: یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصر الدین شاه، چاپ تهران ص ۱۵۵- ۱۵۷.
*** با آن‌که بنا نبود در این کتاب‌شناسی از مقالات مربوط به آستانه مقدس قم سخنی رود مشخصات دو مقاله که بسیار سودمند و ارزنده است در پایان این کتاب‌نامه آورده می‌شود:
* ستوده- منوچهر: کتیبه‌های آستانه مقدسه قم (مرقد مطهر)، معارف اسلامی- نشریه سازمان اوقاف-، شماره ۲ دوره جدید

(۱۶ مسلسل)- بهار ۱۳۵۳، صفحات ۳۲- ۳۸.
* همایونی- صادق: تعزیه حضرت معصومه (گوشه‌هایی از فولکور ایران)، مجله کاوه- چاپ مونیخ، آلمان غربی-، شماره ۴۱ و ۴۲- مرداد ۱۳۵۱، صفحات ۱۸۵- ۱۹۲.
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴

۲ مجموعه [بنا]

اشاره

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵
آستانه قم در حال حاضر مرکب از این بناها و «بیوتات» است:
۱- خاکجای حضرت ستی فاطمه و بقعه فراز آن با رواق‌ها، و دو مسجد بالاسر و موزه، و دو ایوان طلا- و آینه، و گنبد و مناره‌ها.
۲- صحن عتیق با سردر شمالی آن و مقابر پادشاهان قاجار.
۳- صحن نو با ایوان‌ها و سردرها و مناره‌ها.
۴- مقابر پادشاهان صفوی در مجاورت تربت منور.
سبک ترکیب بیوتات و مرافق مزبور چنین است:
در میان، بقعه منور است که بر فراز تربت شریف بنیاد گردیده و گرداگرد آن رواق‌هاست. در شمال بقعه ایوان طلا و در شرق ایوان آینه دو مدخل رئیسی حرم است که برابر هر یک صحنی گسترده (در شرق صحن نو و در شمال صحن عتیق) قرار دارد. رواق غربی بقعه به مسجد بالاسر می‌پیوندد که مسجد نو بنیان «اعظم» اثر مرحوم آیت اللّه بروجردی پیشوای پیشین شیعه در مجاورت آن قرار گرفته است. در سوی جنوب و جنوب غربی مقابر پادشاهان صفوی و پس از آن صحن مقابر مزبور است که اکنون به مسجد موزه تبدیل یافته است.
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶

۱- حرم و بیوتات متبرک

تربت منور [تصاویر شماره ۲- ۱۲]:

مرقد شریف حضرت ستی فاطمه در میان بقعه با بلندی ۲۰/ ۱ و درازا و پهنای ۹۵/ ۲ در ۲۰/ ۱ متر قرار گرفته و با کاشی‌های نفیس و زیبای زرفام آغاز قرن هفتم پوشیده شده است. سازنده این کاشی‌ها محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین است که چند اثر دیگر از او می‌شناسیم.
کاشی‌های روی مرقد که لوح مزار شمرده می‌شود مرکب از پانزده قطعه خشت بزرگ (۶۰* ۴۰ س م) است که در پنج ردیف- هر ردیف سه عدد- قرار گرفته و متن آن با نقش و نگارهای ظریف و کتابه‌های قرآنی به این شرح

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۷

تزیین یافته است.

۱- گرداگرد خشت‌ها در لبه مرقد از چهار سو کتیبه‌ای است به ثلث برجسته در زمینه گل و بوته طلائی که متن آن صلوات کبیر است به این شرح:

اللهم صل علی المصطفی و المرتضی و البتول و الحسن المجتبی و الحسین الشهید و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و الزکی و العسکری و الامام المنتظر المهدی صلوات اللّه علیهم اجمعین و اصحابه الغر الراشدین. اللهم وال من والاهم و عاد من عاداهم و انصر من نصرهم و اخذل من خذلهم و العن من ظلمهم و عجل فرجهم و اهلک اعدائهم. اللهم احشرنا مع آل طه و یس بمحمد و الائمة الهادین .

۲- سپس کتیبه‌ای دیگر است با پهنای بیش از ۱۵ سانتی‌متر گرداگرد مرقد به ثلث برجسته که متن آن پس از بسمله «آیة الکرسی است تا «یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ. أُولئِکَ» و کتیبه در همین‌جا پایان می‌گیرد. آغاز این کتیبه از گوشه راست پایین مرقد است.

۳- پس از آن کتیبه‌ای دیگر است گرداگرد مرقد با پهنای چند سانتی‌متر به نسخ ریز متضمن آیات ۱۶- ۳۷ سوره آل عمران که از گوشه راست بالای

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۸

مرقد با «بسمله» آغاز شده و در همان‌جا با عبارت «صدق اللّه العظیم» انجام گرفته است.

۴- پس از آن گرداگرد کتیبه‌ای دیگر است به خط کوفی دوره تکامل با پهنایی همانند کتیبه دوم که متن آن آیه «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ ...» است تا عبارت «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا» .

این کتیبه در بالای لوح مزار نزدیک نخستین ردیف کاشی‌ها با انحراف و انحنا به داخل متن به شکل سه گوشه درآمده و به این ترتیب دولچکی از نقش و نگارهای زیبا و ظریف در پیشانی لوح پدید آمده است که برحسب معمول لوح‌های مشابه با دو گوی فیروزه‌فام در دو سو آراسته شده است.

۵/ ۶- آرایش اسپر تولیدشده از انحناء کتیبه مزبور تا پایین نقش و نگارهای بدیع همانند لچکی‌های پیشانی است جز آن‌که گرداگرد دو خشت میانه ردیف سوم و چهارم در دو سو و بالا کتیبه‌ای با پهنای حدود ده سانتی‌متر به ثلث طلایی مشتمل بر شش آیه آغاز سوره تبارک (تا «عَذابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ. صدق اللّه العظیم») و در خشت میانه ردیف چهارم گذشته از آن کتیبه سه جانبی دیگری نیز با پهنای چند سانتی‌متر متضمن آیات ۱۰- ۱۳ سوره یونس (تا «فَلَمَّا کَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ») به ثلث ریز قرار دارد.

به این ترتیب بر روی کاشی‌های لوح مرقد چهار کتیبه سراسری و دو کتیبه سه جانبی یکی گرد دو خشت میانه و دیگری گرد خشت وسط ردیف چهارم قرار دارد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۹

و جز اینها عبارت زیر نیز در بالای خشت میانه ردیف پایین به خط برجسته میان چهارگوشه‌ای مستطیل خوانده می‌شود:

کتبه و عمله محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین

بدنه مرقد از چهار سو با قطعات بزرگ و کوچک کاشی آراسته شده و در بالا و پایین آن، دو کتیبه پهن بر خشت‌های بزرگ به ثلث درشت زیبا در زمینه آراسته میان دو حاشیه چند سانتی‌متری از آیات قرآنی دیده می‌شود. متن کتیبه درشت بالا که

مانند همه نوشته‌های دیگر بدنه از زاویه شمال غربی آغاز می‌شود چنین است:
امر بترکیب هذه الکتابة الصینیة العبد الضعیف الفقیر المحتاج الی رحمة اللّه تعالی و غفرانه مظفر بن احمد بن اسمعیل ابن الوزیر الشهید معین الدین احمد بن فضل بن محمود ابتغاء لمرضاة اللّه تعالی و تقربا الیه و الی رسوله محمد و آله الطاهرین صلوات اللّه علیه و علیهم اجمعین. اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات برحمتک یا ارحم الراحمین. کتبه ابو زید فی الثانی من رجب سنة ۶۰۲. تربت پاکان ؛ ج۱ ؛ ص۴۹
حاشیه بالای این کتیبه سوره یس تا آیه ۴۱ و در حاشیه پایین آیات ۴۲- ۸۲ نوشته شده. و دو آیه باقی‌مانده این سوره و سپس سوره «هَلْ أَتى» در حاشیه بالای کتیبه درشت خط پایین- که متن خود آن دو آیه پایان سوره بقره: «آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ...» با رقم و عبارت «صدق اللّه العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین. کتبه ابو زید» در پایان است- خوانده می‌شود. حاشیه زیرین این کتیبه نیز سوره «الرحمن » است.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰
آرایش بدنه در فاصله این کتیبه‌ها پنج ردیف قطعات کاشی کوکبی و نیمه کوکبی با متن نقش و نگار و حاشیه‌ها از سوره‌های کوچک و روایات کوتاه مذهبی و گاه ابیات فارسی به خط نسخ است که فواصل میان آنها را با قطعات کاشی فیروزه‌ای پر کرده‌اند. چهار لبه بدنه مرقد در زاویه‌ها از هر دو سو آراسته به حاشیه‌ای با پهنای نزدیک بیست سانتی‌متر از خشت‌های زمینه طلایی محرابی شکل با نقش و نگار در متن و روایات کوتاه و عبارات مقدس در حاشیه است که از کاشی‌های بدنه متمایزند و در پایان کتابه حاشیه یکی از آنها رقم «کتبه علی بن محمد بن ابی طاهر» دیده می‌شود.

دیواره کاشی (تصاویر شماره ۱۳- ۱۸):

گرداگرد مرقد منور دیواره‌ای به بلندی دو متر، و درازا و پهنای تقریبی ۴/۸۰ *۴/۴۰ متر قرار دارد که آن را اعتماد الدوله قاضی جهان حسینی در سال ۹۵۰ بنیاد نهاده و با کاشی معرق آراسته است. این دیواره اکنون با ضریح سیمین پوشیده است.
زمینه کاشی‌های مزبور لاجوردی و نقش و نگار، و در قسمت بالای دیواره کتیبه‌ای است به ثلث سفید با پهنای تقریبی بیست سانتی‌متر و با این متن:
اللهم صل علی النبی محمد المصطفی و صل علی الامام علی المرتضی و صل علی سیدة النساء العالمین (کذا) و ... و صل علی الامام زین العابدین و صل علی الامام الباقر محمد و صل علی الامام الصادق جعفر و صل علی الامام الکاظم موسی
تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱
و صل علی الامام علی الرضا و صل علی الامام محمد التقی و صل علی الامام علی النقی و صل علی الامام العسکری و صل علی الامام التمام محمد المهدی الهادی صاحب الزمان و خلیفة الرحمن القائم بالحق الداعی الی الصدق المطلق صلوات اللّه علیه و علیهم.
اتفق عمارة هذه الروضة المنورة المقدسة التی شرفتها سمیة قرة عین النبی فاطمة بنت مولانا و سیدنا ابی ابراهیم موسی ابن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین اخوه الحسن بن علی بن ابی طالب و عمة محمد التقی و علی النقی و الحسن الزکی و محمد المهدی صاحب العصر و الزمان و خلیفة الرحمن [فی زمن] باسط مهاد الامن و الامان ما حی الکفر و الطغیان ناشر العدل و الاحسان هادی الخلائق الی اشرف الادیان السلطان ابن السلطان ابو المظفر طهماسب بهادر خان خلد اللّه تعالی ملکه و سلطانه و

افاض علی العالمین بره و احسانه و ابد ظلال معدلته علی مفارق المسلمین الی یوم الدین. کتبه علی الحسینی سنه ۹۵۰.
در هریک از سه ضلع شمالی و جنوبی و شرقی دو چهار گوشه مستطیل برای دیده شدن مرقد منور به‌جای گذارده شده و اکنون جز آن در قسمت پایین پا (شرقی) به مقدار یک در برای ورود به داخل روضه مقدس باز و مرقد شریف به درستی و کمال نمودار است.
در جانب راست این درگاه، در آغاز بدنه شرقی میان تزیینات نقش و نگار کاشی، ترنجی است چهارگوشه که در میان آن این عبارات به ثلث دیده می‌شود:
امر ببناء هذه العمارة ...
اعتماد الدولة القاهرة القاضی جهان الحسینی
مدخل ورود روضه مقدس پیش‌تر از سوی شمال بوده که فتحعلی شاه دری
تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲
پوشیده با صفحات زرین بر آن نیاز داشته است. بالای این در- چنان‌که در تصویر دیده می‌شود- قصیده‌ای از فتحعلی خان صبا در بیست و دو بیت نوشته شده و بیت آخر آن چنین است:
بنوشت صبا ز بهر تاریخزرین بود این در از شهنشاه
که برابر با سال ۱۲۱۳ است.
این دیواره کاشی- چنان‌که گذشت- با ضریح سیمین پوشیده شده است.
در پایه ضریح مزبور بر سنگ‌های مرمر قصیده‌ای از صبا با تاریخ ۱۲۴۰ و بر بالای ضریح قصیده‌ای از شاعری قمی کتیبه بوده که در تعویض اخیر نیز عینا تجدید گردیده است .

حرم [تصاویر ۱۹- ۲۰]:

بقعه‌ای که اکنون بر فراز تربت منور استوار است از آغاز دوره صفوی است و چنان‌که گذشت آن را شاه بیگی بیگم دختر مهماد بیک بکتاش موصلو، همسر شاه اسماعیل به سال ۹۲۵ در جای ساختمان پیشین حرم بنیاد نهاده است. باز گذشت که مقرنس‌کاری سقف در میانه قرن دوازدهم تجدید شده است.
بدنه و سقف این بنا آراسته به کاشی‌های نفیس معرق بوده که در میانه قرن سیزدهم به وسیله کیکاوس میرزا فرزند فتحعلی شاه- که آن هنگام حاکم قم بود- با آینه پوشیده شده است. از آرایش‌های کاشی ظریف قرن دهم تنها مشبک‌های گرداگرد برجای مانده که نمودار چگونگی تزیینات پیش است.
نمای عمومی بنا از سطح بقعه تا بالای نخستین کتیبه سراسری- که مسافت
تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳
تقریبی آن به شش متر و اندی می‌رسد- هشت گوشه با هشت صفه در اضلاع بقعه است و پس از آن قاعده گنبد و سقف با مقرنس‌های تزیینی به تعداد زیاد قرار دارد.
از اره بنا تا نزدیک یک متر و نیم از سنگ مرمر است و پس از آن کتیبه‌ای سراسری از کاشی معرق به خط ثلث طلایی و سفید در زمینه لاجوردی با پهنای سی و چند سانتی‌متر میان دو حاشیه از کاشی فیروزه‌ای دیده می‌شود. این کتیبه در

درگاه‌های هشت‌گانه بریده می‌شود و آغاز آن کنار در ورود از ایوان طلا و انجام آن در جانب دیگر همین در است. با این تذکر که پیش‌تر میان حرم و رواق جنوبی (خاکجای شاه صفی) با دیواره‌ای گویا مشبک بسته بوده و قسمتی از کتیبه نیز بر این دیوار قرار داشته است که پس از تغییر شکل بقعه شاه صفی و برداشته شدن دیواره، آن قسمت از کتیبه بر دیوار غربی بنای مقبره- که کتیبه اصلی آن فروریخته بود- نصب، و در ردیف آن باقی کتیبه با استفاده از متن و خط کتیبه حرم تکمیل شده است. با نقل این قسمت از کتیبه حرم به رواق مزبور، دو کلمه پایان روایتی که در اینجا نوشته بوده بر پایه شرقی درگاه جنوبی برجای مانده است که در متن منقول کتیبه خواهیم دید.

متن این کتیبه چند حدیث نبوی است درمورد دوستی خاندان پیغمبر و ستایش از پیروان آنان، که تکمیل بحث را به نقل آن تبرک می‌جوید:

بسمه تیمنا بذکره- روی عن الامام الذی هو بالحق ناطق ابی عبد اللّه جعفر الصادق علیه الصلوۀ و السلام مسندا الی رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم: اذا کان یوم القیامۀ نادی مناد ایها الخلائق انصتوا فان محمدا یکلمکم [درگاه شمال غربی] فینصت الخلائق فیقول النبی یا معشر الخلائق من کان له عندی ید او منۀ او معروف فلیقم حتی اکافیه فیقولون بآبائنا

و امهاتنا ای ید او منۀ او معروف لنا الیک و المنۀ و المعروف [درگاه غربی] للّه و لرسوله علی جمیع الخلائق. فیقول بلی من آوی احدا من اهل بیتی و رواهم و کساهم من عری و اشبع جائعهم فلیقم حتی اکافیه فیقوم اناس قد فعلوا ذلک فیأتی النداء من عند اللّه یا محمد یا حبیبی [درگاه جنوب غربی] قد جعلت مکافاتهم الیک الجنۀ فاسکنهم من حیث شئت، قال فیسکنهم فی حیث الوسیلۀ. قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: شیعۀ علی هم الفائزون [درگاه جنوبی] بقلبه و لسانه. صدق رسول اللّه. قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم مثل اهل بیتی کمثل سفینۀ نوح من رکب فیها نجی و من تخلف عنها غرق. صدق رسول اللّه. قال النبی [درگاه جنوب شرقی] صلی اللّه علیه و آله و سلم انی اوشک ان ادعی فاجیب و انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی فانظروا کیف تخلفوننی فیهما. صدق. قال النبی صلی اللّه [درگاه شرقی- ایوان آینه] علیه و آله و سلم الجنۀ حرمت علی من ظلم اهل بیتی و آذانی فی عترتی و من اصطنع صنیعۀ الی احد من بنی عبد المطلب و لم یجازه علیها فانا اجازیه علیها اذا لقینی غدا یوم القیامۀ. صدق. قال النبی صلی اللّه علیه و آله و اولاده و سلم [درگاه شمال شرقی] و الذی نفس محمد بیده لو ان عبدا جاء یوم القیامۀ بعمل سبعین نبیا ما قبل اللّه ذلک منه حتی یلقیه بولایتی و ولایۀ اهل بیتی. و قال النبی انا و اهل بیتی شجرۀ فی الجنۀ و اغصانها فی الدنیا فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا. صدق رسول اللّه.

کتیبه در همین‌جا در درگاه شرقی پایان گرفته است.

پس از آن بدنه بقعه تا زیر کتیبه سراسری نخستین- که نزدیک سه متر مسافت است- آینه‌کاری است که در دو صفحه زرین پنج سطری با یک متن که میان آینه

کاری‌های دو سوی درگاه ورود شمالی (از سوی ایوان طلا) بر پایه‌ها نصب است تاریخ انجام آن چنین ذکر شده است:

«بنای آینه‌کاری بقعه مبارکه در اواخر دولت خاقان خلد آشیان فردوس مکان اسکنه اللّه فی روضات الجنان فتحعلی شاه قاجار در اوائل دولت بندگان اسکندر شان دارا دربان قیصر پاسبان السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان ابن الخاقان السلطان محمد شاه قاجار خلد اللّه ملکه و دولته الی یوم المیعاد صورت اتمام پذیرفت و بانی این بنا سرکار عظمت مدار نواب

مستطاب والا شاهزاده اعظم کیکاوس میرزا زید عمره و دولته جهت آمرزش خاقان فردوس مکان غفر اللّه له. سنه ۱۲۵۱.
متن کتیبه سراسری یادشده نیز که به خط ثلث برجسته با پهنای بیش از نیم متر گچ‌بری شده است نخست در اسپر درگاه شمالی- بالای در ورود از ایوان طلا- سه بیت عربی در مدح حضرت مولای متقیان با این مطلع و مقطع:

سلام علی سید الاولیاو من جاء فی حبه انما

....

و هل غیره زوج فاطماو فی غیره هل اتی «هل اتی»

و پس از آن سوره دهر و پنج آیه- پایان سوره حشر و سپس با فاصله «قال اللّه تعالی» آخرین آیه سوره فتح (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ ...) است که به جمله «صدق اللّه العظیم و صدق رسوله الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین» در جانب راست همان درگاه پایان می‌پذیرد .

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۵۶

پس از این کتیبه پوشش سقف و پایه‌های آن تا نقطه مرکزی مقرنس‌کاری است که با آینه تزیین شده، و گرداگرد قاعده درونی گنبد- چنان‌که گذشت- هشت مشبک با آرایش‌های ظریف کاشی از پیش برجاست.

گنبد:

بر فراز تربت منور گنبدی به بلندی شانزده متر (از سطح بام) برپاست که در سال‌های ۱۲۱۵- ۱۲۱۸ به دستور فتحعلی شاه پس از برداشتن قبه پیشین بنا و با خشت‌های زرین آراسته‌شده و کار تذهیب آن را «استاد محمود معمار قمی» به پایان برده است.

محیط قسمت استوانه‌ای گنبد از درون حرم ۶۶/ ۲۸ و از بیرون ۶۰/ ۳۵ است که از سطح بام تا نود سانتی‌متر آجرتراش و سپس تا یک متر دیگر از کاشی خشتی فیروزه‌ای، و پس از آن چهار متر باقی‌مانده ارتفاع ساقه گنبد و ۶۰ سانتی‌متر مقرنس روی آن تا نوک گنبد همه با خشت‌های زراندود آراسته شده است .

متن کتیبه گرداگرد گنبد به نستعلیق آقا مهدی ملک الکتاب طهرانی قصیده‌ای از فتحعلی خان صبا به شرح زیر است که در میان هر دو مصرع آن نام‌های پروردگار (یا غفران، یا سبحان، یا حنان، یا منان ...) و میان هر دو بیت نام «السلطان فتحعلی شاه قاجار» به ثلث محمد الحسینی نقش گردیده است. کتیبه از شمال (سمت ایوان طلا) آغاز می‌شود:

آتش موسی عیان از سینه سینا ستی‌یا که زرین بارگاه بضعه موسا ستی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۵۷ بضعه موسی بن جعفر فاطمه کز روی قدرخاک درگاهش عبیر طره حورا ستی

نوگلی رنگین ز طرف گلشن یاسین بودآیتی روشن به صدرنامه طاها ستی

پرتوی از آفتاب اصطفای مصطفاستزهره‌ای از آسمان عصمت زهرا ستی

پستی صحن حریمش را به پا طاق حرم‌کین مکان عزت و آن مسکن عزا ستی

صحن او را هست اقصی پایه عزت چنان‌کز شرف مسجود سقف مسجد اقصا ستی

محمد صادق ناطق اصفهانی قصیده‌ای درباب تذهیب این گنبد دارد که طبق معمول برخی قصائد دیگر او هر مصرع آن ماده تاریخ بناست و متن آن در دیوان وی و چندین مجموعه و جنگ مخطوط کتابخانه‌های دانشگاه و جز آن دیده می‌شود و در بسیاری جاها ازجمله ریحانهٔ الادب ۴: ۱۵۴- ۱۵۶ (چاپ اول) نیز به چاپ رسیده است.

رواق‌ها:

گرداگرد روضه منور را رواق‌های حرم فراگرفته است که در اینجا به اجمال یکایک وصف می‌شود:

در سوی جنوب رواقی با درازا و پهنای ۸/۷۰ در ۵/۷۰ متر قرار دارد که فاصل میانه روضه منور و مسجد موزه است. این رواق که به وسیله امین السلطان در سال ۱۳۱۸ به این‌صورت تزیین گردیده است پیش‌تر به عنوان مقبره شاه صفی شناخته می‌شد و بدنه و سقف آن- بنابر آنچه از وصف‌های سفرنامه‌نویسان اروپایی که در دوره صفوی از قم دیدار کرده‌اند (به‌خصوص شاردن که وصف دقیق‌تری

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۵۸

نموده است) و از تصویر چاپ‌شده در سیاحت‌نامه شاردن برمی‌آید- با تزیینات ظریف هنری آراسته بوده است. گرداگرد بنا کتیبه‌ای سراسری بوده که بر آن سوره جمعه را به خطوط طلایی نقش نموده بودند . لیکن تزیینات مزبور به گذشت روزگار فروریخته و در دوره قاجار چنان که دیدیم تجدید شده است .

ازاره این رواق همانند روضه منور به بلندی ۱/۸۰ متر از سنگ مرمر است که بر فراز آن کتیبه‌ای در بدنه دو سو به خط ثلث طلایی در زمینه لاجوردی بر کاشی معرق میان دو حاشیه هشت سانتی‌متری کاشی فیروزه‌ای دیده می‌شود.

قسمت اول این کتیبه چنان‌که گذشت از همان کتیبه سراسری حرم و باقی آن نیز بر اساس متن و خط آن است. متن کتیبه مزبور در دو بدنه روبه‌روی هم میان درگاه بقعه شاه عباس و حرم، و درگاه رواق جنوب شرقی و حرم عینا یکی است که تکرار شده و آن چنین است:

قال النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم: اربعهٔ انا لهم شفیع یوم القیامهٔ و لو اتوا بذنوب اهل الارض، المکرم لذریتی و القاضی لهم حوائجهم و الساعی لهم فی امورهم عند ما اضطروا الیه و المحب لهم بقلبه و لسانه.

در پایان کتیبه بدنه میان درگاه رواق جنوب شرقی و حرم افزوده شده است:

صدق رسول اللّه صل اللّه [کذا]. حسب الامر حضرت میرزا علی اصغر خان صدر اعظم اتمام یافت ۱۳۱۸.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۵۹

پس از پایان متن پیش در دنباله کتیبه بدنه میان حرم و درگاه بقعه شاه عباس این متن آغاز می‌شود که چند کلمه‌ای در همین بدنه و باقی‌مانده در دو بدنه روبه روی یکدیگر، میان درگاه‌های یادشده تا مسجد موزه نوشته شده است:

قال الصادق علیه السلام: اذا کان یوم القیامهٔ نادی مناد ایها الخلائق انصتوا فان محمدا صلی اللّه علیه و آله یکلمکم فتنصت الخلائق فیقوم النبی صلی اللّه علیه و آله فیقول یا معشر الخلائق من کان له عندی ید او منهٔ او معروف فلیقم حتی اکافیه فیقولون بآبائنا و امهاتنا ای ید او منهٔ او معروف لنا الیک و المنهٔ و المعروف للّه و لرسوله علی جمیع الخلائق، فیقول بلی من آوی احدا من اهل بیتی و رواهم و کساهم من عری و اشبع جائعهم فلیقم حتی اکافیه، فیقوم اناس قد فعلوا ذلک فیأتی النداء من عند اللّه یا محمد یا حبیبی قد جعلت مکافاتهم الیک الجنهٔ فاسکنهم من حیث شئت، قال فیسکنهم فی حیث الوسیلهٔ.

بالای این کتیبه بدنه و سقف بنا سراسر آراسته به کاشی‌های معرق لاجوردی همین دوره است که در میان آنها پایین قوسی غربی طاقبند مجاور حرم عبارت «عمل حاجی غلامعلی» خوانده می‌شود.

بالای سقف این رواق سراسر غرفه‌ای است که از یک سو به روضه منور و از سوی دیگر به دیوار مسجد موزه می‌پیوندد.

*** در مدخل روضه منور از سوی ایوان آینه در شرق نیز رواقی است که اکنون از جنوب تا رواق جنوبی و از شمال تا کنار

دار الحفاظ ادامه یافته، و به این ترتیب گرداگرد روضه را از جنوب تا آخرین نقطه زاویه شمال شرقی فراگرفته است.
این رواق‌ها که سراسر آراسته به آینه‌کاری (با ازاره مرمر) و ازهمین‌رو دارای جلوه‌ای خاص است جایگزین تقسیمات پیشین است که به عنوان مسجد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰

پایین پا و خزانه و کشیک‌خانه وجود داشت. در همه این رواق گسترده کتابه‌ای جز یکی دو نوشته کوتاه نو بر متن آینه‌ها دیده نمی‌شود .
رواق میانه با دو در که هر دو به تازگی بر حرم نیاز داشته شده است یکی در مدخل ورود از ایوان آینه و دیگری در مدخل روضه منور محدود می‌شود.
این رواق گنبدی دو پوش دارد که در بالاـ روی سقف، دو غرفه آینه‌کاری با شاه‌نشین‌ها و صفه‌ها بر پایه هشت ستون آینه‌کاری و گچ‌بری زیبا ساخته شده است.
*** در جانب غرب روضه منور نیز سراسر رواقی است که میانه حرم و مسجد بالاسر قرار دارد و از دو سوی دیگر به صحن عتیق و خاکجای شاه عباس دوم می‌پیوندد و به همه اینها راه و درگاه دارد. و به این ترتیب جز در سوی ایوان طلا گرداگرد حرم را رواق‌ها فراگرفته است چه بنای مقبره شاه عباس در زاویه جنوب غربی نیز کنون در حکم رواق است و آن پس از این ذیل سخن از «مقابر پادشاهان صفوی» وصف خواهد شد.
رواق مورد بحث مرکب از سه قبه است که اصل بنای دو قبه رفیع آن از

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱

شاهزاده تقی میرزا حسام السلطنه فرزند فتحعلی شاه قاجار به سال ۱۲۳۶ و سومی با سقفی کوتاه حجره غربی مجاور ایوان طلاست که پیش‌تر مقبره بوده و اکنون از آن صورت خارج و به رواق‌ها منضم گردیده است.
ازاره رواق مورد بحث سراسر به بلندی دو متر و نیم سنگ مرمر و بالای آن همه آینه‌کاری است که نوبنیان است با کتیبه‌ای نیز نو که در همین دو سه سال اخیر افزوده شده است.
سقف قبه شمالی رواق با کاشی معرق آراسته شده است.

مسجد بالاسر:

پس از رواق غربی بنایی است وسیع و نو، چهارده در چهل و هشت متر، که بر سراسر آن سقفی بی‌ستون سایه افکنده و «مسجد بالاسر» نامیده می‌شود.
این سقف بزرگ از فراز مقبره شاه سلیمان نیز که در میان قسمتی از این بنا افتاده است می‌گذرد. دیواره و نورگیرهای مسجد با کاشی معرق و سنگ و کتیبه‌های قرآنی آراسته شده است که همه نو و از چند سال اخیر است.

مسجد موزه [ش ۲۱- ۲۴]:

در جنوب روضه منور نیز پس از گذشتن از رواق جنوبی گنبدی بزرگ است که پیش‌تر «صحن زنانه» خوانده می‌شد و اکنون

«مسجد موزه» نام دارد.

پوشش سقف و قاعده گنبد و محراب با کاشی‌کاری زیبا و بدیع و کتیبه‌های متعدد، و دیواره‌ها با آینه به سبکی جالب آرایش شده که همه آنها نو و از سی سال اخیر است.

این بنا در مجموع از آثار ماندنی هنر این عصر شمرده می‌شود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۶۲

ایوان طلا و مرافق و مناره‌ها [ش ۲۵- ۴۰]:

در مدخل حرم از جانب شمال «ایوان طلا» قرار گرفته است که سردر ورود حرم از آن سو شمرده می‌شود. بنای این ایوان هم زمان با ساختمان کنونی حرم در دوران شاه اسماعیل صفوی به سال ۹۲۵ انجام گرفته و با دو ایوان کوتاه‌تر دیگر که در چپ و راست آن قرار دارد از آثار خوب نیمه نخستین قرن دهم به شمار می‌رود.

این ایوان با دهانه و پهنای ۹ در ۸/ ۷۰ متر و بلندی چهارده متر، ازاره آن در هر سه سو از کف تا بلندی ۱/ ۸۰ متر آراسته به قطعات کوچک کاشی فیروزه‌ای هشت گوشه، و در میان آنها قطعات کوچک‌تر قهوه‌ای‌رنگ است که با حاشیه‌ای از کاشی زمینه لاجوردی نقش و نگار در چهار سو احاطه شده و بر فراز آن کتیبه‌ای به ثلث سفید در زمینه لاجوردی گرداگرد ایوان به پهنای نیم متر بر کاشی معرق دیده می‌شود. متن این کتیبه که درگاه «دار الحفاظ» آن را به دو نیمه می‌کند چنین است:

روی الزمخشری فی تفسیره الموسوم بالکشاف و الثعلبی فی تفسیره الموسوم بکشف البیان عن رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم قال: الا- و من مات علی حب آل محمد مات شهیدا، الا و من مات علی حب آل محمد مات مغفورا، الا و من مات علی حب آل محمد مات تائبا، الا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان، الا و من مات علی حب آل محمد بشره ملک الموت بالجنهٔ ثم منکر و نکیر، الا و من مات علی حب آل محمد زف الی الجنهٔ کما تزف العروس الی بیت زوجها، الا و من مات علی حب آل محمد فتح له فی قبره بابان الی الجنهٔ، الا و من مات علی حب آل محمد جعل اللّه قبره [درگاه دار الحفاظ] مزار ملائکهٔ الرحمهٔ،

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۶۳

الا- و من مات علی بغض آل محمد جاء یوم القیامهٔ مکتوبا بین عینیه آیس من رحمهٔ اللّه، الا و من مات علی بغض آل محمد مات کافرا، الا و من مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحهٔ الجنهٔ. صدق.

اللهم صل علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتول فاطمهٔ و السبطین الحسن و الحسین و زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضا علی و التقی محمد و النقی علی و الزکی حسن و الحجهٔ القائم محمد المهدی صاحب الزمان ائمهٔ الهدی و مصابیح الدجی بهم اتولی و من اعدائهم اتبرء

پس از این کتیبه بدنه ایوان سراسر تا ارتفاع دو متر دیگر آراسته به کاشی‌های معرق زمینه لاجوردی آغاز عهد صفوی است که جلوه‌ای خاص دارد. و پس از آن کتابه سراسری دیگری به ثلث سفید در زمینه لاجوردی با پهنای شصت سانتی متر گرداگرد ایوان هست که از کنار پایه طاق‌بند ایوان (نزدیک یک متر دور از لبه ایوان) آغاز شده و در جانب دیگر در ردیف آن پایان می‌گیرد. چنین است متن آن:

الحمد للّه الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لو لا ان هدانا اللّه. اما بعد فقد اتفق بناء هذه العمارهٔ الرفیعهٔ و الروضهٔ المقدسهٔ

المنیعة فی زمن خلافة السلطان الاعدل الاعلم خلیفة اللّه فی العالم مالک رقاب الامم مولی ملوک العرب و العجم حامی اهل بلاد الایمان ماحی آثار الکفر و الطغیان ناشر العدل و الاحسان باسط مهاد الامن و الامان هادی الخلائق الی اشرف الادیان المختص بعنایة الملک المنان السلطان بن السلطان بن السلطان
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۶۴
ابو المظفر شاه اسماعیل بهادر خان. اللهم خلد میامن معدلته و آثار مرحمته علی مفارق المسلمین و اید و شید قواعد ارکان سلطنته [و] خلافته الی یوم الدین لاعلاء کلمة الحق و ترویج مذهب الائمة المعصومین بالنبی العربی ابی القاسم محمد خاتم النبیین و سید الاولین و سند الاخرین صلی اللّه علیه و آله و عترته الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما دائما ابدا سرمدا و الحمد للّه اولا و آخرا و باطنا و ظاهرا فی تاریخ شهر رجب المرجب من سنة خمس و عشرین و تسعمائة هجریة نبویة. کتبه ولی الحسینی .
بالای کتیبه مقرنس‌های سقف ایوان با خشت‌های زراندود پوشیده شده و این قسمت تا کنار طاق‌بند ایوان در جلو ادامه یافته است. زیر مقرنس‌ها- بالای نام شاه‌اسماعیل در کتیبه کمربندی- نام ناصر الدین شاه قاجار به خط نستعلیق بر خشت‌های زراندود، و در پیشانی ایوان میان دولچکی بر کاشی معرق نام فتحعلی شاه قاجار به همان خط ثبت است.
قوسی طاق‌بند که پایه آن نیز در طرح کاشی متغایر، و از پایین با سایر قسمت‌ها متمایز است در بالای کتیبه کمربندی و پیوسته به آن، کتیبه‌ای دیگر به سبک عمودی دارد که از قوس شرقی آغاز شده و در سوی دیگر روی قوس غربی پایان می‌گیرد. این کتیبه به ثلث سفید در زمینه لاجوردی، و متن آن‌که با «قال اللّه تبارک و تعالی» آغاز می‌شود آیه نور (اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ...) آیه سی و ششم سوره نور تا پایان آیه سی و نهم همین سوره است و به جمله «صدق
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۶۵
اللّه العلی العظیم و صدق رسوله النبی الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین و الشاکرین» پایان می‌پذیرد. در انتهای این کتیبه میان دو ترنج سفید کوچک این دو عبارت:
عمل حسن القمی کتبه نور الاصفهانی
و در پایان آن قسمت از کتیبه که روی قوس شرقی است در محل تلاقی دو قوس میان ترنج‌هایی مشابه این دو عبارت:
عمل استاد ... کاتبه رضا الرضوی
و بر قوسی طاق‌بند پیشاپیش این کتیبه، در محل تلاقی دو قوسی، میان آرایش‌های کاشی‌کاری در دو سو، این دو عبارت:
عمل استاد محمد معمار قمی عمل محمود بن استاد محمد قمی
سنه ۱۲۲۵
خوانده می‌شود. نام هنرمندانی که مقرنس‌های زرین ایوان را از مس تراشیده و به زر آراسته‌اند به این شکل در دو طرف ایوان میان مقرنس‌ها ثبت است:
«عمل عباس علی ولد مصطفی قلی تبریزی»
«عمل استاد اسد اللّه ولد استاد مهدی زرگر»
*** در درگاه ورود این ایوان به حرم ایوانچه‌ای است که «دار الحفاظ» خوانده می‌شود چه در آنجا حفاظ قرآن و قاریان آستانه به تلاوت قرآن می‌پرداخته‌اند.
این ایوانچه با پهنای حدود ۵۰ /۱ و بلندی ۴ و دهانه ۳ متر آراسته به کاشی معرق از همان نوع کاشی ایوان، با کتیبه‌ای در دو بدنه دو سوی درگاه ورود حرم، در ردیف کتیبه پایین ایوان طلا و با همان سبک و خط است که متن آن چنین است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۶

قال مصنف عیون اخبار الرضا فیما جاء عن الرضا علیه السلام فی زیارهٔ فاطمهٔ بنت موسی بن جعفر علیهم السلام:

حدثنا ابی و محمد بن موسی بن متوکل قال حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم عن ابیه عن س [عد] بن س [عد قال] سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام من زیارهٔ فاطمهٔ بنت موسی بن جعفر علیهم السلام فقال من زارها فله الجنهٔ. صدق ابن رسول اللّه و صلی اللّه علی محمد خاتم النبیین و آله و عترته الطیبین الطاهرین .

فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۲۱ دری آراسته به صفحات زرین بر آستانه نیاز داشته که میان این ایوان و روضه مقدس نصب بود و اکنون آن را برداشته و دری نو به جای آن گذاشته‌اند، لیکن پایه آن در که از سنگ مرمر نقش‌ونگار شده است همچنان برجاست. گرداگرد این «چهارچوب» مرمرین ابیات زیر به نستعلیق آقا مهدی ملک الکتاب خوانده می‌شود:

این آستان بضعه موسی بن جعفر استکز افتخار روی سلاطین بر این در است

این آستان آن حرم آمد که جبرئیلدر بام عرش پایه آن چون کبوتر است

کوثر نتیجه‌ایست از آن قطره‌های شورکز ابر چشم زائر این در مقطر است

لبیک زائران و خروش معلمان‌صدره ز صوت شهپر جبریل خوش‌تر است

این زیب و فر که زیب و فر از این حرم گرفت‌هم از ارادت ملک دادگستر است

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۷ دارای دهر فتحعلی شه که تیغ اودر ملک دین سلاله شمشیر حیدر است

میخی فتاده گر به تک از نعل پاره‌اش‌زان دیده ستاره برین در مسمر است

نعلی پریده گر ز سمندش به مرز هنددر بوم روم نعلک زرین قیصر است

اندیشه عاجز است ز ذکر ثنای اوکز هرچه برتر است به صد پایه برتر است

در این حریم کامده هم پایه حرمایوان و قبه و در از او زیور زر است

کلک صباش از پی تاریخ زد رقمکز دل مدام چهر سلاطین باین در است

بالاتر از سردرگاه مرمر میان آرایش‌های کاشی معرق در یک ترنج بیت زیر به صورت پیوسته در چهار سطر کوچک به نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی نوشته شده است:

درگاه تو قبله‌گاه جان استمحراب زمین و آسمان است

*** در دو سوی ایوان طلا- دو ایوان دیگر با بلندی بیش از ۱۰ و پهنای ۲ و دهانه ۵ متر هست که نیز از بنای صفوی حرم بازمانده و سراسر بدنه آن از پیشانی و اسپر و قوسی‌ها و جرزها تا نزدیک سطح زمین به قیاس ایوان طلا آراسته به کاشی‌های معرق همان دوره است.

بر فراز ایوان طلا دو مأذنه استوانه‌ای رفیع به بلندی ۴۰/ ۱۷ (از سطح

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۸

بام، و از کف صحن حدود ۵۰/ ۳۱) و قطر ۵۰/ ۱ قرار دارد . پوشش مأذنه‌ها کاشی گرهی به شکل مارپیچ است که در میان پیچ‌ها نام‌های «اللّه» و «محمد» و «علی» به خط بنائی خوانده می‌شود. در قسمت بالای مأذنه‌ها مقرنسی لطیف در سه ردیف پرداخته‌اند که زیر آن گرداگرد کتیبه‌ای پهن به خط سفید مشتمل بر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ» (بر مأذنه غربی) «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ» (بر مأذنه شرقی) و بالای آن تالار چه به بلندی دو متر و اند بر دوازده ستون چوبی گرداگرد و ستونی سنگی در میان دیده می‌شود و پس از آن سقف و قبه و میله بالای مأذنه‌ها زراندود است.

مأذنه‌ها را محمـد حسین خان شاهسون شـهاب الملك حکمران قم به سال ۱۲۸۵ بنـا کرده و قبه آنهـا را شاهزاده کامران میرزا نایب السلطنه به سال ۱۳۰۱ زراندود نموده است.

ایوان آینه و مناره‌ها [تصویر شماره ۴۱]:

در مـدخل حرم از جـانب شـرق نیز ایوانی رفیع به بلنـدی ایوان طلا و پهنای ۸۷/ ۷ و دهانه ۹ متر قرار دارد که به‌خاطر پوشـش آینه‌کاری آن «ایوان آینه» خوانده می‌شود و آن را میرزا علی اصـغر خان امین السلطان صدر اعظم همزمان با بنای صحن نو در آغاز این قرن بنیاد کرده است.

این ایوان اثری هنری و نفیس از هنرمند مشـهور دوره قاجار اسـتاد حسن معمار قمی است که در بنا و تزیین آن هنرنمایی بسیار کرده و برخی آثار آن در

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۹

ازاره ایوان به بلنـدی بیش از یک متر از سـنگ مرمر است که هر بـدنه‌ای با یک قطعه سـنگ بزرگ آراسـته شـده و بالای آن همه بـدنه ایوان تـا سـقف آینه کـاری است که مقرنس سـقف از نظر هنری مقـامی والاـ دارد، و به‌طور کلی این ایوان از آثـار خوب هنر دوره قاجار شمرده می‌شود.

در کمربنـد ایوان کتیبه‌ای است سراسـری از سـنگ مرمر با پهنای حدود سـی سانتی‌متر به خط ثلث رجبعلی خادم مشـهدی که متن آن به وسیله یکی از علماء آن دوره قم به نام شیخ محمد حسن نادی تنظیم شده و چنین است:

اللّه نور السـموات و الارض مثل نوره کمشـکوهٔ فیها مصباح المصباح فی زجاجـهٔ الزجاجهٔ کأنها کوکب دری یوقد من شـجرهٔ مبارکـهٔ زیتونـهٔ لا شـرقیهٔ و لا غربیـهٔ یکاد زیتها یضـیء و لو لم تمســه نار نور علی نور یهدی اللّه لنوره من یشاء و یضـرب اللّه الامثال للناس و اللّه بکل شیء علیم

و بعـد لقد حاز اصل المجد و الشـرف و جاز کل سـلف و خلف ببناء هذا الصـحن و الایوان المباهی فی زهو جماله ابهی قصور الجنان- فی دولهٔ الامن و الامان و دورهٔ العدل و الاحسان عهد السـلطان علی الاطلاق و الخاقان بالاتفاق، الشـهیر بصفاته بل هی تشـتهر بذاته، الجدیر لها بحقیقته کما انها لا تجدر الا بحضرته، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان السلطان ابو المظفر و الانتصار ناصر الدین شاه قاجار لا زالت

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۰

بقاع الارض بنـدی عـدله مطلولـهٔ و سـیف الشـریعهٔ المطهرهٔ فی ایامه مسـلولهٔ- جناب الاجل الاکرم و حضـرهٔ الاعظم الافخم ذو المعـالی التی دلت علی طیب الاـعراق و المحامـد التی انعقـد علیهـا الاتفاق، و خفقت علی شـریف رأسه من المکارم و البنود و خضع لهیبته سـلطان العسـاکر و الجنود، و خر لجلاـله السـید و المسود و ذلت لصـعوته الصواری من الاـسود، وزیر الخاقـان امین السـلطان میرزا علی اصـغر خـان، نجـل سـمی خلیـل الرحمن فخر عصـره و فحل دهره، فلا غرو ان یجری الجود علی عرق مثله و تلوح مخایل اللیث فی شبله قد ارتقی الی مدارج عالیهٔ و معارج سامیهٔ و هییء له و سادهٔ الصدارهٔ و خلف منه امارهٔ الوزارهٔ و منه اصول هذه العمارهٔ، فالجناب الاجل النبیه خلف صدق من ابیه

بابه اقتدی امین فی الشرفو لکن الفضل یکون للخلف

و ارخ عام للبناء ان ترمفحاسبن «هذه جنهٔ قم»

کتبه رجبعلی الخادم [۱۳۰۳]

میان ایوان و رواق شرقی حرم ایوانچه‌ای است که تزیینات آن نیز درست مانند ایوان است. بر سردرگاه مرمر حرم از این ایوانچه عبارت «من زار فاطمهٔ بقم فله الجنهٔ» به نستعلیق مشکی در پیشانی، و عبارت «عمل عباس قلی حجار طهرانی» به نستعلیق ریز میان ترنجی کوچک بالای پایه راست درگاه خوانده می‌شود.

پیشانی ایوان و همچنین جزرهای دو سو و بدنه تالار جلوی ایوان- که بر چهار ستون سنگی بزرگ برافراشته است- آراسته به کاشی معرق است که در میان آنها جای‌به‌جای میان ترنج‌هایی نام‌های پروردگار، و در دو سوی پیشانی عبارت «اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» از آیه نور میان دو ترنج دیده می‌شود. دهانه تالار دوازده متر است که در دو سو- برای ورود به ایوان- کفشکن و فراز آن

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱

تالارچه‌ای پیوسته به دو شاه‌نشین کنار ایوان قرار دارد که آن نیز آراسته به آینه کاری، و سقف هر دو و تالار جلوی ایوان تخته‌پوش خاتم‌کاری است. قطعه سنگ‌های پایین ایوان نیز از بیرون آراسته به نقش‌ونگار و پایه‌های چهار ستون با نقش‌هایی از چهره و پیکر انسانی است.

*** بر فراز پایه‌های دو سوی ایوان دو مأذنه است که هریک یا بلندی ۲۸ متر از سطح بام و ۴۲ متر از سطح زمین (با قطر ۳۰/ ۳ متر) رفیع‌ترین بناهای آستانه و اثر استاد حسن معمار به سال ۱۳۰۳، و سبک کار آن در تصاویر مشخص است.

مأذنه‌ها از سطح بام تا ۳ متر هشت‌ضلعی متساوی و سپس نیم‌متری مقرنس و آن‌گاه یک متری استوانه‌ای و سپس تا دو متر و نیم دیگر دوازده گوشه برجسته و پس از همه اینها تا زیر مأذنه چوبی استوانه‌ای است که در بالا گرداگرد کتیبه‌ای با پهنای حدود یک متر به خط درشت دیده می‌شود و متن آن در یک سو «لا- حول و لا قوهٔ الا باللّه العلی العظیم» و در سوی دیگر «سبحان اللّه و الحمد للّه و لا اله الا اللّه و اللّه اکبر» است. سپس مقرنسی به پهنای حدود یک متر و بالای آن مأذنه چوبی و قبه مأذنه‌هاست.

پوشش هر دو مأذنه از بالا تا پایین سرتاسر کاشی گرهی است که در میان آن جای‌به‌جای نام‌های پروردگار خوانده می‌شود. از سطح بام تا مأذنه چوبی بالا- راه‌پله‌ای مارپیچ گرد میله سنگی میان مأذنه‌ها هست که این میله سنگی، میان‌تهی بوده و با سرب گداخته آکنده‌اند و آن را حافظ مأذنه‌ها ساخته‌اند.

در برخی از مآخذ و سفرنامه‌های ایرانی نوشته‌اند که این دو مأذنه مانند برخی موارد مشابه- ازجمله منارجنبان اصفهان- متحرک است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۲

۲- صحن عتیق

اشاره

صحن عتیق با درازا و پهنای ۷۰/ ۳۵ در ۷۰/ ۳۴ جایگزین دو صحن کوچک دوره صفوی است که به وسیله فتحعلی شاه قاجار به این شکل درآمد (مآثر سلطانی:

پایان وقایع سال ۱۲۱۵). در ضلع جنوبی این صحن ایوان طلاـ و ایوان‌های دو سوی آن و در سه جانب دیگر شانزده بقعه- ازجمله مقابر دو پادشاه قاجار- قرار دارد که ایوان‌ها پیش‌تر با بنای حرم وصف شد و وصف دیگر قسمت‌ها در اینجا انجام می‌گیرد.

گرداگرد صحن عتیق و پیشانی ایوان‌های بقاع کاشی‌کاری نو است و کتیبه نوبنیان فراز آن گرداگرد قصیده معجزیه ناطق اصفهانی است که به مناسبت تذهیب گنبد در سال ۱۲۱۸ سروده و چنان‌که پیش گذشت متن آن در بسیاری جاها آمده است

.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۳

در مدخل این صحن از شمال (مدرسه فیضیه) که پیش‌تر راه حرم از آن سو بوده است سردری باشکوه از دوره طهماسب صفوی در جانب مدرسه فیضیه و ایوانی از دوره قاجار در داخل صحن قرار دارد. در مدخل صحن از مسجد اعظم در ضلع غربی نیز ایوانی کاشی‌کاری است که بنا و تزیین آن نو و از همین چند سال اخیر است. در ضلع شرقی نیز کریاس و راهرو میان این صحن و صحن نو قرار دارد.

ایوان شمالی صحن عتیق [تصویر شماره ۴۲]:

این ایوان با بلندی پیرامون ۱۲ و دهانه و پهنای ۸/ ۷۵ در ۲/ ۵۰ متر با سقف مقرنس و بدنه گچی ساده و کاشی‌کاری در پیشانی و جرزها و کتیبه‌ای در کمربند بنا- که همه از دوره قاجار است- روبه‌روی ایوان طلا قرار دارد. متن کتیبه مزبور ابیاتی است به نستعلیق این چنین:

«به عهد خسرو جم جاه ناصر الدین شاه‌که سوده رفعت وی پی به تاج کیکاوس

جناب تولیت‌آرا، سمی سبط دویم‌که قدر اوست بر از دانش عقول و نفوس

خود این مقرنس شایان و این بلند ایوان‌که رشک انجم کیوان و چرخ آبینوس

به زیب صحن گزین دخت موسی جعفرجناب فاطمه اخت خدیو خطه طوس

شعاع شمع شبستان عصمت کبری‌شفیعه دو سرا، کردگار را ناموس

خلیل‌وار برافراخت آن‌چنان که نواخت‌مسیح روز و شب اندر فراز او ناقوس

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۴ چو شد ز هجر نبی یک هزار و سیصد و یک‌ز چرخ داد عطارد به کلک سید بوس

نمقه میرزا عمو»

بر فراز درگاه کوتاه، زیر این کتیبه سنگ‌نبشته‌ای به درازا و پهنای ۱/ ۲۰ در ۰/ ۰۵۳ متر نصب است مشتمل بر وقف‌نامه قنات ناصری قم به نستعلیق در ۱۶ سطر با این متن:

«ابو المظفر و النصر ناصر الدین شاه غازی

چون منظور نظر و مکنون خاطر سلطان السلاطین شاه دریا دل باذل دین‌پرور عدل‌گستر، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ناصر الدین شاه قاجار ابد اللّه دولته آن است که در هر زمان انهار جاری مرحمت فرمایند که قاطنین و عابرین از فلوات فقر و زحمت به سرچشمه فرات رحمت برسند بناء علی هذا وقف مؤبد شرعی فرمودند در ابتدای هذه السنه تخاقوی‌ئیل یک رشته قنات ناصری را که از مرحمت شامل در دار الایمان قم دائر و احداث فرمودند و به عهده

کفالت و اهتمام مقرب الخاقان میرزا حسن خان مستوفی حاکم قم و ساوه به اتمام رسیده است بر عامه اهل این بلد شریف و عابرین سبیل گردانیدند مشروط بر این که در خارج بلد به ضیاع و عقار و زراعات و باغات نرود و در داخل بلد از قرار تفصیل ذیل به محلات قسمت شود و تولیت را به نفس نفیس خود و سلاطین آتیه ایران مفوض فرمودند:

محله عشقعلی- هفت طاق

محله چهار مردان- هفت طاق

محله مسجد جامع- سه طاق

محله باغ پنبه و عربستان- پنج طاق

محله باغ قلعه- دو طاق

محله الوندیه- شش طاق

محله سیدان- هفت طاق

محله سنگ‌بند- پنج طاق

محله کوچه تنگ و دولتخانه و رضاباد- چهار طاق

محله موسویان و میان شهر- هفت طاق

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۵

از جهت امور اتفاقیه و کسر شهور- دو طاق

جمع- شصت طاق

خلاف‌کننده این شرایط ملعون خواهد بود. فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۸.

راقمه ابو الفضل بن فضل اللّه»

میان این ایوان با سردر صحن (ایوان جنوبی فیضیه) کریاسی فاصل است که بالای آن غرفه‌ای قرار گرفته و از این غرفه پنجره‌ای به سردر مزبور و سه دریچه پهلوی یکدیگر به همین ایوان بالای کتیبه، زیر مقرنس سقف گشوده می‌شود.

بالای ایوان «نقاره‌خانه» مانندی است با قبه‌ای هرمی و زراندود بر پایه هشت ستون چوبی با سرستون‌های منبت از فتحعلی شاه بر خشت‌های زرین پیشاپیش که رو به ایوان طلاست نام فتحعلی شاه به نستعلیق ثبت است.

روی پایه شرقی ایوان ساعتی است که آن را حاج میرزا علی مشکوة الملک به سال ۱۲۷۸ نیاز داشته و قبه زراندود کوچکی فراز آن دیده می‌شود.

سردر شمالی- ایوان جنوبی مدرسه فیضیه- [تصاویر شماره ۴۳- ۴۹]:

این سردر به بلندی پیرامون ۵۰/ ۱۲ و پهنای ۴ و دهانه ۵۰/ ۶ (با احتساب جرزهای دو سو: نزدیک ۲۰/ ۱۱) متر با دو تختگاه در دو سو هریک به پهنای یک متر و نیم- بالای ردیف پله‌ها- از آثار نفیس دوران صفوی در قم است. دری قدیم میان این سردر و ایوان شمالی صحن عتیق فاصل است که باید از آن نگاهداری شود.

پوشش ازاره ایوان به بلندی یک متر و نیم بالای ردیف پله‌ها و سکوها کاشی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۶

خشتی دوره قاجار، و آرایش بدنه تا زیر کتیبه کمربندی سراسر کاشی معرق زمینه لاجوردی صفوی است که در این قسمت بالای درگاه، خشتی لوزی از کاشی مشتمل بر نام‌های «اللّه، محمد و علی» به خطوط بنائی، و سپس بالای آن در یک سطر میان تزیینات کاشی‌کاری این دو بیت به نستعلیق طلایی دیده می‌شود:

الهی به حق بنی فاطمه که بر قول ایمان کنی خاتمه

اگر دعوتم رد کنی ور قبول‌من و دست و دامان آل رسول

و در کنار آن به ثلث ریز به سبک عمودی نوشته شده است:

کتبه اسمعیل بن ابراهیم الاسترابادی

بالای این قسمت کتیبه سراسری بنا به ثلث سفید (جز درمورد نام شاه- میان کتیبه- و کلمه «بمحمد» در قسمت اخیر آن‌که به خط طلایی است) در زمینه لاجوردی از همان کاشی معرق به پهنای پیرامون نیم متر با این متن قرار دارد:

بسمه تیمنا بذکره- قد اتفق بناء هذه العمارة الشریفة و السدة السنیة [و] العتبة العلیة الفاطمیة فی زمان دولت سلطان اعاظم السلاطین برهان اکارم الخواقین خلف الانبیاء و المرسلین خلیفة الائمة الطاهرین المعصومین مشید مبانی الشریعة المصطفویة مؤسس اساس الملة المرتضویة رافع الویة العدل و الاحسان

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۷

السلطان بن السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خان ایده اللّه تعالی بالنصر و التأیید و قرن سلطنته و شوکته بالخلود و التأبید، و لا زال الدهر مساعدا له فی اقامة عماد الدین المتین و القدر موافقا لما یرام فی زمانه الشریف من اعلاء معالم الشرع المبین بمحمد و آله اجمعین بسعایة نقاوة اکابر السادات و النقبا الامیر شرف الدین اسحق تاج الشرف الموسوی. فی سنة ۹۳۹.

در قسمت بالای همین کتیبه سراسر با خط کوفی طلایی دو آیه اخیر سوره بقره (آمَنَ الرَّسُولُ ... تا جمله «لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِینا») نوشته شده است. سپس با فاصله «قاب‌بندی» نقش و نگار گچی رنگین، سقف مقرنس زیبا و خوش‌طرح و لطیف و رنگ‌آمیزی‌شده بنا قرار دارد که در جلو به شمسه‌ای بزرگ و برجسته و گچ‌بری و رنگ‌آمیزی‌شده با نقش و نگار (با ۲۰ تیزه، ۴۰ رو) کنار مرکز تلاقی دو هلالی طاق‌بند پایان می‌گیرد.

هلالی‌های طاق‌بند تا نقطه مرکزی آراسته به کاشی معرق است که در محل تلاقی آن دو میان کاشی‌ها در زمینه سفید گنجانده شده است:

عمل سلطانی قمی

جرزهای دو طرف و پیشانی و لچکی‌های این سردر با کاشی معرق و نقش و نگارهای ظریف و عالی آراسته شده که در این‌میان نقش گلدان با دو طاوس در پایین جرزها و شاخه و گل و بوته بالای آن از ظرافتی خاص برخوردار است. در پیشانی سردر- میان لچکی‌های دو سو- در دو ترنج بزرگ هر یک چهار نام «محمد» و چهار «علی» به خط سفید به شکل «متعاکس» رسم شده است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۸

بقعه فتحعلی شاه [تصاویر ۵۰- ۵۱]:

در یکی از بقاع ضلع شمالی صحن عتیق که در غرب ایوان شمالی و پیوسته به آن قرار دارد فتحعلی شاه قاجار به خاک رفته است. آرایش‌های این بقعه از آثار هنری نفیس دوره قاجار است.

بقعه با محیط ۲۱ متر هشت ضلعی با صفه‌هایی در هر سو، و آرایش بدنه در بالای ازاره تا سقف گچ‌بری برجسته با نقش و نگار و گل و بوته است. در شمال مقبره با فاصله سه درگاه دو طبقه گچ‌بری و آراسته آسایشگاهی به پهنا و درازای ۳ در ۵ متر قرار دارد که درهای نورگیر آن بالای حجرات جنوبی مدرسه فیضیه گشوده می‌شود.

جلو مقبره ایوانی به بلندی بیش از ۱۰ و دهانه و پهنای ۶ در ۲ متر با سقف مقرنس و بدنه گچی ساده قرار دارد که در بغله و اسپر آن سنگ‌نبشته‌هایی با این متن‌ها دیده می‌شود (به ترتیب از بغله چپ درگاه تا بغله راست):

۱- سنگ‌نبشته بغله شرقی: «هو الحی الذی لا یموت

شاها شدی از جهان، جهان بی‌تو مباددر پیکر چاکران روان بی‌تو مباد

در عهد تو هرگز دل ناشاد نبوداکنون دل خلق شادمان بی‌تو مباد

*

خاقان که جهان را ز عدالت آراستآسایش خلق را چنان دید که خواست

پاداش عمل بین که از این پس جاویدخود شد ز جهان و نام نیکش برجاست

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۹ خاقان که جهان به رایگانش دادندچون داد امان به خلق امانش دادند

گفتند که این نتیجه معدلت استاین مرتبه در جزای آتش دادند

*

خاقان که همه ملک جهانش دادنددر خسروی آنچه خواست آنش دادند

با خلق خدای چون نکوکاری کردبردند و بهشت جاودانش دادند

» ۲- سنگ‌نبشته اسپر چپ درگاه، در متن: «اعمال خیری که در دولت عهد خاقان مبرور به ظهور رسید و قدری در این سنگ نوشته شد

كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ

جهان باز بازیچه نو نمودشهی برنشاند و شهی در ربود

چو فتح علی شه بپرداخت گاهمحمد شه آراست تاج و کلاه

مبندش دل آن را که دلبند نیستپذیرای رأی خردمند نیست

بسی ناسزاوار و نادلکش استجهانی که فتحعلی شه‌کش است

چو پنجاه شد با هزار و دویستستاره ابر خاکیان خون گریست

همی باصفهان ترک شاهی بگفتبه خاک قم اندر به شاهی بخفت

به دارای نو باد دوران به کامبه شاه کهن دار ملک السلام

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۰

کتبه محمد حسین اصفهانی

عمل محمد حسین حجارباشی الاصفهانی

وفات شب جمعه نوزدهم شهر جمادی الثانی. دفن در شب جمعه سوم شهر رجب ۱۲۵۰».

(بر ترنج‌های گرداگرد سنگ‌نبشته به عنوان حاشیه:)
«اللّه/ محمد/ علی/ فاطمه/ حسن/ حسین/ علی/ محمد/ جعفر/ موسی/ علی/ محمد/ علی/ حسن/ مهدی
در دار الخلافه:/ مسجد سالاری/ مسجد خان مروی/ مسجد مادر شاه/ مدرسه دار الشفا/ مدرسه صدر/ مدرسه دار الشفا/ مسجد میرزا مسیح/ مسجد شاه/ مسجد حاج علی/ مسجد حکیم رشتی/ مسجد میرزا موسی/ مسجد یونس خان/ بی‌بی زبیده/ بی‌بی فاطمه/ امام‌زاده جی/ امام زاده داود/ مسجد خان سالار/ مسجد کرمان/ مسجد دار العباده یزد/ مسجد کرمانشاه/ مسجد زنجان/ مسجد تبریز/ مدرسه بالای شاهرود/ بند شوشتر/ مدرسه بروجرد/ کاروانسرای ری/ کربلای معلی:/ ضریح سید الشهدا/ آینه روضه/ آینه ایوان/ قندیل طلا/ مناره طلا/ تعمیر خیمه‌گاه/ مدرسه حضرت/ ضریح نقره حضرت عباس/ کتیبه کاشی/ کاظمین علیهما السلام:/ ضریح نقره/ پرده مروارید/ علم مروارید/ جقه مرصع/ گنبد طلا/ ایوان طلا/ قلعه شاه نجف/ مدرسه شاه نجف/ حمام شاه نجف/ قندیل شاه نجف/ تعمیر گنبد نجف/ جقه مرصع/ حضرت عبد العظیم:/ ضریح نقره/ مدرسه حضرت/ امام‌زاده قاسم/ امام‌زاده زید/ سامرا:/ گنبد صاحب الزمان/ مدرسه حضرت/ سقاخانه/ معصومه قم:/ علی بن جعفر/ خاک فرج/ ضریح نقره/ گنبد طلا/ ایوان طلا/ مدرسه فیضیه.
به اهتمام بنده درگاه سهراب»
۳- سنگ‌نبشته اسپر راست، در متن:
«دادگر فتحعلی شاه که بودمظهر رحمت حق ناصر دین
تا چهل سال به عز و اقبال‌بد به اسلام نگهبان و معین
تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۱ راند موکب به صفاهان از ری‌به گه تیر مه آن شاه مهین
در جمادی دوم نوزدهم‌شب آدینه به هنگام پسین
ناگه از هاتف غیبی بشنودابشروا الجنهٔ از روی یقین
مرغ روحش ز سعادت‌آبادکرد پرواز سوی علیین
چون همایون تن پاکش در قم‌سوم شهر رجب گشت دفین
کلک غرقی پی تاریخ نگاشت‌سنه الف و مأتین و خمسین
کتبه احمد بن محمد نصیر الرضوی
عمل استاد محمد علی حجار قمی»
در حاشیه:
خاقانم و یک جهان گناه آوردم‌در حضرت معصومه پناه آوردم
مهر نبی و حب علی را یا رب‌بر درگه کبریا گواه آوردم
*
خاقانم و وامانده ز دیهیم و کلاه‌ز اورنگ خلافت شده دستم کوتاه
اندر حرمت به مسکنت جسته پناه‌یا فاطمه اشفعی لنا عند اللّه»
۴- سنگ‌نبشته بغله غربی:
«خاقان که زمانه را مهین داور بودبر تارک جمله خسروان افسر بود
دیهیم خلافت به محمد شه دادزی رحمت حق شتافت کش درخور بود

*

خاقان که ز معدلت جهان کرد آبادداد دل خلق را به دلخواهی داد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۲ چون رخت ز اورنگ خلافت بربستایزد در رحمتش به رخ بازگشاد

*

خاقان که بهشت سرنوشتش آمداز طینت پاک خوش‌سرشتش آمد

خرمن‌خرمن عطای غفاری یافت‌این موهبت از حاصل کشتش آمد

*

این بقعه کز آئینه نگارین آمدخود رشک نگارخانه چین آمد

قرغی پی اتمام چو تاریخش جست‌الف و مأتین و خمس و خمسین آمد»

در مدخل و دو جانب بقعه سه در منبت نصب است که بر هریک ابیاتی به نستعلیق نوشته شده است به این ترتیب:

۱- بر در مدخل بقعه (آغاز از حاشیه چپ لنگه چپ):

«به امر شاه زمان داور فرود و فرازز افتخار جهان این در رواق افراز

به عهد خسرو عرش آستان محمد شاه‌که ذکر امنش و از هشت خلد نعمت و ناز

که یاد عهدش و از نه سپهر برگ و نواکه خسروانش به درگه نهاده روی نیاز

بزرگ بار خدایی که از خدای بزرگ‌ز هرچه بار خدایان به داوری ممتاز

لطیف عنصرش از نور ذات بی‌سایه؟؟؟- رید گوهرش از فرفرد بی‌انباز

توان به ذات ز عقل نخست بردش پی‌بلی شدن به حقیقت توان ز راه مجاز

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۳ تطاولی نرسد تا به صعوه در عهدش‌به احتیاط فرو دوختند دیده باز

ز مضجع شهی این کاخ خلد را همدم‌ز مرقد مهی این بقعه عرش را همراز

دمی هزار طوافش ز زائران به عراق‌به سال یک ره اگر طوف محرمان به حجاز

ستوده فتحعلی شه که در جهان و جنان‌مواد برده سجودش. مجردات نماز

خجسته معتمد الدوله آن که کینش و مهربه دین و دولت دشمن گداز و دوست‌نواز

جهان جود منوچهر خان که بخشد زربرون نرفته هنوزش سبیکه از دم گاز

ز امر او چو ازین در بدین حرم زیورز حکم وی چو از این در به این حریم طراز

دبیر عقل به اثبات سال تاریخش‌نگاشت این در عالی ز معتمد شده باز»

۲- بر در غربی (آبدارخانه):

«در زمان خسرو غازی محمد شه که هست‌تیغش اندر روز کین انباز تیغ بو تراب

آفتاب خسروان گیتی‌ستانی کو گرفت‌مشرق و مغرب بدان سرعت که گیرد آفتاب

تف تویش هرکجا خون مخالف نیل خیزسیل خیراتش بدیدم آیه شیء عجاب

زین نبیره در جنان بالیده جان پاک جدزین پسر نازیده در فردوس جان پاک باب

از پدر آمد سیاوش‌وشن ز جد کاوس کوس‌حبذا کیخسروی کارد به بند افراسیاب

این حرم کز پایه آمد مهبط روح القدس‌مضجع پاک ... داور مالک رقاب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۴ پایه درگاه او راز آسمان است احترازشمسه ایوان او را ز آفتاب است اجتناب
دادگر فتح علی شه آن‌که از لوح و قلم‌شاه فرد انتخاب اندر جهان‌یابی کتاب
آستین افشان چو شد زین خاکدان از سوک اوچرخ را تا دامن محشر ببین نیلی ثیاب
این همایون در ز امر شاه خورشید احتشام‌گشت زیب این رواق از خان مریخ احتساب
اعتماد دین و دولت کز ضمیر صائبش‌ملک و ملت را کمال و دین و دولت را نصاب
خان کیوان در منوچهر آن‌که از فر ملک‌چرخ زنگاری خیامش روشنان زرین‌قباب
یافت چون زین در طراز این بقعه فرخ که گشت‌محرم از حرمت حریم کعبه این ایدر جناب
از پی تاریخ سالش ز در قم پیرخردکین در کعبه مقام از داور جنت‌مآب
۱۲۵۷»

۳- بر درب شرقی (فاصل میان این بقعه و بقعه قهرمان میرزا):
«این در که کعبه‌اش ز شرف اندر اعتکاف‌فردوسش از علا به قصور اندر اعتراف
درگاه خسروی که فلک را درش مناص‌دربار داوری که ملک را درش مطاف
شاهنشهی که از مه و خورشید رایتش‌مه انخساف یافته خورشید انکساف
فتحعلی شه آن‌که ملوک و ملایکش‌آورد در جهان و جنان گرد در طواف
تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۵ در فرش خاکیان به رواقش در ازدحام‌از عرش قدسیان به طوافش در ازدحاف
خان خجسته چهر منوچهر خان که مهررویش در استتار چو رایش در انکشاف
اکفی الکفات معتمد الدوله کز سخاناداده کن فکان کف کافیش را کفاف
در رتبه‌ایست یوسف قدرش که ایدر اوزالیست چرخ و مهر به دست اندر این کلاف
محکم به دستیاری او پای اعتدال‌کوته ز پایمردی او دست اعتساف
امرش کند به گوهر اجرام اختلال‌منعش برد ز عنصر اضداد اختلاف
رنجور ملک را به تن از رای او توان‌سرسام خصم را به سر از تیغ او رعاف
از امر او که همچو قدر نی درش بدااز حکم او که همچو قضا نی درش خلاف
شد افتتاح این در خاتم که تا ابدایمن ز انسداد و مصون باد ز انصراف
تاریخ سالش از خردم شد سؤال و گفت‌بر این در از مقام در کعبه در طواف
۱۲۵۷»

در میان بقعه خاکجای فتحعلی شاه است که قطعه سنگی نفیس از مرمر به درازا و پهنای ۴۰/ ۱* ۲۵/ ۲ متر بر آن قرار دارد. روی این قطعه سنگ پیکره شاه را به برجستگی چند سانتی‌متر برآورده‌اند. نقش و نگارهای روی سنگ و پیکره شاه ظریف و زیبا و هنرمندانه ساخته و پرداخته شده است.

بالای این سنگ در میان، نام شاه و روبه‌روی چهره او این عبارات به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۶

نستعلیق ریز خوانده می‌شود:

«از نتایج افکار ابکار طبع گوهر بار شاهنشاه دین‌پناه ابد اللّه ملکه و دولته:

از جان گذشته‌ایم و به جانان رسیده‌ایماز درد رسته‌ایم و به درمان رسیده‌ایم

ما را به سر توقع سامان خویش نیست‌کز سرگذشته‌ایم و به سامان رسیده‌ایم»

گرداگرد سنگ با پهنای ده سانتی‌متر ابیات زیر به نستعلیق- و در میان آنها بر ترنج‌هایی نام‌های پروردگار به خط ثلث- نوشته شده است:

«سپاس تو ای پاک‌پروردگاربه جان اندرم تا به روز شمار

به یکتائیت هرکه را رای نیست‌خرد را به مغز اندرش جای نیست

پدیدار کردی پی نیک و زشت‌به محشر دو در از جحیم و بهشت

ز تو خاک پیغمبر پاک شداز این خاکدان پا بر افلاک شد

به جای نبی برنشاندی علی‌ز نسل علی یازده تن ولی

به دل مهر ایشان چو جان پرورم‌بر این هستم و هم بر این بگذرم

مرا برنشاندی به تخت شهی‌به رویم گشودی در فرهی

مرا ملک ایران و توران زمین‌سراسر سپردی به تیغ و نگین

به آرامشم این سرای سپنج‌که جای شکنج است و تیمار و رنج

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۷ چو خرم بهشتی برآراستی‌بدان زیب و زینت که خود خواستی

عجب نبود از لطفت ای کردگارکه در هر دو گیتی بوم شهریار

از این گفت من بخردان برخوردندکه از دانه‌ای ره به خرمن برند»

پایین تصویر شاه در متن سنگ، نزدیک حاشیه مزبور نام هنرمندی که پیکره شاه را ترسیم نموده است (عبد اللّه خان نقاش‌باشی اصفهانی) به این صورت به نستعلیق ریز:

کمترین بنده شه عبد اللّه

و در میان حاشیه پایین بر ترنج‌هایی نام دیگر هنرمندانی که در تهیه این اثر هنری سهیم بوده‌اند به این صورت‌ها:

ناظمه محمد تقی علی‌آبادی (گوشه راست)

کاتبه زین العابدین کاشانی (میان)

العامل محمد حسین حجارباشی (گوشه چپ)

ثبت است.

بر دیوار زاویه شمال غربی بقعه، قطعه سنگی دیگر از مرمر به درازا و پهنای ۸۰/ ۲* ۳۰/ ۱ متر مشتمل بر خلاصه زندگی فتحعلی شاه و شرح کارهای او نصب است . این متن را فاضل خان گروسی از کلام الملوک میرزا تقی علی‌آبادی برگزیده است. در پایین لچکی راست بالای این قطعه سنگ عبارت «راقمه محمد حسین

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۸

الطهرانی»، و پایین لچکی چپ عبارت «حجاری استاد محمد حسین» به چشم می‌خورد.

بقعه محمد شاه [تصاویر ۵۲- ۵۷]:

مقبره محمد شاه قاجار در ضلع غربی صحن عتیق پیوسته به بنای کنونی مسجد بالاسر نیز از آثار نفیس هنری دوران قاجار است جز آنکه قسمتی از آرایش‌ها و تزیینات آن به گذشت زمان از میان رفته است.

این بنا با محیط حدود بیست و یک متر و بلندی ۱۰ متر هشت گوشه با چهار شاه‌نشین دو طبقه در جهات اصلی است که آرایش همه آنها گچ‌بری و نقش و نگار رنگ‌آمیزی شده است. سقف مقرنس گچی آینه‌کاری است که با طلا و لاجورد به سبکی خوش آراسته شده و زیر آن بدنه‌های قسمت شانزده‌ضلعی قاعده سقف نیز بر همین قیاس با نقش و نگار و نورگیرهای آن با مشبک‌های گچ‌بری زیبا پوشیده شده است.

در پایین قسمت شانزده‌ضلعی کتیبه‌ایست به نستعلیق که پشت آینه نوشته شده و مشتمل بر هشت بیت است. بیشتر این کتیبه سالم است جز آن‌که به مرور زمان آینه‌ها تیره شده و تا گردگیری و اصلاح نشود متن درست ابیات را نمی‌توان تشخیص داد.

در فاصل میان دو طبقه صفه‌های چهار سو، در کمرگاه بقعه هشت تصویر رنگین و نفیس نقاشی پشت آینه قرار داده شده است این‌چنین:

ضلع جنوبی: شاه اسماعیل صفوی/ شاه عباس

ضلع شرقی: شاه طهماسب/ شاه سلیم

ضلع غربی: فتحعلی شاه/ آقا محمد خان

تربت پاکان، ج۱، ص: ۸۹

ضلع شمالی: عباس میرزا/ محمد حسن خان قاجار

در زوایای فرعی در پیشانی صفه‌های شرقی و درهای خاتم غربی بقعه، بر هر یک بیتی به خط نستعلیق بر آینه نوشته شده که متن هر یک چنین است:

شمال غربی:

در روزگار دولت دارای تاج‌بخش‌سلطان عصر ناصر دین سایه اله

جنوب غربی:

میرزا تقی اتابک اعظم امین ملک‌کهف امم امان خلائق امین شاه

جنوب شرقی:

معمار رأی همت عالیش برفراشت‌این بقعه مبارکه خلد جایگاه

شمال شرقی:

شوکت سؤال کرد ز تاریخ و چرخ گفت‌مسجود باد مضجع دارای دین‌پناه

در مدخل ورود بقعه از صحن عتیق و درگاه غربی آن، همچنان‌که پیشاپیش صفه‌های گرداگرد بقعه، درهایی خاتم با کتیبه‌هایی پیرامون هر یک نصب بوده که اکنون برخی از آن درها برجای نیست و کتابه و تزیینات خاتم‌کاری باقی نیز بیشتر فرو ریخته است. این است بیت آغاز کتابه در درگاه غربی- که مدخل بقعه مهد علیاست- در بالای لنگه راست:

این آستان کراست که از آسمان برست‌وین بارگه که دربانش خاقان و قیصر است

در کتابه میان همین در بازمانده نوشته‌ای به این شکل خوانده می‌شود:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۰

«به عهد دولت ناصر الدین شاه به جهت بقعه جنت فراز محمد شاه قاجار/ ... اتابک اعظم میرزا تقی خان ...»

روی خاکجای محمد شاه در میان بقعه قطعه سنگی مرمر به درازا و پهنای ۲/۷۰ در ۱/۴۰ قرار دارد که بر آن پیکره شاه را به برجستگی چند سانتی‌متر برآورده‌اند با این دو رقم درون دو ترنج کوچک در پایین آن بر لبه دو سو:

«تربیت یافته محمد شاه رضوان مکان سید حسین/

عمل کمترین بنده درگاه محمد علی الاصفهانی سنه ۱۲۷۰»

و این دوازده بیت به نستعلیق گرداگرد سنگ:

«خدیو جهان شاه یزدان‌پرست که بودش سپهر برین زیردست

محمد شه آن شاه انجم سپاه که بودش فلک تخت و پروین کلاه

هزار و دو صد سال با شصت و چارچو از دور هجرت بشد روزگار

پس از چارده سال فرماندهی جهانداری و فر شاهنشهی

ششم روز شوال بنهفت چهرتنش در زمین شد روان بر سپهر

سپهری نهان گشت در زیر خاک فرو رفت خورشیدش اندر مغاک

به گل شد علی‌رغم آن کس که گفت که خورشید بر گل نشاید نهفت

خطا گفتم او زنده بر تخت زرنشسته است لیکن به شکل دگر

نه یک گلبن است آن‌که در هر بهارگلی چون گل رفته آرد به بار

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۱ ز شمعی چو شمع دگر برفروخت نیاری سخن گفت کان شمع سوخت

که شمع نخست است گر تا قیام دو صد شمع روشن کنی زان مدام

الهی که این شمع بیگانه سوز بود تا شب حشر گیتی‌فروز»

*** پیوسته به بقعه محمد شاه، در غرب آن، بقعه همسر او مهد علیای سوم مادر ناصر الدین شاه قرار دارد که راه آن از درون بقعه محمد شاه است. این بقعه با بلندی چهار متر و نیم و درازا و پهنای ۶/۲۰ در ۳/۵۰ آراسته به گچ‌بری‌های ظریف با آینه‌کاری در میان آنهاست که چگونگی آن در تصاویر نمایان است.

بر قبر مهد علیا در میان بقعه قطعه سنگی مرمر است به درازا و پهنای تقریبی دو متر در یک متر، با نقش‌ونگارهای هنرمندانه و نفیس و این ابیات به نستعلیق در متن:

«دخت امیر یگانه قاسم قاجارآن‌که چو گنجی به زیر خاک نهان شد

راد نیایش بود فتحعلی شه آن‌که چهل سال زیب تخت کیان شد

جفت محمد شه آن‌که همچو سلیمان زیر نگین اندرش زمین و زمان شد

ما در صاحب قران عصر که ملکش از ملک العرش با هزار قران شد

شه پسر و شه نیا و شاهش شوهرخود نه شگفتی بود که شاه زنان شد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۲ مغفرت و رحمت از خدای طلب کردسوی جنان رفت و هرچه خواست همان شد

رفته نود از پس هزار و دو صد سال رو به محمد خدیجه‌ای ز جهان شد

۱۲۹۰»

در دو ترنج کوچک میان ابیات بالا:

کتبه العبد/ غلامرضا سنه ۱۲۹۶

زیر ابیات در مربعی مستطیل بر لبه مرقد:

«عمل حاجی محمد علی حجار طهرانی و میرزا علی اکبر حجار ولد مشار الیه»

بالای سنگ در صدر ابیات بالا درون یک بیضی ظریف به نستعلیق درشت:

هو الحی الذی لا یموت

و بر لبه زیرین بیضی به نستعلیق ریز:

«به حسن مراقبت جناب جلالت‌مآب عضد الملک علی رضا خان قاجار دام مجده العالی اتمام یافت»

گرداگرد متن سنگ حاشیه‌ای است که بر آن به خط ثلث ابیات عربی مشهور

«الهی بنبی عربی و رسول مدنی» را برآورده‌اند.

پیوسته به این بقعه در جهت غربی آن مقبره‌ای دیگر است از شاهزادگان قاجار که میان این دو، چند درگاه گچ‌بری ظریف فاصل است. پوشش این مقبره کم‌عرض دوم نیز مانند مقبره مهد علیا و تزیینات آن دو مشابه است.

بقاع دیگر صحن عتیق:

قرینه بقعه محمد شاه در سوی دیگر ضلع غربی صحن عتیق بقعه منوچهر خان معتمد الدوله گرجی ارمنی- حکمران اصفهان در میانه و نیمه دوم قرن گذشته-

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۳

با محیط و ارتفاعی همانند مقبره محمد شاه، و با شاه‌نشینی در عقب بقعه قرار دارد که نقش و نگار سنگ‌های مرمر ازاره و تصاویر بدنه آن هنرمندانه، و سقف آن مقرنس آینه با شمسه‌ای گچ‌بری در میان است. کتیبه‌هایی که گرد بقعه و درهای منبت آن بوده است بیشتر فرو ریخته و سه ماده تاریخ که از پایان سه کتیبه از آن‌جمله برجای مانده است چنین است:

انجام کتابه کمربندی بقعه:

پی تاریخ اتمامش بهار آورد این مصرع‌ز داود فلک چاکر بقم این بقعه شد برپا

انجام کتابه گلوبند گنبد:

کلک کوکب زد رقم تاریخ سالش را که بادجایگاه معتمد دائم بفردوس برین

پایان کتابه گرداگرد یکی از درهای خاتم:

چو انجم به تاریخ این در بگفت‌در بقعه معتمد شد پدید

۱۲۶۴

*** قرینه بقعه فتحعلی شاه نیز در سوی دیگر ضلع شمالی صحن عتیق بقعه میرزا حسن خان مستوفی الممالک پدر میرزا یوسف صدر اعظم آشتیانی قرار دارد که در خصوصیات بنا همانند بقعه فتحعلی شاه و با گچ‌بری‌های برجسته آراسته است.

این ابیات در کمربند ایوان سردر بقعه به خط نستعلیق نوشته شده و مربوط به دوره شاهی فتحعلی شاه است:

تبارک اللّه ازین روضه بهشت سرشت‌که سرزند شرف خاکش از سرشت بهشت

ز بهر آستر فرش آستانش بودکه تار اطلس افلاک دست قدرت رشت

شد از ارادت خسرو ز گنبد عالیش‌چو آفتاب عیان صد هزار زرین‌خشت

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۴ ستوده فتحعلی شه که در حدیقه دل‌به‌جز نهال هوای نبی و آل نکشت

دعای دولت او باد در صباح و مساءدرود شیخ حرم با سرود پیر کنشت

*** در بقعه کوچک میان مقبره فتحعلی شاه و راهرو صحن به مدرسه فیضیه، قهرمان میرزا فرزند عباس میرزا و برادر محمد شاه مدفون است که سنگ مرمر روی قبر او اثری هنری است. آرایش گچ‌بری بقعه نظام الدوله نیز در ضلع جنوبی کنار ایوان طلا شایسته ذکر است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۵

۳- صحن نو

اشاره

صحن نو و بزرگ آستانه مقدس در شرق حرم بنای میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک است. گرداگرد این صحن سی و چند بقعه کوچک و بزرگ بنا شده که مهم‌ترین آنها بقعه مدفن خود اتابک است با تزیینات آن، پیوسته به ایوان آینه در ضلع غربی.

صحن نو مرکب از دو قسمت پیوسته است. قسمت بزرگ‌تر هشت گوشه (اضلاع شرقی و غربی هر یک ۶۰/ ۷۶ و اضلاع شمالی و جنوبی هریک ۸۰/ ۴۶ و چهار ضلع در جهات فرعی هریک ۷۰/ ۳ متر) و قسمت کوچک‌تر به صورت زائده‌ای در میان ضلع شرقی به شکل پنج گوشه (اضلاع شمالی و جنوبی ۱۰ متر و اضلاع فرعی ۸۰/ ۵ متر) گسترش یافته، و در محل گسترش این زائده بر پایه‌های دوسو، دو مأذنه به بلندی سیزده متر از سطح زمین با محیط ۹۰/ ۹ به شکل هشت ترکی بالا رفته که پوشش هر دو، کاشی گرهی با ترنج‌هایی در میان از نام‌های مقدس

تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۶

اللّه و محمد و علی است.

گرداگرد صحن، بالای ایوان‌های پیشاپیش حجرات، کتیبه‌ای از کاشی خشتی زمینه لاجوردی به عرض ۵۰ سانتی‌متر هست که طول آن در مجموع از دویست و پنجاه متر درمی‌گذرد و بر آن دو قصیده از فتح اللّه شیبانی کاشانی- مصرعی به نستعلیق سفید و مصرعی طلایی- نوشته شده است. قصیده اول از کنار درگاه ورود این صحن از صحن عتیق، پیوسته به ضلع شمال غربی آغاز شده و کنار ایوان شرقی پایان گرفته، و سپس قصیده دوم از سوی دیگر ایوان تا پایان ضلع شمال شرقی کتیبه شده است [تصاویر شماره ۵۸- ۶۱]:

چنین است قصیده نخست:

«زمین شد از دو بنا رشک آسمان برین‌یکی بنای خلیل و یکی بنای امین

خلیل رحمن گشت او بدان بنای قویم‌امین سلطان گشت این بدین بنای متین

یکی به مکه و آن کعبه خدای بزرگ‌یکی دگر به قم و جای بضعه یاسین

بدان نماز برد هر کراست دین درست‌بدین نیاز برد هر کراست رای رزین

به روزگار بناها بسی نهادستندولی نه چونین محکم نهاد و خوب‌آیین

رواق و طاقش بر آسمان نهاده اساس‌زمین و خاکش بر فرق فرقد و پروین
خزینه‌های فراوان هزینه گشته بر آناگرچه کرده در آن گنج نام نیک دفین
کسی که باز بماند به دهر از او آثارکجا بماند از ایشان یکی اثر چونین
تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۷ جهان رسانده بسی مردمان به عزت و جاه‌چه زان که باد جهانش همه به زیر نگین
خدای عرش چو با بنده [ای] نظر داردچنین اثرها ماند از او به روی زمین
چنین بنا نه به خلخ در است و نه به طرازچنین اثر نه به چین اندر است و نه ماچین
گر این بنا نگرد سخت شرمسار شودکسی که کرد ایا صوفیا به قسطنطین
تمام خلقت و اصل این بنای و در بر اودگر بناها چون در مشیمه‌اند جنین
بدین بنا که ز آب‌وگل این وزیر نهادبه باد رفت همه نام آذر بر زین
در آن بنا سخن از آفتاب و آذر بوددر این بناست همه ذکر مالک الارضین
کجا به بانی او زین بنا که ماند به جای‌فلک درود فرستد ملک کند تحسین
نه بر به بیهده بر ملک و دین امینش کردخدا یگان ملوک زمانه ناصر دین
کجا به فره شاهنشهی فر است اومیان بیضه کند فرق خاد از شاهین
شهی که گر ز خرد شاه خسروان پرسی‌خرد چه گوید گوید بیا و شاه ببین
در او حصافت بو ذر جمهر و آصف دیدکه می پیاده شود از کفایتش فرزین
ز مکرمت نظری کرد سوی او که شد اواز آن نظر به سعادت ز خواجگان مهین
کجا طواف‌گه روحشان همین خاک است‌که جسم دختر احمد درو شده است مکین
تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۸ دری به خلدبرین زین مکان فراز و تو نیزببینی آن در ارت هست چشم باطن بین
مکان فاطمیان در سپهر عرش خداست‌و گر به خاک نشان بی‌چو این مکان گزین
همان که شیعه خاص علی و آل علی است‌اگر نخفت در این خاک روح اوست غبین
به طوس و قم ز پیمبر دو گوهرند به خاک‌که خاک زین دو شرف جسته بر سپهر برین
پدرش خفته به طوس است مام او ایدرندیم رضوان آن وین رفیق حور العین
پدر اساس نهاد و پسر به آخر بردکه باد رحمت ایزد بسی بر آن و بر این
چنان‌که مسجد اقصای را همی داودبنا نهاد و سلیمانش برفزود آذین
اگرچه بقعه آنجا ز پیش بود به پای‌ضریح آن سیمین بود و قبه‌اش زرین
بنا مگو که عروسی است کاسمان بلندبهشت و طوبی و کوثرش می‌کند کابین
کنون به فر شهنشاه عصر و فضل الهوزیر صدر نشان است و بدر صدرنشین
پدرش بود به سلطان امین و سلطان خواست‌پس از پدرش به حشمت فزاید و تمکین
فزود نک همه خواجگان به خدمت اوبه فخر بسته میانند از کهین و مهین
کسی که شاه سوی او نظر کند نه شگفت‌اگر زمانه ببندد بر اسب بختش زین
که گر اثر نهد این‌گونه می‌نهد به جهان‌کجا اساسش محکم‌تر از دژ رویین
تربت پاکان، ج۱، ص: ۹۹ مؤید است به روح القدس ز ایزد پاک‌وز آب و خاک مقدس سرشته است و عجین

چه آیتی به ازین کو نهد چنین آثارکه بازماند از او تا به روز بازپسین
کجا خرد بتواند قیاس چرخش کرداگر کنی به مثل کوه و بحر را تخمین
علی اصغر اگر نام دارد او ز پدرعلی اکبر یارش بود به علیین
بدین علی همه ارواح می دعا گویندبه خاصه روح علی بن جعفر و یقطین
گناهکار اگر سوی او پناه بردحرام گردد بر او مهالک سجین
و گر کسی بنشیند به زیر سایه اوبه هیچ غم نکند خاطرش زمانه حزین
دو صف فرشته شب و روز اندر اوست به پای‌صفی به سوی یسار و صفی به سوی یمین
به شهریار جهان و بدین بزرگ وزیرصفی دعا کند و صف دیگری آمین
بنای او چه به آخر رسید و گشت تمام‌خدای حافظ آن کرد جبرئیل امین
بدین دلیل همی تا جهان به جای بودبه پای خواهد بود این بنای نغز چنین
و گر بخواهد روزی قضا به خاک رودنباشدش به‌جز این خاک بستر و بالین
به دین پاک و دل پاک و رأی و خاطر پاک‌خدای پاکش باشد همیشه یار و معین
درین کتیبه هم از بحر طبع شیبانی‌کشد به رشته سر کلکش این لئال ثمین تربت پاکان ؛ ج۱ ؛ ص۱۰۰
تربت پاکان، ج‌۱، ص: ۱۰۰ که نه بنایی ازین به کسی تواند کردنه هم ثنایی از این‌گونه محکم و شیرین
همیشه تا نبود آب را گرانی خاک‌همیشه تا که نماند به لاله بر نسرین
به باغ ملک رخ او چو لاله تازه و تربه کام دولت کارش همه چو ماء معین»

در پایان این قسمت کتیبه و در ردیف آن کنار ایوان شرقی صحن ترنجی است که در بالا و پایین آن این عبارت و در میان، بیت زیر به نستعلیق ریز نوشته شده است:

«سررشته‌دار این بنا آقا میرزا سید تقی بن میرزا سید هاشم بن حاجی میرزا طاهر مستوفی تفرشی
دارد از حضرت معصومه طمع روز جزاکه شفیعش شود از لطف و کرم نزد خدا»

قصیده دوم چنین است:

«چو مرد پرهنر افتاد و بخت بودش یارچنین بماند از او در جهان به جای آثار
کجا به درگه او برنهد فرشته جبین‌کجا به سایه او آسمان برد زنهار
به روزگار نگردد عزیز هرکه نکردبه دست خویش همی خوار درهم و دینار
کسی که درهم و دینار خوار مایه گرفت‌ازو به جای بماند چنین اثر بسیار
ز زر سرخ خردمند نام جوید و بس‌که نام عز نبرد هرکه زر نسازد خوار
ولی اگر نبود فر ایزدی با مردهمی زند به در گنج خویش بر مسمار
نه در دلی نهد از مکرمت به‌جا اثری‌نه در گلی نهد آثاری او به نقش و نگار
تربت پاکان، ج‌۱، ص: ۱۰۱ اثر به دهر بسی مانده‌اند لیک نماندچنین اثر که در او عقل گم کند هنجار
کدام اثر که همه روز جبرئیل امین‌به پر خویش برد گردش از در و دیوار
کدام اثر که به هر سر که سجده برد در اوهمی درود فرستد محمد مختار
کدام اثر که به هر تشنه [ای] که خفت در آن‌به دست خویش دهد آب حیدر کرار

کدام اثر که غباری که زو بلند شودبه دیده برکشد از فخر گنبد دوار
چنین اثر که نهد جز کسی که حشمت اوبه دین و دولت از این‌گونه کرده است هزار
بدین بنا و بدین کارهای فرخ اوست‌که برگزید شه او را از این همه اخیار
مظفری ملکی خسروی خداوندی‌که شد زمانه به فرش همه بهشت و بهار
به روزگار همایون و عهد فرخ اوزمین ز چرخ برافزود رتبت و مقدار
ستوده [ای] که به دربار هیچ شاه نبودچنین وزیر نکوسیرت و نکوکردار
چنین بنا که توانست بر نهاد جز اوکه خیره گردد ازو دیده اولو الابصار
به ویژه آن‌که بدین خاک ازین بزرگ وزیرچنین بنایی برپا شد آسمان‌کردار
بنا نه گوئی یک لخت از بهشت برین‌فروکشیده و اندر زمینش داده قرار
رواق‌هاش چو افلاک بی‌فساد و خلل‌عمادهاش چو البرز محکم و ستوار
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۲ نه جنت است و چو جنت مقام رحمت حق‌نه کعبه است چو کعبه است قبله ابرار
به پاک تربت دخت رسول کرده است این‌علی بن ابراهیم فخر آل و تبار
به بخت و سال جوان و به رأی و دانش پیرز اسب جهل پیاده به رخش عقل سوار
به سوی او نظر مردمان پاک‌نظرپناه سالک و درویش و ملجأ زوار
عزیز کرده خدا نام او به هر دو جهان‌که خوار کرد بدین کار خیر زر عیار
یگانه در همه فضل است و فضل ایزد بین‌که فضل او بفزاید به مهر هشت و چهار
اگر به مملکت ایدون امین سلطان است‌امین یزدان است او به حکمت و اسرار
هزار سر الهی نهفته در دل اوکه زان یکی نه فزون گفته‌اند بر سردار
به سر شاه و به سر اله اوست امین‌به جان و دلت ز بو نصر این سخن بسپار
از آن شه از پدرش عز و جاه او افزودکه دید فخر پدر گشت او به علم و وقار
پدر درخت بدو این وزیر یار درخت‌پدر صدف بد و این خواجه لؤلؤ شهوار
هر آینه ز صدف خوب‌تر بود لؤلؤچنان‌که خوب‌ترند از درخت‌ها اثمار
امیدم آن‌که ز یزدان ز مکرمت نظری است‌بر آن‌که گفت و بر آن کو نویسد این اشعار
ایا کسی که بدین کاخ بگذری روزی‌یکی به رحمت ازین رفتگان به یاد بیار
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۳ هزار و سیصد و سه چون گذشت از هجرت‌به آخر آمد این قصر و این بلند حصار»
و پس از آن در پایان کتیبه آمده است:
«به سعی و اهتمام مقرب الحضرهٔ العلیهٔ آقا میرزا عبد المولی به اتمام رسید. راقمه میرزا آقا»
*** در این صحن گذشته از ایوان آینه- که وصف آن با بنای حرم گذشت- سه ایوان دیگر در اضلاع شرقی و شمالی و جنوبی از درون، با سه سردر به موازات هریک از بیرون، و دو ایوانچه- به عنوان درگاه راهرو- در دو سوی ایوان آینه در ضلع غربی هست که همه با کاشی‌کاری و مناره‌هایی کوتاه آراسته شده و از آن‌جمله ایوان شرقی از آثار نفیس هنری است که در زیر نخست از آن و سپس از دیگر ایوان‌ها و سردرها وصف می‌شود.

ایوان شرقی [تصاویر ۶۲– ۶۳]:

این ایوان که رویاروی ایوان آینه قرار دارد با دهانه ۷/۸۰ و پهنای ۷/۳۰ و بلندی ۱۳/۶۰ متر، جز در ازاره آراسته به کاشی گرهی طلایی‌رنگ در سراسر بدنه است که میان حاشیه‌ای زمینه لاجوردی از کاشی‌های مشابه قرار گرفته و از زیبایی خاص برخوردار است.

پوشش سقف ایوان مقرنسی لطیف و خوش‌قطار است که با همان کاشی‌های طلایی‌رنگ، و درون مقرنس‌ها با نقش گل آراسته شده است. میان مقرنس‌کاری سقف و آرایش بدنه کتیبه‌ای سراسری به ثلث سفید در زمینه لاجوردی دیده می‌شود که متن آن چنین است:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۰۴

«روی فی السماء و العالم من البحار انه لما اخرج المأمون علی بن موسی الرضا علیه السلام من المدینة الی المرو سنة مأتین خرجت فاطمة اخته فی احدی و مأتین بطلبه فلما وصلت الی ساوه مرضت فسألت کم بینی و بین قم قالوا عشرة فراسخ فامرت خادمها فذهب بها الی قم و انزلها فی بیت موسی بن خزرج بن سعد و الاصح انه لما وصل الخبر الی آل سعد اتفقوا و خرجوا الی ان یطلبوا منها النزول فی ارض قم فسبق بینهم موسی بن خزرج فلما وصل الیها اخذ بزمام ناقتها و جرها الی قم و انزلها فی داره فکانت فیها ستة عشر یوم ثم قبضت الی رحمة اللّه و رضوانه فدفنها موسی بن خزرج بعد التغسیل و التکفین فی ارض له و هی التی الان مدفنها و بنی علی قبرها من البواری سقفا الی ان بنت زینب بنت الجواد علیه السلام قبة علیها. و روی فی البحار ان زیارتها تعادل الجنة. قد تم فی سنة ۱۳۰۳. کتبه خادم الروضة الرضویة رجبعلی»

بالای این کتیبه در میان ایوان، زیر مقرنس‌ها، درون صفحه قاب‌بندی کوچکی به نستعلیق سفید این مصرع- که زبان حال معمار هنرمند ایوان استاد محمد باقر قمی است- دیده می‌شود:

«دارم امید محبت ز امین السلطان» نام این استاد هنرمند در ترنج بالای درگاه نورگیر ایوان از دالان ورود صحن به این شرح نوشته شده است:

«عمل استاد محمد باقر بنا»

جرزهای دو سوی ایوان و پیشانی آن نیز آراسته به کاشی گرهی است که در بالای آن زیر هره لب بام کتیبه‌ای به ثلث سفید در زمینه لاجوردی مشتمل بر آیات ۷۴- ۷۵ سوره زمر (قال اللّه تبارک و تعالی: وَ سِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ ... تا:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۰۵

فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِينَ) با عبارت «قد تم فی شهر شعبان سنة ۱۳۰۳. حرره خادم الروضة الرضویة رجبعلی» قرار دارد.

ایوان جنوبی [تصویر شماره ۶۴]:

در جنوب صحن نو ایوانی دیگر است با بلندی دوازده متر و اند، و دهانه و پهنای ۷ در ۴/۴۰ متر که بدنه و پیشانی و جرزهای آن با کاشی گرهی لاجوردی آراسته شده و سقف آن ساده است. در کمربند ایوان این کتیبه به ثلث سفید دیده می‌شود:

«روی عن انس بن مالک قال کنت ذات یوم جالسا عند النبی صلی اللّه علیه و آله اذ دخل علی بن ابی طالب علیه السلام فقال یا ابا الحسن الی الی ثم اعتنقه و قبل ما بین عینیه و قال یا علی ان اللّه عز اسمه عرض ولایتک علی السموات و الارض فسبقت

الیها السماء السابعة فزینها بالعرش ثم سبقت الیها السماء الرابعة فزینها بالبیت المعمور ثم سبقت الیها السماء الدنیا فزینها بالکواکب ثم عرضها علی الارضین فسبقت الیها مکة فزینها بالکعبة ثم سبقت الیها المدینة فزینها بی ثم سبقت الیها الکوفة فزینها بک ثم سبقت الیها قم فزینها بالعرب و فتح اللّه لهم بابا من ابواب الجنة. و روی صفوان قال کنت عند ابی الحسن علیه السلام فجری ذکر قم و اهله و میلهم الی المهدی فترحم علیهم و قال رضی اللّه عنهم، ثم قال ان للجنة ثمانیة ابواب واحد منها لاهل قم و هم من خیار شیعتنا من بین سایر البلاد خمر اللّه تعالی ولایتنا فی طینتهم. و روی عن الصادق علیه السلام انه قال ان لعلی قم ملکا رفرف علیها بجناحیها لا یریدها جبار بسوء الا اذابه اللّه کذوب الملح فی الماء. قد فرغ من التحریر فی شهر ربیع الثانی الخادم رجبعلی»

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۶

در قسمت بالای متن این کتیبه، گرداگرد، آیة الکرسی به خط کوفی آبی‌رنگ ریز افزوده شده که با «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم» آغاز می‌شود و به «لَا انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ» پایان می‌پذیرد. بالای درگاه ورود، میان ترنجی، عبارت «یا غفار الذنوب و یا حبیب اللّه (!) ادرکنی. سنه ۱۳۰۳»- که گویا ایمائی به نام بناکنندگان یا آرایشگران ایوان است- به نستعلیق ثبت است.

در پیشانی ایوان بر لچکی‌های دو سو- میان دو ترنج- عبارت «یا حنان» در زمینه سفید و کنار آن در قاعده مناره‌ها در دو سو عبارت «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ»، و در بالای ایوان زیر هره لب بام این ابیات به نستعلیق سفید- با نام ناصر الدین شاه در میان به خط طلایی- دیده می‌شود:

«در زمان دولت دارای عصرناصر الدین شه خداوند کریم

ساخت این بنیان امین سلطان رادبر نیاز بضعه موسی الکظیم

پور ابراهیم علی اصغر نموداین بنا را برتر از عرش عظیم

۱۳۰۵»

ایوان شمالی [تصویر شماره ۶۵]:

در شمال صحن نو نیز ایوانی دیگر است مانند ایوان جنوبی در سبک بنا و تزیین، جز آن‌که متن کتیبه کمربندی خط ثلث این ایوان چنین است:

«روی عن عدة من اهل الری انهم دخلوا علی ابی عبد اللّه علیه السلام و قالوا نحن من اهل الری فقال مرحبا باخواننا من اهل قم فقالوا نحن من اهل الری فاعاد الکلام، قالوا ذلک مرارا فاجابهم بمثل ما اجاب به فقال علیه السلام ان للّه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۷

حرما و هو مکة و ان للرسول حرما و هو المدینة و ان لامیر المؤمنین حرما و هو الکوفة و ان لنا حرما و هو قم و ستدفن فیها امرأة من اولادی تسمی فاطمة من زارها وجبت له الجنة. و روی ان رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم لما اسری رأی ابلیس بارکا بهذه البقعة فقال له قم یا ملعون فسمیت بذلک. و روی عن ابی عبد اللّه جعفر بن محمد الصادق علیه السلام انه قال اذا اصابکم بلیة و عناء فعلیکم بقم فانه مأوی الفاطمیین و مستراح المؤمنین.

و روی عن ابی الحسن علی بن موسی الرضا انه قال ان للجنة ثمانیة ابواب واحد منها لاهل قم. قد فرغ من التسوید رجبعلی

الخادم المشهدی فی سنهٔ ۱۳۰۳»

متن کتابه خط کوفی ردیف بالای این کتیبه به خط آبی چنین است:

«إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَى النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً. اللهم صل علی محمد النبی و الوصی و البتول و الحسنین و السجاد و الباقر و الصادق و الکاظم و الرضا و التقی و النقی و العسکری و صاحب الامر و العصر و الزمان صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین.

اللهم ان هؤلاء ائمتنا و سادتنا و قادتنا و هداتنا و رعاتنا.

اللهم وفقنا لطاعتهم و ارزقنا شفاعتهم و احشرنا فی زمرتهم و اجعلنا ممن فاز بولایتهم بکرمک»

سپس به خط کوفی ریز در انجام این کتابه، بالای دو کلمه اخیر:

نمقه رجبعلی الخادم

در پیشانی ایوان بر دو ترنج میان لچکی‌های دو سو عبارت «یا ابا عبد اللّه» در زمینه سفید، و کنار آن در قاعده مناره‌های دو طرف ایوان «إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً»، و در بالای ایوان زیر هره لب بام ابیات زیر به نستعلیق سفید در زمینه لاجوردی (و در میان نام ناصر الدین شاه) دیده می‌شود:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۸ «عهد ملک ناصر دین آن‌که یافت‌کرسی و دیهیم ازو زین و زیب

گشت امین شه و صدر مهین‌بانی این صحن خوش دلفریب

صادق پروانه به تاریخ گفت‌نصر من اللّه و فتح قریب

۱۳۰۲

کتبه میرزا آقا»

ایوانچه‌ها:

در دو سوی ایوان آینه، در ضلع غربی صحن نو- چنان‌که گذشت- دو ایوان کوچک به عنوان درگاه راهرو، یکی میان صحن نو و صحن عتیق و دیگری میان این صحن و صحن زنانه سابق (مسجد موزه) با دهانه بیش از سه و پهنای یک متر قرار دارد که گرداگرد هریک کتیبه‌ای به خط ثلث، و روی هریک از پایه‌های دو سوی آنها دو مناره کوچک و کوتاه (یک زوج) دیده می‌شود. متن کتیبه ایوانچه شمالی به خط علی اکبر فیض چنین است:

«روی صاحب کتاب المناقب الفاخرهٔ فی العترهٔ الطاهرهٔ بسنده عن ابن عباس رضی اللّه عنه قال: قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله انا مدینهٔ العلم و علی بابها فمن اراد العلم فلیأت الی الباب. ثم قال یا علی انا مدینهٔ العلم و انت الباب کذب الذی زعم ان یصل الی المدینهٔ لامن الباب. بنی هذه نظام المجد تاج الحاج میرزا سید حسین متولی‌باشی. حرره علی اکبر الفیض فی سنهٔ ۱۲۹۶. به سعی و اهتمام میرزا علی محمد به اتمام رسید»

متن کتیبه ایوانچه دیگر (جنوبی) نیز چنین است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۰۹

«روی فی البحار عن واسط بن سلیمان عن ابی الحسن علی بن موسی الرضا انه قال ان للجنهٔ ثمانیهٔ ابواب و لاهل قم واحد منها فطوبی لهم ثم طوبی. و روی رجل من اهل الری قال: قال ابو الحسن علی بن محمد بن علی بن موسی علیهم السلام انما سمی

قم لانه لما وصلت السفینهٔ الیه فی طوفان نوح قامت و هو قطعهٔ من بیت المقدس. و روی عن الائمهٔ لو لا القمیون لضاع الدین.
کتبه الخادم المشهدی رجبعلی ۱۳۰۳»

سردرها [تصاویر ۶۶– ۶۷]:

صحن نو در سه جانب شرق و شمال و جنوب سه درگاه ورود دارد که سردرها در هر سه سو آراسته به کاشی‌کاری، و بر فراز سردرهای شمالی و جنوبی دو مناره کوچک چند متری و بالای سردر شرقی چهار مناره (دو زوج) است.

در کمربند سردر شرقی این ابیات به نستعلیق سفید:

«به عهد ناصر دین خسرو سپهر وقاربه حول و قوه پروردگار لیل و نهار

ز بهر حضرت معصومه ساخت اندر قم‌امین سلطان این صحن آسمان‌مقدار

سرود سید غمخوار بهر تاریخش‌ز بعد هجرت احمد هزار و سیصد و چار

نمقه میرزا آقا

۱۳۰۴»

و در بالای سردر مزبور این ابیات (با نقش «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ» در ترنج‌های لچکی‌های دو سو):

«به عهد خسرو گیتی خدیو ناصر دین‌که نازد از سر انگشت وی کلاه و نگین

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۱۰ برای دختر موسی بن جعفر آن‌که ز قدرسپهر سوده به خاک درش هماره جبین

امین شاه علی اصغر بن ابراهیم‌عیان نمود به سطح زمین بهشت برین

چو شد تمام به تاریخ گفت پروانه‌بنای صحن بکلی بهشت روی زمین

۱۳۰۳»

و بالای درگاه ورود همین سردر میان ترنجی به نستعلیق سفید عبارت:

«انا مدینهٔ العلم و علی بابها

۱۳۰۳»

و در کمربند سردر شمالی این ابیات:

«یا رب به حق پرده‌نشین دیار قم‌پاکیزه‌گوهر صدف اعتبار قم

قم گشته از شرافت معصومه باصفاچون روضه بهشت برین گشته پر ضیا

شاهان به درگهش همه آورده التجابی‌شک که می‌رود به بهشت ازره عطا»

و بالای همین ایوان این ابیات (با نقش «یا علی مدد» در ترنج‌های لچکی‌های دو سو):

«به عهد ناصر دین شهریار با تعظیم‌ابو المظفر غازی خدایگان کریم

بنا نهاد به توفیق کردگار این صحن‌وزیر اعظم علی اصغر بن ابراهیم

چو بهر دختر موسی بن جعفر از سر صدق‌امین سلطان آراست این ستوده‌حریم

برای مصدر تاریخ گفت پروانه‌سیاق کعبه ثانی ز پور ابراهیم

۱۳۰۳»

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۱

و بالای پیشانی سردر جنوبی این ابیات (با نقش نام ناصر الدین شاه در بالا و «بسم اللّه الرحمن الرحیم» در میان پیشانی و «هو اللّه تعالی» میان دو لچکی و «إِنَّا فَتَحْنا لَکَ فَتْحاً مُبِیناً ۱۳۰۲» بر پایه مناره‌ها):

«به عهد ناصر دین شهریار ملک‌آرای‌امین سلطان آراست این ستوده‌سرای

سرود صادق پروانه بهر تاریخش‌ببین به ملک قم اینک در بهشت بپای

۱۳۰۳»

دیده می‌شود (در کمربند سردر جنوبی نوشته‌ای نیست).

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۲

۴- مقابر پادشاهان صفوی

اشاره

چهار تن از شاهان صفوی: شاه صفی، شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین در جوار تربت منور به خاک رفته‌اند که مقابر آنان به روزگار خود بسیار مجلل و معظم بوده و تولیت خاص و اوقافی مخصوص داشته است. چنین است وصف بنا و بازمانده آثار هریک از این مقابر:

مقبره شاه صفی:

نخستین پادشاهی که از این خاندان در قم به خاک سپرده شد شاه صفی بود که در ۱۲ صفر ۱۰۵۲ در کاشان درگذشت و جسد او به قم نقل شده، در رواق جنوبی حرم مدفون گردید ».

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۳

پیش‌تر گفته شد که بر فراز قبر شاه صفی بنایی شکوهمند برپا بوده که تزیینات سقف و بدنه آن از میان رفته است . بقایایی از کتابه سراسری پایین مقبره که متن آن سوره جمعه و به خط ثلث محمد رضا امامی اصفهانی بوده است تا اوائل این قرن بر پایه‌های بنا برجای بوده و در سال ۱۳۱۸ به دستور میرزا علی اصغر خان امین السلطان- چنان‌که در انجام کتیبه موجود دیده می‌شود- کتیبه‌ای نو به‌جای آن نهاده‌اند.

در حال حاضر از مقبره شاه صفی جز صندوق خاتم مدفن که در موزه آستانه نگاهداری می‌شود هیچ اثر برجای نیست. این صندوق اثری است بس نفیس از هنر خاتم‌کاری و منبت دوره صفوی، که بر گرداگرد هریک از چهار بدنه آن آیاتی از سوره «یس» را تا پایان برآورده‌اند به ثلث و گویا از همان محمد رضا امامی [تصاویر ۶۸- ۷۰].

مقبره شاه عباس دوم [تصاویر ۷۱- ۷۴]:

شاه عباس دوم در زاویه جنوب غربی حرم در بقعه‌ای باشکوه به بلندی ۱۲ و درازا و پهنای ۸ متر به خاک رفته است . این بقعه دوازده ضلعی است که چهار ضلع آن درگاه ورود به حرم و مسجد موزه و دو رواق جنوبی و غربی حرم، و هشت ضلع دیگر صفه‌هایی است به بلندی ۳ و دهانه و پهنای ۲ در ۰۶۰/ ۰ متر.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۴

ازاره بقعه تا بالای کتیبه کمربندی به بلندی ۷۰/ ۳ متر قطعات بزرگ مرمر است که در پایه‌ها (فواصل صفه‌ها) به شکل ستون حجاری شده، و در صفه‌ها با نقوشی رنگین از طلا و لاجورد به شکل گل و بوته آراسته گردیده که در مجموع از نفاست و زیبایی بسیار برخوردار است و این قطعات با همان نقش‌های رنگین و زیبا دو راهرو بقعه به حرم و رواق جنوبی را نیز زینت داده است.

بالای ازاره کتیبه‌ای است بر سنگ مرمر به ثلث برجسته محمد رضا امامی مشتمل بر سوره جمعه با رقم:

فی سبع و سبعین و الف. کتبه محمد رضا الامامی

در پایان.

پس از آن دوازده بدنه گچی به شکل نما با نقوشی رنگ‌آمیزی‌شده گرداگرد بقعه دیده می‌شود. سپس کتیبه سراسری دیگری است به ثلث طلایی مشتمل بر سوره قیامت و آیه نور ، و پس از آن سقف بقعه بر پایه نماهایی کوچک‌تر و نورگیرها با آرایش‌هایی همانند بدنه.

قبر در میان بقعه قرار گرفته که صندوق مسین فراز آن را- که پیش‌تر با صفحات زرین آراسته بوده- به موزه آستانه منتقل ساخته‌اند و پایه آن مرکب از چند قطعه مرمر سفید با بلندی چند سانتی‌متر اکنون باقی است. در کناره این سنگ‌ها به‌طور مایل، گرداگرد، به پهنای ده سانتی‌متر این ابیات به نستعلیق ثبت است:

جمشید به اخلاص ز شاه اسلام‌چون منصب تولیت گرفت از انعام

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۵ طاهر به نیابتش مشرف چون شدبا راستی این مزار را کرد تمام

از سیم و زر خزانه تحویلش دادچون کار جهان از او بنا شد به نظام

*

آن را که شفیع از دل و جان است غلام‌صندوق به سرکاری او گشت تمام

*

بر مرقد پاک پدر آن زبده ناس‌یعنی صفی ثانی افلاک اساس

صندوق چو ساخت عقل تاریخش گفت‌صندوق مزار شاه عالم عباس

بر بازمانده صندوق روی قبر که اکنون در موزه آستانه است نوشته‌ای دیده نمی‌شود.

پیشاپیش درگاه ورود جنوبی این بقعه از صحن زنانه پیش‌ترها ایوانی به عنوان سردر ورود بوده که اکنون نیست. جز آن‌که کتیبه کمربندی آن- که پس از ویرانی ایوان به سردر بقعه شاه سلیمان و شاه سلطان حسین نقل گردیده بود- اکنون بالای کتیبه سراسری بقعه شاه سلطان حسین که مدخل ورود موزه آستانه است نصب است. متن کتیبه دوازده بیت است این‌چنین:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۶ «هذه جنات عدن فادخلوها خالدین‌زائران را از صریر در رسد بر گوش جان

ز التفات پادشاه صورت و معنی صفی‌شد سرافراز مهم تولیت جمشید خان

گشت حسب الحکم مأمور بنای روضه‌ای کز بلندی سایه‌اش بر عرش باشد سایبان

روضه‌ای کارامگاه صالحان بر ساحتش گفته‌ای فردوس باشد یا بهشت جاودان

کرد بنیاد اساس بارگاهی کز شکوه‌می‌نویسد از ادب رفعت پناهش آسمان

کرده‌اند آرایش سقف و جدار روضه‌اش‌از طلا و لاجورد و آفتاب آسمان

خشت ایوان بلندش غیرت خورشید و ماه‌صحن ایوان رفیعش مهبط کروبیان

وصف صندوق مزار شاه حد خامه نیست‌همچو سوسن گر سراپای قلم گردد زبان

شد تمام از معجز اقبال شاهی این بناتا مگر همچون حرم گردد مطاف انس و جان

حور شد از سنبل گیسو در او جاروب‌کش‌مشتری بر رغم کیوان گشت در وی پاسبان

باد یا رب تا ابد از عمر و شاهی کامیاب‌تا بود از مهر و مه روشن چراغ آسمان

این رقم زد از پی تاریخ معمار قضامهبط صفح الهی مرقد صاحب‌قران

سنه ۱۰۷۷»

*** ضمن تعمیرات چند سال پیش چند سنگ قبر بزرگ از زیر خاک بقعه نمایان

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۷

شد که دوتای آن مربوط به قرن دهم بود. یکی با این متن:

«وفات مرحومه مغفوره سعیده آقا شاه خاتون بنت حمزه بیک بن بکتاش بیک موصلو در یوم الاثنین ۴ شهر ذی قعدة الحرام سنه ۹۴۱»

و دیگری از «محمد صادق شاملوئی» درگذشته ۹۴۹ که آن را پریخان دختر او بر قبر وی وقف نموده است. این دو سنگ دانسته نیست چرا به اداره آموزش و پرورش قم نقل شد که در این چند سال همان‌جا کنار حیاط اداره مانده و در چند زمستان گذشته سنگ قبر آقا شاه خاتون با افروختن آتش میان آن، از میان به دو نیمه شده است.

بقعه شاه سلیمان و شاه سلطان حسین [تصاویر ۷۵- ۸۰]:

شاه سلیمان در بقعه‌ای واقع در جهت جنوب غربی بقعه شاه عباس دوم به خاک رفته است. جسد شاه سلطان حسین نیز در راهرو ورود همین بقعه- در شرق بنا- که با خود بقعه از نظر تزیین همانند و یکسان است مدفون است.

ازاره بقعه و راهرو به بلندی ۳۰/ ۱ متر از سنگ مرمر است که با نقش و نگارهای رنگین از گل و بوته و با ستون‌هایی ظریف و کوچک در دو سوی شاه‌نشین های بنا آراسته شده، و بالای آن تا ۷۲ سانتی‌متر دیگر گچ‌بری نقش‌ونگار رنگ آمیزی شده و سپس کتیبه‌ای است سراسری و گچ‌بری با پهنای ۰۴۷/ ۰ مشتمل بر سوره حشر که در زاویه جنوب غربی با رقم:

«کتبه ابو طالب الحسینی الخطیب القمی فی سنة ۱۱۰۷»

پایان می‌گیرد. بالای این قسمت بدنه و سقف در حال حاضر گچی ساده و فاقد تزیین است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۱۸

صندوق قبر شاه سلیمان در میان بقعه قرار دارد و در کنار آن اکنون سنگ قبری است با خطوط و نقوش ظریف که پیش‌تر در راهرو میان دو صحن آستانه بوده و سپس به اینجا نقل گردیده است. روی سنگ میان کتابه‌های قرآنی گرداگرد ابیاتی است با این مقطع:

«سال فوتش چو بجستم گفتندآه از مهتر ما نوری بک

[۹۸۸]

قد توفی السعید المرحوم نوری بیک بن مهتر میرزا بیک بن مهتر منصور عفی عنهما. عمل استاد خواجه حاتم بن عبد المطلب خراسانی سنگ‌تراش»

*** در بقعه مدفن شاه سلطان حسین بالای کتیبه سراسری گچ‌بری، کتیبه‌ای دیگر به خط نستعلیق بر کاشی دیده می‌شود. این کتیبه پیش از سال ۱۳۷۶ قمری در جانب خارجی همین بقعه بر سردر ورود نصب بوده و پس از تغییرات صحن زنانه و تبدیل آن به مسجد موزه، با تکمیل و تعمیر کامل قطعات شکسته و فرسوده آن به اینجا نقل یافته است. و آن مرکب از دو قسمت است که قسمتی مربوط به مقبره شاه عباس بوده و متن آن در بحث از همان بنا نقل شد و قسمتی دیگر بنابر آنچه از خود کتیبه برمی‌آید مربوط است به بقعه‌ای که میرزا ابو طالب خان قزوینی حاکم قم به سال ۱۲۶۰ بر قبر مادر خود بنیاد کرده، و اکنون دانسته نیست که آن در چه جای صحن زنانه قرار داشته است. این قسمت نیز مشتمل بر هفت بیت است این‌چنین:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۱۹ «در همایون روزگار پادشاه دین‌پژوه‌خسرو غازی محمد شه شه اکلیل و هور

آمد اندر ملک دین غوث الوری فخر الامم‌نصرت دنیا و دین کهف امان صدر صدور

عصر معموری این ویرانی ایران‌زمین‌خاصه مصر قم که ویران بود ز احداث دهور

راد بو طالب کز او پروانه فرماندهی‌داشت بر سکان آن ملک از اناث و از ذکور

ساخت این ایوان کیوان پاسبان را بس شگرف‌تا که قبر پاک مادر پاس دارد از قبور

الغرض شد مضجع آن مهد عصمت چون تمام‌عصمت‌آباد سنین شد رحمت‌آباد شهور

ز در قم کوکب پی تاریخ سالش بی‌درنگ‌باد این کاخ همایون مسکن آن پاک حور

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۱

۳ اسناد

اشاره

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۳

در اینجا متن چند طغرا از اسناد و احکام آستانه حضرت فاطمه معصومه با توضیحاتی درباره هریک به این ترتیب دیده می‌شود: نخست متن چند وقف‌نامه و سپس اسناد و احکام خاندانی برخی از دودمان‌های وابسته به آستانه، و آن‌گاه چند نمونه از «فرد» های مستوفیان آنجا (نسخه‌های جمع و خرج سرکار فیض آثار).

این‌گونه اسناد که از هریک آن نکات ارزنده تاریخی و جغرافیایی گوناگون درباره قم و آستانه و جز آن به دست می‌آید اگر همگی جمع‌آوری و تدوین گردد مجموعه‌ای بسیار نفیس فراهم خواهد آمد. به‌خصوص از این نظر که قسمتی از این اسناد که شمار آن کم نیست مربوط به تولیت و جهات دیگر مقابر شاهان صفوی و قاجار است که برخی از آن چاپ نیز رسیده و ارزش آنها پوشیده نیست. از این

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۴

دست اسناد در بحث حاضر جز یکی دو نمونه نیامده، و به چند سند که مربوط به خود آستانه و مشاغل گوناگون آن است

اکتفا رفته است.
در بسیاری از اسناد مربوط به قم نیز به طبع از این مزار یاد می‌شود از جمله در احکام و ارقام پادشاهان صفوی و کریم خان زند برای رودخانه قم که هر
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۵
به چند سال طغیان می‌کرده و به بیوتات آستانه زیان می‌رسانده است . از این اسناد هم نکاتی مهم درباره تحولات این مزار به دست می‌آید و برای تدوین تاریخ تفصیلی آستانه حتما باید به آنها نیز نگریست.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۶

۱ وقف‌نامه‌ها

اشاره

چند نمونه از وقف‌نامه‌های آستانه قم که بیشتر وقف‌نامه کتاب‌ها و قرآن‌هایی است که در کتابخانه و موزه و انبار آستانه به جای مانده است. وقف‌نامه‌های مربوط به املاک و اموال آستانه بیشتر در طی سالیان دراز به وسیله موقوفه‌خواران معدوم یا پنهان شده، و نشر آنچه به تفاریق باقی است نیز خالی از محذور نیست.
با این همه نمونه‌هایی از این‌قبیل وقف‌نامه‌ها نیز در این بحث دیده می‌شود.
شماره‌ای قابل توجه از این‌گونه اسناد از دوره قاجار است که بنائی بر نقل آن نبود و نمونه را یکی دو متن از آن میان انتخاب و در پایان گذاشته شد و به یکی دو سند دیگر نیز به اجمال اشاره رفت. از برخی دیگر از آنها هم شاید در بخش بعد یاد، و بر نکاتی استشهاد شود.
اسنادی بسیار نیز درباره امور مربوط به موقوفات آستانه در دست است.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۷
بیش از یک صد طغرا سند مربوط به موقوفه تبرته (قریه وقفی فتحعلی شاه قاجار) و شریف‌آباد (وقفی شاه سلطان حسین) در دو خاندان سرکشیک معصومی و بهاء الدینی قم هست. چند صد طغرا نیز در باب کاروانسرا و دکاکین موقوفه میرزا ابو القاسمی در خاندان مستوفی قم به نظر رسید. اوراقی دیگر نیز جسته گریخته نزد افرادی دیگر در باب موقوفات پیشین آستانه دیده و از برخی نیز عکس گرفته شد که همه از چندین رهگذر ارزنده و در تحقیقات مربوط به آستانه و بررسی‌های جغرافیایی تاریخی پیرامون قم و جز آن سودمند است لیکن نقل متون آنها در وسع یک یا دو مجلد نیست.
این نکته هم گفته شود که برخی از کتب و مصاحف وقف آستانه قم اکنون در کتابخانه‌ها و موزه‌های دیگر است و برای تدوین تاریخ تفصیلی این مزار باید به این نسخ و آغاز و انجام آنها نیز نگریسته شود.

۱ وقف‌نامه مورخ رمضان ۵۹۴ حاکی از وقف چهار مجلد مصحف شریف با صندوق آن بر آستانه منور حضرت ستی فاطمه در این تاریخ.

این وقف‌نامه بر برگ آغاز نسخه‌ای از قرآن کریم (ش ۳۹۲ انبار) که اخیرا از انبار آستانه مقدس بیرون آورده شد دیده

می‌شود.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۸

در این نسخه زیر آیات قرآن ترجمه آن به فارسی کهن و شیوا- گویا از سده پنجم- نوشته شده که نگارنده آن را با همه تفاسیر کهن فارسی که تاکنون به چاپ رسید است سنجید و هیچ‌یک از آنها نبود .

از این سند برمی‌آید که ابو عیسی احمد بن ابی شجاع نازویه در رمضان ۵۹۴ این مصحف را- که در چهار مجلد بوده و اکنون جز دو مجلد آن در دست نیست- بر آستان مقدس قم وقف کرده، و محمد ابن علی بن محمد بن فادشاه رضوی بر جریان وقف شهادت داده است. جز این خط یکی دیگر از رضویان قم با تاریخ شعبان ۸۱۳ در پایین وقف‌نامه دیده می‌شود.

[وقف] ... الاجل العالم المحترم اثیر الدین نجم الاسلام سید الکفاۀ و ال ... الاماثل و الافاضل شمس العرب تاج الوزراء ابو عیسی احمد بن ابی شجاع ... زاذ نازویه حرس اللّه علوه و ادام سموه هذا المجلد من المصحف ...

[التف] سیر مع ثلث مجلدات مع الصندوق علی الروضۀ المقدسۀ و الت [ربۀ] ...

المنورۀ للسیدۀ الشریفۀ الرضیۀ الطاهرۀ فاطمۀ بنت الامام المطهر ... موسی بن

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۲۹

جعفر الکاظم صلوات اللّه و سلامه علیهما، علی ان یکون مو [قوفا وقفا] صحیحا شرعیا مؤبدا مخلدا لا یباع و لا یوهب و لا یورث ا [لی ان یرث اللّه] الارض و من علیها و هو خیر الوارثین و لا یخرج منها الا برهن وثیق، فم [ن بدله بعد] ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم. و کتب [فی] شهر اللّه المبارک رمضان سنۀ اربع و تسعین و خمس مائه.

[یادداشت‌ها:] [۱] بشهادۀ العبد محمد بن علی ابن محمد ابن فادشاه الرضوی.

[۲] نظر به العبد ال ... مخلص فی سنۀ ست و ...

[۳] نظر فیه شرف ...

[۴] نظر فیه و استفاد منه العبد الفقیر الی اللّه تعالی محمد بن [ابی] الفتوح بن یحیی الرضوی [فی شهر] اللّه شعبان العادل [... ثلا ث عشر و ثمانمائه.

[۵] نظر فیه و استفاد منه بقدر الوسع و الطاقۀ العبد فضل اللّه بن الحسین بن الحسن بن ... الصوفی حرره ... فی ... حجه ثمان و سبعین و ...

(۲) وقف‌نامه‌ای از سومین دهه قرن هشتم بر آغاز بازمانده یک پاره از سی پاره قرآن که تنها شش برگ آن در میان اوراق انباشته‌شده در انبار آستانه به دست آمده و به شماره ۳۹۳ انبار در دفتر کتابخانه آستانه ثبت گردیده است.

از این سند برمی‌آید که عبد العظیم بن محمد بن فتحان یا فرزند او این نسخه مصحف شریف را در سی پاره به سال هفتصد و بیست یا چیزی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳۰

بیشتر بر مزار حضرت ستی فاطمه واقع در ظاهر (خارج) شهر قم، کنار رودخانه وقف نموده است. این سند پیش از این با توضیحات در رساله «خاندان فتحان» به عکس (ش ۱) و حروف (ص ۸- ۹) نشر شده است.

باید دانست که آستانه مقدس قم تا اواسط دوره صفوی بیرون شهر قرار داشته است. از این نکته پیش از این سند، در جامع

التواریخ رشیدی یاد شده است. در برخی اسناد و وقف‌نامه‌ها که پس از این در این بخش می‌بینیم نیز به همین موضوع اشاره می‌شود. شواهد دیگر آن را در دوره‌های بعد، از خلاصهٔ التواریخ قاضی احمد قمی و عالم‌آرای عباسی و مآخذ دیگر روزگار صفوی می‌توان به دست آورد.

وقف هذا الجزؤ الی آخر الاجزاء الثلثین من المصحف المجید علی القبهٔ المشرفه و الروضهٔ المطهره التی هی مضجع المعصومهٔ الطاهره ستی فاطمه ابنت الامام الاطهر موسی بن جعفر علیها و علی آبائها التحیهٔ و السلام بظاهر بلدهٔ قم علی شاطی الوادی، علی کل من دخل القبه و زار الروضهٔ ..... ورین و المجاورین و الحاضرین و ال ... ن من المؤمنین .... المسلمین لیقرأوا فیها ..... الجزو ...

من القبهٔ بحال .... عظیم بن ابی الفضائل محمد بن فتحان .... و لوالدیه و حشره فی زمرهٔ المصطفی و عترته .... عشرین و سبعمائهٔ بتبریز.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳۱

۳ وقف‌نامه سه دانگ قریه بطلیجرد سراجه قم که آن را عمدهٔ الامراء العظام شاه قلی سلطان فرزند الامیر الکبیر مصطفی سلطان در رمضان ۷۶۰ بر آستانه قم وقف نموده است.

از این سند در «نسخه جمع و خرج سرکار فیض آثار» مورخ بارس‌ئیل ۱۱۴۷ یاد می‌شود.

۴ وقف‌نامه مشروح و مفصل شاه بیگی بیگم همسر شاه اسماعیل صفوی مورخ ۱۰ صفر ۹۲۹ که طی آن املاکی را در قم و سلطانیه بر مزار منور حضرت ستی فاطمه واقع در بیرون دروازه ساوه مدینهٔ المؤمنین قم وقف داشته است.

اوتاجلو بیگم دختر مهماد بیک بن حمزه بیک بکتاش موصلو است که در سال ۹۴۶ به دستور شاه طهماسب از تبریز به شیراز تبعید شد و در آنجا درگذشت و در مزار بی‌بی دختران به خاک رفت .

«از آثار خیرات مشارالیها قریه حسن‌آباد ورامین ری است که بر مدینه مشرفه علی راقدها الف سلام وقف فرموده و محصول آن از آن تاریخ الی یومنا هذا به سادات مستحقین می‌رسد.

دیگر عمارت رفیعه روضه مقدسه مطهره سمیهٔ سیدهٔ النساء فی العالمین معصومه است که معماران همت آن علیا حضرت در خطه قم به اتمام رسانیده‌اند و قریب به هزار تومان املاک نفیس وقف آن

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳۲

مزار موهبت آثار فرموده و آن نیز خیری است جاریه.

دیگر عمارت گنبد عالی که موسوم است به جنت‌سرا در جنب قبه مقدسه صفویه در «دار الارشاد اردبیل ... ». تعمیر پل دختر در نزدیک میانه- آذربایجان شرقی- به سال ۹۳۳ گویا از هموست . هموست که در جنهٔ النعیم حاجی ملا باقر واعظ کجوری به نام «شاد بیگم دختر عماد بیک» یاد شده و بنای روضه منور را در ۵۲۹ بدو نسبت داده‌اند . نیز هموست که در سفرنامه هانری‌رنه دالمانی به عنوان «دختر حمزه‌نام» از او یاد شده و تجدید بنای حرم را بدو منسوب داشته است . افضل الملک و محمد تقی بیک ارباب او را دختر امیر تیمور گورکانی پنداشته‌اند.

او را خواهری بوده است به نام «بیکسی خانم» که در این سند یاد شده، و در پشت سند شماره ۵۷ همین مجموعه در فهرست رقبات موقوفه و مسلمیات و سیورغالات آستانه قم از مسلمیات «زاویه

بیکسی خانم» سخن رفته است. سنگ قبر یکی دیگر از افراد این خاندان (آقا شاه خاتون دختر حمزه بیک، عمه شاه بیگی بیگم) در تعمیرات اخیر مقبره شاه عباس دوم از زیر خاک بیرون آمد.

در فرمان مورخ ۱۸ شوال ۹۳۱ شاه طهماسب و برخی اسناد دیگر که پس از این خواهیم دید از موقوفات نام برده شده در این سند با عنوان «موقوفات بیگمی» یاد می‌شود. اکنون جز یکی دو مورد همگی این موقوفات و اوقاف دیگر شاهان و امراء صفوی از صورت خود خارج شده و به تصرف مالکان خصوصی درآمده است.

تولیت این وقف بنابر آنچه در این متن مصرح است با سید مرشد الدین رشید الاسلام- تولیت شرعی آستانه مقدس- بوده که نسب او در این سند با آنچه پس از این در فرمان مورخ ۹۰۴ الوند بیک از اسناد تولیت شرعی آستانه خواهیم دید اندک جدایی دارد.

این متن که به‌خاطر دارا بودن نام تعدادی از اماکن و محال قدیم قم از رهگذر جغرافیای تاریخی این شهر سندی بسیار مهم است در اینجا براساس سوادی از آن متعلق به قرن یازدهم چاپ می‌شود. چند سطری از آغاز این سواد چنان‌که می‌بینیم از میان رفته است:

... لا تأخذه سنهٔ و لا نوم، تاهت الافکار فی مسالک حکمته. ثم الصلوهٔ و السلام التامات ... علی نبیه و حبیبه المرتقی بتوفیق اللّٰه تعالی علی مراقی النبوهٔ و الاهتداء، الصاعد بتأییده علی مصاعد الرسالهٔ و الاجتباء، الذی نسخ بسطوهٔ رسالته جمیع الملل و الادیان و ارتفع بسلطان نبوته آثار البغی و الطغیان و نزل فی کمال جلاله جواهر القرآن و اخبر عن نبذ من کثیر مناقبه الباهرهٔ آیات الفرقان محمد قاضی محاکم الجود و صاحب اللواء الممدود، حاکم دیوان امضاء القضاء بحسب الانتظام، قاطع مهمات ارباب الحاجات بسواطع الاحکام. و علی العالم بدقایق حقایق علوم الاولین و الاخرین و الواقف بمستودعات خواطر ارباب الحق

و الیقین، الذی قواعد ارشاده تبصرهٔ و ذکری لارباب الامصار و نافع شرایع احکامه وسیلهٔ و ذریعهٔ لاصحاب الاستبصار، تحریر تنقیح کلماته المهذبهٔ نهج البلاغهٔ و مختلف مبیناته البلیغهٔ نثر اللالی بین ذوی الفصاحهٔ علی الجامع لکنوز غرایب انوار المعارف و رموز عجایب ازهار العوارف، الذی رفع بجواهر بیانه بنیان اساس الولایهٔ فی الغایهٔ القصوی و رصص بسواطع بنیانه مبانی الهدایهٔ و التقی. و علی آله و اولاده المعصومین الهادین الی دار السلام، المؤیدین من عند اللّٰه ذی المجد و الانعام، الفایقین علی الاولیاء الفخام، السابقین فی مضمار التقی علی اهل الاسلام، صلوهٔ ممتدهٔ الی قیام الساعهٔ و ساعهٔ القیام.

و بعد بر رأی رزین ارباب فهم و فراست و فکر متین اصحاب علم و کیاست مخفی نیست بلکه مثل طلیعه صبح صادق روشن و تابان و مانند رخساره آفتاب جهانتاب رخشان و درخشان است که بهترین بندگان ملک دیان کسی است که چون به نظر کیمیا اثر ربانی منظور و به تأیید و توفیق سبحانی منصور گردد و پرتو اشعه اعطاف نامتناهی الهی بر صفحه صحیفه روزگار او ظاهر، و آثار انوار الطاف بی بدایت یزدانی بروجنات ایام او باهر شود اضاعت فرصت ننموده، شرایف اوقات و لطایف ساعات خود را به نشر مکرمات و اذاعت خیرات معطوف و نفایس اموال دنیوی را جهت اکتساب ثواب اخروی مصروف دارد، و اشتغال به چیزی و اقدام به امری کند که موجب حصول مطالب و وصول مآرب او گردد.

و چون علیا حضرت مخدومه عظمی بانوی کبری، ملکه ملکات عالم سرور مطهرات امم، منعمه محسنه مکثره مکرمه معظمه

مطهره رفیعه جلیله حاکمه عادله سلطانة الخواتین المطهرات محرزة انواع السعادات و اصناف المکرمات، مشرفه سریر رفعت و حشمت علی الاطلاق مزینه اریکه سولت و سعادت بالاستحقاق، بانیه مبرات عظیمه مؤسسه اساس خیرات جسیمه، آثار طهارت و صلاح از خیام

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳۵

رفعتش تابان و انوار نظافت و فلاح از حجال عظمتش درخشان، عصمة الدنیا والدین شاه بیگی بیگم بنت حضرت امارت‌مآب مکرمت ایاب، دولت قباب سعادت نصاب رفعت انتساب، افتخار اعاظم امراء عجم اختیار افاخم حکام عالم، الواصل الی جوار رحمة اللّه امیر کمال الدولة و الامارة و الاقبال و الدین مهماد بیک ابن حضرت امارت و سعادت دستگاه، مغفرت‌قباب رضوان‌مآب، عمدة امراء زمانه قدوة کبراء اوانه، المستریح الی جوار رحمة اللّه حمزه بیک بکتاش موصلو خلدت ایام عظمتها و عفتها و عصمتها و رفعتها،

موفق است به توفیقات بی‌نهایت و مساعد است به سعادات بی‌غایت و مهبط احسانات عظیمه و مورد انعامات جسیمه است و به نعم کثیره فایز و به انواع عطایا مخصوص است، خواست که ذکر جمیل و اجر جزیل و آثار خیرات و امارات مبرات بر جریده روزگار باقی ماند و موجب ارتقاء او بر مراقی درجات اخروی و اصعاد او بر مصاعد غرفات عقبوی گردد و سبب نیل او به ثواب بی‌حساب و خلاص او از الیم عقاب شود چنانچه حدیث صحیح حضرت رسول ثقلین و نبی خافقین افضل الخلایق و کاشف الحقایق- صلوات اللّه و سلامه علیه و آله الطاهرین- به تصحیح این معنی فصیح صریح است حیث قال: «ان ما یلحق المؤمن من حسناته بعد موته علم علمه و نشره او ولد صالح ترکه او مسجد بناه او نهر اجراه او صدقة اخرجها من ماله فی صحته و حیاته یلحقه بعد موته». و ایضا قال صلی اللّه علیه و آله الطاهرین: اذا مات ابن آدم انقطع عمله الا عن ثلاث صدقة جاریة و علم ینفع به و ولد صالح یدعوله بعد وفاته».

فوقفت عن اصدق نیة و اخلص طویة و اصفأ عقیدة قربة الی اللّه تعالی و طلبا لمرضاته- فی حالة تصح منها جمیع التصرفات الشرعیة و ساعة تنفذ من امثالها جملة التبرعات السمعیة لاتصافها بصفات الکمال و انعاتها بنعوت الاستبداد و الاستقلال

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۳۶

من العقل و البلوغ و الرشد و الدرایة و الهدایة و وجدان الطواعیة و الاختیار و فقدان الکراهیة و الاجبار- جمیع الاملاک و المواضع التی انتقلت من الملاک بالحق الی علیا حضرتها بالانتقالات الشرعیة و المبایعات السمعیة و الان حقها و فی تصرفها الشرعی بالملکیة بلا مانع و منازع کما نطقت بذلک صکوک شرعیة و محلات سمعیة مسجلة بسجلات قضات المسلمین و ولات المؤمنین.

I

فمنها عشرون سهما من اصل اربعة و عشرین سهما (و السهم عبارة عن الزیوار باصطلاح اهالی تلک الدیار) من جمیع الباغ المدعو لنجرود الواقع فی ناحیة «وازکرود» من اعمال مدینة المؤمنین قم المحدود باراضی قریة لنجرود و باراضی قریة خورها باد و باراضی مزرعة جنداب‌آباد و بخافة نهر لنجرود. مع جمیع قطعة الارض المشهور بارض سفید الواقع تحت الاراضی المدعوة بجنداب المحدودة بطاحونة ورثة الرئیس مظفر و باراضی مزرعة جنداب و بالشارع و بباغ بزرگ.

II

و منها ثلث تام شایع من جمیع المزرعة المدعوة شریک‌آباد من مزارع قریه قاسم‌آباد من قری مدینة قم المحدود بمزرعة فرج‌آباد و باراضی مزرعة نجیب‌آباد المشهور بخاک سفید و بمزرعة زعلاباد و بجبل دانیان و بالشارع و الیه الممر.

III

و منها ثلث و نصف سدس تام شایع من جمیع المزرعهٔ المدعوهٔ خطیرآباد من مزارع قمرود من اعمال بلدهٔ قم المحدود باراضی شریف‌آباد و باراضی مزرعهٔ جمالان و بحافهٔ نهر داروپشته و باراضی مزرعهٔ بیان‌آباد مع مثله من القنات المتعلقهٔ به.

VI

و منها سدس تام کامل شایع من جمیع القریهٔ المشهورهٔ و المدعوهٔ بکوارود و لا بکوار من قری و ازکرود من اعمال مدینهٔ قم المحدود کما قیل باراضی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۳۷

مزرعهٔ فستجان و بصحاری عزیزآباد و کمال‌آباد و بدولاب لنجرود و بصحاری لنجرود، مع ثلثین تامین شایعین من جمیع الطاحونهٔ المدعوهٔ بمیانین.

V

و منها ثلث تام شایع من المزرعهٔ المدعوهٔ خزانجرد من توابع وزاکرود من اعمال مدینهٔ قم المحدود باراضی قاسم‌آباد و باراضی زعل‌آباد و باراضی علی‌آباد و محمدآباد و بحصار شمس‌آباد و بصحاری قریهٔ سراجه مع مثله من القنات المتعلقهٔ به. و مع نصف تام شایع من جمیع الباغ المدعو بعین الزاد و من جمیع الباغ المدعو بشیرزاد. و الباغان المذکوران مکرومان و داخلان فی المحدود المذکور.

IV

و منها جمیع الباغ المحاط علیه الواقع خارج مدینهٔ قم المدعو بباغ میان‌رود المحدود باراضی قریهٔ قلاور من الطرفین و بشارع نهر صفی‌آباد من الطرفین.

IIV

و منها جمیع الباغ المدعو بباغ بیشه الواقع فی قریهٔ کرمجگان من قری مدینهٔ قم المحدود بباغ چاله و بحافهٔ نهر القریهٔ المذکورهٔ و بباغ محمد و بباغ شهاب- و هذا الباغ مکروم و مشجر و مشتمل علی اثنی و عشرین منا من القمح بوزن قم- و جمیع الباغ المدعو بباغچه الواقع فی القریهٔ المذکورهٔ المحدود بباغ بیشه و بباغ شیخ محمد و میانده و باراضی معروفهٔ بدرخت میانین مع مجری شربه من قنات القریهٔ المذکورهٔ و الباغ المذکور مشتمل علی .. عشرهٔ من من القمح.

IIIV

و منها نصف تام کامل شایع من جمیع القریهٔ المدعوهٔ پرچون الواقع فی ناحیهٔ سجاس رود من اعمال بلدهٔ سلطانیهٔ المحدود باراضی قریهٔ دشیر و باراضی تپه تاق و جنبد .. و برباط کائن هناک.

XI

و منها نصف تام شایع من جمیع القریهٔ المدعوهٔ دشیر الواقع فی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۳۸

الناحیهٔ المذکورهٔ المحدود باراضی القریهٔ المذکورهٔ و باراضی داودتپه و کهرازک و بموضع یدعی «میل سربند».

بجمیع توابع الاملاک المذکورهٔ و المضافات و المنسوبات و المتعلقات و الملحقات و الاراضی و الصحاری و الجبال و التلال و الوهاد و الانجاد و السواقی و المساقی و الابنیهٔ و العمارات و حق الشرب للمحال المذکورهٔ من العیون و الانهار و القنوات، سیما حق الشرب لسدس قریهٔ کوار المذکور و هو سدس من نهر کوار علی الرسم القدیم و القانون المستقر، و کافهٔ الحقوق الشرعیهٔ

و قاطبة الضمائم الملية:
على مرقد الحضرة العلية العالية السامية الطاهرة الزكية الشريفة الطيبة البهية التى قد خصها اللّه سبحانه و تعالى بالذات المنورة القدسية و الملكات المعنبرة القدوسية، اللامعة من سرادقات عزتها لوامع الهداية و الصلاح، الطالعة عماوراء استار عظمتها انوار العصمة و الفلاح، الطايرة على اوج سماء السعادة بجناح النجاح القائمة بعرايض الطاعات فى الغدو و الرواح، و جعل باب مشهدها الشريف قبلة لمرادات ارباب الاكناف و صير فناء مضجعها المنيف كعبة مطالب الاكابر و الاشراف و وجه الى سدته السنية اعاظم الاطراف و دل الى تقبيل عتبته الرفيعة اصحاب المجد و العفاف، وفق خلص العباد للاحرام الى زيارة حرمها و ايدهم بحسن التأييد ليحوموا حول مرقدها، سمية سيدة نساء العالمين، شرف الفاطميات الطاهرات بنص الائمة الطاهرين، التى قال فى حقها اخوها حضرة امام الجن و الانس ابو الحسن على بن موسى الرضا عليه و آبائه افضل الصلوة و التحية و الثناء: «من زار اختى فاطمة بقم وجبت له الجنة» ستى فاطمة على آبائها و عليها الصلوة و السلام و التحية و الاكرام، الواقع هذا المرقد المنور المتبرك خارج درب ساوه من دروب بلدة المؤمنين قم من بلاد عراق العجم المستغنى عن التحديد و التوصيف لغاية الشهرة و نهاية المعرفة فى محلها.

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۱۳۹

وقفا صحيحا شرعيا مؤبدا مخلدا دائما سرمدا بتا بتاتا باقيا بقاء السموات و الارض و العرش جامعا لجميع الشرائط و الاركان عاريا عن المفسدات و البطلان حاليا بما يوجب الدوام خاليا عن الانقطاع و الانصرام جاريا على حكم الاسلام واردا على منهج شريعة خير الانام محمد عليه افضل التحية و اكمل السلام من اللّه الملك العلى العلام. رجاء ان يوصل ثوابه الى روح اختها الاعيانية و هى الخاتون المعظمة المكرمة المكبرة المفخمة الجليلة الموقرة الحسيبة النسيبة، تاج النساء و الخواتين ملكة ملكات العالمين، ذات السعادات بين المسلمين، السعيدة المرحومة المبرورة المدعوة بيكسى خانم فبمقتضى ذلك لاتباع الموقوفات كلها و لا بعضها و لا يوهب و لا يرهن و لا يملك بوجه ملك و لا يتلف بوجه تلف و لا ينقص بوجه نقص بل يكون قائما على اصله محفوظا على محله مقرونا بشرايطه الى ان يرث اللّه الارض و من عليها و هو خير الوارثين.

و شرطت الواقفة الواقفة على ما اعد اللّه لها فى المواقف التولية فى الموقوفات المذكورة لعاليجناب المولى المرتضى الاعظم المجتبى الاكرم الاقدم الافخم، افتخار العترة الطاهرة قرة عيون ارباب السيادة، مركز دايرة السعادة و الاعتلا محيط نقطة المكرمة و الاجتبا، لا محمدة الا و هو بها فايز و لا مكرمة الا و هو عليها حايز، المستعين بعناية اللّه الملك العلام السيد مرشد الملة و السيادة و النقابة و السعادة و التقوى و الدين رشيد الاسلام بن عاليجناب المولى المجتبى الاكرم الاتقى الاورع الافخم افتخار السادات بين الامم اختيار ارباب السعادات فى العجم السيد شمس الملة و السيادة و النقابة و الدين محمد ابن عاليجناب المولى المقتدى الاعظم الاسبق الاكرم، و لاج رتاج العزو الكرم راتب امارات النقابة فى العجم، ناصب اعلام السيادة بين الامم عمدة ارباب العز و النعم اسوة اصحاب المجد و الكرم، السعيد الحميد المبرور المغفور، المستريح الى جوار رحمة اللّه الملك

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۱۴۰

المعين الصمد السيد زين الملة و السيادة و النقابة و التقوى و الورع و الدنيا و الدين سلطان احمد الرضوى النقيب ابد اللّه تعالى ظلال سيادته و نقابته، بلا شرك و مداخلة سهيم و بعده لاكفى و ارشد و اصلح اولاده الذكور ثم لارشد و اكفى و اصلح و ازكى اولاد اولاده الذكور نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب، و ان انقرضت الذكور من الاولاد المذكورين يكون التولية لبناته ثم لبنات بناته، الاكفى فالاكفى و الارشد فالارشد و الاصلح فالاصلح نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب، و ان انقرضت الاولاد بالكلية يكون التولية لوالى الوقف فى هذا الزمان. و يكون عشر محاصيل الموقوفات من الكل للمتولى.

و شرطت ایضا ان یصرف المتولی من محصولاتها بعمارة المرقد المنور المعطر المذکور و بعمارة رقباتها الموقوفة علیها و بما تحتاج الیه من اضائة السرج و اعادة الفرش و الاوانی و غیر ذلک، و ما فضل عن ذلک یصرف الی سایر المصالح و المصارف فی المشهد المقدس کما یراه و یستصوبه المتولی بحسب الشرع الشریف.

فلا- یحل لسلطان و لا- لقاض و لا حاکم و لا وارث و لا وزیر و لا امیر و لا نایب و لا لاحد یؤمن باللّه و الیوم الاخر تغییر هذا الوقف و لا تبدیله و لا نسخه و لا نقضه و لا تغییر متولیه و لا ازالة شییء من شروطه و لا التصرف فی شییء من اوقافه او فی حاصله بغیر شرط الواقف، فمن فعل شیئا من ذلک فقد باء بغضب من اللّه و سخطه و مقته و علیه لعنة اللّه و الملائکة و الناس اجمعین، لا یقبل منه صرف و لا عدل.

و اما من قام بشروط الواقف و لم یتجاوز شیئا من مقرراته فاللّه تعالی معاونه فی جمیع اموره و مجازیه و یغفر له و یکافیه، و یختم له بالخیر و الحسنی و رزقه فی الدنیا و العقبی ما یشتهیه و یتمنی، ان اللّه لا یضیع اجر من احسن عملا. و ذلک بعد ان رجعت الواقفة المومی الیها عمن یمکنها الرجوع منه بموجب الشرع المقدس رجوعا شرعیا.

ثم بعد جریان الوقف المشروح المذکور ازالت یدها عن التصرف فی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۴۱

الموقوفات المذکورة و تمکنت و تسلطت المتولی المشار الیه فی التصرف فی الموقوفات بالوقفیة علی الشروط المذکورة و القیود المزبورة تمکینا و تسلیطا شرعیین. و غب رعایة المقدمات الشرعیة و المنمیات الملیة اتصل بصحة مضمون الکتاب الصواب هذا و مشروعیة الخطاب المستطاب ذا الاحکام الشرعیة لحکام المسلمین و قضاة المؤمنین ابد اللّه تعالی ظلال شرایعهم و معالیهم و افاداتهم الی یوم القیام و الدین.

و حرر ذلک فی العاشر من شهر صفر ختم بالخیر و الظفر لسنة تسع و عشرین و تسعمائة هجریة نبویة. الحمد للّه رب العالمین و الختم بالصلوة علی خاتم النبیین محمد و آله الطاهرین المنتجبین.

(۵) وقف‌نامه قرآن شریف شماره ۲۶۷ موزه آستانه که آن را شاه طهماسب بر آستانه مقدس نیاز داشته است.

تاریخ این وقف به‌علت پاره شدن قسمتی از پایان سند دانسته نیست.

باسمه سبحانه

الحمد للّه الواقف الموفق للخیرات الهادی الی سبل المبرات و الصلوة علی نبیه صاحب الایات و المعجزات و آله الطاهرین و عترته الطاهرات.

و [بعد] فقد وقف اعلیحضره السلطان الاعظم الخاقان الاعدل الافخم [مال] ک [رقاب] الامم، مولی خواقین العرب و العجم، سید الملوک و السلاطین قهرمان الماء و الطین [حاف] ظ بلاد اللّه ناصر عباد اللّه، مصداق افصاح السلطان العادل ظل اللّه، الغازی [فی] سبیل اللّه، الهادی لدین اللّه، الموفق بتوفیق اللّه الملک المولی الاعلی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۴۲

المنا [ن] السلطان بن السلطان بن السلطان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خ [ان] لازالت آیات سلطنته علی صفحات الکاینات بالدولة و الجلال مبینة، و [فواتح] سور مصاحف عدالته ببسملة العظمة و الاجلال مزینه.

هذا المصحف المجید و الفر [قا] ن الحمی [د ع] لی الروضة المقدسة المعطرة المنورة المطهرة العلیه العالیه الاقدسیة ([سمیة]

سیده نساء العالمین ستی [فاطمه]) حفت بالانوار القدسیهٔ الواقعه فی دار [الایمان] قم فهی بین الریاض کالفردوس بین الجنان و بین البقاع بمنزلهٔ الروح بین الابدان لینتفعون به [قرائهٔ؟] و تلاوهٔ فیها وقفا صحیحا شرعیا .... و قد شرط اعلی حضرهٔ الخاقان [الوا] قف المشارال [یه] ان [لا یخرج من] الروضهٔ المذکوره و لا یباع ....

....

۶ وقف‌نامه علی قلی بن شاه قلی خلیفه مورخ ذ ق– ۹۵۴ در آغاز جزوی از قرآن کریم (ش ۶۱ انبار – کتابخانه آستانه قم).

او علی قلی خلیفه ذو القدر مهردار از امرای بزرگ شاه طهماسب است که خود و پدرش از اوائل عهد او تا سال ۹۶۹ حکومت قم داشتند و در سال ۹۶۹ پس از سی سال و اند که حکومت آن ولایت بدیشان متعلق بود از این مقام برکنار شد . علی قلی سلطان ذو القدر قور غلو نواده شاه‌قلی خلیفه مهردار که از سوی شاه خدابنده حکومت قم و از جانب شاه عباس منصب مهر

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۴۳

داری یافت باید برادرزاده این شخص باشد.

در کتابچه ثبت موقوفات و خالصه‌جات کشور ذیل سخن از موقوفات قم و مضافات از مزرعه علی قلی خلیفه که دو رشته قنات داشته و نام آن در دفاتر ثبت دوره صفوی آمده بوده است یاد می‌شود.

هو

وقف کرد محرر این حروف علی قلی بن شاه قلی خلیفه مهردار این جزؤ را بر مزار متبرک کثیر الانوار حضرت ستی فاطمه علیها السلام به شرط آن‌که نفروشند و نبخشند و به محلی دیگر نبرند. خلاف‌کننده در لعنت و سخط (باری عز اسمه) و نفرین ائمه معصومین علیهم السلام خواهد بود. تحریرا فی غرهٔ شهر ذی قعدهٔ سنه اربع و خمسین و تسعمایه هجریه نبویه.

۷ وقف‌نامه قرآن شماره ۱۵۴ موزه آستانه مورخ آغاز رجب ۹۶۱ مبنی بر وقف همین قرآن به وسیله محمد مهدی رضوی مشهدی به وکالت از جانب شاه طهماسب بر آستانه حضرت ستی فاطمه واقع در بیرون باروی شهر قم.

میر محمد مهدی رضوی فرزند میر محسن رضوی قمی است که از اشراف افاضل مشهد و مورد احترام و توجه مردمان آن شهر بود.

این میر محسن در قم به دنیا آمده و در این شهر پرورش یافته و در جوانی همراه پدر خود میر رضی الدین محمد از قم به مشهد مهاجرت نموده، و در آنجا نزد ابن ابی جمهور احسائی– دانشمند و محدث مشهور این قرن– درس خوانده و از او اجازه روایتی مورخ ۸۹۷

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۴۴

گرفته است که متن آن در اجازات بحار دیده می‌شود. ابن ابی جمهور چند کتاب از تألیفات و آثار خود را به نام این سید نگاشته است که از آنهاست کشف البراهین فی شرح زاد المسافرین .

میر محسن پس از حمله ازبک به مشهد مقدس، از آن شهر به قم باز گشت و در ۹۳۱ درگذشت. قاضی احمد قمی در وقایع همین سال می‌نویسد:

«و هم در این سال میر محسن رضوی والـد مرحوم میر محمد مهدی که ازجمله فضـلای عصـر خود بود رحلت نمود. قبرش در صفه مزار متبرک امامزاده واجب التعظیم سلطان علی بن الامام الهمام محمـد الباقر علیهما السـلام در مشـهد بارکرسف کاشان (میر مرحوم با خلف بهتر از خود میر محمد مهدی در ایام فترت خراسان و استیلای ازبکان از مشـهد مقدس رضـیه رضویه نقل به قم نمودنـد امـا بیش‌تر اوقـاف ایشان در موضع رهق و مشـهد بارکرسف به مطالعه و مباحثه اشـتغال داشـتند. میر سـلیقه شـعر داشت و جمیع مسائـل را به نظم در آورده، اکـثر اشـعار عربی را به نظم ترجمه فرموده و کم کتبی است که او صـحت نـداده و تحشـیه نکرده بود چنانچه معلوم شد که یک لحظه اوقاف آن غفران‌پناه بلاطائل صـرف نشده. از آثار وی این قصـیده در مدح حضرت مولی است ...... ».

در کناره برگ پایان نسخه‌ای از مراسم سـلار که در کتابخانه مرکزی دانشگاه است و آن را نیای سوم همین میر محسن (علی بن

حسـین بن فادشـاه رضوی قمی) نوشـته و در چاشت پنجشـنبه ۱۵ ع ۱- ۶۷۵ بـه پایـان برده است خطی از او بـا این متن دیـده می‌شود:

«هذا الکتاب خط جدی العالی رحمه اللّه و انا العبد محسن بن محمد بن علی بن محمد بن علی المذکور رحمهم اللّه ».

«میر محمد مهدی» خود از دانشـمندان قرن دهم بوده و محقق علی بن عبد العالی کرکی- درگذشـته ۹۴۰- به سال ۹۳۷ در قم به او اجازه روایت داده است . قاضی احمد ضمن وقایع سال ۹۷۶ که سال درگذشت اوست می‌نویسد:

«در شب شـنبه ۱۱ ربیع الاـول سـنه مـذکوره غفران‌پنـاهی میر محمـد مهـدی رضوی قمی که از اعـاظم سادات و علماء زمان به کـثرت فضائـل و کمالاـت وحیـد دوران بود در دار السـلطنه قزوین رحلت نمود و میر حضوری قمی در تاریـخ وفـات او یـافته: «حشـر او بـا علی و اولاـدش». نعش او را به دار المـؤمنین قم نقـل کرده، در منزل وی که در جـوار حضـرت سـمیهٔ سـیدهٔ نسـاء العـالمین سـلام اللّه علیهـا واقع است و آن را وقف نموده، به بقعه محمـدیه موسوم سـاخته بود دفن نمودنـد. میر جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول بود. از شاگردان مولانا احمد ابیوردی بود. در کاشان به مطالعه اشـتغال داشت. بعضـی اوقات نیز نزد والدش میر محسن تحصیل کرده بود. خط رقاع و ریحان به دستور استادان می‌نوشت.

سلیقه‌اش در انشاء و تعیین عبارات بی‌نظیر بود. در خدمت شاه سـپهر اعتلا (طهماسب) از تمامی افاضل و علماء ممتاز و مستثنی بود. رتبه شأنش زیاده از صدور بود اگرچه به صدارت مایل بود .. از مصـنفاتش شرح ارشاد و شرح جعفریه و رساله به رعایت صله‌رحم و سادات. حواشی و تعلیقات بسیاری بر کتب فقهی دارد ... ».

سیـد حسـین کرکی دانشـمند نـامور قرن یـازدهم به واسـطه نور الـدین محمـد از همین سـید روایت می‌کنـد . او را فرزنـدان و نوادگانی دانشـمند است که نام و سرگذشت آنان در بسیاری از مصادر دیده می‌شود. قبر او اکنون در نزدیک صحن نو آستانه در بقعه‌ای که هنوز هم به همان نام «محمدیه» مشهور است قرار دارد.

تیمنا باسمه سبحانه تعالی شأنه

الحمـد للّه منزل التنزیل و الصـلوهٔ علی رسوله محمـد سـید کل عظیم و جلیل و آله المعصومین امناء الـدین و حفظـهٔ الشـرع من التغییر و التبدیل.

و بعـد فقـد وقفت و حبست و ابـدت هـذا الکتـاب الکریم و الخطـاب الشـریف القویم علی الزوار التـالین فی الروضـهٔ المقدسـهٔ

المنورة الزكية الفاطمية (سلام اللّه و تحياته على المدفون بها) الواقعه بخارج سور مدينة قم حميت عن الافات و التلاطم

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۱۴۷

بوكالة النواب المستطاب الاعلى المعلى (... [طهماسب الح] سينى الموسوى الصفوى) خلدت ظلال جلال سلطنته و شوكته و حشمته و اقباله مالاح بدر الدجى وكالة صحيحة شرعيه على سبيل المشافهة و المكالمة، وقفا صحيحا شرعيا بحيث لا يباع و لا يوهب و لا- يرهن و لا- يستعار و لا يخرج من تلك الروضة المعطرة و عماراتها المتصلة بها و المنتسبة اليها و ان كان الاخراج المذكور للتلاوة و التفأل و التبرك و غير ذلك مما يخالف مقتضى الوقف الشرعي و الحبس الدينى و الشرط الاسلامى.

فمن غير شيئا مما ذكرنا و اغمض عينه عما زبرنا فعليه لعنة اللّه و الملايكة و الناس اجمعين. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان اللّه سميع عليم و كان ذلك فى قصبة نخجوان صينت عن الحدثان غرة شهر اللّه الاصم الاصب رجب المرجب من شهور سنة احدى و ستين و تسعمايه هجريه محمديه.

راقم تلك الكلمات بيده الفانيه و واقف هذا الكتاب العظيم بالوكالة المزبورة المسطورة تراب عتبة الرضا محمد مهدى الرضوى المشهدى خصه اللّه بعناياته (؟).

۸ وقف‌نامه‌ای مورخ رمضان ۹۹۷ در آغاز نسخه‌ای از مصحف شريف كه آن را سعادت نصاب دده بيک بر آستانه مقدس نياز داشته است:

وقف نمود اين كلام اللّه مجيد را سعادت نصاب توفيق آثارى دده بيک بر مزار متبرک و روضه مطهره منوره سدره مرتبه (ستى فاطمه عليها السلام) وقفى صحيح شرعى، مشروط آنكه در روضه تلاوت نمايند و از روضه و حوالى بيرون نبرند و نفروشند و نبخشند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه

تربت پاكان، ج ۱، ص: ۱۴۸

و صلى اللّه على محمد و آله الطيبين الطاهرين. و كان ذلك فى رمضان المبارک سنه ۹۹۷.

۹ بازمانده وقف‌نامه‌ای گويا از قرن دهم بر نسخه‌ای از مصحف شريف با يادداشتى مورخ ع ۱- ۱۱۸۲ حاكى از آن‌كه اين نسخه در تاريخ مزبور از درون ضريح مطهر بيرون آورده شده است:

[هو الوا] قف الموفق

... الكتاب و الصلاة على خير من اوتى الحكمة و فصل الخطاب و على آله المبينين لترجمان الفرقان على نهج الحق و الصو [اب] ... [و بعد فقد وقف] ذلك المصحف المجيد الذى لا- يأتيه الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد الجناب المتحلى بآيا ... اسمه الحسن موفقا بتوفيق اللّه ذى الفضل و المنن و هو نجل الموفق بالتوفيقات الالهية المقرب بالحضرة الشاهية موصوفا بعلو الهمة و ... [على الرو] ضة المنورة المقدسة المطهرة البهية السنية الفاطمية حفت بالانوار القدسية و الاثار الرضوية تقربا الى اللّه الكريم ...

۱۰ وقف‌نامه مورخ ذ ق- ۱۰۰۱ كه در آغاز دو پاره از قرآن كريم (كتابخانه آستانه- ش ۸۰ انبار) ديده مى‌شود:

هو

این جزو وقف است بر روضه متبرکه مطهره منوره علیه سدره مرتبه ستی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۴۹

فاطمه علیها الصلوة و التحیهٔ و الثنا، وقفا صحیحا شرعیا فی شهر ذی قعدهٔ الحرام سنه احدی و الف.

[مهر:] الفقیر الی اللّه

عیسی القاضی

۹۹۸

۱۱ وقف‌نامه مورخ آغاز شوال ۱۰۲۳ در آغاز پاره‌ای از مصحف شریف که آن را حاجی سیف الدین عرب بر حرم مطهر وقف داشته است:

قد وقف هذا الجزء من القرآن علی الحضرهٔ الشریفهٔ المتبرکه حضرهٔ سیدتنا و مولاتنا فاطمه ابنهٔ سیدنا و مولانا الامام موسی بن جعفر علیه التحیهٔ و السلام الحاجی سیف الدین بن حاجی محمد فلعن اللّه من سرقه و تصرف فیه تصرفا مغیرا لحاله. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم.

[مهر:] الواثق بالملک الصمد

سیف الدین بن محمد

وقف نمود این دو سوره را حاجی سیف الدین عرب بر آستانه مقدسه منوره ستی فاطمه علیها الصلوهٔ و السلام که در آستانه تلاوت نمایند. طمع‌کننده و فروشنده به لعنت خدا و رسول گرفتار شود. به تاریخ غره شهر شوال سنه ۱۰۲۲.

حرره العبد جمال الدین.

۱۲ وقف‌نامه مورخ آغاز ذ ق– ۱۰۳۷ از شاه عباس اول با مهر میرزا رفیع الدین محمد صدر شهرستانی مربوط به یکصد و ده مجلد کتاب که این پادشاه در تاریخ مزبور بر آستانه مقدس و مدرسه آن وقف نموده، و اکنون جز چند مجلد در کتابخانه آستانه و مدرسه فیضیه قم چیزی از آن به‌جای نمانده است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۵۰

او در همین تاریخ یکصد و بیست مجلد کتاب نیز بر آستانه ری و مدرسه آن نیاز داشته که سه نسخه از آن‌جمله برجای مانده و در آغاز آنها وقف‌نامه کتابها درست به همین صورت که در اینجا می‌بینیم آمده است .

متن وقف‌نامه مورد نظر پیش از این در فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه ۱: ۵۶ و مجله وحید: ش ۱ سال نهم به نقل از آغاز نسخه تفسیر ابو الفتوح رازی– روض الجنان– ش ۱۱۶۴ کتابخانه مزبور نشر شده است :

به تاریخ غره شهر ذی قعدهٔ الحرام سنه ۱۰۳۷ وقف نمود این کتاب را با یکصد و نه مجلد کتاب دیگر کلب آستانه علی بن ابی طالب عباس الصفوی الحسینی بر روضه مقدسه منوره عرش درجه فاطمیه کاظمیه موسویه علی مشرفها الف التحیهٔ و بر مدرسه آستانه مزبوره واقعه در دار المؤمنین قم که طلبه آنجا از او منتفع شوند مشروط بر آن‌که از روضه مقدسه مذکوره و مدرسه مزبوره بیرون نبرند و هر کس بیرون برد در خون حضرت ابی عبد اللّه الحسین شریک بوده باشد. فمن بدله بعد ما

سمعه فانه آثم قلبه.

[مهر:] افوض امری الی اللّه الغنی

رفیع الدین محمد الحسینی الموسوی

۱۰۲۷

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۱

۱۳ وقف‌نامه‌های مورخ ۱۵ و ۱۷ و ۲۷ رجب ۱۰۵۲ در آغاز سی‌پاره قرآن کریم که جده ما جده شاه صفی بانی مسجد وزیر کاشان در سال ۱۰۵۵ بر آستانه مقدس وقف نموده و ثواب آن را به روان نواده خویش هدیه داشته است.

بیشتر پاره‌های مزبور اکنون در دست است و بر برگ آغاز هریک وقف‌نامه زیر با اندک جدایی و گاه تلخیص به خط محمد هاشم نجمی نویسنده کتابه‌های همان مسجد کاشان دیده می‌شود:

قربة الی اللّه تعالی و طلبا لمرضاته نواب مستطاب قمر رکاب خورشید احتجاب علیه عالیه جده ماجده خاقان رضوان‌مکان علیین‌آشیان شاه صفی الصفوی علیه الرحمة و الغفران این جزو کلام اللّه مجید را با بیست و نه جزو دیگر مثل این مجلد مجدول مذهب وقف مؤبد و حبس مخلد فرمود بر آستانه متبرکه معطره منوره معصومه مدفونه به دار المؤمنین قم صلوات اللّه علیها، و ثواب آن را هدیه فرمود به روح پرفتوح خاقان رضوان‌مکان.

و شرط فرمود که از آن آستان مطهر بیرون نبرند الا به مجامع ختم قرآن به جهت تلاوت آن در دار المؤمنین مذکور، و نخرند و نفروشند و مورد رهن و اجاره و سائر معاملات نسازند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

و کان ذلک فی ۱۵ شهر رجب المرجب سنه اثنی و خمسین و الف [کتبه محمد هاشم نجمی].

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۲

۱۴ وقف‌نامه مورخ آغاز رجب ۱۰۵۳ بر نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را مادر شاه صفی بر مضجع فرزند خود وقف داشته است با شهادت نظام الدین محمد حسینی در پایین سند و «عرض» کتابداران مقبره مزبور در شعبان ۱۱۲۷ و ذ ق ۱۱۴۱:

هو اللّه سبحانه و تعالی

وقف فرمودند و حبس مؤبد شرعی نمودند نواب مستطاب قمر رکاب ناموس العالمین اعنی علیه عالیه والده ماجده نواب اشرف ارفع این کلام مجید ربانی را بر مزار کثیر الانوار نواب خاقان فردوس‌مکان رضوان‌آشیان (... شاه صفی انار اللّه برهانه) و جعل الجنة مکانه که شیعیان به تلاوت آن قیام نموده، ثواب آن را به روح پرفتوح آن حضرت هدیه نمایند وقفی مؤبد و حبسی مخلد که نخرند و نفروشند و مرهون نسازند و مورد سایر معاملات نسازند و از آن مزار فایض الانوار بیرون نبرند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. و کان ذلک فی غرة شهر رجب المرجب سنه ثلث و خمسین و الف من الهجرة.

[حاشیه:]

هو- قد تشرف بهذه ... و انا العبد الفقیر الضعیف المحتاج الی رحمة اللّه الملک الغنی المغنی نظام الدین محمد بن محمد بن الحسین الحسینی عفی عنهم بمحمد و آله الطاهرین المعصومین. آمین یا رب العالمین.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۳

۱۵ وقف‌نامه مورخ دهه سوم ذ ق- ۱۰۵۳ بر یکی از قرآن‌های موزه آســتانه که آن را خسرو امیر شکار بر مزار شاه صفی وقف داشته است.

این متن با اندک جدایی در آغاز و انجام این نسخه از مصحف شریف هست با عرض‌های کتابدار مقبره در شوال ۱۰۷۷ و ذ ق ۱۱۴۱:

هو الواقف علی السرائر

مطلب اعلی از تحریر این کلام صدق انتظام آن‌که غلام به اخلاص قدیمی و بنده درگاه شاهی (خسرو امیر شکار) این کلام اللّه مجید را وقف مؤبد و حبس مخلد نمود بر مزار شریف و مدفن متبرک نواب خاقان فردوس آشیان رضوان‌مکان (شاه صفی الصفوی الموسوی) انار اللّه برهانه و جعل فرادیس الجنان مکانه واقع در جنب مرقد مطهر و ضریح معطر حضرت امامزاده واجب التعظیم لازم التکریم (معصومه ستی فاطمه بنت الامام المعصوم موسی الکاظم علیهما السلام) که واقع است در دار المؤمنین قم. وقفی صحیح شرعی مقرون به شرایط معتبر که حفاظ و قاریان و علما و صلحا در آن مکان شریف به تلاوت آن در ایام و لیالی متبرکه قیام نمایند و ثواب آن را به روح پرفتوح خاقان مغفور رضوان‌مکان هدیه نمایند مشروط آن‌که از آن مکان متبرک بیرون نبرند و نخرند و نفروشند و مرهون نکنند و نبخشند و مورد سایر معاملات نسازند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه هو السمیع العلیم. و کان ذلک فی العشر الثالث من شهر ذی قعدة الحرام سنه ثلاث و خمسین و الف هجریة.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۴

۱۶ وقف‌نامه قرآن شماره ۱۲۷ موزه آستانه مورخ اوائل ج ۲- ۱۰۶۲ مبنی بر وقف همین نسخه از طرف سید اجل امجد میر ابو القاسم فرزند میر هاشم شیروانی نجفی بر آستانه مقدس، به گواهی حسین عاملی که نگارنده سند نیز هموست:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

قد وقف هذا المصحف الکریم کلام اللّه الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه السید الاجل الامجد الاسعد الامیر ابو القاسم بن المرحوم المبرور الامیر هاشم الشیروانی المولد النجفی الاصل علی من له اهلیة التلاوة فی الروضة المقدسة روضة المعصومة بقم علیها و علی آبائها الصلوة و السلام وقفا صحیحا شرعیا لا یباع و لا یوهب و لا یرهن و لا یتصرف فیه بوجه ینافی الوقفیة. و شرط مع ذلک ان لا یخرج عن حصار الحضرة المقدسة و لا یبقی عند احد من المجاورین خارج دار الحفاظ من سکان الحضرة المقدسة اکثر من شهر، فان کان له حاجة و هو من اهل التلاوة فیأتی به الی المتولی و یریه ایاه ثم یأخذه باذن مجدد مع کمال الاحتیاط فی حفظه عما یوجب الافساد و التلف. و جعل التولیة و النظر فیه لکل من له القیام علی مصالح الروضة المقدسة.

اثابه اللّه تعالی و اجزل له الاجر و وفقه لاصلاح آخرته و دنیاه و لعن اللّه من بدل او غیر ما رسمه و شرطه او تصرف فیه بما ینافی الوقفیة. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

جری ذلک و حرر فی اوائل شهر جمادی الثانی من شهور سنهٔ اثنین و ستین

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۵۵

و الف هجریهٔ علی مشرفها الصلوهٔ و السلام و التحیهٔ. و کتب شاهدا به العبد الاقل حسین العاملی عفی اللّٰه تعالی عنه.

۱۷ وقف‌نامه مورخ ۱۰۶۴ حاکی از وقف هفتاد و پنج مجلد کتاب در این تاریخ از جانب میر محمد هاشم گیلانی بر آستانه مقدس و مدرسه آن.

این متن در آغاز سه نسخه از این کتاب‌ها که اکنون در دست است با جدایی‌هایی دیده می‌شود . با مهر محمد معصوم حسینی در پایان:

هو

این کتاب را وقف نمود با هفتاد و چهار جلد کتاب دیگر سیادت و فضیلت پناه امیر محمد هاشم گیلانی بر روضه آستانه مقدسه منوره سدره مرتبه ستی فاطمه علیها التحیهٔ و السلام. مشروط به این‌که از روضه مذکوره و مدرسه آن بیرون نبرند به ایصال توفیق آثاری حاجی خضر قمی فی یونت‌ئیل سنه ۱۰۶۴.

۱۸ وقف‌نامه نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را محمد مهدی حسینی در ۲۸ ع ۲- ۱۰۷۷ بر خاکجای عباس دوم موقوف داشته است با عرض کتابدار آنجا مورخ رمضان ۱۱۰۶ و ۱۱۴۱:

غرض از این نوشته شرعیه آن‌که بنده درگاه خلایق‌پناه (محمد مهدی الحسینی) وقف مؤبد شرعی نمودم این قرآن مجید و کلام حمید را بر مزار کثیر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۵۶

الانوار نواب سلطان جنت‌مکان و خاقان خلدآشیان المستغرق فی بحار رحمهٔ (.....) السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان (السلطان شاه عباس الثانی الصفوی الموسوی بهادر خان) طاب اللّٰه ثراه و جعل الجنهٔ مأواه که در آن مشهد معطر و مرقد منور شیعیان به تلاوت آن قیام نمایند و ثواب آن به روح مطهر نواب خاقان خلد آرامگاه واصل و عاید گردد، و تخلیه ید مالکانه نموده به تصرف وقف گذاشتم و صیغه شرعیه گفتم، وقفا صحیحا شرعیا بحیث لا یباع و لا یوهب و لا یصالح و لا ینقل بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب. و جری ذلک فی ثامن عشرین شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۷۷.

۱۹ وقف‌نامه مورخ ج ۲- ۱۰۷۷ بر نسخه‌ای از نهج البلاغه که عینا در آغاز نسخه‌ای از استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار محمد بن حسن بن زین الدین عاملی جبعی نواده شهید دوم نیز دیده می‌شود، با سجل «محمد امین الحسینی» در پایان.

بنابر مفاد این وقف‌نامه جمشید خان قوللر آقاسی- رئیس غلامان شاهی، درگذشته ۱۰۷۹ در قندهار در ج ۲- ۱۰۷۷ از جانب شاه سلیمان به تولیت مقبره شاه عباس دوم منصوب شده و به قم آمده و انواع خیرات و مبرات به عمل آورده است از آن جمله چندین مجلد کتاب از قرآن و صحیفه و نهج البلاغه و کتب حدیث و جز آن- که تفصیل آن در دفاتر آن سرکار ثبت بوده-

بر طلاب و صلحاء قم و زایرین وقف داشته که این دو نسخه از آن‌جمله برجای مانده است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۷

از این جمشید خان در کتیبه ایوان جنوبی مقبره شاه عباس دوم که اکنون بالای کتیبه سراسری بقعه شاه سلطان حسین نصب است و در نوشته گرداگرد سنگ‌های مرمر روی قبر همین پادشاه که پایه صندوق مسین قبر بوده است با همین وصف «تولیت» یاد می‌شود.

جمال الدین بن مولانا جمشید غلام خاصه صفوی واقف نسخه‌ای از شرح مواقف سلطانیه- ش ۳۵۸ گوهرشاد مشهد- در رجب ۱۱۲۹ می‌تواند فرزند او باشد .

در این متن گفته می‌شود که چنان‌که طلاب مزار از مطالعه هریك از کتاب‌های مزبور فارغ باشند اهل مدارس خارج شهر و آن گاه طالبان علوم در مدارس شهر بهره خواهند برد. از این برمی‌آید که آستانه مقدس و مدارس و بیوتات گرد آن تا این دوره بیرون شهر شمرده می‌شده است همچنان‌که نام «پشت‌باره» درمورد کوچه شرقی محل پیشین گورستان آستانه (بابلان) تا این زمان شاهدی است بر آن.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

چون همگی همت والانهمت نواب کامیاب اشرف ارفع اقدس (همایون اعلی) مصروف بر آن است که ثواب انواع خیرات و مبرات به روح پرفتوح نواب خاقان خلدآشیان (صاحب‌قران طاب ثراه) واصل و عاید گردد بنابراین به تاریخ شهر جمادی الاخر سنه ۱۰۷۷ غلام اخلاص‌کیش خیراندیش خود خادم الفقرا

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۸

و مخدوم الامراء جمشید خان متولی و قوللر آقاسی را به تمشیت این امر مقرر فرمودند و مشار الیه حسب الامر (الاعلی) به دار المؤمنین قم آمده، انواع خیرات و مبرات به عمل آورد.

از آن‌جمله این مجلد را با سایر کتب دیگر از قرآن مجید و صحیفه کامله و حدیث و غیر ذلک که تفصیل آن در دفاتر آن سرکار ثبت است وقف شرعی و حبس مؤبد ملی نمود بر طلبه علوم دینیه و صلحاء دار المؤمنین مذکور و واردین آن، مشروط بر آن‌که مدرس و طلبه مزار کثیر الانوار خاقان خلد آشیان هرگاه از مطالعه و انتفاع هریک از مجلدات مسطوره فارغ باشند اهل مدارس خارج شهر و بعد هم طلبه مدینه مسفوره از مطالعه آن بهره‌مند گردند و ثواب آن به روزگار فرخنده آثار نواب (اعلی) و به روح کثیر الفتوح نواب خاقان (صاحب‌قران طاب ثراه) عاید گردد و کتب موقوفه را از حدود دار المؤمنین مذکور بیرون نبرند و نفروشند و نبخشند و مرهون نسازند و سوای مدرس آن اگر احدی اراده اخراج یکی از کتب مذکوره از کتابخانه و مدرسه آن سرکار داشته باشد کتابدار آن سرکار مادام که مرهون و وثیقه‌ای که گنجایش داشته باشد نگیرد ندهد و زیاده از یک ماه نگاه ندارند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

۲۰ وقف‌نامه قرآنی که آن را همسر شاه عباس دوم (مادر شاه سلیمان) بر مزار او وقف داشته است از همین سال‌ها (موزه- ۱۵۳):

[الحمد للّه الوا] قف علی السرائر المطلع علی الضمائر و الصلوة و السلام الاتمان الاکملان [علی سید الا] کابر و الاصاغر محمد و عترته و ذریته و عشیرته خیر العشایر.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۵۹

و بعد [این صحیفه] میمنت انجام شرعیهٔ المبدأ و الختام مخبر و مشعر است به ذکر آن‌که علیا حضرت ملک سیرت ... سپهر منزلت بلقیس الزمانی نواب علیه عالیه اعنی والده ماجده نواب اشرف ارفع (همایون اعلی) موفق به توفیقات ربانی گشته، در اشرف اوقات و ایمن ساعات ابتغاء [لوجه اللّه و طلبا] لمرضاته این قرآن مجید را وقف نمود بر مزار کثیر الانوار نواب ... رضوان‌جایگاه فردوس آشیانی شاه عباس ثانی تغمده اللّه بغفرانه و اسکنه بحبوحهٔ [جنانه که در] آستانه شریفه شیعیان و حفاظ تلاوت نموده، ثواب آن به روزگار فرخنده آثار ...

[عاید و واصل گردد و تولیت آن] را بر نفس نفیس خود مادام که در قید حیات بوده باشند ... و بعد از آن بر متولیان آن آستانه منوره، مشروط بر آن‌که از آن آستانه ... بالجمله برخلاف وقف مذکور ... ننمایند، وقف صحیح شرعی خالی و بری [از هر عیب و نقص] ی. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. طمع‌کننده [به لعنت و سخط] خدا و نفرین حضرت ... صلی اللّه علیه و آله [گرفتار شود] ...

۲۱ وقف‌نامه نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را صفی قلی حاکم دشتستان و وزیر فارس در همین سال‌ها بر خاکجای شاه عباس وقف نموده است با مهر «أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ عبده صفی قلی» در پایان.

در مجموعه ش ۲۴۵۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه (ش ۱۱، ص ۱۲۱- ۱۲۲) وقف‌نامه قرآن صفی قلی خان هست که باید دید با موضوع بحث ما ارتباطی دارد یا نه.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۰

هو الواقف الموفق

باعث بر تنمیق این کلام و غرض از ارتسام این ارقام ذکر و بیان آن است که چون کارآگهان عالم بالا و رموزدانان ملا اعلی به‌موجب کریمه «تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ» و «تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ» لوای دولت و عظمت این دودمان خلافت‌نشان را که سلاله کریمه سید اخیار صلی اللّه علیه و آله و ذریه طیبه ائمه اطهار صلوات اللّه علیهم اجمعین‌اند به مقتضای «إِنَّا جَعَلْناکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْضِ» به اوج گردون برافراشته‌اند تا اصناف ناس در ظل ظلیل ایشان علی قدر درجاتهم در مهد امنیت و آسایش قرار یافته، به پرتو اشعه این دولت عظمی به حظی لایق مستسعد و بهره‌مند بوده باشند و ایشان این معنی را ذریعه دولت دو جهانی ساخته، در رعایت جانب عباد اللّه دقیقه‌ای فوت و فروگذاشت نمی‌نمایند- ذلک فضل اللّه یؤتیه من یشاء و اللّه ذو الفضل العظیم-

بنابراین بر جمعی از غلام‌زادگان فدوی که ابا عن جد کمر ولای این خاندان عز و اعتلا را بر میان جان بسته، به مزید جان‌فشانی و صوفی‌گری ممتاز و به خاک بوسی این درگاه خلافت‌پناه پیوسته سرافراز بوده و می‌باشند واجب و متحتم است که به‌قدر مقدور درازای مواهب لا تعد و لا تحصی مراسم شکرگزاری به جای آورند.

بناء علی هذا کمترین غلام‌زادگان فدوی (صفی قلی حاکم دشتستان و وزیر فارس) این کلام اللّه مجید وقف نمود بر مزار فایض الانوار نواب (خاقان خلد آشیان صاحب‌قران علیه الرحمهٔ و المغفرهٔ و الرضوان) که قاری ثواب قرائت و تلاوت آن را هدیه به روح مطهر و مرقد معطر آن صدرنشین ایوان جنت نماید تا موجب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۱

ثواب جزیل و اجر جمیل بوده باشد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

۲۲ وقف‌نامه مورخ ج ۱– ۱۰۸۵ بر نسخه‌ای از مصحف شریف (موزه– ش ۱۵۱) که آن را شاه سلیمان بر روضه منور موقوف داشته است. با مهر «بنده شاه دین سلیمان است» در پایین سند دوجا:

هو

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه الواقف علی السرائر المطلع علی الضمائر، و الصلوة و السلام علی خاتم انبیائه محمد اشرف الاوائل و الاواخر و علی آله و اولاده المعصومین عن جمیع الکبایر و الصغایر ماتلی القرآن فی المساجد و المنابر.

اما بعد بنابر فرمان قضا توأمان نواب کامیاب اشرف اقدس ارفع همایون اعلی اعنی السلطان الاعظم الاعدل الافخم و الخاقان الامجد الاکرم، مالک رقاب الامم، باسط بساط الامن و الامان رافع لواء العدل و الاحسان قالع بنیان الجور و الطغیان، مشید اساس الشریعة الغراء المصطفویة مروج قوانین الطریقة الزهراء المرتضویة، المؤید من عند اللّه الملک المنان، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان سلطان شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادر خان لا زالت عتبته ملثما لشفاه الاساطین و معفرا لجباه السلاطین.

این مصحف مجید و فرقان حمید را وکلاء دیوان اعلی وقف مؤبد و حبس مخلد نمودند بر کافه شیعیان اسد اللّه الغالب مظهر العجائب و مظهر الغرائب، مفرق الکتایب لیث بنی غالب، مطلوب کل طالب امام المشارق و المغارب، بدر

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۶۲

الدجی و کهف الوری و سند اهل التقی، یعسوب المسلمین و قائد الغر المحجلین امیر المؤمنین (علی بن ابی طالب صلوات اللّه و سلامه و عترة الطاهرین) که در روضه متبرکه مقدسه معصومه علیها افضل الصلوات و اکمل التحیات تلاوت نمایند و ثواب آن در عاجل و آجل به روزگار فرخنده آثار آن قدوه سلاطین روزگار و اسوه خواقین کامکار واصل و آیل گردد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

تحریرا فی شهر جمادی الاول من شهور سنة خمس و ثمانین بعد الالف.

.۱۰۸۵

۲۳ وقف‌نامه مورخ ۱۲ رجب ۱۰۸۵ بر برگ آغاز مجلد اول شرح فروع کافی ملا خلیل قزوینی (ش ۶۰۶۶– ق ۳ ر ۱۰– کتابخانه آستانه قم که نسخه اصل است با خط و مهر شارح در آغاز کتاب) حاکی از وقف همین مجلد با سیزده مجلد دیگر بر مزار عباس دوم از طرف شاه سلیمان. با مهر «أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ نجف قلی ۱۰۸۳» در پایین سند:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه الواقف علی السرائر و الخفیات و العالم بالضمائر و النیات الذی وفق کرام عباده بوفور الخیرات و ظهور المبرات. و الصلوات السامیات و التحیات النامیات علی اکرم البریات و اشرف اهل الارضین و السموات محمد سید الکائنات و اوصیائه ذوی المدارج العالیات و المعارج و الدرجات صلوات اللّه و سلامه علیه و علیهم اجمعین الی یوم الدین.

بنابر توجه خاطر ملکوت ناظر خورشید مظاهر نواب کامیاب سپهررکاب

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۶۳

(اشرف اقدس اعلی) ابد اللّه ظلال رأفته و مرحمته علی مفارق الانام و خلد اللّه ملکه و سلطانه الی یوم القیام به صدور امری که منتج ارتقاء مدارج رفیع است تقربا الی اللّه و طلبا لمرضاته در این ایام میمنت فرجام وقف فرمود این کتاب شریف را با سیزده مجلد دیگر از شرح احادیث کلینی که کل چهارده مجلد بوده باشد بر مرقد منور و مزار منیع القدر نواب (خاقان خلد آشیان شاه عباس صاحب‌قران انار اللّه برهانه) فتح اللّه تعالی علی مضجعه ابواب الجنان که در کتابخانه آن سرکار فیض آثار مضبوط و در حریم آن بقعه رفیع‌مقدار مبسوط می‌بوده، خدمه تقوی شعار بل و اعیان دولت ابد استقرار و مشرفین آن مزار کثیر الاثار به مطالعه آن بهره‌مند فیوضات می‌گشته، ثواب آن به روزگار فرخنده آثار همایون اعلی و روح مطهر آن پادشاه جم‌جاه جنت‌آرامگاه عاید گردد. مقرر آن‌که کتب مذکور را از دار المؤمنین قم بیرون نبرند و از مخالفت محترز باشند.

تحریرا فی ثانی عشر شهر رجب المرجب سنه خمس و ثمانین و الف من الهجرة النبویة.

۲۴ وقف‌نامه مورخ ع ۲- ۱۰۸۸ از صفر قلی یوزباشی چگنی بر برگ آغاز نسخه‌ای از مصحف شریف که وقف مضجع شاه صفی نموده است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۴

هو

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بعد حمد اللّه تعالی و الصلوة و السلام علی خیر خلقه و صفیه و حبیبه و رسوله علی بریته و آله الطیبین الطاهرین.

وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمودم کمترین بندگان درگاه خلایق پناه (صفر قلی یوزباشی چگنی) این کلام مجید ربانی و فرقان حمید سبحانی را بر روضه شریفه و مرقد مطهر رفیعه اعلی‌حضرت علیین مضجع (خاقان رضوان‌مکانی شاه صفی انار اللّه برهانه) که در آن روضه حفاظ آن آستان و سایر شیعیان به تلاوت آن اشتغال نمایند و ثواب آن را بر روح مقدس پرفتوح آن رضوان‌مکان هدیه نمایند. وقفا صحیحا صریحا شرعیا.

تحریرا فی شهر ربیع الاخر من شهور سنة ثمان و ثمانین بعد الالف. سنه ۱۰۸۸.

۲۵ وقف‌نامه مورخ رمضان ۱۰۸۹ در آغاز نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را شاه سلیمان وقف نموده بوده است به انشاء آقا حسین خوانساری دانشمند مشهور این دوره- درگذشته ۱۰۹۸- حسب الامر او:

وافی‌ترین سوره‌ای از سور کتاب کریم مواهب بی‌منتهای ربانی سوره مائدات نعم عظیمه‌ای است که همواره اعلی‌حضرت نواب کامیاب سپهر جناب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۵

عالمیان‌مآب مصطفوی آداب مرتضوی القاب، منتخب مجموعه شاهان شاه بیت قصیده غرای سلاطین زمان، آب و رنگ گلستان دین و دولت گلگونه بهارستان ملک و ملت، برازنده لباس دارایی طرازنده افسر سروری و کشورگشایی، آیه رحمت نا متناهی خورشید افق ظل اللهی، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان شاه سلیمان الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلد اللّه ملکه و سلطانه تقویت امور دین و ترویج سنن حضرت سید المرسلین را پیشنهاد همت

والا و نصب العین نظر حقانیت انتما ساخته‌اند.

آیتی از آیات بینات کتاب آسمانی تأییدات سلطانی آن‌که درین ولا این قرآن مجید را وقف شرعی فرمودند بر حضرات عالیات مطهرات عرش درجات سدره مرتبات، خازنان معارف الهی و معادن رحمت نامتناهی، شافعان روز جزا پیشوایان طریق هدی، شارعان شرع مبین برگزیدگان حضرت رب العالمین اعنی حضرات چهارده معصوم علیهم الوف التحیهٔ و السلام.

مقرر و مشروط آن‌که صدف این گوهر گرانمایه آستانه مقدسه منوره متبرکه عرشیه ملکوتیه سماویه معصومیه فاطمیه علی مشرفها و آبائها الائمهٔ صنوف الصلوهٔ و التحیهٔ بوده، سکنه و زوار آن روضه مبارکه فیض‌نگار از یمن تلاوت و قرائت آن ذخیره‌اندوز سعادات دو جهانی گردند. وقفا مخلدا شرعیا. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه، ان اللّه سمیع علیم.

و جری ذلک فی شهر رمضان المبارک من شهور حجهٔ تسع و ثمانین بعد الالف. و کتب الداعی لدوام الدولهٔ القاهرهٔ محمد حسین عفی عنه.

۲۶ وقفنامه مورخ رجب ۱۰۹۴ بر برگ آغاز نسخه‌ای از مصحف شریف (ش ۱۵۰– موزه) که آن را آقا کافور صاحب جمع خزانه عامره بر روضه منور حضرت فاطمه معصومه نیاز داشته است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۶

با سجل و مهر میرزا ابو طالب رضوی صدر خاصه شاه سلیمان مورخ ۲۹ رجب همین سال:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

لآلی گران‌بهای ستایش و ثنا وقف نثار ساحت قدس کبریای کریمی است جل شأنه که بیت المعمور صومعه عبودیتش را به نورافشانی مشاعل جهان‌افروز هدایت بی‌منتهی و پرتو مصابیح آیات تامه کلام معجزنما روشنی داد، و درارى نور افزای درود لا- یعد و لا- یحصی زینت کریاس گردون اساس رسول واجب التکریمی است بهر برهانه که صدق صباح دعوی رسالت ابدمدتش پرتو ظهور نیر ...

نورانی کالشمس فی الضحی مبرهن نمود. علیه و آله صلوات اللّه الملک الجلیل ما وقف قار علی آیات التنزیل و تلا تال القرآن بالترتیل.

و بعد بر قاریان صفحات الواح دانش و واقفان رموز اسفار کتاب آفرینش محتجب و مستور نیست که چون به حکم کلام معجز نظام سید انام علیه افضل التحیهٔ و السلام که «لا- احصی ثناء علیک، انت کما اثنیت علی نفسک» عاکفان صوامع حق‌پرستی را زبان فصاحت بنیان از ادای فرایض ثناگستری کردگار بی‌همتا جز به تلاوت آیات کامله قرآنی و قرائت بینات عادله فرقانی قاصر و نارساست.

بنابرین عالی‌حضرت رفیع‌منزلت منیع‌مرتبت، رفعت و اقبال‌پناه عزت

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۷

و دولت و اجلال دستگاه، توفیق آثاری معتمد الخاقانی، حاج الحرمین الشریفین آقا کافور صاحب جمع خزانه عامره از روی صفای نیت و خلوص طویت قربهٔ الی اللّه تعالی و طلبا لمرضاته این یک مجلد کلام اللّه حمید مجید را وقف مخلد و حبس مؤبد فرمودند بر گلشن آرایان ریاض دین مستبین و نخل‌پیرایان حدایق شرع مبین، مترجمان آیات کلام رب العالمین واقفان

اسرار معارف اولین و آخرین، وسایط آفرینش کاینات علل غائیه ایجاد موجودات، کلمات جامعه صحایف علوم اعنی حضرات عرش درجات سدره مرتبات چهارده معصوم صلوات اللّه و سلامه علی مضطجعهم و قائمهم الی قیام الساعهٔ و ساعهٔ القیام.
مقرر و مشروط آن‌که قرارگاه آن مشکوهٔ الانوار احمدی و مخزن اسرار محمدی صلی اللّه علیه و آله، روضه منوره مقدسه مطهره معطره معصومه واجبهٔ التعظیم و التکریمه قم بوده، هر آن قاری که به گل گشت آن روضه بهیه سرافراز و به گل بانگ تلاوت آیات آن با عندلیبان عالم قدس هم‌آواز گردد ثواب آن تلاوت و اجر آن قرائت را وقف نماید بر آستان ملایک پاسبان آن راهنمایان خلد برین صلی اللّه علیهم اجمعین، و عالی‌حضرت واقف معظم الیه را نیز به دعای خیر و طلب مغفرت و حصول درجات رفیعه یادآوری کند. و تولیت آن را مفوض و مرجوع نموده به متولی آستانه مزبوره که به لوازم تولیت و شرایط آن علی کرور الایام هرکه بوده باشد قیام و اقدام نماید. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم. و کان ذلک فی شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۰۹۴.

۲۷ وقف‌نامه مورخ ۹ ج ۱– ۱۰۹۸ بر نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را مادر شاه سلیمان بر آستانه مقدس وقف داشته، با گواهی و سجل مجلسی دوم پایین سند و مهر مادر شاه بالای آن با این سجع:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۸ «از فاطمه مادر سلیمان‌دارد در حشر چشم احسان»
هو الواقف علی الضمائر
بسم اللّه الرحمن الرحیم
الحمد للّه الذی نزل القرآن و بین فیه الاحکام و الصلاهٔ و السلام علی فخر المرسلین و سید الانام الذی نزل به روح الامین علی قلبه لیکون نذیرا للانام، و آله الائمهٔ الکرام الذین هم حفظهٔ الشرع و حملهٔ القرآن الی قیام الساعهٔ و ساعهٔ القیام.
و بعد سبب تبیین این کلمات صحت آیات شرعیت بینات آن‌که وقف مخلد شرعی فرمودند وکلاء اجلاء نواب مستطاب قمر رکاب خورشید احتجاب قدسیهٔ الالقاب فاطمه‌سیرت مریم‌سریرت خدیجه‌منزلت صفوراطینت بلقیس‌مرتبت، پرده‌نشین حرم سلطنت و شهریاری محجوبه حجاب عظمت و بختیاری، حاکمه سراپرده دولت و کامرانی حاویه اسباب دولت دو جهانی، گرامی درج گوهر گرانبهای شاهی زیبنده برج مهر عالم‌افروز شاهنشاهی علیه عالیه متعالیه ادام اللّه ایام دولتها و حشمتها الی یوم الدین این قرآن مجید و فرقان حمید را بر روضه منوره مقدسه متبرکه معصومه مطهره جلیلهٔ القدر و المنزلهٔ صلوات اللّه علیها و علی آبائها الطاهرین که واقع است در مدینهٔ دار المؤمنین قم، و تولیت آن را تفویض فرمودند به متولی جلیل القدر آستانه مزبوره و بعد از او به هرکس که حسب الرقم مبارک اشرف متولی باشد.
مشروط به آن‌که از روضه مقدسه به جای دیگر نقل ننمایند مگر آن‌که در نقل آن از آنجا رعایت حفظ و حراست آن منظور باشد و حفاظ و زوار روضه مزبوره تلاوت نمایند و ثواب آن را به روزگار فرخنده آثار نواب اشرف اقدس
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۶۹
ارفع همایون اعلی و نواب مستطاب واقفه موفقه عاید ساخته، بعد از فراغ از تلاوت فاتحه‌ای به‌جهت خلود دولت ابدمدت بخوانند. و صیغه شرعیه جریان یافت. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم.
و کان ذلک فی التاسع من شهر جمادی الاولی ختم بالاحسن و الاولی من شهور سنهٔ ثمان و تسعین و الف، ۱۰۹۸.
(پایین سند:)

بسم اللّه الرحمن الرحيم- لقـد اجريت الصـيغة على الشـروط المرقومـة وكالـة عن الحضـرة العليـة العاليـة. و كتب الـداعى لدوام الدولة القاهرة الباهرة احوج العباد الى عفو اللّه الغنى محمد باقر بن محمد تقى عفى عنهما. تربت پاكان ؛ ج١ ؛ ص١۶٩
مهر:] محمد باقر العلوم

٢٨ دو وقف‌نامه از ساوه در آغاز دو نسخه از مصحف شريف مربوط به همين قرن:

وقوف آسـتانه متبركه معصومه سلطان ستى فاطمه قم كرد به رضا و رغبت پرى خواند بنت خواجه پير قلى شيرازى ساكن ساوه. صد هزار لعنت بر فروشندن و خريدنده و كسى كه برين طمع كند. آمين يا رب العالمين.
* وقف نمود قربـة الى اللّه و طلبا [لمرضاته] توفيق آثار خواجه يادگار على ا [بن] خواجه شـمس الدين ... شـعر باف ساوجى به نيـا [بت] والـده صـالحه موفقه مكرمه مرحو [مه] كزل آغـاء بنت خواجه باملاـ ... [اين] كلاـم سـبحانى و تنزيـل آسـمانى [را بر روضه] متبركه سدره ملايك ... معصومه ستى فاطمه بنت مو [سى بن جعفر] عليه و عليهما السلام ...
تربت پاكان، ج١، ص: ١٧٠

٢٩ وقف‌نامه مورخ ١٠ ذ ح- ١١٠۵ از مادر شاه سليمان با مهر او در بالاى سند، به انشاء مجلسى دوم و مهر او در پايان (قرآن ش ١۵٣- موزه) براى مضجع شاه سليمان:

هو
هو الواقف على الضمائر
بسم اللّه الرحمن الرحيم
الحمد للّه الذى انزل الكتاب على عبده ليكون للعالمين نذيرا، و الصلوة على [محمد] سيد المرسلين و عترته الطيبين الذين اذهب اللّه عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا.
[و بعـد] لقـد وقفت المهـد العليا و السترى الكبرى، ناموس العالمين عصـمة الدنيا و الدين ام السـلطان المبرور و الخاقان المغفور هـذا القرآن المجيـد و الفرقان الحميـد على كافـة المؤمنين ليتلوه فى جوار ضـريح ولـده الانور و يهدوا ثوابه الى روحه الاطهر و جعل توليته و حفظه الى من نصب من جهـة سـلطان العصـر مـد اللّه ظلال جلاله لتوليـة ذلك المرقـد المعطر على ان لا يباع و لا يوهب و لا يعطل و لا يخرج من حوزة الوقف. فمن بـدله بعـد ما سـمعه فانما اثمه على الـذين يبدلونه. و اسـتكتب الداعى لدوام الدولة القاهرة الباهرة محمد باقر بن محمد تقى عفى اللّه عن جرائهما فى عاشر شهر ذى الحجة يوم الاضحى سنة ١١٠۵ و الحمد للّه اولا و آخرا و صلى اللّه على فخر النبيين محمد و آله الاطهرين الاقدسين.

٣٠ وقف‌نامه مورخ ١٢ شعبان ١١١٨ از شاه سـلطان حسين با مهر او در پايان بر نسخه‌اى از مصحف شريف (ش ١۵۶ موزه) كه آن را بر آستانه مقدس موقوف داشته است با سجل و گواهى مير محمد باقر ملاباشى خاتون‌آبادى درگذشته ع ١- ١١٢٧ در پايين سند:

تربت پاكان، ج١، ص: ١٧١

بسم اللّه الرحمن الرحيم

الحمد للّه الذی وقف فرق الانام علی مواقف الفرقان و مفارقه، و اوصل ایدی اهل الاسلام الی ایادی القرآن و مرافقه. و الصلوة و السلام علی سید السادات و منبع السادات محمد الذی وقف علی سدته السنیة العلیة صنوف التحیات الطیبات، و آله و عترته المعصومین امناء الدین المبین ذوی المعجزات الباهرات، سیما امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب واقف اسرار النبوة و هادی زمرة المسلمین و المسلمات.

و بعد چون خاطر عاطر و ضمیر منیر نیکوسرایر اعلی‌حضرت فلک‌رفعت ثریامرتبت شهریار کامکار عالی‌شان پادشاه والاجاه بلندمکان، ماه آسمان کرامت خورشید تابان فلک شهامت، گلشن‌آرای گلزار شریعت‌غرا طراوت افزای بوستان ملت زهرا، نوربخشای چراغ دولت آباء کبار زینت‌فزای سریر سلطنت اجداد عالی‌مقدار، زبان مبارکش لاله گلزار حراست دین مبین- کف گشاده‌اش سحاب درربار ساحت آمال ساکنان روی زمین، گوهر بحر سخایش زینت تاج افتخار پادشاهان- خنده صباح اقبالش نشاطبخشای قلوب جهانیان، عتبه دولتش از تابش انوار عنایات قادر معین ما صدق «وَ زَيَّنّاها لِلنّاظِرِينَ»- اخلاق پسندیده‌اش مظهر آثار «لیذهب غَيْظَ قُلُوبِهِمْ و يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ»، همت شایانش مصحف سلطنت را سوره اعلی- روزگار عدالتش از خورشید لطف قادر توانا نمونه «وَ النَّهارِ إِذا تَجَلّى»، اعنی السلطان المؤید و الخاقان المسدد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۲

شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی الحسینی بهادر خان خلد اللّه ظلال جلاله علی مفارق اهل الایمان

پیوسته متوجه تعظیم اولاد امجاد ائمه معصومین و تزیین و ترویج مراقد شریفه آن برگزیدگان ایزد معین است درین ایام سعادت فرجام وقف مخلد لازم شرعی و حبس مؤبد جازم ملی فرمودند قربة الی اللّه تعالی و طلبا لمرضاته این قرآن شریف و مصحف منیف را بر تمام شیعیان امیر المؤمنین و پیروان ائمه معصومین صلوات اللّه علیهم اجمعین وقفا لازما مخلدا مؤبدا بتا بتلا صحیحا شرعیا الی ان یرث اللّه الارض و من علیها و هو خیر الوارثین.

و در ضمن این وقف صریح شرط شرعی فرمودند که این قرآن مجید همیشه در آستانه منوره متبرکه امامزاده لازم الاحترام سیده جلیله عالی‌مقام، دره فاخره صدف بحر مواج «وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلّا رَحْمَةً لِلْعالَمِينَ» کوکب درخشنده سماء ذات ابراج ائمه معصومین، فاطمه بنت امام مؤمنان و مقتدای کون و مکان، خازن اسرار مکنونه خداوند آسمان و زمین نور دیده حضرت سید الانبیاء و المرسلین، قرة العین امیر المؤمنین حیدر امام به حق موسی بن جعفر علیهما و علی آبائهما المعصومین الوف صلوات المصلین بوده، آن را از آستانه منوره مذکوره بیرون نبرند و نفروشند و نبخشند و رهن نکنند و شیعیان که وارد آن آستانه شوند از روی این قرآن تلاوت نمایند و برخلاف شریعت غرا آن را معطل نگذارند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم.

و اعلی‌حضرت واقف خلد اللّه سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه ثواب این وقف را خالصا لوجه اللّه هدیه روح پاک و تحفه مضجع تابناک آن امامزاده جلیلة الشأن نمودند. و کان ذلک فی ثانی عشر شهر شعبان المظم سنه ۱۱۱۸.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۳

[پایین سند:]

بسم اللّه الرحمن الرحیم- الحمد للّه و الصلوة علی رسول اللّه و آله حجج اللّه. و بعد فغب ان جرت صیغة الوقف و تحقق حمیع ما یجب تحققه من صحة الوقف و لزومه علی النهج المقرر من الشرع الانور الاطهر کتب ... الداعی لابود الدولة القاهرة الباهرة السلطانیة الحسینیة محمد [باقر بن اسماعیل الحسینی الخاتون‌آبادی ..].

۳۱ وقف‌نامه نسخه شماره ۲۶۸ موزه از شاه سلطان حسین با مهر او، به خط آقا جمال خوانساری دانشمند نامور این دوره (درگذشته ۱۱۲۵):

وقف نمود قربهٔ الی [اللّه تعالی] این کتاب مستطاب را به وکالت نواب اشرف اقدس ارفع [اعلی لا زالت ظلال جلاله العالی] بر کافه شیعیان اثنی عشری از ذکور و اناث، و ثواب آن را هدیه نمود به ارواح مقدسه حضرات مطهرات سدره مرتبات عرش درجات [چهارده معصوم صلوات اللّه علیهم اجمعین]. و کتب الداعی لدوام دولته القاهرهٔ الباهرهٔ جمال الدین محمد الخوانساری.

[مهر:] ...

و هرکس این کتاب مستطاب را از این آستانه متبرکه عرش درجه بیرون ببرد به لعنت خدا و رسول گرفتار شود. آمین یا رب العالمین.

۳۲ وقف‌نامه مورخ ع ۱– ۱۱۳۹ بر نسخه‌ای از قرآن مجید (ش ۳۷– انبار) که آن را رفعت‌پناه محمد ابراهیم خلف حاجی زین العابدین اصفهانی بر آستانه مقدس نیاز داشته است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۴

هو المعین الواقف علی الضمائر

الحمد للّه رب العالمین و صلی اللّه علی محمد و آله اجمعین.

و بعد وقف مؤبد و حبس مخلد صحیح صریح شرعی نمود حضرت رفعت پناه محمد ابراهیم خلف مرحمت‌پناه حاجی زینل عابدین اصفهانی این جلد کلام اللّه مجید ربانی را که در آستانه مقدسه مطهره عرش‌درجه (حضرت معصومه علیها التحیهٔ و السلام) هریک از سادات و حفاظ آن آستان ملایک پاسبان و کافه مؤمنین تلاوت نموده، ثواب او را به روح پرفتوح حضرت علیها التحیهٔ و السلام قربت نموده. به شرط آن‌که از آن آستان ملایک پاسبان بیرون نبرند و نبخشند و به عاریه ندهند و خلاف‌کننده به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار گردد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

تحریرا فی شهر ربیع الاولی من شهور سنه ۱۱۳۹.

۳۳ وقف‌نامه مورخ ج ۱– ۱۱۴۰ بر نسخه‌ای از مصحف شریف (ش ۱۵۵– موزه):

به تاریخ شهر جمادی الاول سنه ۱۱۴۰ عالی‌حضرت نجابت و رفعت و معالی پناه عمدهٔ الاشباه و الاقران کهف الحاج الحرمین الشریفین حاجی محمد رضی خلف مرحوم حاجی مرداش این کلام اللّه حمید مجید را وقف آستانه مقدسه منوره مطهره عرش‌درجه اسد اللّه الغالب و مطلوب کل طالب امیر المؤمنین و یعسوب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۵

الدین علی بن ابی طالب علیهما الف الف التحیهٔ نموده، صیغه وقفیت به قانون مذهب حق ائمه اثنی عشری گفته، تولیت آن را به خازن خزانه آن ثانی فردوس برین تفویض نمود. وقفا صحیحا شرعیا مادامت السموات و الارض و هو خیر الوارثین، فمن

تعرض لا بطالها و تصرف فيها بغير شرط واقفها فقد باء بغضب من اللّه و سخط و مأواه جهنم و بئس المصير. امید که ثواب این معنی به روزگار آن متشبث ذیل ولای آن خاندان سدره مکان عاید شود. آمین یا رب العالمین.
[مهر:] ...

۳۴ وقف‌نامه مورخ آغاز صفر ۱۱۴۳ بر نسخه‌ای از قرآن کریم (ش ۱۴۲– موزه) که بر مقبره شاه سلطان حسین وقف داشته شده است گویا از همسر او مادر طهماسب دوم :

هو الواقف
بسم اللّه الرحمن الرحیم
الحمد للّه الواقف علی سریرة کل واقف و المطلع علی نیة کل مخالف و مؤالف المتفضل علی جمیع الانام بالنعم و المعارف. و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد الشفیع فی اعظم المواقف و علی آله الهداة ابی الفضائل و العوارف الذین شرقت برطاتهم المشاعر و المواقف ماهبت فی البراری الریاح العواصف.
اما بعد غرض اصلی و منظور کلی از نگارش این کلمات شرعیة الدلالات آن است که در اسعد زمان و احسن اوان نسایم توفیقات ربانی و رشحات تأییدات یزدانی نهال احوال خیر فال علیاحضرت حواسیرت مریم‌سریرت فلک جناب خورشید احتجاب ناموس العالمین عصمت الدنیا و الدین مثمر این ثمر گردیده که
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۷۶
خالصا لوجه اللّه تعالی وقف صحیح شرعی نمود این یک جلد قرآن مجید ربانی را بر کافه مؤمنان و شیعیان و سایر مترددین و متوطنین بلدة المؤمنین قم که در سر مزار کثیر الانوار نواب فردوس قباب مالک رقاب تلاوت نموده، ثواب آن را به روح کثیر الفتوح نواب همایون سابق الذکر هدیه نمایند مشروط آن‌که از سر مزار کثیر الانوار مزبور بیرون نبرند. وقفا صحیحا شرعیا و حبسا صریحا ملیا بحیث لا یباع و لا یوهب و لا یرهن. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.
فی غرة شهر صفر سنه ۱۱۴۳.

۳۵ وقف‌نامه مورخ ۱۲ رجب ۱۱۵۷ در آغاز چند پاره از قرآن با متن زیر و جز آن، مبنی بر وقف این پاره‌ها بر روضه مطهر در سر مزار مرحمت‌پناه ابو الحسن خان:

هو الواقف علی الضمائر
وقف صحیح شرعی نمودند این مجلد کلام مجید و فرقان حمید را بر سر مزار مرحمت و غفران‌پناه ابو الحسن خان طاب ثراه و جعل الجنة مثواه، مشروط بر آن‌که مجلد مزبور را تلاوت نموده و ثواب آن به روح پرفتوح مرحمت‌پناه عاید گردد. مشروط بر آن‌که نفروشند و رهن نگذارند. هرآن‌کس خلاف آن نماید به لعنت الهی گرفتار گردد. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. تحریرا شهر رجب المرجب سنه ۱۱۵۷.
هو الواقف علی السرائر
وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد ملی نمود این مجلد کلام حمید مجید ربانی را مع نه مجلد دیگر که مجموع سی جزو تمام

کلام اللّه بوده باشد (بر روضه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۷

مطهر و منور حضرت معصومه علیها التحیهٔ و الثنا) علیا جناب بلقیس آداب عصمت و عفت و خدارت دستگاه زبدهٔ المخدرات شرف جهان خانم همشیره مرحمت و غفران‌پناه ابو الحسن خان. مشروط بر آن‌که نفروشند و هبه ننمایند و هر وقت که در سر مزار مرحوم مزبور بوده باشد عالی‌حضرات مباشرین آن سرکار فیض آثار مانع نشوند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. به تاریخ روز جمعه ۱۲ شهر رجب به تصرف وقف دادند.

[مهر:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین

عبده اسمعیل

۳۶ وقف‌نامه مورخ ذ ح- ۱۱۶۴ از امام قلی خان خلف غفران جایگاه بیجن بیک قرخلو:

هو الواقف علی الضمائر

الحمد للّه الواقف علی القلوب و الضمائر و المطلع علی الافئده و البصائر، و الصلوهٔ و السلام علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین.

و بعد وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد ملی نمود عالی‌جاه معلی‌جایگاه خانی عظیم القدر و الشانی امامقلی خانا خلف مرحمت و غفران‌جایگاه بیجن بیکاقرخلو این کلام ملک علام را مع رحل عمل ... نقاش که در روضه مقدسه منوره (حضرت فاطمه معصومه سلام اللّه علیها) واقعه در دار المؤمنین قم که حفاظ و خدام و زوار و کافه شیعیان تلاوت نموده و ثواب آن را به روح پرفتوح حضرات ائمه معصومین صلوات اللّه علیهم اجمعین و به روزگار فرخنده آثار واقف معظم الیه و به روح والدین عالی‌جاه سابق الالقاب قربت نمایند. مشروط بر آن‌که از آن آستان عرش توأمان بیرون نبرند و نخرند و نفروشند و هبه ننمایند و به عاریت ندهند

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۸

و تولیت آن را به عالی‌حضرت رفیع‌منزلت متولی که از جانب پادشاه عصر تعیین شده باشد مرجوع شد که به نحو مسطور معمول دارد و چنانچه خلاف آن نمایند به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار و به خون حضرت ابا عبد اللّه الحسین شریک باشد. آمین یا رب العالمین. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه ان اللّه سمیع علیم. تحریرا فی شهر ذی حجهٔ الحرام من شهور سنهٔ ۱۱۶۴.

۳۷ وقف‌نامه مورخ رمضان ۱۱۹۴ در آغاز نسخه ش ۲۶۷- انبار مبنی‌بر وقف همین جزو از کلام اللّه مجید با بیست و نه جزو دیگر بر آستان مقدس:

وقف صریح شرعی و حبس مؤبد ملی نمود عالی‌حضرت سیادت و نجابت منقبت میرزا باباس ولد میرزا قوام الدین همدانی این جزو با بیست و نه جزو دیگر کلام مجید ربانی را به حضرت معصومه صلوات اللّه و سلامه علیها، مشروط بر آن که در وقت ضرورت اهل قم برده و تلاوت نموده، بعد از آن آورده تسلیم متولی معصومه نماید و تولیت آن را به ازهد و اتقای متولیین

مشار الیها مفوض نمود که نسلا بعد نسل متولی همین سی‌پاره به نحو مرقوم باشند. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. و کان ذلک فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۴.

[مهر:] المتوکل علی اللّه الغنی

عبده محمد رضا الحسینی

۱۱۹۳

۳۸ وقف‌نامه مورخ ۱۹ رمضان ۱۲۱۶ از فتحعلی شاه قاجار که هفت مجلد قرآن کریم در این تاریخ بر آستانه مقدس نیاز داشته است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۷۹

الحمد للّه الواقف علی النیات و المطلع علی الخفیات و الصلوة و السلام علی محمد اشرف المخلوقات و آله خیر البریات.

بعد از حمد الهی و نعت حضرت ختمی‌پناهی بر واقفان مواقف کارآگاهی که موفق به توفیقات الهی‌اند مستور نخواهد بود که ثمر شجر وجود باقیات صالحات و فایده ماهیت و بود اجرای خیرات و انفاق صدقات است کما قال اللّه تعالی «وَ الْباقِیاتُ الصّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَواباً وَ خَیْرٌ أَمَلًا». درین درگاه آن بنده بنده مقبل است که در دار العمل «الدنیا مزرعة الاخرة» مزرعه اعمال خود را به رشحه افشانی کریمه «إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ» سرسبز نماید و درین کارگاه آن کس را لطف الهی شامل است که در دار الاحسان «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ» سمند افعال خود را به گرم عنانی «مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها» به سرمنزل یکه‌تازان میدان «وَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ» جهاند.

لهذا بندگان اعلی‌حضرت قدر قدرت مشتری‌طلعت بهرام‌صولت گردون دستگاه انجم‌سپاه، جوهر شمشیر سلطنت و صورت هیولای فتح و نصرت، شهنشاهی که بقا با دولتش از ازل توأم و ظل اللهی که فتح با موکبش تا ابد همدم است، کشور گیری که انفکاک ظفر از رکاب همایونش همچون وجود عرض بی جوهر ممتنع الخیال، ممالک‌ستانی که انفصال استقلال از ظل رأیت اجلالش مانند انفصال جسم از روح شدید المحال است، صاحب لواء السلطنة و التمکین قهرمان الماء و الطین ظل اللّه فی الارضین ابو النصر فتحعلی پادشاه قاجار ابد اللّه دولته العلیة و خلد اللّه مملکته الوسیعة

وقف صحیح شرعی فرمودند این کلام اللّه مجید را بر روضه مقدسهٔ عرش درجه حضرت معصومه علیها التحیة و الثنا، و ثواب آن را نیز هبه نمودند به روح پرفتوح خاقان رضوان‌آشیان محمد پادشاه قاجار عم بزرگوار خود و نواب

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۸۰

علیین آشیان حسین قلی خان والد ماجد خود طاب اللّه ثراهما و جعل الجنة مأواهما، و اجرای صیغه موافقه مشروط به شروط ثلاث گردید:

الاول- آن‌که این کلام اللّه مجید را بدون جهت شرعی در خزانه مقدسه حضرت معصومه مخزون و محبوس نسازند.

الثانی- آن‌که از آن روضه مقدسه بدون علت شرعی حمل و نقل به‌جای دیگر ننمایند.

الثالث- آن‌که در همه اوقات روز و شب در روضه مقدسه حاضر باشد که قرا و مترددین، حفاظ و مجاورین آن حرم محترم مهما یرید از آن تلاوت نمایند.

وقفا مؤبدا و حبسا مخلدا ان لا یباع و لا یرهن و لا یوهب، فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. و کان ذلک فی التاسع عشر شهر رمضان المبارک من شهور سنة ۱۲۱۶ من الهجرة النبویة صلی اللّه علیه و آله و سلم.

۳۹ وقف‌نامه مورخ ۲۷ ذ ح– ۱۲۲۱ بر نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را دختر محمد رضا خان قاجار بر آستانه مقدس نیاز داشته است:

هو الواقف علی السرائر

باعث بر تحریر و ترقیم این کلمات شرعیهٔ الدلالات آن است که وقف مؤبد و حبس مخلد نمود این کلام مجید علام را علیاحضرت قمر نقاب خورشید احتجاب عصمت و عفت‌پناه خدارت و طهارت دستگاه آسیه‌شانی بلقیس‌مکانی اعنی مخدومه مکرمه معظمه نوری شرف خانم الشهیرهٔ بنبات خانم دامت عفتها العالیهٔ بنت مرحمت و غفران‌مآب محمد رضا خان قاجار قزوین طاب ثراه بر روضه منوره مقدسه مطهره معصومه قم علیها التحیهٔ و الثنا.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۱

مشروط بر این‌که از روضه مزبوره بیرون نبرند و به دست اطفال ندهند و هر روز این کلام اللّه را متولیان روضه مزبوره و قاریان قرآن و حافظان کلام ملک علام تلاوت نمایند و معطل نگذارند و تصرف دال بر ملکیت از بیع و شرا و رهن و غیره ننمایند تا از ثواب آن واقفه مزبوره مستفیض و بهره‌مند گردد بحیث ان لا یباع و لا یرهن وقفا بتا بتلا الی ان یورث اللّه الارض و من علیها. و این چند کلمه بر سبیل وقف نامچه قلمی گردید. تحریرا فی بیست و هفتم شهر ذیحجهٔ الحرام من شهور المبارک سنه ۱۲۲۱.

۴۰ وقف‌نامه بیوتات شاهی مورخ ۲۵ شوال ۱۲۲۲ از فتحعلی شاه براساس متن سنگ‌نبشته سردر غربی همین بناها که اکنون دانسته نیست کجاست و ابنیه مزبور نیز بیست سال پیش ویران و جزء بنای مسجد اعظم شد.

دیباچه ادیبانه این سند در گنجینه نشاط (: ۳۵ ب– ۳۶ ر، ش ۹۳ خطی دانشگاه) دیده می‌شود:

وقف صحیح شرعی نمود شاهنشاه جم‌جاه سپهر خرگاه انجم‌سپاه ظل اللّه فی الارضین الخاقان المعظم الافخم و السلطان الاعدل الاکرم السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابو الفتح و العلی فتحعلی شاه لا زالت قصور اجلاله مرفوعهٔ این عمارات مبارکات که از ابنیه جدید البنیانی سلطانی است با جمله ملحقات از حمام و بیوتات و فروش و مضافات بر زمره زوار روضه مقدسه بهیه علیها و علی راقدها آلاف التحیهٔ.

مشروط بر آن‌که هریک از زائرین و عابرین که در سلک فضلا و عظما و اشراف و اعیان‌منسک و شایسته نزول در این مکان شریف باشند در آنجا منزل نمایند و در هنگام زیارت و دعوات متذکر ذات مکارم صفات اقدس اشرف اعلی بوده باشند

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۲

و تولیت آن را به متولی روضه مقدسه منوره مطهره عرش‌درجه علی شروطها مفوض فرمودند که به تصفیه عمارات پرداخته، در بستن و گشادن ابواب و لف و نشر فروش و قبض و بسط امور ملزومه تولیت مختار و در ارائه طریق زواری که خود نزول کرده باشند به دخول، و منع سایرین از ورود و نزول مشروطات مزبور را معمول و از قرارداد واقف تخلف نورزند و عدول ننمایند.

وقفا صحیحا شرعیا، فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

و کان ذلک فی ۲۵ شهر شوال المکرم من شهور سنهٔ اثنی و عشرین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ النبویهٔ.

۴۱ چند نمونه از وقف‌های خانوادگی بر مقابر آستانه مقدس:

أ- وقف‌نامه مورخ ج ۲- ۱۲۳۰ از مهد علیا شاه جهان خانم بر قبر مادر خود با تولیت اعلم علمای دار الایمان قم در آغاز نسخه‌ای از مصحف شریف.

ب- وقف‌نامه مورخ رجب ۱۲۳۰ از هلاکو خان فرزند شاهزاده حسن علی میرزا شجاع السلطنه درگذشته ۱۲۷۱ بر برگ آغاز نسخه‌ای از مصحف شریف که آن را بر قبر مادرش (دختر مرتضی قلی خان عم فتحعلی شاه- مجمع الفصحاء هدایت ۱: ۱۲۸ چاپ جدید) وقف داشته است:

هو الواقف علی الضمائر

منظور از تسطیر این سطور سعادت ظهور و مقصود از تحریر این کلمات خیریت دلالات این‌که وقف مقبره مطهره والده ماجده خود فرمود این کلام اللّه مجید را نواب مستطاب سپهر جناب هلال رکاب، خجسته شجر حدیقه شوکت و شهریاری و فرخنده ثمر دوحه دولت و جهانداری، مهین سلاله دودمان سلطنت

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۳

عظمی و بهمین نتیجه خاندان خلافت کبری، لؤلؤ لالای صدف عزت و اعتلا و گوهر یکتای مخزن مجد و علا، شاهزاده اعظم اکرم

بیت

ماه مهرآسا سیاوش‌سان فروغ چشم کی‌سرو سنبل‌مو هلاکو خان سرور جان جم

هم نیا او را جهاندار مهین فخر الملوک‌هم پدر او را حسن شاه گزین زین الامم

گرچه آن سرو گلستان نیا شمع سپهرگرچه آن شمع شبستان پدر سروارم

مهد خوابستی ولی چون تخت‌جویان در سنون‌خردسالستی ولی چون سالخوردان در شیم

مشروط بر این‌که قرای مأموره به مجاورت مقبره مطهره مرحومه مغفوره مذکوره لیلا- و نهار، شهورا و سنینا در همان مکان شریفه به تلاوت و قرائت این قرآن مجید مشغول، در محافظت و محارست آن لازمه دقت و اهتمام معمول داشته ثواب تلاوت دائمی آن را به روح کثیر الفتوح مرحومه مغفوره مبروره علیین آرامگاه حورین‌جایگاه مذکوره قربت کرده و از روضه منوره و بقعه مشرفه مطهره معصومه علیها التحیهٔ و الثنا حمل‌ونقل به امکنه دیگر ننمایند مگر گاه‌به‌گاه محتاج مرمت گردد در دار المؤمنین قم به نظر پیشوایان دین مبین رسانیده و به نظر دقت اجرت مرمت آن را مشخص و از موقوفات مقبره مرحومه مغفوره مذکوره مقرر و مهم سازی و بعد از صحافی به قرای مذکوره سپارند.

وقفا صحیحا شرعیا نافذا مؤبدا، فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. و من اهمل فی اعمال التولیهٔ و ابطال شرایطها فعلیه لعنهٔ اللّه و الملائکهٔ

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۴

و الناس اجمعین. فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۳۰.

ج- وقف‌نامه مورخ رمضان ۱۲۳۰ از ارغون خان فرزند دیگر حسنعلی میرزا شجاع السلطنه (ناسخ و مکارم الاثار ۱: ۱۵۷) کشته شده به سال ۱۲۴۸ (فارس‌نامه ناصری ۱: ۲۸۲) بر همان قبر که متن آن درست همان متن پیش است با حذف ابیات و با مهر او در پایان.

د- وقف‌نامه مورخ ۷ ع ۱- ۱۲۳۸ از شاهزاده محمود میرزا قاجار (چهاردهمین فرزند فتحعلی شاه و نگارنده سفینهٔ المحمود و جز آن- ذریعه و مجمع الفحصا ۱: ۱۱۵ و مکارم الاثار ۲: ۴۸۴) بر قبر مادر خود که مریم‌نامی از جماعت بنی اسرائیل بود (ناسخ قاجاریه ۱: ۳۳۲ و ۳۱۹) با مهر او در میان:

بسم اللّه الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد للّه الواقف علی الضمائر و الصلوهٔ و السلام علی محمد و آله خیر العشایر.

اما بعد وقف مخلد و حبس مؤبد نمود این یک جلد قرآن مجید و فرقان سدید را نواب مستطاب سپهر رکاب هلال جناب مشتری‌آداب، حضرت قضا سطوت قدر قدرت جمشید جام کیومرث احتشام، خداوند اقلیم شوکت و اجلال و فرمان‌فرمای مملکت دولت و اقبال، شاهزاده والاتبار محمود میرزای قاجار ادام اللّه قدره و منزلته که بر سر تربت مرحومه مغفوره والده ماجده او گذارند و مؤمنین و قراء من النساء و الرجال بالغدو و الاصال مشغول قرائت باشند و اجر و ثواب قرائت را به روح پرفتوح جناب خیر المرسلین و بر اولاد طاهرین او و بعد به روح معظم الیها قربت نمایند که در یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی اللّه بقلب سلیم دستگیر واقف معظم الیه شده باشد. به شرط آن‌که نفروشند و نخرند و هبه و مصالحه ننمایند و به رهن ندهند و به دست اطفال بی‌تمیز ندهند.

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه و اللّه سمیع علیم.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۸۵

و صیغه وقف بالعربیهٔ و الفارسیه واقع و جاری شد. حرره ذلک فی هفتم شهر ربیع الاول من سنهٔ الثامن و الثلاثون و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ النبویهٔ.

۴۲ وقف‌نامه قندیل طلای مینای مرصع و یک مجلد قرآن کریم تقدیمی فتحعلی شاه مورخ شوال ۱۲۴۲ با دیباچه‌ای مفصل که در اینجا قسمت اخیر آن با حذف دیباچه مزبور آورده می‌شود (بنگرید به روضهٔ الصفا ۹: ۶۶۲):

.. وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملی فرمودند این کلام اللّه مجید را با یک عدد قندیل طلای مینای مرصع به جواهر که مبلغ چهار هزار تومان صرف اتمام آن گردیده و جواهرات ثمین و ترصیعات تزیین آن‌که بدین‌موجب:

الماس- درشت و ریزه: ۲۳۵ قطعه

لعل- درشت و ریزه: ۴۹ قطعه

یاقوت- درشت و ریزه: ۸۸۵ قطعه

زمرد- درشت و ریزه: ۸۸۳ قطعه

مروارید- آویز دوره بالا و پایین: ۲۸۹۸ عدد بالا: ۶۷۶ عدد- پایین: ۲۲۲۲ عدد

تشخیص یافته به روضه مطهره و بقعه منوره بضعه طاهره رسالت و زهرای سرادق عصمت و طهارت معصومه مکرمه التی تشرفت بمدفنها ارض قم صلوات اللّه علیها و علی آبائها که قندیل مهر بها را در اصل بقعه عرش مساق رشک قندیل آفتاب در سقف فیروزه‌گون رواق سازند و قرآن مجید را کافه ساکنین و متوطنین و مترددین و زائرین از زمره ناجیه شیعه امامیه تلاوت نموده، ثواب آن عاید روزگار سعادت نمون و ذات مرحمت مقرون اقدس همایون گردد.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۸۶

مشروط بر آن‌که در روضه مطهره و رواق و ایوان و حجرات صحن مقدسه تلاوت و قرائت نموده، از حدود صحن مقدس بیرون نبرند و به دست اشخاصی که در محافظت آن از اندراس اهتمام ننمایند ندهند و از لوازم و شرایط وقفیت اخراج نکنند. و بهذه الشرایط المذکوره صیغه وقف بالفارسیهٔ و العربیهٔ علی نهج الشرع الباری جاری گردید. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

و کان ذلک فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۴۲ من الهجرهٔ المبارکهٔ المقدسهٔ النبویهٔ.

۴۳ وقف‌نامه ده «سرتومن» از روستاهای بلوک فراهان قم مورخ رمضان ۱۲۴۴

که آن را فتحعلی شاه بر آستانه مقدس موقوف داشته است با دیباچه‌ای مبسوط و متنی طولانی در ستایش پادشاه مزبور. اصل سند در اختیار دفتر آستانه است.

۴۴ وقف‌نامه مورخ صفر ۱۲۴۹ از خسرو خان والی کردستان با مهر «أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ عبده خسرو» در پایان و مهر «بنده مرتضی علی خسرو» در کناره سند (قرآن ش ۱۹۹ موزه آستانه):

بسم اللّه تعالی شأنه العزیز

الحمد للّه الواقف علی السرایر و الضمایر و الصلوهٔ و السلام علی اشرف الاوایل و الاواخر.

اما بعد غرض از تحریر و ترقیم این کلمات خیریت دلالات آن است که چون توفیقات سبحانی و تأییدات ربانی شامل حال خیریت منوال افتخار الولاهٔ خسرو خان الوالی بکردستان ادام اللّه تعالی اجلاله الی مدید الزمان گردیده،

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۸۷

این مجلد کلام اللّه حمید مجید را با یک مجلد دیگر وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمودند بر کافه شیعیان اثنی عشری که تلاوت نمایند و ثواب آن عاید واقف موفق گردد. و درضمن العقد شرط نمودند که این کلام مجید را با جلد دیگر در روضه متبرکه حضرت معصومه علی آبائها و اجدادها و علیها الف الالف التحیهٔ و السلام تلاوت نمایند و تولیت آن را مفوض نمودند به مجتهد جامع الشرایط فتوی. وقفا صحیحا شرعیا بحیث لا یباع و لا یرهن. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه تبدیلا. و کان ذلک فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۴۹.

۴۵ وقف‌نامه قرآنی که آن را ام سلمه دختر فتحعلی شاه به خط خود در شوال ۱۲۴۶ به پایان برده و بر خاکجای پدر وقف داشته است:

چون توفیق یزدانی و تأیید سبحانی شامل حال این کنیز ناچیز حضرت خیر النساء فاطمه زهرا صلوات اللّه علیها گردیده و از ملاهی دنیوی که غالب نسوان بل رجال دوران به آن مبتلا هستند اعراض حاصل گردانیده از مستلذات دنیوی روگردان شده، روی توفیق به نگاشتن کلام ملک علام آورده و دست امید به حبل المتین قرآن حمید و فرقان مجید زده تمام اوقات را به تحریر کلام خدا و ادعیه مأثور از ائمه هدی مصروف می‌دارم.

بناء علیه از حضرت آسمان بسطت شاهنشاه جم جاه خلد آرامگاه اشارتی در تحریر و تسطیر این کلام اللّه، و به فضل خدا در

مدت یک سال اتمام پذیرفت لکن در همان اوقات پدر بزرگوار و خسرو تاجدار از دار فنا به دار بقا رحلت

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۸

فرمودند و پادشاهی عالم باقی را از سلطنت دو روزه فانی عوض گرفتند. چون این قرآن برحسب امر و اشارات خسرو خلد مکان صورت اتمام پذیرفت شایسته چنان دیدم که وقف مرقد منور آن آرام‌یافته جوار قدس نمایم که ثواب تلاوت او را به روح کثیر الفتوح آن سریرآرای خلد نمایند. و انا الامة العاصیة الجانیة المفتقر الی رحمة اللّه الملک الغفور ام سلمه بنت السلطان فتحعلی شاه قاجار. اللهم اغفر لی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات بمحمد و آله الاخیار الاطهار.

۴۶ دو وقف‌نامه از شاهزاده خانم فخر الدوله دختر فتحعلی شاه یکی مورخ یکشنبه ۱۵ رجب ۱۲۵۰ دیگری مورخ دهه دوم ع ۱- ۱۲۵۹.

چندین طغرا سند دیگر مانند این از وقف‌هایی که شاهزادگان قاجار و دیگران در نیمه دوم این قرن بر قبر فتحعلی شاه و بر حرم مطهر نموده‌اند در دست است که به نقل همین نمونه اکتفا می‌شود:

هو الواقف علی الضمایر

چون توفیقات حضرت سبحانی و تأییدات ربانی شامل احوال فرخنده‌فال سرکار عظمت‌اقتدار، نواب مستطاب خورشید احتجاب، شاهزاده معظمه مکرمه مفخمه، مهد علیا و ستر کبری، فخر الدولة العلیة العالیه گردیده وقف مؤبد و حبس مخلد نمود این یک جلد کلام اللّه حمید مجید ربانی را بر کافه مؤمنین و مسلمین دار الایمان قم که در سر مرقد والد خود اعنی خدیو جنت‌مکان و خاقان خلدآشیان، خسرو کشورستان صاحب‌قران، المرحوم المغفور الی جوار الملک المنان (السلطان بن السلطان الخاقان بن الخاقان فتحعلی شاه قاجار طاب اللّه ثراه و جعل الجنة مثواه) قراء بلد مذکور تلاوت نموده که ثواب وقفیت آن در روزگار فرخنده آثار عاید روح مرحوم شاه جنت‌مکان شود. و صیغه وقف ابدی به قانون شریعت نبوی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۸۹

صلی اللّه علیه و آله جاری گردید. لعنة اللّه علی مبایعه و غاصبیه و سارقیه.

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه، و اللّه واسع علیم (!).

تحریرا فی یوم الاحد من خمس عشر شهر رجب المرجب سنه ۱۲۵۰.

* هو الواقف علی الضمائر و السرائر

بسم اللّه الرحمن الرحیم و الاعتصام بکرمه العمیم

وقف مؤبد و حبس مخلد نمودند این یک مجلد کلام ربانی و کتاب حمید سبحانی را بر کافه شیعیان امیر المؤمنین علیه افضل الصلوات و التحیات نواب سپهر جناب مهر احتجاب عصمت و عفت آداب طهارت و خدارت انتساب سرکار فخر الدولة العلیة العالیة که قرائت کنند و تلاوت نمایند و ثواب آن را به روح کثیر الفتوح خاقان خلد آشیان علیه رحمة اللّه الملک المنان مفوض داشتند و تولیت آن را به حضرت معالی‌مرتبت آقا میرزا محمد متولی بقعه که مضجع خاقان مغفور است مقرر ساختند و پس از او به هرکه متولی بقعه مبارکه مذکوره است و صیغه شرعیه جاری و واقع شد.

وقفا صحیحا صریحا. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

و کان ذلک تحریرا فی ..ع عشر شهر ربیع الاول من شهور سنة ۱۲۵۹ تسع و خمسین و مأتین بعد الالف من الهجرة النبویة علی مهاجرها آلاف آلاف من التحیة.

و السلام علی من اتبع الهدی.

۴۷ وقف‌نامه مورخ ۱۲۶۰ از میرزا محمد صادق فرزند میرزا جعفر کدخدای دار الخلافه طهران.

با مهر «عبده صادق الحسینی» و «صادق بن جعفر الحسینی» در پایان سند:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۹۰

هو اللّه الواقف علی السرائر و الضمائر

بسم اللّه تعالی

وقف مؤبد و حبس مخلد نمود این مجلد نصف قرآن حمید سبحانی و فرقان مجید ربانی را عالی‌جاه سعادت و سیادت همراه صداقت و نجابت دستگاه میرزا محمد صادق خلف صدق آقا میر جعفر کدخدای دار الخلافه طهران بر کافه شیعیان امیر مؤمنان از سکنه و مجاور و زائر آستان ملایک پاسبان فاطمه معصومه مدفونه در بلده دار الایمان قم بنت موسی بن جعفر علیها و علیهما آلاف التحیهٔ و الثناء که مکلفین از قراء تلاوت و قرائت نمایند و ثواب آن را به ارواح انوار ائمه اطهار یا هرکه منظور قاری باشد هدیه نمایند و ضمنا روح پرفتوح مرحومه مغفوره حلیمه خاتون والده واقف معظم الیه را به ذکر خیر و فاتحه یاد و شاد کنند و تولیت را به عالی‌جناب شامخ الالقاب ملا جعفر خلف مرحوم حاجی ملا بابای قمی واگذار نمودند. و آن جلد که نصف دیگر همین جلدست راقم الحروف باقر برادر متولی مذکور به نهج مزبور وقف کردم و صیغه وقف علی ما قررت فی الشریعهٔ المقدسهٔ سمت جریان پذیرفت. ۱۲۶۰. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه.

۴۸ وقف‌نامه مورخ ع ۲- ۱۲۷۲ از ناصر الدین شاه قاجار در آغاز هفت پاره از مصحف شریف که آن را بر قبر پدر خود محمد شاه موقوف داشته است:

وقف ابدی فرمودند سرکار معدلت‌مدار اعلی‌حضرت اقدس همایون شاهنشاه اسلام‌پناه ظل اللّه، منبع عدل و انصاف مصدر مراحم و الطاف، المجاهد فی سبیل اللّه المحامی لدین اللّه و المحیی لسنهٔ رسول اللّه! صلی اللّه علیه و آله، ظل مبسوط

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۹۱

کردگار مظهر لطف آفریدگار، محدد فلک سلطنت و شهریاری مجدد رسوم معدلت و بردباری، حامی آثار حضرت اقدس نبوی حافظ اطوار جناب مرتضوی صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین، آیه رحمت ایزد متعال سایه رأفت بی‌زوال، ناصر دین و دولت حامی ملک و ملت، السلطان بن السلطان بن السلطان بن السلطان- الخاقان ابن الخاقان بن الخاقان ابو المظفر ناصر الدین شاه قاجار لا- زالت اعلام دولته القاهرهٔ محفوفا بالعز و الاقبال و رایات شوکته الباهرهٔ مصروفا بالنصرهٔ و الاجلال بمحمد و آله الاطهار صلوات اللّه و سلامه علیه و علیهم اجمعین این یک سبع مجلد کلام مجید ربانی را با شش سبع مجلد دیگر به کافه مسلمین و مؤمنین.

مشروط بر این‌که همیشه در سر مرقد مطهر و مضجع منور شاهنشاه رضوان جایگاه مبرور البسه اللّه حلل النور محمد شاه غازی اسکنه اللّه تعالی فراد یس الجنان بمحمد و آله علیهم صلوات اللّه الملک المنان بوده، تولیت آن با متولی بقعه متبرکه مزبوره باشد و از آنجا نقل و تحویل به‌جای دیگر نشود و همه مسلمانان در آنجا از تلاوت مستفیض شوند.

فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه. و صیغه صحیحه شرعیه علی النهج المقرر فی الشرع الانور جاری گردید. حرر فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳.

۴۹ وقف‌نامه مورخ ۱۵ ع ۱- ۱۲۹۵

از میرزا محمود مستوفی و وزیر طهران (قرآن شماره ۸۴- ۸۵ انبار، کتابخانه آستانه مقدس).

۵۰ وقف‌نامه سه دانگ از مجموع شش دانگ دیه گازران از روستای جعفرآباد ساوه با چهار دانگ باغ و آسیا و قلعه و بیوتات و مستغلاتی دیگر که آن را میرزا شفیع مستشار الملک گرکانی در ۱۶ ذ ح- ۱۳۱۱ برای مصرف شام خدام آستانه مقدس و روضه‌خوانی در شب‌های جمعه وقف داشته است به تفصیلی که در متن سند یاد می‌شود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۹۲

متن این وقف‌نامه همراه رساله خصائص العظیمیه حاج شیخ جواد لاریجانی در ۱۶ صفحه به چاپ رسیده است .

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۹۳

۲ اسناد و احکام مشاغل گوناگون آستانه

اشاره

در کتاب راهنمای قم به استناد «مدارکی که موجود است» می‌نویسد:

تعداد خدمتگزاران آستانه قم در اوائل دوره صفوی پنجاه نفر بوده و سپس در همین عصر با گسترش تشکیلات آستانه هفتاد نفر بر این شمار افزوده شد. پس از آن در اواخر دوره قاجار شماره خدام به صد و هشتاد تن رسید که در سه کشیک هشت ساعته انجام وظیفه می‌نمودند و مشاغل آنان چنین بود:

۱- مستوفی: مسئول تنظیم حساب درآمد و هزینه آستانه و مصرف آن و نگاهداری سوابق خدام.

۲- مشرف: مسئول نگاهداری و تنظیم دفتر ثبت آستانه و دفتر ثبت تعداد و مشخصات هدایا.

۳- خازن: مسئول نگاهداری نفایس آستانه که در خزانه بوده است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۱۹۴

۴- ضابط: مسئول نگاهداری و ضبط اثاثیه خارج از خزانه که در حرم و بیوتات دیگر یا مورد نیاز کشیک‌های خدام بوده است.

۵- سرکشیک: مسئول انتظام داخلی حرم.

۶- خطیب: که در هر شب با حضور خدام خطبه‌ای مشتمل بر حمد و ثنای پیغمبر و دعای سلطان وقت می‌خواند.

۷- خادم: پاسبان و عهده‌دار جزئیات امور آستانه که زیر نظر سرکشیک انجام وظیفه می‌نمود.

از اسنادی که در مجموعه حاضر دیده می‌شود و از قرائن و اطلاعات خارجی برمی‌آید که آستانه را جز اینها مشاغلی دیگر نیز بوده است . مهم‌ترین آنها مقام تولیت آستانه بوده که با فرمان‌ها و نشان‌های پادشاهان وقت تأیید می گردیده است.

در دوره صفوی و قاجار برخی مناصب دیگر ازجمله مقام استیفاء آستانه نیز با فرمان پادشاه تعیین می‌شده و در دیگر مشاغل و مناصب حکم متولی عصر نافذ بوده است.

بسیاری از این‌گونه اسناد و احکام هم‌اکنون در دست بازماندگان متصدیان پیشین این مشاغل باقی است. در این بحث چند طغرا از آنها که نگارنده به مرور بر آن آگاهی یافته است دیده می‌شود:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹۵

تولیت قدیمی

اشاره

روضه منور حضرت ستی فاطمه بنابر آنچه در بخش تاریخ دیدیم نخست بیش از نیم قرن جز سایبانی از بوریا نداشت تا آن‌که در نیمه دوم قرن سوم قبه‌ای بر فراز آن بنیاد شد. چنین تصور می‌رود که در این سال‌ها- اگر وقف بر مشاهد معمول نیز می‌بوده- آستانه قم را موقوفاتی نبوده است.

در «کتاب قم» از چندین آسیای وقفی و موقوفات قمیان یاد می‌شود لیکن بیشتر آنها وقف بر امامان اهل بیت بوده که وکلا و نمایندگان آنان به امور آن رسیدگی می‌نمودند.

در پیرامون میانه قرن ششم آستانه قم را با اوقاف و مدرسه و فقهاء و ائمه به زینت تمام و قبولی عظیم وصف کرده‌اند پس می‌باید در این دوره آن را متولی و سر پرستی مخصوص باشد لیکن نگارنده تا حین تحریر این سطور شخصی خاص را در آن قرون با این عنوان نشناخته است. مگر آن‌که از راه همراه بودن آن با مقام

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹۶

نقابت سادات قم در دوره‌های بعد اظهار نظر شود که نقیب قم در هر دوره به مقتضای ریاست و تقدم خود بر علویان سرپرست و کارگزار امور مشاهد و موقوفات آنها نیز بوده است به‌خصوص این آستان مقدس که در رأس مشاهد متبرک قم قرار داشته و برای تصدی امور آن کسی مناسب‌تر از نقیب سادات نمی‌توان اندیشید و بر این نکته جز این مؤیداتی دیگر نیز توان افزود.

بنابراین اگر این احتمال را بتوان نزدیک به واقع دانست باید گفت خاندان‌های سادات رضوی و حسینی شجری و حمزیه آل ارقط که نقباء قم به تناوب از آنان بوده‌اند هریک در دوره‌هایی تولیت آستانه مقدس و موقوفات آن را عهده داری نموده‌اند.

احتمال دیگر هم هست که تنها بزرگان سادات رضوی به‌لحاظ قرب نسب و مقام اجتماعی و خویشاوندی با بانی نخست این مقام را به دست گرفته‌اند . این احتمال دوم را اگر پیش از دوره مغول وجهی قوی نباشد در این دوره و پس از آن به ناگزیر باید پذیرفت چه در متن احکام و فرمان‌های تیمور و شاهرخ و ترکمانان همه‌جا تصریح می‌شود که سادات رضوی «از قدیم الایام الی یومنا هذا» تولیت آستانه و نقابت سادات را عهده‌دار بوده‌اند. این تعبیر در پیرامون پایان قرن هشتم شاهدی است معتبر بر این‌که تولیت این خاندان بر آستانه از یکی دو قرن پیش از آن فروتر نبوده است .

تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹۷

بنـابراین تولیت آسـتانه مقـدس که در روزگـاران نخست از آن به «تولیت اوقـاف مزار» تعبیر می‌شـد . در قرن‌های هفتم به بعد بی‌هیچ تردید با سادات رضوی بوده و در این‌باره احکام و فرمان‌هایی به نام آنان از پادشاهان زمان صدور می‌یافته است.
کهن‌ترین این احکام فرمان تیمور و شاهرخ است که قسمتی از متن آنها در فرمان مورخ ۸۶۷ جهان شاه قراقویونلو نقل گردیده است. پس از آن چنـد فرمـان از شاهان قراقویونلو و آق‌قویونلو که خوشـبختانه بیشتر آنها در دست است. سـپس فرمان‌های شاه اسماعیل و شاه طهماسب در واگذاردن مقام به افرادی دیگر از همان خاندن «بی‌مشارکت و مداخلت غیر».
در دوره صـفوی بـا دگرگونی‌هـایی که در سـبک اداره امور اوقـاف پدیـد آمـد تولیت مزارات به کسانی سپرده می‌شـد که از جـانب دیوان صـدارت برای این کـار برگزیـده می‌شدنـد جز آن‌که چون در بسـیاری از موقوفات پیشـین مزارات (چنان که در موقوفه شاه بیگی بیگم- سـند ش ۴ همین مجموعه) تولیت وقف به عهـده خانـدان متولی آن عصر واگذار گردیده و این مقام در آن خاندان نسلی پس از نسل دیگر به وراثت قرار داده شده بود ناگزیر منصبی دیگر به عنوان «تولیت موقوفات
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹۸
قـدیمی»- که به اختصار «تولیت قدیمی» یا «تولیت شـرعی نیز خوانده می‌شد- در کنار منصب سـرپرستی امور آسـتانه‌ها که در برابر آن «تولیت جدیدی» یا «تفویضـی» نام داشت پدید آمد. متصدیان این‌گونه تولیت که همان دودمان متولیان پیشین مشاهد بودنـد کارهـا و امـور مربـوط به موقوفـات پیشـین را به‌طـور مـوروثی «به‌موجب شـرع و شـرط واقف» عهـده‌داری و سـرپرستی می‌نمودند. پس از این دگرگونی خاندان سادات رضوی که تا آن هنگام متولی مطلق آسـتانه قم بودند با عنوان «متولی قدیمی سرکار فیض آثار» از اواخر قرن دهم تا میانه قرن سیزدهم در آستانه خدمت و منصب داشته‌اند .
*** از متولیان آستانه تا اواخر قرن دهم این چند تن را می‌شناسیم:
۱- سید فخر الدین نقیب رضوی که در نیمه نخستین قرن نهم عهده‌دار تولیت آستانه و نقابت سادات قم بوده است .
۲- سـید نظام الدین سلطان احمد که به شهادت چهار فرمان از ترکمانان میان سال‌های ۸۶۷- ۹۰۴ عهده‌دار تولیت آستانه قم و نقابت سادات و تولیت آستانه اردهال و تولیت و امامت و خطابت مسجد امام حسن عسکری بوده است.
او فرزند سید فخر الدین رضوی و مردی دانشمند بوده و پیش از سال ۹۲۰
تربت پاکان، ج۱، ص: ۱۹۹
درگذشـته است. قبر وی در مزار علی بن جعفر قم در صـفه‌ای مجـاور مزار است و سـنگ قبر او تـا سال‌های اخیر برجای بود با این متن:
هذا مدفن العلامهٔ المرتضـی المجتبی الاعظم الاکرم السـید النقیب نظام الدین سـلطان احمد بن المرتضـی النقیب المغفور السید فخر الدین نقیب الرضوی .
در فرمان مورخ ۱۸ شوال ۹۳۱ طهماسب از موقوفات سـید سلطان احمدی، و در فرمان مورخ ۱۸ ج ۱- ۹۴۸ همو از زاویه امیر نظام الدین سلطان احمد یاد می‌شود. در پشت‌نویس فرمان مورخ ۲۰ ع ۱- ۹۲۰ شاه اسماعیل نیز دو جا از او نام آمده است.
در وقف‌نامه شاه بیگی بیگم نام او هست با لقب زین الدین به‌جای نظام الدین.
۳- سـید کمـال الـدین عطـاء اللّه، گویـا برادر نظام الـدین سـلطان احمـد که بنابر مفاد سه فرمان از ترکمانان آق‌قویونلو در امر تولیت آسـتانه‌هـای قم و اردهـال و مسـجد امام و امامت و خطابت مسـجد و نقابت سادات با سید نظام الـدین مزبور مشارکت داشته و بنابر مدلول سند اخیر پیش از سال ۹۰۴ درگذشته است.
۴- سـید مرشد الدین رشـید الاسـلام فرزند سـید شـمس الدین محمد و نواده سـید نظام الدین سـلطان احمد که از سال ۹۰۴ تا

پیرامون ۹۴۸ عهده‌دار تولیت
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۰۰
آستانه و نقابت سادات قم و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری بوده و پیش از ۱۸ ج ۱- ۹۴۸ درگذشته است .
یک فرمان از الوند بیک آق‌قویونلو و سه فرمان از شاه اسماعیل و طهماسب اول درباره او به دست داریم. در وقف‌نامه بیگمی با تجلیل بسیار، و در دو فرمان دیگر از طهماسب و عباس اول نیز از او یاد می‌شود. در همه این اسناد نام او به همین‌گونه: «سید مرشد الدین رشید الاسلام» و تنها در پشت‌نویس فرمان دوم شاه اسماعیل به شکل «سید جلال الدین ...» آمده است.
۵- سید شجاع الدین سلطان محمود فرزند سید مرشد الدین رشید الاسلام که با فرمانی از طهماسب مورخ ۱۸ ج ۱- ۹۴۸ به تولیت آستانه و تولیت و امامت مسجد امام منصوب گردیده و باید پیش از سال ۹۷۲ درگذشته باشد.
۶- امیر سلطان احمد گویا فرزند شجاع الدین سلطان محمود یا برادر او که در دهه دوم ج ۲- ۹۷۲ متولی آستانه قم بوده است .

*** از متولیان قدیمی «سرکار فیض آثار» این چند تن شناخته شده‌اند:
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۰۱
۱- میر شمس الدین نقیب رضوی از نوادگان سید مرشد الدین رشید الاسلام که از دوره شاه خدابنده صفوی تا سال ۱۰۱۷ متولی قدیمی آستانه مقدس بوده و در پیرامون شوال این سال درگذشته است . در مثال مورخ ۱۰۳۶ از فرمان شاه خدا بنده درمورد تولیت قدیمی آستانه یاد می‌شود که به‌حسب قاعده باید به نام همین میر شمس الدین نقیب صادر شده باشد.
سیور غالات این شخص پس از درگذشت وی به‌موجب فرمان به برادر زاده او امیر ظهیر الدین ابراهیم که تنها وارث او بوده منتقل شده و شاید تولیت قدیمی آستانه نیز به همین شخص واگذار گردیده باشد.
۲- میر محمد سعید رضوی که به‌موجب دو مثال از دیوان صدارت، از سال ۱۰۳۶ تا پس از سال ۱۰۶۳ عهده‌دار تولیت قدیمی- شرعی- آستانه و تولیت و امامت مسجد امام و نقابت و پیشوایی قم و آستانه بوده است.
این مناصب چنان‌که از دو مثال دیگر مربوط به دوره شاه سلطان حسین و طهماسب دوم و از فرمان همین طهماسب به دست می‌آید تا پایان دوره صفوی در همین خاندان بوده است .
۳- میرزا یحیی تولیت قدیمی سرکار فیض آثار در سال ۱۱۳۷ . گویا هموست که در فرمان و مثال اخیر به تولیت شرعی و دیگر مناصب مزبور شناخته می‌شود.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۰۲
۴- میرزا سید احمد مجتهد متولی شرعی آستانه و مسجد امام در نیمه دوم قرن دوازدهم .
۵- میرزا محمد یحیی متولی قدیمی آستانه و نقیب قم در آغاز قرن سیزدهم .
۶- میرزا سید احمد فرزند میرزا محمد یحیی، متولی شرعی آستانه، در گذشته ۱۲۴۱ .
میرزا سید احمد گویا آخرین متولی قدیمی آستانه بوده است. در مختار البلاد حاج سید اسماعیل مجتهد رضوی قمی (داماد میرزا سید احمد) درگذشته ۱۲۶۳ را نیز متولی شرعی آستانه خوانده که نباید درست باشد زیرا او خود این منصب را برای میرزا سید محمد حسین فرزند میرزا سید احمد دانسته و از اولیاء امور درخواست واگذاردن آن را بدو نموده است .
میرزا سید محمد حسین در اواخر دوره محمد شاه- چنان‌که ذیل سخن از مقام تولیت تفویضی خواهیم دید- به تولیت تفویضی آستانه منصوب شد لیکن در این مقام نپایید. پس از او دخترش تنها بازمانده وی مدت‌ها برای احیاء منصب تولیت

شرعی تلاش می‌کرده و به حکم استمرار وجه اجاره «دشیر» و «پرچون» سلطانیه را که از موقوفات بیگمی است به‌موجب وقف‌نامه می‌ستانده است. این تلاش‌ها، کشمکش‌هایی دامنه‌دار میان بازماندگان دودمان تولیت قدیمی و خاندان مقتدر متولی آستانه پدید آورد تا سرانجام نواده دختری میرزا سید محمد حسین

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۰۳

به سازشی تن در داد و بنابر آنچه در مصالحه‌نامه‌ای مورخ ۱۲ شوال ۱۳۴۶ به گواهی دو تن از علماء آن دوره قم دیده می‌شود برای بقای خود در منصب سرکشیکی آستانه همه حقوق تولیت قدیمی را در برابر «یک سیر نبات معمولی بلده طیبه قم» به متولی آستانه صلح نمود.

*** اینک چند طغرا از اسناد تولیت آستانه مقدس تا نیمه دوم قرن دهم و چند سند مربوط به تولیت قدیمی سرکار فیض آثار :

۵۱ [۱] فرمان مورخ ۲۷ ج ۱- ۸۶۷ در واگذاردن منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت موقوفات «روضه منوره و تربت مقدسه حضرت ستی فاطمه» در قم به نظام الدین احمد رضوی.

متن این سند به عکس و حروف در مجموعه فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو و آق

قویونلو (ص ۳۸- ۴۳) دیده می‌شود:

بالقدرة الکاملة الاحدیة

و القوة الشاملة الاحمدیة

ابو المظفر جهانشاه بهادر سوزومیز

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عز و جل حیث قال «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» و فحوی حدیث سید رسل و هادی سبل «ترکت فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام کی نور حدقه لولاک و نور حدیقه و ما ارسلناک‌اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۰۴

منزلین تواند بود خاصه نسبت با طائفه [یی] که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالمگیر و در بسیط غبرا ورد زبان صغیر و کبیر است، و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی- علیه من الصلوة افضلها و من التحیة اکملها ما خطب عنادل الاخطاب علی رئوس منابر الاشجار و ضحک من بکاء السحاب مباسم الانوار و الازهار- از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب این خانواده مبارک بر وجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد و للّه الحمد و المنة کی از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشایی و ظهور تباشیر صبح فرمانروایی کی مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضربه قبضه اقتدر ما باز داده‌اند دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته‌ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب چنین کلمات آن‌که چون سیادت‌مآب نقابت قباب، مرتضی اعظم اکرم، ملک السادة و النقبا اعتضاد آل عبا، سلیل الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام، السید الامجد نظام الملة و الدین احمد ادام اللّه تعالی نقابته و سیادته احکام سلاطین ماضیه خصوصا خاقان سعید شاهرخ میرزا کی به امضاء نشان سلطان مرحوم مبرور امیر

تیمور گورکان (انار اللّه مرقدهما) نافذ شده- مشتمل بر این‌که از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده معصومه بنت الامام ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیهٔ و السلام به آباء عظام و اجداد کرام جناب مشار الیه بلا مداخلت و شراکت غیرمفوض بوده و هریک ازیشان که بر مصدوق «کُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» به جوار رحمت حق پیوسته‌اند نوبت تقلد آن شغل عظیم الشأن به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۰۵

اولادشان بلامشارکت منتهی شده- به عرض همایون رسانید و التماس امضا کرد.

چون استحقاق و استیهال جناب مومی الیه اظهر من الشمس و ابین من الامس است ملتمس او مبذول داشته، به مقتضی «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» رجوع این امر خطیر بلامشارکت غیری بدو تفویض فرمودیم و برو ارزانی داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری او سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به‌موجب شرع و شروط و اقفین به مصرف وجوب رساند و رقبات را معمور داشته، در رواج و رونق آن بقعه عالیه غایت اجتهاد به تقدیم رساند.

فرزندان کامکار نصرت شعار ابقاهم اللّه تعالی و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان و وطان بلدهٔ المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق باید که مرتضی اعظم مشار الیه را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به‌جای آورند و در امری کی سبب انتظام و رونق روضه معطره مذکوره باشد لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید او کی در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکوره گوید بیرون نروند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مشهد معطره مذکوره به رأی او متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات کی به عهده اوست معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بد و مفوض شمرند. مرتضی مشار الیه نیز باید که در تعظیم سادات علی اختلاف مراتبهم به واجبی بکوشد و حصه هریک را از نذورات و اوقاف به دستور سابق و شرط واقف بدهد و معاش به نوعی نماید که «يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» مرضی و مشکور باشد. و چون حسب المسطور بدین مهمات اقدام نماید حق النقابهٔ و رسم التولیه به دستور معیار سابق تصرف نماید و زیاده توقع نکند. و چون به توقیع اشرف موشح گردد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۰۶

اعتماد کنند.

تحریرا سابع عشرین جمادی الاولی فی سنهٔ سبع و ستین و ثمانمائهٔ.

۵۲ [۲] فرمان مورخ شعبان ۸۷۴ از اوزون حسن آق‌قویونلو در تفویض منصب نقابت سادات و تولیت موقوفات مزار متبرک امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری در قم به سید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء اللّه از رضویان این شهر.

چاپ شده در همان مأخذ (ص ۶۲- ۶۷) به عکس و حروف:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ التعظیم لامر اللّه و الشفقهٔ علی خلق اللّه

الحکم للّه

ابو النصر حسن بهادر سیوزومیز

بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عز و جل حیث قال: «قُلْ لا أَسْئَلُکَمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» و فحوی حدیث سید رسل و هادی سبل «ترکت فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام کی نور حدقه لولاک و نور حدیقه و ما ارسلناک‌اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلین تواند بود خاصه نسبت با طایفه [یی] که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۰۷

و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالمگیر و در بسیط غبرا ورد زبان صغیر و کبیر است. و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی- علیه من الصلوة افضلها و من التحیات اکملها ما خطب عنادل الاخطاب علی رئوس منابر الاشجار و ضحک من بکاء السحاب مباسم الانوار و الازهار- از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است. هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب این خانواده مبارک بروجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد. و للّه الحمد و المنه کی از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشایی و ظهور تباشیر صبح فرمانروایی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضربه قبضه اقتدار ما باز داده‌اند دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته‌ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب این کلمات آن‌که مرتضیان اعظمان، ملکی السادة و النقبا اعتضادی آل عبا، سلیلی الامام علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهما التحیة و الرضوان: السید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء اللّه ادام اللّه تعالی سیادتهما احکام سلاطین ماضیه خصوصا خاقان سعید شاهرخ میرزا کی به امضاء نشان سلطان مرحوم امیر تیمور گورکان و پادشاه مزبور جهان شاه میرزا نافذ شده- مشتمل بر آن‌که از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرک امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیة و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام مرتضیان مشار الیهما متعلق بوده و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی اللّه عنه بدیشان تعلق گرفته و هریک ازیشان که بر مصدوق «کُلُّ شَیْءٍ

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۰۸

هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ» به جوار رحمت حق پیوسته‌اند نوبت تقلدات آن شغل عظیم به اولادشان منتهی شده- به عرض همایون رسانیدند و التماس امضا کردند.

چون استحقاق و استیهال مرتضیان مشار الیهما اظهر من الشمس و ابین من الامس است ملتمس ایشان مبذول داشته، بر مقتضی «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» رجوع آن امور خطیر بدیشان تفویض فرمودیم و بریشان مسلم داشتیم تا چنانچه از فرط و شرط پرهیزکاری ایشان سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده محصول موقوفات را به‌موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته، در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند.

سبیل فرزندان کامکار نصرت شعار و امراء نامدار و وزراء رفیع‌مقدار و سادات و حکام و قضات و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب و صدور و سکان و وطان بلدة المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق آن‌که مرتضیان مومی الیهما را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به‌جای آورند و در امری کی سبب انتظام و رونق روضتین منورتین و مسجد باشد لوازم امداد مرعی دارند و از صواب دید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدین منورین و مسجد به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات کی به عهده ایشان است معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمرند.

و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است از موقوفات مشهدین منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند- ارثا و اکتسابا- مال و اخراجات و حقوق دیوانی

نمی‌گرفته‌اند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه‌های ایشان فرود نیاوردند و چهارپایان ایشان و متعلقان ایشان را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی قطعا نستانند و برزیگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبچوریه نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانسته شرایط اعزاز و لوازم احترام به‌جای آورند.

و هرساله درین ابواب حکم و پروانچه مجدد نطلبند و چون به توقیع رفیع منیع موشح گردد اعتماد نمایند.

تحریرا بالامر العالی اعلاه اللّه تعالی و خلد نفاذه فی ثانی عشر شعبان المعظم سنهٔ اربع و سبعین و ثمانمائهٔ.

۵۳ [۳] فرمان مورخ ۱۵ رمضان ۸۸۴ از یعقوب بیک آق‌قویونلو در تفویض تولیت موقوفات آستانه قم و دیگر مناصب یادشده پیش به سید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء اللّه.

چاپ شده در همان مأخذ (۸۲- ۸۷) به عکس و حروف:

الحکم للّه

ابو المظفر یعقوب بهادر سوزومیز

فرزندان کامکار ابقاهم (اللّه تعالی) و امراء و نامدار و صدور شریعت شعار و وزراء رفیع‌مقدار و حکام و سادات و قضات و مشایخ و موالی و اشراف و اهالی و اصول و اعیان و عمال و مباشران و کلانتران و کدخدایان و معماران مدینه قم بدانند

که درین وقت نشان حضرت خاقانی فردوس‌مکانی بیک بابام (انار اللّه برهانه) به عز عرض رسید مضمون آنک:

«بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عز و جل حیث قال: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» و فحوی حدیث سید رسل و هادی سبل «ترکت فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات عظام که نور حدیقه لولاک و نور حدقه و ما ارسناک‌اند موجب فوز و نجات دارین و سبب رفع درجات منزلین تواند بود خاصه نسبت با طایفه‌ای که صیت طهارت نسب ایشان در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نور خورشید عالمگیر و در بسیط غبرا ورد زبان صغیر و کبیر است.

و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی الابطحی- (علیه من الصلوهٔ افضلها و من التحیات اکملها) ما خطب عنادل الاخطاب علی رئوس منابر الاشجار و ضحک من بکاء السحاب مباسم الانوار و الازهار- از غایت ظهور و وضوح از شرح مستغنی است هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاح مآرب آن خانواده مبارک بر وجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد. و للّه الحمد و المنه که از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشایی و ظهور تباشیر صبح فرمانروایی که مفاتیح ابواب خیر و شر و مقالید امور نفع و ضر به قبضه اقتدار ما باز داده‌اند دقایق اعزاز و احترام ایشان مهمل نگذاشته‌ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته.

مقصود از ترتیب این مقدمات و غرض از ترکیب این کلمات آنک مرتضیان اعظمان، ملکی السادهٔ و النقبا، اعتضادی آل عبا،

سلیلی الامام علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهما التحیۀ و الرضوان السید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء اللّه ادام اللّه سیادتهما احکام سلاطین ماضیه خصوصا خاقان سعید

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱۱

شاهرخ میرزا (انار اللّه برهانه) که به امضاء نشان سلطان مرحوم امیر تیمور گورکان و پادشاه مزبور جهان‌شاه میرزا نافذ شده- مشتمل بر آنک از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرکه امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیۀ و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام مرتضیان مشار الیهما متعلق بوده و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی اللّه عنه بدیشان تعلق گرفته و هر یک از ایشان که بر مصدوق کُلُّ شَیْءٍ هالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ به جوار رحمت (حق) پیوسته اند نوبت تقلدات این شغل عظیم به اولادشان منتهی شده- به عرض همایون رسانیدند و التماس امضا نمودند.

چون استحقاق و استیهال مرتضیان مشار الیهما اظهر من الشمس و ابین من الامس است ملتمس ایشان مبذول داشته، بر مقتضی «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلى أَهْلِها» رجوع این امر خطیر بدیشان تفویض فرمودیم و بریشان مسلم داشتیم تا چنان‌چه از فرط و شرط پرهیزکاری ایشان سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به‌موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته، در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند. باید که مرتضیان مومی الیهما را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به‌جای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضتین منورتین و مسجد باشد لوازم امداد مرعی دارند و از صوابدید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدین منورین و مسجد به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که به عهده ایشان است معاونت و همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمرند.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱۲

و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است از موقوفات مشهدین منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند ارثا و اکتسابا مال و اخراجات و حقوق دیوانی نمی‌گرفته‌اند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته، به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه‌های ایشان فرود نیاورند و چهارپایان ایشان را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی و تمغا نستانند و برزیگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبچور نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند و شرایط اعزاز و لوازم احترام به‌جای آورند».

و التماس امضاء همایون نمودند. ایجاب ملتمس ایشان را این حکم جهان مطاع نفذه (اللّه تعالی) شرف اصدار یافت تا به‌موجبی که در صدر قلمی گشته به تقدیم رسانند و احکام سلاطین سابقه را من الفاتحۀ الی الخاتمه به امضاء مبارک متصل و مقرون شناسند و در استمرار و استقرار آن کوشیده، از شائبه تغییر و تبدیل مصون و محروس شمرند و در تعظیم و تبجیل و اعزاز و احترام ایشان باقصی الغایت و الامکان کوشیده، دقیقه [یی] نامرعی نگذارند و از مضمون احکام به‌هیچ وجه من الوجوه تجاوز ننمایند و تخلف نورزند و به‌علت رسم الصداره و غله ابتیاعی مزاحم نشوند.

و چون مصارف حاصل موقوفات حضرت مقدسه ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیۀ و الرضوان سادات رضویه و عمارت رقبه است محصص اوقاف متولیان مزار معطره موصوفه را به مجلس توجیهات و تحصیصات نطلبند و به خلاف شرع مطهر

بریشان حوالتی نکنند و از ایشان مطالبه [یی] ننمایند و در جمیع ابواب شکر و شکایت ایشان عظیم مؤثر شناسند و سال‌به‌سال به تجدید نشان محتاج ندانند

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۱۳

و چون به توقیع رفیع اشرف اعلی موشح و موضح و مزین و محلی گردد اعتماد نمایند.

کتب بالامر العالی اعلاه اللّه تعالی و خلد نفاذه و لازال مطاعا متبعا فی خامس عشر رمضان المبارک سنهٔ اربع و ثمانین و ثمانمائهٔ بمدینهٔ قم.

۵۴ [۴] فرمان مورخ ۱۴ رجب ۹۰۴ از الوند بیک آق‌قویونلو در واگذاردن تولیت آستانه قم و نقابت سادات آن شهر به سید مرشد الدین رشید الاسلام فرزند نظام الدین سلطان احمد رضوی.

چاپ شده در همان کتاب به عکس و حروف (۱۱۸- ۱۲۳):

هو الغنی

الحکم للّه

ابو المظفر الوند بهادر سوزومیز

سادات رفیع الانساب و قضات منیع الاحساب و حکام عظام و اکابر و اشراف ذوی الاحترام و متولیان و مباشران امور اوقاف مدینهٔ المؤمنین قم بالتوابع و الملحقات بدانند که چون اعزاز و احترام و تعظیم و اکرام سادات عظام که مطمح انظار لاهوتی و مطرح انوار جبروتی ایشان‌اند از لوازم ملکات سلطنت و جهانداری و کرایم صفات ملکت و کامکاری می‌دانیم هر آینه اقتدا به مآثر اسلاف و اقتفا به آثار کریمه کریمان حمیده اوصاف فرموده، در انجاح حاجات و اسعاف ملتمسات ایشان خصوصا طایفه [یی] که صیت طهارت نسب ظاهر و نباهت حسب فاخرشان کالشمس لا تخفی بکل مکان بر عالمیان واصح و لایح است مزید التفات و اعتنا به ظهور می‌رسانیم.

فردا که هرکسی به شفیعی زنند دست‌ماییم و دست و دامن اولاد مصطفی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۱۴

بنابرآن درین اوقات فرخنده ساعات شمه [یی] از عنایات بلاغایات در شأن عالی‌جناب سیادت‌پناه نقابت‌دستگاه، افاضت‌مآب اعالی‌انتساب، افتخار اکابر السادات منبع ینابیع السعادات، قدوهٔ العترهٔ الطاهرهٔ خلاصهٔ الملهٔ الزاهرهٔ، شرف اولاد سید المرسلین اعتضاد آل طه و یس، ملک السادهٔ و النقبا مرجع اولاد آل عبا سلیل الامام بالحق علی بن موسی الرضا علیهما و علی آبائهم التحیهٔ و الرضوان و الرحمهٔ و الغفران السید الاید نظام الحق و الدین سلطان احمد ادام اللّه تعالی میامن برکاته الشریفهٔ و سیادته و نقابته المنیفهٔ به ظهور رسانیده، مقرر فرمودیم که احکام سلاطین ماضیه و خواقین سالفه خصوصا فرمان حضرت خاقانی فردوس‌مکانی جد صاحب‌قرانی که به امضاء فرامین امیر بزرگ تیمور گورکان و خاقان سعید شاهرخ میرزا و پادشاه مرحوم جهان شاه میرزا درباره سید مومی الیه و جناب مغفرت‌مآبی سید کمال الدین عطاء اللّه صادر شده بود مشتمل بر آنک:

از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف مزار متبرک حضرت امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرک امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر علیهما التحیهٔ و الغفران به آباء عظام و اجداد کرام ایشان متعلق بوده و خطابت و امامت مسجد امام حسن عسکری رضی اللّه عنه به مشار الیهما تعلق گرفته بنابرآن بر مقتضاء «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُکُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَماناتِ إِلی أَهْلِها» این امور خطیره را به ایشان تفویض فرمودیم و بدیشان مسلم داشتیم تا چنانچه از کمال پرهیزکاری ایشان

سزد به وظایف آن کما ینبغی قیام نموده، محصول موقوفات را به‌موجب شرع و شرط واقف به مصرف وجوب رسانند و رقبات را معمور داشته در رواج و رونق مسجد و مشهدین منورین غایت اجتهاد به تقدیم رسانند. باید که مرتضیین مومی الیهما را متصدی مناصب مذکوره دانسته، شرایط اجلال و اکرام به‌جای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضتین مطهرتین و مسجد باشد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۱۵

لوازم امداد مرعی دارند و از صوابدید ایشان تجاوز ننمایند و عزل و نصب خادمان و مشرفان و مجاوران مزارات و مشهدین منورین به رأی ایشان متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که به عهده ایشان است همراهی لازم دانسته، مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پرسش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدیشان مفوض شمرند و به دستوری که در فرامین سلاطین مذکورین مسطور است از موقوفات مشهدین منورین و املاک و اسباب ایشان و سایر سادات رضویه و مجاوران مزارات مذکوره که در شهر و ولایت قم دارند ارثا و اکتسابا مال و اخراجات و حقوق دیوانیه نمی‌گرفته‌اند و بریشان معاف و مسلم بوده و تا غایت استمرار یافته به همان دستور معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم دانند و تغییر و تبدیل به قواعد مستمره راه ندهند و کسی را در خانه‌های ایشان فرود نیاورند و چهارپایان ایشان را به الاغ نگیرند و مواشی و مراعی و تمغا نستانند و برزگران ایشان را بیگار و شکار نفرمایند و قبچور نستانند و امیرانی نطلبند و احکام سابق ایشان را به امضا مقرون شمرده، در کل ابواب رعایت و مراقبت واجب دانند و هرساله درین ابواب حکم و پروانچه مجدده نطلبند.

و معروض داشت که سید کمال الدین عطاء اللّه به جوار رحمت ایزدی پیوسته و ازو اولاد نمانده و عالی‌جناب سید نظام الدین سلطان احمد به کبر سن و زمان شیخوخت رسیده و التماس نقابت سادات و تولیت مزار منور حضرت ستی فاطمه علیها التحیهٔ و الرضوان به اسم فرزند خود جناب سیادت‌مآب نقابت قباب معالی ایاب اعالی‌انتساب، نقاوهٔ اعاظم السادات و النقبا زبدهٔ صنادید آل عبا، افتخار السادهٔ و الاشراف رفیع الانساب و کریم الاوصاف، ذی النسب العالی و الحسب المتعالی، سید مرشد الملهٔ و النقابهٔ و الدین رشید الاسلام ادام اللّه تعالی سیادته و نقابته فی الایام نمود.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۱۶

ایجابا لملتمسه و اظهارا للاعتقاد و العنایهٔ فی شأنه به اسم فرزند مشار الیه ممضی و منفذ دانند و مناصب مذکوره و آنچه از لوازم آن است بدو مخصوص شناسند و حسب الشرع غیری را با او مجال مداخلت و مشارکت ندهند و وظایف تقویت و تمشیت مرعی دارند و موقوفات و مزارات مذکوره و جهات سادات عظیم الشأن رضویه را حسب الاستمرار معاف و مسلم و حر و ترخان و مرفوع القلم دانند و به‌علت توجیهات و تحصیصات و توابعات و اخراجات و خارجیات و رسم الصداره و غله ابتیاعی و سایر تکالیف دیوانی مزاحم نشوند و به خلاف شرع مطهر حوالتی بر ایشان و موقوفات مذکوره ننمایند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند، و نصف یک سر گوسفند که به‌موجب حکم حضرت پادشاه مرحوم سلطان رستم که به امضاء فرمان حضرت خاقانی فردوس‌مکانی بر عالی‌جناب مشار الیه مسلم بوده بر جناب رشید الاسلامی به همان دستور معاف دانند و به‌علت شحم و جلد و غیره تعرض نرسانند و به هرکس که رجوع نمایند و در هر محل که ذبح نمایند تمغا و خطیره نطلبند و هیچ آفریده مانع نشود و به‌هیچ‌وجه من الوجوه پیرامون نگردند و از شوائب تغییر و تبدیل مصون و محروس شمرند و هرساله درین ابواب نشان و پروانچه مجدده نطلبند و چون به توقیع رفیع منیع اشرف اعلی موشح و موضح و مزین و محلی گردد اعتماد نمایند. مقرر است که حق التولیهٔ و النقابهٔ به دستور نقباء سابق که بر وفق شرع خواهد بود ستانند.

تحریرا فی رابع عشر رجب المرجب لسنهٔ اربع و تسعمائهٔ بمدینهٔ قم.

۵۵ [۵] فرمان مورخ آغاز ج ۲- ۹۱۸ از شاه اسـماعیل اول در بخشودن برخی از مال و خراج موقوفات آستانه مقدس و تنفیذ سنن و رسوم دیرین درمورد حقابه موقوفات این مزار و مسجد امام حسن عسکری قم و املاک سید رشید الاسلام متولی.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱۷

چاپ‌شده در کتاب Busse به عکس و حروف (۱۶۹- ۱۷۰):

حکام و داروغگان و کلانتران مدینهٔ [المؤمنین] قم بدانند که درین وقت مقرر فرمودیم که به‌علت غله ابتیاعی و طرح مزاحم و متعرض موقوفات سرکار [آستانه] مقدسه منوره معطره ستی فاطمه (علیها التحیهٔ و السلام) و متولی آنجا سیادت مآبی سید رشید الاسلام نشوند و پیرامون نگردند و در خانه‌های ۱ سید مشار الیه نزول ننمایند. امراء .. و عسکر نصرت شعار و غازیان عظام ظفرفرجام حسب المسطور مقرر دانند و رعایت و ملاحظه واجب و لازم شناسند. و همچنین مقرر فرمودیم که حقابه باغ نقیب و باغ زکریا را و جمیع مواضع وقفی مزار و مسجد امام الهمام المعصوم الامام ابی محمد حسن العسکری (علیه الصلاهٔ و السلام) و ملکی سید مشار الیه به دستور قدیم مقرر وجوب بوده به همان دستور رسانند و چیزی قاصر و منکسر نگردانند و خلاف شرع شریف مطلقا جایز ندارند.

به عهده حاکم و داروغه آنجا که برین موجب مقرر دانند و امداد تمام به تقدیم رسانند و خلاف‌کننده را منع نمایند و اعزاز و احترام تمام به‌جای آورند و هر ساله به نشان و پروانچه مجدد محتاج ندانند. و همچنین مقرر شد که هرکس املاک موقوفه مزار متبرک مذکور را به غصب و غیرحق متصرف شده باشد و نزد قضات اسلام آنجا به ثبوت رسد بلا تعلل به متولی مزار مذکور تسلیم نماید و اصلا اهمال ننماید و از مخالفت محترز و مجتنب باشد. درین باب تقصیر ننماید.

مقررست که حکام در موقوفات مزار و مسجد مذکورین اصلا مدخل نسازند و از فرموده تخلف نورزند. در عهده دانند.

تحریرا فی غرهٔ شهر جمادی الثانی سنهٔ ثمان عشر و تسعمائهٔ.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱۸

۵۶ [۶] فرمان مورخ ۲۰ ع ۱- ۹۲۰ از همو در بخشودن مال و خراج موقوفات آستانه و مسجد امام حسن عسکری که تیول بوده است با واگذاردن تولیت آنها به رشید الاسلام مزبور.

در این سند از حکم جهان مطاع سابق که در سال ۹۱۸ صادر شده بود نیز یاد می‌شود.

اصل این فرمان که اکنون در قم است به خط تعلیق بر کاغذ خانبالغ، و قسمتی از آغاز آن پاره شده است. در ازای مقدار موجود ۷۹ س، م و پهنای آن ۳۲ س، م (پهنای سطور ۲۰ س، م) است. این سند تاکنون در جایی نشر نشده و برای نخستین‌بار در این‌جا دیده می‌شود.

پشت سند صورت موقوفات مسجد امام حسن عسکری و آستانه و مقدار مال و خراج بخشوده‌شده آنها به نقد و جنس ثبت بوده که در اثر وصالی کاغذ بیشتر آنها در حال حاضر خوانده نمی‌شود مگر آن‌که پاره‌های کاغذ را با دقت و احتیاط از روی نوشته‌ها بردارند:

... [موقوفا] ت قدیم و جدید مزار پرانوار برکت آثار در ... و مسجد امام بالحق ... [و متول] ی ... [رشید الاس] لام [شر] ف نفاذ یافته که مالا و خارجا معاف و مسلم و ترخان و مرفوع القلم باشد و مواضع مجدده که بر آن مزار کثیر الانوار وقف فرموده مال و جهات و وجوهات آن را دانسته و در بسته به‌موجب ... از تیول باطل گردانیده بر آنجا ارزانی داشته‌ایم و تولیت آن به سیادت‌مآب مشارالیه مفوض و مرجوع شد که آنچه املاک ...... شده به‌جای آورده حسب الحکم جهان مطاع سابق به مصرف

رسانند به همان دستور مقرر و معین دانسته، تغییر و تبدیل به قواعد مستمره آن راه ندهند و به‌علت مال و جهات و اخراجات و تفاوت تسعیر و خارجیات حکمی و غیرحکمی به هر اسم و رسم که باشد مزاحمت نرسانند

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۱۹

و پیرامون نگردند و به‌علت علفه و علوفه و قتلغا و بیگار تعرض نکنند و به قلیل و کثیر طمع و توقع ننمایند و به حرز و مساحت درنیاورند و شماره و تعداد نکنند و قلم و قدم از آن محال کوتاه و کشیده داشته، رعایت و مراقبت به همه ابواب به‌جای آورند و رعایا [ی] محال مسلمی چون جهات خود به محلی دیگر برده باشند حقوق دیوانی خود بالتمام به متولی مذکور جواب گویند و کسی پیرامون رعایا [ی] آنجا نگردد و مدخل نسازد و گذارند که متولی مشار الیه مال و جهات و حقوق دیوانی ایشان بازیافت نماید.

و از احکام مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود محال مسطوره را مستثنی دانسته، اصلا بر مترلی آنجا حوالی نکنند و در توجیهات و تحصیصات سهیم و شریک نسازند.

قضات اسلام و محصصان موقوفات برین موجب مقرر دانسته، از مضمون صدر تجاوز نکنند و به‌جهت غله طرحی و کاه و هیمه بر مزارعان و کارکنان آنجا حوالتی ننمایند. به عهده حاکم و داروغه قم که درین ابواب امداد به تقدیم رسانیده مجال مخالفت احدی ندهد و از فرموده تخلف نورزد و از تمرد که موجب خطاب پادشاهی خواهد بود محترز و مجتنب باشند.

درین‌باب قدغن دانسته، هرساله نشان مجدد نطلبند و چون به توقیع رفیع اشرف اعلی رسد اعتماد نمایند.

تحریرا فی عشرین شهر ربیع الاول سنهٔ عشرین و تسعمائه.

[حاشیه:]

ختم

[پشت فرمان:]

سیورغال تیولی مزار کثیر ..... علیها السلام و تیولی مسجد حضرت

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲۰

امام بالحق امام حسن عسکری و سید جلال الدین رشید الاسلام که به اسم سید نظام الدین سلطان احمد جد مشار الیه مجری شده عن .... قم فی ایت‌ئیل

...

تیولی

آستانه منوره مقدسه معطره ستی فاطمه که در پیچین‌ئیل مقرر شده به‌موجب حکم همایون به تاریخ ۱۵ ع الاول سنه ۹۱۸:

...

سید (؟)

جلال الدین رشید الاسلام از بابت ورثه سید نظام الدین سلطان احمد

...

تیولی

مسجد امام حسن عسکری

...

ثبت شد

ثبت روزنامچه دیوان شد

به وقوف سیادت‌پناهی صدارت دستگاهی شرفیا شریفیا

قلمی شد [توقیع و مهر ..].

۵۷ [۷] فرمان مورخ ۱۸ شوال ۹۳۱ از شاه طهماسب اول در واگذاردن همه مناصب سید مرشد الدین رشید الاسلام رضوی که به موجب احکام و ارقام شاه اسماعیل در حق وی ممضی بوده است به خصوص تولیت اوقاف قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی آستانه مقدس و مسجد امام بدو، و بخشودن مال و خراج دیوانی همه آنها.

با اشاره به وقف‌نامه بیگمی- که در ش ۴ همین اسناد گذشت- و احکام شاه اسماعیل و امثله دیوان الصداره. خطاب به عمال و متصدیان امور دیوانی قم و سلطانیه (و این دوم از آن‌رو که برخی اوقاف شاه بیگی بیگم در آن خطه واقع است).

در این متن از موقوفات سید سلطان احمدی و از سیادت‌مآبی سید فخر الدین که گویا مدعی تولیت آستانه و مانا برادر رشید الاسلام بوده است یاد می‌شود. پشت سند صورت کامل موقوفات آستانه و مسجد است با ذکر محصولات نقدی و جنسی هریک. و طبعا از رهگذر جغرافیای تاریخی قم بسیار مهم و نفیس. جز آن‌که بیشتر نوشته‌ها در اثر وصالی سند زیر تکه‌های کاغذ پنهان شده و خوانده نمی‌شود مگر با دقت و احتیاط تمام آنها را بردارند.

در میان آنچه از نوشته پشت سند (که در متن با عبارت «حسب الضمن» بدان اشاره رفته) خوانده می‌شود نام «قهیان» و «قلاور» و «خطیرآباد» و «حصانجرد» «و مرادآباد» و «باغ مهماد بیک» و چند طاحونه، و مزرعه «خمین» که به سیورغال متولی مسجد برقرار بوده است و چند نام دیگر هست. از مسلمیات زاویه بیکسی خانم نیز یاد می‌شود (یادداشت آغاز سند شماره ۴ همین‌جا دیده شود).

اصل سند در قم است. افضل الملك میرزا غلامحسین خان ادیب زندی شیرازی نود سال پیش آن را در همین شهر دیده و متنی مغلوط از آن را در سفرنامه قم خود (۲۵۵- ۲۵۷) نقل نموده است.

چنین است متن صحیح براساس اصل سند (اندازه‌ها: ۲۲* ۱۲۷ س. م، پهنای سطور: ۵/ ۱۵ س. م):

الحکم للّه

ابو المظفر طهماسب بهادر سیوزومیز

حکام کرام و سادات عظام و قضات اسلام و عمال و متصدیان امور و اشغال

دیوانی و کلانتران و کدخدایان مدینهٔ المؤمنین قم و خطه سلطانیه بالتوابع و اللواحق بدانند که درین وقت عنایت و شفقت بی‌نهایت [پاد] شاهی درباره سیادت‌مآب نقابت قبابی عمدهٔ السادات و الاشراف سید مرشد الدین رشید الاسلام الرضوی فرموده، جمیع مناصب متعلقه به سیادت‌مآب مشار الیه به‌موجب احکام عالی حضرت خاقان جم جاه فردوس‌مکان و سلطان سلاطین سپاه علیین آشیان، هادی الخلائق الی اشرف الادیان (شاه بابام انار اللّه مضجعه) خصوصا تولیت اوقاف قدیمه و جدیده سلطانی و بیگمی منسوبه به مزار کثیر الانوار حضرت معصومه مقدسه سمیهٔ سیدهٔ النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیهٔ و السلام) و مسجد حضرت امام معصوم (ابی محمد حسن العسکری علیه الصلاهٔ و السلام) بلامشارکت و مداخلت

غیری بـدو تفویض فرمودیم و ارزانی داشتیم و سـیورغالات و مسـلمیات و معافیات و مقرریات خودی (؟) و مفروزی قـدیمی و جدیـدی مزار مـذکور و مسـجد مزبور بر نهـج مسـطور که در احکام عالی حضـرت خاقان فردوس‌مکان مشار الیه مرقوم اسـت مقرر داشـتیم و ضـبط و نسـق و صـرف محصولاـت مـالی و منـالی آن محـال را حسب الضـمن منـوط بر رأی متـولی مومی الیه گردانیدیم.

بایـد که نقـابت‌مآب مشار الیه را متولی و متصـدی مناصب مزبوره دانسـته، دست تصـدی او را درین امور قوی و مطلق داننـد و حاصل و منافع موقوفات و مسـلمیات و محصولات مزار شریف و مسجد منیف مذکور را به تصرف او گذارند تا به‌موجب شرع شریف و شـرط واقف و حکم عالی‌حضـرت خاقان مشار الیه به مصارف معینه صـرف نماید و عشـر حق التولیه خود را تصـرف کند.

مسـتأجران موقوفات مذکوره و رعایاء مواضع سیورغال و مسلمی مزار و مسجد مذکورین او را متولی خود دانسته، وجوه اجاره و حقوق دیوانی خود را حسب الاستمرار تحویل وکلاء و گماشتگان متولی مذکور ننمایند و بی‌مهر و برات

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲۳

او یک دینار و یک من بار به کسـی به‌خلاف شرع ندهند و هر قضیه و قضایاء متعلقه به تولیت که در آن سرکار واقع شود بدو رفع نمایند که به فیصل رساند و داروغگان در آن مدخل نسازند.

مقرر است که هیـچ آفریـده در جهـات آسـتانه مـذکوره و مسـجد مزبور به خلاـف شـرع شـریف و شـرط واقف و قیود احکام عالی‌حضـرت خاقان جنت‌مکان و شـروط مسـطوره در وقفیه حضـرت بلقیس مکانی تصرفی نکند و هر سنتی که به خلاف این معنی حاصل نموده باشند سند نسازند.

عمـال و متصـدیان امور دیوانی قم و سـلطانیه به علت مـال و اخراجات حکمی و غیرحکمی از ساوری و سـلامی و پیشـکش و کندلک و شـیلان‌بها و صـردو و مواشی و مراعی و ممیزانه و مباشرانه و عیدی و نوروزی و رسم الوزاره و رسم الصداره و رسم المهر همایون و خدمتانه و دست‌انداز و طرح و بیگار و علفه و علوفه و قتلغا و ده نیم و داروغگی و آنچه اطلاق مال و خارج بر آن توان کرد به هر اسم و رسم که باشـد مزاحمتی نرساننـد و به قلیـل و کثیر طمع و توقع ننماینـد و احکـام مجملی که به اسـم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر شود محال مذکوره را سوی و مستثنی دانسته، اصلا بر متولی آنجا حوالتی نکنند و در توجیهات و تحصیصات شریک و سهیم ندانند و نسازند.

قضـات اسـلام و محصـصان از مضـمون مسـطور فی الصـدر تجاوز ننماینـد و سایر قیودی را که در احکام عالیحضـرت خاقانی جنت‌آشـیانی و امثله دیوان الصداره مسطور و مذکور باشد ممضی و منفذ دانند. سیادت مآبی سید فخر الدین به علت نظارت و اشراف در سرکار مزبور و موقوفات سید سلطان احمدی مدخل ننماید و تعرض به حال مزارعان آنجا نرساند.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲۴

از جوانب برین جمله رونـد و از فرموده عـدول نجوینـد و هرساله درین ابواب پروانچه و نشان مجـدد نطلبنـد. درین باب قدغن دانسته از مخالفت محترز باشند و چون به توقیع رفیع منیع اشرف اعلی موشح و مزین و محلی گردد اعتماد کنند.

تحریرا فی ۱۸ شهر شوال سنهٔ احدی و ثلاثین و تسعمائه.

[حاشیه:]

ختم

[پشت فرمان:]

سیورغال

تیولی (؟) مزار کثیر الانوار حضرت معصومه مقدسه سمیهٔ سیدهٔ النساء فی العالمین ستی فاطمه علیها و علی آبائها التحیهٔ و السلام و مسجد حضرت امام معصوم امام حسن عسکری علیه و آبائه التحیهٔ و السلام عن ولایات مذکوره به شرح متن نشان فی تخاقوی ئیل:

...

...

به وقوف عالی‌جاه ملك الامراء ... سلطان و ... مصطفی سلطان

۵۸ [۸] فرمان مورخ ۱۸ ج ۱– ۹۴۸ از همان پادشاه در واگذاردن تولیت موقوفات آستانه مقدس و تولیت و امامت مسجد امام به سید شجاع الدین سلطان محمود فرزند سید مرشد الدین رشید الاسلام که که در این تاریخ درگذشته بوده است.

با اشاره به رقبات موقوفه زاویه امیر نظام الدین سلطان احمد که در فرمان پیش، از آن باعنوان

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۲۵

«موقوفات سید سلطان احمدی» یاد شده بود.

در این سند هم از سید فخر الدین نقیب رضوی درخواست می‌شود که به خلاف شرع در امر تولیت آستانه و مسجد و موقوفات نظام الدین احمد دخالت نکند. پیداست که دعاوی او در این موارد هنوز برجای بوده است. از سوی دیگر به شجاع الدین محمود دستور داده می‌شود حاصل موقوفات را با وقوف زین الدین علی رضوی به مصارف خود رساند. این شخص می‌تواند همان میر سید علی قمی از سادات آستانه مقدسه منوره معصومه و قاضی قزوین تا سال ۹۷۱ و تولیت آستان قدس رضوی و وزیر خراسان از این سال تا سال ۹۷۴ و وزیر قزوین و متصدی خالصه‌جات سلطانی در ۹۷۵ تا پایان عمر، درگذشته دوشنبه ۱۳ ج ۲- ۹۸۲ و مدفون در قم باشد.

از اصل این سند آگاهی درست در دست نیست. آنچه به دست داریم سوادی از آن است متعلق به قرن یازدهم با تصدیق و مهر و توقیع صدر الدین محمد شیرازی (شاید همان ملاصدرا حکیم و دانشمند مشهور) که اکنون در موزه بریتانیا است. متن این سواد به عکس و حروف در کتاب ۱۷۱ -۱۷۵) Busse) و مجله بررسی‌های تاریخی (سال چهارم، ش ۴: ۲۲۵- ۲۲۶) نشرشده و مینورسکی نیز در تعلیقات تذکرهٔ الملوک: ۱۹۹ از آن یاد و نقل می‌کند :

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۲۶

بسم اللّه الرحمن الرحیم

یا محمد یا علی

الحکم للّه

ابو المظفر طهماسب بهادر سیوزومیز

درین وقت بنا بر وفور امانت و رشد و کاردانی سیادت‌مآب نقابت ایاب عمدهٔ السادات و الاشراف سید شجاع الدین سلطان محمود الرضوی النقیب تولیت رقبات موقوفه آستانه مقدسه منوره حضرت معصومه مطهره سمیهٔ سیدهٔ النساء فی العالمین (ستی فاطمه علیها التحیهٔ و السلام) و مسجد متبرك منسوب به حضرت امام الجن و الانس (ابی محمد حسن العسکری علیه الصلاهٔ و السلام) و امامت آنجا که به‌موجب شرع شریف و شرط واقف و احکام مطاع همایون به والد مرحوم او سیادت و نقابت‌پناه

سید مرشد الدین رشید الاسلام الرضوی النقیب متعلق بوده به همان دستور بلا مشارکت غیر بدو مفوض و مرجوع فرمودیم که در ترویج و تنسیق آستانه مقدسه و مسجد متبرک کوشیده، به ضبط محصولات و تعمیر رقبات آنجا قیام نموده، نگذارد که قصوری در آنجا واقع شود و حاصل رقبات آنجا را به‌موجبی که در دستور العمل مقرر شده به وقوف و اطلاع سیادت‌پناه افادت دستگاهی زینا للسیادهٔ و الدین علی الرضوی النقیب به نوعی که موافق شرع شریف باشد به مصرف وجوب رساند.

مستأجران و عمله و کارکنان و رعایاء محال متعلقه به آستانه مقدسه و مسجد متبرک اصلا یک دینار و یک من بار بی‌وقوف و مهر و برات متولی مشار الیه دادوستد ننمایند و هر قضیه و قضایا که در میانه ایشان واقع شود بدو رفع نمایند و پوشیده و پنهان ندارند و متوجهات خود را به دستور معمول مملکت به متولی جواب گویند و هیچ آفریده به خلاف شرع و شرط واقف در موقوفات آستانه مقدسه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲۷

و مسجد مذکور مدخل ننماید.

سادات عظام و قضات اسلام و حکام کرام و اکابر و اهالی و کلانتران و کدخدایان مدینهٔ المؤمنین قم و سلطانیه حسب المسطور مقرر دانسته، اعانت و اسعاد سیادت مآب مشارالیه به‌جای آورند و سرکار آستانه مقدسه را از جمیع توجیهات و تحصیصات به دستور قدیم و نهج استمرار مفروز و مستثنی شناسند و حکم مجملی که به اسم ارباب سیورغات و مسلمیات و موقوفات صادر گردد رقبات سرکار آستانه متبرکه را از آن موضوع شمرند.

ارباب وظایف و عمله سرکار مذکور به خلاف شرع شریف و شرط واقف طلبی از متولی مذکور ننمایند و به طریقی که در دستور العمل مقرر شده ستانند و زیاده تعرض نرسانند و احکام و امثله [یی] که نقیض این معنی حاصل نموده ...

سابقا و لاحقا اعتبار نکنند. عمله و فعله آنجا خود را به عزل او معزول و به نصب او منصوب شناسند و حق التولیه به دستور شرط واقف از قرار عشر رسانند . سیادت مآب امیر فخر الدین النقیب الرضوی به خلاف شرع شریف در تولیت آستانه مقدسه و مسجد مذکور و رقبات موقوفه به زاویه امیر نظام الدین سلطان احمد به علت اشراف و نظارت مدخل ننماید و پیرامون نگردد.

در این ابواب قدغن عظیم لازم دانند و هرساله نشان و پروانچه و حکم مجدد طلب ندارند. در عهده دانند.

تحریرا فی ۱۸ شهر جمادی الاولی سنهٔ ۹۴۸.

۵۹ [۹] فرمـان مورخ دهه نخستین ج ۲- ۹۷۲ از همان پادشاه درمورد تعیین شـش نفر حافظ قرآن سوای حفاظ آسـتانه مقدس برای تلاوت در سر قبر سلطانم خواهر طهماسب. خطاب به امیر سلطان احمد متولی آستانه مقدس، و در آن از مدرس آستانه نیز یاد می‌شود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۲۸

با مهر «اللّه، محمد، علی- العبد محمد یوسف بن حسن الحسینی» در پشت سند. اصل سند در موزه بریتانیا است به شماره Or ۵۳۹۴ و متن آن به عکس و حروف پیش از این کتاب Busse (ص ۱۷۸- ۱۷۹) و مجله بررسی‌های تاریخی (ش ۴ سال چهارم: ۲۲۷- ۲۲۸) نشر شده و در تعلیقات مینورسکی بر تذکرهٔ الملوک که با نام «سازمان اداری حکومت صفوی» به فارسی درآمده نیز از آن استفاده گردیده است.

شاهزاده سلطانم مهین بانوزاده ۹۲۵ و درگذشته نیمه شب چهار شنبه ۱۴ ج ۱- ۹۶۹، کوچک‌ترین دختران شاه اسماعیل و خواهر تنی و اعیانی طهماسب، و واقف موقوفات بسیار در شروان و تبریز و قزوین و ساوج‌بلاغ و شهریار و ری و اصفهان و

کرهرود و استراباد در دوران زندگی سردابه‌ای برای مدفن خود در کربلا ترتیب کرده بود که به‌هنگام درگذشت چون آن خطه در تصرف عثمانی بود جسد وی را به دستور طهماسب به قم آورده و در سردابه‌ای پایین پای حضرت ستی فاطمه به امانت به خاک سپردند و پس از ۲۳ سال در تخاقوی‌ئیل ۹۸۳ بقایای جسد را به کربلا نقل نمودند . چندین تن از شاهزادگان این سلسله پس از سلطانم در همین سردابه به خاک رفته‌اند که از آنهاست زین العابدین میرزا پسر طهماسب درگذشته ۹۸۰ و گوهر سلطان خانم دختر او درگذشته سه‌شنبه ۱۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۲۹

ع ۱- ۹۸۴ .

فرمان همایون شد آن‌که چون شش نفر حافظ سوی حفاظ سرکار آستانه مقدسه مطهره (ستی فاطمه علیها و علی آبائها الصلاة و السلام) قبل ازین مقرر شده که در سر قبر همشیره مرحومه مغفوره‌ام سلطانم به تلاوت کلام (ملک علام جل جلاله) اشتغال نمایند بنابرین شش نفر حافظ مذکور به‌موجب ضمن در سر قبر همشیره مرحومه به تلاوت اشتغال نمایند و اگر از ایشان کسی ترک خدمت نماید سیادت و نقابت‌دستگاه امیر سلطان احمد متولی آستانه مقدسه منوره دیگری را به‌جای او تعیین نماید و حفاظ سرکار آستانه منوره را دخل ندهد و به حکم نقیض این معنی مستند نگردد. درین باب قدغن دانند.

تحریرا فی عشر اول شهر جمادی الثانی سیچقان‌ئیل اثنی و سبعین و تسعمائة.

[حاشیه:]

مقررست که آنچه حسب الحکم جهان مطاع در وجه وظیفه جماعت مزبوره مقرر شده بر وجهی که موافق شرع شریف باشد بدیشان رسانند و اگر متولی عوض ایشان به وجه شرع کسی تعیین کند به وقوف مدرس آنجا کند.

[مهر مسوده ایوان اعلی]

۶۰ [۱۰] فرمان مورخ شوال ۱۰۱۷ از شاه عباس اول در واگذاردن سیورغال میر شمس الدین نقیب رضوی متولی سرکار قدیمی آستانه مقدس- از بابت مال و جهات قریه ابرین‌غارری که به سیورغال فرزندان امیر رشید الاسلام رضوی مقرر بوده است- به برادر او ظهیر الدین ابراهیم تنها وارث وی.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۰

اصل این سند اکنون در موزه بریتانیاست و متن آن به عکس و حروف در کتاب Busse (ص ۱۸۳- ۱۸۵) و مجله بررسی‌های تاریخی (ش ۴ سال چهارم: ۲۲۹- ۲۳۰) دیده می‌شود:

فرمان همایون شد آن‌که چون حسب الحکم جهان مطاع آفتاب شعاع مبلغی از بابت مال و جهات قریه ابرین‌غارری حسب الذیل:

پنج هزار و پانزده دینار

مال: ۵ هزار [دینار]

نقد: ۸۰۰ [دینار]

جنس: ۴۲۰۰ [دینار]

سایر الجهات: ۱۵ [دینار]

به سیورغال اولاد سیادت و مغفرت‌پناه امیر رشید الاسلام رضوی نقیب مقرر بود و در وقتی که به نفس نفیس تحقیق

سیورغالات و استحقاق ارباب سیورغال می‌فرمودیم به حقیقت سیورغال مزبور رسیدیم و سیادت‌پناه مرحوم میر شمس الدین نقیب رضوی متولی سرکار قدیمی آستانه منوره متبرکه [حضرت ستی فاطمه علیها (و علی آبائها) التحیهٔ و السلام] که از اولاد مغفرت‌پناه مذکور بود به نظر اشرف درآمده، سیورغال مزبور را به او و سایر اولاد شفقت فرموده بودیم و داخل نسخه معروضه‌شده، حکم امضا به اسم او و سایر اولاد گذشته. درین ولا به عرض رسید که سیادت‌پناه مرحوم مزبور به جوار رحمت [حق] پیوسته و وارث منحصر در سیادت و نجابت‌پناه امیر ظهیر الدین ابراهیم برادر مرحوم مذکور است. بنابر

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۳۱

ظهور استحقاق سیادت‌پناه مشارالیه شفقت و مرحمت درباره او فرموده، به دستور مبلغ پنج هزار و پانزده دینار مذکور فوق را از بابت مال و جهات قریه مزبور به سیورغال ابدی و احسان سرمدی او عنایت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم.

کدخدایان و رعایاء محل مذکوره سیادت‌پناه مومی الیه را صاحب سیورغال مبلغ مزبور دانسته، وجه سیورغال او را سال‌به‌سال موافق دستور العمل واصل و عاید ساخته، چیزی موقوف ندارند و اگر چیزی از وجه سیورغال مانده باشد به مشارالیه عاید گردانند و احدی از حکام و تیولداران و عمال الکاءری دخل در سیورغال مومی الیه ننموده، مادام که از دیوان اعلی حوالتی بر سیورغالات نشود در جزو به‌علت اخراجات و عوارضات خلاف حکم و حساب به هر اسم و رسم که بوده باشد حواله و اطلاقی ننموده، قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند.

مستوفیان عظام دیوان اعلی حسب المسطور در دفاتر عمل نموده، تغییر و تبدیل به قواعد آن راه ندهند. درین باب قدغن دانسته، از فرموده درنگذرند و هرساله حکم مجدد طلب ندارند و چون به مهر مهرآثار اشرف اعلی رسد اعتماد نمایند.

تحریرا فی شهر شوال سنه سبع عشر و الف.

۶۱ [۱۱] مثال مورخ رمضان ۱۰۳۶ از میرزا رفیع الدین محمد شهرستانی صدر عباس اول و شاه صفی (مثال‌های صدور صفوی: ۱۷-۱۸) در واگذاردن تولیت قدیمی آستانه مقدس و مسجد امام و نقابت و پیشوایی مدینهٔ المؤمنین قم و آستانه به میر محمد سعید رضوی.

اصل سند در قم است:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۳۲

من رفیع الدین محمد الموسوی الحسینی

چون از مضمون احکام مطاعه لازم الاطاعه سلاطین سابق و شاه جنت‌مکان علیین‌آشیان و وقفیه شرعیه مستفاد شد [که تولیت قدیمی] آستانه متبرکه منوره مقدسه عرش‌درجه (معصومه علی مشرفها السلام) موافق شرع شریف و شرط واقف و استمرار و تولیت مسجد (امام حسن عسکری علیه السلام) و نقابت و پیشوایی مدینهٔ المؤمنین قم و آستانه منوره عرش‌درجه به آبا و اجداد سیادت و نقابت‌پناه نجابت دستگاه سلالهٔ السادات و النقباء العظام میر محمد سعید رضوی متعلق بوده و الیوم نوبت تولیت مزبور به سیادت و نقابت‌پناه منتهی شده و درین وقت به دیوان الصدارهٔ العلیهٔ العالیهٔ حاضر شده، حقیقت استعداد و استحقاق خود را به منصه ظهور رسانیده، طلب و استدعاء امضاء آنها به اسم خود نمود. لهذا از ابتداء توشقان‌ئیل تولیت قدیمی و تولیت مسجد مزبور و نقابت و پیشوایی مدینهٔ القم و آستانه به مشارالیه مرجوع شد که به واجبی به امور مزبوره و لوازم آنها از ترویج و تنسیق و آبادانی مساعی جمیله به تقدیم رسانیده، دقیقه [یی] از دقایق فوت و فروگذاشت ننماید.

سادات عظام و اکابر ذوی الاحترام و ارباب طریق و درویشان و مباشران و عمله و فعله و خدمه آستانه متبرکه سیادت‌پناه مشارالیه را متولی قدیمی آستانه و نقیب و پیشوا دانسته، دست تصدی و تکفل او را در امور مزبوره قوی و مطلق دانند و اعزاز

و احترام مشارالیه را به‌جای آورند و آنچه لازمه امور مزبوره است به مشار الیه مخصوص و متعلق شناسند و از سخن و صلاح شرعی متولی شرعی مزبور بیرون نروند و موافق شرع شریف و شرط واقف و دستور العمل دیوان الصدارة العلیة العالیة حاصل آن سرکار را به وقوف و اطلاع ناظر به مصارف وجوب صرف نمایند مباشران و مستأجران و رعایا [ی] آن سرکار عشر حاصل آن سرکار را موافق شرع

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۳

شریف و شرط واقف و استمرار به‌علت حق التولیه قدیمی مختص متولی شرعی مومی الیه دانند.

طریق سیادت و نقابت‌پناه متولی و نقیب مزبور آن‌که در رواج و رونق و نظم و نسق آن سرکار مساعی جمیله به‌عمل آورد و موافق شرع شریف میانه ارباب طریق عمل نماید و دقیقه [یی] از دقایق فوت و فروگذاشت ننماید. و هرساله در این باب خطاب و مثال مجدد نطلبند و از جوانب برین جمله روند. حکام آنجا در باب امر نقابت و پیشوایی تقویت و تمشیت و امداد و اعانت مشارالیه را به‌جای آورند.

تحریرا فی شهر رمضان المبارک من شهور سنة ۱۰۳۶.

[پشت سند:]

ثبت دفتر موقوفات دیوان الصداره شد.

۶۲ [۱۲] مثال میرزا مهدی اعتماد الدوله صدر عباس دوم (مثال‌های صدور صفوی: ۱۹) در واگذاردن تولیت قدیمی آستانه و تولیت و امامت مسجد امام و نقابت و پیشوایی آستانه و قم به میر محمد سعید رضوی مزبور با اشاره به مثال پیش.

تکه‌ای از پایین سند افتاده و چند سطری از انجام آن به این سبب در دست نیست :

من محمد مهدی بن حبیب اللّه الحسینی

چون به‌موجب مثال لازم الامتثال دیوان الصداره سابق تولیت قدیمی آستانه (معصومه علی مشرفها الف الف التحیة) و تولیت و پیشنمازی مسجد مبارک منسوب به حضرت امام الهمام (امام حسن عسکری علیه السلام) و نقابت و پیشوایی دار المؤمنین قم و آستانه متبرکه مزبوره به سیادت و نجابت‌پناه نقابت و کمالات دستگاه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۴

سلالة السادات و النقبائی شمسا للسیادة و النجابة و النقابة امیر محمد سعید الرضوی متعلق است و تغییری به قواعد آن راه نیافته، بنابرین مقرر شد که سادات عالی درجات و اکابر و اهالی و خدام و عمله و فعله سرکار فیض آثار و ارباب و اصحاب و کدخدایان و جمهور متوطنین دار المؤمنین مزبور سیادت و نقابت‌پناه مشارالیه متولی قدیمی آستانه مقدسه و متولی و پیشنماز مسجد مزبور و نقیب و پیشوای آستانه و دار المؤمنین مزبور دانسته، لوازم امور مزبوره را به او متعلق شناسند و دیگری را با او شریک و سهیم ندانند و حق التولیه سرکار قدیمی را مختص سیادت و نقابت پناه مشارالیه دانند و موافق معمول و استمرار سنوات سابقه سال‌به‌سال واصل سازند.

متولی جلیل القدر آن سرکار حسب المسطور مقرر دانسته، تقویت و تمشیت و اعزاز و احترام سیادت و نجابت‌پناه مشارالیه به تقدیم رسانند و حق الارض و نذورات آن سرکار فیض آثار را به وقوف و شعور و اطلاع سیادت و نقابت‌پناه متولی شرعی قدیمی میانه سادات عظام و خدام کرام و عمله قسمت نمایند. سادات عظام و قضات اسلام و عمله آن سرکار فیض آثار مشارالیه را متولی قدیمی آن سرکار دانسته، از سخن و صلاح مشارالیه ...... ننمایند ...

۶۳ [۱۳] مثال مورخ شعبان ۱۰۷۷ از میرزا ابو طالب رضوی صدر خاصه شاه سلیمان (مثال‌های صدور صفوی: ۱۹– ۲۰) درمورد وظیفه سیادت و نجابت‌پناه میر محمد علی رضوی قمی از بابت موقوفات آستانه مقدس.

در این سند شغل و منصب سید مزبور در آستانه ذکر نشده لیکن به هرحال از سلسله نسبی متولیان قدیمی آستانه بوده و اصل سند نیز در همین خاندان است:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۵

من ابو طالب بن محمد باقر الرضوی

چون به‌موجب مثال دیوان الصداره سابق مبلغ پنج هزار دینار تبریزی نقد و مقدار سیصد من غله از بابت موقوفات سرکار آستانه منوره مطهره برین موجب:

نقد: پنج هزار [دینار]

جنس: ۳۰۰ من: گندم– ۲۵۰ من/ جو– ۵۰ من

به وظیفه سیادت و نجابت‌پناه میر محمد علی الرضوی قمی مقرر بوده و درین وقت استدعای امضا [ی] دیوان الصداره نمود. ایجابا لمسئوله مبلغ و مقدار مزبورین به قید آن‌که هرگاه مستمر بوده باشد به وظیفه مشارالیه مقرر شد که هر ساله بازیافت و صرف معیشت خود نموده، مرفه الحال و فارغ البال به دعاگویی دوام دولت بی‌زوال ابدی الاتصال اشتغال نماید.

مباشرین موقوفات مزبور حسب المسطور مقرر دانسته، سال‌به‌سال مبلغ و مقدار مزبورین را بلا قصور و انکسار واصل و عاید مشارالیه ساخته، قبض باز یافت که از آن قرار به خرج مجری و محسوب است و درین باب اهتمام تمام لازم دانسته، هر ساله مثال و خطاب مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۷۷.

۶۴ [۱۴] مثال میرزا محمد باقر خلیفه سلطانی صدر شاه سلطان حسین (مثال‌های صدور صفوی: ۲۱– ۲۲) که تکه‌ای از آن جزء بقایای اسناد خاندان متولی شرعی دیده شد و باقی آن را هنوز نیافته‌ام.

در این تکه نذورات و حق الارض سرکار آستانه منوره و عشر محصول موقوفات به عنوان حق التولیه سرکارات مزبوره موافق استمرار به متولی شرعی واگذار شده و از متصدیان امر درخواست گردیده که

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۶

دست تصدی و تکفل سیادت و نجابت‌پناه مومی الیه را در لوازم امور مزبوره قوی دانند.

۶۵ [۱۵] سند دو رویه که در یک روی آن مثال میرزا محمد مقیم خلیفه سلطانی صدر طهماسب دوم (مثال‌های صدور صفوی: ۲۳) و در روی دیگر فرمان همین پادشاه در تنفیذ آن نوشته شده است.

در این سند خدمت تولیت شرعی موقوفات قدیمی و سرکشیکی آستانه و تولیت شرعی و امامت مسجد امام و پیشوایی و نقابت دار المؤمنین قم– که حسب المثال دیوان الصداره سابق و نوشته‌جات به مهر متولیان آستانه و احکام و ارقام مطاعه و مجلات معتبره با آبا و اجداد متولی شرعی آن دوره بوده– به وی واگذار شده است.

افسوس که قسمت اعظم این سند در دست نیست و از این رهگذر نام این متولی شرعی دانسته نشد جز آن‌که در نسخه جمع و خرج سرکار فیض آثار به سال ۱۱۳۷ از «میرزا یحیی» متولی قدیمی سرکار یاد می‌شود و این دو فرمان گویا برای همین

شخص صادر شده باشد.

چنین است مقدار بازمانده دو متن:

من خادم الشریعهٔ الشریفهٔ النبویهٔ صلی اللّه علیه و آله

محمد مقیم بن محمد نصیر الحسینی الخلیفه

چون حسب المثال دیوان الصداره سابق و نوشته‌جات به مهر متولیان جلیل القدر سرکار آستانه منوره متبرکه (حضرت معصومه علیه التحیهٔ و الثنا) و به‌موجب احکام و ارقام مطاعه و مجلات معتبره معلوم و مستفاد شد که خدمت تولیت شرعی موقوفات قدیمی و سرکشیکی آستانه مقدسه مزبوره و تولیت شرعی و امامت مسجد امام الهمام (امام حسن عسکری علیه السلام) و نقابت دار المؤمنین قم با آبا و اجداد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۷

سیادت و نجابت ...

...

* الملک للّه

فرمان همایون شد آن‌که به‌موجبی که مثال دیوان الصدارهٔ العلیهٔ العالیهٔ در ضمن صادر گشته عمل نمایند و از مضمون و مدلول آن عدول و انحراف نورزند و تولیت شرعی قدیمی و سرکشیکی آستانه مقدسه (حضرت معصومه علیه التحیهٔ و الثناء) و تولیت مسجد متبرک ... (امام حسن عسکری علیه السلام) و پیشوایی و نقابت دار المؤمنین قم را ...

...

۶۶ [۱۶] فرمان نقابت گویا از آقا محمد خان قاجار بالای عریضه محمد یحیی الرضوی النقیب متولی شرعی آستانه مقدس با اشاره به احکام مربوط به این منصب از تیمور تا آن زمان.

این سند در اوراق مربوط به خاندان مستوفی نزد آقای بهمن پورادیبی دیده می‌شد جز آن‌که اندکی از بالای سند که مشتمل بر سطر اخیر و تاریخ فرمان و مهر شاه بوده است افتاده، لیکن پیداست که فرمان یا از آقا محمد خان است و یا از شاهان زند (به قرینه وقوع مهر در پایان آن).

۶۷ [۱۷- ۲۰] چند سند از دوره قاجار:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۸

۱- حکم مرحوم میرزای قمی (ابو القاسم بن حسن گیلانی صاحب قوانین درگذشته ۱۲۳۱) بالای عریضه میرزا سید احمد فرزند میرزا یحیی رضوی مبنی بر تولیت شرعی او. چنین است متن عریضه و حکم حاکم شرع:

مسئول از خدمت بندگان عالی آن‌که نظر به ارقام سلاطین ماضیه و خواقین سالفه از امیر تیمور [گور] کانیه و عثمان جغیه و پادشاهان صفویه انار اللّه برهانهم الی شاه طهماسب بن شاه حسین که درباره آباء و اجداد این اقل السادات الی مرحمت پناه میرزا یحیی الرضوی والد مرحوم این اقل السادات احمد الرضوی صادر شده مشتمله بر آن‌که از قدیم الایام الی یومنا هذا تولیت شرعی موقوفات آستانه مقدسه معصومه و مسجد امام به آباء و اجداد این اقل السادات مرجوع و مفوض بوده نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب الی والد مرحوم این اقل السادات و بعده به این اقل السادات، و الان مستمر و برقرار است و نظر به

صورت وقف‌نامچه که مجموع آنها به نظر بندگان عالی رسیده و نظر به استفاضه و شیاع و استمرار آنچه بر بندگان عالی ثابت و واضح شده در این باب قلمی و به مهر مهرآثار خود مزین و موشح فرمایند که عند الحاجهٔ حجت بوده باشد. و السلام علیکم و رحمهٔ اللّه و برکاته.

[حکم میرزا:]

هو- نظر به استفاضه و تسامع و تظافر و ملاحظه ارقام و قرائن داخله و خارجه متولی شرعی بودن اجداد عالی‌جناب فضائل‌مآب سلالهٔ السادات العظام میرزا سید احمد و انتقال به ایشان در باب موقوفات آستانه مقدسه و مسجد فی الجمله بر حقیر ظاهر است و اما به تفصیل یعنی این‌که آیا در همه است یا بعض، بر حقیر محقق نشده است و بعض عدول هم در نزد حقیر اقامه شهادت کرد که من علم دارم به این‌که جمیع موقوفات شاه طهماسبیه الی ما فوق تولیت آن به عالی‌جناب مشارالیه می‌رسد و موقوفات ما بعد شاه طهماسب را علم ندارم و ما شهدنا الا بما

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۳۹

علمنا. و کتبه الاقل عبده ابو القاسم بن حسن.

۲- حکم دیگر مرحوم میرزا بالای عرضه داشت دیگری از میرزا سید احمد مزبور با همان متن، جز آن‌که در پایان افزوده شده است:

«و به هرحال حقیر عالی‌جناب مشارالیه را ثقه و معتمد و امین و پرهیزکار می‌دانم».

۳- عرضه داشت میرزا محمد حسین فرزند میرزا سید احمد رضوی قمی درمورد تولیت آستانه قم و مزار اردهال با حکم حاج سید اسماعیل رضوی مجتهد قم (درگذشته ۱۲۶۳، شاگرد بزرگ میرزای قمی) بالای آن:

به شرف عرض مقدس بندگان عالی می‌رساند که از قرار فرامین سلاطین ماضیه طاب اللّه ثراهم و جعل الجنهٔ مثواهم مثل سلطان عادل امیر تیمور گورکان و سلاطین بعده تولیت مشهدین منورین مشهد مقدس معصومه طاهره ستی فاطمه بنت امام همام موسی الکاظم علیها و علی آبائها السلام و مشهد منور علی بن محمد باقر علیه التحیهٔ و الثنا با [آ] باء عظام و اجداد کرام این داعی (میرزا محمد حسین بن میرزا سید احمد الرضوی القمی) بوده و الیوم من حیث الارث منتقل به این داعی دوام دولت قاهره می‌باشد. مستدعی از مراحم بی‌کران آن است که از مراتب مزبوره آنچه به سرکار شریعت‌مدار واضح و لایح و هویدا می‌باشد در فوق عریضه به خط شریف تحریر و به مهر شریف منیر فرمایند که عند الحاجهٔ حجت بوده باشد امره العالی مطاع مطاع.

[دستخط مجتهد مزبور:]

بسم اللّه تعالی- بلی به ملاحظه فرامین قدیمه و سائر ... قدیمه و جدیده تولیت شرعیه روضه متبرکه عرش‌درجه فاطمیه علیها السلام و تولیت بقعه مبارکه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۴۰

علی بن محمد الباقر در مشهد بارکرسف اردهال من محال بلده طیبه قم صانها اللّه عن التلاطم و التصادم با اجداد کرام و آباء عظام جناب مستطاب میرزا محمد حسین سائل بوده و الحال تولیت شرعیه روضه فاطمیه علیها السلام به استمرار قدیم الی الحال برقرار می‌باشد. مستدعی از امناء دولت قاهره سلطانیه چنان است به ایشان مرحمت و مفوض فرمایند. و اللّه المعین.

کتبه الجانی اسماعیل بن جعفر الرضوی.

۴- چند سند درباب دعا وی تنها بازمانده میرزا محمد حسین مزبور در امر تولیت شرعی براساس استشهاد از علماء و رجال

وقت:

حجة الاسلاما قبله الاناما مسئول از خدمت بندگان جناب‌عالی چنان است که این علویه رضویه (رقیه سلطان علویه رضویه صبیه مرحوم آقا میرزا سید حسین نواده مرحمت‌پناه آقا میرزا سید احمد رضوی متولی شرعی حضرت و مسجد) زوجه جناب حاجی آقا تقی ولد مرحمت‌پناه مرحوم آقا سید جعفر سرکشیک سرکار فیض آثار، صبیه مرحمت و غفران‌مآب آقا میرزا سید حسین ولد مرحمت و غفران‌مآب جنت و رضوان‌جایگاه مرحوم آقا میرزا سید احمد رضوی متولی شرعی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها سلام و مسجد امام علیه السلام است که این علویه رضویه از جهت پدری نواده همین مرحوم آقا میرزا سید احمد و از جهت مادری نواده مرحمت و غفران‌مآب جنت و رضوان‌جایگاه طوبی‌مکان مرحوم حاجی سید اسماعیل مجتهد قمی رضوی اعلی اللّه مقامه هستم. اگر علویه از اولاد اینها هستم دو کلمه در صدر عریضه مرقوم و به خاتم شریف مزین فرموده که عند الحاجة حجت بوده باشد و عند اللّه و عند الرسول ضایع نخواهد بود.

تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۸.

[مهر:]

کنیز بضعه موسی رقیه رضوی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۴۱

[گواهی مرحوم حاج شیخ محمد حسین پایین‌شهری:]

بسم اللّه خیر الاسماء- بلی اسوة المحترمات رقیه سلطان بنت آقا میرزا محمد حسین خلف مرحمت و غفران‌پناه رضوان‌جایگاه میرزا سید احمد الرضوی علیه الرحمه است از جانب پدری، و از جانب مادری نواده مرحمت‌پناه رضوان جایگاه طوبی‌آرامگاه آقای حاجی سید اسماعیل مجتهد قمی اعلی اللّه مقامه است و الحال زوجه عالی‌جناب سلالة السادات حاجی آقا تقی خلف مرحمت‌پناه آقا سید جعفر سرکشیک بقعه مبارکه فاطمه است و خفا و ریبی در هیچ‌یک مراتب در این بلده طیبه نیست. و السلام علی من اتبع الهدی.

[گواهی خانلر خان اعتصام الملک:]

عرض می‌شود این مسأله کالشمس فی رابعة النهار بر همه اهل قم بلکه اکثر اهالی اعاظم اطراف که حشر با اشراف بلاد هم‌جوار دارند از صغیر و کبیر واضح و معلوم است که اولا تولیت شرعی مزبوره فی المتن با مرحوم مغفور میرزا سید احمد اعلی اللّه مقامه بود و از آن مرحوم دختری در حباله مرحوم مغفور حاجی سید اسماعیل مجتهد اعلی اللّه مقامه بود و میرزا حسین مرحوم والد شما پسر مرحوم میرزا سید احمد و داماد مرحوم حاجی سید اسماعیل اعلی اللّه مقامه به صبیه‌ای که از غیر مرحوم میرزا سید احمد داشت که والده ماجده شما بود به‌طوری که همیشه مرحوم میرزا حسین به لقبی و کنیه‌ای معرفی نمی‌شد الا به اسم والد مرحوم خود یعنی معروف بود و معرفی می‌شد به میرزا حسین میرزا سید احمد.

عجب این است که شخص مدعی سیادتی به مجرد عمامه و شال کمربندی سیادتش معقول است و خمس و سهم امام می‌برد و کسی مداقه در سیادت او نمی‌کند و در نسبت همچو شخصی که به شیاع و استفاضه معلوم است و وسایط زیاده از دو نسل نیست با قرائن خارجی و اسناد شرعی و عرفی که در مدنظر است این قدر دقت و احتیاط روا می‌دارند.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۴۲

تولیت جدیدی (تفویضی)

اشاره

گفته شد که مقام تولیت جدیدی از ربع اخیر قرن دهم در آستانه قم پدید آمد و در کنار تولیت قدیمی اداره امور آن را در دست گرفت و پس از چندی سرپرست مطلق و بی‌منازع آستانه گردید.

این مقام- که وظایف متصدیان آن در فصل چهارم از باب یکم دستور الملوک (ص ۳۷) گفته شده است - تا پایان قرن یازدهم به تناوب به بعضی از امراء و بزرگان وقت واگذار می‌گردید و مقامی موروث نبود. حتی بسیاری اوقات متصدیان آن از سادات و علویان نبودند. تا آن‌که در دوره شاه سلطان حسین- که عهده‌داران مقامات مذهبی معمولا مناصب خود را حفظ می‌نمودند و تغییر و تحویل و عزل و نصب اصولی نسبت به پیش کمتر روی می‌داد- تنی چند از یکی از خاندان‌های سادات حسینی اصفهان (نوادگان میر سید حسین کرکی خاتم المجتهدین درگذشته ۱۰۰۱ و میرزا حبیب اللّه صدر فرزند او) که همواره مورد توجه دربار صفوی و عهده‌دار مشاغلی مهم بودند و پیش‌تر نیای آنان میرزا مهدی اعتماد الدوله و فرزند وی میرزا تربت پاکان ؛ ج ۱ ؛ ص ۲۴۲

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۳

معصوم چندی در دوره شاه صفی و عباس دوم متصدی مقام تولیت جدیدی قم بودند بیشتر سال‌ها این منصب را عهده‌داری می‌نمودند. تا اندک‌اندک به حکم استمرار مقام تولیت آستانه قم در آن خاندان به شکل موروث درآمد و پس از برافتادن صفویان و به پادشاهی رسیدن سلسله‌های دیگر نیز همچنان ادامه یافت و تا روزگار ما نیز رسید.

چنین است فهرست نام چند تن از متولیان جدیدی آستانه که از این خاندان نبوده‌اند:

۱- مولانا آقاجانی تبریزی که از افاضل زمان بود و خدمت و تولیت آستانه مقدسه منوره قم تعلق بدو داشت و در ذیحجه سال ۹۹۹ پس از تشرف به حج در مکه درگذشت و همان‌جا مدفون شد .

۲- در اواخر دهه هشتم قرن یازدهم که شاردن به قم آمده متولی آستانه- و ضمنا حاکم قم نیز- پیرمردی عالی‌مقام بوده که پیش‌تر قورچی‌باشی‌گری- فرماندهی نیروهای نظامی- را به عهده داشته است .

۳- علی قلی خان خلجی قمی فرزند قرچقای خان دانشمند و حکیم بزرگ قم در دوره صفوی نیز مدتی- طبعا در دوره عباس دوم یا شاه‌سلیمان- متولی آستانه مقدس بوده است .

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۴

۴- مهدی قلی خان فرزند علی قلی خان مزبور، شاعر و ادیب و دانشمند، متخلص به صفا ، بانی مدرسه خان قم در ۱۱۲۳ و نگارنده سماء الاسماء در لغت عربی به فارسی . او نیز مدتی- و به طبع در دوره شاه سلطان حسین یا شاه سلیمان- متولی آستانه بوده است .

۵- نظر علی بیک متولی آستانه قم او باید نظر علی بیک فرزند نجف قلی بیک ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه باشد که پدر او مدرسه‌ای در قم بنا کرده و خود وی در ۸ ذ ق- ۱۱۱۵ در پیرامون این شهر کشته شد و در تنابی که به‌جهت مرقد شاه سلیمان در آستانه حضرت معصومه ساخته بودند به خاک رفت .

۶- میرزا سید محمد حسین فرزند میرزا سید احمد رضوی قمی که «در اواخر عهد پادشاه ماضی محمد شاه غازی به معاضدت مرحوم میرزا نصر اللّه صدر الممالک که از عظمای امرای پادشاهی و سرحلقه سلسله ولویه نعمت اللهی بود به تولیت آستان زحل دربان فاطمه معصومه علیها سلام اللّه سرافراز شد تا آن

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۵

پادشاه بهشت‌جایگاه در جوار حضرت اله مقر گزید و سلطنت را بدین شاهنشاه گردون خرگاه ناصر الدین شاه به عاریت سپرد. تجدید فرمان را رخت به دار الخلافه برد که در این حیص‌وبیص فتنه [فئه] ضاله بابیه چون پرتو شعله در هر بام و برزنی بتافت و در قلعه طبرس مازندارن حاجی محمد علی که سرخیل آن کسان بود رأیت کین به اوج برین کشاند. فرمان تولیت را در دست کتاب دفتر خانه ناتمام گذاشته به جانب قلعه طبرس سوار شد ».

در همین جریان میرزا سید محمد حسین را به جرم دستیاری با بابیان از قم به تفصیلی که در تذکره شعراء و جنگ فیض آمده است به عتبات عالیات تبعید نمودند و وی تا پایان زندگی در کاظمیه مقیم بود و در همان‌جا درگذشت. پیداست که این اتهام بی‌اساس از سوی دشمنان سید بر او وارد آمده بود.

*** فهرست نام کسانی که از خاندان حسینی مزبور عهده‌دار آستانه قم بوده‌اند براساس اسناد و مآخذ و عرض‌های روی کتاب‌ها و قرآن‌های آستانه:

۱- میرزا حبیب اللّه صدر فرزند میر سید حسین کرکی. خاندان حسینی مزبور معتقدند که او نخستین کس از آن خاندان بود که به تولیت آستانه قم گمارده شد و این گفته چندان بعید نیست زیرا تذکره «همیشه بهار» ذیل سرگذشت فرزند او «نواب میرزا مهدی جبل عاملی اعتماد الدوله رحمهٔ اللّه علیه» می‌نویسد: «در قم نشو و نما یافته و چنین می‌نماید که به طبع می‌باید در آن تاریخ پدر او در این شهر عهده‌دار چنین مقامی بوده باشد.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۶

میرزا حبیب اللّه در سال ۱۰۴۲ پس از عزل میرزا رفیع شهرستانی به صدارت رسید و اگر آن احتمال درست باشد باید گفت او تا این سال متولی آستانه قم بوده و پس از رفتن او به اصفهان فرزندش جانشین وی شده است. میرزا حبیب اللّه در سال ۱۰۶۳ درگذشت .

۲- میرزا محمد مهدی فرزند میرزا حبیب اللّه صدر که در هنگام نقل جسد شاه صفی به قم- سال ۱۰۵۲- متولی آستانه بوده و در ۱۰۶۳ به صدارت و سپس وزارت عباس دوم رسید و در ۱۰۸۲ درگذشت .

۳- میرزا محمد معصوم فرزند میرزا محمد مهدی مزبور که در سال ۱۰۷۷ هنگام نقل جسد شاه عباس دوم به قم متولی آستانه بوده است . از سند شماره ۱۷ مجموعه حاضر برمی‌آید که او در سال ۱۰۶۴ نیز این مقام را داشته و به نظر می‌رسد که پس از صدارت یافتن پدر خود به‌جای او عهده‌دار این مقام گردیده است. او در سال ۱۰۹۱ پس از درگذشت عم خویش میرزا علی رضا شیخ الاسلام اصفهان شد و در ۱۰۹۵ درگذشت .

۴- میرزا محمد امین فرزند دیگر میرزا محمد مهدی که در رمضان ۱۱۰۲

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۷

گویا تا اواخر سال ۱۱۱۱ متولی آستانه قم بوده و در ۱۴ محرم ۱۱۱۶ به منصب قضاء اصفهان سرافراز شده و در ۱۱۱۷ درگذشته است . از او دو فرزند می‌شناسیم یکی میرزا سید محمد که پس از وی قاضی اصفهان شد و دیگری میرزا سید حسن که بعدها مدتی عهده‌دار تولیت آستانه قم بود.

۵- میرزا ابو طالب فرزند میرزا محمد معصوم و نواده میرزا محمد مهدی که در ذیحجه ۱۱۱۱ تا ذی قعده ۱۱۲۵ متولی آستانه بوده است .

۶- میرزا محمد مهدی فرزند دیگر میرزا محمد معصوم در ۱۱۳۰ .

۷- میرزا سید حسن فرزند میرزا محمد امین و نواده میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله که با فرمانی از شاه سلطان حسین مورخ ذ ح- ۱۱۳۴ به تولیت آستانه منصوب شد .

۸- میرزا محمد رحیم فرزند میرزا محمد مهدی فرزند میرزا محمد معصوم که در رجب ۱۱۴۰ متولی بوده و عرض او را با این تاریخ دیده‌ام و با فرمانی از شاه طهماسب دوم مورخ ج ۲- ۱۱۴۲ در این مقام تنفیذ شده و تا پس از رجب ۱۱۵۷ در این مقام بود .

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۸

۹- میرزا محمد خلیل فرزند دیگر میرزا محمد مهدی فرزند محمد معصوم که در ع ۱- ۱۱۶۳ و محرم ۱۱۷۲ متولی آستانه بوده است.

۱۰- میرزا محمد معصوم گویا فرزند میرزا محمد خلیل فرزند میرزا محمد مهدی، متولی آستانه در ع ۱- ۱۱۸۲ .

۱۱- میرزا محمد مهدی فرزند میرزا محمد خلیل فرزند میرزا محمد مهدی فرزند میرزا محمد معصوم فرزند میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله، متولی آستانه در رمضان ۱۱۹۰ تا ذ ح- ۱۲۱۷ و پس از آن.

۱۲- میرزا سید محمد فرزند دیگر میرزا محمد خلیل، متولی آستانه در ۱۲۲۳ تا ع ۲- ۱۲۲۷ .

۱۳- میرزا اسد اللّه فرزند دیگر میرزا محمد خلیل، متولی آستانه در ج ۱- ۱۲۲۷ تا اواخر دوره فتحعلی شاه قاجار.

۱۴- میرزا محمد رضا فرزند میرزا اسد اللّه، متولی آستانه در ۱۲۵۱ تا ۱۲۷۳ .

۱۵- میرزا سید حسین فرزند میرزا محمد رضا، متولی آستانه پس از در گذشت پدر خود تا اواخر زندگی خویش. در گذشته ۲۷ ذ ح- ۱۳۱۷.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۴۹

۱۶- میرزا سید محمد باقر فرزند میرزا حسین که در زندگی پدر به تولیت آستانه منصوب شد و تا پایان زندگی- سال ۱۳۶۰- در این مقام بود.

او محمد باقر بن حسین بن محمد رضا بن اسد اللّه بن محمد خلیل بن محمد مهدی بن محمد معصوم بن میرزا محمد مهدی اعتماد الدوله بن میرزا حبیب اللّه صدر بن میرزا سید حسین کرکی بوده و نسب‌نامه مذکور در تحفهٔ الفاطمیین (۱: ۴۲۷) نادرست و سراسر خطاست چه به غلط کوشیده‌اند همه متولیان را در سلسله و عمود نسب قرار دهند.

*** وصف اجمالی سه سند از مجموعه اسناد این خاندان مربوط به دوره صفوی :

۶۸ [۱] مثال دیوان الصداره

مورخ رمضان ۱۱۲۹ به نام میرزا سید حسن ولد مرحوم میرزا محمد امین قاضی سابق اصفهان و نواده میرزا مهدی.

۶۹ [۲] فرمان شاه سلطان حسین

مورخ ذ ح- ۱۱۳۴ در واگذاردن تولیت آستانه به میرزا سید حسن نواده میرزا مهدی وزیر سابق دیوان اعلی.

۷۰ [۳] فرمان طهماسب دوم

مورخ ج ۲- ۱۱۴۲ در واگذاردن تولیت آستانه به میرزا محمد رحیم ولد مرحوم میرزا مهدی.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۱

استیفاء

اشاره

خدمت استیفاء (حساب‌داری) آستانه قم از دوره صفوی تا پایان دوره قاجار در دست خاندان «مستوفی» این شهر بوده و این افراد از آن دودمان به این امر اشتغال نموده‌اند:

۱- میرزا محمد جعفر قمی که از سال ۱۰۸۹ به‌موجب فرمانی از شاه سلیمان به‌جای پدر عهده‌دار استیفاء آستانه بوده و پیش از سال ۱۱۱۴ درگذشته است.

۲- میرزا محمد ابراهیم مستوفی فرزند میرزا محمد جعفر که پیش از سال ۱۱۱۴ به‌جای پدر خدمت استیفاء آستانه را به دست گرفته و از ۲۶ شوال ۱۱۱۸ کلیدداری حرم را نیز عهده‌دار شده و در ج ۱- ۱۱۳۶ استیفاء متفرقه دار الایمان قم نیز بدو واگذار گردیده، و تا سال ۱۱۴۸ زنده بوده است. سه فرمان از پادشاهان صفوی و دو مثال از دیوان صدارت درباره او به دست داریم.

۳- میرزا محمد اسحاق مستوفی فرزند میرزا محمد ابراهیم مزبور که در نیمه دوم قرن دوازدهم و اوائل دوره قاجار می‌زیسته و به شهادت متن فرمان مورخ ع ۱- ۱۲۲۹ فتحعلی شاه خدمت استیفاء آستانه «موافق فرامین سلاطین سلف» بدو مرجوع بوده است.

۴- میرزا محمد ابراهیم فرزند میرزا محمد اسحاق مزبور که در ع- ۱۲۲۹ مستوفی آستانه بوده و در ج ۲- ۱۳۲۵ به کلیدداری نیز منصوب گردیده و پیش از

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۲

صفر ۱۲۴۶ درگذشته است. سرگذشت و نام فرزندان او در سفرنامه قم افضل الملك دیده می‌شود .

۵- میرزا علی رضا فرزند میرزا محمد ابراهیم مزبور که از روزگار زندگی پدر تا پایان عمر مستوفی آستانه بوده است. او خطی خوش داشته و کتابه ضریح پیشین که در تجدید اخیر عینا کتیبه شده به خط او بوده است .

۶- میرزا محمد حسین فرزند دیگر میرزا محمد ابراهیم که پس از درگذشت پدر با مشارکت برادر، و پس از مرگ وی به استقلال مستوفی آستانه بوده و در ۱۳۰۹ درگذشته است. سرگذشت او و فرزندانش به تفصیل در سفرنامه قم افضل الملك آمده است .

۷- میرزا زین العابدین فرزند میرزا محمد حسین که به شهادت استشهاد برادرش میرزا محمود از جانب پدر به مستوفی‌گری آستانه منصوب گردیده و فرمانی از ناصر الدین شاه در این‌باره صادر شده است جز آن‌که چون او در تهران خدمت دیوانی مهم‌تری داشت به این کار نپرداخت .

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۳

۸- میرزا اسد اللّه فرزند دیگر میرزا محمد حسین که پس از درگذشت پدر فرمان دیوانی ناصری برای او صادر شد و به مستوفی‌گری آستانه منصوب گردید .

۹- میرزا محمد تقی فرزند میرزا علی رضا فرزند میرزا محمد ابراهیم که در هنگام زندگی میرزا محمد حسین مدعی منصب

استیفای آستانه بود و احکام و ارقامی نیز در این‌باره گرفت لیکن بر عم خود پیروز نشد. تا پس از درگذشت وی فرزندان او که در تهران شاغل مناصب دیوانی بودند این خدمت را به خواست خود بدو واگذاشتند ، و وی تا پایان زندگی به این کار اشتغال داشت.

* جز اینان چنان‌که از مثال مورخ صفر ۱۱۳۴ برمی‌آید شخصی به نام میرزا محمد رضی با مثال مورخ ج ۱- ۱۱۳۳ به این خدمت منصوب گردیده که در صفر ۱۱۳۴ برکنار شده است لیکن از مثال مورخ ج ۱- ۱۱۳۶ برمی‌آید که تا آن هنگام عهده‌دار این کار بوده است .

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۴

در خاندان مستوفی قم چند صد طغرا سند دیده شد. پیرامون پنجاه سند مربوط به خاندان در تهران نزد آقای بهمن پورادیبی کارمند ثبت تهران نواده میرزا محمد تقی مستوفی است که برخی از آنها با سپاسگزاری از ایشان در اینجا نقل یا به اجمال وصف می‌شود. اسناد و فردها و اوراق قدیم بسیاری نیز در قم در اختیار مرحوم حاج میرزا محمد حسین مستوفی درگذشته ۱۳۹۳ ق- فرزند میرزا محمود و نواده حاجی میرزا محمد حسین مستوفی بزرگ- بود که نگارنده همه آنها را دیده و یک نمونه آن با سپاسگزاری از آقای احمد مستوفی فرزند آن مرحوم در اینجا نقل می‌شود. به هرحال ده سندی که در اینجا یاد یا نقل می‌شود نمونه‌ای است از انبوه اسناد خاندان:

۷۱ [۱] فرمان مورخ رمضان ۱۰۸۹ از شاه سلیمان در واگذاردن استیفای موقوفات آستانه و مواجب آن به میرزا محمد جعفر قمی با اشاره به تصدی پدر او نسبت به این منصب.

متن این سند در سفرنامه قم افضل الملک نیز آمده است:

حکم جهان‌مطاع شد آن‌که بنابر شفقت شاهانه درباره رفعت و معالی پناه قواما میرزا محمد جعفر قمی از ابتداء ده ماهه ایت‌ئیل ۱۰۸۹ استیفاء موقوفات سرکار آستانه مقدسه متبرکه منوره (ستی فاطمه علیها و علی آبائها الف سلام و تحیة) را با مواجب و آنچه به هرجهت از دیوان الصداره خاصه در ... مقرر شده بود و متوفی گشته در وجه مشارالیه مقرر فرمودیم که کما ینبغی به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، دقیقه‌ای فوت و فروگذاشت ننماید و سال‌به‌سال نسخه منقحه مشخصه بر مداخل و مخارج آن سرکار درست داشته به دیوان الصداره فرستد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۵

که موافق معمول مستوفی موقوفات ممالک محروسه در دفتر عمل نماید. و با خلایق نوعی سلوک نماید که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکر بوده، دعاء خیر جهت ذات مقدس نواب کامیاب همایون ما حاصل شود.

متولی و کتاب و خدمه و عمله و موظفین و رعایا و زراعین و مستأجرین سرکار آستانه مقدسه مزبور مشارالیه را مستوفی سرکار مذکور دانسته، دیگری را درین امر با او شریک و سهیم ندانند و از سخن و صلاح حسابی او که هر آینه مقرون به صرفه و غبطه آن سرکار بوده باشد بیرون نرفته، اطاعت و انقیاد او را از لوازم شمرند و بدون برات به مهر و خط مشارالیه یک دینار و یک من بار دادوستد ننمایند و هرساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.

تحریرا فی رمضان المبارک [۱۰۸۹].

۷۲ [۲] فرمان مورخ ع ۲- ۱۱۱۴ از شاه سلطان حسین در مقرر داشتن مبلغ ده تومان تبریزی از بابت وجوه تصدی مدفن شاه سلیمان در وجه وظیفه میرزا محمد ابراهیم مستوفی فرزند میرزا محمد جعفر مزبور.

متن این سند نیز در سفرنامه قم افضل الملک دیده می‌شود:
حکم جهان‌مطاع شد آن‌که از ابتداء یونت‌ئیل مبلغ ده تومان تبریزی از بابت وجوه تصدی سرکار مزار نواب خاقان طوبی‌آشیان قدس‌مکانی (شاه بابام انار اللّه برهانه) که به‌جهت ارباب استحقاق مقرر بوده در وجه وظیفه نجابت و رفعت و معالی‌پناه ... صداقت دستگاه میرزا محمد ابراهیم مستوفی ولد مرحوم ... جعفر قمی عنایت و مرحمت فرمودیم. تحویل‌دار نقدی سرکار
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۵۶
موهبت آثار مزبور سال‌به‌سال تنخواه مبلغ مزبور را مهم‌سازی و مشرف در روزنامچه عمل و مستوفی ارباب التحاویل سرکار خاصه شریفه به خرج اعتبار .. هرساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند.
تحریرا فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۱۱۴.

۷۳ [۳] فرمان مورخ ع ۱ – ۱۱۲۰ از همان پادشاه در واگذاردن خدمت کلیدداری آستانه مقدس از تاریخ ۲۶ شوال ۱۱۱۸ به میرزا محمد ابراهیم مستوفی، با اشاره به رقمی که پیش‌تر در این باب صادر شده و مفقود گشته بود:

حکم جهان‌مطاع شد آن‌که بنابر شفقت بی‌غایت شاهانه درباره ..
النجباء العظام .. و النجابهٔ میرزا محمد ابراهیم ...... خادم‌باشی سرکار ..
از تاریخ بیست و ششم شهر شوال سنه ۱۱۱۸ خدمت کلیدداری سرکار فیض آثار کثیر الانوار .. آستانه منوره ستی (حضرت معصومه علیها و علی آبائها الف سلام و تحیه) را با مبلغ پانزده تومان تبریزی مواجب و مصالح یک قاب جیره به دستور کلیددار سابق به‌علاوه خدمت استیفاء آستانه به عالی‌جناب نجابت‌پناه مشارالیه عنایت و مرحمت فرمودیم که چنانچه باید و شاید به خدمت مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نماید.
متولی و ناظر و سایر عمله و فعله سرکار فیض آثار کثیر الانوار مزبور نجابت پناه مشارالیه را کلیددار بالاستقلال آن سرکار دانسته، لوازم امر مذکور را مخصوص او شناسند و دیگری را با او شریک و سهیم ندانند و سال‌به‌سال وجه مواجب و جیره او را روزبه‌روز واصل ساخته، موقوف ندارند و اعزاز و احترام او به‌جای آورند. مستوفیان عظام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده، از
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۵۷
شایبه تغییر و تبدیل مصون شناسند و رقم مطاع مزبور را با رقمی که سابقا درین باب حسب الامر الاعلی صادر شده و مفقود گشته متحد دانند.
تحریرا فی ربیع الاول سنه ۱۱۲۰
[پشت سند:]
از قرار .. وزارت و شوکت و اقبال‌پناه عظمت و حشمت و جلالت دستگاه رکن اعظم دولت خلافت بنیان عالی‌جاهی اعتضاد السلطنهٔ البهیهٔ السلطانیهٔ آصف جاهی اعتماد الدولهٔ العلیهٔ العالیهٔ الخاقانیه.
[مهر:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین
عبده شاهقلی ۱۱۱۶

۷۴ [۴] مثال مورخ صفر ۱۱۳۴ از میرزا محمد باقر خلیفه سلطانی صدر خاصه شاه سلطان حسین (مثال‌های صدور صفوی: ۲۱– ۲۲) در واگذاردن مجدد مقام استیفاء آستانه به میرزا محمد ابراهیم مزبور

با اشاره به مثال مورخ ج ۱- ۱۱۳۳ که به نام میرزا رضی صادر شده بود. از آن برمی‌آید که این میرزا رضی در تاریخ مزبور به دیوان صدارت رفته و با اخذ مثال مزبور عهده‌دار استیفاء موقوفات آستانه شده بوده است:

هو اللّه و لا اله سواه

من خادم الشریعهٔ الشریفهٔ النبویهٔ صلی اللّه علیه و آله

محمد باقر بن مرحوم مغفور سید حسن الحسینی الخلیفه

چون درین وقت نجابت و رفعت‌پناه عزت و محمدت و کمالات دستگاه ظهیرا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۸

للرفعهٔ و المعالی میرزا محمد ابراهیم به عرض رسانید که خدمت استیفاء سرکار آستانه منوره متبرکه [...] با آبا و اجداد مشارالیه بوده و قبل از این به مشارالیه مفوض شده بود و آقا رضی بدون جهت امر مزبور را به اسم خود نموده و استدعا نمود که خدمت مزبور به مومی الیه به دستور والد مفوض، و نصف مواجب آن‌که از بابت توفیرات آن سرکار است به‌جهت سرکار ضبط و نصف مواجب مزبور را که آقا رضی به وظیفه خود گذرانیده در عوض توفیر مزبور در وجه مشارالیه مقرر شود.

و از تصدیق کتاب دفتر موقوفات ممالک محروسه مستفاد شد که چون میرزا رضی مستوفی سابق موقوفات آستانه منوره مزبوره عرض نمود که خدمت مزبور با مشارالیه بوده و میرزا ابراهیم نامی به اسم خود نموده و استدعا نمود که خدمت مزبور به تغییر مشارالیه به او مفوض شود از قرار مثال به تاریخ شهر جمادی الاولی ۱۱۳۳ به تغییر مشارالیه به میرزا رضی مزبور مفوض و آنچه به هرجهت در وجه مستوفیان مقرر بوده در وجه او مقرر شده.

بنابراین حسب الاستدعا خدمت مزبور به تغییر میرزا رضی مزبور از ابتداء سه ماه و نیم اودی‌ئیل به نجابت و رفعت و معالی‌پناه عارض مشارالیه مفوض و مرجوع و آن‌چه به هرجهت در سرکار [..] به ازاء امر مزبور مقرر است به دستور در وجه مشارالیه مقرر شد که کما ینبغی و یلیق از روی راستی و راست‌قلمی به امر مزبور و لوازم آن قیام و اقدام نموده، دقیقه‌ای از دقایق متعلقه به شغل مزبور را فوت و فروگذاشت ننماید و سال‌به‌سال نسخه منقحه مشخصه بر دادوستد سرکار مزبور درست داشته به نظر رساند و نوعی سلوک مسلوک دارد که همگی از حسن سلوک او راضی و شاکر و عند [الخالق] و الخلایق مرضی و مستحسن بوده، دعای خیر به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۵۹

جهت ذات اقدس و وجود مقدس بندگان نواب کامیاب سپهررکاب اشرف ارفع [اعلی] حاصل شود.

مباشرین سرکار مزبور و عمله و فعله و رعایا و زارعین و مستأجرین آن سرکار حسب المسطور مقرر و نجابت و رفعت و معالی‌پناه مشارالیه را مستوفی بالاستقلال و الانفراد آن سرکار دانسته، لوازم امر مزبور را مختص او شناسند و اعزاز و احترام مشارالیه را از لوازم شمرند و بدون برات به خط و مهر او یک دینار و یک من بار به احدی دادوستد ننمایند و درین باب اهتمام تمام لازم دانسته، هرساله مثال و خطاب مجدد طلب ننمایند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر صفر المظفر من شهور سنهٔ ۱۱۳۴.

۷۵ [۵] سند دو رویه مورخ ج ۱– ۱۱۳۶ که در یک روی آن مثال میرزا سید مرتضی خلیفه سلطانی (مثال‌های صدور صفوی: ۲۲) در تفویض استیفاء آستانه مقدس– که محمد رضی به نام خود گذرانیده بود به ضمیمه استیفاء متفرقه دار المؤمنین قم– به میرزا محمد ابراهیم مستوفی فرزند میرزا محمد جعفر است و در روی دیگر فرمان طهماسب دوم در تنفیذ آن.

متن این سند در سفرنامه قم افضل الملك نیز دیده می‌شود:

هو اللّه و لا اله سواه

من خادم الشریعهٔ الشریفهٔ النبویهٔ صلی اللّه علیه و آله

سید مرتضی بن سید علی الحسینی الخلیفه

چون درین وقت نجابت و رفعت و معالی‌پناه ظهیرا میرزا محمد ابراهیم قمی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۰

مستوفی سابق سرکار فیض آثار [ستی فاطمه علیها التحیهٔ و الثنا] به عرض رسانید که استیفاء سرکار موهبت آثار مدت متمادی با مرحوم میرزا محمد جعفر والد و سایر آباء و اقرباء او مفوض و بعده به مشارالیه مرجوع بوده و از روی راستی و درستی خدمت مزبور را به تقدیم می‌رسانیده و محمد رضی نام شخصی که از شغل نویسندگی اطلاع کاملی ندارد و کمال تغلب دارد خدمت موروثی او را بدون جهتی قطع و به اسم خود گذرانیده، درین وقت نجابت و رفعت و کمالات‌پناه میرزا محمد ابراهیم مومی‌الیه به دیوان الصدارهٔ [العلیهٔ العالیه] آمده استدعا نمود که خدمت استیفاء سرکار مزبور به‌علاوه استیفاء متفرقه دار المؤمنین قم به او داده شود. بناء علی ذلک حسب الاستدعا از ابتداء سنه مبارکه آتیه لوی‌ئیل خدمت استیفاء سرکار کثیر الانوار به تغییر محمد رضی نام مزبور کماکان به‌علاوه استیفاء متفرقه دار- المؤمنین قم به مشارالیه مقرر و مرجوع شد که کماینبغی از روی دقت و راست‌قلمی و درستی به امر مزبور قیام نموده، در تشخیص و تنقیح محاسبات مؤدیان و ملاحظه صرفه و غبطه مالیات موقوفات و تحریر نسخه‌جات لوازم اهتمام به عمل آورده، حسن سعی خود به منصه ظهور رساند و سال‌به‌سال رسم الاستیفاء و مواجب مستمری خود را موافق معمول بازیافت نموده، کما هو حقه به مراسم امر مسطور اقدام نماید و نحوی سلوك مسلوك دارد که عند [الخالق] و الخلایق مرضی و مستحسن باشد و دعای خیر جهت ذات اقدس و وجود مقدس نواب کامیاب سپهر رکاب اشرف ارفع [همایون اعلی خلد اللّه تعالی ملکه و عظم سلطانه ابدا] ...

متولی و مباشرین موقوفات مذکوره نجابت و رفعت و معالی‌پناه مذکور را مستوفی بالاستقلال و الانفراد سرکارین مزبورین دانسته، بدون برات و مهر او یك دینار و یك من بار دادوستد ننمایند و از سخن و صواب‌دید مومی الیه که مقرون به صرفه مالیات موقوفات بوده باشد بیرون نروند و لوازم امور مذکوره را مختص

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۱

مشارالیه شناسند و هرساله مثال و خطاب مجدد طلب ندارند.

تحریرا فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۳۶

* فرمان همایون شد آن‌که به‌موجبی که درضمن حسب المثال لازم الامتثال دیوان الصدارهٔ العلیهٔ العالیه مقرر گشته عمل و استیفاء سرکار موهبت آثار را به‌علاوه استیفاء متفرقه دار المؤمنین مزبور در وجه نجابت و معالی‌پناه ظهیرا میرزا محمد ابراهیم مذکور مقرر دانند و لوازم امر مزبور را مختص او شناخته، از مضمون آن تخلف و انحراف نورزند و در عهده شناسند.

تحریرا فی جمادی الاولی سنه ۱۱۳۶.

۷۶ [۶] فرمان مورخ ع ۱- ۱۲۲۹ از فتحعلی شاه قاجار در واگذاشتن خدمت استیفاء آستانه مقدس به میرزا ابراهیم و میرزا علی رضا فرزند او.

در متن فرمان گفته می‌شود که پیش از این پدر میرزا ابراهیم:

میرزا اسحاق «موافق فرامین سلاطین سلف» عهده‌دار استیفای آستانه بوده است.

۷۷ [۷] فرمان مورخ ج ۲ – ۱۲۳۵ از همان پادشاه در تفویض منصب کلیدداری حرم مطهر از آغاز لوی‌ئیل به میرزا محمد ابراهیم مستوفی آستانه به ضمیمه شغل استیفاء، با تعیین پنج تومان نقد بابت مواجب کلیدداری برای او، خطاب به میرزا اسد اللّه متولی آستانه.

در این سند گفته می‌شود که خدمت کلیدداری سرکار معصومه به

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۲

فتحعلی خان ملک الشعرا محول و مرجوع بوده و چون او جزء ملازمان رکاب همایونی می‌بود به مستوفی یادشده واگذار گردید.

۷۸ [۸] فرمان مورخ ۱۲۴۴ از همان پادشاه بالای عریضه میرزا محمد ابراهیم مستوفی درباره موقوفه میرزا ابو القاسم حاکم قم خطاب به کیکاوس میرزا صاحب‌اختیار قم.

در آن از سه تن علمای بزرگ آن دوره قم نام می‌آید:

عرضه داشت کمترین بندگان ابراهیم قمی غبار آستان معدلت پاسبان را کحل الجواهر دیده امیدواری ساخته به موقف عرض ایستادگان حضور سعادت دستور اشرف اقدس ارفع روحی و روح العالمین فداه می‌رساند که قربان خاک پای جواهرآسای مبارک گردم عالی‌جاه مقرب الخاقان میرزا ابو القاسم در حوالی آستانه مقدسه حضرت معصومه چند باب دکان ساخته و وقف روشنایی سرکار فیض‌آثار نموده، سالهای سال است که این غلام متولی دکاکین مزبور می‌باشم و منافع آنها را صرف روشنایی می‌نمایم.

در این سال زوجه مرحوم محمد بیک آمده .. می‌نماید که دو باب از دکاکین مزبور مال من است و فرمانی از مصدر عز و جاه صادر نموده است که دو باب دکان را بگیرد.

نظر به این‌که دکانهای مزبور وقف آستانه مقدسه است و شرعا برین غلام لازم است

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۳

که اهتمامی در نگاهداری آنها کرده، منافع آنها را صرف روشنایی نمایم استدعا دارم که مرحمت و عنایت فرموده فرمان قضا جریان از مصدر جاه و جلال صادر شود که نواب مستطاب شاهزاده والاتبار صاحب‌اختیار قم احدی را تعیین فرمایند که عالی جاهان مقدس القابان میرزا ابو طالب و میرزا علی رضا و حاجی سید اسماعیل را جمع و به حقیقت این معنی رسیده، حسب الشریعهٔ غرا حکم نمایند که چنان‌چه زوجه محمد بیک را حرف حسابی نباشد بعد از این مزاحم نشده باشد والا کمترین به تکلیف شرعی خود رسیده باشم. باقی امرکم الاشرف الاعلی مطاع.

بسم اللّه تعالی

الملک للّه تعالی- فرمان همایون شد که قره باصره خلافت کبری و غره ناصیه سلطنت عظمی فرزند مسعود کیکاوس میرزا صاحب‌اختیار دار الایمان قم به وفور عنایات شاهانه مفتخر و مباهی بوده بداند که چون عارض به شرح متن عرض و در مقام استدعا برآمده است لهذا دکاکین مذکور وقف سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها و علی آبائها التحیهٔ می‌باشد سالهای سال است که منافع آنها صرف روشنایی سرکار فیض آثار شده و می‌شود قدغن نمایند که کماکان در تصرف متولی دکاکین بوده، به لوازم وقفیت عمل کرده، چنانچه زوجه محمد بیک را سخن حسابی نبوده باشد به اتفاق متولی دکاکین محضر

عالی‌جنابان قدسی‌القابان میرزا ابو طالب و میرزا علی رضا و حاج سید اسماعیل حاضر که ایشان به مرافعه مزبوره رسیده بعد از این‌که حقیقت زوجه محمد بیک مشخص شد و از عالی‌جنابان فضلاء مرقوم حکم شرعی صادر نموده، دکاکین خود را تصرف نماید. عالی‌شان عزت و سعادت‌نشان نایب قم حسب المقرر معمول داشته، توقف جایز ندانسته و در عهده شناسند. سنه ۱۲۴۴.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۴

۷۹ [۹] فرمان مورخ صفر ۱۲۴۶ از همان پادشاه خطاب به میرزا اسد اللّه متولی آستانه مقدس

در واگذاردن خدمت استیفاء آستانه به میرزا علی رضا و میرزا محمد حسین فرزندان میرزا محمد ابراهیم مستوفی قمی، با قرار دادن ۳۷ تومان نقد و ۴ خروار غله جنس بابت مواجب آن دو.

۸۰ [۱۰] فرمان مورخ ج ۱– ۱۲۵۹ از محمد شاه قاجار درباره همین خدمت برای میرزا علی رضا فرزند میرزا محمد ابراهیم مستوفی.

فرمانی از دوران ولایت عهد ناصر الدین شاه نیز مورخ ذ ق- ۱۲۶۲ درباره او دیده شد که طی آن از بابت استیفاء خاصه دیوانی وظیفه‌ای برای وی قرار داده شده بود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۵

صاحب نسقی

اشاره

خدمت صاحب نسقی (کارپردازی) آستانه مقدس از اواخر روزگار صفوی تا پایان دوره قاجار با این افراد بوده است:

۱- میرزا مطهر تفرشی که در دوره طهماسب دوم و اوائل عهد نادر شاه صاحب نسق آستانه بوده و در رجب ۱۱۴۶ سه دانگ قریه بطلیجرد سراجه قم را بر آستانه وقف نموده و پیش از ۱۱۵۳ درگذشته است. در فرمان مورخ ج ۲- ۱۱۵۳ نادر شاه از او و حکمی که به نام وی صادر شده بود، و در نسخه جمع و خرج سال ۱۱۴۷ آستانه از رقم شاه طهماسب در باب وظیفه و مقرری وی یاد می‌شود.

۲- میرزا محمد علی که پس از میرزا مطهر عهده‌دار این خدمت گردیده و در همان فرمان نادر از او یاد شده است.

۳- میرزا محمد مؤمن پسرعم میرزا مطهر که منصب مزبور به تغییر میرزا محمد علی طی فرمانی از نادر بدو واگذار شد و از پیرامون سال ۱۱۵۰ و اند تا پس از ۱۱۶۷ در این مقام بود و چنان‌که چند سطر بعد می‌بینیم پیش از سال ۱۱۷۲ درگذشت. سه فرمان از نادر و فرمانروایان پس از او درباره وی به دست داریم که در همین‌جا دیده می‌شود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۶

۴- میرزا علی اصغر فرزند میرزا محمد مؤمن که طبعا پس از پدر عهده‌دار صاحب‌نسقی آستانه بوده است. در مجموعه ش ۴۴۷۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه قطعه‌ای به شکسته نستعلیق خوش در دو صفحه تحریر شده که در پایان آن (ص ۱۵۲) خوانده می‌شود:

«حسب الخواهش عالی‌حضرت گرامی منزلت میرزا علی اصغر این مرحمت و غفران‌پناه میرزا محمد مؤمن صاحب‌نسق آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها التحیهٔ و الثنا به جهت یادداشت قلمی گردید ... محمد اسماعیل اصفهانی فی بلدهٔ المؤمنین قم سنه ۱۱۷۲»

۵- میرزا محمد علی گویا فرزند میرزا علی اصغر. در این بحث سه فرمان از فتحعلی شاه مورخ رجب ۱۲۲۲ و محرم ۱۲۴۸ و ج ۲ همین سال به نام میرزا محمد علی صاحب‌نسق هست. در فرمانی مورخ ج ۲- ۱۲۷۱ گفته می‌شود که میرزا محمد علی صاحب‌نسق در این سال درگذشته است. در بخش سوم این مجموعه مصالحه‌نامه اجاره مزارع و باغات و قراء و مستغلات وقفی سرکار فیض آثار مورخ ۹ رمضان ۱۲۶۰ به خط و مهر این میرزا محمد علی هست. لیکن باید دید همه این اسناد مربوط به یک تن است یا دو تن با این نام صاحب‌نسق آستانه بوده‌اند.

۶- میرزا علی اصغر صاحب‌نسق که در پیرامون میانه قرن سیزدهم می‌زیسته و مردی دانشمند بوده و در ادبیات عرب و برخی دانش‌های مذهبی تدریس می‌نموده است .

۷- میرزا محمد صادق فرزند میرزا محمد علی، صاحب نسق آستانه از

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۷

ج ۲- ۱۲۷۱ تا آغاز سال ۱۳۲۸. او نیز مردی دانشمند بوده و کتابی به نام «گنجینه الجوامع» در لغت عربی به فارسی نگاشته است .

۸- حاجی میرزا محمد مهدی فرزند دیگر میرزا محمد علی، صاحب‌نسق آستانه از صفر ۱۳۲۸ به بعد.

اسنادی که در اینجا می‌بینیم به‌جز شماره‌های ۴ و ۶ و ۷ در اختیار آقای محمد صاحب‌نسق فرزند میرزا علی اکبر فرزند همین حاجی میرزا محمد مهدی (مقیم تهران) است.

۸۱ [۱] فرمان مورخ ج ۲ – ۱۱۵۳ از نادر شاه افشار در واگذاردن خدمت صاحب‌نسقی آستانه قم به میرزا محمد مؤمن، با اشاره به فرمانی که پیش‌تر در همین‌باره به نام او صادر شده و ناپدید گردیده بود.

در این سند گفته می‌شود که خدمت مزبور پیش از این با فرمانی از همین پادشاه به میرزا مطهر تفرشی پسرعم میرزا محمد مؤمن مفوض بوده و پس از او میرزا محمد علی آن را عهده‌داری می‌نموده است:

فرمان همایون شد آن‌که بنابر شفقت و عنایت بی‌منتهای شاهنشاهی و مرحمت و مکرمت بی‌حد و احصای ظل اللهی درباره شرافت و نجابت و معالی‌پناه نظاما میرزا محمد مؤمن از ابتداء هفت ماهه دوم سنه میمونه تخاقوی‌ئیل خدمت صاحب نسقی سرکار فیض‌مدار حضرت معصومه علیها التحیهٔ که قبل ازین حسب الرقم قضاشیم مبارک مطاع به مرحوم میرزا مطهر تفرشی بنی عم او مفوض و مرجوع

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۶۸

بوده به تغییر میرزا محمد علی به شرافت و نجابت‌پناه مشارالیه شفقت و مرحمت فرموده، ارزانی داشتیم که از روی هوش و شعور و کمال و فراست و کیاست چنانچه شاید و باید و از حسن نیکوخدمتی او آید و سزد به لوازم خدمت مزبور و ملزومات آن قیام و اقدام نموده، به ... ما در رونق و انتظام و توفیر و تکثیر زراعت و محال موقوفات متعلقه به سرکار فیض آثار و رتق‌وفتق مهمات آستانه مقدسه منوره سعی موفور به منصه ظهور رساند و دقیقه [یی] از دقایق فوت و فروگذاشت ننماید و آنچه به هرجهت در وجه صاحب نسقان سابق از مقرری برقرار و مستمر بوده به دستور در وجه شرافت و نجابت‌پناه مزبور مقرر

و عنایت فرمودیم که هرساله به دستور استمرار بازیافت و صرف معیشت خود نماید.
سلالهٔ النجبائی متولی و مستوفی و مباشرین و خدمه سرکار فیض آثار شرافت پناه مشارالیه را صاحب‌نسق بالاستقلال و الانفراد سرکار آستانه مقدسه متبرکه منوره دانسته، از سخن و صلاح مقرون به حساب مومی‌الیه بیرون نروند و در امور متعلقه به خود خط و مهر و سخن او را مناط اعتبار دانسته، اوامر و نواهی او را درخصوص رتق‌وفتق سرکار فیض آثار مزبور مطیع و منقاد بوده تجاوز ننمایند و از فرموده تخلف نورزند.
عالی‌جاه مقرب الخاقان مستوفی الممالک و سایر مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت و از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس دانسته، در عهده شناسند.
مقرر آن‌که رقم مبارک که درخصوص صاحب‌نسقی مزبور سابق صادر شده و مفقود شده با رقم مزبور حکم آن را متحد دانند.
تحریرا فی جمادی الثانیه ۱۱۵۳.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۶۹

۸۲ [۲] فرمان مورخ ذ ق– ۱۱۶۰ از ابراهیم خان افشار که نام او در پایان مصرع دوم سجع مهر فرمان (کنار نخستین سطر آن) خوانده می‌شود مبنی‌بر تنفیذ میرزا مؤمن صاحب نسق در این خدمت:

فرمان والا شد آن‌که بنابر توجهات خاطر خطیر والا درباره سلالهٔ الاشراف و النجباء العظام میرزا مؤمن صاحب‌نسق آستانه مقدسه مکرمه معصومه صاحب نسقی سرکار مزبور را کماکان به سلالهٔ الاشراف مشارالیه مفوض و مرجوع فرموده، مواجب و مقرری که قبل از این در وجه مشارالیه مقرر بوده به دستور برقرار فرمودیم که از روی راستی و درستی و کمال امیدواری به لوازم و مراسم خدمت مزبور قیام و اقدام نموده، در تنظیم و تنسیق سرکار مزبور لازمه سعی و اهتمام مرعی داشته، حسن خدمت خود را به منصه ظهور رساند.
ضابط و عمال دار المؤمنین قم و خدمه آستانه مقدسه منوره سلالهٔ النجباء مشار الیه را صاحب‌نسق بالاستقلال و الانفراد سرکار مزبور دانسته، چنانچه مشارالیه را در باب نظم و نسق املاک سرکار مزبور اعانت و امدادی لازم باشد به عمل آورده، از سخن و صلاح مشارالیه در باب امر مزبور تجاوز ننمایند و در جمیع امور متعلقه به سرکار آستانه مقدسه نورانیه بدون اطلاع سلالهٔ النجباء مشارالیه حواله و دادوستد ننمایند. کتاب دفترخانه سرکار والا فرمان والا را در دفاتر خلود ثبت نموده، در عهده شناسند.
تحریرا فی ذی قعدهٔ الحرام سنه ۱۱۶۰.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۰

۸۳ [۳] فرمان مورخ ج ۲– ۱۱۶۷ در تنفیذ و امضاء فرمان نادر شاه خطاب به بیگلر بیگی قم و متولی آستانه بالای عریضه محمد مؤمن صاحب نسق با مهر «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد مؤمن ۱۱۴۸» پشت عریضه، و مهر:

«به خصم نصرت فیروزیم خداداد است کمر به بندگیش هرکه بست آزاد است
۱۱۶۵»
در پایان فرمان:
عرضه داشت کمترین بندگان [محمد مؤمن صاحب‌نسق آستانه قم] به ذروه عرض وکلاء اجلاء نواب مستطاب عالی می‌رساند

از روزی که کمترین را نواب رضوان‌جایگاه نادر شاه به شغل صاحب‌نسقی سرکار فیض آثار سرافراز گردانید حسب الحکم نادری مقرر گردید که جمیع دادوستد جز وی و کلی امور سرکار از اسناد خرج و بروات دفتری به مهر عالی‌جناب متولی و کمترین دادوستد شود و چندی قبل از این‌که هریک حسب الخواهش خود امور را فیصل می‌دادند و دادوستدی که در سرکار می‌شد خلاف حکم نادر شاه بود بدون مهر و اطلاع کمترین دادوستد نموده‌اند و موافق دستور العملی که قرار داده یک عشر از مداخل سرکار در وجه متولی و یک عشر در وجه کمترین مقرر فرموده که هرساله بازیافت می‌نمود و چون در آن وقت سیورغال سرکار فیض آثار مقطوع بوده به این جهت در آن‌خصوص امری مقرر نگردیده و درین وقت که برقرار شده است عالی‌جناب متولی عشر خود را بازیافت و لیکن عشر کمترین الی حال به عقده تعویق افتاده است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۱

استدعا آن‌که قربهً الی اللّه تعالی تعلیقچه رفیعه صادر شود که رسد عشر سیورغال کمترین را نقدا جنسا از گذشته و آینده به دستور سایر مداخل سرکار مهم‌سازی نمایند که صرف معیشت خود نموده، در آستانه مقدسه به دعاگویی ذات بابرکات وکلاء عالی قیام و اقدام نماید که هر آینه عند اللّه و عند رسوله ضایع نخواهد شد. الباقی امره العالی.

[متن فرمان:]

الملک للّه

حکم مطاع شد آن‌که عالی‌جاه معلی‌جایگاه امیر الامراء بیگلر بیگی دار المؤمنین قم و متولی سرکار آستانه مقدسه چون صاحب عریضه به شرح متن معروض رای جهان‌گشا داشته لهذا مقرر فرمودیم که چون سابقا در ایام خاقان رضوان مکان نادر سلطان صاحب عریضه با عالی‌جناب متولی سهیم، و دادوستدی که واقع شده به مهر و به مصلحت و صوابدید هر دو بوده و بدون اطلاع ایشان داد وستد سرکار فیض آثار آستانه مقدسه نشده و یک عشر از مداخل سرکار آستانه مقدسه در وجه متولی و یک عشر در وجه صاحب عریضه مقرر بوده باز از آن قرار شغل و خدمت عارض مشارالیه را برقرار و یک عشر مداخل مستمری را با یک عشر سیورغال در وجه او رسانیده، از فرموده تخلف نورزند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۱۶۷.

۸۴ [۴] فرمان مورخ ع ۱– ۱۲۱۲ از فتحعلی شاه قاجار

خطاب به متولی آستانه قم بالای عرضه داشت میرزا علی اصغر صاحب‌نسق، مبنی‌بر تنفیذ او در این مقام با اشاره به فرمان آقا محمد خان و احکام و ارقام پادشاهان پیش از او در واگذاردن این خدمت به وی و پدران

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۲

و نیاکان او که از دوران صفوی این منصب را عهده‌داری می‌نموده‌اند .

۸۵ [۵] فرمان مورخ رجب ۱۲۲۲ از فتحعلی شاه بالای عرضه داشت میرزا محمد علی صاحب‌نسق، با اشاره به احکام هاهان گذشته و آقا محمد خان قاجار و حکمی که پیش از این از همین پادشاه در این مورد و به نام این شخص صادر گردیده بود:

عرضه داشت کمترین بندگان و اقل داعیان [محمد علی صاحب‌نسق سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه التحیهً] به موقف عرض واقفان بارگاه عرش اشتباه خلایق امیدگاه خدیو زمان و مقیمان حضور با هر النور مرحمت دستور قبله عالم و عالمیان خلد اللّه ملکه و ادام اللّه ایام سلطنته می‌رساند که قربان خاک پای پر بهای ساطع الضیای مبارکت شوم چون بر هریک از

داعیان دولت ابد توأمان لازم است که مطالب و مستدعیات خود را عرضه داشت عتبه علیه سلطانی و معروض رای مهر ضیای خسروانی سازند که به عز انجاح مقرون گردد بناء علیه جسارت به عرض می‌نماید که از قدیم الایام موافق احکام سلاطین با تمکین سلف و فرمان خاقان علیین آشیان نور اللّه مضجعه خدمت صاحب‌نسقی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه التحیهٔ به کمترین بندگان مرجوع و حکم رفیع منیع عالمیان مطیع شاهنشاهی را نیز در دست دارد که امر و مقرر گردیده که کماکان خدمت مذکور به اقل داعیان مفوض و مرجوع، و مقدار ده خروار غله از بابت یکصد خروار که در وظیفه خدام مقرر است و عشر مداخل سرکار فیض آثار از موقوفات و نذورات و غیره به قرار سنوات سابق بازیافت دارد و حال بعضی کسان در امور فقیر اخلال و مزاحمت می‌رسانند و عشر مداخل سرکار را به قرار سنوات سابق تمام و کمال مهم‌سازی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۳

نمی‌نمایند و رقم قدر توأم مجدد مطالبه می‌نمایند.

استدعا از مراحم بیکران و اشفاق بی‌پایان خدیو زمان چنان است که رقم قضاشیم از مصدر عز و جاه شرف اصدار یابد که عالی‌جناب متولی و مباشرین دار المؤمنین قم و سرکار فیض آثار همه‌ساله به قرار سنوات سابقه مقدار ده خروار غله مستمری کمترین را از بابت مقدار یکصد خروار که در وجه خدام سرکار مقرر است به‌انضمام عشر مداخل سرکار از موقوفات و نذورات و غیره همه‌ساله مهم سازی و احدی دخل و تصرف در خدمت چندین ساله کمترین نکرده و انجام خدماتی که در عهده صاحب‌نسق است به کمترین واگذارند و احدی را رجوعی ندهند و رقم مجدد بعد الیوم مطالبه ننمایند. چون مطالب معروضه از لوازم بود جسارت به عرض نمود. باقی امره الاشرف الاعلی مطاع.

[متن فرمان:]

بسم اللّه تعالی شأنه العزیز

الملک للّه تعالی- حکم همایون شد آن‌که چون صاحب عریضه به شرح متن عرض و استدعا نموده است لهذا از قرار حکم جهان‌مطاع سابق خدمت صاحب نسقی سرکار فیض آثار با صاحب عریضه بوده است باز کماکان شغل مزبور را به مشارالیه شفقت و مرحمت فرمودیم که احدی داخل و تصرف در شغل مذکور ننماید.

مقرر آن‌که عالی‌جناب قدسی‌القاب سلالهٔ السادات متولی و مباشرین سرکار فیض آثار و عالی‌شأنان عمال نیکواعمال دار الایمان قم شغل صاحب‌نسقی را به طریق سابق مختص عارض دانند و غله مستمری او را به‌انضمام عشر مداخل سرکار از موقوفات و نذورات و غیره به طریق سابق همه‌ساله بدون کسر و نقصان مهم‌سازی و ملزومات خدمت مذکور را به او واگذارند و بعد از این مطالبه حکم مجدد ننمایند و در عهده شناسند.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۴

تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۲۲.

۸۶ [۶] فرمان مورخ محرم ۱۲۴۸ از فتحعلی شاه بالای عرضه داشت میرزا محمد علی صاحب‌نسق درباره مستمری او و خطاب به کیکاوس میرزا حکمران قم.

اصل این سند در کتابخانه عمومی آیت اللّه مرعشی در قم است:

عرضه داشت کمترین بندگان [محمد علی صاحب‌نسق سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها آلاف التحیه] به موقف عرض مقیمان پایه سریر خلافت مصیر بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان اعلی‌حضرت صاحب‌قرانی روحی فداه می‌رساند

که کمترین بنده دعاگوی ارادت شعار از بدو سلطنت میمنت آثار الی الان از دربار معدلت مدار موظف بوده و مبلغ سه تومان تبریزی نقد و مقدار سه خروار دیوانی غله به صیغه وظیفه از بابت مالیات دار الایمان قم صانها اللّه عن التصادم در وجه کمترین برقرار است و در این اوقاف کارگذاران سرکار شوکت‌مدار نواب مستطاب فلک جناب سپهر رکاب شاهزاده والاتبار صاحب اختیار دار الایمان مزبور مطالبه فرمان مجدد از کمترین داعیان فرمودند. بناء علیه ملتمس و مستدعی از مراحم بی‌کران اعلی‌حضرت صاحب‌قرانی چنان است که فرمان مبارک شرف صدور یابد که نقد و جنس مزبور را کماکان در وجه این داعی برقرار فرموده که بدون مسامحه و مساهله کارسازی فرمایند و مطالبه فرمان مجدد ننمایند که فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت ابد آیت اشتغال نموده و موجب ازدیاد امیدواری این داعی خواهد بود.

الباقی الامر الاشرف الاعلی مطاع.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۷۵

[متن فرمان:]

حکم همایون شد که فروزان کوکب آسمان خلافت و تاج‌داری و تابان پرتو مهر سلطنت و جهان‌داری خجسته فرزند مسعود کیکاوس میرزا صاحب و اختیار دار الایمان قم ترادف اعطاف خاطر خطیر پادشاهی مباهی بوده بدانند که چون عالی جناب میرزا محمد علی عارض به شرح مسطور متن عرض و در مقام استدعا برآمده است لهذا مبلغ سه تومان نقد و مقدار سه خروار جنس که از بابت مالیات ولایت مزبوره در وجه عالی‌جناب مشارالیه به ازاء شغل صاحب‌نسقی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه آلافها التحیهٔ برقرار بود از هذه السنه میمونه لوی‌ئیل خیریت دلیل و ما بعدها مبلغ و مقدار مزبور را کماکان در وجه مشارالیه برقرار فرمودیم که همه‌ساله از بابت مالیات ولایت مزبوره به طریق سابق بازیافت نموده، به شغل مذکور و دعاگویی دوام دولت ابد ظهور قیام و اقدام نماید. باید آن فرزند مسعود حسب المقرر معمول و به کارکنان خود قدغن نماید که مبلغ و مقدار مزبور را کما فی السابق عاید عالی‌جناب مشارالیه نموده، معطل ندارند. مقرر آن‌که عالی جاهان رفیع جایگاهان عزت و جلالت دستگاهان مقربی الخاقان مستوفیان عظام دیوان همایون شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت نموده، در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۴۸.

۸۷ [۷] فرمان مورخ ج ۲– ۱۲۴۸ از فتحعلی شاه در امضای مقرری میرزا محمد علی صاحب‌نسق از آستانه، خطاب به کیکاوس میرزا و میرزا محمد رضا متولی‌باشی، بالای عرضه داشت صاحب‌نسق مزبور.

اصل این سند نیز در کتابخانه عمومی آیت اللّه مرعشی در قم است:

عرضه داشت اقل دعاگویان [محمد علی صاحب نسق سرکار فیض آثار]

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۷۶

آفتاب عنایت بی‌زوال راضیا افزای ساحت احوال و آمال خود دانسته، به موقف عرض قرب‌یافتگان حضور باهر النور اعلی‌حضرت قدر قدرت قضا مهابت فلک رفعت خورشید رایت مریخ سطوت مشتری درایت خاقان گیتی‌ستان و سلطان صاحب قران ظل اللّه فی الارضین روحی و روح العالمین فداه می‌رسانند که قربان خاک پای جواهرآسای مبارکت گردم، سال‌هاست بل قرن‌هاست که از عهد سلاطین سلف و از بدو دولت اعلی حضرت خاقان صاحب قران الی الان خدمت صاحب‌نسقی سرکار موهبت‌مدار ابا عن جد به کمترین بندگان مفوض و مرجوع بوده و عشر مقرری به ازاء شغل مزبور در

وجه داعی از سرکار فیض آثار مستمر و برقرار است و فرمان قضا جریان اعلی حضرت شاهنشاهی را نیز در دست دارد و حال بعضی می‌خواهند که از مقرری این دعاگو کسر و نقصان نمایند. استدعا از مرحمت و مکرمت بی نهایت پادشاهی چنان است که فرمانی به امضاء فرمان سابق شرف صدور پذیرد که مقرری این دعاگو را مطابق فرامین قضاآیین و موافق معمولی سنوات سابق بدون کسر و نقصان کارسازی نموده، مطالبه فرمان مجدد ننمایند و به هیچ‌وجه من الوجوه دخل و تصرف به شغل مزبور و مقرری آن احدی ننماید که فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت جاوید مدت اعلی‌حضرت شاهنشاهی اشتغال نماید که هر آینه موجب خشنودی خدا و رسول خواهد بود. امرکم الاشرف الارفع الاعلی.

[متن فرمان:]

حکم همایون شد که فروزان‌کوکب آسمان خلافت و تاج‌داری و تابان‌پرتو مهر سلطنت و جهان‌داری فرزند مسعود کیکاوس میرزا صاحب‌اختیار دار الایمان قم به ترادف خاطر خطیر پادشاهی مباهی بوده بداند که چون عالی‌جناب مقدس‌القاب میرزا محمد علی عارض به شرح مسطور متن عرض و در مقام استدعا برآمده است ایجابا لمسئوله به آن فرزند مسعود حکم و مقرر می‌فرماییم که به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۷

حقیقت مراتب معروضه رسیده، درصورتی‌که عالی‌جناب مشارالیه موافق فرامین سابق به ازاء شغل صاحب‌نسقی از سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه آلاف الثنیه عشر مقرری داشته باشد قدغن نماید که مقرری او را کما فی السابق عاید او نموده، موقوف و معطل ندارند و مطالبه فرمان مجدد ننمایند. مقرر آن‌که عالی جاه رفیع‌جایگاه عزت و افادت همراه سلالهٔ السادات میرزا محمد رضای متولی باشی سرکار فیض آثار حسب المقرر معمول و موافق معمولی سابق همه‌ساله مقرری عالی‌جناب عارض را بدون کسر عاید او ساخته، تخلف جایز ندارد و در عهده شناسد.

تحریرا فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۴۸.

۸۸ [۸] فرمان مورخ ج ۲- ۱۲۷۱ از ناصر الدین شاه در واگذاردن خدمت صاحب‌نسقی آستانه به میرزا محمد صادق فرزند میرزا محمد علی صاحب‌نسق، با اشاره به احکام و ارقام فتحعلی شاه و محمد شاه در تفویض این خدمت که ابا عن جد با خاندان این میرزا محمد علی بوده است بدو، و با اشاره به درگذشت وی در این سال:

فرمان همایون شد آن‌که چون از قرار فرامین قضاآیین خاقان جنت مکان مغفور و شاهنشاه رضوان‌جایگاه مبرور البسهما اللّه تعالی حلل النور از قدیم الایام ابا عن جد منصب صاحب‌نسقی موقوفات و نذورات سرکار فیض آثار بضعه مطهره بنت امام الهمام موسی ابن جعفر فاطمه معصومه علیها السلام مختص مرحوم میرزا محمد علی صاحب‌نسق بوده و در هذه السنه به رحمت ایزدی پیوسته، لهذا نواب اقدس همایون ما نیز نظر به مراتب قابلیت و شایستگی عالی‌جناب قدسی القاب اصالت و نجابت‌انتساب سلالهٔ الاعاظم و الافاخم و الاعیان میرزا محمد صادق ولد آن مرحوم از هذه السنه بارس‌ئیل خجسته تحویل و ما بعدها شغل مزبور را

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۸

کما فی السابق به عالی‌جناب مشارالیه مفوض و مبلغ سه تومان نقد و مقدار سه خروار غله که در ازای منصب مزبوره از قرار فرامین جداگانه به صیغه مواجب در وجه مرحوم مزبور مرحمت شده بود کماکان در وجه میرزا محمد صادق مرحمت فرمودیم که در هذه السنه و ما بعدها مبلغ و مقدار مسطوره را بازیافت نموده، صرف معیشت و گذران خود نماید و به لوازم

شغل مزبور در نهایت اطمینان خاطر پردازد و عشر مقرری و مستمری که از بابت غله شاهی و موقوفات و نذورات سرکار فیض آثار در وجه صاحب‌نسق بقعه مطهره مستمر و برقرار بود مطابق ... به او عاید گردد. مقرر آن‌که عالی‌جاهان مجدت و نجدت همراهان حکام و مباشرین امور دیوانی دار الایمان قم منصب مزبور را مخصوص او دانند و به نحو مقرر مواجب او را عاید سازند. عالی‌جاه سیادت‌پناه متولی آستانه مقدسه لوازم شغل مزبور را به مشارالیه واگذارد. کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده و در عهده شناسند.

فی شهر جمادی الثانی ۱۲۷۱.

[حاشیه:]

مبلغ سه تومان نقد و مقدار سه خروار جنس در جزو مستمری به اسم مرحوم میرزا محمد علی صاحب‌نسق به خرج نوشته شده.

۸۹ [۹] تعلیقه میرزا محمد رضا متولی‌باشی آستانه قم در ابلاغ حکم شاه، مورخ ذ ح– ۱۲۷۱ با تحشیه مستوفی آستانه و با مهر متولی باشی بعد که پس از عهده‌داری تولیت بنابر معمول تعلیقه را توشیح نموده است، با اشاره به تعلیقه‌جات متولیان قدیم آستانه درباره این خدمت:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۷۹

هو اللّٰه تعالی شأنه

چون از قرار فرامین قضاآیین خواقین جنت‌مکان مغفور و شاهنشاه رضوان جایگاه مبرور البسهما اللّه حلل النور و از قرار تعلیقه‌جات متولیان قدیم نور اللّه مضجعه از قدیم الایام ابا عن جد منصب صاحب‌نسقی موقوفات و نذورات سرکار فیض آثار بضعه مطهره بنت امام الهمام موسی ابن جعفر فاطمه معصومه علیها السلام مختص مرحوم میرزا محمد علی صاحب‌نسق بوده و در هذه السنه به رحمت ایزدی پیوسته لهذا سرکار اعلی‌حضرت اقدس شهریاری روحنا فداه از قرار فرمان قضا جریان جهان‌مطاع منصب مزبور را نظر به مراتب قابلیت و شایستگی عالی‌جناب قدسی‌القاب اصالت و نجابت انتساب سلالهٔ الاعاظم و الافاخم میرزا محمد صادق ولد آن مرحوم از هذه السنه بارس‌ئیل خجسته تحویل و ما بعدها کما فی السابق به عالی‌جناب مشارالیه مفوض و مرحمت فرموده‌اند و عشر مقرری و مستمری که از بابت غله شاهی و موقوفات و نذورات سرکار فیض آثار که در ازای خدمت مزبوره از قرار فرامین مرحمت شده بود کماکان در وجه میرزا محمد صادق مرحمت فرموده که در هذه السنه و ما بعدها دریافت نموده، صرف معیشت و گذران خود نماید و در نهایت اطمینان خاطر به لوازم شغل مزبور پردازد.

بناء علی هذا و بنابر امتثال و انقیاد فرمان مهر لمعان و حکم قدر توأمان اقدس شهریاری روحنا فداه منصب مزبور را به عالی‌جناب قدسی‌القاب اصالت و نجابت انتساب میرزا محمد صادق مرجوع و مفوض داشته که عشر مقرری و مستمری و غله شاهی و موقوفات و نذورات که در سرکار فیض آثار است به طریق سابق بازیافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت ابدمدت اعلی‌حضرت اقدس‌شهریاری روحنا فداه اشتغال نموده، به لوازم شغل خود پردازد.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸۰

مقرر آن‌که عالی‌جنابان قدسی‌القابان کتاب دفتر استیفای سرکار و سایر مباشرین و خدام سرکار فیض آثار عالی‌جناب مقدس‌القاب میرزا محمد صادق را صاحب‌نسق بالاستقلال دانسته، لوازم احترام را منظور دارند و کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفا و مشرف سرکار موهبت‌مدار ثبت تعلیقه را به‌جهت استحضار در سررشته‌جات خود ضبط نمایند. و کان ذلک تحریرا

فی شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۷۱.
[حاشیه:]
هو- از قرار فرمان قضا جریان قدر قدر مهر لمعان منصب جلیل و شغل نبیل صاحب‌نسقی سرکار فیض آثار به عالی‌جناب میرزا محمد صادق خلف مرحوم مبرور میرزا محمد علی مرجوع است و برحسب وراثت هم شغل مزبور به عالی جناب می‌باید مفوض شود و او را می‌رسد و مطابق فرمان مطاع آفتاب شعاع هم از سرکار جلالت‌مدار صاحب‌اختیاری میرزای متولی‌باشی هم تعلیقه امضا صادر شده. به مقتضای احکام مطاعه شغل مزبور بالاستقلال و الانفراد مخصوص و مختص اوست و مقرریات و مرسومات آن را همه‌ساله در وجه او کارسازی خواهد داشت.
ان شاء اللّه میمون و مبارك است. و انا الجانی محمد حسین مستوفی سرکار فیض آثار.

۹۰ [۱۰] حکم نمره ۷۱۳ مورخ ۱۲ صفر ۱۳۲۸ وزارت معارف و اوقاف و فوائد عامه مبنی بر تفویض صاحب‌نسقی آستانه به حاج میرزا محمد مهدی برادر میرزا محمد صادق مزبور:

از قرار فرامین سلاطین ماضین و اسناد مشتمله بر تصدیق و شهادت متولیان و صاحب‌منصبان و سایر خدام آستانه مبارکه حضرت معصومه سلام اللّه علیها که در وزارت اوقاف ملاحظه شد و صورت آنها ثبت شد منصب و شغل صاحب‌نسقی
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸۱
کل موقوفات و اخذ عشر مقرری و مستمری و غله شاهی و موقوفات و نذورات آستانه مبارکه که در ازاء خدمت مزبوره است ابا عن جد با جناب آقا میرزا محمد صادق است. چون معزی‌الیه عجالتا مسافر و برحسب اظهار شخصی خود را از این کار خارج نمودند لهذا جناب حاج میرزا محمد مهدی صاحب‌نسق اخوی ایشان را وزارت جلیله معارف و اوقاف برطبق مستندات و مراتب لیاقت و شایستگی بر منصب و شغل صاحب‌نسقی و اخذ عشر از عایدات موقوفات و مستمری و مقرری شاهی و نذورات برقرار نمود. جناب مستطاب متولی‌باشی هم قدغن خواهند فرمود صاحب‌منصبان و سایر خدام مشارالیه را بر این سمت شناخته و او را در انجام خدمات سابقه به خود تقویت نمایند. به تاریخ شهر فوق سنه ۱۳۲۸.

۹۱ [۱۱] فرمان مورخ ذ ح- ۱۳۳۳ از احمد شاه قاجار در واگذاردن صاحب‌نسقی آستانه به همان حاج میرزا محمد مهدی:

آن‌که چون موافق فرامین سلاطین سلف انار اللّه تعالی براهینهم منصب صاحب‌نسقی موقوفات و نذورات آستانه متبرکه حضرت معصومه سلام اللّه علیها از سوابق ایام ابا عن جد با مرحوم میرزا محمد علی صاحب‌نسق بوده نواب همایون ما نیز نظر به مراتب استحقاق و اهلیت جناب حاجی میرزا مهدی به تصویب وزارت جلیله اوقاف منصب صاحب‌نسقی آن آستانه متبرکه را به مشارالیه محول و در هذه السنه و ما بعدها مبلغ سه تومان نقد و سه خروار غله که از قرار فرامین جداگانه برای این خدمت مقرر است کماکان درباره او برقرار فرمودیم که همه‌ساله دریافت داشته، به وظایف خدمت مرجوعه پردازد و عشر مقرری و مستمری که از بابت غله شاهی و جنس و نقد موقوفات و نذورات که مستمر و برقرار بوده کما فی السابق باید عاید مشار الیه گردد. مقرر آن‌که به‌موجب این فرمان قدر توأمان مبارک
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸۲
حکام و مباشرین امور دیوانی خطه قم و جناب متولی‌باشی و عموم خدام و کارکنان آستانه مطهره لوازم این منصب را مخصوص به مشارالیه دانسته و در مواقع لزوم به مشارالیه رجوع و مراتب توقیر و احترام مقتضی شغل مزبور را در حق او مرعی

دارند و جنابان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نمایند.

فی شهر ذی حجة الحرام ۱۳۳۳.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۸۳

سرکشیکی

اشاره

خدمتگزاران آستانه قم بنابر سنتی قدیم از دیرباز در سه کشیک انجام وظائف می‌نموده‌اند و بنابراین آستانه را در دوره صفوی تا ربع نخستین قرن سیزدهم همواره سه سرکشیک بوده است. در «نسخه جمع و خرج سرکار فیض آثار» مربوط به آخرین سالهای فرمانروایی صفویان و نیز در «طومار تقسیم غله» مورخ به سال ۱۲۱۳ از سه سرکشیک یاد می‌شود.

در میانه دوره شاهی فتحعلی شاه این سنت دیرین دگرگون شده و شماره کشیک‌ها به هفت افزایش یافته است. در کشیک‌نامچه‌ای مورخ ج ۱- ۱۲۳۶ که متن آن در پایان همین مجموعه دیده می‌شود از این «هفت کشیک» که خدمت هریک «یک شبانه روز از هفت شبانه‌روز» بوده یاد گردیده است. لیکن این رسم دیر نپایید چه در اسناد مربوط به آغاز نیمه دوم این قرن باز از سه کشیک سخن می‌رود. با توجه به این نکته که شمار کشیک‌ها الزاما نماینده شمار سرکشیک‌های آستانه نبود چه برخی یا هریک از آنها را (چنان‌که در کشیک‌نامچه‌ای مورخ ذ ح- ۱۲۷۳ و جز آن می‌بینیم) دو تن از سرکشیکان سرپرستی می‌نموده‌اند. در نسخه جمع و خرج مربوط به ربع اخیر همین قرن نیز از شش سرکشیک نام برده شده است.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۸۴

نام سرکشیکان دوره صفوی و قاجار در اسناد یادشده بالا دیده می‌شود و در این‌جا به اجمال از چهار خاندان سرکشیک آستانه در دوره قاجار سخن می‌داریم:

I خاندان متولی قدیمی آستانه:

۱- میر سید احمد فرزند میرزا یحیی رضوی درگذشته ۱۲۴۱. وی گذشته از تولیت شرعی آستانه منصب سرکشیکی سرکار فیض آثار را نیز عهده‌دار بود .

۲- میرزا محمد حسین فرزند میر سید احمد که پس از پدر سرکشیک آستانه بوده است .

II خاندان سرکشیک رضوی:

اشاره

۱- سید حسین سرکشیک آستانه در سال ۱۲۱۳ فرزند سید جعفر فرزند سید حسین . تواند بود که پدران او نیز در آستانه منصب سرکشیکی داشته‌اند.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۸۵

۲- سید جعفر سرکشیک فرزند سید حسین مزبور.

یکی از شش سرکشیک آستانه که نام آنان در فرد مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم هست .

۳- سید تقی فرزند سید جعفر . نام و سرگذشت او در سفرنامه قم افضل الملک دیده می‌شود.

۴- سید ذبیح فرزند سید تقی سرکشیک آستانه در اواخر دوره قاجار.

درگذشته ۱۳۴۹ ق.

اینک یک طغرا از اسناد مربوط به این خاندان:

۹۲ [۱] فرمان مورخ ج ۱- ۱۳۱۱ از ناصر الدین شاه در واگذاردن مقرری حاجی سید تقی سرکشیک مزبور به فرزندان او سید ذبیح و سه تن دیگر:

نظر به عرض و استدعای جناب محامد نصاب فخر السادات الانجاب حاجی آقا تقی قمی سرکشیک آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها سلام که از خواص دعاگویان این دولت جاوید آیت است و مزید دعاگویی مشارالیه و پریشانی و استحقاق ولدان او و شمول مراحم ملوکانه درباره آنها مبلغ پنجاه تومان نقد که به صیغه مقرری در حق مشارالیه برقرار و همه‌ساله به خرج فارس منظور می‌شود در حق ولدان او مرحمت و برقرار، و به حکام حال و استقبال مملکت فارس امر

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۸۶

و مقرر می‌داریم که از معامله سنه آتیه یونت‌ئیل و ما بعدها همه‌ساله وجه مرقوم را بعد از وضع رسوم به‌موجب شرح ذیل:

[مقرری حاجی آقا تقی: ۵۰ تومان- رسوم: ۱۰ تومان

مقرری که در حق اولاد مشارالیه مرحمت شده: ۴۰ تومان

آقا سید ذبیح اللّه: ۱۰ تومان- آقا سید علی محمد: ۱۰ تومان- آقا سید مهدی: ۱۰ تومان- آقا سید طه: ۱۰ تومان]

در وجه مشارالیهم عاید دارد و معتمدوا السلطان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان قضا جریان همایون را در دفاتر خلود و دوام ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۱۱ مطابق ئیلان‌ئیل ترکی.

[حاشیه:]

هو- مبلغ پنجاه تومان که بعد از وضع رسوم دو عشر چهل تومان می‌شود مقرری جناب حاجی آقا تقی قمی در [د] ستور العمل هذه السنه ئیلان‌ئیل مملکت فارس به خرج منظور است.

III خاندان میر عبد الکریم:

اشاره

۱- سید حسن فرزند حاجی میرزا عبد الکریم فرزند میر محمد تقی . پدر او (بنابر آنچه در قباله‌هایی مورخ رمضان ۱۱۹۰ و ع ۱- ۱۱۹۱ و سند اجاره چهار صد و بیست ذرع اراضی وقفی سرکار فیض آثار واقعه در جنب خان آجری

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۸۷

مورخ ج ۱- ۱۲۲۱ و اسنادی دیگر دیده می‌شود) و شاید تنی چند از نیاکان وی نیز خدمتگزاری آستانه می‌نموده‌اند. از این سید حسن در فرمانی مورخ شوال ۱۲۱۹ با عنوان «سرکشیک» یاد شده، لیکن از سندی دیگر مورخ ذ ح- ۱۲۲۵ برمی‌آید که

تا آن هنگام به نیابت دیگری سرکشیکی داشته و از این تاریخ اخیر به استقلال خدمت مزبور را عهده‌داری نموده است. او در سال ۱۲۵۸ درگذشت.
۲- میر عبد الکریم فرزند سید حسن که به‌خاطر هم‌نامی با نیای خود بنابر معمول آن دوره «سید آقا» و «میرزا آقا» (در اسناد: آقا سید آقا و حاجی سید میرزا آقا) خوانده می‌شد. او از ذ ق- ۱۲۵۸ پس از درگذشت پدر خود عهده دار سرکشیکی آستانه گردید. گویا هموست که در یادداشت پایان پندنامه جهانگیر میرزا قاجار (ش ۲ مجموعه ۱۹۳۷ فیضیه قم) مورخ رجب ۱۲۸۹ به خط علی اکبر فیض همانند درگذشتگان یاد شده است.
۳- سید حسین فرزند میر عبد الکریم که پس از پدر سرکشیک آستانه شد و در ۱۳۰۹ درگذشت.
۴- حاجی میرزا خلیل فرزند سید حسین، درگذشته ۱۳۵۲ در کربلا، سرکشیک آستانه از ۱۳۰۹ تا پایان عمر.
در این خاندان نزدیک دویست طغرا سند دیده شد که چند طغرای آن به تناسب بحث در اینجا، و چند سند دیگر در قسمت اخیر این بخش گذارده می‌شود :

۹۳ [۲] فرمان مورخ ذ ق- ۱۲۱۴ از فتحعلی شاه خطاب به کربلائی حسین بیک نایب دار المؤمنین قم درباره وظیفه و تیولی سید حسین فرزند میر عبد الکریم قمی نخستین سرکشیک آستانه از این خاندان بالای عرضه داشت او با این متن:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸۸
عرضه داشت کمترینان بندگان [سید حسن ولد میر عبد الکریم قمی] به موقف عرض قرب‌یافتگان فیض حضور معدلت دستور بندگان اقدس امجد اشرف ارفع والا روحی فداه می‌رساند: از قرار حکم جهان‌مطاع در همه اوقات در دار الایمان قم وظیفه و فرد تیول در وجه والد کمترین برقرار بوده است و در این سال به تصدق فرق فرقدان‌آسای پادشاهی گردیده. استدعا از مراحم بیکران شاهانه و اشفاق بیضا اشراق خسروانه چنان است که الحال به طریق سابق فرمان واجب الاذعان جهان‌مطاع از مصدر عظمت و حکمرانی صادر که وظیفه و فرد تیول والد این دعاگوی را در وجه این کمترین بندگان مستمر و برقرار که همه‌ساله گرفته، صرف اخراجات و گذران خود نموده به دعاگویی دوام دولت ابدی الاتصال اشتغال نمایم. چون مراتب معروضه واجب بود جسارت به عرض مطلب نمود.
باقی امرکم الاشرف مطاع.
[متن فرمان:]
الملك للّه تعالی- حکم همایون شد آن‌که چون سیادت‌پناه عارض به شرح متن عرض و استدعا نموده‌اند لهذا بنابر مراعات جانب سادات عالی درجات و حسب الاستدعای عالی‌جناب مقدس‌القاب حقایق و عوارف اکتساب افضل الفضلاء العظام و اعلم العلماء الکرام ملا- مصطفی مقرر می‌شود که عالی‌شان رفیع‌مکان اخلاص و ارادت‌بنیان کربلایی حسین بیك نایب دار الایمان قم باید به حصول اطلاع بر مضمون فرمان جهان‌مطاع وظیفه و تیولی که سابق در وجه ولد و والد صاحب عریضه مستمر و مقرر بود کماکان برقرار دانسته و همه‌ساله مهم
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۸۹
سازی نموده که با کمال استظهار و امیدواری و رفاهیت به دعای دولت جاوید مدت قیام و اقدام نمایند. باید همه‌ساله وظیفه و تیول مقرره را مهم‌سازی و در عهده شناسند.
تحریرا فی شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۱۴.

۹۴ [۲] فرمان مورخ شوال ۱۲۱۹ از فتحعلی شاه درمورد وظیفه و تیول عالی‌جناب سـید حسن سرکشیک و خادم آستانه قم، خطاب به عالی‌جاه حاجی محمد حسین خان بیگلر بیگی قم و اصفهان و کاشان.

الملك للّه تعالی- حکم همایون شـد آن‌که بنابر مراحم بی‌پایان خسـروانه و مکارم بیکران خـدیوانه درباره عالی‌جناب عزت و سعادت‌مآب سـلالهٔ السادات العظام سید حسن سرکشیك و خادم [ولد حاجی عبد الکریم] سرکار آستانه مقدسه معصومه علیها آلاف التحیهٔ و الثنا از ابتداء هذه السنه سیچقان‌ئیل خیریت دلیل و ما بعدها کماکان از قرار تفصیل:

[نقد- ۶ تومان و ۶ هزار و ده شاهی، جنس- ۲۰ خروار

بابت یک زوج تیول: نقد- ۳ تومان و ۶ هزار و ده شاهی، جنس- ۱۵ خروار

وظیفه: نقد- ۳ تومان، جنس- ۵ خروار]

وظیفه و تیولی که در وجه عـالی‌جنـاب مشـارالیه از بـابت مالیات قم برقرار بوده در وجه عالی‌جناب مشارالیه عنایت و مرحمت فرمودیم که هرساله نقد و جنس وظیفه و تیولی خود را بازیافت و صـرف معاش و سـرمایه انتعاش خود ساخته، از روی حصول امیدواری و استظهار تمام به دعای دوام دولت ابدفرجام اقدام نماید.

عالی‌جاه رفیع‌جایگاه دولت و اقبال‌پناه شوکت و اجلال دسـتگاه فخامت و مناعت اکتناه عزت و سعادت‌همراه اخلاص و ارادت آگاه امیر الامراء العظام حاجی محمد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۰

حسـین خان بیگلر بیگی دار السـلطنه اصفهان و قم و کاشان و مضافات به نهج مقرر همه ساله مبلغ و مقدار مذکوره را در وجه عـالی‌جنـاب مشـارالیه مهم‌سـازی و به طریق سـابق تیول او را برقرار و از حواله‌جـات دیوانی معاف و مسـلم دارنـد. عالی‌جاهان رفیع‌جایگاهـان مقربی الخاقان مسـتوفیان عظام و کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شـرح فرمان قضا نظام مبارك مطاع را در سرکارات لازم ثبت نموده، از شایبه تغییر و تبدیل مصون و مأمون دانند و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر شوال سنه ۱۲۱۹.

۹۵ [۴] خطاب مورخ ذ ح- ۱۲۲۵ بـا مهر «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبـده علی اصـغر در ابلاغ فرمان فتحعلی شاه مبنی بر واگذاردن خدمت سرکشیکی آستانه قم به سید حسن مزبور.

در این متن گفته می‌شود که وی پیش‌تر به نیـابت دیگری آن خـدمت را عهـده‌داری می‌نموده و از این تاریـخ با صـدور فرمان شاه به استقلال سرکشیك آستانه گردیده است:

خطاب مسـتطاب شد آن‌که عالی‌شأنان مسـتوفیان و عمال و مباشرین سرکار فیض آثار حضرت بضعه احمدیه صلوات اللّه علیها و علی آبائها بدانند که عالی‌جناب مقدس‌القاب سـیادت و سـعادت‌انتساب آقا سـید حسن قبل از حال تحریر به وکالت شخصی از خدام سـرکار فیض آثار که به منصب سرکشیکی سرکار فیض آثار حضرت معصومه به شغل مزبور اقدام داشته، درین وقت حسب الامر قدر قدر پادشاهی از حال تحریر و ما بعدها عالی‌جناب سابق الالقاب را بالاصالهٔ و الاستقلال

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۱

متصـدی شـغل مزبور دانسـته باشـند که منصب مزبور مفوض و مرجوع به عـالی‌جناب سابق الالقاب گردیـده. مقرر می‌شود که عالی‌جناب آقا سـید حسن خود را سرکشـیك سـرکار فیض آثار حضـرت معصومه صـلوات اللّه علیها دانسته، از روی راستی و درستی متوجه خـدمت متعلقه به خود بوده، دقیقه [یی] خود را معـاف نداشـته، با کمال دین داری و اطمینان خاطر به دعاگویی

دوام عمر و دولت ابدمدت قاهره باهره حضرت سلطانی قیام و اقدام دارند و از مدلول خطاب مستطاب انحراف نورزند.
تحریرا فی شهر ذی حجة الحرام ۱۲۲۵.

۹۶ [۵] تعلیقه مورخ ج ۱– ۱۲۳۵ با مهر «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد حسین» (گویا صدر اصفهانی) درمورد تیول آقا سید حسن سرکشیک، خطاب به میرزا ابراهیم مستوفی پیشکار حکومت قم:

عالی‌شان رفیع‌مکان عزت و سعادت‌نشان ارجمندی میرزا ابراهیم مستوفی بداند که نظر به مراعات جانب عالی‌جناب قدسی‌القاب سیادت‌پناه آقا سید حسن منظور نظر عالی بوده و می‌باشد و سال‌هاست که تیول و تخفیفی در وجه مشارالیه برقرار داشته‌ایم. در این اوقات به عرض عالی رسید که به‌علت بعضی فروعاتی که واقع می‌شود تیول او رسد می‌رسانند و تخفیف مشارالیه کما هو حقه نمی‌رسد و این معنی خلاف رای وکلاء عالی می‌باشد. لهذا به آن عالی‌شان مقرر می‌شود که به وصول تعلیقه عالی و حصول اطلاع بر مضمون به طریق سنوات آنچه تیول و تخفیف که قرار داده‌ایم بدون کسر به مشارالیه رسانیده، قسم رفتار نماید که استرضای مشار الیه به‌عمل آمده باشد. چنانچه خلاف آنچه مقرر شده است رفتار نماید از آن عالی‌شان مکدر شده لازمه مؤاخذه خواهد شد. البته در هرباب مراقب احوال

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۹۲

مشارالیه باشد و در این باب قدغن لازم دانسته، در عهده شناسند.
تحریرا فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۳۵.
[حاشیه:]
مقرر آنکه درباب جمع ملک مشارالیه به‌عرض رسید که موافق ممیزی که شده است و جمع دفتر زیادتی به مشارالیه می‌شود. لهذا مقرر می‌شود که موافق همان جمع که وکلاء عالی قرار داده است دیناری زیاد مطالبه ننماید. آنچه مذکور می‌شود جمع دیگر را بر روی جمع مشارالیه گذاشته‌اند البته چند نفر اهل خبره برده فیما بین ایشان شریک (؟) پیمایی نموده، هریک از عهده جمع خود برآید.
البته در این باب قدغن لازم دانسته، تخلف نورزد. در باب آب و غیره مراعات جانب آن را منظور دارد و در عهده شناسد.
تحریرا فی شهر جمادی الاول سنه ۱۲۳۵.

۹۷ [۶] فرمان مورخ شوال ۱۲۴۴ از فتحعلی شاه در واگذاردن ضبط و نسق قریه تبرته فراهان موقوفه همین پادشاه به آقا سید حسن سرکشیک، خطاب به میرزا اسد اللّه متولی آستانه:

الملک للّه تعالی– حکم همایون شد عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و سیادت‌پناه فطانت و متانت اکتناه صداقت و سعادت‌انتباه سلالة السادات الکرام میرزا اسد اللّه متولی روضه رضوان مثال بضعه احمدی علیها و علی آبائها التحیة به عز اعلان شاهانه مباهی بوده بداند که چون طلبا لمرضات اللّه قریه تبرته واقعه در محال فراهان را از قرار وقف‌نامچه معتبر وقف سرکار فیض آثار روضه مبارکه مذکوره فرمودیم و تولیت آن چنان‌که در وقف‌نامه معین شده به حاکم شرع جامع الشرایط

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۹۳

دار الایمان قم محول است و مصارف خیری که پسند خاطر مبارک افتاد نیز در ضمن وقف مشروط آمده، باید آن عالی‌جاه قریه مزبوره را به اذن متولی ضبط نموده و چون عالی‌جناب سیادت و سعادت‌مآب سلالة السادات آقا سید حسن سرکشیک

روضه مبارکه به صلاح و سداد و امانت و رشاد موصوف و معروف است ضابطی قریه مزبوره را به اذن متولی شرعی به او محول داشته که در جمع‌آوری منافع و مداخل آنجا از نقد و جنس لازمه دقت و اهتمام به عمل آورده، در نسق زراعت و فلاحت آبادی و معموری قریه مزبوره سعی بلیغ نموده، محصولات و منافع آن را بر حسب شروط وقف‌نامه به اجازه متولی شرعی مصروف مخارج دارد و مبلغ دو تومان [و] شش هزار دینار نقد و مقدار چهار خروار و چهل [و] پنج من غله متوجهی دیوانی یک سهم اربابی از شانزده سهم قریه مزبوره را در عوض مواجب سیادت پناه مشارالیه از هذه السنه اودئیل فرخنده دلیل و ما بعدها برقرار فرمودیم که همه‌ساله گرفته، صرف مخارج خود داشته، به فراغت مشغول انتظام و انضباط امور قریه مزبوره گردد. البته آن عالی‌جاه در نظم امور متعلقه به قریه مزبوره نهایت دقت را لازم شمرده، دقیقه [یی] از دقایق شرایط وقف را مهمل و متروک نگذارد و در عهده شناسد.

تحریرا فی شهر شوال المکرم سنه ۱۲۴۴.

۹۸ [۷] فرمان مورخ رمضان ۱۲۵۰ از محمد شاه در امضاء فرمان مورخ ۱۲۴۳ فتحعلی شاه خطاب به صاحب‌اختیار دار الایمان قم پیرامون وظیفه و تیول آقا سید حسن سرکشیک:

فرمان والا شد که چون به‌موجب فرمان اعلی حضرت خاقان مغفور اسکنه اللّه تعالی فی روضات السرور که به تاریخ سال هزار و دویست و چهل [و] سه هجری

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۴

به افتخار صاحب‌اختیار دار الایمان قم عز صدور یافته است مبلغ شش تومان و سه هزار و پانصد دینار نقد و مقدار بیست خروار به وزن تبریز جنس بدین موجب:

[نقد- شش تومان و سه هزار و پانصد دینار. جنس- ۲۰ خروار

تیول مزرعه جم‌آباد: نقد- سه تومان و سه هزار و پانصد دینار، جنس- ۱۵ خروار

وظیفه: نقد- سه تومان، جنس- ۵ خروار]

در وجه عالی‌جناب سیادت و سعادت‌مآب خلاصهٔ السادات و الاطیاب آقا سید حسن سرکشیک آستان ملک پاسبان معصومه علیه آلاف الثناء و التحیهٔ مستمر و برقرار گردیده است لهذا امضای فرمان همایون و قابلیت و استحقاق عالی‌جناب مشارالیه را در معامله هذه السنه یونت‌ئیل خیریت تحویل و مابعدها مبلغ و مقدار مفصله فوق را کما فی السابق در وجه مشارالیه مستمر و برقرار فرمودیم که هرساله از بابت مالیات دار الایمان قم بازیافت و صرف معاش خود کرده، به وظایف دعاگویی قیام و اقدام نماید.

مقرر آن‌که حکام حال و استقبال دار الایمان قم هرساله نقد و جنس مزبور را کار سازی نمایند که به خرج محسوب خواهد شد. کتاب دفترخانه همایون شرح فرمان مبارک مطاع را ثبت دفاتر ساخته، در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر رمضان سنه ۱۲۵۰.

۹۹ [۸] نامه «لا اله اللّه الملک الحق المبین عبده محمد باقر» به «مقرب الخاقان میرزا محمد رضا متولی باشی» از میان سال‌های ۱۲۵۰- ۱۲۵۸، درمورد موقوفه تبرته و مواجب آقا سید حسن سرکشیک:

مقرب الخاقانا، مرجع الاناما

از قرار فرمان واجب الاذعان خاقان خلدآشیان اسکنه اللّه فی روضات

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۵

الجنان که ملاحظه شد مبلغ دو تومان و شش هزار نقد و مقدار چهار خروار و چهل و پنج من غله متوجهات دیوانی یک سهم از شانزده سهم اربابی قریه تبرته واقعه در فراهان در عوض مواجب عالی‌جاه سیادت و نجابت‌پناه سلالة السادات آقا سید حسن سرکشیک مستمر و برقرار بوده و همه‌ساله بازیافت داشته است. قلمی می‌دارد که چون مشارالیه ازجمله متعلقان ما محسوب می‌شود و مراعات او از راه خدمت قدیمی او لازم است سرکار به طریق استمرار موافق فرمان مبارک معمول فرموده، نقد و جنس مذکور را به او برسانید و درین باب به‌هیچ‌وجه مضایقه نفرمایید.

زیاده را زحمت نداد.

[حاشیه:]

مجددا زحمت می‌دهد که این امورات به سرکار است باید به انجام برسانید.

اگر خدای نخواسته سرکار را عجزی درین باب باشد بنویسید تا آن‌که از دیوان حکم شود و محصل آمده بگذراند.

۱۰۰ [۹] نامه «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده نصر اللّه» (شاید صدر الممالک اردبیلی) به «عالی‌جاه نور چشم مکرم مهربان میرزا محمد رضا متولی» از سال ۱۲۵۸ که آقا سید حسن سرکشیک درگذشته بود و درخواست واگذاردن منصب او به میر عبد الکریم فرزند بزرگ وی:

نور چشم مکرم مهربانا چون سیادت‌پناه آقا سید ابراهیم روانه آن صوب بود لازم آمد که به تحریر این چند سطر پردازد که چون مرحمت‌پناه آقا سید حسن سرکشیک آدم مقدسی و در آستانه مطهره سال‌ها خدمت نموده و استخوان‌ها شکسته بود بر همه‌کس لازم بل متحتم است که رعایت احوال وراث آن مرحوم را

تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۶

نماید خاصه آن نور چشم مکرم که همه اوقات محبت قلبی و باطنی به آن مرحوم داشته‌اید حال باید همان محبت را وبل زاید و بیش از پیش رعایت و جانب‌داری اولاد آن مرحوم را منظور بدارید و منصب جلیل سرکشیکی سرکار حضرت که به عهده آقا سید حسن مفوض و مرجوع بود حال باید در عهده عالی‌جناب سلالة السادات آقا میر عبد الکریم ولد ارشد آن مرحوم که للّه الحمد به صلاح آراسته و شایسته این خدمت عظمی است باشد و خلعت او را هم بدهید و سایر اولاد آن مرحوم هم که هریک در آستانه مطهره به خدمتی برقرار و سرافراز بوده‌اند کما فی السابق در مناصب و خدمت خود برقرار باشند و آنها را از عزا بیرون بیاورید که حیات و ممات آقا سید حسن در این خصوصات برای اولادش تفاوتی به‌هم نرساند.

یقین است که آن نور چشم خدمات و زحمات آنها را منظور خواهند نمود که آسوده خاطر هریک به خدمات مرجوعه به خود قیام و اقدام نمایند. زیاده حاجت سفارش و محتاج به نگارش نخواهد بود. همواره اوقات سلامتی حالات شریف را با گزارشات قلمی و ارسال دارند. و السلام.

۱۰۱ [۱۰] تعلیقه میرزا محمد رضا متولی‌باشی مورخ ذ ق– ۱۲۵۸ در واگذاردن خدمت سرکشیکی آستانه که به آقا سید حسن سرکشیک مفوض بود به فرزند او میر عبد الکریم:

چون خدمت یک نفر سرکشیکی سرکار فیض آثار به مرحمت و غفران‌پناه جنت و رضوان‌جایگاه آقا سید حسن سرکشیک

مفوض و مرجوع بود و در این اوقات مشارالیه داعی حق را لبیک اجابت گفته و خدمت مزبور در عهده تعویق

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۹۷

و تعطیل است و منظور کلی نظم و نسق و رواج و رونق سرکار مزبور می‌باشد و قرار و مدار تفویض خدمات سرکار بنابه وراثت و قابلیت و استعداد و اولویت می‌باشد.

بناء علیه چون عالی حضرت رفیع‌منزلت سلالة السادات میر عبد الکریم خلف اکبر مشارالیه، و قابلیت و استعداد و اولویت تفویض خدمت مزبور را دارد و علاوه بر مراتب مزبوره مرحوم مزبور کمال صداقت و ارادت و خدمتگزاری را مادام العمر به عمل آورده و عالی‌حضرت مومی‌الیه هم به مضمون الولد سرابیه نهایت راستی و درستی و اهتمام در خدمت سرکار موهبت‌مدار دارد، از هذه السنه بارس ئیل و ما بعدها خدمت سرکشیکی مزبور را به طریق سابق به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که در کمال سعی و کوشش به ملزومات خدمت مزبور قیام و اقدام و دقیقه [یی] خود را معاف ندارد که موجب ازدیاد نظم و نسق و رواج و رونق سرکار فیض آثار بوده باشد و مواجب و نذوراتی که به ازاء شغل مزبور در دفتر سرکار برقرار است کماکان بازیافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت و بقای سلطنت اعلی‌حضرت شاهنشاه روحنا فداه اشتغال نماید. کتاب دفتر استیفا و مشرف سرکار سواد تعلیقه را به‌جهت استحضار در سر- رشته‌جات خود ثبت و ضبط نمایند.

تحریرا فی شهر ذی الحجة الحرام مطابق هذه السنه بارس‌ئیل خیریت دلیل سنه ۱۲۵۸.

۱۰۲ [۱۱] فرمان مورخ صفر ۱۲۵۹ از محمد شاه درمورد مستمری آقا سید حسن سرکشیک و واگذاردن آن به چهار فرزند او:

الملک للّه تعالی- حکم همایون شد آن‌که چون از قرار احکام قدر ارتسام مطاعه و ثبت سررشته‌جات دفترخانه مبارکه مبلغ شش تومان و سه هزار

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۲۹۸

و پانصد دینار وجه نقد و مقدار بیست خروار تبریزی غله از بابت مالیات دار الایمان قم در وجه مرحوم آقا سید حسن سرکشیک و خادم آستانه سرکار معصومه صلوات اللّه علیها مستمر و برقرار بوده و در این اوقات وفات یافته است لهذا محض مرحمت و عنایت خسروانه نقد و جنس مزبور را از هذه السنه بارس‌ئیل فرخنده دلیل و ما بعدها کماکان در وجه سیادت و سعادت‌انتسابان آقا سید عبد الکریم و آقا سید ابراهیم و سایر اولاد او از قرار تفصیل:

[نقد- ۶ تومان و ۶ هزار و پانصد دینار، جنس- ۲۰ خروار

تیول از بابت یک زوج: نقد- ۳ تومان و ۶ هزار و پانصد دینار، جنس- ۱۵ خروار

آقا سید عبد الکریم که ارشد است: نقد- یک تومان و هشت هزار و پانصد دینار، جنس- هشت خروار

آقا سید ابراهیم: نقد- یک تومان و پنج هزار، جنس- چهار خروار

آقا سید عابدین: نقد- یک تومان و پنج هزار، جنس- چهار خروار

آقا سید باقی: نقد- یک تومان و پنج هزار، جنس- چهار خروار]

مرحمت و عنایت فرمودیم که هرساله دریافت کرده، صرف معاش خود نمایند.

مقرر آن‌که حکام و مباشرین حال و استقبال دار الایمان قم همه‌ساله بدون مطالبه فرمان مجدد کارسازی کرده، معطل ننمایند. المقرر عالی‌جاهان رفیع‌جایگاهان فخامت و مناعت‌اکتناهان مقربو الخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط

نموده و در عهده شناسند.
تحریرا شهر صفر سنه ۱۲۵۹.
[حاشیه:]
در وجه مرحوم سید حسن شش تومان و شش هزار و بیست خروار جنس از قرار سررسید دفترخانه مبارکه برقرار بوده است.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۲۹۹
موافق ثبت و سررشته دفتر صحیح است و هرساله به خرج دیوان می‌آید.
سید حسن امسال فوت شده و وظیفه او به اولاد او مرحمت شده.
به مهر مبارك برسد.

۱۰۳ [۱۲] فرمان مورخ شعبان ۱۲۶۵ از ناصر الدین شاه در قرار دادن بیست تومان نقد و ده خروار جنس به صیغه وظیفه در وجه آقا سید آقا (میر عبد الکریم) سرکشیک آستانه مقدس:

الملك للّه تعالی- حکم همایون شد آن‌که نظر به شمول مرحمت خاطر خطیر و ظهور استحقاق و اهلیت عالی‌جناب مقدس‌القاب سیادت و سعادت‌انتساب آقا سید آقای سرکشیك آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها آلاف التحیه از معامله هذه السنه تخاقوی‌ئیل خیریت تحویل و ما بعدها مبلغ بیست تومان رایج دیوان وجه نقد و مقدار ده خروار به وزن تبریز جنس از بابت مالیات دار الایمان قم به صیغه وظیفه در حق او مستمر و برقرار فرمودیم که همه‌ساله دریافت و صرف مخارج و معیشت خود نماید و به فراغت خاطر در تحت قبه مطهره مشغول دعاگویی دوام دولت قاهره باشد. مقرر آن‌که مباشرین امور دیوانی حال و استقبال دار الایمان قم سال‌به‌سال نقد و جنس مزبور را از بابت مالیات مهم‌سازی عالی‌جناب مشارالیه نموده، قبض حاصل سازند و کتاب خیریت اکتساب دفترخانه مبارکه شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند.
تحریرا فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۶۵.
[حاشیه:]
سید کمال استحقاق و شایستگی دارند و مبلغی خطیر خرج کرده و چاهی کنده که
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۰
مسلمانان آب سرد شیرین بخورند و دعاگوی دولت باشند. و لهذا این نقد و جنس امسال مرحمت شده و عوض او از غیرمستحق دریافت شده که ضرر تازه نشود از بابت میرزا محمد آشتیانی و غیره.
*** چند سند دیگر مربوط به خدماتی دیگر که این دودمان در آستانه عهده‌دار بوده‌اند.

۱۰۴ [۱۲] حکم مورخ محرم ۱۲۲۶ از «امام ویردی شاهین قلیجی» مبنی‌بر آن‌که وی سید حسن سرکشیک را نایب الزیاره خویش در آستانه قرار داده و پنج تومان و دو خروار غله مدد معاش در وجه او مقرر داشته است:

حکم والاـ شد آن‌که بنابر وفور مکرمت درباره عالی‌جناب مقدس القاب حقایق و معارف‌اکتساب سلالهٔ السادات العظام آقا سید حسن سرکشیك سرکار فیض آثار و ظهور شایستگی او در معامله سنه آتیه قوی‌ییل و ما بعدها او را نایب الزیاره سرکار شوکت‌مدار و مبلغ پنج تومان تبریزی نقد و مقدار دو خروار به وزن تبریز غله به صیغه مدد معاش در وجه او برقرار فرمودیم که مبلغ مزبور و مقدار مذکور را هرساله بازیافت و صرف اخراجات خود نموده، شب و روز در صحن روضه مقدسه به

وظایف دعاگویی قیام و اقدام نماید. مقرر آن‌که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه دولت و اقبال‌پناه صداقت و عقیدت‌آگاه چاکر دولت‌خواه مقرب الخاقان محمد هادی خان قدیمی وزیر سرکار مبلغ و مقدار مزبور را در وجه عالی‌جناب مشارالیه برقرار دانسته، هرساله از بابت ابواب جمعی خود کارسازی نماید که به فراغت خاطر همه‌روزه زیارت مخصوصه به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۱

جهت سرکار والا به عمل آورد و درین‌خصوص قدغن لازم دانسته، حسب المقرر معمول و در عهده شناسد.

تحریرا شهر محرم الحرام سنه ۱۲۲۶.

۱۰۵ [۱۴] حکم مورخ ج ۱– ۱۲۲۷ از شاهزاده حسنعلی میرزا فرمانفرما در واگذاردن نیابت زیارت خود به آخوند ملا علی قمی که متن آن به عنوان تنظیر نسبت به سند پیش در اینجا نقل شد:

حکم والا شد آن‌که چون به‌جهت دعای بقای عمر و دولت اعلی‌حضرت قدر قدرت کیوان‌رفعت دارا درایت ظل اللهی روح العالمین فداه و نواب ما در تحت قبه مطهره مقدسه منوره وجود شخص امین و عادلی ضرور و عالی‌جناب مقدس‌القاب فضیلت‌انتساب آخوند ملا علی قمی که در زمره دعاگویان در این دولت ابدقرین محسوب و منسلک، و خود را مورد عنایات خاطر خطیر مرحمت آیات اشرف ساخته است لهذا خدمت نیابت زیارت را به او موکول و مرجوع داشتیم که بدانچه باید و شاید و از مراسم دعاگویی او سزد و آید در لوازم آن قیام و اقدام نماید. مقرر آن‌که عالی‌جناب مقدس‌القاب فضایل و کمالات‌اکتساب حقایق و معارف‌انتساب سلالهٔ السادات العظام دعاگوی دولت ابدفرجام میرزا اسد اللّه متولی سرکار فیض آثار نایب الزیاره‌ای سرکار را مختص عالی‌جناب مشار الیه دانسته، رعایت و حمایت جانب او را درهرحال منظور داشته و مبلغ یک تومان تنخواهی که به صیغه مواجب از قرار تصدیق و خطاب عالی‌جاه رفیع‌جایگاه مقرب الحضرهٔ الخاقانی ملا علی اصغر ملاباشی علاوه بر پنج هزار دینار مواجب سابق او شده است هرساله در وجه او کارسازی به نحو مقرر معمول و از فرموده عدول نورزیده،

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۲

در عهده شناسد.

تحریرا فی شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۲۷.

۱۰۶ [۱۵] تعلیقه مورخ ع ۱ – ۱۲۶۲ از میرزا محمد رضا متولی باشی در گماردن سید حسین فرزند میر عبد الکریم سرکشیک به خدمتگزاری آستانه مقدس:

چون عالی‌حضرت گرامی‌مرتبت سید حسین ولد عالی‌جناب آمیر عبد الکریم سرکشیک از سلسله خدام والامقام سرکار فیض آثار است و آبا و اجداد او از قدیمی‌های سرکار مزبور هستند در این اوان و زمان اکثر از اولاد و احفاد و اقارب هریک از خدام سرکار مرقوم به خدمات جدید سرافراز و ممتاز گردیده‌اند و مومی‌الیه به خدمتی از خدمات سرکار مفتخر و مباهی نگردیده و رعایت جانب عالی‌جناب والد مومی‌الیه نظر به خدمت ایشان لازم است. بناء علیه از هذه السنه یونت‌ئیل نصرت دلیل و ما بعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی‌الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی صداقت و راستی و کمال سعی و اهتمام متوجه خدمات محوله به خود بوده، مواجب و نذوراتی که در وجه سایر خدام سرکار برقرار است همه‌ساله از قرار استمرار از بابت مداخل سرکار باز یافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به لوازم

شغل مزبور پردازد و به دعاگویی دوام عمر و دولت ابدمدت اعلی‌حضرت قدر قدرت شهریاری قیام و اقدام نماید. مقرر آن‌که کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفاء و مشرف سرکار موهبت‌مدار شرح سواد تعلیقه را به‌جهت استحضار در سررشته‌جات خود ثبت و ضبط نمایند. و کان ذلک فی ربیع الاول ۱۲۶۲.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۰۳

۱۰۷ [۱۶] تعلیقه همان متولی‌باشی مورخ صفر ۱۲۶۴ در گماردن سید علی فرزند میر عبد الکریم سرکشیک به خدمت‌گزاری آستانه مقدس، با پشت‌نویسی حاجی میرزا محمد حسین مستوفی آنجا:

چون عالی‌حضرت گرامی‌منزلت سید علی ولد عالی‌جناب سلالهٔ السادات میر عبد الکریم سرکشیک از سلسله خدام والامقام سرکار فیض آثار است و آبا و اجداد او از قدیمی‌های سرکار مزبور هستند و در این اوان و زمان اکثر از اولاد و احفاد و اقارب و عشایر هریک از خدام سرکار مرقوم به خدمتی جدید سرافراز گردیده‌اند و مومی الیه به خدمتی از خدمات سرکار مفتخر و مباهی نشده و رعایت جانب عالی‌جناب والد مومی الیه نظر به خدمات ایشان لازم است. بناء علیه از هذه السنه قوی‌ئیل فرخنده تحویل و ما بعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی صداقت و راستی و کمال سعی و اهتمام متوجه خدمات محوله به خود بوده، مواجب و نذوراتی که در وجه سایر خدام مستمر و برقرار است همه‌ساله از بابت مداخل سرکار بازیافت و صرف معاش‌واگذاران خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به لوازم شغل مزبور پردازد و به دعاگویی دوام دولت ابدمدت اعلی‌حضرت قدر قدرت شهریاری قیام و اقدام نماید. مقرر آن‌که کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفاء و مشرف سرکار موهبت مدار شرح سواد تعلیقه را به‌جهت استحضار در سررشته‌جات خود ثبت و ضبط نمایند.

و کان ذلک تحریرا فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۴.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۰۴

۱۰۸ [۱۷] حکمی گویا از سال ۱۲۲۳ با مهر «أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ عبده اسد اللّٰه درباره میرزا سید محمد ناظر مزارات شاهان در آستانه قم، که به عنوان تنظیر نسبت به چند سندی که پس از این خواهیم دید به نقل متن آن مبادرت شد:

عالی‌شان معلی‌مکان عزت و سعادت‌نشان نتیجهٔ الاعالی و الاعیان نایب الشانی محمد تقی بیک نایب قم بداند که عالی‌حضرت رفیع‌منزلت سیادت‌نشان میرزا سید محمد ناظر مزارات سلاطین انار اللّٰه برهانهم وارد و مذکور ساخت که با ارقام متعدده و نوشته‌جات متوالیه که از بندگان اقدس ظل اللهی روحی فداه در دست دارم در شغل مزبور مرا دخل و تصرفی نمی‌باشد.

از آنجا که تمرد فرموده حضرت ظل اللهی خلاف حساب و نهایت جسارت در ارتکاب چنین امری است و هیچ ذی شعوری جرأت بر اقدام چنین کاری نمی‌تواند نمود و این عذر از احدی مسموع نمی‌باشد شرحی به عالی‌جناب مقدس‌القاب سیادت و نجابت‌نشان میرزای متولی نوشته، اظهار شده است که حسب الفرمان قضا جریان مشارالیه را در شغل خود مستقل نموده باشد و از امر قدرقدر خاقان گیتی ستان تخلف جایز نداند.

به آن عالی‌شان هم اعلام می‌شود که نوشته مزبور را به عالی‌جناب معظم الیه داده و در استقلال سید مزبور نهایت اعانت نموده، اجرای حکم محکم سلطانی را کرده، نگذارد که احدی در شغل مزبور به غیر از مشارالیه دخل و تصرف نماید.

البته در این‌خصوص اهمال نورزیده، تخلف از رقم قضاشیم را موجب مؤاخذه و سیاست دانسته، مطالب و مهماتی که دارد

عرض و به انجاح مقرون داند.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۵

تحریرا فی شهر جمادی الاولی سنه ۳ ...

۱۰۹ [۱۸] حکم مورخ رجب ۱۲۹۷ از نایب السلطنه کامران میرزا خطاب به آقا محمد کریم مباشر و رئیس مقبره محمد شاه، مبنی به واگذاردن منصب نظارت امور مقبره به سید حسین سرکشیک:

مقرب الحضرهٔ آقا محمد کریم مباشر و رئیس مقبره شاهنشاه مبرور سرافراز بوده بداند از قراری که در پیشگاه حضور والا معروض افتاد میرزا سید مرتضی تفرشی که در جزو خدام مقبره خلد آشیان شاهنشاه مبرور البسه اللّه حلل النور به منصب نظارت برقرار بوده به رحمت ایزدی پیوسته. نظر به مراتب استحقاق و صلاحیت عالی‌جناب سلالهٔ السادات آقا سید حسین رضوی سرکشیک آستانه متبرکه حضرت معصومه سلام اللّه علیها و بلاعقب بودن مرحوم میرزا سید مرتضی مقرر می‌داریم از هذه السنه لوی‌ئیل سعادت دلیل و ما بعدها عالی‌جناب مشارالیه را در عوض او به منصب نظارت برقرار، هرگاه کسی ادعای وراثت نماید یا این‌که نوشته‌ای ابراز دارد از درجه اعتبار ساقط است.

لهذا مبلغ شانزده تومان نقد و مقدار پنج خروار غله که در جزو مصارف بقعه به اسم او بوده به عالی‌جناب سلالهٔ السادات آقا سید حسین سرکشیک آستانه متبرکه عاید دارید که به فراغ خاطر به وظایف شغل مزبور قیام و اقدام نموده، دعاگوی دوام عمر و دولت ابدمدت روزافزون بوده، حسب المقرر مرتب و معمول و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر رجب المرجب ۱۲۹۷.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۶

۱۱۰ [۱۹] عرضه داشت اقل دعاگویان سید حسین سرکشیک سرکار فیض آثار درمورد مقرری نظارت مقبره محمد شاه، با دستخط ناصر الدین شاه بالای آن. از همان سال ۱۲۹۷:

قربان خاک پای اقدس همایونت گردم مبلغ شانزده تومان نقد و مقدار پنج خروار غله به اسم نظارت مضجع جنت‌مکان شاه مغفور همه‌ساله در حق میرزا سید مرتضی تفریشی مرحمت می‌شد. این اوقات وفات کرده و بلاعقب است.

اقل دعاگویان به عرض حضور حضرت والا آقای نایب السلطنه رسانیده، چون مراتب استحقاق دعاگو بر حضرت والا مشهود بود مقرر فرمودند همین مبلغ نقد و همین مقدار غله به دعاگو عاید شود. پس از آن فرمایش به دعاگو شد به پیشگاه حضور مبارک عرضه دارد و استدعا نماید که امر و مقرر شود بدون مزاحمت احدی همه‌ساله به اسم نظارت در حق دعاگو مرحمت شود. لهذا مستدعیم محض تفضل و ازدیاد دعاگویی و نایب الزیارگی در بقعه مبارکه دعاگو را مشمول مراحم ملوکانه عمیمه واقع ساخته، به این عنایت مفتخر و سرافراز فرمایند. امر امر اقدس ارواح العالمین فداه است.

[دستخط شاه:]

رقم نایب السلطنه کافی است. صدور حکم دیگر صورت ندارد.

۱۱۱ [۲۰] رقم کامران میرزا نایب السلطنه خطاب به علی نقی میرزا رکن الدوله دوم حکمران قم و ساوه و زرند مورخ ع ۱ – ۱۳۰۴، درمورد مقرری آقا سید حسین سرکشیک از بابت مخارج روشنایی و قاری و قهوه و غلیان مقبره معتمد الدوله منوچهر خان گرجی واقع در صحن عتیق آستانه مقدس:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۷

اعز ارجمند کامکار علی نقی میرزا حکمران قم و ساوه و زرند را مرقوم می‌شود مبلغ یک صد تومان از بابت مخارج روشنایی و قاری و مصرف غلیان و قهوه و غیره مقبره مرحوم معتمد الدوله از هذه السنه ایت‌ئیل و ما بعدها که جزء کتابچه دستور العمل سنواتی بوده در حق جناب آقا سید حسین سرکشیک سرکار فیض آثار کارسازی دارید و قبض از مشارالیه دریافت نموده. البته برحسب حکم معمول و در عهده شناسند.

فی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۴.

۱۱۲ [۲۱] حکم امین السلطان میرزا علی اصغر خان صدر اعظم مورخ ۱۲ رجب ۱۳۰۷ در واگذاردن تولیت مقبره منوچهر خان معتمد الدوله مزبور به سید حسین سرکشیک، خطاب به سپهدار حکمران قم:

جناب مجدت نصاب امیر الامراء العظام سپهدار حکمران بلده طیبه قم دام مجده از آنجا که مقبره مرحوم معتمد الدوله قریب الانهدام و از عدم مستحفظ و متولی و غیره مخروبه شده بود و این اوقات که سعادت و توفیق رفیق و برحسب اجازه قدسیه مطاع بندگان اقدس اعلی‌حضرت قدرقدر قوی‌شوکت شاهنشاه اسلام‌پناه ارواحنا فداه و به رسم معمول هرساله به زیارت کثیر السعادهٔ حضرت معصومه علیها و آبائها الف آلاف التحیهٔ و الثنا مشرف و به رأی العین انهدام مقبره را ملاحظه و برای شکوه دولت و پاس حفظه ملت از خاک پای معدلت پیرای اقدس مبارک مستدعی گردید که یک صد تومان از بابت مواجب متولی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۸

و قاری و غیره مقبره مزبوره از طرف دیوان همایون مرحمت شود که این بنا برقرار و پایدار بماند، ایجابا لمسئوله مرحمت و عنایت فرمودند. علی هذا نظر به استحقاق و کمال اهلیت و لیاقت عالی‌جناب سلالهٔ الاطیاب آقا سید حسین سرکشیک او را متولی مقبره مسطوره برقرار و به‌موجب تفصیل ذیل:

[مواجب آقا سید حسین: ۵۰ تومان- قاری: ۲۰ تومان- خدام: ۱۵ تومان- دو چراغ و قهوه و غلیان: ۱۵ تومان].

مواجب و مرسوم مقبره مقرر داشته، مقرر می‌شود که همه‌ساله از قرار ثبت کتابچه دستور العمل دیوانی و به‌موجب قبض آقا سید حسین کارسازی نموده، به تصویب و استحضار جناب مستطاب اوان نصاب آقای متولی‌باشی سلمه اللّه تعالی مبلغ مزبور را به مخارج و مصارف مقبره به شرح مقرره معینه برسانند و در حفظ مقبره و تلاوت کلام اللّه مجید و روشنایی و غیره حسب المقرر معمول دارد و نگذارد از تنخواه مرحمتی دیوان اعلی که فقط برای شکوه دولت و ملت مرحمت شده است افراط و تفریط و حیف‌ومیل شده، به سایر مخارجات شخصی برود.

دوازدهم شهر رجب المرجب اودئیل سنه ۱۳۰۷.

۱۱۳ [۲۲] حکم امین السلطان صدر اعظم مورخ رجب ۱۳۰۹ در واگذاردن تولیت مقبره معتمد الدوله که به آقا سید حسین سرکشیک مرجوع و مفوض بود به فرزند او، با اشاره به این‌که وی در این اوقات درگذشته است:

چون مرحوم آقا سید حسین سرکشیک از اجله خدام و در آستانه متبرکه سرکار فیض آثار قم سال‌ها مشغول خدمت بود و تولیت مقبره مرحوم معتمد الدوله هم به واسطه حسن خدمات به او مفوض بود این اوقات که به رحمت ایزدی پیوسته رعایت اولاد و اعقاب او منظور نظر اولیای دولت قوی‌شوکت قاهره است به ملاحظه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۰۹

پاس خدمات آن مرحوم حسب الامر الاقدس الاعلی تولیت مقبره مرحوم معتمد الدوله به پسر آن مرحوم محول و مرجوع است. باید از این به‌بعد به طوری‌که مرحوم آقا سید حسین سرکشیک اقدام به امر تولیت و خدمت می‌نمود مشغول باشد. مقرر آن‌که جناب مستطاب متولی‌باشی و خدام آستانه متبرکه پسر آن مرحوم را به این شغل شاغل دانند. شهر رجب ۱۳۰۹.

IV خاندان میر بهاء الدین:

اشاره

۱- میرزا شرف الدین علی سرکشیک و کلیددار حرم مطهر با فرمانی از کریم خان زند مورخ ۱۱۸۸ .
۲- میرزا بهاء الدین محمد فرزند میرزا شرف الدین علی که در ۱۲۱۳ سرکشیک بوده (طومار تقسیم غله مورخ همین سال) و در ۱۲۶۳ درگذشته است. قبر او در مقبره‌ای است واقع در کوچه حکیم قم.
۳- میرزا سید حسین فرزند میرزا بهاء الدین محمد، سرکشیک آستانه از ۱۲۶۳ تا اواخر قرن سیزدهم.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۱۰
۴- میرزا سید علی فرزند میرزا سید حسین، سرکشیک در اوائل قرن حاضر.
۵- حاجی سید هاشم فرزند میرزا سید علی، سرکشیک در میانه این قرن.
در اختیار بازماندگان این دودمان اسنادی بسیار درمورد منصب خاندانی سرکشیکی آنان و مناصب دیگر هست که نگارنده با دو سال مراجعه متوالی و درخواست‌های مکرر سرانجام بر آنها دست نیافت. چنین است فهرست چند سند از آن‌جمله که از خارج بر آن آگاه شد:

۱۱۴ [۲۳] فرمان کریم خان زند

مورخ سال ۱۱۸۸ در تفویض منصب سرکشیکی آستانه قم به میرزا شرف الدین علی.

۱۱۵ [۲۴] فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ شوال ۱۲۳۳ درباره مقرری میرزا بهاء الدین سرکشیک و فرزند او میرزا محمد حسین خادم و آقا سید حسن سرکشیک:

حکم همایون شد آن‌که چون عالی‌جنابان میرزا بهاء الدین محمد سرکشیک و آقا سید حسن سرکشیک و میرزا محمد حسین خادم این اوقات فیروزی اقتران مستدعی اضافه مواجب شدند رعایت و آسایش سادات جلیل القدر مخصوصا خدام والامقام که از خدمتگزاران آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام اللّه علیها هستند منظور نظر آفتاب اثر اقدس همایون ملوکانه است. حسب الاستدعاء به‌موجب فرمان قضا جریان مبارک اضافه مواجب که مبلغ چهارده تومان بنچه و موازی چهارده خروار غله از محل تبرته وقفی ملوکانه و سایر رقبات موقوفات علاوه بر مواجب و حقوق
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۱۱
موروثی سابقه آن عالی‌جنابان به تفصیل ذیل:
[میرزا بهاء الدین محمد سرکشیک: مبلغ پنج تومان نقد- موازی پنج خروار غله
آقا سید حسن سرکشیک: مبلغ پنج تومان نقد- موازی پنج خروار غله

میرزا محمد حسین خادم ولد میرزا بهاء الدین محمد: مبلغ چهار تومان نقد موازی چهار خروار غله]
از هذه السنه بارس‌ئیل ۱۲۳۳ الی بعدها نسلا بعد نسل برطبق قانون آن آستانه ملائک پاسبان در حق مشارالیهم مرحمت و برقرار فرمودیم. مقرر آن‌که مقدس الالقاب متولی عظیم الشان آن آستانه عرش‌درجه حقوق مزبور را مختص آنان دانسته و مهم‌سازی نمایند. معمول و مجری دارند. المقرر مستوفیان عظام سواد فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسند.
به تاریخ شهر شوال سنه ۱۲۳۳.

۱۱۶ [۲۵] تعلیقه میرزا محمد رضا متولی‌باشی

مورخ ۱۲۶۳ در واگذاردن منصب سرکشیکی آستانه که از آن میرزا بهاء الدین محمد بوده و درگذشته است به فرزند او میرزا سید حسین، با تحشیه مستوفی آستانه (حاجی میرزا محمد حسین).
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۱۲

۱۱۷ [۲۶] فرمان ناصر الدین شاه

در واگذاردن سرکشیکی آستانه به میر سید علی فرزند میرزا سید حسین سرکشیک.
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۱۳

تدریس

اشاره

آستانه‌ها و مزارات مقدس از دیرزمان بنابر سنتی قدیم جایگاه بحث و تدریس علوم مذهبی بوده است. در سرگذشت تنی چند از دانشمندان روزگار صفوی و پس از آن می‌خوانیم که در روضه منور حضرت ستی فاطمه در قم تدریس می‌نموده‌اند. این رسم دیرین تا روزگار ما همچنان برقرار و پابرجا مانده و حجرات و مرافق و بیوتات آستانه هماره در اختیار مدرسان و طالبان دانش‌های مذهبی است.
جز این، خدمت «مدرسی» یکی از مناصب و خدمات رسمی آستانه نیز بوده و پیوسته یک یا دو تن با عنوان «مدرس آستانه» در آن منصب و وظیفه داشته‌اند.
نام این مدرسان در فردها و نسخه‌های جمع و خرج و سایر اسناد آستانه، و چند مورد در کتاب‌ها آمده است. ازجمله آنان‌که در اسناد نام برادرند میرزا صدر الدین مدرس است که در ۱۱۳۹ با میرزا عبد اللّه و در ۱۱۴۸ با میرزا علی نقی عهده‌دار این مقام بوده و در دو فرد مربوط به این سال‌ها نام او هست. او می‌تواند همان مولی صدر الدین فرزند قاضی سعید قمی باشد که مدرس اصول کافی در حضرت معصومه
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۱۴
بود. در طومار تقسیم غله مورخ ۱۲۱۳ نام محمد جعفر مدرس آستانه در آن سال، و در فرد مربوط به ربع اخیر قرن سیزدهم نام میرزا صفی و میرزا اسحاق رضوی مدرسان آستانه در این دوره هست. نیز نام اسماعیل رضوی نواده میرزا سید احمد

مدرس که باید همان فرزند میرزا محمد حسین رضوی (متولی آستانه در پایان دوره پادشاهی محمد شاه قاجار) باشد. از این اسماعیل در یکی از گواهی‌های صحت نسب آخرین بازمانده دودمان تولیت شرعی یاد می‌شد. (ببینید عکس سند شماره ۶/ ۶۷).

جز اینان که یاد شدند از نیمه دوم قرن یازدهم تا دو قرن خاندانی از سادات رضوی قم نیز عهده‌دار منصب مدرسی آستانه بوده‌اند. چنین است نام مدرسان آستانه از این دودمان:

۱- میرزا محمد امین مدرس آستانه در دوره شاه سلیمان صفوی.

۲- میرزا اسد اللّه مدرس (بنابه نوشته مشجره نسب خاندان مورخ پیرامون چهل سال پیش).

۳- میرزا محمد رضا مدرس آستانه در نیمه نخستین قرن دوازدهم. در مشجر نسب خاندان گفته می‌شود که او در علم انساب دست و در این باب نوشته‌هایی داشته است.

۴- میرزا علی نقی مدرس آستانه در میانه قرن دوازدهم فرزند میرزا محمد رضا. نام او در نسخه جمع و خرج سرکار فیض آثار به سال ۱۱۴۸ دیده می‌شود.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۱۵

او تا پس از سال ۱۱۶۴ در این مقام بوده است.

۵- میرزا محمد کاظم مدرس فرزند میرزا علی نقی، مدرس آستانه در اواخر قرن دوازدهم.

۶- میرزا محمد جعفر، گویا برادر میرزا محمد کاظم، مدرس آستانه در اوائل قرن سیزدهم (طومار تقسیم غله به سال ۱۲۱۳).

۷- میرزا محمد علی فرزند میرزا محمد کاظم مشهور به میرزا بابا درگذشته ۱۲۲۴ و مدفون در صحن عتیق آستانه نزدیک مقبره مستوفی. نگارنده رساله‌ای در حرمت ریش‌تراشی و رساله‌ای دیگر در رد صوفیان (مشجره نسب خاندان). تربت پاکان ؛ ج ۱ ؛ ص۳۱۵

۸- میرزا محمد کاظم مدرس درگذشته ۱۲۶۲.

اکنون سه سند مربوط به این خاندان که بر آن آگاهی یافته‌ام:

۱۱۸ [۱] فرمان مورخ ۱۰۹۶ از شاه سلیمان صفوی

در واگذاردن منصب مدرسی آستانه قم به حضرت علامی فهامی میرزا محمد امینا (متعلق به بازماندگان خاندان).

۱۱۹ [۲] فرمان مورخ ۱۱۶۴

در تنفیذ حضرت علامی میرزا علی نقی مدرس آستانه در منصب خود (متعلق به بازماندگان خاندان).

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۱۶

۱۲۰ [۳] قباله‌ای مورخ رمضان ۱۱۹۰ حاکی از آن‌که حضرت علامی میرزا محمد کاظم مدرس در این تاریخ قطعه ملکی را به وکالت از جانب مالک به عالی‌جناب میرزا محمد مهدی متولی آستانه فروخته است.

اشاره

نیمی از همین ملک را در ع ۱- ۱۱۹۱ میرزای متولی به میر عبد الکریم خادم پدر سید حسن سرکشیک فروخته که فروش‌نامه آن در روی دیگر سند نوشته شده است.
چنین است متن دو روی سند :

I

هو المالک بالاستحقاق
و بعد غرض اصلی و مطلب کلی از تحریر این نمیقه شرعیه آن است که فروخت به بیع لازم جازم اسلامی حسبة و وکالة عنها عالی‌جناب مقدس القاب مرتضوی انتساب افضل الفضلائی علامی فهامی مجتهد العصر و الزمانی میرزا محمد کاظم مدرس سرکار فیض آثار همگی و تمامی کل دو دانگ مشاع از کل بیوتات منهدمه که در اصل سه باب بوده از جانب عفت و عصمت‌پناه مریم خانم شهیره به خانم بزرگ که من حیث الارث از والد مشار الیها به او منتقل گردیده واقعه در خیابان محدود به حدود اربعه: حدی به مسجد امام و حدی به مزار مسلمین و حدی به خانه حضرت میر عبد الکریم خادم و حدی به خیابان مزبور، با جمیع توابع و لواحق شرعیه از ممر و مدخل و کل ملحقات و منضمات خصوصا مجرای حقابه، به عالی‌جناب مقدس القاب مبادی آداب مرتضوی انتساب سلالة السادات العظام

میرزا محمد مهدی متولی سرکار فیض آثار به مبلغ پانزده هزار دینار تبریزی رایج المعامله که عبارت از شش عدد اشرفی مسکوک به سکه اصفهان بوده باشد و صیغه مبایعه شرعیه ملیه ایجابا و قبولا جاری گردید و غبن مبایعه را صلح صحیح شرعی نمود عالی‌جناب بایع مزبور به عالی‌جناب مشتری مزبور دانسته و فهمیده عالما بالکمیة و الکیفیة به مبلغ یک صد دینار تبریزی فلوس که عبارت از پنج عدد فلوس چهار مثقالی بوده باشد و اقرار به قبض الثمن و اقباض المثمن و اسقاط کافه خیارات سیما خیار الغبن و لو کان فاحشا بل افحش وقوع و لزوم یافت.
تحریرا فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۱۹۰.
[حاشیه:]
مقررا ثمن مبایعه مبلغ یک تومان است که موازی چهار اشرفی باشد و یک سدس از خودش و یک سدس از همشیره‌اش به او انتقال‌یافته تحریرا فی المتن.
قد اوقعت المبایعة کما زبر. حرره الجانی بیده الجانیة الخائنة الفانیة [مهر میرزا محمد کاظم مدرس].
بسم اللّه و الحمد للّه- ما فعله السید الفاضل العالم الکامل صحیح کما سطر [مهر:] عبده محمد سعید ۱۱۸۵.

II

هو المالک بالاستحقاق
بعد باعث بر این سطور شرعیت مسطور آن است که فروخت به بیع لازم جازم اسلامی عالی‌جناب مقدس‌القاب مبادی آداب مرتضوی انتساب سلالة السادات العظام میرزا محمد مهدی متولی سرکار فیض آثار همگی و تمامی کل یک دانگ ازجمله دو دانگ ضمن به شروحی که مسطور گشته با جمیع توابع شرعیه بدان

چه به یک دانگ مزبور دانند و شناسند به حضرت سیادت و نجابت و معالی‌پناه میر عبد الکریم خادم ولد المرحوم میر محمد تقی به مبلغ یک تومان تبریزی رایج المعامله، و صیغه مبایعه شرعیه ایجابا و قبولا و غبن مبایعه را صلح صحیح شرعی نمود عالی‌جناب بایع معزی الیه با مشتری مومی الیه دانسته و فهمیده به مبلغ یک صد دینار تبریزی، و اقرار به قبض ثمن و اقباض المثمن و اسقاط کافه خیارات سیما خیار الغبن و لو کان فاحشا بل افحش وقوع و لزوم یافت.

تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۱۹۱.

[مهر:] محمد مهدی بن محمد خلیل الحسینی

۱۲۱ [۴] وقف‌نامه‌ای مورخ رجب ۱۱۰۶ از مادر شاه سلیمان بر برگ آغاز دو مجلد از مختلف علامه (ش ۱۱۹۵ و ۱۱۹۶ کتابخانه آیت اللّه مرعشی قم) که چون در آن از مدرس مقبره شاه سلیمان یاد شده است استطرادا در این‌جا نقل شد.

با مهر واقف بالای سند به این سجع:

«از فاطمه مادر سلیمان‌دارد در حشر چشم احسان»

مورخ ۱۰۷۸ (ر ک: سند شماره ۲۷ و ۲۹ این مجموعه). با گواهی مجلسی دوم در پایان و مهر او مورخ ۱۰۶۸:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه الواقف علی النیات و الضمایر و المطلع علی الخفیات و السرایر و الصلاة علی اشرف الاوایل و الاواخر محمد و اهل بیته المعصومین عن الصغایر و الکبایر.

و بعد باعث بر تحریر این کلام شرعی المبدأ و الختام آن است که

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۱۹

نواب مستطاب قمر رکاب خورشید احتجاب ناموس العالمین عصمة الدنیا و الدین [علیه عالیه متعالیه جده ماجده معظمه ادام اللّه ایام دولتها و تأییدها] وقف مخلد شرعی نمودند این کتاب مستطاب را بر کافه طلبه علوم دینیه شیعه اثنی عشریه سکنه دار المؤمنین قم و واردین آن بلده طیبه که به خواندن آن نزد افادت‌پناه مدرس آستانه مرقد مکرم و مضجع معظم [نواب جنت‌بارگاه علیین آرامگاه طوبی‌آشیان قدس مکان نور اللّه مضجعه] اشتغال نمایند و اگر بعضی از طلبه خواهند که به‌جهت خواندن یا مطالعه یا استنساخ و مقابله نمودن در غیر مدرس آستانه نزد ایشان باشد به اذن فضیلت‌پناه مدرس یا عالی‌جاه متولی یا نایب متولی یا کتابدار سرکار مزبور گرفته، نزد خود محافظت نماید. به شرط آن‌که از بلده مزبوره بیرون نبرد و تا شش ماه که نزد او بماند اگر زیاده بر آن احتیاج داشته باشد تجدید اذن یکی از حضرات مذکورین نماید و ثواب خواندن و مطالعه و درس گفتن آن را به روح کثیر الفتوح نواب طوبی‌آشیانی برد اللّه مرقده قربت نمایند. و صیغه شرعیه به شرایط مزبوره جریان یافت. و کان ذلک فی شهر رجب المرجب ۱۱۰۶.

[گواهی وقف:]

بسم اللّه- لقد اجریت الصیغة الشرعیة علی الشرائط المرعیة مأمورا عن المهد العلیا لا زالت فی الدارین مرتبته [عالیة] الی الدرجة القصوی. و کتب الداعی لدوام الدولة القاهرة.

[مهر:] محمد باقر العلوم

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۲۰

خطابت

اشاره

چند سند مربوط به این خدمت:

۱۲۲ [۱] فرمان مورخ ذ ق– ۱۲۴۶ در تنفیذ حاج سـید محمد خطیب آستانه مقدس در این منصب، با اشاره به «احکام مطاعه» پیشین، خطاب به میرزا اسد اللّه متولی آستانه:

الملك للّه تعالی– حکم همایون شد که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت‌همراه فضیلت و کمالات‌اکتناه خلاصهٔ السادات العظام میرزا اسد اللّه متولی به وفور مراحم خاطر خطیر پادشاهی مفتخر و مباهی بوده بدانند که چون از قرار احکام مطاعه خدمت خطبه‌خوانی بقعه سرکار فیض آثار معصومه مکرمه مطهره فاطمه بنت موسی علیه الصلاهٔ و السلام به عهده عالی‌جناب سیادت و سعادت انتساب سلالهٔ السادات العظام حاجی سید محمد مفوض و موکول بود به امضای حکم همایون در هذه السنه میمونه توشقان‌ئیل فرخنده دلیل و ما بعدها کماکان خدمت مزبور را به عالی‌جناب سیادت‌انتساب مشارالیه محول و مرجوع داشتیم که از روی خلوص عقیدت به شغل مزبور قیام و به دعاگویی ذات اقدس شهریاری و نیابت زیارت از جانب همایون اقدام نماید. آن عالی‌جاه و سایر خدام بقعه مبارکه مرقومه عالی‌جناب مشارالیه را خطیب بالاستقلال دانسته، ملزومات شغل مزبور را مخصوص به او دانند. و نیز مقرر می‌شود که از قرار عرض عالی‌جناب مشار

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۱

الیه هریک از خدام آستانه مقدسه مطهره مواجبی در ازاء خدمت محوله از موقوفات بقعه منوره دارند و عالی‌جناب مشارالیه که به خدمت خطبه‌خوانی آستانه مقدسه مأمور است به هیچ‌وجه بهره و نصیبی از تقسیم موقوفات مزبور ندارد. از آنجا که عالی‌جناب مشارالیه از خلص دعاگویان دولت ابدبنیان می‌باشد باید آن عالی‌جاه و مباشرین سرکار مواجبی از موقوفات در ازاء خدمت محوله او برقرار نمایند که همه‌ساله بازیافت دارد. و تخلف ننموده در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر ذی قعدهٔ الحرام سنه ۱۲۴۶.

۱۲۳ [۲] فرمان مورخ ع ۱– ۱۲۴۹ در واگذاری نظارت بر معاملات موقوفات و دیگر امور آسـتانه به حاجی سید محمد خطیب مزبور. خطاب به فرزند ارجمند کامران کیکاوس میرزا حکمران قم:

الملك للّه تعالی– حکم همایون شد که تا بنده اختر آسمان خلافت و شهریاری و رخشنده‌گوهر عمان سلطنت و تاجداری فرزند ارجمند کامران کیکاوس میرزا به وفور عنایات کامله شاهانه قرین مفاخر بی کرانه بوده بداند که چون مراتب صداقت و امانت و دیانت و پرهیزکاری عالی‌جناب عزت و سعادت آداب فضیلت و سیادت‌انتساب زبدهٔ السادات و الاطیاب کهف الحاج حاجی سید محمد خطیب به نحوی که باید و شاید مشهود و معلوم رای جهان‌آرای اقدس شهریاری گردیده، لهذا در هذه السنه میمونه ئیلان‌ئیل خیریت دلیل قرار فرمودیم که سیادت پناه مشارالیه مطلع از امر معاملات موقوفات روضه مقدسه مطهره حضرت معصومه علیها و علی آبائها التحیهٔ و الثناء بوده، به اهتمام خدام آن حضرت در خدمات

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۲

آستانه مقدسه و معاملات و اخراجاتی که در آنجا واقع می‌شود نظمی کامل حاصل آید.

بالجمله این فرمان مبارک قدر امضاء صادر و مقرر می‌شود که باید آن فرزند سعادتمند قدغن دارد که مشارالیه در نظم امورات آستانه مقدسه و اخراجاتی که واقع می‌شود مطلع بوده تا به واسطه اهتمام مشارالیه و دیگر خدام امین متدین در مخارج سرکار فیض آثار قصوری و فتوری و حیف‌ومیلی واقع نشده، به دعاگویی ذات اقدس همایون اقدام نمایند. مقرر آن‌که عالی‌جنابان خدام آستانه مقدسه مشارالیه را باید از امورات آستانه عرش‌درجه مطلع باشند و تخلف از مدلول حکم همایون جایر ندانند. المقرر آن‌که عالی‌جاهان رفیع‌جایگان عزت و جلالت دستگاهان مجدت‌اکتناهان اخلاص و ارادت آگاهان مقربوا الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده، تخلف جایز ندانند. در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر ربیع الاولی سنه ۱۲۴۹.

۱۲۴ [۳] فرمان مورخ ج ۲ – ۱۲۵۱ از محمد شاه قاجار در واگذاردن خدمت خطبه‌خوانی آستانه مقدس به همان حاج سید محمد. با اشاره به فرمان خاقان خلد آشیان در این باب:

الملک للّه تعالی – حکم همایون شد آن‌که چون از قرار فرمان خاقان فردوس‌مکان اسکنه اللّه فی فرادیس الجنان خدمت خطبه‌خوانی سرکار فیض آثار معصومه مکرمه مطهره فاطمه بنت موسی علیه الصلاۀ و علیه السلام به عالی جناب سعادت‌انتساب سلالۀ السادات العظام حاجی سید محمد خطیب مفوض و موکول بوده و مبلغ ده تومان بنیچه از بابت موقوفات ... نوشته‌جات عالی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۳

جاهان میرزا محمد رضا و میرزا حبیب اللّه و مباشرین بقعه مزبور هرساله بازیافت نموده. نظر به ظهور قابلیت و شایستگی ... ئیل و ما بعد کماکان خدمت مزبور را به او محول فرمودیم که به شغل مزبور قیام نماید و مبلغ مزبور را از بابت بنیچه بازیافت و صرف گذران خود سازد. مقرر آن‌که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه .. متولی باشی و عالی‌جاه میرزا علی رضای مستوفی خیر الحاج مشارالیه را خطیب باستقلال دانسته، ملزومات شغل مزبور را مخصوص او دانند و مبلغ مزبور را هرساله از بابت موقوفات بقعه شریفه کارسازی نمایند و در عهده شناسند.

فی شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۵۱.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۴

حافظی

اشاره

خدمت «حافظی» از کهن‌ترین خدمات و مشاغل آستانه مقدس بوده است.

شمار «حفاظ» که هر روز در روضه منور به قرائت و تلاوت قرآن کریم اشتغال می‌نموده‌اند در سال ۱۱۴۷ چهار تن بوده است . در فرمان مورخ دهه نخستین ج ۲ – ۹۷۲ طهماسب از حفاظ آستانه سخن رفته است. بزرگ حافظان که «صدر الحفاظ» خوانده می‌شد بنابر مرسوم از سادات رضوی می‌بود. از بررسی فردها و طومارها و دیگر اسناد آستانه و کتاب‌های تاریخ دو

قرن اخیر قم نام بسیاری از حافظان و صدر الحفاظهای آستانه در قرون اخیر به دست می‌آید.

بهاء الدین حافظ قمی فرزند حسن بن علی بن حسن بن عبد الملك مترجم کتاب قم می‌تواند از حفاظ آستانه در قرن نهم بوده باشد. شمس الدین اسحاق و رضی الدین عبد الملك فرزند او- دو دانشمند شناخته‌شده قم در قرن‌های هشتم و نهم که از بزرگان خاندان فتحان بوده‌اند- عنوان «حافظ» داشته‌اند که می‌تواند

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۵

به همین مناسبت بر آنان اطلاق شده باشد.

جمال الدین حافظ خادم رضوی قمی خدمتگزار روضه فاطمیه قم در شب سه‌شنبه دهه یکم ج ۲- ۱۰۳۶ تحریر نسخه‌ای را در علم هیأت در روضه حضرت ستی فاطمه به پایان برده است . عبد اللّه بن عطاء اللّه خادم قمی خدمتگزار «عتبه علیه عالیه فاطمیه» که تملك او با همین وصف مورخ ۱۰۱۹ بر برگ آغاز نسخه جامع المقاصد شماره ۸ قفسه ۳ کتابخانه آستانه قم و دستخطی از همو بر برگ پیش از انجام نسخه حاشیه جعفریه شماره ۸۷۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به نظر نگارنده این سطور رسیده است، نیز محمد رضا بن محمد مؤمن قمی خادم حرم حضرت ستی فاطمه در قم که از دانشمندان صاحب اثر روزگار صفوی است مانا از حفاظ آستانه مقدس در آن دوره بوده‌اند.

اینک با چند سند مربوط به منصب حافظی آستانه قم آشنا می‌شویم.

اصل اسناد شماره ۳ و ۴ و ۵ متعلق به آقای لطف اللّه کتابدار در قم است که نیاکان او از حفاظ آستانه بوده‌اند. دو سند دیگر مربوط به این خدمت در اسناد کفشداری آستانه در همین بخش گذارده شده است.

۱۲۵ [۱] تعلیقه میرزا محمد مهدی متولی‌باشی مورخ ذ ح- ۱۱۹۳ در واگذاردن خدمت یک نفر خادمی آستانه که به میر سید حسین فرزند میر محمد ظهیر حافظ حرم محترم مرجوع بود به میر سید حسن رضوی، بالای عرضه داشت او:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۶

عرضه داشت کمترین بندگان [حسن الرضوی] به ذروه عرض وکلاء اجلاء ذوی الاعتلاء عالی می‌رساند که خدمت یك نفر خادمی که قبل از این به مرحوم سید حسین مفوض و مرجوع بود حال قریب یك سال است که به رحمت ایزدی پیوسته و بلاعقب می‌باشد و خدمت مزبوره از تاریخ فوت او تا حال در عقده تعویق است و به احدی مرجوع نشده و آبا و اجداد کمترین در این آستان ملایك پاسبان حقوق خدمات دارند و کمترین از این نعمت عظمی و موهبت کبری محروم است.

استدعا آن‌که قربة الی اللّه و طلبا لمرضاته خدمت مزبور را با مواجب و نذوراتی که در وجه خادم سابق مقرر بود از بابت مداخل سرکار فیض آثار در وجه کمترین برقرار شود که هرساله بازیافت و صرف مایحتاج خود نموده، به دستور سایر خدام هر صبح و شام بل که علی الدوام به امر مزبور و لوازم و مراسم آن قیام و اقدام و به دعاگویی ذات اقدس و وجود مقدس اشتغال نماید که هر آینه عند اللّه ضایع نخواهد شد. باقی امره العالی.

[تصدیق مستوفی:]

هو- به عرض می‌رساند که خدمت یك نفر خادمی سرکار فیض آثار به میر سید حسین ولد مرحوم مغفور میر محمد ظهیر حافظ حرم محترم بوده و مومی الیه یك سال می‌شود که بلاعقب به رحمت ایزدی پیوسته و وارث منحصر به میر محمد رفیع سرکشیك می‌باشد و صاحب عریضه به شرح متن عرض و در مقام استدعا برآمده. در باب استدعا بدان‌چه مقرر فرمایند مختار و صاحب‌اختیار می‌باشند.

واضح بوده باشد ..

[متن تعلیقه متولی:]

بسم اللّه خیر الاسماء- چون صاحب عریضه به شرح متن عرض و در مقام

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۷

استدعا برآمده و کتاب عالی حضرت مستوفی سرکار فیض آثار به شرح حاشیه جواب مراتب معروضه را قلمی نموده، حسب الاستدعا به‌جهت تحصیل دعای خیر و محروم نبودن جمعی که در این آستان فیض‌بنیان ابا عن جد سمت خدمات می‌داشته‌اند از ابتداء نه ماهه هذه السنه میمونه تنگوزی‌ئیل خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض‌مدار را که قبل از این در وجه مرحوم سید حسین مقرر بوده درباره حضرت سیادت و نجابت‌پناه سید حسن صاحب عریضه مفوض و برقرار نموده که در سرکار فایض الانوار به خدمت مزبور قیام و مواجبی که در وجه خادم سابق از بابت مداخل سرکار مقرر بوده در وجه خود برقرار دانسته، هرساله از قرار قبض که به رقم داعی دوام دولت قاهره رسیده باشد از دفتر سرکار بازیافت و صرف معاش خود نموده، به دعای دوام دولت دوران عدت اشتغال نماید. عالی‌حضرات مستوفی و مشرف سرکار مزبور شرح تعلیقچه را به‌جهت استحضار خود در سررشته‌جات ثبت نموده، در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۱۹۳.

۱۲۶ [۲] مصالحه‌نامه مورخ ۷ ج ۱- ۱۲۲۸

درباب دو دانگ خانه واقع در محله سیدان قم از میر زین العابدین ملقب به میرزا میران حافظ خلف میرزا میران حافظ سرکار فیض آثار (در مجموعه اسناد خاندان سرکشیک میر عبد الکریمی).

۱۲۷ [۳] فرمان مورخ ج ۲- ۱۲۳۳ از فتحعلی شاه قاجار بالای عرضه داشت میرزا محمد ولد میرزا احمد حافظ سرکار فیض آثار که «شب و روز در آن آستان مقدس به تلاوت کلام اللّه مجید و دعاگویی اشتغال داشت»، در واگذاردن مقرری پدر او و از بابت مالیات قم به وی:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۲۸

حکم همایون شد آن‌که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه فخامت و مناعت اکتناه جلالت و نبالت دستگاه عزت و رفعت آگاه امیر الامراء العظام فدوی عبودیت فرجام امین الدولة العلیة العالیه عبد اللّه خان به عنایت خسروانه سرافراز بوده بدانند که چون صاحب عریضه به شرح متن عرض و استدعا نموده و عالی‌جاه رفیع‌جایگاه افادت و افاضت‌دستگاه ... باشی به شرح ظهر تصدیق بر شایستگی او نوشته است علی هذا آن عالی‌جاه مبلغ دو تومان نقد و مقدار دو خروار غله قبل از این از بابت مالیات قم در وجه .. برقرار بوده و درین اوقات وفات یافته است در معامله هذه السنه .. ئیل در وجه عزت و سعادت همراه ابهت و نجدت انتباه اخلاص و ارادت دستگاه ..... و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۳۳ .

۱۲۸ [۴] فرمانی دیگر از فتحعلی شاه درباره مقرری میرزا احمد حافظ سرکار فیض آثار و واگذاردن آن به فرزند او

که به خاطر فرسودگی بسیار سند استخراج متنی درست از آن امکان پذیر نشد.

۱۲۹ [۵] تعلیقه میرزا محمد رضا متولی‌باشی مورخ ج ۲– ۱۲۷۳ در واگذاردن خدمت یک نفر خادمی به ملا آقاجان فرزند میرزا جونی حافظ سرکار فیض آثار،

با تعلیقه میرزا سید حسین متولی باشی بالای سند مبنی بر آن‌که خدمت حافظی پس از درگذشت میرزا جونی (به سال ۱۲۷۳) به همین فرزند او و خدمت یک نفر خادمی به فرزند دیگرش میرزا آقا واگذار شده است، با تصدیق و دستخط مستوفی آستانه در حاشیه:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۲۹

چون رعایت احوال خادم‌زادگان دیرین این آستان ملایک پاسبان که ابا عن جد در این دربار فیض آثار خدمات نموده‌اند واجب و لازم است عالی‌حضرت ملا آقاجان ولد عالی‌حضرت ستوده‌خصلت آقا میرزا جونی حافظ که ازجمله قدیمی‌های سرکار فیض آثار و صاحب عیال و اطفال است و نمی‌خواهیم که هیچ‌یک از بنده‌زادگان و جاروب‌کشان این آستان عرش‌بنیان مأیوس باشند بناء علیه از ابتداء هذه السنه میمونه توشقان‌ئیل خیریت تحویل و مابعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را با مواجبی که در ازاء شغل مزبور مقرر است در وجه عالی‌حضرت ملا آقاجان مفوض و مرجوع و برقرار نمودیم که همه‌ساله به نحو سایر خدام مواجب و نذورات مقرر را از عالی‌جنابان قدوسی‌القابان عمال و مباشرین سرکار مزبور بازیافت و صرف معیشت و گذران خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت اعلی‌حضرت شهریاری اشتغال نماید. مقرر آن‌که کتاب دفتر استیفاء و مشرف سرکار فیض آثار سواد تعلیقه را به‌جهت استحضار خود ثبت و ضبط نمایند.

تحریرا فی شهر جمادی الثانی ۱۲۷۳.

[تعلیقه متولی‌باشی بعد:]

بسم اللّه تعالی- چون‌که پس از وفات میرزا جونی حافظ نظر به قاعده متداوله خدمت او را به ملا آقاجان ولد ارشد او واگذار و مفوض داشته بودیم

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۰

و خدمتی دیگر سابقا به ملاـ آقاجان داده شده بود لهذا خدمت او را در حق برادر او میرزا آقا مقرر داشته که به آسودگی مشغول دعاگویی دوام دولت قاهره بوده باشد.

[ثبت مستوفی آستانه:]

هو- موافق این تعلیقه خدمت یک نفر خادمی به ملا آقاجان مرجوع و مفوض شده. بعد از فوت مرحوم والد حافظی به ملا آقاجان که ارشد و اسن اولاد است موکول گشت، خادمی که در سنه ماضیه در حق او برقرار شده به میرزا آقا برادر او محول آمد و از حال تحریر که اول ئیلان‌ئیل خیریت دلیل مطابق سنه هجریه هزار و دویست و هفتاد و سه می‌باشد به مبارکی .. الایام هر دو برادر که دو سمت مزبوره در حق آنها مقرر است مثل سایر خدمت‌گزاران در سلک چاکران این آستان عرش‌نشان منتظم و منسلک خواهند بود و با اهلیت و شایستگی آنها بسیار بجا و به‌موقع است. حرره الجانی.

۱۳۰ [۶] مصالحه‌نامه مورخ ۱ میزان سال ۱۲۷۴

حاکی از آن‌که عالی‌جاه آقا سید اسماعیل صدر الحفاظ در این تاریخ منافع یک دانگ از شش دانگ معصوم‌آباد وقفی

سرکار فیض آثار را از عالی‌جناب میر عبد الکریم سرکشیک اجاره نموده است (از مجموعه اسناد خاندان سرکشیک میر عبد الکریمی).

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۱

ضابطی

اشاره

دو سند مربوط به این خدمت :

۱۳۱ [۱] فرمان مورخ رجب ۱۲۱۲ از فتحعلی شاه با مهر «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده بابا خان» در پایان سند، در مورد وظیفه و تیول حاجی سید عبد الکریم ضابط آستان مقدس و دو تن دیگر از خدمتگزاران این آستان:

بسم اللّه تعالی شأنه

حکم والا شد آن‌که چون در عهد خاقان علیین‌مکان خلدآشیان نور اللّه مرقده از قرار تفصیل نقد و جنس به صیغه وظیفه در وجه عالی‌جنابان عزت و سعادت انتسابان سلالهٔ السادات حاجی سید عبد الکریم ضابط و سید محمد و سید حسین خادم سرکار فیض آثار معصومه علی آبائها و علیها الف سلام و تحیهٔ مستمر و برقرار بود لهذا بنابر مراعات جانب مشارالیهما در معامله هذه السنه ئیلانئیل خیریت دلیل مبلغ و مقدار مزبور را کماکان در وجه مشارالیهما برقرار و مرحمت فرمودیم که همه‌ساله از بابت مالیات دار المؤمنین قم بازیافت و صرف اخراجات و مدارگذار

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۲

خود نمایند و یک زوج زراعت تیولی که در وجه عالی‌جناب سید عبد الکریم برقرار بود شفقت و عنایت فرمودیم که در معامله هذه السنه و مابعدها منافع آن را صرف معیشت خود نموده، به دعای دولت دوران عدت اشتغال نماید. مقرر آن‌که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و اقبال‌پناه شهامت و بسالت انتباه اخلاص و ارادت آگاه نتیجهٔ الامراء العظام آقا اسد اللّه حاکم و عالی‌شأنان عمال خجسته اعمال دار المؤمنین قم مبلغ و مقدار مزبور را از قرار تفصیل همه‌ساله مهم‌سازی مشارالیهما نموده، یک زوج زراعت را به تیول عالی‌جناب سید عبد الکریم مستمر و برقرار دانسته، تخلف نورزند. عالی‌جاهان معلی‌جایگاهان مقربی الخاقان شرح رقم مطاع را در دفاتر خود ثبت و در عهده شناسند.

تحریرا فی شهر رجب المرجب سنه ۱۲۱۲.

۱۳۲ [۲] خطاب «لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد ابراهیم» در باب تیول حاجی میر عبد الکریم ضابط موقوفات آستانه مقدس:

عالی‌شان رفیع‌مکان عزت و صداقت‌نشان عمدهٔ الاعیان محمد تقی بیک نایب و سایر عمال و کدخدایان و زارعین بلدهٔ المؤمنین قم را اعلام می‌دارد که در باب موازی بیست و یک خروار و هفتاد من غله که از بابت تیول ابواب جمع عالی حضرت سیادت منقبت کهف الحاج حاجی میر عبد الکریم و مطالبه مقدار مزبور را از مشارالیه می‌نمایند درین وقت فرمان

قضـا جریـان مرحمت بنیان از مصـدر عز و شان شـرف صـدور یافته است که موازی پانزده خروار از آن‌جمله را به عوض تیول عالی حضـرت مشارالیه مسـتمر و برقرار و به خرج ابواب جمعی خود محسوب دانند که البته حسب الرقم قضاشیم مبارک مطاع مقدار مزبور را به خرج متوجهی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۳

عالی‌حضـرت مشارالیه ممضی خواهند داشت و درباب شش خروار و هفتاد من تتمه از آنجا که عالی‌حضرت مشارالیه من‌جمله سـادات عـالی‌درجـات و مراعـات جـانب او درین بـاب لازم و ضابـط موقوفات سـرکار فیض آثار است و این جانب نیز کمال محبت نسبت به مشارالیه دارد و قطع نظر از این مراتب در هذه السنه ئیلان‌ئیل هم یک فرد زراعت علاوه بر سنوات سابق ابواب جمع مشـارالیه نموده‌انـد که بایـد از عهـده متوجهات و نقـد و جنس آن برآیـد لهـذا می‌بایـد مقـدار مزبور را از اشخاصـی که همه‌سـاله بازیـافت می‌نمـوده‌انـد و زراعت جنس مزبور را متوجه بوده‌انـد در این سـال هم به آنهـا سرشـکن نموده، از رعایـا و زراعین آنجـا بازیـافت و متعرض عالی حضـرت مشارالیه نشونـد. البته درین باب به نحو مسـطور معمول داشـته، شـش خروار و کسـری را سرشـکن رعایایی که هرساله مهم‌سازی می‌نموده‌انـد نموده، از آنها بازیافت و زیاده متعرض عالی‌حضـرت مشارالیه نشونـد. البته درین‌خصوص کوتـاهی ننموده، به‌علت مطـالبه شـش خروار و کسـری متعرض عالی‌حضـرت مشار الیه نشـده، آن عالی‌شان و سایر زراعین از عهده برآمده، و پیوسته حالات را با مهمات قلمی دارند.

[حاشیه:]

بایـد یـک زوج عـالی‌حضـرت حاجی میر عبـد الکریم را به نحوی که حسب الرقم مطاع مقرر است از تکالیف دیوانی و اسم و رسم دیگر معاف دانسته، به تیول او برقرار داننـد و این قلیل ما به التفاوت قرار دادن هـذه السـنه را که بـدین‌موجب می‌باشد از عالی‌حضـرت مشارالیه مطالبه ننمایند و به هرنحوی که حسب الرقم به دسـتور اسـتمرار سنوات سابقه به صیغه تیول یک زوج او برقرار است مقدار مزبور را به دسـتور اسـتمرار سـنوات سابقه خود از عهده برآمده، تکلیف تازه [یی] به عالی‌حضـرت مشارالیه ننمایند و مراعات او را منظور دارند.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۴

۱۳۳ [۳] فرمان مورخ ذ ح- ۱۲۱۷ از فتحعلی شاه در واگذاردن خدمتگزاری در طلای روضه مقدس تقدیمی همین پادشاه به میر عبد الکریم موسوی قمی که همان ضابط موقوفات آستانه مقدس است بالای عرضه داشت او:

عرضه داشت کمترین بنـدگان [میرزا عبـد الکریـم الموسوی القمی] تراب آسـتان مرحمت‌بنیان را کحل الجواهر دیده امیدواری خود سـاخته، به موقف عرض واقفان بزم حضور فیض گنجور ساطع النور بنـدگان سـکندرشان دارادربان قیصـر پاسـبان اقـدس ارفع اعلی می‌رسانـد که قربـان خـاک پای جواهرآسای مبارکت گردم چون امور آسـتانه مقـدسه عرش‌درجه بضـعهٔ الاحمـدی [علیها] آلاف التحیهٔ و الثنا از هر جزوی و کلی خدمه جداگانه دارد و درب طلای آن هنوز خدمه به‌هم نرسانیده و حسب الامر الاقدس مقرر گردیده که خدمت داشته باشد. استدعا از مراحم بی‌کران و اشفاق بی‌پایان خدیوانه چنان است که خدمت درب طلای مقـدس را بـه این غلام دعـاگو مقرر و محـول فرماینـد که هرسـاله مشـغول خـادمی و خـدمت مقرره گردیـده، از روی امیدواری و خاطرجمعی تمام به دعاگویی دوام دولت قاهره قیام و اقدام نماید که هر آینه باعث امیدواری و تحصیل دعاء خیر به‌جهت ذات اقـدس و وجود مقدس بندگان ظل اللهی خواهد بود. چون مراتب معروضه از لوازم بود لهذا جرأت و جسارت به عرض نمود. الباقی امره الاشرف الاقدس الاعلی مطاع.

[متن فرمان:]
حکم والاـ شـد آن‌که بنابر ظهور قابلیت و شایسـتگی و اهلیت و پیراسـتگی عالی‌جناب مقـدس‌القاب فضائل و کمالات‌اکتساب سلالهٔ السادات العظام میرزا
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۵
عبـد الکریم از ابتداء معامله هذه السنه تنگوزئیل خیریت تحویل خدمت خادمی درب طلای آسـتانه مقدسه متبرکه مطهره را به عـالی‌جنـاب مشـارالیه مفـوض و مرجوع فرمودیم که به نحوی که بایـد به طریقی که شایـد از روی حصول اسـتظهار به مراسـم خـدمت مقرره قیـام و اقـدام داشـته، به دعـاگویی دوام دولت قـاهره سـلطانی اشـتغال نمایـد. عالی‌جناب مقـدس‌القاب فضائل و کمالاـت اکتسـاب حقایق و معارف انتساب سـلالهٔ السادات العظام میرزا محمـد مهـدی متولی آسـتانه عرش‌درجه به نهـج مقرر لوازم شغل مذکور را به مشارالیه مرجوع دارد و در عهده شناسد.
تحریرا فی شهر ذی حجهٔ الحرام سنه ۱۲۱۷.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۶

کفش‌داری

اشاره

چند سند مربوط به این خدمت (متعلق به آقایان وزیری و کبیری بازماندگان دودمان کفشدار آستانه):

۱۳۴ [۱] حکم مورخ ذ ح- ۱۲۱۹ از عباس میرزا نایب السـلطنه در تنفیذ ملا محمد تقی قمی کفشدار آستانه در خدمت خود، خطاب به میرزا محمد مهدی متولی آستانه و حاجی محمد حسین خان بیگلر بیگی اصفهان و کاشان و قم.

این کفشـدار همان «محمـد تقی ابن محمـد رضا» ست که نام و مهر او با تاریخ ۱۲۱۲ در طومارتقسیم غله مورخ ۱۲۱۳ (بخش سوم همین مجموعه) دیده می‌شود:
حکم والا شـد آن‌که چون خـدمت کفشداری آسـتانه مقدسه منوره معصومه علیها السـلام و التحیه ابا عن جد به عالی‌حضـرت ستودهٔفطرت نجـابت و سـعادت مرتبت ملاـ محمـد تقی قمی مفـوض و رعـایت جـانب او منظور نظر مرحمت دسـتور و در آن آسـتان سدره‌نشان به نیابت نواب والا مشـغول زیارت و دعای ذات کامل الصـفات اعلی‌حضرت قدر قدرت شاهنشاهی و نواب کامیاب والاست علی هـذا امر والامفاد مقرون می‌گردد که عالی‌جایگاه عزت و جلالت‌پناه افادت و افاضت دسـتگاه مجـدت و محمدت اکتناه سلالهٔ السادات و الاشراف میرزا محمد مهدی متولی و عالی حضرات خدام و سرکشیکان روضه منوره معصومه علیه السلام شغل مزبور را کما کان بی‌اشتراک و مدخلیت غیرمخصوص مشارالیه دانسته، احدی را در امر او
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۷
دخل و تصـرف ندهند و او را حسب الواقع در خدمت و شـغلی که دارد مستقل سازند عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و جلالت‌پناه مجـدت و منـاعت انتبـاه فخامت و نباهت اکتناه امیر الامراء العظام خیر الحاج الکرام حاجی محمـد حسـین خان بیگلر بیگی دار السـلطنه اصفهان و کاشان و قم خدمت مزبور را مختص او دانسته، رعایت جانب او را در هر باب منظور دارد و کسی را در امر

او دخل و تصرف نداده، شغل مزبور را بی‌اشتراک غیرمخصوص او شمارد و در عهده شناسند.
تحریرا فی شهر ذی حجهٔ، حجهٔ ۱۲۱۹.

۱۳۵ [۲] فرمان مورخ ع ۱– ۱۲۲۳ از فتحعلی شاه در تنفیذ همان ملا محمد تقی کفشدار در خدمت حافظی و کفشداری آستانه خطاب به میرزا سید محمد متولی، بالای عریضه کفشدار مزبور که در آن گفته می‌شود این دو خدمت «ابا عن جد» موروثی وی بوده است:

عرضه داشت کمترین بندگان ملا محمد تقی کفشدار فرزند ملا رضای حافظ ارض مقدسه قم به موقف عرض ایستادگان پایه سریر خلافت مصیر بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان اشرف اقدس اعلی می‌رساند که قربان خاک پای مبارکت شوم از قدیم الایام خدمت حافظی آستانه متبرکه جناب حضرت معصومه علیه الصلاهٔ و علیه السلام ابا عن جد موروثی و با کمترین بوده و حال دیگری تصرف می‌کند و چون این داعی دوام دولت پادشاهی ابدا نایب الزیاره و دعاگوی دولت ابدمدت بوده و می‌باشم التماس و استدعا از مرحمت خسروانه آن‌که فرمان مبارک مطاع پادشاهی از مصدر جاه و جلال امر و مقرر گردد که درید کمترین باشد که از یمن دولت ابدمدت دیگری دخل و تصرف در شغل و خدمت کمترین نداشته باشد
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۸
که این کمترین بندگان به خاطرجمعی تمام متوجه شغل و خدمت خود بوده و به دعاگویی دوام دولت قاهره مشغول گردم.
باقی امره اعلی مطاع.
[متن فرمان:]
حکم همایون شد آن‌که چون عارض به شرح مسطور متن عرض و استدعا نموده است لهذا امر و مقرر می‌شود که عالی‌جاه معلی‌جایگاه عزت و سعادت پناه خلاصهٔ الاطیاب میرزا سید محمد متولی سرکار فیض آثار بعد از حصول اطلاع از مضمون حکم جهان‌مطاع در این‌که شغل حافظی و کفشداری روضه مطهره محول به صاحب عریضه بود حال نیز به دستور سابق مختص مشارالیه دانسته احدی را در خدمت مزبوره دخیل نداند که به دستور سابق متوجه شغل مزبور بوده، از آن ممر مدار و معاش نموده باشد. در این باب قدغن لازم دانسته، حسب المقرر معمول دارد و در عهده شناسند.
تحریرا شهر ربیع الاول سنه ۱۲۲۳.

۱۳۶ [۳] مصالحه‌نامچه مورخ ذ ح– ۱۲۳۵ در تقسیم عایدات کفش خانه میان کشیک‌های سه‌گانه:

چون درین وقت عالی‌حضرات خدام والامقام مدعی عالی‌حضرت ملا محمد تقی کفشدار آستانه مقدسه بودند که مداخل کفش‌خانه مشارالیه بسیار است و نصف کفش‌خانه مشارالیه را به کشیک قرار دادند که منفعت آن در میان سه کشیک قسمت شود. نظر به این‌که خدمت کفشداری ... ملا محمد تقی مزبور بود بناء علی هذا عالی‌حضرات خدام والامقام قرارداد نمودند که در عوض
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۳۹
منفعت و مداخل نصف کفش‌خانه مزبوره مبلغ یک تومان و پنج هزار دینار که عبارت از یک نفر خدمت حافظی بوده باشد مثل سایر خدمات پانزده هزاری سرکار فیض آثار مزید بر یک نفر خدمت کفشداری ملا محمد تقی به مشارالیه دادند مثل سایر خدام در سرکار فیض آثار از نذورات و مواجب بازیافت نماید.
نصف مداخل کفش‌خانه مزبوره در میان خدام به‌طریق قرارداد آستانه در مداخل یومیه سرکار فیض‌مدار قسمت شود که در

حقیقت اگر شغل [ذمه‌ای] بوده باشد رفع آن شده باشد و به‌طریق مذکور تراضی از طرفین حاصل شد.
تحریرا فی شهر ذیحجة الحرام سنه ۱۲۳۵.
[حاشیه:]
هو- قرارداد به‌طریق مرقوم است و از این قرار مستمر خواهد بود [مهر:] احمد بن یحیی الرضوی.
هو- حقیر از قرار مذکور راضی و چنانچه احدی را در این‌خصوص سخنی باشد عهده جواب به حقیر است. کتبه الجانی [مهر:] عبده اسماعیل بن جعفر الرضوی.
اقل السادات از قرار مذکور متن راضی هستم و متعهدم [مهر:] محمد حسین بن محمد جعفر الرضوی الموسوی.
اقل سادات هم از قرار مذکور متن راضی هستم و متعهد هم می‌باشم [مهر:] عبده اسماعیل الحسینی.
اقل السادات هم از قرار مذکور در متن راضی هستم و شاهدم [مهر:] محمد مهدی الرضوی.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۰

۱۳۷ [۴] تعلیقه مورخ ج ۱- ۱۲۵۲ از میرزا محمد رضا متولی باشـی در واگذاردن خدمت کفشداری مردانه به ملا رضا وزیر فرزند ملا محمد تقی مزبور، بالای عرضه داشت او:

عرضه داشت کمترین بندگان [ملا رضا وزیر] به موقف عرض وکلاء اجلاء نواب مستطاب معلی‌القاب بندگان عالی می‌رساند که خدمت کفشداری سرکار فیض آثار به مرحوم والدم ملا محمد تقی مفوض و مرجوع بود و چندی است که والدم به رحمت ایزدی پیوسته و خدمت مزبور حسب التعلیقه سرکار به احدی مفوض و مرجوع نشده. چون خدمات سرکار فیض‌مدار موروثی می‌باشد مستدعی از خدمت سراسر سعادت بندگان عالی چنان می‌باشم که خدمت مزبور را کماکان به کمترین بندگان مفوض و مرجوع فرمایند که به خدمت محوله به خود قیام و اقدام نموده، مواجب و نذوراتی که از سرکار فیض آثار به ازاء خدمت مزبور مقرر است بازیافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت اعلی‌حضرت قدر قدرت شاهنشاهی و سرکار عظمت مدار بندگان عالی اشتغال نماید. امیدوار چنان است که دست رد بر سینه ملتمس این دعاگو نخواهند گذاشت. باقی امرکم العالی مطاع.
[ارجاع تولیت به مستوفیان در حاشیه:]
کتاب دفتر استیفاء سرکار فیض آثار حقیقت مراتب مزبوره را .. دارند.
[تصدیق مستوفی آستانه:]
عرضه می‌دارد که خدمت کفشداری سمت مردانه به ملا محمد تقی والد مرحوم عارض مرجوع بود و بعد فوته من حیث الارث به عارض می‌رسد که اولاد اکبر است و از تاریخ فوت الی الحال هم به کسی مفوض نشده و اگر ملتمس
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۱
او را مبذول دارید و تفویض این خدمت را به عهده او مقرر آرید هرآینه باعث رونق این آستان و امیدواری کافه خدمتگزاران خواهد بود. بدانچه معمول دارند مطاع و مختارند.
[متن تعلیقه:]
چون صاحب عریضه به شرح متن عرض و در مقام استدعا برآمده و کتاب دفتر استیفاء سرکار فیض آثار نیز تصدیق بر مراتب مزبوره نموده‌اند بناء علیه از هذه السنه پیچی‌ئیل خیریت دلیل و ما بعدها خدمت کفشداری سمت مردانه را به عارض مفوض و

مرجوع نموديم که همواره به لوازم شغل مزبور قيام و اقدام نمايد و مواجب و نذوراتی که به ازاء شغل مزبور مقرر است بازيافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگويی دوام عمر و دولت اعلی‌حضرت شاهنشاهی مشغول گردد. کتاب دفتر استيفاء و مشرف سرکار فيض آثار سواد تعليقه را به‌جهت استحضار در سررشته‌جات خود ثبت و ضبط نمايند.

تحريرا فی شهر جمادی الاولی من شهور سنه ۱۲۵۲.

۱۳۸ [۵] عريضه کفش‌داران آستانه به ميرزا علی اصغر خان امين السلطان صدر اعظم درباب کفشداری صحن نو احداثی او، و پاسخ و دستور وی در حاشيه عريضه مورخ رمضان ۱۳۰۴:

معروض رای مرحمت و عنايت پيرای عالی می‌دارد که از زمانی که بقعه مطهره حضرت فاطمه معصومه عليها و علی آبائها آلاف من التحيـة برپاشده اجداد اين دعاگويان به کفشداری اين روضه ملائک دربان سرافراز و مفتخر بوده، قريب سی چهل نفر از بزرگ و کوچک دختر و پسر می‌باشيم که از اين خدمت عالی معاش کرده و می کنيم. چون از قبل بندگان حضرت اجل اعظم دام اجلاله و اقباله

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۴۲

خانواده‌ها و مردمان از اعلی و ادنی به نان رسيده‌اند استدعا از مراحم بی‌پايان چنان است که کفش‌داری ايوان آينه صحن جديد را هم موکول به اين دعاگويان بفرماييد و دستخطی در اين‌خصوص مرقوم فرماييد تا به آسودگی مشغول خدمت شده، به دعاگويی وجود مبارک اشتغال ورزيم. ايام جلالت و عظمت و شهامت مستدام باد.

[دستخط امين السلطان:]

عالی‌جاه مقرب الحضرة العلية ميرزا مولی را مرقوم می‌شود اين کاغذی است که کفشدارهای صحن قديم قم نوشته‌اند و کفش‌داری صحن جديد را هم استدعا کرده‌اند. برحسب خواهش و استدعای ايشان کفشداری صحن جديد را هم به آنها واگذار کنيد که آسوده مشغول دعاگويی ذات ملکوتی صفات همايونی باشند. شهر رمضان المبارک ۱۳۰۴.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۴۳

خدمت

اشاره

آستانه مقدس جز صاحب‌منصبان که هريک با عنوانی خاص شناخته می‌شدند در هر دوره گروهی انبوه خدمتگزار داشت که شمار آنان در ديباچه اين بخش ياد شد. نام خدمتگزاران هر دوره از فردها و طومارها و کشيک‌نامچه‌های آستانه مقدس دانسته می‌شود. در کتاب‌های تاريخ قم نوشته شده در روزگار قاجار به‌خصوص نوشته‌ها و جنگ‌های علی اکبر فيض نيز نام بسياری از آنان آمده است.

در اسناد سرکشيکی و احکام و ارقام برخی مناصب ديگر آستانه چند سند مربوط به «خدمت» گذشت و اينک چند سند ديگر:

۱۳۹ [۱] فرمان مورخ ج ۱– ۱۱۹۵ از علی مراد خان زند بالای عرضه داشت سيد محمد رضوی که در سلک خدام آستان ملايک پاسبان

حضرت معصومه منسلک بود، در قرار دادن سه تومان نقد و سه خروار غله به صیغه وظیفه از بابت مالیات دار المؤمنین قم در وجه او:

عرضه داشت کمترین بندگان دعاگو [سید محمد الرضوی خادم] به موقف عرض باریافتگان محفل ارم مشاکل اقدس ارفع خلدبنیان و الاروحی فداه می‌رساند که این دعاگو در سلک خدام آستان ملائک پاسبان حضرت معصومه علیه السلام

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۴

منسلک و دعاگو و نایب الزیاره بندگان اقدس والاـ می‌باشد و به‌جهت کثرت عیال و عدم مداخل از شغل و عمل خود بازمی‌ماند. استدعا آن قربهٔ الی اللّه و طلبا لمرضاته موازی یک زوج محل زراعت از دار المؤمنین قم تیول ابدی و احسان سرمدی این دعاگو شفقت و مرحمت فرمایند که همه‌ساله زراعت کرده، مداخل آن را به مصرف عیال خود رسانیده، در آستان عرش‌بنیان به دعای دوام دولت ابد توأمان اشتغال نماید و حکم مطاع عالم مطیع به سرافرازی عالی‌جاه حاکم و عمال قم شرف اصدار یابد که متوجهی یک زوج زراعت معروضه را از نقد و جنس و به کمترین حواله و اطلاقی ننمایند که باعث مزید امیدواری و دعای خیر به‌جهت ذات اقدس و وجود مقدس بندگان سکندرشان والا خواهد بود و عند اللّه و عند الرسول ضایع نخواهد شد. باقی امره الاعلی مطاع.

[متن فرمان:]

حکم والاـ شد آن‌که چون عارض به شرح متن عرض و در مقام استدعا برآمده لهذا چون همواره منظور نظر خیریت اثر مراعات حال و مراقبت احوال سادات عظام و فضلاء ذوی الاحترام می‌باشد مبلغ سه تومان تبریزی نقد و مقدار سه خروار غله به وزن تبریز به صیغه وظیفه از بابت مالیات دار المؤمنین قم در معامله هذه السنه اودئیل خیریت دلیل در وجه عارض شفقت و عنایت فرمودیم که هرساله به‌طریق استمرار بازیافت و صرف معیشت خود نموده، به دعاگویی ازدیاد عمر و دولت و اقبال ابدی الاتصال اشتغال نماید.

عالی‌جاه رفیع‌جایگاه حاکم و عمال قم از ابتداء هذه السنه و ما بعدها در وجه عارض مهم‌سازی که به خرج ابواب جمعی آن عالی‌جاه مجری خواهد بود.

کتاب خیریت اکتساب دفترخانه والا شرح رقم مبارک را در دفاتر لازمه ثبت و به

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۵

نحو مقرر عمل نمایند و در عهده شناسند.

تحریرا فی جمادی الاول سنه ۱۱۹۵.

۱۴۰ [۲] تعلیقه مورخ ع ۲– ۱۲۲۷ از میرزا سید محمد متولی‌باشی در واگذاردن خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار به آقا محمد باقر فرزند آقا محمد علی خادم، با توقیع و ثبت «عبده اسحاق بن محمد ابراهیم» پشت سند:

چون حضرت نجابت و معالی‌پناه آقا محمد باقر ولد عالی‌حضرت آقا محمد علی خادم ازجمله قدیمی‌زادگان سرکار فیض آثار می‌باشد و به شغلی از مشاغل سرکار مفتخر و سرافراز نگردیده بود بنابر مراعات جانب مومی الیه از ابتداء هذه السنه پیچی‌ئیل خیریت دلیل و ما بعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار مزبور را به مومی‌الیه مفوض و مرجوع نمودیم که به لوازم آن قیام و اقدام نماید. مواجب و نذورات به نحوی که در سایر خدام مقرر است درباره مومی‌الیه نیز مقرر فرمودیم که همه‌ساله بازیافت و صرف معیشت خود ساخته، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام دولت جاوید مدت اشتغال نماید.

عالی حضرات کتاب مستوفی و مشرف سرکار مذکور سواد تعلیقه را به‌جهت استحضار در دفتر خود ثبت و ضبط نمایند.
تحریرا فی شهر ربیع الثانی ۱۲۲۷.

۱۴۱ [۳] فرمان مورخ محرم ۱۲۳۳ از فتحعلی شاه بالای عرضه داشت سید حسین رضوی از خدام آستانه قم، درباره قلیل ملکی که او در بلده طیبه قم داشت:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۶
عرضه داشت اقل السادات [حسین الرضوی] تراب آستان مروت‌نشان را کحل الجواهر دیده امیدواری و اعتبار خود ساخته، به موقف عرض ایستادگان قوائم سریر خلافت مصیر بندگان سکندرشان دار دربان قیصر پاسبان اعلی‌حضرت قدر قدرت فلک‌رفعت کیوان‌مرتبت مشتری‌طلعت مریخ‌صولت بهرام‌سطوت اقدس اشرف ارفع اعلی روحی فداه می‌رساند که قربان خاک پای توتیاسای مبارکت شوم این اقل السادات ازجمله خدام سرکار فیض آثار و از دعاگویان دولت ابدمدت است و قلیل ملکی در بلده طیبه قم دارد که همه‌ساله هرکس که در آن ملک زراعت می‌کرد مال الاجاره او را به این کمترین کارسازی می‌کرد و اجاره نامچه هم از آن اشخاصی که زراعت می‌کردند الان در دست دارد و حال دو سه سال است که دیناری وجه نمی‌دهند.
استدعا از الطاف سراسر اعطاف ظل اللهی چنان است که حکم محکم پادشاهی عز صدور یابد که هرکس در آن ملک زراعت می‌کند همه‌ساله اجرت المثل ملک مزبور را از قرار اجاره‌نامچه‌های چند که در دست دارم به این اقل السادات بدهند که فارغ البال و مرفه الحال به دعای دوام عمر و دولت ابدمدت پادشاهی اشتغال نماید که هر آینه باعث دعای خیر به‌جهت ذات بابرکات بندگان اقدس اشرف ارفع اعلی خواهد بود. باقی امره الاعلی مطاع.
[متن فرمان:]
حکم همایون شد که عالی‌جاه رفیع‌جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت دستگاه مجدت و نبالت اکتناه صداقت و عقیدت‌آگاه امیر الامراء العظام مقرب الخاقان امین الدولهٔ العلیهٔ العالیه عبد اللّه خان به عنایات و توجهات پادشاهی مباهی بوده، بداند که چون سیادت‌پناه صاحب عریضه آقا سید حسین موسوی به شرح مسطور متن عرض و در مقام استدعا برآمده و رعایت جانب او منظور نظر انور می‌باشد به آن عالی‌جاه ارادت آگاه امر و مقرر می‌شود که بعد
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۷
از حصول سرافرازی به زیارت فرمان مطاع و ملاحظه مضمون عریضه به زارعین و مستأجر ملک عارض قدغن نماید که اجرهٔ المثل و وجه اجاره ملک او را از قرار اجاره‌نامچه که در دست دارد به نحو سنوات سابقه تمام و کمال عاید سیادت‌پناه عارض ساخته، تخلف از مدلول حکم قضا شمول جایز ندارند. باید آن عالی جاه حسب المقرر معمول دارد. عالی‌شان نایب دار المؤمنین قم به نحو مقرر عمل نموده، در عهده شناسد.
تحریرا فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۳۳.

۱۴۲ [۴] فرمان مورخ ج ۲- ۱۲۵۳ فتحعلی شاه درباره وظیفه و مقرری سید عبد اللّه فرزند سید ابراهیم خادم آستانه مقدس، بالای عرضه داشت فرزندان او:

عرضه داشت اقل السادات [ورثه سید عبد اللّه ولد مرحوم سید ابراهیم خادم سرکار فیض آثار] تراب آستان معدلت بنیان را

کحل الجواهر دیده امیدواری و اعتبار خود ساخته، به موقف عرض واقفان پایه سریر خلافت مصیر بندگان سکندرشان قیصر پاسبان دارادربان اعلی‌حضرت قدر قدرت قضا مهابت فلک رفعت آستان منزلت پادشاه جم‌جاه سلیمان بارگاه روحنا فداه می‌رساند که مرحوم سید عبد اللّه والد کمترینان خادم سرکار فیض آثار مبلغ دو تومان تبریزی نقد و مقدار دو خروار جنس از سرکار کسری اقتدار شاهنشاهی موظف بوده که هرساله از بابت مالیات دار الایمان قم بازیافت و صرف معاش خود می‌نمود، در این اوقات به تصدق فرق فرقدان‌سای اقدس گردیده است.

لهذا استدعا از مراحم و مکارم بی‌قیاس پادشاهی چنان است که وظیفه به طریقی که در وجه والد کمترینان مستمر و برقرار بود کماکان در وجه کمترینان مرحمت

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۸

و عنایت فرمایند که هرساله مبلغ و مقدار مزبور را بازیافت و صرف معاش و مایه انتعاش خود ساخته، به دعاگویی دوام عمر و دولت شهریاری اشتغال نماییم که باعث ازدیاد امیدواری داعیان خواهد بود. باقی الامر الاعلی مطاع.

[متن فرمان:]

حکم همایون شد که قره باصره دولت علیه و غره ناصیه شوکت بهیه فرزند ارجمند کامکار کیکاوس میرزا صاحب‌اختیار دار الایمان قم به الطاف پادشاهی مباهی بوده، بدانند که چون صاحب عریضه به شرح مسطور متن عرض و در مقام استدعا برآمده‌اند و رعایت جانب ایشان منظور نظر مرحمت اثر شهریاری است مبلغ دو تومان وجه نقد و مقدار دو خروار تبریز جنس که از بابت مالیات قم در وجه سید عبد اللّه والد ایشان مستمر و برقرار بود و وفات یافت در معامله هذه السنه تنگوزئیل خیریت دلیل و ما بعدها در وجه صاحب عریضه ورثه او مرحمت و عنایت فرمودیم که هرساله بازیافت و صرف معاش خود ساخته، آسوده‌خاطر به دعای دوام دولت ابدمدت قاهره اشتغال ورزد. آن فرزند همه‌ساله مبلغ و مقدار مزبور را در وجه ایشان مهم‌سازی نموده، از مدلول حکم همایون شهریاری انحراف جایز ندانسته، در عهده شناسد.

تحریرا شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۴۳.

۱۴۳ [۵] تعلیقه مورخ ع ۲- ۱۲۶۲ از میرزا محمد رضا متولی‌باشـی در واگذاردن خدمت یک نفر خادمی به سید حبیب فرزند میر عبد الرحیم خادم سرکار فیض آثار:

نظر به پاس حقوق و خدمات عالی‌حضرت رفیع‌منزلت سلالهٔ السادات میر عبد الرحیم که سال‌های بسیار و قرن‌های بی‌شمار که ابا عن جد به خدمت‌گزاری

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۴۹

و جان‌فشانی آستانه مقدسه منوره عرش‌درجه اشتغال داشته و عمری گذرانیده و حال مشارالیه جمعی عیال و اولاد به‌هم رسانیده که مداخل او به خرجش وفا نمی‌نماید و گذران این سلسله خدام می‌باید که از این آستان عرش‌بنیان بشود و رعایت جانب او هم منظور است و اولاد متعدد دارد که صاحب عیال شده‌اند و از عهده مخارج ایشان نمی‌توانند برآید. ازجمله سیادت‌پناه سید حبیب که یکی از اولاد مشارالیه است و مطلقا مداخلی ندارد و به خدمتی از سرکار فیض آثار مفتخر و مباهی نیست.

بناء علیه از هذه السنه یونت‌ئیل و ما بعدها خدمت یک نفر خادمی سرکار فیض آثار را به مومی الیه مفوض و مرجوع نمودیم که از روی راستی و درستی و کمال سعی و اهتمام به لوازم شغل مزبور قیام و اقدام و نهایت خدمت‌گزاری و جان فشانی را

به‌عمل آورد و مواجب و نذوراتی را که در وجه سایر خدام سرکار برقرار است در وجه او برقرار نمودیم که از مداخل سرکار بازیافت و صرف معاش خود نموده، فارغ البال و مرفه الحال به دعاگویی دوام عمر و دولت اعلی‌حضرت شهریاری اشتغال نماید.

تحریرا فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۲.

۱۴۴ [۶] فرمان مورخ ع ۲– ۱۲۶۸ از ناصر الدین شاه درمورد مقرری عالی‌جناب آقا سید حسین که در آستانه مقدس حضرت معصومه دعاگوی وجود مسعود مبارک بود:

حکم همایون شد که چون از قرار ثبت و سررشته‌جات دفترخانه مبارکه در جزو مستمریات مازندران مبلغ دوازده تومان نقد و مقدار دوازده خروار شلتوک در وجه ورثه مرحوم سید فتح اللّه مستمر و برقرار است از این‌که عالی‌جناب مقدس‌القاب سیادت و سعادت‌انتساب آقا سید حسین که یکی از ورثه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۵۰

مرحوم مزبور است مبلغ پنج تومان و نقد مقدار پنج خروار شلتوک قسمت عالی جناب مشارالیه را چون سید مزبور در آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها آلاف التحیهٔ منزوی و دعاگوی وجود مسعود مبارک می‌باشد مقرر فرمودیم از جزو مستمریات مازندران مقطوع و درضمن مستمریات دار الایمان قم برقرار و از سنه آتیه سیچقان ئیل خجسته تحویل و ما بعدها نقدا جنسا مبلغ هفت تومان وجه نقد در حق مشار الیه عاید و مهم‌سازی شود که آسوده‌خاطر به دعاگویی دولت ابدمدت اشتغال نماید.

مقرر آن‌که عالی‌جاهان رفیع‌جایگاهان حکام و عمال حال و استقبال دار الایمان قم از قرار این فرمان جهان‌مطاع مبلغ مزبور را بعد از وضع عشر دیوانی از مالیات آنجا در وجه مشارالیه عاید و واصل داشته، مطالبه حکم مجدد ننمایند و عالی‌جاهان رفیع جایگاهان عزت و جلالت‌دستگاهان مقربو الخاقان مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح فرمان همایون را ثبت و ضبط دفاتر خلود و دوام نموده و در عهده شناسند.

حرره فی شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۶۸.

۱۴۵ [۷] فرمان مورخ ع ۱– ۱۲۹۱ از ناصر الدین شاه خطاب به اعتضاد الدوله حکمران قم و ساوه و نهاوند (؟ گویا زرند) در باب چند تن از خدمتگزاران آستانه مقدس که اخراج شده بودند:

جناب فخامت نصاب امیر الامراء العظام فدوی دولت جاوید ارتسام اعتضاد الدوله حاکم قم و ساوه و نهاوند به مراحم کامله پادشاهی مفتخر و مباهی بوده بداند در باب چند نفر خدام آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام که چندی قبل اخراج شده و از قم به دار الخلافه آمده‌اند این روزها فرزندی فخر الملوک عریضه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۵۱

[یی] به خاک پای همایون عرض کرده و استدعای مرخصی و برقراری آنها را نموده است. چون همگی آنها سادات و ذریه فخر کاینات علیه و علی آله و اولاده آلاف التحیات هستند و رعایت حال و حصول آسایش آنها همواره منظور نظر مهر اثر ملوکانه می‌باشد لهذا محض شمول مراحم و الطاف کامله و اجابت عرض و مأمول فرزند معزی الیها جرایم و تقصیرات آنها را عفو و اغماض نموده، مشارالیهم را مرخص فرمودیم.

آن فدوی موافق این ملفوفه فرمان مبارک هریک آنها را به اطلاع جناب متولی‌باشی به هر خدمتی که از سابق داشته‌اند برقرار

نماید که کماکان در آستانه متبرکه به فراغت و آسودگی مشغول انجام خدمات مرجوعه و دعای بقای دولت علیه باشند. حسب المقرر معمول داشته و در عهده شناسد. شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۱.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۲

۳ فردها و طومارها

اشاره

بخشی مهم از اسناد آستانه قم فردها و نسخه‌های جمع و خرج سرکار فیض آثار و طومارهای تقسیم غله و کشیک‌نامچه‌ها و مانند آن است که نام خدمتگزاران آستانه در هر دوره از آنها دانسته می‌شود. از این‌قبیل اسناد چندین طغرا از دفتر و طومار و جز آن در خاندان‌های وابسته به آستانه به‌خصوص بازماندگان مستوفیان و سرکشیکان و صاحب‌نسقان دیده‌ام که نمونه را به نقل یکی دو سند اکتفا می‌رود:

۱۴۶ [۱] نسخه‌ای از ترجمه کتاب قم در کاشان است مورخ شوال ۱۲۸۱ از روی «نسخه کهنه قدیمی که سلاله دودمان رسالت میرزا علی نقی فرستادند».

اشاره

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۳

در پایان آن رساله‌ای است مشتمل بر چند فرد و حکم شرعی درباب موقوفه بودن علی‌آباد سراجه که از موقوفات قدیم آستانه است . این رساله را سرکار محمد کاظم خان فرزند محمد حسین خان کاشانی متصرف یک دانگ و نیم مزرعه مزبور در همین سال ۱۲۸۱ یا اندکی پس از آن نگاشته و در آن سه فرد مربوط به سال‌های ۱۱۳۹، ۱۱۴۷ و ۱۱۴۸ را عینا درج و ثبت نموده است.

این رساله از رهگذر جغرافیای تاریخی و جز آن بسیار سودمند است. لیکن چون متنی است مفصل، نقل آن را در این نوشته که مبنی بر اختصار است روا ندانست و تنها دیباچه و برخی از عبارات و اعلام انسانی و جغرافیایی فرد نخستین و قسمتی از فرد دوم و بندی از فرد سوم با احکام و شهادات پایان رساله که همه به‌جای خود سودمند است به این شکل (به همان ترتیب ذکرشده در رساله) استخراج گردید. امید است توفیق نشر کامل متن حروفی و سیاقی رساله به‌صورت مستقل در آینده‌ای نزدیک حاصل شود.

بسم اللّه الرحمن الرحیم

غرض اصلی از تحریر این حساب و تسطیر احکام و مستندات باصواب آن است که مزرعه علی‌آباد و طاحونه آن واقعه در حدود سراجه قم مدتی مخروبه و مسلوب المنفعه بود. در تاریخ یک هزار و دویست و پنجاه هجری علی هاجرها الف تحیهٔ و سلام مرحمت‌مآبان میرزا ابو الفضل و میرزا محمد رضای متولی‌باشی آستانه مبارکه بالمناصفه به عنوان مجهول المالکیهٔ قنات آنجا را آباد و مزرعه مزبوره را محل زراعت نمودند. سالی دو سه بعد از آن مرا شرف آستانه‌بوسی حضرت معصومه علیها

السلام روزی شد و به جهات چند توقف آن ارض اقدس

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۵۴

مقتضی گشت. قنات مزرعه صالح‌آباد در ده شهره که حسب الاکتساب به مرحمت پناه حاجی محمد جعفر برادر ارشد من انتقال یافته و مخروبه بود مرحوم سابق الذکر تنقیه‌ای از او کرده مسمی به جعفرآباد کرده بودند و ثانی الحال صورت انهدام پذیرفته. مرا از بابت مشغولیات میل‌آبادی آنجا شد. پس از تنقیه و وجود آب و زراعت با مرحوم میرزا ابو الفضل که سال‌ها سلسله اتحاد آبا و اجدادی فی‌مابین محکم بود صحبت به میان آمد، به رضای طرفین قرار شد که نصف از جعفرآباد را من به ایشان واگذارم و ربع از علی‌آباد که نصف را ایشان مالك بودند ایشان به من، صیغ شرعی جاری و نوشته‌جات سپرده شد مشروط بر آن‌که من نصف جعفر آباد ایشان را و ایشان ربع علی‌آباد مرا متصرف باشیم تا هر دو درست به حلیه آبادی بیرون آیند.

در همان اوقات از اطراف سخن وقفیت مزرعه علی‌آباد به میان آمد. از محاسبات سرکار فیض آثار که سه سال آن درین‌جا ثبت است و قباله‌ای که در نزد مرحوم میرزا محمد رضا بود و من خود دیدم تشکیکی از برای من در وقفیت آن نماند. بدان‌جهت همان دانگ و نیم را که ربع بود از مرحمت‌پناه حاجی سید اسماعیل اجاره کردم به شرحی که ثبت آن نوشته در آخر این اوراق است.

پس از آن به پاره‌ای تغییرات که مقتضی طبیعت روزگار است از مکنون خاطر خود که اهتمامی کرده مزرعه را به وقفیت با رضای آن دو متصرف مرحوم درآورم به‌جهت عدم توقف در قم بازماندم.

تا در سنه ۱۲۸۰ که ماهی چند در قم اقامت حاصل شد درصدد آنچه منظور بود برآمدم متصرفین به مسامحه گذرانیدند. این ثبت‌ها نگاشته شد که اگر مرا توفیقی باشد ان شاء اللّه تمنا را صورت دهم و اگرنه شاید دیگری موفق گردد و این خدمت را انجام دهد. در ضمن ملاحظه این حساب هم فواید دیگر از برای اهل حساب هست و از برای عبرت مردم که تغییرات و توفیرات روزگار چه‌قدر شدت

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۵۵

و ضعف دارد. گندم یک من بیست دینار به یک من یک هزار دینار که بیست مساوی است می‌رسد و همچنین سایر اجناس، با آن‌که محصولات این زمان البته ده مساوی رفع سلف را دارد.

[نسخه مداخل و مخارج آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها سلام در سال ۱۱۳۹]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

نسخه مداخل و مخارج هذه السنه سرکار فیض آثار آستانه متبرکه مقدسه عرش درجه [حضرت معصومه علیها السلام] فی لوی‌ئیل ۱۱۳۹

از بابت محصولات محال مزبوره که در سنوات سابق هریک به مبلغ و مقداری معین به اجاره مقرر بوده و در هذه السنه به‌سبب نامزروع بودن و خرابی محل به اجاره نرفته :

مزرعه بیجه و باغ علی‌آباد- مزرعه براوستان- مزرعه بطلیجرد (رسد سه دانگ متعلقه به سرکار)- مزرعه بندرآباد- مزرعه شریف‌آباد قمرود- مزرعه کهنه- مزرعه جمکران- مزرعه خرم‌آباد صرم- مزرعه دینجان و عمران‌آباد از بابت حقا به قطعه زمین قهیان- مزرعه خزانجرد، خراب و بایر- مزرعه علی‌آباد سراجه- مزرعه .. قاسم‌آباد که خراب و بایر و سند اجاره و مقاطعه

به دفترخانه سرکار موهبت‌مدار نرسیده، بلا مدخل.
مستغلات
خان و یک در دکان بقالی متعلقه به آن واقعه در خیابان آستانه مبارکه- حمام مشهور به حمام شاه- حمام مشهور به حمام فیضیه.
مال و جهات
محال مزبوره ذیل که به سیورغال ابدی و احسان سرمدی سرکار فیض آثار مقرر است:
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۶
مزرعه قاسم‌آباد- قریه تبرته و محال فراهان- مزرعه قهیان- مزرعه مبارک آباد و کمیدان- مزرعه چهار دانگه قهستان- مزرعه کوار- مزرعه سرباغبان لنجرود.
باغات
باغ زاویه بیگمی و یک فرد مزرعه قلاور- باغ معصوم‌آباد- باغ نواحداثی در اراضی قهیان- باغ باجک.
قریه فردو که حسب المقطع با رعایای قریه مزبوره می‌باشد.
دکانات و غیره
دکانات وقفی مرحوم آقا سلیمان و غیره- حمام در محاذی مدرسه غیاثیه- حمام شاه واقعه در میدان که داخل قیصریه رحمت‌پناه مهدی قلی خان است- مطبخ سرکار طوبی آشیان قدس‌مکانی.
مخارج
روشنایی و غیره:
روشنایی روضه متبرکه از تاریخ نوروز فیروز سلطانی سنه لوی‌ئیل ۱۵ شهر جمادی الاخرهٔ سنه ۱۱۳۹ از قرار قبوض سیادت و نجابت‌پناه میرزا ابو القاسم چراغچی سرکار فیض آثار.
سوخت مشاعل از قرار قبض سید اسماعیل مشعل‌دار.
سایر الامور:
بخور روضه متبرکه از قرار قبض میرزا جعفر و سید محمد بخور سوزان.
کاغذ و غیره:
کاغذ به‌جهت کتاب دفتر سرکار- جاروب از قرار قبض- مشک و دلو از قرار قبض محمد سقا.
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۷
حق التولیه و غیره
* حق التولیه:
تفویضی متعلقه به عالی‌حضرت متولی جلیل القدر عظیم المرتبه سرکار فیض آثار.
قدیمی در وجه جماعت مزبور: میرزا یحیی- میر جعفر.
* حق النظاره:
تفویضی متعلقه به عالی‌حضرت جلیل الشان ناظر سرکار فیض آثار.
قدیمی در وجه میر محمد حسین و غیره اولاد میر ابو المفاخر و میر ابو الفضل.

* حق التدریس عالی‌حضرات مدرسین سرکار فیض آثار:
میرزا عبد اللّه- میرزا صدر الدین
تعمیر و غیره
مرمت باغ معصوم‌آباد- مرمت حمام مدرسه- جهت پیشکش سرکار خاصه شریفه- درب باغ نواحداثی- پیشکش سرکار خاصه شریفه از بابت مزرعه قهیان.
مواجب و غیره
مواجب داعی محمد ابراهیم مستوفی.
خلعت‌بها (داعی محمد ابراهیم مستوفی- کدخدایان فردو- مستأجران سیرویه).
اخراجات
رفتن اصفهان در حینی که دار المؤمنین قم به تصرف اولیای دولت قاهره درآمده بود از قرار قبض حضرات سادات که به رقم عالی‌حضرت رفیع‌منزلت
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۸
متولی جلیل القدر عظیم المرتبه سرکار موهبت‌مدار رسیده در وجه داعی محمد ابراهیم مستوفی.
وظیفه
وظیفه جماعت مزبوره که قبوض خود را به دفتر نداده و تنخواه بازیافت ننموده:
حفاظ
میر محمد مهدی- ملا شریف
خدام
میر صفی- میر زین العابدین- میر علم الهدی- آقا رضی
سایر خدمه
اولاد میر زکی- ام کلثوم کفشدار زنانه.
حفاظ
[۱] که وظیفه خود را تمام بازیافت و قبض ایشان به رقم عالی‌حضرت متولی رسیده:
میر ابو المفاخر صدر الحفاظ- میر محمد ظهیر- سید اسحاق- میر عبد الحسین.
میر علی نقی صدر الحفاظ- میر صفی الدین- ملا رحیم ولد ملا سلطان محمد.
[۲] که از قراری که مداخل وفا به مخارج نموده بازیافت کرده‌اند:
میر جمال الدین محمد- ملا علی اکبر و ملا محمد تقی- سید تاج الدین- ملا رحیم ولد ملا محسن- ملا حسین ولد ملا رسول.
ملا علی اکبر- میر سید علی- میر مخدوم ولد میر لطیف- ملا عادل- ملا نصیر.
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۵۹
خدام
[۱] که تمام بازیافت نموده‌اند:

میرزا محمد حسین خادم‌باشی- میرزا محمد علی سرکشیک- میر محمد حسین- میر عبد اللّه- میر ابو المفاخر.

میرزا محمد ابراهیم- میرزا عبد اللّه- میر محمد جعفر- میر ابو القاسم ولد حاجی محمود.

[۲] که از قراری که مداخل وفا کرده بازیافت نموده‌اند:

میر محمد شهاب- میر محمد رضا- میر صدر الدین- میر شرف الدین.

میرزا یحیی- میرزا رضی خادم مرقد- میر عبد الرحیم- آقا مسیب.

میرزا عسکری و اخوان- میر حسین ولد میر احمد- میر ابو القاسم ولد میر جمال الدین- میر زین العابدین.

میر سید تاج الدین- میرزا محمد جعفر سرکشیک- میر محمد رجبعلی- آقا مسعود خازن و خادم.

سایر خدمه

[۱] که بعضی تمام و برخی نصف گرفته‌اند:

میر سید اسحاق مهردار- میر ابو القاسم چراغچی- میر محمد جعفر و سید محمد بخور سوزان- میر محمد کاظم کلیددار.

[۲] که از قرار مخارج زیاد از مداخل بوده کم کرده‌اند:

میر علی اکبر- اولاد میر باقر مهماندار- اولاد میر شفیع- میر صالح- میر محمد فراش.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۰

میر اسماعیل کتاب‌دار- میر شفیع فراش- آقا شفیع علم‌دار- میر رحیم فراش.

محمد علی فراش- سقا و باغبان خیابان- محمد علی صحاف- آقا محمد سرکار عمارات- محمد رحیم- شیخ حسین مؤذن- حسین مشعل‌دار- عابدین مشعل‌دار- محمد کریم مشرف.

اناث: خدیجه بیگم فراش درون مرقد مطهر- عزت نسا زیارت‌نامه‌خوان.

سایر جماعت

که از سرکار موظف و سمت خدمت و ملازمت ندارند:

عالی‌حضرت فضیلت و افادت و کمالات‌پناه علامی ملا محمد علی شمرانی و محمد مهدی- میر عبد الوهاب- اولاد حاجی محمد رضا- اولاد ..

مقرری

جماعت مزبوره ذیل:

اللّه ویردی ملازم سرکار فیض آثار- محمد رفیع ایضا

مداخل و مخارج سرکار فیض آثار به‌نحوی است که در دوازده طغرا فرد قلمی گردیده. هرگاه در ثانی الحال اختلافی به‌هم رساند به زیاد و کم رجوع خواهد (شد)- محمد ابراهیم بن محمد جعفر سنه ۱۱۳۹.

[نسخه جمع و خرج آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها سلام در سال ۱۱۴۷]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

نسخه جمع و خرج هذه السنه سرکار فیض آثار [حضرت معصومه علیها السلام] که مصحوب عالی‌قدر حبیب اللّه بیکا حاکم جلیل القدر ارسال حضور بندگان اقدس گردیده فی بارس‌ئیل ۱۱۴۷:

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۱

محصولات

I

از بابت محالی که واقف آنها مشخص و وقفنامه‌جات آنها موجود است:

[۱] مزرعه بطلیجرد سراجه که به رفع عمل شده:

عن سه دانگ که عالی‌جاه مرحمت و غفران‌پناه عمدهٔ الامراء العظام الکرام شاه قلی سلطان ولد الامیر الکبیر مصطفی سلطان از قرار وقف‌نامچه به تاریخ شهر رمضان المبارک سنه ۷۶۰ وقف نموده که متولی سرکار فیض آثار بعد از وضع اخراجات نسق تتمه منافع را به مصارف آستانه متبرکه رساند.

عن سه دانگ دیگر که درین وقت عالی‌حضرت سلالهٔ السادات میرزا مطهر صاحب‌نسق به تاریخ شهر رجب سنه ۱۱۴۶ وقف نمود که منافع آن را بعد از وضع اخراجات متولی جلیل الشأن سرکار به مصارف آستانه متبرکه رضیه رضویه رساند.

[۲] مزرعه سرباغبان لنجرود و غیره که به اجاره مقرر است من موقوفات مرحومه مغفوره شاه بیگی بیگم بنت مرحمت‌پناه مهماد بیک ولد حمزه بیک به شرط آن‌که بعد از صرف تعمیر عمارات و روشنایی و اعاده فروش آنچه بماند به مصارفی که متولی جلیل الشأن سرکار داند به وظایف خدمه و عمله صرف نماید.

* آنچه که به اجاره عمل شده:

مزرعه سرباغبان مزبور، ۲۰ سهم- مزرعه کوار لنجرود، یک دانگ- باغ زاویه بیگمی، بالتمام.

* آنچه که خراب و بایر است:

مزرعه .. قاسم‌آباد، دو دانگ- مزرعه خزانجرد قاسم‌آباد، دو دانگ- قریه دشیر محال سلطانیه، سه دانگ- قریه پرچون ایضا، سه دانگ.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۲

[۳] مزرعه شریف‌آباد قمرود تماما من موقوفات نواب خاقان صاحب قران سلطانی طاب ثراه به شرط آن‌که به مصارف روشنایی و بخور و سوخت مشاعل و مواجب خدمه و عمله سرکار صرف نمایند بعد از وضع مؤنث زراعت و بذر و عوامل بدین موجب ..

[۴] مزرعه قهیان تماما من موقوفات نواب خاقان صاحب قرانی طاب ثراه به شرح ایضا که به جهت مستدرک توشقان‌ئیل نسق شده. بذور و عوامل بدین موجب است ..

[۵] مزرعه جعفرآباد ساوه من موقوفات مرحومه سلطانم بنت مرحوم عیسی بیک موصلو به شرط آن‌که بعد از وضع مؤنت زراعت متولی جلیل القدر سرکار به مصارف روضه مبارکه و وظیفه خدمه و عمله سرکار صرف نماید مع مزرعه عدل آباد که به جهت مستدرک توشقان‌ئیل زراعت می‌شود.

II

از بابت محالی که واقف آنها مشخص نبود و به‌موجب ارقام و احکام مطاعه سلاطین ماضیه صفویه انار اللّه برهانهم و امثله و اخطبه دیوان الصدارهٔ در وجه وظیفه خدمه و عمله سرکار مقرر است:

[۱] مزرعه بندرآباد و براوستان

[۲] مزرعه مبارک‌آباد و کمیدان و کهنه و باجک و بیجه و علی‌آباد

[۳] مزرعه قلاور و طپشقران

[۴] مزرعه دوسیرویه، رسد چهار دانگ

[۵] مزرعه علی‌آباد سراجه که قلیلی از اراضی مزرعه مزبوره مع حقابه به اجاره رفته، و مزرعه دینیجان

[۶] قریه فردو که نصف آن وقف و مال و جهات نصف دیگر حسب الارقام

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۳

سلاطین جنت مکین به سیورغال سرکار فیض آثار مقرر است.

[۷] مزرعه جمکران و خرم‌آباد صرم که بالمقطع هرساله از متصرفین آنها بازیافت می‌شود.

[۸] قطعه زمین مزرعه قهیان که در تحت باغ .. خالصه است و هرساله بالمقطع از سرکار خالصه بازیافت می‌شود.

[۹] باغ مشهور به معصوم‌آباد و باغ .. آباد و حقابه شاهی.

[۱۰] باغچه‌خانه واقعه در خلف صحن مبارک بالتمام و واقعه در مزرعه قهیان بالتمام.

III

محالی که به‌جهت تفاصیل مرقومه جزو جمع نیست:

[۱] قریه میم و قریه کرمجگان و قریه قبادن بزن که شرعا تولیت و نظارت آنها به عالی‌جناب میرزا سید مرتضی می‌باشد و خود به مصارفی که داند در سرکار صرف می‌نماید و داعی را اطلاعی بر دادوستد آنها نمی‌باشد.

[۲] حمام واقعه در جنب مدرسه فیضیه و خان‌آجری با یک دکان بقالی جنب آن‌که به‌سبب عدم تردد مترددین به اجاره نرفته.

(۳) حمام شاهی واقع در میدان بزرگ که خراب است.

VI

مستغلات

(۱) حمام واقعه در ..، دکانات وقفی آقا سلیمان، دکان رواسی (؟)

(۲) اراضی مطبخ سرکار نواب طوبی آشیان، حمام شاهی که داخل قیصریه مرحمت‌پناه مهدی قلی خان است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۴

V

مال و جهات:

[۱] از بابت محال خالصه و رعیتی که حسب الرقم مطاع سلاطین جنت‌مکین ماضیه به سیورغال ابدی سرکار مقرر است و درین وقت به امضای بندگان سکندر- شان‌دارا دربان اقدس نیز رسیده:

صالح‌آباد- بطلیجرد- سواران- کهنه- سیرویه- ..- فردو و سایر مزارع تحت جمع (؟)- برزآباد خالصه- دودانگه- جم‌آباد سرداب- باغ بقا مشهور به باغ خواجه- باغ ولی محمد شاملو.

[۲] از بابت محال تبرته و غیره:

تبرته- فریمه- بیکاباد- عیسی‌آباد.

[نسخه مداخل و مخارج آستانه متبرکه حضرت معصومه علیها سلام در سال ۱۱۴۸]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

نسخه مداخل و مخارج سرکار آستانه متبرکه مقدسه رضویه نورانیه [حضرت معصومه علیها السلام] فی توشقان‌ئیل ۱۱۴۸.

(در آن است:)
مزرعه مالکین مشهور به فخرآباد واقع در الکاء شهریار از قرار سیاهه به مهر ملا محمد رضای قاضی الکاء مزبور که بعد از رفع و تحسین رسد سرکار را مشخص نموده سوای صیفی که تا غایت تحریر مشخص ننموده، ازجمله سه بندگاه دو بندگاه.
حمام واقعه محاذی درب مدرسه غیاثیه- حمام واقعه جنب مدرسه فیضیه- دکاکین مشهور به تیمچه آقا سلیمان- دکان رواسی (؟)- خان‌آجری- اراضی حمام شاهی داخل قیصریه.
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۵
خطابات شرعی و عرفی که به تاریخ سنه ۱۲۸۰ در قم به دست افتاد:
I
(صورت سؤال:)
به عرض مقدس بندگان عالی می‌رساند که به‌خصوص قنات علی‌آباد واقعه در سراجه سرکار عالی ازجمله املاکات وقفی سرکار فیض آثار می‌دانید یا خیر؟. هرگاه وقف بودن قنات معروضه به سرکار شریعت‌مدار عالی محقق است دو کلمه حقیقت مراتب معروضه در فوق عریضه مرقوم و به مهر مهرآسا مزین کنید که عند الحاجهٔ حجت بوده باشد. چون مراتب معروضه لازم بود عرض شد.
باقی امره المطاع العالی.
[حکم مرحمت‌پناه حاجی سید اسماعیل قمی مجتهد و خادم حضرت علیها السلام- صورت خط خود آن مرحوم-:]
هو اللّه سبحانه
وقفیت مزرعه و قنات مزبوره اظهر من الشمس و ابین من الامس است.
شیاع و استفاضه قطعیه در وقفیت آن محقق است. از اوقاف قدیمه سرکار فیض آثار معصومه طاهره علیها و علی آبائها الکرام الف سلام و تحیه است و در طوامیر و دفاتر وقف‌نامه‌جات و مستوفیان سرکار فیض آثار ضبط است و تصرف علی غیر جهت وقفیت در آن محض حرام و حرام محض است. علی ذلک حکمت. اسماعیل ابن جعفر الرضوی.
II
[صورت مسئول از مستوفیان و سررشته‌داران دفترخانه مبارکه شاهنشاه مبرور:]
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۶
هو اللّه تعالی
به عرض مستوفیان و سررشته‌داران دفترخانه مبارکه [می‌رساند] آن‌که رجوع به ثبت و سررشته‌جات خود نموده درخصوص مزرعه علی‌آباد واقعه در سراجه قم که وقف سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها السلام است حقیقت را قلمی و مرقوم دارند تا این‌که سند باشد و حقیقت معلوم شود.
تحریرا فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۵۹.
[خطاب مرحمت‌مآب میرزا محمد حسن آشتیانی مستوفی الممالک شاهنشاه جنت‌جایگاه محمد شاه قاجار نور اللّه مضجعه:]
موافق سررشته دفترخانه مبارکه یک رشته قنات مزرعه علی‌آباد واقعه در سراجه قم وقفی سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیه التحیهٔ و الثنا می‌باشد و به اربابی معمول نیست. کسی متعرض و مزاحم قنات مزبور نشود. [محل مهر مستوفی الممالک:]
أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ عبده محمد حسن.

[صورت خط مرحوم میرزا صادق سررشته‌دار کل دفتر مستوفی الممالکی:]
آنچه در ثبت و سررشته‌جات قدیمه مندرج است مزرعه علی‌آباد واقعه در ناحیه سراجه قم که یک رشته قنات دارد بالتمام وقف سرکار فیض آثار حضرت معصومه علیها السلام است. [محل مهر میرزا صادق:] یا صادق الوعد.
[صورت خط مرحوم میرزا اسماعیل گرکانی مستوفی:]
از قراری که میرزا صادق سررشته‌دار نوشته است موافق سررشته‌جات صحیح است تا واضح باشد [محل مهر میرزا اسماعیل:] محمد اسماعیل.

III

[صورت مصالحه‌نامچه که راقم حروف سپرده:]
به مصالحه شرعیه قبول نمود عالی‌جاه معلی‌جایگاه عزت و سعادت همراه
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۷
سرکار محمد کاظم خان خلف صدق مرحمت و غفران‌پناه محمد حسین خان کاشانی همگی و تمامی منافع آب و زمین یک دانگ و نیم مشاع ازجمله شش دانگ مزرعه و قنات موسومه به قنات علی‌آباد وقفی سرکار فیض آثار بضعه احمدی صلی اللّه علیه و آله که مزرعه و قنات مزبوره واقع است به قم در محال سراجه مع جمیع ما یتعلق بها و ینسب الیها از طاحونه واقعه در اراضی وقفی و غیره کائنا ما کان آنچه را شرعا و عرفا از مزرعه و قنات دانند و شناسند سواء ذکر ام لم یذکر که بهذه الحدود است:
غربا به اراضی زعفرانی- شمالا به اراضی متصرفی صاحبان سه ده- جنوبا به اراضی جعفرآباد- شرقا به کویر زیر جاده کاشان که به قمرود می‌رود
از جناب مستطاب وحید العصر و الزمان [فخر المحققین و المدققین مجتهد العصر و الزمان اشرف الحاج حاجی سید اسماعیل سلمه اللّه تعالی] از حال تحریر که ابتدای میزان هذه السنه ۱۲۵۹ است که توشقان‌ئیل خیریت دلیل است الی مضی بیست سال تمام و کمال که عبارت از بیست رفع محصول شتوی و صیفی بوده باشد در عوض مبلغ دویست و ده تومان به پول ریال بیست و هشت نخودی محمد شاهی مشروط بر آن‌که عالی‌جاه معظم الیه به اذن سرکار وحید العصری در مدت مرقوم مبلغ یک صد تومان به پول منعوت علاوه‌بر وجه مصالحه مزبوره در قنات و طاحونه مزبوره در یک دانگ و نیمه مزبوره اخراجات نماید، چنانچه کار قنات و مزرعه و طاحونه به اتمام رسید فبها، و الا در خرج چیزی از مبلغ مزبور باقی ماند عالی جاه مزبور دستی به وقف بدهند و هرگاه نقصانی و کسری داشته باشد در عهده وقف است که از مال المصالحه کسر گذارند. و مال المصالحه مزبوره را از قرار تقسیط بقسط السنه به تفصیل که در سال اول مبلغ یک تومان و در سنوات بعد از قرار مضاعف در هرسالی یک تومان تا مدت مرقومه فوقیه حسب الحواله سرکار
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۶۸
شریعت‌مدار مهم‌سازی نمایند.
شرط دیگر آن‌که فرضا شرکاء دیگر از قرار یک صد تومان در یک دانگ نیمه مزبوره خرج قنات مزبوره نکنند رسدی آنها را جناب وحید العصری به عالی جاه مومی الیه واگذار نمایند. به مال المصالحه مرقومه و شرط مزبوره علی نهج المزبور صیغه جاری شد. به تاریخ سنه یک هزار و دویست و پنجاه و نه. [محل مهر:] أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ عبده محمد کاظم.
* [ثبت] الامر کما رقم فی الکتاب من البدایهٔ الی النهایهٔ بحذافیره لدی.

اسماعیل بن جعفر الرضوی.
* الامر کما رقم فیه. عبده موسی بن ابو طالب الحسینی.
* وقع جمیع ما رقم فیه [محل مهر مرحوم آقا سید جعفر سرکشیک:] جعفر الرضوی.
* قد وضح وصح جمیع مازبر فیه [محل مهر عالی‌جاه میرزا محمد حسین مستوفی سرکار فیض آثار:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین محمد حسین.
* بسم اللّه خیر الاسماء- قد ثبت الامر کما رقم فیه لدی [محل مهر میرزا محمد حسین:] عبده حسین بن احمد الرضوی.
* بسم اللّه خیر الاسماء- قد ثبت وقوع المصالحهٔ کما سطر فیه عندی [محل مهر مرحوم میرزا محمد رضا متولی‌باشی:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد رضا الحسینی.
[و شهادت و توقیع ملا کاظم و آقا سید حسن و آقا ابو القاسم].

۱۴۷ [۲] در اسناد خاندان مستوفی

متعلق به بازماندگان حاجی میرزا
تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۶۹
محمد حسین مستوفی درگذشته ۱۳۱۰ چندین دفتر و طومار نسخه‌های جمع و خرج چند ده سال آستانه، و بیشتر از دوره تصدی همین مستوفی (نیمه دوم قرن گذشته) دیده و یک نمونه آن عکس گرفته شد که عینا در این اوراق گذشته می‌شود. این سند از ربع اخیر قرن گذشته است.

۱۴۸ [۳] «طومار تقسیم یکصد خروار غله مستمری سرکار فیض فیض‌مدار که هرساله حسب الامر الاقدس از بابت مال و جهات دار المؤمنین قم در وجه عالی حضرات رفیع الدرجات خدام والا مقام مقرر است در معامله هذه السنه یونت‌ئیل». با تعلیقه متولی باشی بالای سند این‌گونه :

کتاب مستوفی سرکار فیض آثار طومار تقسیم یک صد خروار غله مستمری سرکار فیض‌مدار را در دفتر ضبط و ثبت. و تنخواه به نحوی که در تحت اسامی هر یک قلمی شده است بعد از آن‌که به مهر هریک رسیده باشد حواله نمایند.
تحریرا فی شهر رجب المرجب ۱۲۱۳.
[مهر:] عبده محمد مهدی بن محمد خلیل الحسینی

۱۴۹ [۴] مصالحه‌نامه اجاره مزارع و باغات و مستغلات و قراء وقفی سرکار فیض آثار مورخ ۱۲۶۰:

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۷۰
به مصالحه شرعیه قبول نمودند اشخاص مفصله ذیل همگی و تمامی مزارع و باغات و مستغلات و قراء مفصله وقفی سرکار فیض آثار را از عالی‌جنابان قدسی القابان عمال و مباشرین سرکار مزبور از ابتداء میزان هذه السنه لوی‌ئیل خیریت تحویل:

مزارع

(۱) مزرعه قهیان به اجاره اقل خلیقه محمد علی صاحب‌نسق و آقا سید جعفر سرکشیک و میر عبد الرحیم خادم ولد مرحوم حاجی میر عبد الکریم اثلاثا از حال تحریر که ابتداء میزان هذه السنه لوی‌ئیل سنه ۱۲۶۰ که مستدرک سنه آتیه ئیلان‌ئیل است الی انقضاء مدت سه سال شمسی تمام و کمال [مهرها:] عبده الراجی محمد علی، جعفر الرضوی، عبده الراجی عبد الرحیم الرضوی.

(۲) مزرعه مبارک‌آباد به اجاره آقا سید اسماعیل صدر الحفاظ به تاریخ مزبور [مهر:] عبده اسماعیل الرضوی.

(۳) مزرعه باجک به اجاره عالی‌جناب میرزا سید حسین کلیددار به تاریخ مزبور [مهر:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد حسین الحسینی.

(۴) مزرعه زاویه بیگمی به اجاره میرزا کاظم و میرزا حسن ولد میرزا عبد الغفار [مهر:] عبده الراجی حسن الرضوی.

(۵) مزرعه زیدان و بندرآباد به اجاره میرزا عبد الرحیم خادم و آقا سید حسن ناظر شموع و میرزا سید [مهرها:] عبده حسن الرضوی، عبده الراجی محمد مهدی بن محمد الرضوی.

(۶) مزرعه طبشقران به اجاره عالی‌شان حاجی محمد شاه [مهر:] یا محمد ادرکنی.

(۷) مزرعه بطلیجرد به اجاره اشخاص مفصله: اقل عباد اللّه محمد علی،

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۱

آقا سید محسن، آقا سید حسن فراش حرم، حاجی سید عبد اللّه [مهرها:] عبده الراجی محمد علی، عبد اللّه الرضوی.

(۸) مزرعه شریف‌آباد قمرود به تاریخ مزبور به اجاره اشخاص مفصله:

آقا میر محمد علی ولد آقا سید شریف، میر عبد الصمد (ثانیا به حاجی ملا حسن اجاره داده)، حاجی ملا حسن.

باغات

(۱) باغ معصوم‌آباد به اجاره به عنوان مصالحه به میرزا محمد حسین سرکشیک و میرزا آقا ولدان مرحوم میرزا سید احمد [مهر:] عبده حسین بن احمد الرضوی.

(۲) باغ مرادآباد به اجاره اشخاص مفصله: آقا سید حسین فراش حرم، سید آقا جان، آقا سید مهدی، آقا میر عبد الکریم [مهرها:] عبده سید حسین الرضوی، عبده الراجی محمد تقی الرضوی، مهدی الرضوی، کریم الموسوی.

(۳) باغچه نو به اجاره جناب میرزا حبیب اللّه و حاجی ملا حسن مشعل‌دار بالمناصفه از بابت اراضی باغچه مزبوره [مهر:] عبده حسن بن ابو القاسم.

مستغلات

(۱) خان‌آجری و دکاکین وقفی مرحوم میرزا ابو القاسم که تولیت آن با اولاد مرحوم میرزا محمد ابراهیم مستوفی سرکار فیض آثار است و در تصرف ایشان می‌باشد. از ابتداء نوروز فیروز سنه آتیه ئیلان‌ئیل الی انقضاء مدت سه سال شمسی تمام و کمال.

(۲) خان‌آجری قدیمی به اجاره میرزا احمد مشرف و ولدان مرحوم آقا سید اسماعیل سرکشیک از ابتداء سنه آتیه ئیلان‌ئیل الی انقضاء مدت سه سال شمسی تمام و کمال. مقرر و مشروط بر آن‌که مبلغ چهل تومان در سال اول خرج تعمیر خان

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۲

مزبور بنمایند و از بابت وجه اجاره مرقومه محسوب دارند بهذه التفصیل: میرزا احمد، سید حسین، میرزا آقا.

(۳) حمام مدرسه فیضیه به اجاره اقل عباد اللّه محمد علی صاحب‌نسق و آقا سید جعفر سرکشیک بالمناصفه [مهرها:] لا اله الا

اللّه الملک الحق المبین محمد علی، جعفر الرضوی.

(۴) حمام مدرسه غیاثیه به اجاره میرزا بهاء الدین سرکشیک.

(۵) حمام واقعه در دار الخلافه طهران با حاجی سید محمد خطیب.

(۶) حمام واقعه در همدان.

(۷) دکاکین بازارچه قدیمی از اندرونی و بیرونی به اجاره حاجی سید محمد خطیب و میرزا صفی خادم [مهرها:] عبده الراجی محمد الرضوی، عبده صفی الرضوی.

(۸) اراضی متفرقه از قرار جزو علی حده که در تصرف اشخاص مفصله موافق ثبت دفتر سرکار.

قراء

(۱) قریه سیرویه از بابت چهار دانگه به اجاره میرزا سید حسین کلیددار [مهر:] لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد حسین الحسینی.

(۲) قریه فردو حسب المقاطعه رعایای قریه مزبوره.

(۳) قریه دشیر و پرچون واقعه در محال سلطانیه به اجاره حاجی سید محمد خطیب [مهر:] عبده الراجی محمد الرضوی.

(۴) قریه تبرته واقعه در بلوک ساروق من محال فراهان به اجاره میرزا سید حسین کلیددار و آقا سید جعفر سرکشیک و میر عبد الکریم سرکشیک و اقل خلیقه محمد علی صاحب‌نسق یک ساله نقد: ۱۰۰ تومان (سرکار فیض آثار: ۹۰ تومان- صرف تعمیر بقعه امامزادگان تبرته: ۱۰ تومان). [مهرها:] کریم

الموسوی، جعفر الرضوی، محمد علی، لا اله الا اللّه الملک الحق المبین عبده محمد حسین الحسینی.

(۵) قریه اسماعیل‌آباد از بابت باغ قریه مزبوره واقعه در محال ساوه به اجاره میرزا صفی.

[حاشیه:]

الی انقضاء مدت سه سال شمسی تمام و کمال در مزارع و باغات و قراء، و در مستغلات از ابتداء نوروز فیروز سنه آتیه ئیلانئیل الی انقضاء مدت سه سال شمسی تمام و کمال مقرر و مشروط بر آن‌که مال المصالحه مزارع و باغات و قراء از قرار قسط السنوات و مال المصالحه مستغلات را از قرار سالی سه قسط که هر قسطی چهار ماه بوده باشد کارسازی نمایند و الا اختیار فسخ با عمال و مباشرین سرکار بوده باشد و مخارج تنقیهٔ القنوات و تعمیرات مستغلات در عهده عمال و مباشرین سرکار است. علی النهج المرقوم صیغه مصالحه صورت جریان و انعقاد پذیرفت.

تحریرا فی نهم شهر رمضان المبارک مطابق میزان هذه السنه لوی‌ئیل ۱۲۶۰.

۱۵۰ [۵] «صورت فرش‌های سرکاری که در فراش‌خانه موجود است به تاریخ یوم دهم شهر رجب المرجب ۱۲۸۵»:

فرش‌های ایوانی: قالی بزرگ- ۴ تخته. تودری- ۶ تخته. ایوان مبارک ۳ تخته.

حرم زنانه: قالی بزرگ- ۱ تخته. ایوان زنانه، اندازه- ۱ تخته. تودری ایوان زنانه- ۳ تخته.

مسجد بالای سر: قالی بزرگ- ۴ تخته. تودری- ۴ تخته. محرابی- ۱ تخته. تودر زمینی- ۱ تخته.

مسجد پایین پا: اندازه- ۴ تخته.
فرش‌های شاه عباس و شاه صفی: قالی اندازه ابریشمی- ۳ تخته. تودری ۱۰ تخته. اندازه زنانه- ۱ تخته.
فرش‌های متفرقه از اسقاط و غیره: کناره زرد- سه زوج. قالی اندازه نو که شخص ترکی آورده- ۱ تخته.

۱۵۱ [۶] «کشیک‌نامچه سرکار فیض آثار در معامله هذه السنه لوی ئیل سرکشیکی عالی‌حضرت سلالهٔ السادات آقا سید حسن سرکشیک سرکار فیض آثار» با تعلیقه متولی‌باشی (میرزا اسد اللّه) مورخ ج ۱- ۱۲۳۶ بالای آن، این چنین :

عالی‌حضرت سلالهٔ السادات آقا سید حسن سرکشیک سرکار فیض آثار کشیک یک شبانه‌روز ازجمله هفت شبانه‌روز کشیک سرکار را با کشیک‌چیان مفصله ذیل به عهده خود دانسته، در یک شبانه روز کشیک خود در نهایت سعی و کمال اهتمام به محافظت و محارست روضه مقدسه مشغول بوده که خدا نخواسته سرقتی واقع نگردد و اجناس و اشیاء وقفی که به‌هم رسد از مقوله فروش و ظروف و قنادیل و شمعدان و غیره مراقب بوده که از میان نرفته، به اطلاع داعی دوام دولت ابد مدت قاهره تحویل صاحب‌جمعان سرکار شده قبض بازیافت شود و از نذورات و تبرعات آنچه به عمل آمده نقدا و جنسا تا معادل سه تومان فی مابین خود و کشیک چیان بالسویت قسمت کرده، زیاده چنانچه از یک نفر واحد در زمان واحد یا تبرع از یک نفر میت باشد ضبط که به استحضار سرکشیک‌چیان و مباشرین هر هفت کشیک قسمت نمایند و حضرات کشیک‌چیان مرقومه مشارالیه را سرکشیک و ریش
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۵
سفید خود دانسته، سخن و صلاح او را که خاصه کشیک مزبور بوده باشد معتبر دانسته، احترام او را منظور دارند و کمال اهتمام در خدمات مرجوعه خود به عمل آورند.
تحریرا بتاریخ شهر جمادی الاول ۱۲۳۶.
[مهر:] الواثق باللّه الغنی اسد اللّه الحسینی

۱۵۲ [۷] قرار کشیک آقا سید حسن و میرزا بهاء الدین مورخ ۲۴ شعبان ۱۲۴۵، با مهر و گواهی اطلاع میرزا اسد اللّه متولی‌باشی بالای آن و مهر دو سر کشیک در پایان:

قرار کشیک آقا سید حسن و میرزا بهاء الدین که از تاریخ یوم پنجشنبه ۲۴ شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۴۵ دو جوبه شده است از قرار تفصیل این‌که آنچه تنخواهی که به‌هم می‌رسد تنصیف بشود خواه کشیک‌چی دو جوبه به کشیک آمده باشند یا نیامده باشند و هرگاه این‌که خدا نخواسته چیزی از سرکار مفقود شود یا عیب دیگر نماید تا یک تومان اهل آن جوبه که کشیک ایشان است از عهده بر آیند و علاوه‌بر یک تومان را اهل دو جوبه بالمناصفه از عهده برآیند و هریک از کشیک‌چیان که بدون عذر شرعی به کشیک نیایند .. به آنها ندهند و با عذر شرعی به استرضا بدهند.
کشیک آقا سید حسن و اهل جوبه کشیک مزبور
آقا سید حسن سرکشیک/ آقا سید حسین فراش حرم/ آقا سید حسین صدر/ سید آقا جان حاجی/ آقا سید مهدی/ آقا مسعود خازن/ سید اسماعیل فراش/ سید

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۶

آقا ولد آقا حسن/ سید حسین ولد آقا سید حسن/ میر تقی فراش/ آقا جونی آقا محمد علی/ ملا ابراهیم حافظ/ شیخ زکی مؤذن.

۱۵۳ [۸] تعلیقه مورخ ج ۲ – ۱۲۶۷ از میرزا محمد رضا متولی باشی درباره کشیک میر عبد الکریم و میرزا حسین سرکشیک پس از کاستن شمار خدمتگزاران آستانه:

هو اللّه تعالی شأنه

عالی‌جناب سلالة السادات آقا میر عبد الکریم سرکشیک چون در این اوقات حسب الحکم سرکار اقدس همایون شهریاری روحنا و روح العالمین فداه خدام والامقام سرکار فیض آثار را یک صد نفر امر و مقرر فرمودند لهذا آن عالی جناب و عالی‌جناب میرزا حسین سرکشیک و کشیک‌چیان مفصله از قرار تفصیل ذیل منصوب و برقرار و سایرین اخراج:

عالی‌جناب میرزا سید حسین کلیددار/ میرزا محمد حسین ولد مرحوم میرزا ابراهیم مستوفی سرکار/ میرزا سید محمد حافظ/ آقا سید اسماعیل صدر الحفاظ/ آقا سید حسین فراش حرم/ میرزا سید ولد میرزا میران/ آقا سید آقا جانی حاجی/ آقا سید مهدی/ میر محمد علی ولد شریف/ میرزا صفی ولد میرزا میران/ آقا سید ابراهیم ولد آقا سید حسن/ سید صادق ولد آقا سید آقا جان/ میر محمد رضای ولد آقا سید حسین/ سید باقی و میرزا صفی/ سید وهاب ولد آقا سید مهدی/ سید رضی ولد میرزا یحیی/ ملا علی محمد خازن/ سید ابراهیم مهماندار/ ملا- حسین ملا یحیی/ میرزا فتح اللّه/ میر علی اکبر فراش صفه/ ملا صادق فراش مسجد/ ملا عباس ابو/ میرزا کوکب ولد میرزا ما شاء اللّه/ سید رضای ولد میر تقی/ میرزا عبد اللّه ولد میر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۷

شرف الدین/ ملا علی اکبر حافظ/ میر محسن ولد میر عبد الکریم از بابت ملا آقا جانی/ سید حسین ولد سید نصر اللّه/ ملا جعفر صحاف/ ملا باقر سرکار/ حاجی شیخ زکی مؤذن/ سید آقا جان قاپوچی.

از قرار سنوات سابق یک شبانه‌روز ازجمله سه شبانه‌روز در آستانه مقدسه متبرکه به محافظت و محارست سرکار فیض آثار مشغول بوده و دقیقه‌ای خود را از خدمات محوله به خود معاف ندارند و اجناسی که به‌هم برسد از قبیل فروش و قنادیل و پرده و شرفه و شمع‌دان و غیره به اطلاع و استحضار داعی دوام دولت ابد مدت قاهره تسلیم صاحب‌جمعان سرکار نموده، قبض الواصل به خط مشرف سرکار حاصل و به نظر رسانیده و وجوه نقد که به صیغه نذورات جمع آید به اطلاع داعی فی مابین خدام به سویت تقسیم نمایند و در هر باب لازمه سعی و اهتمام را به عمل آورده، تخلف نورزند. کتاب خیریت اکتساب دفتر استیفاء و مشرف سرکار فیض آثار سواد تعلیقه را در دفاتر خود ثبت و ضبط نمایند.

تحریرا فی جمادی الثانی سنه ۱۲۶۷.

۱۵۴ [۹] کشیک‌نامچه مورخ ذ ح– ۱۲۷۳ با تعلیقه میرزا سید حسین متولی‌باشی بالای آن. بنابر مفاد این سند میر عبد الکریم سرکشیک و میرزا حسین سرکشیک سرپرستی یک کشیک از سه کشیک آستانه را به مشارکت عهده‌دار بوده‌اند:

کشیک‌نامچه سرکار فیض آثار در معامله هذه السنه ئیلان‌ئیل به سرکشیکی عالی‌حضرتان آقا میر عبد الکریم سرکشیک و آقا

میرزا حسن سرکشیک سرکار فیض آثار:
۳۹ نفر با سرکشیکان
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۸
عالی‌حضرت آقا میر عبد الکریم سرکشیک ۱۸ نفر و نصف
عنایت کلیددار/ آقا سید اسماعیل صدر الحفاظ/ آقا میرزا سید آقا میرزا میران/ آقا سید مهدی/ حاجی سید صادق/ آقا شیخ محمد رضا/ آقا سید ابراهیم/ آقا میرزا صفی/ آقا سید وهاب/ آقا سید باقی/ آقا سید کاظم/ آقا سید حبیب/ آقا سید باقر/ آقا میر علی اکبر/ آقا سید عابدین/ آقا سید حسین ولد سرکشیک/ آقا سید تقی/ ولد شیخ زکی مؤذن (نصف).
عالی‌حضرت آقا میرزا حسین سرکشیک ۱۸ نفر و نصف
آقا میرزا علی محمد خازن/ آقا میر محمد علی/ آقا میرزا صفی آقا میرزا میران/ آقا سید رضی/ آقا میرزا عبد اللّه/ آقا میرزا حسن/ ملا حسین ملا یحیی/ آقا میرزا کوچک/ ملا حسین ملا علی/ آقا سید هدایت/ آقا سید صادق ولد آقا سید محسن/ آقا سید علی رضا/ آقا سید رضا فراش/ آقا سید علی/ ملا علی اکبر حافظ/ ملا حسن ملا کاظم/ ملا مهدی حافظ/ آقا میرزا فتح اللّه/ قاپوچی (نصف).
تحریرا بتاریخ شهر غره ذی الحجهٔ الحرام سنه ۱۲۷۳.
[متن تعلیقه:]
هو عالی‌حضرتان سلالهٔ الساداتان آقا میر عبد الکریم سرکشیک و آقا میرزا حسین سرکشیک سرکار فیض آثار یک شبانه‌روز ازجمله سه شبانه‌روز به اتفاق کشیک چیان در آستانه مقدسه به محافظت و محارست مشغول باشند و اجناسی که به‌هم رسد از مقوله فروش و ظروف و قنادیل و شرفه و شمع‌دان و غیره به اطلاع داعی دوام دولت قاهره تسلیم صاحب‌جمعان سرکار فیض آثار نموده، قبض الواصل به خط کتاب و مشرف سرکار حاصل و به نظر رسانند و نقدی که به‌هم رسد فی ما بین خدام والامقام تقسیم نمایند و اجناسی که به‌هم رسد از قبیل گوسفند و غیره به
تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۷۹
دستور قبل قرار داده شده است نیز فی مابین خدام والامقام به سویت تقسیم نموده، درین باب لازمه سعی و اهتمام را به عمل آورده، تخلف و انحراف نورزند. کتاب دفتر استیفاء و مشرف سرکار فیض آثار سواد تعلیقه را جهت استحضار خود در سررشته‌جات ثبت [و] ضبط نمایند.
به تاریخ غره ذی الحجهٔ الحرام مطابق سنه ۱۲۷۳.

۱۵۵ [۱۰] در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی- قم نسخه‌ای است در ۱۶۱ برگ به قطع رحلی

که در آن ثبت همه موقوفات و خالصه‌جات کشور را در دوره ناصری (سال ۱۲۹۹) براساس دفاتر قدیم گرد آورده‌اند. ثبت موقوفات و خالصه‌جات قم که قسمتی مهم از آن موقوفات آستانه مقدس است براساس دفاتر دوره صفوی، و از این رو برای تحقیق در جغرافیای تاریخی این شهر بسیار ارزنده است (برگ ۱۰۴ پ- ۱۰۷ پ).
در این بحث اعلام جغرافیایی این قسمت کتاب که به ایضاح نکاتی چند در اسناد قدیم مربوط به آستانه کمک می‌کند استخراج و نقل می‌شود:

I

موقوفات سرکار حضرت معصومه علیها السلام که در تصرف خدام است:

۱) باغ باجک که سی خروار آب دارد بالتمام.

۲) اراضی حمام شاه که هرساله حق الارض می‌دهند.

۳) باغ واقعه در مبارک‌آباد بالتمام.

۴) باغ زاویه بیگمی واقعه در مزرعه قلاور که پنجاه خروار آب رود دارد بالتمام.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۸۰

۵) مزرعه علی‌آباد سراجه که یک رشته قنات دارد.

۶) مزرعه بطلی‌جرد سراجه که یک رشته قنات دارد بالتمام.

۷) مزرعه شریف‌آباد قمرود مشهور به معصومه که یک رشته قنات دارد بالتمام.

۸) مزرعه زاویه منصور بیک که در دفاتر قدیم بدین‌موجب نوشته بود:

بالتمام، و معمولی حال که در تصرف خدام است: خالصه نصف وقفی نصف.

۹) مزرعه مبارک‌آباد بالتمام.

۱۰) مزرعه هسته.

۱۱) مزرعه کمیدان.

۱۲) مزرعه بندرآباد.

۱۳) مزرعه هستجه مشهور به هستجه علیا که در دفاتر قدیم چهل خروار آب داشته.

۱۴) مزرعه کهنه ازجمله ۱۵ خروار آب ده خروار.

۱۵) مزرعه قزوان ازجمله ۱۲۰ خروار آب سی خروار.

۱۶) مزرعه کوار که ازجمله نهر رود آب لنجرود می‌برد و چهار حصه رسد کوار است ازجمله ۶ دانگ یک دانگ.

۱۷) مزرعه طبشقران.

II

سایر موقوفات:

۱) باغ تکیه وقف مسجد جناب امام حسن عسکری علیه السلام.

۲) باغ وقفی سرکار علی بن جعفر که سه خروار آب رود دارد. تربت پاکان ؛ ج۱ ؛ ص۳۸۰

باغ و اراضی امام‌زاده سلطان که هشت خروار آب دارد.

۴) باغ میر علی وقف شاه احمد قاسم.

۵) اراضی باغ علی‌آباد وقف شاهزاده جعفر و شاهزاده حسن و شاهزاده حسین.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۸۱

۶) دکاکین موقوفات مدرسه غیاثیه واقعه در گذر میدان.

۷) مزرعه طیب و طاهر موقوفه شاهزاده طیب و طاهر.

۸) مزرعه ابرستجان رسد موقوفات شاهزاده محسن.

۹) مزرعه مشهد علیا و سفلی که از مزرعه مزدجان موضوع است از بابت رسد موقوفات شاه جعفر و شاهزاده ابراهیم.

۱۰) مزرعه براوستان ازجمله امامزاده جعفر، از بابت مزرعه قل درویش مشهور به چال قلندران.

۱۱) مزرعه دریوج مشهور به زیادآباد به اسم موقوفات ملا کمال که حال جزو شهرستان است.

۱۲) مزرعه شهرستان به اسم موقوفات سرکار سید عشق علی.

۱۳) مزرعه محمودآباد چیلان‌گیر موقوفات امامزاده محمود منصور که واقف شاه طهماسب ماضی بوده.

۱۴) مزرعه مهرویان رودآب موقوفات تکیه حسین علی که پنج خروار آب دارد.

۱۵) مزرعه باغ ریاح و تکیه علیا که ازجمله ۲۵ خروار آب و اراضی وقف شاه حمزه که حال جزو مزدیجان است.

III

خالصه‌جات موافق دفاتر قدیم و موافق معمول حال:

باغات

۱) باغ بقا مشهور به باغ خواجه علی که اراضی آن خالصه است واقعه در درب اصفهان که حال قنات آن خراب شده.

۲) باغ دولت‌خانه والنگ خالصه قدیم که تیول وقایع‌نگار است.

۳) باغ و اراضی تکیه خلیفه جان بابا مشهور به باغ شاه خالصه که تیول میرزا یوسف گرجی است.

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۸۲

۴) باغ میدان و اراضی تکیه حصاران.

۵) باغ باâو واقعه در خارج شهر.

مزارع

۱) مزرعه کمال‌آباد خالصه جزو جمکران.

۲) مزرعه بندرآباد جزو براوستان.

۳) مزرعه خمیهن ازجمله ۶۰ خروار آب از بابت موقوفات امام.

۴) مزرعه محمودآباد خالصه که قدر آن معلوم نبود.

۵) مزرعه جمالیه خالصه جدید انتقالی که جزو شهرستان است و وقف است.

۶) مزرعه علی قلی خلیفه و ولی قلی خلیفه مشهور به قبان خانی که دو رشته قنات دارد. ضبطی بالتمام.

۷) مزرعه طبشقران ازجمله ۱۴۵ خروار آب که هشتاد خروار وقفی آستانه حضرت نوشته بودند. سهم اربابی و خالصه مشخص نبود.

۸) مزرعه ابرستجان ازجمله ۱۲۰ خروار آب بعد از وضع رسد موقوفات خالصه.

۹) مزرعه شاه قلی ازجمله ۱۴۰ خروار آب سوای رسد موقوفات و اربابی.

۱۰) مزرعه قمرود میر سراج مشهور به سرآبی و دوه‌لو قمرود که سه رشته قنات دارد و به چهل و هشت سنبله قسمت می‌شود و هشت سنبله و نیم آن اربابی است و رسد خانلر خان، و تتمه وقفی است و به اربابی معمول شده. وقف مدرسه محمدیه بیک بیگدلی و وقف مدرسه مرند .

۱۱) موقوفات مدرسه محمد بیک بیگدلی که جزو شهرستان شده از قزوان،

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۸۳

از بابت خالصه و تکیه میرزا مسلم شاه.

۱۲) مزرعه خواجکان که در دفاتر قدیم جوردکان نوشته بودند.

VI

موقوفات بلوک قهستان:

مزرعه باوره بالتمام. موقوفات مشهد شاه عبد اللّه و شاه منصور و چهار همسر اولاد جناب امام موسی سه دانگ، خالصه سه دانگ.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۴

[تصاویر]

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۵

۱) آستان مقدس حضرت ستی فاطمه (معصومه)

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۶

۲) کاشی‌های روی مرقد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۷

۳) خشت کاشی میانه لوح مرقد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۸

۴) یکی از خشت‌های کاشی ردیف سوم لوح مزار

[در کتیبه اول عبارت «لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا ..»- سوره بقره، آیه ۲۵۷- و در کتیبه دوم آیات ۳۳- ۳۴ سوره آل عمران و در سوم عبارت «.. الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ وَ مَنْ یَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ»- سوره مائده: آیه ۶۱- و در چهارم بخشی از آیات ۳- ۴ سوره تبارک خوانده می‌شود]

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۸۹

۵) نام «محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسین» در لوح مزار

[قسمتی از سه کتیبه سراسری نیز در تصویر نمایان است. عبارت خط کوفی دوره تکامل «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا» است از آیه ۶۵ سوره مائده]

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۹۰

۶) بدنه شمال مرقد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۹۱

۷) قسمتی دیگر از بدنه مرقد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۹۲

۸) قسمتی دیگر از بدنه مرقد

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۳۹۳

۹) پایان کتیبه بالای بدنه مرقد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۴

۱۰) کاشی‌های هشت‌پر و هشت‌گوشه بدنه مرقد

[نوشته‌های حواشی کاشیها که یکی از آنها ابیاتی فارسی است نیز خوانده می‌شود]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۵

۱۱) نمونه کاشی‌های تزیینی لبه مرقد (از زاویه‌های شمال شرقی و غربی)

[با رقم «کتبه علی بن محمد بن ابی طاهر در پایان کتیبه حاشیه]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۶

۱۲) نمونه‌ای دیگر از کاشی‌های تزیینی لبه مرقد

[زاویه شرقی و بالاسر]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۷

۱۳) آغاز کتابه دیواره کاشی گرداگرد مرقد

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۸

۱۴) قسمتی دیگر از همان کتیبه و دیواره

تربت پاکان، ج۱، ص: ۳۹۹

۱۵) قسمتی دیگر از همان دیواره در پایین پا

[مشتمل بر نام بانی]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۰

۱۶) دنباله کتیبه دیواره کاشی [برابر مقبره شاه صفی]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۱

۱۷) دنباله کتیبه دیواره کاشی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۲

۱۸) در طلای مدخل روضه مقدس

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۳

۱۹) نمایی از داخل حرم

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۴

۲۰) نمایی دیگر از داخل حرم

[کتیبه کمربندی اول و نوشته پنج سطری مربوط به آینه‌کاری حرم)

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۵

۲۱) محراب مسجد موزه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۶

۲۲) تزیینات آینه‌کاری مسجد موزه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۷

۲۳) آرایش ظریف کاشی‌کاری سقف مسجد موزه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۸

۲۴) آرایش کاشی‌کاری پایه‌های گنبد مسجد موزه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۰۹

۲۵) ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۰

۲۶) نمایی دیگر از ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۱

۲۷) ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۲

۲۸) نمای داخل ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۳

۲۹) بدنه شرقی ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۴

۳۰) نیمه نخستین کتیبه پایین ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۵

۳۱) نیمه دوم کتیبه پایین ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۶

۳۲) آغاز کتیبه بالای ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۷

۳۳) قسمت میانه کتیبه کمربندی مزبور

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۸

۳۴) پایان کتیبه کمربندی مزبور

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۱۹

۳۵) بدنه شرقی ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۰

۳۶) قوسی‌های طاق‌بند ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۱

۳۷) نام هنرمندان تعمیرکار ایوان طلا در میانه دو قوسی طاق‌بند

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۲

۳۸) پایان کتیبه طاق‌بند ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۳

۳۹) دار الحفاظ ایوان طلا

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۴

۴۰) ایوان‌های دو طرف ایوان طلا

[ایوان شرقی]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۵

۴۱) ایوان آینه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۶

۴۲) ایوان شمالی صحن عتیق

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۷

۴۳) سردر شمالی صحن عتیق [ایوان جنوبی مدرسه فیضیه)

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۸

۴۴) همان سردر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۲۹

۴۵) همان سردر، نیمه نخستین کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۰

۴۶) همان سردر، قسمت میانه کتیبه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۱

۴۷) همان سردر، قسمت اخیر کتیبه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۲

۴۸) همان سردر، آرایش جرز غربی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۳

۴۹) همان سردر، آرایش جرز شرقی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۴

۵۰) مقبره فتحعلی شاه، زاویه شمال شرقی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۵

۵۱) مقبره فتحعلی شاه، لوح سنگی شاه‌نشین شمال غربی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۶

۵۲) مقبره محمد شاه، نمای درونی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۷

۵۳) مقبره محمد شاه، مقرنس سقف

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۳۸

۵۴) مقبره محمد شاه، مقرنس سقف

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۳۹

۵۵) سنگ قبر محمد شاه قاجار

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۰

۵۶) مقبره مهد علیا

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۱

۵۷) مقبره مهد علیا

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۲

۵۸) صحن نو، نمونه تزیین و کتیبه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۳

۵۹) صحن نو، پایان بخش اول کتیبه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۴

۶۰) صحن نو، همان قسمت کتیبه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۵

۶۱) صحن نو، پایان کتیبه گرداگرد صحن

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۶

۶۲) صحن نو، ایوان شرقی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۷

۶۳) صحن نو، ایوان شرقی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۸

۶۴) صحن نو، ایوان جنوبی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۴۹

۶۵) صحن نو، ایوان شمالی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۰

۶۶) سردر شرقی صحن نو

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۱

۶۷) همان سردر

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۲

۶۸) سردر شمالی صحن نو

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۳

۶۹) صندوق قبر شاه صفی، موزه قم

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۴

۷۰) صندوق قبر شاه صفی، موزه قم

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۵

۷۱) مقبره شاه عباس دوم

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۶

۷۲) مقبره شاه عباس دوم

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۷

۷۳) مقبره شاه عباس دوم، پایان کتیبه

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۵۸

۷۴) مقبره شاه عباس دوم، آرایش سنگ‌های مرمر ازاره بنا

[بدنه غربی راهرو همین مقبره از درون حرم مطهر]

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۰

۷۵) مقبره شاه سلیمان

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۱

۷۶) مقبره شاه سلیمان

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۲

۷۷) مقبره شاه سلیمان

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۳

۸۰) مقبره شاه سلیمان، پایان کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۵

سند شماره ۱

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۶

سند شماره ۲

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۷

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۸

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۶۹

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۷۰

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۷۱

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۴۷۲

سند شماره ۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۳

سند شماره ۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۴

سند شماره ۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۵

ضمیمه سند شماره ۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۶

سند شماره ۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۷

سند شماره ۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۸

سند شماره ۱۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۷۹

سند شماره ۱۰- نمونه‌ای دیگر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۰

سند شماره ۱۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۱

سند شماره ۱۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۲

سند شماره ۱۲- نمونه‌ای دیگر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۳

سند شماره ۱۲- نمونه‌ای دیگر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۴

سند شماره ۱۲- نمونه‌ای دیگر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۵

سند شماره ۱۳- نمونه‌ای مورخ ۱۵ رجب ۱۰۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۶

سند شماره ۱۳- نمونه‌ای مورخ ۱۷ رجب ۱۰۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۷

سند شماره ۱۳- نمونه‌ای مورخ ۲۷ رجب ۱۰۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۸

سند شماره ۱۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۸۹

سند شماره ۱۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۰

سند شماره ۱۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۱

سند شماره ۱۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۲

سند شماره ۱۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۳

سند شماره ۱۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۴

سند شماره ۲۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۵

سند شماره ۲۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۶

سند شماره ۲۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۷

سند شماره ۲۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۸

سند شماره ۲۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۴۹۹

سند شماره ۲۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۰

سند شماره ۲۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۱

سند شماره ۲۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۲

سند شماره ۳۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۳

سند شماره ۳۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۴

سند شماره ۳۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۵

سند شماره ۳۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۶

سند شماره ۳۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۷

سند شماره ۳۵- با متنی دیگر

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۸

سند شماره ۳۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۰۹

سند شماره ۳۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۰

سند شماره ۳۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۱

سند شماره ۳۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۲

سند شماره ۱- ۴۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۳

سند شماره ۲- ۴۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۴

سند شماره ۳- ۴۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۵

سند شماره ۴- ۴۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۶

سند شماره ۴۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۷

سند شماره ۴۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۸

سند شماره ۴۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۱۹

سند شماره ۴۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۰

سند شماره ۴۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۱

سند شماره ۱- ۴۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۲

سند شماره ۲- ۴۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۳

سند شماره ۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۴

سند شماره ۴۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۵

سند شماره ۵۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۶

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۷

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۸

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۲۹

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۰

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۱

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۲

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۳

سند شماره ۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۴

سند شماره ۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۵

سند شماره ۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۶

سند شماره ۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۷

سند شماره ۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۸

سند شماره ۵۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۳۹

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۰

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۱

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۲

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۳

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۴

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۵

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۶

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۷

سند شماره ۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۸

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۴۹

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۰

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۱

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۲

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۳

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۴

سند شماره ۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۵

سند شماره ۵۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۶

سند شماره ۵۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۷

سند شماره ۵۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۸

سند شماره ۵۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۵۹

پشت سند شماره ۵۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۰

سند شماره ۵۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۱

سند شماره ۵۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۲

سند شماره ۵۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۳

سند شماره ۵۷ [پشت سند]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۴

سند شماره ۵۷ [پشت سند]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۵

سند شماره ۵۷ [پشت سند]

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۶

سند شماره ۵۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۷

سند شماره ۵۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۸

سند شماره ۶۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۶۹

سند شماره ۶۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۰

سند شماره ۶۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۱

سند شماره ۶۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۲

سند شماره ۶۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۴

سند شماره ۶۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۵

سند شماره ۱/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۶

سند شماره ۲/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۷

سند شماره ۳/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۸

سند شماره ۴/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۷۹

سند شماره ۵/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۰

سند شماره ۶/ ۶۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۱

نمونه‌ای از عرض‌های متولیان تفویضی آستانه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۲

نمونه‌ای دیگر از عرض‌های متولیان تفویضی آستانه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۳

نمونه‌ای دیگر از عرض‌های متولیان تفویضی آستانه

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۴

سند شماره ۷۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۵

سند شماره ۷۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۶

سند شماره ۷۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۷

سند شماره ۷۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۸

روی سند شماره ۷۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۸۹

پشت سند شماره ۷۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۰

سند شماره ۸۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۱

سند شماره ۸۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۲

سند شماره ۸۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۳

سند شماره ۸۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۴

سند شماره ۸۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۵

سند شماره ۸۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۶

سند شماره ۹۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۷

سند شماره ۹۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۸

سند شماره ۹۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۵۹۹

سند شماره ۹۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۰

سند شماره ۹۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۱

سند شماره ۹۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۲

سند شماره ۹۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۳

سند شماره ۹۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۴

سند شماره ۹۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۵

سند شماره ۹۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۶

سند شماره ۱۰۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۷

سند شماره ۱۰۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۸

سند شماره ۱۰۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۰۹

سند شماره ۱۰۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۰

سند شماره ۱۰۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۱

سند شماره ۱۰۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۲

سند شماره ۱۰۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۳

سند شماره ۱۰۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۴

سند شماره ۱۰۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۵

سند شماره ۱۱۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۶

سند شماره ۱۱۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۷

سند شماره ۱۱۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۸

سند شماره ۱۱۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۱۹

سند شماره ۱/ ۱۲۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۰

سند شماره ۲/ ۱۲۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۱

سند شماره ۱۲۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۲

سند شماره ۱۲۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۳

سند شماره ۱۲۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۴

سند شماره ۱۲۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۵

سند شماره ۱۲۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۶

سند شماره ۱۳۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۷

سند شماره ۱۳۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۸

سند شماره ۱۳۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۲۹

سند شماره ۱۳۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۰

سند شماره ۱۳۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۱

سند شماره ۱۳۶

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۲

سند شماره ۱۳۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۳

سند شماره ۱۳۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۴

سند شماره ۱۴۰

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۵

سند شماره ۱۴۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۶

سند شماره ۱۴۲

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۷

سند شماره ۱۴۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۸

سند شماره ۱۴۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۳۹

سند شماره ۱۴۵

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۰

شماره ۱/ ۱۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۱

سند شماره ۲/ ۱۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۲

سند شماره ۳/ ۱۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۳

سند شماره ۴/ ۱۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۴

سند شماره ۱۴۸

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۵

سند شماره ۱۴۹

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۶

سند شماره ۱۵۱

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۷

سند شماره ۱۵۳

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۴۸

سند شماره ۱۵۴

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۷۳

فهارس کتاب

اشاره

تربت پاکان، ج۱، ص: ۶۷۵

۱- اعلام انسانی

۲- اعلام جغرافیایی

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۰۰

۳- کتاب‌ها

وافی ۲۴۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۰۶

۴- مآخذ

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۰۷

تربت پاکان، ج۱، ص: ۷۱۳

اسناد تولیت تفویضی

در صفحه ۲۴۹ از سه سند مربوط به تولیت تفویضی به اجمال سخن رفت و تنها آگاهی که درباره آنها تا آن هنگام در دست بود نقل گردید.

پس از چاپ متن کامل هر دو مجلد کتاب عکس هفت سند از اسناد تولیت تفویضی به دست افتاد که چون فرصت چاپ

متون آنها نیست به این یادآوری با چاپ عکس پنج سند از آن‌جمله اکتفا می‌رود این‌چنین:

۱) فرمان شاه سلطان حسین مورخ رمضان ۱۱۲۹ در واگذاردن تولیت آستانه به میرزا سید حسن ولد مرحوم میرزا محمد امین قاضی سابق دار السلطنه اصفهان نواده میرزا مهدی وزیر سابق دیوان اعلی.

۲) فرمان شاه سلطان حسین مورخ ذ ح- ۱۱۳۴ در تنفیذ همو در مقام تولیت آستانه قم [با اشاره به این که «موافق اسناد و ارقامی که سلالهٔ السادات مشار الیه در دست دارد اکثر اوقات منصب مزبور با مومی الیه و اجداد و اقوام او بوده»].

۳) فرمان شاه طهماسب دوم مورخ ج ۲- ۱۱۴۲ در تفویض تولیت آستانه از ابتداء تخاقوی‌ئیل به میرزا محمد رحیم ولد میرزا محمد مهدی به دستوری که به والد او مفوض بود.

۴) فرمان فتحعلی شاه مورخ ج ۱- ۱۲۲۷ در تفویض تولیت به میرزا اسد اللّه با اشاره به درگذشت میرزا سید محمد متولی پیشین در این تاریخ .

۵) فرمان فتحعلی شاه مورخ ۱۲۴۷ در تفویض تولیت به میرزا محمد رضا.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۴

دو فرمانی که عکس آنها چاپ نشد عبارت است از:

۶) فرمان مورخ ۱۲۸۴ از ناصر الدین شاه در مورد تولیت میرزا سید حسین.

۷) فرمان مورخ ۱۳۱۷ از مظفر الدین شاه در تفویض تولیت به میرزا سید محمد باقر.

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۵

سند شماره ۱

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۶

سند شماره ۲

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۷

سند شماره ۳

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۸

سند شماره ۴

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۱۹

سند شماره ۵

تربت پاکان، ج ۱، ص: ۷۲۰

دو استدراک مربوط به صفحه ۱۴۵ این مجلد

۱) خطی که از سید محسن رضوی در کناره آخرین برگ نسخه شماره ۷۰۱ دانشگاه از مراسم سلارهست تاریخ ۹۲۴ دارد. ببینید فهرست مشکوهٔ ۵: ۲۰۱۴.

۲) سوادی از سیاهه موقوفات بقعه محمدیه در اداره اوقاف قم دیده شد با سجل و تصدیق میرزا ابو الفضل مجتهد قمی مورخ محرم ۱۲۶۶ براساس اصل وقف‌نامه قرن دهم از میرزا محمد مهدی رضوی مورد سخن، بانی بقعه و مدفون در آن، که این اصل در خاندان مدرس آستانه مضبوط است.

متن این سند به ایضاح چندین نکته مهم تاریخی کمک می‌کند و از این رهگذر به‌خصوص در مبحث جغرافیای تاریخی شهر در پیش‌گفتار مجلد دوم این کتاب بسیار سودمند می‌بود لیکن چون متأسفانه پس از چاپ هر دو مجلد به دست افتاد امکان استفاده و استخراج و چاپ متن آن در این اثر دست نداد.

مجموع این موقوفات بیست فقره است که نمونه را دو فقره نخست ملخصا ذکر می‌گردد:

* همگی یک درب باغ مشجر واقعه در خارج درب کنکان مدینهٔ المؤمنین قم مشهور به باغ آمیر علی و سیکل‌آباد و باغ پشن که این هر سه باغ یک باغ شده.

* همگی یک درب باغ محاط علیه مشجر واقعه در خارج درب ساوه من دروب مدینهٔ المؤمنین قم مشهور به باغ سرطاحونه مع ربع باغ حماط.

جلد دوم

[مقدمه]

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد للّه رب العالمین و صلی اللّه علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

پس از مجلد نخستین این کتاب که به وصف مجموعه بنا و تزیینات آستانه قم و تاریخ و اسناد آن اختصاص یافت اینک در مجلد دوم به معرفی دیگر آثار دوره اسلامی آن شهر می‌پردازد.

در این مجلد نخست بناها و آثار موجود در شهر قم، و سپس آثار پیرامون شهر و توابع و روستاهای آن شناسانده شده است. در بخش اول آثار شهر با تقسیم به «مزارات» و «مساجد» و «مدارس» و «دیگر آثار» گروه‌بندی شده، و در هریک معرفی بناها به‌ترتیب قدمت بوده است. لیکن در بخش دوم باتوجه به این‌که شمار آثار قدیم در مضافات و پیرامون شهر به نسبت کم است تقسیم به اعتبار بلوکات بوده، و ذیل نام هر روستا همه آثار کهن آن وصف گردیده است.

در آغاز این مجلد چند برگی زیر عنوان «پیش‌گفتار» درباره محل شهر قدیم قم و برخی اعلام جغرافیایی آن که در مآخذ قدیم یاد شده است سخن رفته، و در پایان آن در بخشی با عنوان «خاتمه» چند سندی مربوط به این مجلد گذارده شده است. پس از آن تصاویر مربوط به این مجلد است که در چند مورد شماره‌های آنها ردیف نیست، و این به خاطر آن است که قسمتی از عکس‌ها که به شکل

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲

«اسلاید» و رنگین بود و چاپ آن با فقدان وسائل و امکانات در قم به چاپخانه‌ای در تهران احاله شده بود تا پایان کار چاپ متن کتاب و تصاویر که این سطور نوشته و کتاب برای سپردن به صحافی آماده می‌شد به دست نرسید و ناچار از آنها علی العجاله چشم‌پوشی شد.

*** در این نوشته تنها به وصف آثاری پرداخت که به‌هرحال از نظری ارزش وصف داشت. درمورد دیگر بناها که هیچ‌گونه ارزشی در جهت کار ما نداشت از ذکر نام نیز خودداری شد جز در مورد «مزارات» که به انگیزه‌ای از همگی مقابر و زیارت‌گاه‌های شهر و پیرامون آن یاد گردید.

در نیم‌قرن اخیر نیز چند اثر هنری ارزنده مانند بنا و تزیینات دو مسجد موزه و اعظم قم به‌وجود آمده که بحث درباره آنها از

عنوان کار ما در این کتاب بیرون بوده است.

قم- ماه رمضان سال ۱۳۹۶ (ه. ق)

سید حسین مدرسی طباطبایی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳

[فهرست مطالب]

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴

۴) وکالت‌نامه مورخ ۴ ج ۲- ۱۲۷۹ ۲۳۴
۵) مصالحه‌نامه مورخ ۲۹ صفر ۱۲۸۲ ۲۳۵
۶) حکم مورخ ج ۲- ۱۲۹۱ ۲۳۵
* مدرسه خان ۲۳۵
۷) وقف‌نامه مورخ ع ۱- ۱۱۲۳ ۲۴۱
تصاویر- فهارس کتاب
تربت پاکان، ج۲، ص: ۹

پیش‌گفتار

اشاره

[توضیحی درباره شهر قدیم قم و برخی اعلام جغرافیایی آن]
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱
در کتاب قم و برخی مصادر دیگر پاره‌ای از اماکن قدیم قم نام برده شده که به‌خاطر دگرگونی شکل شهر در طی قرون، تعیین محل وقوع آنها بر کسانی که در جغرافیای تاریخی شهر مطالعاتی براساس اسناد و مآخذ قدیم نداشته باشند دشوار است. و ازاین‌رو در برخی نوشته‌های متأخر خطاهایی شگفت در تطبیق این گونه اعلام جغرافیایی بر ترکیب کنونی شهر دیده می‌شود و به‌خصوص کسانی که در این کار صرفا بر ذوقیات و اجتهادات تکیه دارند فرسنگ‌ها از واقع به دور افتاده‌اند. نتیجه مستقیم این نیز، خطا در شناختن بناهای قدیم و تطبیق عباراتی از «کتاب قم» و جز آن به نادرست بر برخی اماکن است که در مآل موجب مزار- سازی‌ها و نسب‌بافی‌ها و اسناد برخی بناهای کهن به دوره‌هایی پیش‌تر یا متأخرتر گردیده است. بنابراین ناگزیر در مقدمه بحث از بناهای قدیم قم باید چند سطری به اجمال از محل وقوع شهر قدیم و برخی اعلام جغرافیایی آن که در کتاب- های قدیم یاد شده است نگاشته شود:

۱- شهر قدیم:

منطقه‌ای که پیش از آمدن اعراب به ایران «قم»- یا معادل آن در زبان فارسی قدیم- خوانده می‌شد پهنه‌ای وسیع بود که از کمیدان و مزدیجان تا ابرستجان
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲
و جمکران را دربرمی‌گرفت و در میان این منطقه وسیع هفتاد دیه به صورت پراکنده- گویا به سبک مرسوم شهرنشینی آن روزگار- وجود داشت. بارویی بزرگ به رای و همت یزدان فاذار رئیس دیه ابرستجان گرداگرد همه دیهات این منطقه- که گویا هریک در حکم کوی و محله‌ای بوده است- کشیده شد که همه را از تعرض غارتگران دیلم نگاهداری می‌نمود.
در نیمه دوم قرن نخستین هجری اعراب اشعری به قم آمدند و در شش دیه از آن جمله با نام‌های گمر و کمیدان و مالون و قزوان و سکن و جلنباداان فرود آمدند و برای خود شهری جدید در قسمتی از سرزمین قم بنیاد نهادند و بارویی کوچک‌تر گرد همین قسمت چنان کشیدند که از باغ دولت تا درب نضر رودخانه در میان شهر بود و از این درب تا گمر و سعدآباد در کنار

رودخانه بنا گردیده بود . بخش کمیدان را نیز با بارویی مستقل از مزدیجان و جز آن جدا کردند و به این ترتیب شهر جدید اسلامی قم در دو بخش- که یکی «مَمّجان» یا «مَنیجان» و دیگری «کمیدان» خوانده می‌شد و میان آن دو، رودخانه فاصل بود - در قسمتی کوچک

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳

از منطقه وسیع مزبور پدید آمد.

«مَمّجان» یا «مَنیجان» در میان پهنه‌ای وسیع که شهر باستانی قم را تشکیل می‌داد قرار داشت . شش دیه که با بارویی از این منطقه وسیع جدا شده و شهر اسلامی قم را پدید آورد به صورت کوی‌ها و محلات شهر درآمد . البته برخی از این مناطق مانند «مالون» به صورت کامل و برخی دیگر تا قسمتی در داخل بارو قرار گرفت چنان‌که قسمتی از اراضی «گمر» از باروی شهر بیرون بود .

از بررسی کتاب قم به درستی آشکار می‌شود که محل وقوع این شهر درست همین‌جاست که اکنون در جانب شرق رودخانه بخش یک شهر را تشکیل می‌دهد.

زیرا «مالون» در جنوب شرقی که مزار احمد بن قاسم در آنجاست و «گمر» در شمال هم‌اکنون دو حد شمال غربی و جنوب شرقی این بخش شهر است. احمد ابن قاسم در «مقبره» مالون به خاک رفته که به حسب مرسوم در کنار آن منطقه بوده است و اکنون نیز مزار او در کنار این بخش شهر و بیرون از آن است.

دروازه‌های شهر که نمایاننده حدود باروی آن است مانند:

* درب سهلویه در کنار رودخانه، نزدیک پشته‌های سعدآباد گمر

* درب قریه گمر در شمال

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴

* درب ری در شمال شرقی، نزدیک گمر و سعدآباد - یعنی در پیرامون محل و موقع کنونی آن-

* باب شهرستان - گویا پیرامون «میل شهرستان» در بیرون شهر کنونی از جانب شرق- (و به‌هرحال حد منطقه شهرستان که مزرعه‌ای است در آن‌سو)

* درب تلقجار در سر راه سراجه در شرق و درب کاشان نیز

* درب مالون در جنوب شرقی

* درب نضر بن عامر اشعری یا درب بریدیا جبانه در جنوب، در اراضی قهیان

* رودخانه که بارو از قهیان تا گمر کنار آن قرار داشته است

همگی دقیقا حدود بخش یک شهر کنونی قم را تشکیل می‌دهند که جز در جنوب، محدوده‌ای است که آخرین باروی قم آن را درمیان داشت و از این برمی‌آید که حدود باروی شهر از قرون نخست تا دوره قاجار جز در جنوب دگرگونی مهمی نیافته است.

محلات و کوی‌های قم چون سروزار (سربازار) و اماکنی چون بابلان

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵

و مسجد جامع عتیق (مسجد امام) و پل بکجه (گویا باجک) بر در مسجد جامع و مشهد حمزهٔ بن موسی به میدان زکریا بن آدم و خانه موسی بن خزرج که حضرت ستی فاطمه در آن نزول فرمود و سرایی که حضرت علی بن موسی الرضا- علیه

السلام- به نقلی در آن فرود آمد و سرای محمد بن حسن بن خالد شنبوله و مسجد رضائیه همه در این میان است.
از این‌همه برمی‌آید که شهر قم در قرون نخستین اسلامی در همین محدوده کنونی بخش یک قم در شرق رودخانه قرار داشته و تنها در سوی شرق و جنوب اندکی دامنه‌دارتر بوده که با گسترش سریع و روزافزون قم در این دو سو تا یکی دو سال دیگر شهر به همان حد پیشین خواهد رسید و از آن نیز خواهد گذشت .
* درباره محدوده قدیم شهر قم نکته‌ای باید بر آنچه گفته شد افزود و آن این‌که: نخستین‌بار که بارویی گرد شهر اسلامی قم کشیده شد به تصریح کتاب قم در جانب غربی، بارو بر کناره رودخانه بنا شده بود و ازاین‌رو بابلان و آستانه
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶
مقدس حضرت ستی فاطمه در آن دوره درون باروی شهر بوده است. لیکن این بارو در سال ۲۱۰ در خلافت مأمون ویران گردید و پس از آن نیز تا روزگار تدوین کتاب قم (سال ۳۷۹) سه‌بار تجدید بنا شد .
آستانه مقدس و مسجد جامع عتیق در قرن ششم بیرون شهر بوده‌اند و این بدان معنی است که وسعت محدوده داخل بارو از جانب غربی در این دوره کمتر از پیش بوده است. بلکه قرائنی نشان می‌دهد که پس از حمله مغول- که شهر آباد و بزرگ قم عهد سلجوقی به دست آنان ویران و قتل‌عام شد- معموره شهر در قسمتی کوچک از پهنه گسترده پیش محصور گردید.
با این‌همه نام «پشت‌باره» در مورد کوچه‌ای نزدیک آستانه، و گفته سید عبد الکریم بن طاوس درباره مدرسه رضویه دو گواه معتبر و معتمدند بر این‌که شهر در این جانب هم تا پیرامون کوچه‌های «عشقعلی» و «سید حسن» و «حسین آباد» کنونی امتداد داشته است .

۲- رودخانه قم:

رودخانه قم بنابر آنچه در کتاب قم مصرح است در دوران‌های دور- پیش
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷
از اسلام- در مسیری در شرق شهر اسلامی جاری بوده و آب آن به سوی سراجه در شمال شرقی می‌رفته است. سپس به گذشت سالها و روزگارها این مسیر بالا آمده، آب از آن به زیر افتاد و از جانب غرب شهر جریان یافت و آب آن به جانب دیه قمرود روانه شد تا به مرور ایام این مسیر نو رودخانه گردید و پس از آن هرگز تغییر ننمود . آری مدت سی و یک سال مجددا آبی در مسیر قدیم جریان یافت که آن نیز در روزگار تدوین کتاب قم به کلی از میان رفته بود .
مسیر شرقی همان است که در دوره‌های بعد «رودخانه صفی آباد» خوانده شده و تا به روزگار ما به همین نام شهرت دارد. نام آن در برخی اسناد قدیم از جمله وقف‌نامه شاه بیگی بیگم مورخ ۹۲۹ به همین شکل آمده است.
رودخانه قم میان شهر قم (ممّجان یا منیجان) و کمیدان جاری بوده است .
در کتاب قم به تصریح آمده که گمر و سعدآباد در یک سوی رودخانه و کمیدان در سوی دیگر بوده است و اکنون نیز رودخانه در منتهای شهر اراضی گمر و کمیدان را در دو کناره رودخانه از یکدیگر جدا می‌کند. آستانه حضرت ستی فاطمه و مسجد جامع عتیق قم نیز در کنار آن بوده‌اند که اکنون نیز بر همان منوال است. همچنین دیگر مشخصاتی که در کتاب قم برای رودخانه شهر یاد می‌شود بر مسیر کنونی تطبیق می‌کند و بس. از این‌همه برمی‌آید که مسیر رودخانه قم از قرون نخستین
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸
اسلامی تا روزگار ما کمترین تغییری ننموده است.

وصف‌ها و نقشه‌هایی که از قم در سفرنامه‌های خارجی دیده می‌شود از جمله نقشه «آدام اولئاریوس» همگی بر این مسیر منطبق است.

۳– تپه‌های قل‌درویش:

در شرق قم نزدیک مزرعه براوستان تپه‌هایی است که آن را در اصطلاح محلی «قل‌درویش» (گویا مخفف «قله درویش») می‌نامند. در کتابچه ثبت موقوفات و خالصه‌جات براساس دفاتر قدیم از «قل‌درویش مشهور به چال‌قلندران» از توابع براوستان یاد می‌شود.

این تپه‌ها آثار آبادانی پیشین دیه براوستان است. در کتاب قم می‌گوید:

«براوستان آن پشته بزرگ است به نزدیک براوستان. اهل آن ناحیت آن را به فارسی «ابرئجان» نام کردند یعنی پشته اهل براوستان. و روایت کنند که براوستان آنجا بوده است که الیوم پشته‌ای است» . سپس سبب ویران شدن آبادی پیشین براوستان را نقل می‌کند .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹

براوستان از دیهات نزدیک به قم بوده و هیچ‌گاه جزء شهر اسلامی نبوده است .

۴– نهر سعد:

در کتاب قم چند جا از نهر سعد یاد می‌شود. به گفته آن کتاب این جوی را سعد بن مالك بن احوص اشعری در نزدیک گمر– در شمال شهر– از رودخانه جدا کرد و از میان قسمتی از شهر که در اراضی گمر و پیرامون آن بود (و گذشت که اینها همه درون بارو بوده است) گذراند و به مزرعه‌ای که نزدیک دروازه ری بنا کرده و آن را «سعدآباد» نام داده بود روان ساخت . پس طول مسیر آن از رودخانه بوده است در اراضی گمر تا نزدیك دروازه ری.

۵– مدرسه سورانیک:

در نسخه چاپی کتاب عمدة الطالب– از آثار اوائل قرن نهم– از مدرسه سورانیك در کنار باروی قم که ناصر الدین علی بطحانی از نوادگان امام مجتبی در آن مدفون بوده است یاد می‌شود . صاحب انوار المشعشعین به استناد این نوشته حدسیات و اجتهاداتی در انساب برخی امام‌زادگان و مزارات قم دارد که پذیرفته شده است. پس از او برخی دیگر چه ذوق‌آزمایی‌ها و تاریخ‌بافی‌ها که براساس این اجتهاد ننمودند.

حضرت استاد علامه آقای شبیری زنجانی– از علماء بزرگ قم– که نسخه عمدة الطالب خود را با چند نسخه مخطوط مقابله و تصحیح نموده‌اند تذکر فرمودند

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰

که در این اقدام واصح نسخ موجود: نسخه ش ۳۵۲۴ دفتر کتابخانه مسجد اعظم قم (مورخ آغاز رجب ۸۶۲ به خط امام بن جلال کرمانی– برگ ۱۸ پ سطر ۱۱) به جای «بشق قم»، «بشق بم» ذکر شده که با توجه به کرمانی بودن مؤلف آن، به‌دست دادن چنین نشانی دقیق در مورد «بم» نه «قم» به اعتبار عقلائی نیز نزدیک‌تر است.

۶- میدان میر:

«میدان میر» در برابر «ستیه» که خانه موسی بن خزرج- میزبان حضرت ستی فاطمه در توقف کوتاه هفده‌روزه ایشان در قم- بوده نام کامل آن «میدان میر سراج» است که پیش‌تر به همین نام شناخته می‌شده . و این میر سراج باید همان «میر سراج الدین علی قمی» از اعاظم این ولایت باشد که مدتی به نیابت امیر معصوم صفوی وزارت طهماسب نمود و در روز یک‌شنبه ۲۷ ع ۲- ۹۸۵ به دست اجلاف و اوباش قم به تحریک بعضی از ملازمانش در مشهد محمود آباد بیرون دروازه کنکان قم کشته شد . او مزرعه قمرود قم را که از بایرات قدیم بود آباد نمود و قناتی چند در سر رودخانه قم احداث کرد . در کتابچه موقوفات و خالصه‌جات براساس دفاتر قدیم از «مزرعه قمرود میر سراج مشهور به سرآبی»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱
یاد شده است. در خلاصهٔ البلدان از قناتی به نام فردوس «که آن را عالی‌حضرت سیادت و مرحمت‌پناه امیر سراج الدین علی موسوی قمی عم‌زاده والده والد فقیر مصنف احداث کرده» بود سخن می‌رود. در همین مأخذ از میر سراج دیگری در دوره صفوی یاد می‌شود که نواده دختری میر سراج پیشین و فرزند میرصفی حسنی طباطبایی اردستانی بوده است . در تذکره همیشه بهار نام و سرگذشت میرزاجانی نواده میر سراج قمی هست .

۷- درب اصفهان:

در کتاب قم از «درب اصفهان» قم که در نزدیک مجرای پیشین رودخانه در شرق شهر قرار داشته است یاد می‌شود. این درب همان دروازه کاشان است که در آغاز راه کاشان و اصفهان قرار داشت و یاد آن نیز در کتاب قم آمده است . از درب اصفهان در خلاصهٔ التواریخ قاضی احمد قمی و خلاصهٔ البلدان صفی الدین و کتابچه ثبت موقوفات و خلاصه‌جات و کتاب‌های دیگر نیز یاد شده است.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲

۸- دروازه قلعه:

از دروازه‌های قم در آخرین باروی این شهر که تاکنون قسمت‌هایی از آن نزدیک همین دروازه باقی و جای خود دروازه نیز مشخص است «دروازه قلعه» است، نام‌گذاری آن را به خاطر قلعه‌ای می‌دانند که افغانان در دوره حکومت خود در این شهر در آنجا ساخته‌اند لیکن این درست نیست چه نام این درب به همین شکل در خلاصهٔ التواریخ- وقایع سال ۹۹۴ آمده و در خلاصهٔ البلدان نیز یاد گردیده و همان دروازه نوآباد دانسته شده است.
درست آن است که قلعه قدیم قم که بنایی استوار بوده و یاد آن در متون تاریخی قرن‌های نهم و دهم هست در اینجا قرار داشته و دروازه را به مناسبت مجاورت با آن «درب قلعه» نامیده‌اند.

۹- دروازه کنکان:

درب کنکان (به کسر دو حرف نخست) که نام آن به همین شکل در دو جای خلاصهٔ التواریخ و در گلستان هنر و پیش از آن دو در تاریخ کبیر جعفری و مطلع

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳

سعدین سمرقندی و احسن التواریخ روملو و برخی جاهای دیگر، و به صورت «درب کهنکان»، در نسخه‌ای از خلاصهٔ التواریخ آمده، یکی از پنج دروازه قم بوده است. چهار دروازه دیگر یکی دروازه ساوه در غرب و دیگری درب اصفهان در جنوب محدوده آن روز شهر و سومی درب ری در شمال و چهارمی درب قلعه در جنوب غربی بوده، و این درب پنجمین بوده است که طبعا هیچ‌یک از آن درب‌های دیگر که در خلاصهٔ التواریخ مذکور است نمی‌توانست باشد. خانقاه از میان‌رفته خواجه علی صفی و زاویه آقا کمال الدین حسین مسیبی و باغ آن و مشهد محمود آباد بیرون این درب قرار داشته‌اند .

محمودآباد و اراضی پیر مشهد نزدیک آن و اراضی زاویه همه اکنون در شرق شهر مشخص است و با در نظر گرفتن این نشانی‌ها حدود تقریبی محل وقوع درب مزبور آشکار می‌گردد. بنابراین آنچه در کتاب قم در قرن نهم احتمال داده شده است که این درب همان دروازه کاشان باشد نادرست است چه قاضی احمد از آن با نام «دروازه اصفهان» در خلاصهٔ التواریخ یاد می‌کند. نامی که دانستیم آن درب تا قرن اخیر بدان شناخته می‌شده است. گذشته از این، نشانی‌های پیش

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴

نیز بر دروازه کاشان شهر قابل انطباق نیست.

«کهنه» با «ها» ی غیر ملفوظ از مزارع براوستان در شرق قم بوده و هست.

پسوند «کان» و «گان» و «جان» و «قان» در نام بیش‌تر توابع قم دیده می‌شود.

پیداست که این درب چون در برابر مزرعه مزبور قرار داشته است به این نام خوانده می‌شده چنان‌که نظائر آن (در نام‌گذاری دروازه به نام قریه یا مزرعه مجاور آن) در کتاب قم به تکرار دیده می‌شود .

۱۰- زاویه منصور بیک:

زاویه حسینیه (منسوب به بانی آن آقا کمال الدین حسین مسیبی) یا زاویه بیگمی (منسوب به واقف باغ آن شاه بیگی بیگم) که بیرون درب کنکان قم بوده، همان است که اکنون با مزرعه قلاور در شرق شهر در آغاز ملک شهرستان قرار دارد.

جز آن در خلاصهٔ التواریخ، وقایع سال ۹۰۸ از زاویه‌ای به نام «زاویه منصور بیک چمشگزکی» یاد می‌شود که در سر راه قم به همدان و به طبع در جانب غربی شهر قرار داشته است. در کتابچه ثبت موقوفات و خالصه‌جات براساس دفاتر قدیم از «مزرعه زاویه منصور بیک» که موقوفه آستانه قم بوده است پس از باغ زاویه بیگمی یاد می‌کند. با در گرفتن این دو نشانی دانسته می‌شود که زاویه منصور بیک در همان‌جا بوده است که تا روزگار ما به نام زمین‌های زاویه و گردن شتر خوانده می‌شده و موقوفه آستانه بوده و اکنون زیر ابنیه ایستگاه راه‌آهن این شهر قرار گرفته است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵

۱۱- «سروز» و «سروزار»:

«سَروَز» و «سَروَزار» نام دو محله از محلات قم بوده است . در کتاب قم می‌نویسد: «وز چوبی است که بدان قسمت آب می‌کنند». این نام در سندی مورخ ع ۱- ۸۹۱ که متن آن را در بحث از مناره میدان شهر خواهیم دید به صورت «سَروَزن» آمده است. نگارنده خلاصهٔ البلدان این نام را معادل «بالاشهر» و «سرآبی» گرفته و آن را نام یک سوی شهر دانسته است. او

می‌نویسد: «.. بعد از آن بعضی از این محلات شهر را که مقسم آب بوده «سروز» نام نهادند به جهت آن‌که «وزن» چوبی را گویند که بدان قسمت آب نمایند و در نهرها جایی که مقسم آب باشد نصب کنند و چون در قدیم در آن محلات به جهت قسمت آب «وزن» بوده لهذا به «سروزن» معروف شدند و در بعضی محلات دیگر که آب از محلات «سروز» به آنجا جاری می‌شد پایین‌شهر وزیرشهر خواندند و باز هریک از محلات «سروز» و «زیر شهر» را کوچه‌های علی حده است که هریک به اسمی خاص خوانده می‌شود» .

این نام اکنون در استعمال کشاورزان قم و پیرامون آن به همین شکل بر هر نقطه از رودخانه که آب از آنجا به نهرهای گوناگون تقسیم می‌شده است گفته می‌شود از جمله بر محل تقسیم انهار شهر و محل تقسیم انهار محال قمرود، جز آن که در تحریرات دیوانی دوره‌های اخیر به این پندار که آن از اصلاح «وضع و تقسیم آب» گرفته شده است «سر وضع آب» می‌نوشته و می‌نویسند.

تردیدی نیست که «سروزار» همان‌جاست که اکنون به «سربازار» شهرت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶

دارد و در نزدیک میدان کهنه شهر قرار گرفته است. از سند مورخ ع ۱- ۸۹۱ برمی‌آید که محله «دوقفیزآباد» جزء محلات «سروز» بوده، و از اسناد و قبالجات قدیم و سفرنامه قم افضل الملک برمی‌آید که دو محله «عشقعلی» و «تکیه سید حسن»- که هردو هم‌اکنون با همین نام‌ها معروف، و در قدیم جزء نقاط بالای شهر بوده‌اند- از محله «دوقفیزآباد» به شمار می‌رفته‌اند. با این نشانی‌ها حدود منطقه «سروز» نیز مشخص، و مطلبی که از خلاصهٔ البلدان نقل شد کاملا تأیید می‌شود.

۱۲- مقابر قدیم:

در سیاحت‌نامه شاردن می‌نویسد: «اطراف قم را باغ‌ها فراگرفته است به‌علاوه باغ‌های بزرگی نیز در آن‌سوی رودخانه دیده می‌شود. در یکی از باغ‌های این حدود مقبره رستم خان از سلسله سلاطین گرجستان مشاهده می‌شود.

این پادشاه برای نیل به سلطنت آن سامان به آیین اسلام گروید. این باغ از گردشگاه‌های عادی مردم قم به شمار می‌رود».

این شخص باید همان رستم خان والی گرجستان باشد که محمد طه حسنی حسینی طباطبایی تحفه سامی خود را در اخلاق به روش شیعی در ۸ ذ ح- ۱۰۵۱ به نام او ساخته است . جای قبر او اکنون دانسته نیست که کجاست. ظاهر گفته سفرنامه‌نویسان آن است که مدفن او در یکی از باغ‌های آن‌سوی رودخانه بوده

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷

وگرنه اگر جمله «این حدود» اشاره به گرداگرد قم و نه تنها آن‌سوی رودخانه بود بقعه واقع در باغ مجاور مزار در بهشت (کنار راه قدیم قم به کاشان) که نزدیک مقابر امراء خاندان علی صفی و سبک بنای آن صفوی است می‌توانست به عنوان یکی از محل‌های احتمالی برای خاکجای این شخص تصور گردد.

اصولا- جز بزرگان و مقدسان مذهبی و روحانی که مدفن آنان- به خاطر تبرک جستن مردمان به زیارت تربتشان- بیش‌تر مشخص، و جای آن با گذشت زمان و حوادث آن معلوم و معین مانده است، قبور دیگران معمولا پس از گذشتن روزگار بزرگی و حرمتشان به دست فراموشی سپرده می‌شود. ازاین‌رو در قم نیز از آن همه بزرگان و امراء که از قرن دهم به بعد در خاک آن‌جا گرفته‌اند تنها قبر پادشاهان صفوی و قاجار مشخص است و از شاهزادگان و رجال قاجاری هم تنها قبور آن عده که در اواخر این دوره در بقاع دو صحن به خاک رفته‌اند. وگرنه حتی محل دقیق مدفن شاهزاده فاضل و صاحب‌اثری چون

جهانگیر میرزا قاجار فرزند عباس میرزا نایب السلطنه- که سالیانی مجاور قم بوده و در این شهر کاروانسرایی بنیاد نموده

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸

و در سرگذشت او نوشته‌اند که پس از درگذشت به سال ۱۲۶۹ در قم در عمارتی که خود در زندگی ساخته بود به خاک سپرده شده - دانسته نیست که کجاست یا بر من پوشیده مانده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹

آثار و بناهای قدیم

در محدوده کنونی دار المؤمنین قم

در دو بخش:

بخش یکم- بناهای قدیم شهر قم

بخش دوم- بناهای قدیم در روستاها و بلوکات قم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱

بخش یکم بناهای قدیم شهر قم

اشاره

۱) مزارات و مقابر

۲) مساجد

۳) مدارس قدیم

۴) آثار دیگر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳

۱ مزارات و مقابر

اشاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵

شاه جعفر [تصاویر ۱- ۱۵]

اشاره

مزار «شاه جعفر» (شاهزاده جعفر) در مزدیجان از کهن‌ترین مزارات این شهر، و به نوشته کتابه بنا و مرقد خاکجای مردی از نوادگان امام کاظم (ع) است.

نمای بیرونی بنا هشت‌ضلعی با گنبد برجی هرمی هشت‌ترکی آجری است که پیش‌تر با پوششی از کاشی فیروزه‌ای آراسته

بوده و اکنون جز قسمتی بسیار کم در نوک گنبد همه کاشی‌ها فروریخته است. درون بنا با بلندی پیرامون ده متر نخست چهارگوشه با صفه‌ای در جنوب و سه درگاه ورود در سه سوی دیگر است که در بالاـ با پیش آمدن گوشوارها به شکل هشت‌گوشه درآمده و سپس با فاصله کتیبه سراسری، شانزده‌ضلعی و آن‌گاه سقف گنبدی بناست.

در این مزار تاریخ ۶۶۵ و ۶۶۷ بر کاشی‌های مرقد هست که نمودار سال بنای بقعه نتواند بود لیکن بنای اصل بقعه می‌تواند از همین قرن باشد. درگاه اصلی ورود آن از شمال است که از بیرون با فاصله سردر و راهروی بدان می-

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶

رسند. بنای این سردر و راهرو متأخرتر از بنای اصل بقعه است لیکن آن نیز قدیم است.

تزیینات

اساس کلی تزیین در این بنا کنده‌کاری ظریف گچی بر پوشش بدنه از میان سقف تا نزدیک سطح زمین است.

سقف از نقطه مرکزی تا بالای بدنه‌های شانزده- گانه قاعده آن با گچ‌بری «ملاط سازی» رنگین آراسته شده که جز گردی میان، پنج ردیف اشکال هندسی به سبکی زیبا پدید آورده است. زیر این قسمت میان سقف و بدنه‌ها، کمربندی از نقش‌ونگار گچ‌بری شده و گرداگرد بدنه‌ها را نیز حاشیه‌ای گچ‌بری همان‌گونه- پیوسته و سراسری فراگرفته است.

زیر بدنه‌ها کتابه سراسری بنا به خط ثلث گچ‌بری شده جز آن‌که چون خط برجسته نبوده است نیمه دوم مشتمل بر نام بانی و تاریخ بنا- به سبکی مشکوک- محو و ساییده شده و خوانده نمی‌شود لیکن ریشه حروف برخی کلمات مشخص است و شاید از فاصله نزدیک‌تر و با لمس پستی‌ها و بلندی‌های بازمانده بتوان متن آن نیمه را نیز تا حدودی خواند.

چنین است آن مقدار از متن کتیبه که خوانده می‌شود:

[زاویه شمال غربی:] ذکر اللّه اعلی- (هذا) مشهد الطاهر المطهر جعفر بن موسی الکاظم (بن جع) فر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین (بن) الامام الشهید حسین بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاة.

[زاویه جنوب شرقی:] امر ببناء هذه العمارة (المنورة) و الروضة المقدسة ... الدنیا و الدین ..

زیر کتیبه گرداگرد صفه‌ها و گوشوارها با زنجیره‌ای ظریف از نقش‌ونگار آراسته شده و لچکی‌ها و قوسی‌ها و بدنه تا نزدیک سطح زمین مانند بدنه‌های قسمت شانزده‌ضلعی پوشیده از کنده‌کاری‌های گچی است. با این تذکر که کنده‌کاری‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷

همه با نقش‌ونگار است و برخلاف بناهای مشابه- جز یکی دو مورد در بدنه راست محراب که نام «علی» در میان آرایش‌ها گنجانیده شده- تزیین با نام‌های مقدس دیده نمی‌شود و این خود پیش‌تر بودن تاریخ بنای آن را تأیید می‌کند.

در محراب بنا دو قطعه کاشی خشتی لعابی و نه‌چندان کهن، بقایای کتیبه‌ای در این مزار بر دیوار نصب است. متن این دو قطعه به ثلث سیاه چنین است:

محمد (الب) اقر بن الامام علی زین العابدین بن الامام حسین بن علی بن ابو طالب علیهم السلام

در سردر راهرو مزار از سوی شمال کتابه‌ای از کاشی معرق نصب بود که به موزه آستانه قم منتقل شده است با این متن:

تجدید عمارت این درگاه مشهد مقدس منور زبدة الاعیان غازی پیر قلی نموده است. ۹۴۲.

مرقد امامزاده در میان بنا با بلندی پیرامون یک متر و درازا و پهنای تقریبی ۶۰/ ۱ در ۶۰/ ۲ اکنون پوشیده از کاشی‌های خشتی فیروزه‌ای نو است لیکن پیش‌تر روی مرقد در میان، چند قطعه کاشی زرفام قرن هفتم به عنوان لوح مزار بوده که در اوائل قرن حاضر ربوده شده است . گرداگرد این لوح در سه طرف (بالا و دو سو) کتابه‌ای دیگر از کاشی فیروزه‌فام بوده است مشتمل بر نام و نسب مدفون که چند قطعه آن نیز در دست نیست و باقی‌مانده را پس از ربوده شدن لوح مزبور در سر درگاه ورود نصب نموده بوده‌اند که اکنون به موزه آستانه قم منتقل شده است. این کتابه به ثلث برجسته با لبه‌ای از نقش‌ونگار است که این لبه در کناره سطح روی مرقد قرار می‌گرفته و خشت‌های زوایا دو لبه است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸

چنین است متن ۱۲ قطعه خشت بازمانده از این کتیبه که در موزه آستانه برخی خشت‌ها پس‌وپیش نصب شده است:

[طرف راست لوح مرقد:] ذکر اللّه اعلی/ هذا مشهد طاهر/ المطهر الشهید جعفر/

[بالای لوح:] بن اما/ [م موسی کاظم] / بن امام جعفر صادق/ [بن امام محمد با] / قر بن امام علی زین ا/ لعابدین بن اما/ م حسین بن امام/ مطلق امیر/

[طرف چپ:] المؤمنین سید وصیین/ [...] / صلوات اللّه علیه اجمعین/ فی تاریخ محرم سبع و ستین و ستمائة.

بدنه مرقد سراسر و از چهار سو با کاشی‌های کوکبی همین دوره- و در فواصل آنها کاشی ساده فیروزه‌ای چهارپر به سبک مرسوم در همه موارد مشابه- آراسته بوده است. این کاشی‌ها نیز به نقل آگاهان محل چند ده سال پیش مورد دستبرد قرار گرفته و آنچه از این جمله در بدنه مرقد برجای مانده چنین است:

I

بدنه شرقی میان کاشی‌های خشتی نو قطعه‌ای مرکب از سه ردیف کاشی هشت‌گوشه زمینه قهوه‌ای و لاجوردی، در هر ردیف سه قطعه و در فواصل آنها چهار قطعه کاشی فیروزه‌ای ساده چهارپر. متن کتیبه‌ها گل و بوته و گرداگرد حاشیه‌ای از آیات قرآنی است. چنین است متن کتابه‌های حواشی قطعات بازمانده این بدنه به ترتیب افقی از ردیف بالا- و از سوی راست (نخستین قطعه این ردیف نیز از میان رفته است):

۱- أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلی غَسَقِ اللَّيْلِ ... رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹

سُلْطاناً نَصِيراً .

۲- ... عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ ..

۳- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (تا پایان سوره) .

۴- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. إِنَّا أَنْزَلْناهُ (تا پایان سوره) فی شهور سنة خمس و ستین و ستمائة. صدق اللّه العظیم و صدق ...

۵- .. عَلِيمٌ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ (تا پایان آیه) .

۶- .. الْبَلَدِ وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِي كَبَدٍ .

۷- .. وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَكَ ..

۸- وَ ثَمُودَ الَّذِينَ جابُوا الصَّخْرَ بِالْوادِ وَ فِرْعَوْنَ ..

بنابراین خشت میانه که خوشبختانه کاملا سالم است تاریخ ۶۶۵ دارد.

II

در بدنه جنوبی قطعه‌ای مرکب از سه ردیف، در هر ردیف پنج خشت به همان شرح که در وصف کاشی‌های بدنه شرقی گذشت. ردیف میان از این سه سالم است با این کتابه‌ها در حواشی به ترتیب یادشده پیش (از سوی راست):

۱- سوره نصر

۲- سوره مطففین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰

۳- قُلْ یا أَیُّهَا الَّذِینَ هادُوا (تا پایان آیه)

۴- إِنَّا أَرْسَلْناکَ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَ نَذِیراً (تا پایان آیه) .

۵- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا نُودِیَ لِلصَّلاةِ (تا پایان آیه) .

در ردیف پایین در یک خشت سوره فلق و در دیگری عبارت «الْإِنْسانُ ما لَها یَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ» از سوره زلزال ، و به همین ترتیب آیات و سوری دیگر در حواشی خشت‌های دیگر این ردیف و ردیف بالا خوانده می‌شود.

III

در بدنه غربی قطعه‌ای مرکب از دو ردیف، در هر ردیف سه خشت به شرح پیش با این کتابه‌ها به همان‌گونه:

۱- فَضَرَبْنا عَلَی آذانِهِمْ فِی الْکَهْفِ سِنِینَ عَدَداً (تا) عَلی قُلُوبِهِمْ .

۲- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَنْزَلَ عَلی عَبْدِهِ الْکِتابَ .

۳- .. آمَنَ الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ .

تتمه آن در خشت هفتم بدنه شرقی بود.

۴- .. وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ لا إِکْراهَ فِی الدِّینِ .

۵- وَ أَرْسَلْنَا السَّماءَ عَلَیْهِمْ مِدْراراً وَ جَعَلْنَا الْأَنْهارَ تَجْرِی مِنْ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱

تَحْتِهِمْ ..

۶- یُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَیَقْتُلُونَ وَ یُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْراةِ وَ الْإِنْجِیلِ .

VI

در بدنه شمالی روبه‌روی درگاه ورود اصلی چیزی از این خشت‌ها دیده نمی‌شود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲

در بهشت (علی بن جعفر) [تصاویر ۱۶- ۴۲]

اشاره

مزار علی بن جعفر مشهور به «در بهشت»- که از آن و کاشی‌های نفیس مرقد و محراب و ازاره و درگاه آن در بسیاری از

مآخذ داخلی و خارجی یاد شده- در شرق شهر بیرون دروازه کاشان قرار دارد. آن را تربت «علی بن جعفر عریضی» فرزند امام صادق-ع- می‌پندارند و نمی‌تواند بود و مبنی آن است که خاکجای نواده وی «علی بن حسن بن عیسی علوی عریضی» است که همراه پدر خود از مدینه به قم آمده و یکی از درب‌های این شهر به نام او بوده و دور نیست که از این درب به زیارت تربت او می‌رفته‌اند. لیکن درب مزبور نزدیک نهر سعد بوده و گذشت که مسیر آن نهر در شمال شهر بوده است بنابراین مزار او را نیز باید در همان محدوده جست.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳

در کتاب قم از قبه «علی بن عیسی طلحی» نزدیک دروازه اصفهان که رود- خانه قم در «ایام القدیم» از بالای آن جریان داشته است یاد می‌شود. گذشت که دروازه اصفهان همین دروازه کاشان و مسیر پیشین رودخانه همان مجرای صفی‌آباد بوده، بنابراین آن قبه در پیرامون همین‌جا قرار داشته است.

*** بنا و تزینیات بقعه در بهشت در نیمه نخستین قرن هشتم است. بقعه به دستور عطا ملک میر محمد حسنی بنیاد و با گچ‌بری‌های رنگین آراسته شده، و کار بنا و تکمیل و تزیین آن در سال ۷۴۰ پایان گرفته است. پیوسته به آن در سوی شرق، بنایی «مقصوره» مانند است که چندان کهن نیست. برابر درگاه اصلی ورود مزار از شمال نیز ایوانی است که بنا و تزیین آن از نیمه دوم قرن گذشته است .

نمای بیرونی بنا هشت‌گوشه با گنبد برجی هرمی دوازده‌ترکی، و نمای درون با بلندی پیرامون ده متر نخست چهارگوشه با صفه‌ای در هرسو است که پس از دو متر و اند در بالای کتیبه سراسری زیرین با پیش آمدن گوشوارها به صورت هشت‌ضلعی، و سپس با فاصله کتیبه سراسری دیگر به شکل شانزده‌ضلعی (با دوازده نما و چهار نورگیر) درآمده و پس از آن سقف گنبدی بناست.

صفه جنوبی به شکل محراب و سه صفه دیگر درگاه ورود است لیکن درگاه اصلی صفه شمالی است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴

تزیینات

سقف و بدنه این بنا تا بالای ازاره کاشی‌کاری با گچ‌بری رنگین آراسته شده است.

در نقطه مرکزی سقف دایره‌ای از نقش‌ونگار و گرداگرد آن میان دو حاشیه زنجیره‌ای کتابه‌ای است با این متن:

لا اله الا اللّه الملك الحق العدل المبین محمد رسول اللّه صادق الوعد الامین علی ولی اللّه امیر المؤمنین

بدنه سقف گرداگرد دایره مزبور با اشکال هندسی گچ‌بری‌شده رنگین به شکلی زیبا آراسته شده که درون آنها نیز کنده‌کاری «ملاط سازی» گچی از نقش و نگار، و ردیف میانه اشکال مزبور هشت ستاره پنج‌پر است که میان هریک ترنجی است مشتمل بر صلوات کبیر این‌گونه:

اللهم صل علی المصطفی محمد/ و المرتضی علی/ و البتول فاطمه و السبطین/ الحسن و الحسین و زین العباد علی/ و الباقر محمد و الصادق جعفر/ و الکاظم موسی و الرضا علی/ و التقی محمد و النقی علی/ و الزکی العسکری و الحجه القائم المهدی

پایین این قسمت مقرنسی سراسری در سه ردیف، و پس از آن بدنه‌های شانزده‌گانه است که گرداگرد و لچکی‌های همه و اسپر هشت بدنه نقش و نگار گچ- بری‌شده رنگین، و اسپر چهار بدنه مقرنس، و چهار بدنه دیگر نورگیر است که هریک با

مشبکی گچی پوشانیده شده است.
زیر بدنه‌های مزبور با فاصله حاشیه‌ای زنجیره‌ای و ظریف یکی از دو کتیبه سراسری بنا در آغاز قسمت هشت‌ضلعی به ثلث در زمینه نقش‌ونگار با این متن خوانده می‌شود:
امر بتجدید عمارة المشهد المقدس مضجع الامامین السیدین المعصومین المظلومین الطاهرین ابی الحسن علی بن جعفر الصادق و ابی جعفر محمد بن موسی الکاظم صلوات اللّٰه

علیهما المولی المرتضی الاعظم الصاحب الاعدل الاحسب الانسب علاء الحق و الدنیا و الدین جلال الاسلام و المسلمین عطا ملک المیر محمد الحسنی اعز اللّٰه فی الدارین.
زیر کتیبه، لچکی‌ها و گرداگرد صفه‌ها و گوشوارها با نقش‌ونگار گچ‌بری ظریف و رنگین آراسته شده و دو قوسی هر گوشوار نیز به همان ترتیب گچ‌بری رنگین است و قوسی‌های صفه‌ها هم شاید پیش‌تر چنین بوده لیکن اکنون پوشش درون صفه‌ها مقرنس است که از دوره قاجار مانده و طرح نقاشی‌شده در زوایای هشت‌گانه بنا- در فاصله صفه‌ها و گوشوارها- نیز از همین دوره است.
آرایش لچکی‌ها چنان‌که گفته شد همه نقش‌ونگار است و تنها در دو لچکی پیشانی محراب این عبارت میان دو ترنج گنجانیده شده است:
بنده این معصومان- پهلوان کرد میر
زیر گوشوارها با فاصله حاشیه‌ای گچ‌بری به شکلی خاص، کتیبه سراسری دوم به خط ثلث در زمینه نقش‌ونگار گچ‌بری شده که متن آن سوره دهر است.
این کتیبه از سوی راست درگاه اصلی ورود بنا در شمال آغاز شده و گرداگرد بنا و داخل صفه‌ها را دور زده، با آیه نهم آن سوره در همین درگاه پایان گرفته است.
جز آن‌که در صفه‌ها کتیبه آسیب دیده و در صفه جنوبی قسمتی از آن که در اسپر محراب کتیبه بوده است (عبارت: «سل و اغلالا و سعیرا. ان الابرار یشربون م» از آیات ۴- ۵ آن سوره) از میان رفته است.
زیر این کتیبه تا بالای ازاره کاشی‌کاری که پیرامون یک متر است اکنون سفید کاری گچی است لیکن پیش‌تر بی‌تردید با گچ‌بری یا به‌گونه‌ای دیگر آراسته بوده است. در این قسمت هشت طاقچه گچ‌بری زیبا در چهار زاویه بنا دیده می‌شود که جز یکی همگی دارای کتیبه‌ای در حواشی طاقچه هستند. چنین است متن این

کتابه‌ها که میان دو خط برجسته در دو سو گچ‌بری شده به‌ترتیب از طاقچه سوی راست درگاه اصلی ورود از شمال، گرداگرد تا طاقچه سوی چپ همین درگاه:
۱- [نخستین طاقچه کنار درگاه از سوی راست کتیبه‌ای ندارد]
۲- [دومین طاقچه از میان رفته و اکنون روی آن را با حفظ صورت گچ کشیده‌اند و دور نیست قسمتی از گچ‌بری‌ها زیر پوشش گچ جدید باقی باشد]
۳- بنده علی مسعود دوازده من روغن چراغ نذر کرد که هرساله برساند و اخوه عماد سی من. عاقبت‌شان محمود باد.
۴-

الیکم کل مکرمة تؤلاذا ما قیل جدکم رسول

ابوکم خیر من رکب المطایاو امکم المعظمة

۵-

.... البتول

و فیکم انزل القرآن حقافذاک الفخر و الفضل الجمیل

۶- بخدمتکم تشرف جبرئیل

علی و ابناه و فخران و اللحجة و موسی و طهراه و بران و الحجة

۷-

ائمة هذا الخلق بعد محمدمودتهم فرض و اقوالهم حجة

فی سلخ ربیع آخر سنة اربعین و سبعمائة.

۸- دوعاگوی مردان بهرام قزبینی.

زیر این قسمت ازاره بنا به بلندی یک متر و اند با کاشی‌های خشتی نو پوشیده شده است. لیکن پیش‌تر سراسر ازاره آراسته به کاشی‌های کوکبی زرفام هشت‌پر قرن هشتم بوده که اکنون همه به موزه آستانه قم منتقل شده است. شمار این کاشی‌ها به طبع چندین صد قطعه است که از آن جمله چند قطعه را در تالار موزه به نمایش گذارده‌اند. متن همه آنها نقش‌ونگار و گل و بوته، و گاه در میان

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷

نقش آیه‌ای کوتاه یا کلماتی از قرآن کریم با سبک‌هایی خاص، و در لبه هریک گرداگرد کتابه‌ای است از سور کوچک یا آیات قرآنی یا روایات مذهبی و یا ابیات فارسی. و برخی از آنها رقم و تاریخ نیز دارد که نمونه را به ذکر یک رقم کامل از آن جمله اکتفا می‌رود:

کتبه عاشر ربیع الاخر سنة ثمان و ثلاثین و سبعمائة بمقام کاشان بکارخانه سید السادة سید رکن الدین محمد ابن المرحوم سید زین الدین علی الغضائری. عمل استاد الاجل المحترم استاد جمال نقاش .

صفه جنوبی که محراب مزار شمرده می‌شود با کاشی‌های زرفام این دوره آراسته بوده است. این کاشی‌ها در ۴۵ قطعه به شکل محراب بوده که چند دانه آن ربوده شده و به موزه‌های بیرون از کشور رفته و باقی‌مانده به موزه ایران باستان منتقل شده و در تالار آثار اسلامی آن نصب گردیده است (شماره ۳۲۷۰) تصویر این محراب که اکنون جای خالی قطعات ربوده‌شده آن را نیز با قطعاتی هم شکل پر کرده‌اند در برخی جاها از جمله تعلیقات عرائس الجواهر گذارده شده و رقم پایان کتیبه گرداگرد آن چنین است:

کتب فی غرة رمضان سنة اربع و ثلاثین و سبعمائة. عمل العبد یوسف بن علی بن ابی طاهر

مرقد

سطح و بدنه مرقد امامزاده در میان بنا پیش‌تر با کاشی- هایی از همین نوع آراسته بوده که اکنون همه آنها به موزه آستانه قم منتقل گردیده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۸
روی مرقد شش قطعه خشت کاشی ۷۵* ۷۰ (س، م) به صورت دو لوح قبر بوده که گرداگرد آن در چهار سو میان دو حاشیه برجسته از نقش‌ونگار، آیهٔ الکرسی تا «فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطّٰاغُوتِ» نوشته شده و متن دو خشت بالای لوح نقش‌ونگار، و متن چهار خشت دیگر نام مدفون است این‌چنین:
[راست:] هذا الضریح الشریف و المرقد المنیف للامام الطاهر محمد ابن الامام المعصوم موسی الکاظم ابن الامام المعصوم جعفر الصادق ابن الامام المعصوم محمد الباقر ابن الامام المعصوم السجاد علی زین العابدین ابن الامام المعصوم الشهیدالمظلوم ابا عبد اللّه الحسین ابن الامام المعصوم الشهید الامیر المؤمنین ابی الحسن علی بن ابی طالب صلوات اللّه علیهم اجمعین.
[چپ:] هذا المرقد و المزار المتبرک للامام المعصوم المظلوم الراوی علی العریضی ابن المولانا و السیدنا الامام المعصوم جعفر الصادق ابن الامام المعصوم محمد الباقر ابن الامام المعصوم السجاد علی زین العابدین بن الامام المعصوم الشهید المظلوم ابا عبد اللّه الحسین ابن الامام المعصوم الشهید الامیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات اللّه علیهم اجمعین.
چهار بدنه مرقد نیز با کاشی‌های زرفام از همان‌گونه آراسته بوده که شمار آنها نزدیک به یک صد و بیست خشت می‌بوده و اکنون چندتایی نیست و برخی نیز شکسته است و در مجموع پیرامون یک صد قطعه بر جای مانده است. کتابه این کاشی‌ها در زمینه گل و بوته به ثلث برجسته سوره یاسین است تا آیه بیست و هفتم.
این خشت‌ها در بدنه مرقد در چهار ردیف نصب بوده که ردیف نخست
تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۹
جز سوره یاسین در متن، در لبه بالا- کتابه سراسری دیگری دارد که بر آن به ثلث در زمینه سفید نخست آیه «شَهِدَ اللّٰهُ ..» و سپس «آمَنَ الرَّسُولُ ..» تا پایان نوشته شده و پس از آن خوانده می‌شود:
«صدق اللّه العظیم و صدق رسولنا الکریم و نحن علی ذلک من الشاهدین و المؤمنین و به موقنین.
امر بتجدید هذین الضریحین الشریفین الصاحب المعظم البهلوان زین الدولهٔ و الدین حاجی علی .. تقبل اللّه تعالی منه. کتبه و عمله احقر عباد اللّه الغنی ابو محمد الحسین بن المرتضی بن محمد بن احمد الحسینی الما ... غفر اللّه ذنوبه و ستر عیوبه و عطر بنسیم الرحمهٔ تراب النبی محمد و عترته الطیبین الط [اهرین]»
چند قطعه خشت کتیبه‌دار دیگر از مزار در بهشت در موزه آستانه قم هست که جای آنها به‌طور دقیق دانسته نیست و می‌تواند بود که پیش‌تر محراب یا درگاه ورود یا روی مرقد را زینت می‌داده‌اند:
۱- کتیبه‌ای مشتمل بر آیه «أَقِمِ الصَّلاٰةَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ» تا «مَقاماً مَحْمُوداً» با لبه نقش‌ونگار که گویا در بالای محراب از سه سو نصب بوده و دو خشت دو زاویه آن دو لبه است. در چهارده خشت، و دو خشت دیگر نیز داشته که در دست نیست.
۲- کتیبه‌ای مشتمل بر صلوات کبیر بدون لبه در ۱۶ خشت، و یک خشت آن هم نیست و از سه خشت دیگر تنها قسمتی در دست است. پس همه کتیبه ۲۰ خشت بوده و در موزه دو قسمت خشت چهارم را پس‌وپیش نصب کرده‌اند.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۰
۳- هشت خشت بزرگ، لبه‌دار با زمینه نقش‌ونگار و گل و بوته مورخ رجب ۷۱۸. روی شش خشت نخستین عباراتی از سوره یاسین به این شرح خوانده می‌شود و از آن برمی‌آید که متن کتیبه همین سوره بوده است تا پایان:
قالَ یا لَیْتَ/ قَوْمِی یَعْلَمُونَ بِما/ جَمِیعٌ لَدَیْنا/ إِذْ جاءَهَا الْمُرْ/ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْ/ ون أَ لَمْ یَرَوْا کَمْ
خشت‌های پایان مشتمل بر تاریخ و رقم بوده که تنها دو خشت متضمن تاریخ برجای مانده است این‌گونه:

رجب الاصم سنه ثمان عشر و سبعمائهٔ. عمل

سردر ورود

پیشاپیش درگاه اصلی ورود مزار از شمال ایوانی است به بلندی پیرامون هفت متر که اصل بنای آن شاید از تعمیر دوره فتحعلی شاه برجای مانده باشد. سقف ایوان مقرنس و لچکی‌های پیشانی و بدنه آن تا زیر مقرنس کاشی‌کاری است. این کاشی‌کاری از نیمه دوم قرن گذشته است که سی و اند سال پیش مرمت شده، و در ورود مزار از این درگاه نیز از همان قرن است.

بر جبهه درگاه ورود که میان این ایوان قرار دارد بالای کتیبه گرداگرد درگاه در چهار سطر نخست کلمه «یا اللّه» و سپس سوره توحید و آن‌گاه این عبارات نوشته شده است:

«در عهد دولت پادشاه اسلامیان پناه ناصر الدین شاه قاجار خلد اللّه ملکه و سلطانه مرقوم شد. و انا اقل العباد خیرا و اکثرهم عصی السید محمد الشهیر بمیرزا بزرگ غفر اللّه له و لوالدیه، و اهتمام استاد ماهر بل فی عصره نادر حضرت کربلائی محمد طاهر قصاع. تمام شد فی ۱۲۶۹»

کتابه گرداگرد درگاه آیهٔ الکرسی تا «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» است که در تربت پاکان ؛ ج۲ ؛ ص ۵۰

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۱

پایان عبارت «بنا و بانی و کاتب التماس دعا دارند»، و زیر آن میان ترنجی آیه «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» خوانده می‌شود. گرداگرد این کتیبه در فاصله میان آن تا بغله‌های درگاه در ترنج‌هایی نام‌های معصومان کتیبه شده است.

بر دو بغله درگاه از بالای قوسی‌ها تا پایین ابیاتی به نستعلیق کتیبه شده که از سوی چپ با جمله «لا اله الا اللّه الملك الحق المبین. اشهد ان محمدا رسول اللّه علیا ولی اللّه» آغاز می‌شود. ابیات در چند بحر و با چند قافیه و بسیار سست است با تخلص‌های انجم و مجرم، و با تاریخ سال ۱۲۶۸ در میان.

کتیبه سراسری درون ایوان سوره جمعه است با این رقم در پایان:

کتبه محمد بن حسین الحسینی فی سنهٔ ۱۲۶۸. عمل استاد محمد طاهر قمی.

کتیبه سنگی بالای آن در چهار سطر به نستعلیق مورخ ۱۳۶۱ از مرمت اخیر است. بدنه ایوان در همه سو آراسته به کاشی‌های دوره ناصری است با ابیاتی به نستعلیق همانند ابیات درگاه ورود، و همان‌گونه سست، با تاریخ ۱۲۶۹ در چند جا، با تخلص‌های قابل و هدایت و قانع، و با اشاره به نام «استاد طاهر قمی» سازنده کاشی‌ها و «کاظم» نصب‌کننده آنها، با این رقم درون ترنجی در بدنه شرقی:

در روز پنجشنبه بیست و هفتم شهر صفر المظفر تحریر گردید.

راقمه هدایت اللّه الحسینی، ۱۲۶۹.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۲

مقابر باغ گنبد سبز [تصاویر ۴۳- ۹۲]

اشاره

در باغ گنبـد سبز بیرون دروازه کاشان- در جانب شـرقی شـهر- سه بنا از قرن هشـتم قرار دارد که از نظر سـبک بنا و آرایش با یک‌دیگر همانندند. در این سه بنا امرای خاندان علی صفی- فرمانروایان مستقل قم در آن قرن - به خاک رفته‌اند.

طرح کلی بنا در این سه اثر از بیرون مضـلع با گنبد برجی هرمی و از داخل هشت گوشه با هشت صفه در اضلاع بناست که در بالای صـفه‌ها به شانزده‌گوشه دگرگون شده و سـپس سقف گنبدی بنا بر فراز آن استوار است. بدنه داخل بنا از مرکز سقف تا نزدیک سـطح زمین بـا آرایش‌هـای ظریف گـچ‌بری و نقش‌ونگـار و ترنـج‌هـا وماننـد آن زینت یـافته و در هریـک سه کـتیبه سراسـری گـچ‌بری شـده است. یکی «گلوبنـدی» در بالای بـدنه‌های قسـمت شانزده ضـلعی بنا، و دیگری «کمربنـدی» در آغاز قسـمت هشت‌گوشه- بالای صـفه‌ها-، سوم کتیبه پیوسته گرداگرد صفه‌ها که در هر صفه پس از رسیدن کتیبه در سیر نزولی به نزدیک سطح بنا، چند کلمه‌ای به شکل افقی کتیبه شده و به کنار صفه مجاور رسیده و سپس مجددا رو به بالا ادامه یافته

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۳

است. آن‌گاه پیشانی صفه را پیموده، به پایه بعد می‌رسد و رو به پایین استمرار می‌یابد.

سخن گفتنی دیگر دربـاره مقابر باغ گنبـد سبز آن‌که مردم قم این سه بنا را به صورت مجموع (نه‌تنها بنای بی‌تاریـخ را) مـدفن سعد و سعید و مسعود، و این سه را از بزرگان اعراب اشعری- احیاکنندگان این شهر در دوره اسلامی- می‌دانند.

چنین تصور می‌رود که «سعید» تصحیف تلفظی «صفی» و آن دو نام دیگر مکمل سجع باشد. می‌تواند بود که این نام‌گزاری را منشائی جز این باشد که اکنون بر ما پوشیده است.

چنین است وصف این سه بنا:

Iمقبره خواجه اصیل الدین [تصاویر ۴۳- ۵۲]

بنایی که در جنوب دو گنبـد دیگر قرار گرفته و گنبد برجی قدیم آن فروریخته است خاکجای خواجه اصـیل الدین و فرزند او خواجه علی اصـیل نخستین امیر خاندان علی صـفی است که در سال ۷۶۱ به دسـتور خواجه علی صفی دومین امیر خاندان بنیاد گردید.

نمای بیرونی این بنا دوازده‌گوشه با سـقفی آجری و ساده است که اخیرا به جای گنبد فروریخته آن بنا نموده‌اند. بلندی سـقف کنونی از کف بنا پیرامون دوازده متر است.

در آغاز قسـمت بازمانده بنا کتیبه گلوبندی است به ثلث درشت که متن آن چهار آیه نخستین سوره فتح - تا «وَ کانَ اللَّهُ عَلِیماً حَکِیماً»- است. پایین کتیبه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۴

بدنه‌های شانزده‌گانه قاعده گنبد با بازمانده‌ای از آرایش‌های گچ‌بری پیشـین قرار دارد. چهار بدنه نورگیر بوده که مشبک‌های آنها فروریخته است.

زیر بدنه‌های مزبور در آغاز قسـمت هشت‌گوشه بنا کتیبه کمربندی به ثلث گچ‌بری شده که به علت بی‌سرپوش بودن چند صد ساله بنا و قرار داشتن در معرض باران و باد و آفتاب قسمت‌هایی از آن فروریخته، و آنچه باقی‌مانده چنین است:

ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی- امر باساس هذه البقعة الرفیعه و السدة المنیعة المولی الصاحب الاعظم اعدل العرب و العجم ... الدنیا و الدین صفی الاسلام و المسلمین علی اعز اللّه انصاره و ضاعف اقتداره، رسم مرقد عمه الصاحب ...
اصیل الدولة و الدین جمال الاسلام و المسلمین و ولده و فلذة کبده الصاحب الشهید المغفور جمال الدولة و الدین اصیل [الاسلام و المسلمین] علی بن ابی المعالی بن علی صفی برد اللّه مضجعهما و جعل الجنة مرجعهما فی شهور سنة احدی و ستین و سبعمائة.

متن کتیبه گرد صفه‌ها با پهنای ۳۵ س. م و به خط کوفی برجسته در زمینه‌ای از آرایش‌های ظریف گچبری، دو سوره «دهر» و «قدر» است که سوره نخست در زاویه شمال شرقی پایین جرزی که زیر نقطه پایان کتیبه کمربندی بالاست و چند کلمه‌ای در جرز مجاور پایان گرفته، و از میانه جرزی که زیر نخستین کلمات آن کتیبه است سوره قدر آغاز می‌شود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۵

پیشانی صفه‌ها- لچکی‌های دو سو- و قوسی‌ها و اسپر و بدنه آنها پوشیده از تزیینات ظریف و زیبای گچبری است. در اسپر هریك از صفه‌ها شمسه‌ای از گل و بوته یا نقوش یا نام‌های مقدس اللّه و محمد و علی به خطوط بنایی گچبری شده است که هریك وصفی جدا دارد. آرایش کنده‌کاری و ملاطسازی قوسی- های صفه‌ها نام «علی» را جلوه می‌دهد. بر پیشانی صفه‌ها نیز در سراسر بنا در هر لچکی ترنجی است که بر مجموع آنها صلوات کبیر (اللهم صل علی/ محمد المصطفی ... تا: و الحجة القائم/ مهدی صلوات اللّه/ علیهم اجمعین) نوشته شده است.

در بالای درگاه ورود بنا دو کتابه هست که از نام سازندگان و آرایشگران هنرمند این اثر حکایت می‌کند. کتابه نخستین در پیشانی این درگاه بر لچکی‌های دو سو درون مربعی مستطیل در هر طرف نوشته شده و متن آن این است:

عمل علی بن محمد بن ابی شجاع بنا

دومین کتابه گرداگرد ترنج بالای در ورود است که بر آن به خط برجسته این عبارات گچبری شده است:

هذه العمارة بعمل حسن بن علی خلو ... البنا و کتب فی رجب ۷۶۱

در صفه جنوبی این بنا محرابی گچبری و زیبا پرداخته بوده‌اند که قسمت‌هایی از آن تا نیمه نخستین این قرن باقی بوده و تصویری روشن از آن در کتاب هنر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۶

ایران به چاپ رسیده است. کتیبه گرد این محراب چنان‌که در آن تصویر به خوبی و درستی نمودار است آیه «أَقِمِ الصَّلاةَ ..» بوده که به ثلث درشت و زیبا گچبری نموده بوده‌اند. افسوس که از این محراب اکنون هیچ بر جای نیست.

II مقبره خواجه علی صفی [تصاویر ۵۳- ۸۰]

در این بنا که میان دو بنای دیگر قرار گرفته و از آن دو به نسبت سالم‌تر مانده و از رهگذر رنگ‌آمیزی کم‌نظیر خود از بهترین آثار قدیم ایران است خواجه علی صفی دومین فرمانروای خاندان علی صفی با فرزند و برادر خود به خاك رفته‌اند.

نمای بیرونی بنا دوازده‌گوشه با گنبد هرمی ۱۶ ترکی، و نمای درون هشت گوشه با هشت درگاه به دهانه دو متر و نیم و پهنای هشتاد سانتی‌متر است. بلندی سقف از کف بنا نزدیك پانزده متر است.

در مرکز سقف ترنجی از نقش‌ونگار گچبری‌شده که گرداگرد آن به پهنای تقریبی ۲۵ س. م کتیبه‌ای است میان- دو حاشیه

به پهنای چند سانتی‌متر از نام محمد- با این متن:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ .
در پایین این ترنج، بدنه گنبدی سقف در همه‌سو آراسته به اشکال هندسی رنگ‌آمیزی شده است که میان آنها ترنج‌هایی گچ‌بری گردیده است. این اشکال
تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۷
از پایین ترنج و کتابه مرکز سقف تا بالای کتیبه سراسری اول سه ردیف است که در هر ردیف شانزده ترنج دیده می‌شود. در ردیف نخستین در متن هریک از آنها کلمه‌ای چند نوشته شده که مجموع آنها به صورت زیر است:
لا اله/ الا اللّه/ الملک/ الحق المبین/ محمد رسول/ اللّه صادق/ الوعد الامین/ علی ولی اللّه/ امیر المؤمنین/ وصی الرسول / رب العالمین/ صدق اللّه/ العظیم و/ صدق رسوله/ الکریم و نحن/ علی ذالک من الشاهدین
دو ردیف دیگر نقش و نگارهای بسیار زیبای رنگ‌آمیزی شده است.
پس از آن در پایان قسمت گنبدی بنا، کتیبه سراسری نخستین به خط کوفی میان دو حاشیه از نام‌های مقدس (حاشیه بالا: اللّه، محمد و علی. حاشیه پایین:
محمد) در زمینه گل و بوته گچ‌بری شده که بر آن شش آیه آغاز سوره دهر به جز کلمه‌ای از پایان آیه ششم خوانده می‌شود. آغاز کتیبه فراز دومین صفه سمت راست درگاه ورود است که همان‌جا به جمله «يَشْرَبُ بِها عِبادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَها» پایان پذیرفته است.
پس از این در قسمت شانزده‌ضلعی بنا شانزده بدنه (نما) که چهارتای آن نورگیر است با آرایش‌های ظریف قرار دارد. بدنه‌ها همه با اشکال هندسی زیبایی آراسته شده که از ترکیب و سبک چینش قطعات مربع گچی میان قطعات مستطیل ساده پدید آمده است. این قطعات مربع مشتمل بر نقوش و گاه نام‌های مقدس به‌خصوص نام «علی» است. لچکی‌های این نماها و بدنه‌ها نیز با گچ‌بری ظریف‌تر آراسته شده و میان هریک ترنجی مشتمل بر نام پروردگار و اسماء معصومان چهارده‌گانه جای داده شده است.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۸
پس از آن در زیر نماها و آغاز قسمت هشت ضلعی دومین کتیبه سراسری به خط ثلث میان دو حاشیه نقش و نگار به این شرح خوانده می‌شود:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ. الَّذِينَ هُمْ فِي صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ. وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ. وَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكاةِ فاعِلُونَ. وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ إِلَّا عَلى أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. فَمَنِ ابْتَغى وَراءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ هُمُ العادُونَ. وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُونَ .
رب اغفر لساکنی المرقد اللطیف ذا: الصاحب الاعظم الدستور الاعلم المشرف قاطبهٔ الالقاب خواجه جمال الحق و الدین علی و ابنه الامیر جلال الدین و اخاه خواجه عماد الدین محمود ابنا الخواجه صفی الدین، و ادخلهم فی رحمتک و انت ارحم الراحمین. فی سنهٔ ۷۹۲.
پس از این کتیبه، صفه‌های هشت‌گانه- با آرایش رنگ‌آمیزی‌شده گچی بر لچکی‌ها و قوسی‌های درون هریک و اسپر و پوشش بدنه‌ها- قرار دارد که از زیبایی خاص برخوردار است. متن کتیبه خط ثلث گرد صفه‌ها سوره یاسین است از آغاز تا

آیه چهل و پنجم، و به جمله «وَ ما تَأْتِیهِمْ مِنْ آیَةٍ مِنْ آیاتِ» پایان می‌پذیرد. در پوشش صفه‌ها نام‌های مقدس «اللّه» و «محمد» و «علی» روی مربع‌های پنج سانتی‌متری کنده و نقش شده، و هر هفده عدد از این مربع‌ها نیز نام «علی» را به خطی درشت جلوه می‌دهد. این نام‌ها در ترنج‌های اسپر صفه‌ها هم قرار داده شده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۵۹

III مقبره بی‌تاریخ [تصاویر ۸۱– ۹۲]

شمالی‌ترین سه بنا که از گشادگی و رفعت بیش‌تر برخوردار است و از تاریخ بنای آن به‌خاطر فروریختن قسمتی مهم از آرایش‌های گچ‌بری آن، آگاهی دقیق در دست نیست می‌تواند مدفن امرای دیگر خاندان علی صفی باشد. از سوی دیگر با ملاحظه برخی قرائن چنین تصور می‌رود که بنای آن مقدم بر آن دو دیگر صورت گرفته است. به‌هرحال چنان‌که در پیش‌گفتار همین مجلد گذشت نمی‌توان آن را خانقاه خواجه علی صفی- یادشده در تاریخ کبیر جعفری و مطلع السعدین سمرقندی و احسن التواریخ روملو- دانست.

نمای بیرونی بنا هشت‌گوشه با گنبد هرمی ۱۶ ترکی و ایوانی در هر ضلع است. نمای درون هشت‌گوشه با صفه‌ای در هر ضلع به بلندی ۷ و درازا و پهنای ۴۰/ ۲ در ۴۰/ ۱ متر است. آجرچینی نو درون درگاه‌ها چنین می‌نمایاند که پیش‌تر از هر صفه دری به بیرون گشوده می‌شده، لیکن چنین نیست و درگاه ورود به نشان کتابه سردر همواره همین درگاه کنونی بوده و آجرچین‌ها گویا نشان محراب و شاه‌نشین‌های گچ‌بری گرداگرد بناست که همه فروریخته است.

میان سقف این بنا شمسه‌ای بزرگ گچ‌بری بوده که فروریخته و جای آن با اندک اثر از گچ‌بری پیش مشخص است. گرداگرد آن حاشیه‌ای با پهنای چند سانتی‌متر از نام‌های مقدس، و سپس کتیبه‌ای با پهنای بیست و چند سانتی‌متر گویا به قیاس بناهای مشابه از آیه «شَهِدَ اللَّهُ ..»، و آن‌گاه حاشیه‌ای از نقش و نگار بوده که از هریک اندکی برجای مانده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۰

در بدنه سقف ترنج‌ها با اشکال هندسی در چهار ردیف گچ‌بری و رنگ آمیزی شده که سه ردیف بالا هریک ۱۲ عدد و ردیف پایین ۲۴ عدد است و باقی قسمت‌های سقف نیز با نقش و نگار گچی آراسته شده است. کتیبه سراسری بالا به خط کوفی است با چهار لوحه مربع در چهار سو میان کتیبه به خط بنایی که متن هریک چهار «محمد»، و چهار «علی» در میان آنهاست. متن کتیبه هم نخست میان دو لوحه شرقی و شمالی عبارت:

«لا اله الا اللّه الملک الحق المبین. محمد رسول اللّه الصادق الامین. علی ولی اللّه»

و سپس سوره قدر است که از لوحه شرقی تا پایان کتیبه مانند دیگر کتیبه‌های بنا در زمینه گل و بوته گچ‌بری گردیده است.

پایین کتیبه در قسمت شانزده‌گوشه بنا هشت نورگیر و هشت طاقچه گچ‌بری نقش و نگار رنگ‌آمیزی شده، و پس از آن کتیبه سراسری دوم در آغاز قسمت هشت‌گوشه با پهنای تقریبی پنجاه سانتی‌متر به ثلث قرار دارد که متن آن سه آیه پایان سوره حشر است.

سقف صفه‌های هشت‌گانه گرداگرد، مقرنس گچ‌بری رنگ‌آمیزی بوده که بیش‌تر فروریخته است لیکن آرایش ظریف و ترنج‌های پیشانی صفه، ها با حواشی ظریف از نقش و نگار و گاه نام‌های مقدس همچنان برجاست. کتیبه گرد صفه‌ها با پهنای ۲۵ س. م سوره الرحمن است که با جمله «صدق اللّه» پایان می‌گیرد.

بدنه صفه‌ها پوشیده از نقوش «اللّه» و «محمد» و «علی» است بر مربع‌های پنج سانتی‌متری، و گذشت که هر ۱۷ عدد از این مربع‌ها نیز نام «علی» را به خطی درشت جلوه می‌دهد. بالای درگاه ورود کتابه‌ای بوده که فروریخته و دو کلمه‌ای از آغاز آن برجای مانده که آن هم خوانده نمی‌شود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۱

سید سربخش [تصاویر ۹۳- ۹۹]

اشاره

مزار سیدبخش در قسمت شرقی شهر خاکجای مردی از نوادگان امام صادق-ع- و بنای کنونی آن از نیمه دوم قرن هشتم است. این بنا به دستور غیاث الدین امیر محمد از بزرگان خاندان علی صفی بنیاد شده و تزیینات آن کار علی بن محمد بن ابی شجاع هنرمند بزرگ این دوره است.

نمای بیرونی این بنا در قاعده هشت‌گوشه با گنبد هرمی شانزده‌ترکی است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۲

نمای درونی نخست تا ارتفاع چند متر چهارگوشه با صفه‌ای در هر ضلع است که در بالا با پیش آمدن گوشواری در هر زاویه به هشت گوشه متساوی و سپس در بالای کتیبه کمربندی به شانزده‌ضلعی تغییر یافته و سقف گنبدی برفراز این قسمت استوار است.

تزیینات

در میان سقف ترنجی از نقش‌ونگار، و گرداگرد آن با پهنای تقریبی بیست سانتی‌متر کتابه‌ای به خط ثلث با زنجیره‌ای از نقش‌ونگار به پهنای چند سانتی‌متر گچ‌بری شده است. متن نوشته گرداگرد ترنج چنین است:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ»

در چهار جانب این ترنج بر بدنه قوسی سقف چهار ترنج دیگر با نقش و نگارهایی ظریف دیده می‌شود. پس از آن نخستین کتیبه سراسری بنا به خط کوفی در زمینه‌ای ظریف میان دو حاشیه زنجیره‌ای از نام‌های متبرک (اللّه و محمد) با پهنای نزدیک نیم متر در پایین قسمت گنبدی قرار دارد. متن کتیبه سوره حمد است.

در آغاز قسمت شانزده‌ضلعی کمربندی دیگر از نقش‌ونگار با پهنای چند سانتی‌متر گرداگرد گنبد گچ‌بری شده، و گرد بدنه‌های شانزده‌گانه نیز با حاشیه نقش‌ونگار آراسته است. هشت بدنه از این جمله نورگیر بوده که مشبک‌های ظریف گچی آن فروریخته و تنها سه مشبک سالم یا نیمه سالم برجاست. اسپر هشت بدنه دیگر را با ظریف‌کاری گچی آراسته‌اند.

متن کتیبه سراسری دوم بنا که پس از قسمت شانزده‌ضلعی، در آغاز هشت ضلعی بنا به خط ثلث با پهنای نزدیک نیم متر در زمینه گل و بوته گچ‌بری شده است

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۳

چنین است:

ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی- امر ببناء هذه العمارة الرفیعة و الروضة الشریفة مرقد الامام المعصوم المظلوم اسمعیل بن الامام محمد بن الامام جعفر الصادق علیهم السلام الصاحب الاعظم الاعدل الاعلم، و الی اقالیم الفضل و الکرم مستخدم ارباب السیف و القلم، المنصور بنصرة خیر الناصرین، غیاث الحق و الدنیا و الدین امیر محمد بن المولی المخدوم الاعظم الاعدل الاعلم جمال الحق و الدنیا و الدین علی بن صفی اعلی اللّه شأنهما و رفع فوق الفرقدین مکانهما فی محرم الحرام لسنة ۷۷۴.

پایین کتیبه حاشیه‌ای است گرداگرد از نقش‌ونگار با پهنای چند سانتی‌متر.

پیشانی صفه‌ها و گوشوارها آراسته به تزیینات ظریف گچی، و دو قوسی هر گوشوار نیز با آرایش ظریف و زیبا، و حواشی زنجیره‌ای گرداگرد هر قوسی (به جز در گوشوار شمال شرقی که از نام‌های متبرک است) نقش‌ونگار است.

پایین گوشوارها سومین کتیبه سراسری بنا به ثلث درشت گچ‌بری شده که از کنار صفه جنوبی آغاز شده و در جانب دیگر همین صفه پایان می‌گیرد. متن این کتیبه یازده آیه آغاز سوره دهر است. پایین کتیبه حاشیه‌ای زنجیره‌ای از نام‌های متبرک «اللّه، محمد و علی» دیده می‌شود.

پوشش قوسی‌های صفه‌ها، اسپر و بدنه آنها از سه سو تا نزدیک یک متری سطح زمین کنده‌کاری و «ملاط سازی» گچی بر دیواره آجری است. در جبهه اسپر صفه‌های شرقی و غربی دو ترنج دایره‌شکل با حاشیه‌ای از نام‌های متبرک گچ‌بری شده که متن ترنج صفه غربی نقش گل، و متن ترنج صفه شرقی- میان یک چهارگوشه- چهار «محمد» و چهار «علی» است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۴

صفه جنوبی که شکل محراب دارد در طرح تزیین با دیگر صفه‌ها متغایر و پوشش آن در هر سه سو آراسته به نقش‌ونگار است. بالای صفه، کتیبه‌ای اسپر و دو پایه قوسی آن را زینت بخشیده که نقش‌ونگارهای متنوع و گل و بوته‌های آرایشی و حاشیه زنجیره‌ای از نام‌های مقدس، از بالا و پایین آن را در میان گرفته است با این متن:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم. أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً . عامل هذا المحراب علی بن محمد ابی شجاع»

زیر این کتیبه در میان گل و بوته‌های آرایشی محرابی کوچک گچ‌بری شده که در جبهه آن کتیبه زیر به خط کوفی با پهنای ۱۵ و درازای ۱۲۵ سانتی‌متر بر قوسی محراب خوانده می‌شود:

«لا اله الا اللّه. محمد رسول اللّه. علی ولی اللّه»

حاشیه زنجیره‌ای گرداگرد محراب نیز به خطوط بنایی مشتمل بر نام‌های مقدس است.

بدنه بنا زیر سومین کتیبه سراسری تا نزدیک یک متری سطح زمین- به ترتیبی که درباره صفه‌ها گفته شد- با «ملاط سازی» گچی تزیین شده، و در این قسمت در هر ضلع پایین گوشوارها «طاقچه» ای کوچک به دهانه ۶۸ و بلندی ۸۴ سانتی‌متر آراسته به نقش‌ونگار و تزیینات زیبای گچی دیده می‌شود.

این نکته هم گفته شود که دود چراغ‌های پیه‌سوز و نفت‌سوز و جز آن طی سال‌ها رنگ گچ را در سراسر این بنا تیره ساخته است.

کاشی‌کاری مرقد «امامزاده» و برجستگی دیگری که در کنار آن- به عنوان محل دفن سر او- وجود دارد جدید و بی‌ارزش است. سقف درگاه ورود بنا مقرنس است با قدمت یکی دو قرن.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۵

شاه احمد قاسم [تصاویر ۱۰۰– ۱۱۶]

اشاره

بنای مزار احمد بن قاسم در نزدیک دروازه قلعه قم- جنوب شرقی شهر- از آثار خاندان علی صفی، و آرایش‌های ظریف گچ‌بری آن اثر علی بن محمد بن ابی شجاع بنا در مجموع از بهترین و زیباترین نمونه‌های اوج تجلی هنر گچ‌بری در آثار قدیم قم است.

نمای خارجی بنا نخست هشت‌گوشه و سپس در بالا- شانزده‌ضلعی با گنبد قوسی آجری است که در دوره‌های اخیر قبه‌ای کوچک فراز آن بنا نموده‌اند.

تردید نیست که گنبد دو پوشه بوده و پوشش فرازین که برجی هرمی بوده فروریخته است .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۶

نمای درونی نخست تا چند متر چهارگوشه با صفه‌ای در هر ضلع است که از هر صفه دری به بیرون گشوده می‌شده و اکنون درگاه شرقی را بسته‌اند. سپس با پیش آمدن گوشوارها در زوایای چهارگانه شکل بنا به هشت‌ضلعی، و پس از آن در قاعده گنبد به شانزده‌ضلعی تغییر یافته است.

تزیینات

بدنه بنا پیش‌تر از مرکز سقف تا نزدیک سطح زمین با تزیینات گچی ظریف آراسته بود که قسمت پایین از زیر کتیبه سراسری سوم در «تعمیر» چند سال پیش با لایه‌ای ضخیم از سیمان پوشیده، و همان کتیبه در درگاه ورود غربی با بالا بردن سطح بقعه و در ورود از میان برداشته، و باقی‌مانده به سبکی زننده رنگ‌آمیزی شد. قسمت بالای آن نیز تا روی نخستین کتیبه سراسری در تعمیر اخیر که یک ماه پیش از تحریر این سطور (فروردین ۵۳) آغاز شده و هنوز ادامه دارد یک سره از میان رفت، چه گنبد قدیم مزار را برداشتند و بر جای آن گنبدی دیگر بنیاد کردند.

وصف بازمانده تزیینات بنا به شرح زیر است:

نخستین کتیبه سراسری در «گلوبند» بنا به خط کوفی در زمینه گل و بوته میان دو حاشیه چند سانتی‌متری- حاشیه زیرین از نام‌های مقدس «اللّه، محمد و علی» به خطوط بنایی و حاشیه بالا نقش‌ونگار- گچ‌بری شده که متن آن سوره حمد و گویا پس از آن سوره توحید است. پایین این کتیبه بدنه‌های شانزده‌گانه قاعده گنبد با تزیینات گچ‌بری نقش‌ونگار ظریف و زیبایی آراسته شده است. نیمی از بدنه‌ها نورگیر است که جلوی آنها را با مشبک‌هایی زیبا پوشانیده‌اند. نماها و مشبک‌ها هریک در سبک تزیین و پرداخت با دیگری متغایر، و در عین حال مجموعه آنها بسیار متناسق و یک‌نواخت و زیباست. حاشیه زنجیره‌ای گرداگرد بدنه‌ها گاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۷

نقش‌ونگار و گاه نام‌های مقدس مزبور به خطوط بنایی، و صفحه زیرین برخی مشبک‌ها نیز تنها نقوش و متن برخی دیگر عباراتی مانند «الملك للّه» و «الحمد للّه» به خط کوفی است جز مشبک بالای درگاه جنوبی که بر صفحه زیر آن، این عبارت

به خط ثلث دیده می‌شود:

فی محرم سنه ثمانین و سبعمائة

پس از آن در آغاز قسمت هشت‌گوشه دومین کتیبه سراسری در زمینه گل و بوته میان دو حاشیه- یکی نقش‌ونگار و دیگری از نام‌های مقدس- به خط ثلث با این متن گچ‌بری شده است:

للّه الس ... و الاعانـة و الاغاثة. امر ببناء هذه العمارة الرفیعة و الروضة الشـریفة مرقد المعصوم المظلوم احمد بن قاسم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام الصاحب الاعظم الاعدل الاعلم.

ملاذ طوایف الامم، مستعبد ارباب السیف و اصحاب القلم، صاحب دیوان الممالک، ملجأ العظماء العالم موئل صنادید بنی آدم عمیم المواهب و النعم، عضد الخواقین المنصور بنصرة خیر الناصرین، قوام الحق و الدنیا و الدین مغیث الخلائق اجمعین علی بن الصاحب الاعظم السـعید عز الحق و الـدنیا و الـدین اسحق بن علی صـفی الماضـی عظم اللّه تعالی جلال قدره. بعمل بن محمد علی ابو شجاع البنا.

پس از آن لچکی‌های پیشانی و دو قوسی هریک از صفه‌ها و گوشوارها سراسر آراسته به نقش‌ونگارهای ظریف گچ‌بری است که پاره‌ای از قوسی‌های صفه‌ها و برخی حواشی زنجیره‌ای گرداگرد گوشوارها و ترنج‌های لچکی‌ها مشتمل

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۸

بر نام‌های مقدس به خطوط بنایی است.

زیر گوشوارها سومین کتیبه سراسـری بنا میان دو حاشیه نقش‌ونگار و نام‌های مقدس، در زمینه گل و بوته به خط ثلث گچ‌بری شـده که بر آن یازده آیه آغاز سوره یاسـین دیده می‌شود. این کتیبه به جمله «أَحْصَیْناهُ فِی إِمامٍ مُبِینٍ. صدق اللّه» در لبه درگاه ورود جنوبی پایان پذیرفته است. در این درگاه- که آرایش قوسی‌های دو سوی آن هشت چهارگوشه، هریک مرکب از چهار نـام «محمـد» و چهـار «علی» به خطوط بنـایی است- در پـایین قوسـی‌ها در هر دو سو دو چهارگوشه زیبا به خط پیرآموز دیـده می‌شود که متن هریـک به این خـط عبـارت «لاـ اله الاـ اللّه» و حواشـی زنجیره‌ای گرداگرد، نام‌های متبرک «اللّه» و «محمـد» و «علی» است.

مرقد

مرقد امامزاده در میان بنا با کاشـی‌کاری نو آراسـته شده که ارزشـی ندارد. لیکن پیش‌تر آرایش آن کاشـی های زرفام مغولی کاشـان بوده که در دیگر مشاهـد و مزارات قم نیز وجود داشـته است. در کتابچه‌ای مربوط به اواخر قرن گذشـته درباره این بنا آمده است: «کاشی معتبری دارد که در این زمان نمی‌توانند درست کنند ..»

محمـد تقی بیـک اربـاب در تاریـخ دار الایمـان قـم کـه آن را به سـال ۱۲۹۵ نگاشـته اسـت در ذیـل بحـث از مزار در بهشـت می‌نویسد: «مرقد مطهر آنها کاشـی‌کاری است که از کاشـی خطوط بیرون آورده‌اند و بعضـی از سوره‌های قرآن را نوشته‌اند و کاشـی آنها به‌خصوص از خشت‌های مرقـد کاشـی زرانـدود است که گل او را با سوده طلای احمر خمیر کرده‌اند .. از غرایب آنجا این‌که اهل فرنگ از انگلیسیان که این کاشی‌کاری را دیده‌اند این بقعه و بقعه احمد بن قاسم یک نوع کاشی دارد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۶۹

خشتی سه تومان به متولیان این دو بقعه داده بودنـد که چنـد دانه خشت از آنها بگیرنـد و آنها راضـی نشده بودند. عاقبت چند

نفر از اشرار را رو به خود کرده بودند در شب چهار دانه از مرقد احمد بن قاسم را به طریق سرقت برده به آنها داده بودند . گویا در فرنگ این نوع کاشی یافت نشود».

محمد حسن طباطبائی تبریزی در تبصرة المسافرین (ش ۱۴ ب دانشکده ادبیات دانشگاه تهران: ص ۲۳ سطر ۱۷- ۱۸) که به سال ۱۲۷۰ نگارش یافته است ذیل سخن از این مزار می‌نویسد: «بقعه با کاشی خیلی ممتاز از آیات کریمه و احادیث شریفه به خط علی بن محمد در سنه ۶۶۳ است».

از این وصف اخیر دانسته می‌شود که لوح مرقدی که اکنون به عنوان «محراب مسجد قم» در موزه برلین نگاهداری می‌شود و مورخ صفر ۶۶۳ و کار علی بن محمد بن ابی طاهر است از این مزار رفته است. در این لوح در بالا به خط کوفی در سه سطر این عبارات:

لا اله الا اللّه محمد رسول اللّه علی/ ولی اللّه امیر المؤمنین و وصی رسول رب العا/ لمین

نوشته شده و متن نوشته حاشیه و متن آن پس از عبارت:

بسم اللّه و هو السمیع العلیم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۰

آیه «آمَنَ الرَّسُولُ ..» است که از حاشیه راست آغاز شده و در متن با این رقم:

«کتب ذلک فی عاشر من صفر ثلاث و ستین و ستمائه. کاتبه علی بن محمد بن ابی طاهر بعد ما عمله و صنعه»

پایان می‌گیرد. به حسب قاعده ازاره مرقد نیز با کاشی‌های کوکبی همین دوره- و شاید ازاره بقعه هم با کاشی‌های قرن هشتم- آراسته بوده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۱

شاهزاده ابراهیم (مزدیجان) [تصاویر ۱۱۷- ۱۱۸]

بنای بقعه شاهزاده ابراهیم در مزدیجان (غرب شهر) مغولی و مربوط به قرن های هفتم و هشتم است. مدفون در این مزار را دو تن از فرزندان امام هفتم با نام‌های ابراهیم و محمد می‌دانند.

نمای بیرون و درون بنا که اکنون با تعمیرات مکرر ظاهر نوی به خود گرفته هشت‌گوشه با ایوانی در هر ضلع از بیرون و صفه‌ای در درون است. بالای آن قاعده شانزده‌ضلعی گنبد با هشت نورگیر، و سپس سقف گنبدی با بلندی پیرامون چهارده متر از سطح بنا قرار دارد. آرایش کاشی فیروزه‌ای روی گنبد و مشبک‌های گرداگرد و کاشی‌کاری درگاه ورود بنا (ایوان جنوبی) همه نو و از چهل سال اخیر است .

روی قبر در میان بنا لوحی است از کاشی به رنگ آبی آسمانی شفاف، از جنس کاشی‌های قرن هفتم و هشتم، مرکب از هشت خشت هریک به اندازه تقریبی ۷۰ در ۷۰ سانتی‌متر، که گرداگرد آن از چهار سو به ثلث برجسته آیة الکرسی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۲

تا «وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ» با عبارت «صدق اللّه العلی العظیم و صدق رسول رب العالمین» در پایان کتیبه شده (آغاز از بالای لوحه شاهزاده ابراهیم) و در متن میان دو لوحه جدا، هریک چهار خشت، با طرح محراب این عبارات به ثلث برجسته خوانده می‌شود:

[لوحه جنوبی]: هذا المضجع للسید الشریف الطاهر المطهر التقی النقی الزکی محمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین اخ الحسن ابنا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام

[لوحه شمالی]: هذا المضجع للسید الشریف الطاهر المطهر التقی النقی الزکی ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین اخ الحسن ابنا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام.

در سال‌های اخیر چندبار از این مزار مرمت شده که کتیبه کمربندی ایوان درگاه بنا مورخ ۱۳۵۷ و سنگ‌نبشته بالای آن مورخ ۱۳۱۰ و کتیبه بالای سردر ورود صحن مزار مورخ ۱۳۷۸ نمایانگر دفعات آن است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۳

شاهزاده ابراهیم (دروازه کاشان) [تصاویر ۱۱۹– ۱۲۲]

اشاره

بقعه شاهزاده ابراهیم در بیرون دروازه کاشان نزدیک مزار در بهشت بنابر آنچه در کتیبه آن آمده خاکجای یکی از نوادگان امام هفتم و بنای کنونی آن از آغاز قرن نهم است.

نمای بیرونی بنا هشت‌گوشه با گنبد هرمی شانزده‌ترکی، و نمای درونی نخست چهارگوشه با صفه‌ای در هر ضلع است که در بالا با پیش آمدن گوشوارها به هشت‌گوشه دگرگون شده و پس از آن میان کتیبه گرداگرد و سقف گنبدی، شانزده ضلعی است.

تزیینات

قوسی سقف با اشکال هندسی رنگ‌آمیزی شده و خوش‌طرح آرایش یافته و پایین این قسمت نیز گرداگرد با همین سبک تزیین گردیده است.

پس از آن بدنه‌های شانزده‌گانه قسمت زیر گنبد با حاشیه نقش‌ونگار گچ‌بری

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۴

و رنگ‌آمیزی شده است که نیمی از آن نورگیر و هریک با مشبکی گچ‌بری بوده که اکنون تنها دو مشبک از آن جمله سالم یا نیمه سالم برجای مانده است. اسپر و بدنه هشت نمای دیگر ساده و عاری از تزیین است.

پس از آن در آغاز هشت‌ضلعی بالای صفه‌ها و گوشوارها کتیبه کمربندی به ثلث برجسته در زمینه گل و بوته میان دو حاشیه زنجیره‌ای نقش‌ونگار با این متن گچ‌بری گردیده است:

امرت بعمارة هذه الروضة الرفیعة و المرقد المنیفة المشهد المنور المعطر المقدس الامام المعصوم الطاهر المطهر ابی القاسم ابراهیم بن احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن الامام المفترض الطاعة اسد اللّه الغالب ابی الحسن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب صلوات اللّه و سلامه علیه و علیهم اجمعین بمنه الخاتون العظمی البانوی الکبری و بلقیس العهد و الاوان خدیجة العصر رابعة الدهر عصمة الدنیا و الدین صفوة الاسلام و المسلمین زیدت عصمتها و خلدت عظمتها فی شهر

شوال سنهٔ خمس و ثمانمائهٔ. نمقه العبد علی بن حسن الطوسی.
پایین این کتیبه بدنه قوسی صفه‌ها و گوشوارها آراسته به مقرنس، و لچکی‌های دو سو و جرزهای میان صفه‌ها نیز مزین به نقش‌ونگارهای زیبای گچی است که از ظرافتی خاص برخوردار است. زیر مقرنس‌ها کمربندی از تزیینات با پهنای کم گرداگرد بنا گچبری شده است.

درگاه ورود

سردر ورود بنا در دوره قاجار با کاشی خشتی تزیین شده که بر خشت‌های گرداگرد در ورود سوره جمعه و در پایان عبارات زیر به نستعلیق ریز:
«عمل طاهر
تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۵ طاهر ضعیف‌تر بود از مور روزگاردستش به روز حشر به دامان هشت و چار
سنه ۷۲۱»
و بر خشت‌های بالا در، آیه ۵۴ سوره احزاب به این شکل:
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ*. يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ. سنه ۷۲۱»
و عباراتی دیگر با تاریخ شنبه غره ذی حجه ۱۲۷ (۱۲۷۰) دیده می‌شود.
روبه‌روی این درگاه قبرستان امامزاده است که پیش‌تر در کنار آن چند قطعه سنگ قبر قدیم قرار داشته و اکنون گویا به علت بالا آمدن سطح قبرستان اثری از آنها نیست.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۶

چهل‌اختران [تصاویر ۱۲۳– ۱۳۷]

اشاره

ابنیه مزار چهل‌اختران در شرق شهر مرکب از سه بنا (که پیش‌تر در دو صحن جداگانه قرار داشته و شصت سال پیش عرصه آن دو را به یکدیگر پیوسته و هر سه بنا را گرد یک صحن قرار داده‌اند) از آثار خوب قرن‌های نهم و دهم است که به ترتیب قدمت به شناساندن آنها می‌پردازد:

I شاهزاده زید [تصاویر ۱۲۳– ۱۲۹]

سردر بقعه منسوب به حضرت زید بن علی– علیهما السلام– در ضلع غربی صحن مزبور– با دهانه ۳ و بلندی ۵/ ۳ متر– در سال ۸۴۷ ساخته و پرداخته شده است.
اسپر ایوان در بالای درگاه ورود و دو قوسی آن با آرایش گچبری رنگ‌آمیزی شده همین تاریخ آراسته است.

آرایش قوسی‌ها به پهنای ۹۰ سانتی‌متر- میان دو حاشیه پنج سانتی‌متری نقش‌ونگار- نام‌های محمد و علی به خطوط بنایی به سبکی خاص و به تکرار، و پایین هر قوسی قطعه‌ای مربع به شکل گلی بزرگ با نقوش ظریف، و آرایش

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۷

اسپر در زمینه نقش‌ونگار و گل و بوته کتیبه‌ای است به ثلث در پنج سطر با این متن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ- كُلُّ شَيْ‌ءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. و قال النبی الامی صلوات اللّه علیه من زار احدا من ذریتی فکأنما زارنی و من زارنی فقد زار اللّه عز و جل.

هذا مضجع ابن الامام زید بن الامام زین العابدین علی بن الامام الحسین بن علی علیهم السلام. تشرف بهذا البنا الصدر الکبیر خواجه بهاء الدین هبهٔ اللّه القمی فی شهور سنهٔ سبع و اربعین و ثمانمائهٔ.

این گچ‌بری چنان‌که گفته شد به سبکی جالب رنگ‌آمیزی شده و با آن‌که پنج قرن و نیم در معرض باد و باران قرار داشته از تازگی و جلای آن چیزی کاسته نشده است.

بقعه مورد سخن سردری دیگر نیز از شمال دارد که اکنون با دری بسته شده و به شکل رواقی درآمده است. در کنار درگاه ورود از این سردر لوحه‌ای گچ‌بری است در شش سطر به نستعلیق رنگین با این متن:

به یک دانه گندم ز لطف اله‌تمام است گنبد به اقبال شاه

به سعی براهیم ابن اویس‌رسیده به‌اتمام از آن نیک‌خواه

خرد گفت تاریخ او را بگوبه هفتاد و نه نهصدش کن نگاه

در پیشانی درگاه ورود نیز سنگ‌نبشته‌ای است میان قاب‌سازی گچی با این متن در چهار سطر به نسخ:

«چون داخل روضه شاهزاده زید بن امام زین العابدین علیه السلام شدی بگوی: بسم اللّه و باللّه و علی ملهٔ رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله. بانی تعمیر ایوان استاد علی اکبر»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۸

بنای چهارگوشه بقعه به بلندی پیرامون هفت متر گنبدی خوش‌طرح داشت که در زمستان سال ۱۳۵۲ تا قاعده فروریخت. پس وصف آن در اینجا دیگر موردی ندارد. مرقد امامزاده با کاشی‌کاری خشتی نو آراسته شده که در میان آنها چهار قطعه کاشی لاجوردی رنگ قدیم از آرایش کاشی‌کاری پیشین مرقد دیده می‌شود مشتمل بر عبارت:

«فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ- مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ»

از آیهٔ الکرسی، با نقش «اللّه» و «محمد» به خط بنایی در میان بر دو قطعه لوزی‌شکل.

کنار بقعه شاهزاده زید مسجدی است از ساخته‌های قرن حاضر که در راهرو آن بر سنگ‌نبشته‌ای بزرگ وقف‌نامه‌ای از نیم‌قرن اخیر مربوط به سوکواری سالار شهیدان ثبت است.

IIموسی مبرقع [تصاویر ۱۳۰- ۱۳۴]

بقعه منسوب به موسی مبرقع در ضلع شرقی صحن یادشده، خاکجای موسی فرزند امام جواد (ع) دانسته می‌شود و گفته «ابن فندق، علی بن زید بیهقی» در گذشته ۵۶۵ در لباب الانساب و «ابن عنبه» در عمدهٔ الطالب آن را تأیید می‌کند. لیکن در کتاب قم نخستین کس را که از رضویان به قم آمده است «محمد» فرزند این «موسی» می‌داند که در سال ۲۵۶ به قم آمد و در ۲۹۶

درگذشت و در سرای «محمد بن حسن بن ابی خالد اشعری» ملقب به «شنبوله» به خاك رفت . تحریفی که در برخی نسخ متأخر ترجمه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۷۹

کتاب قم در این مورد راه یافته و نخستین کس را (موسی بن محمد) می‌نمایاند خطایی است آشکار و تحریفی بسیار واضح که جای سخن گفتن ندارد .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۰

بقعه موسی بنایی ساده و کوتاه و تهی از تزیینات هنری است لیکن دهلیز و راهرو ورود آن به درازای بیست و یك متر در دو قسمت متمایز از میانه قرن نهم برجای مانده است. قسمت آغاز راهرو با درازا و پهنای ۷* ۴ و بلندی شش متر و دارای کتیبه و سه طاقچه گچ‌بری رنگین که- به گواهی تاریخ کتیبه پیشین راهرو- بی‌تردید از سال ۸۵۱ است. طاقچه‌ها در بدنه شمالی به دهانه ۸۰ و بلندی ۱۵۰ سانتی‌متر با لچکی‌ها و اسپر و حاشیه آراسته به نقش‌ونگار گچ‌بری رنگین که حاشیه زنجیره‌ای گرداگرد یکی از طاقچه‌ها نام‌های مقدس است، و بالای آن دنباله کتیبه‌ای با این متن به ثلث برجسته به صورت سراسری دیده می‌شود:

«رسول اللّه علیه السلام النجوم امان لاهل السماء و اهل بیتی امان لامتی. صدق اللّه العظیم»

از بازمانده این آرایش برمی‌آید که بدنه جنوبی این راهرو نیز با همین گچ‌بری آراسته بوده است.

قسمت نزدیک به بقعه به شکل رواق با درازا و پهنای ۱۴ در ۶۰/ ۴ و بلندی ۷ متر مرکب از سه طاق چشمه‌پوش به سبکی زیبا با شاه‌نشین‌هایی در شمال و جنوب و درگاهی به بقعه چهل‌اختران است که پیش‌تر کتیبه‌ای گچ‌بری مورخ ۸۵۱ داشته و در متن آن ابیاتی نوشته بوده است . این کتیبه را در تعمیرات سال ۱۳۳۵ (ه. ق) از جای برداشته‌اند. در همین تعمیر که وسیله قائم مقام التولیه رضوی مشهدی انجام گرفته است در منتهی الیه راهرو مزبور بالای درگاه ورود بقعه موسی کتیبه‌ای به نستعلیق سفید بر کاشی خشتی مشتمل بر ابیاتی سست افزوده شده که نگارنده آن میرزا عباس قلی متولی مقبره مستوفی الممالك، و مقطع و ماده تاریخ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۱

آن چنین است:

از پی تاریخ تحسین با گفتی صبوری‌رونق جاوید دارد طور موسای مبرقع

IIIچهل‌اختران [تصاویر ۱۳۵- ۱۳۷]

بنای گنبد چهل‌اختران خاکجای نوادگان و وابستگان به خاندان موسی فرزند امام جواد از شاه طهماسب صفوی است. نمای درون این بنا با دهانه ۵۰/ ۱۲ و بلندی ۱۴ متر نخست تا پیرامون چهار متر و نیم چهارگوشه و سپس با پیش آمدن گوشوارها مدور است که سقفی بزرگ بر همه این محوطه سایه می‌افکند. بالای گوشوارها گرداگرد گنبد یك ردیف مقرنس گچی، و بالای آن بر بدنه گنبد چهار نورگیر با مشبك آجری در چهار سو دیده می‌شود.

بدنه این بنای بزرگ سراسر آجری است. تنها زیر گوشوار جنوب شرقی میان مربعی مستطیل عبارت:

«بنائی عمل سلطان قمی»

گچ‌بری گردیده است. در درگاه ورود بنا از صحن یادشده در پیش نیز از درون بالای در ورود کتیبه‌ای است گچ‌بری به ثلث برجسته به درازای سه متر با این متن:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۲

قد صدر الحکم المطاع ببناء هذه العمارة الشریفة عن اعلی حضرت سلطان سلاطین الزمان ابو المظفر شاه طهماسب بهادر خان خلد اللّه ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه فی شهور سنة ثلاث و خمسین و تسعمائة

بقعه درگاهی دیگر در جنوب داشته که به راهرو بقعه موسی مبرقع گشوده می‌شده و بالای آن کتیبه مورخ ۸۵۱ بوده است که اکنون آن درگاه را با احداث بقعه‌ای بسته‌اند. درگاهی دیگر از شمال دارد که با دری کهن بسته شده و قطعه چوب منبت قرن چهارم با کتیبه خط کوفی که اکنون به شماره ۳۳۸۷ میان تالار موزه ایران باستان در محفظه شیشه‌ای قرار دارد از بالای همین در به موزه رفته است.

جز آن‌که گویا آن پیش‌تر در جایی دیگر از مزار بوده و سپس به این سردر نقل گردیده بوده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۳

خاک‌فرج [تصاویر ۱۳۸– ۱۴۲]

اشاره

اشاره

مزار خاک‌فرج از زیارتگاه‌های کهن قم مرکب از سه بنای نزدیک به یکدیگر در منطقه کمیدان در شمال غربی شهر قدیم قرار گرفته و گنبدی کهن که آن را «مسجد کمیدان» می‌دانستند تا چندی پیش در نزدیک آن بر سر پا بود که اکنون نیست.

چنین است وصف این سه بنا:

Iشاهزاده احمد [تصاویر ۱۳۸– ۱۴۱]

بقعه منسوب به شاهزاده احمد که «امامزاده خاک‌فرج» خوانده می‌شود

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۴

اساس بنای آن گویا مربوط به پیش از دوره صفوی است که در آن دوره و سپس در سال ۱۲۳۲ به دستور فتحعلی شاه وسیله منوچهر خان معتمد الدوله مرمت یافته است.

شکل درون بقعه با بلندی پیرامون ۹ متر نخست چهارضلعی و سپس با پیش آمدن گوشوارها هشت‌گوشه است که در بالا شانزده‌ضلعی می‌شود. آرایش سقف، مقرنس رنگ‌آمیزی‌شده و آرایش بدنه گچ‌بری رنگ‌آمیزی است که از تعمیرات معتمد برجای مانده است. گنبد برجی هرمی بنا با بلندی پیرامون ده متر کاشی‌کاری فیروزه‌ای نو است.

پوشش مرقد امامزاده در میان بقعه با بلندی پیرامون یک متر و نیم کاشی خشتی و کتابه گرداگرد آن آیة الکرسی است. از آثار قدیم در این مزار لوح مرقد امامزاده بود مرکب از سه قطعه خشت کاشی از جنس کاشی‌های قرن هشتم و نهم که به موزه

ایران باستان منتقل شده است. گرداگرد این لوح که بنابر معمول به نقشه محراب پرداخته و با نقش‌ونگار آراسته شده است دو کتابه است یکی در لبه خشت‌ها به نسخ ریز مشتمل بر آیاتی از آغاز سوره فاطر و دیگری به ثلث برجسته که متن آن سوره یاسین است تا جمله «فِی أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا» از آیه هفتم. با این کتابه در متن خشت‌ها:

«هذا مضجع شریف الامام حارث بن الامام احمد بن الامام المعصوم زین العابدین بن الامام المعصوم الشهید الحسین بن الامام الاکبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاة»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۵

در دو سوی بقعه از شمال و جنوب دو ایوان است که در برابر هریک صحنی قرار دارد. در ورود بنا از درگاه جنوبی- که از نیمه نخستین قرن گذشته به‌جای مانده است- منبت است که کتابه گرداگرد آن مشتمل بر ابیاتی چند ساییده شده و کتابه‌های متن دو لنگه به نستعلیق به‌این ترتیب:

«قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله انا مدینة العلم و علی بابها

این در که بود سجده‌گه پیر و جوان‌چون کعبه بود مطاف شاهان جهان

با روی سیه به تو پناه آوردیم‌شاید که شویم روسفید دو جهان»

خوانده می‌شود.

بالای درگاه ورود ایوان جنوبی که سقف آن مقرنس است سنگ‌نبشته‌ای است با این متن به نستعلیق:

«بسم اللّه الرحمن الرحیم

در زمان ملک غازی دارای جوادکه شد آباد جهان زو که به جانش آباد

ملک ملک‌گشا فتحعلی شه که به ملک‌هر ملک بست به ایمایی و هر ملک گشاد

هم ازو غیرت چین آمده اتلال و دمن‌هم ازو خجلت مصر آمده امصار و بلاد

هر سرابی که ز فیض گذرش آید خوش‌هر خرابی که ز نقش قدمش گردد شاد

اندر آن عهد که در سده او هرچه کریم‌اندر آن دور که در درگه او هرکه جواد

فخر امثال منوچهر همایون گوهرزین اشباه خردمند کز آن‌قدر بزاد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۶ برده تارک به فلک چون به خرد روشن و پاک‌گشته منظور ملک چون به گهر بخرد و راد

هم رهین امر خداوند مهین را ز صلاح‌هم امین گنج شهنشاه زمین را ز سداد

گوهر روشن او صورتی از عقل و ادب‌پیکر فرخ او جوهری از دانش و داد

چون شد این بقعه فرخنده درین خاک‌فرج‌از تصاریف زمان قبه قرین با بنیاد

نه به بامش که حرم پایه به جز شیون بوم‌نه به باغش که ارم رتبه به جز مویه خاد

پی انگیزشش آن مهر سخاصره گشودبهر آبادیش آن بدر کرم بدره گشاد

اوستادان سنمار گهر ز ایمایش‌برده بنیان همایونش براز سبع شداد

بقعه نی خوابگه تاجوری پاک‌گهربقعه نی بارگه پادشهی نیک‌نهاد

بقعه نی از در رفعت فلک ذات بروج‌بقعه نی از ره رتبت ارم ذات عماد

الغرض کرد چو آهنگ به آبادی این‌که به پاداش شود هشت بهشتش هشتاد

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت‌شده این بقعه دلکش ز منوچهرآباد

تا به گردش بود این بارگه میناگون‌از رخش باغ جهان کارگه مینو باد

فی سنهٔ ۱۲۳۲»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۷

II صفورا [تصویر شماره ۱۴۲]

پیوسته به مزار امامزاده خاک‌فرج در زاویه شمال غربی بنایی است هشت گوشه گویا از قرن‌های نهم و دهم که در سال ۱۳۳۴ قمری وسیله محمد رضا میرزا قاجار مرمت شده و سنگ نبشته بالای درگاه ورود که همین یکی دو سال اخیر برداشته‌اند حاکی از این مرمت بود.

نام این مزار از دیرزمان «صفورا» بوده و اخیرا پیرزن خادم مزار نام «شاهزاده محمد» را برای آن بیشتر پسندیده است!.

IIIکعبه

در زاویه جنوب غربی صحن شمالی شاهزاده احمد راهروی است که به محوطه‌ای کوچک کنار بقعه امامزاده می‌پیوندد. در میان این محوطه گنبدی کوچک است به بلندی سه متر و اند که «کعبه» خوانده می‌شود و بنای آن نو نیست . میان این بنا گودالی است که معتقدند سنگی از آن مکان در ساختمان کعبه به کار رفته است.

این باور عامیانه بیش از پنج قرن سابقه دارد و چنان‌که در بحث از مسجد «پنجه علی» این شهر خواهیم دید با امامزاده‌ای به نام «حارث» در افسانه‌های کهن مردم شهر پیوند و تلازم داشته، و در اینجا نیز به همین سبب که مزار خاک‌فرج را- به نوشته لوح مرقد- خاکجای حارث بن احمد می‌دانسته‌اند چنین اعتقادی کرده‌اند.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۸

شاه حمزه [تصاویر ۱۴۳- ۱۴۸]

اشاره

اشاره

مزار «شاه حمزه» که آن را خاکجای حمزه فرزند امام هفتم می‌دانند در نزدیک میدان کهنه شهر قرار دارد. در کتاب قم از مشهد حمزهٔ بن امام موسی بن جعفر در نزدیک میدان زکریا بن آدم قم یاد می‌شود .

این مزار مرکب از دو بقعه است که پیشاپیش هر دو صحنی به درازا و پهنای ۳۲ در ۱۵ متر قرار دارد. این صحن را میرزا علی اصغر خان امین السلطان صدر اعظم در دوران برکناری خود که در قم اقامت داشت بنا نموده و نمونه‌ای خوب از سبک معماری و تزیین آن دوره است.

Iشاهزاده حمزه [تصاویر ۱۴۳– ۱۴۵]

اصل بنای بقعه شاهزاده حمزه از نیمه نخستین قرن دهم است. سبک بنای آن درست سبک بنای حرم مقدس حضرت فاطمه معصومه است به عبارت دیگر این بنا نمونه‌ای کوچک‌تر و کوتاه‌تر است از همان سبک.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۸۹

نمای درون بنا هشت‌گوشه است به دهانه ۵/ ۷ و بلندی پیرامون ۱۱ متر، با صفه‌ای در هر ضلع به دهانه ۲ و پهنای ۱ متر که دو صفه شرقی و غربی، درگاه ورود است. در جبهه اسپر هر صفه نورگیری است و بالای آن مقرنس‌کاری گچی که به مقرنس سقف بقعه می‌پیوندد. مرقد امامزاده در میان بنا با کاشی‌های خشتی نو آراسته است با کتیبه‌ای به نستعلیق سفید از آیه نور و صلوات کبیر در بالای بدنه مرقد، با این عبارت بر بدنه شرقی برابر درگاه ورود بنا از این سو:

«حسب الامر مبارک جناب جلالت مآب اجل آقا عزیز خان امیر تومان پیشکار امور شخصی جناب اجل اکرم اشرف صدارت عظمی روحی فداه .. به سعی مقرب الحضرت میرزا علی اکبر مباشر اتمام یافت»

برابر درگاه ورود شرقی ایوانی است به دهانه و پهنای ۶ در ۵/ ۳ و بلندی پیرامون ۹ متر که سراسر بدنه داخلی و خارجی آن از پایه‌ها و لچکی‌ها و جز آن با کاشی‌های خشتی آغاز این قرن آراسته شده و در بالای آن در لبه ایوان، این سه بیت- با نام مظفر الدین شاه قاجار در میان- به نستعلیق سفید ثبت بوده که برخی خشت‌های آن فروریخته است:

این کفشکن سلیل موسی کظیم‌کو طعنه زند به‌طور موسی کلیم

بنیاد ز اصغر ابن ابراهیم است‌چونان که بنای کعبه کرد ابراهیم

هین واد مقدس است فاخلع نعلیک‌این باب خداست فادخلوا للتعظیم

با جمله «یا کافی المهمات» در پیشانی ایوان بر لچکی‌های دو سو.

در کمربند ایوان کتیبه‌ای است به ثلث سفید از آیه نور و چند حدیث نبوی مورخ ۱۳۰۱ با این عبارت در میان کتیبه بالای درگاه ورود بقعه:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۰

«حسب الامر حضرت مستطاب اشرف امجد اسعد ارفع افخم اعظم آقای میرزا علی اصغر خان صدر اعظم مد ظله العالی»

در نیمه نخستین کتیبه زیر ردیف خط آن به خطی ریزتر جابه‌جا کلماتی جدای از یکدیگر نوشته شده که مجموع آن چنین است:

«کتبه العبد الخاطی علی بن طاهر الرضوی»

گنبد امامزاده با بلندی پیرامون ده متر به روشی خاص بنا شده که در شکل خود بی‌مانند، و از آثار آغاز قرن حاضر است.

IIشاهزاده احمد [تصاویر ۱۴۶– ۱۴۸]

بنای پیشین بقعه «شاهزاده احمد» منسوب به مردی از نوادگان امام هفتم چنان‌که در کتیبه بالای درگاه ورود آن دیده می‌شد به دستور میرزا علی اصغر خان امین السلطان با مباشرت عزیز خان و اهتمام علی اکبر در سال ۱۳۱۷ بنیاد شده بود.

این بنا را سه سال پیش برداشتند و برجای آن بنایی بزرگ‌تر بنیاد نهادند.

تنها اثر قدیم مزار لوح مرقد امامزاده است به درازا و پهنای یک متر و نیم در ۶۰ سانتی‌متر، مرکب از سه قطعه کاشی قرن هشتم و نهم از جنس کاشی‌های لوح مرقد امامزاده خاک‌فرج (که دانستیم اکنون در موزه ایران باستان است) با زمینه آراسته به نقش‌ونگار و گل و بوته. در متن لوح آیه نخستین سوره تبارک با بخشی از آیه «آمَنَ الرَّسُولُ» به این شکل خوانده می‌شود:

«تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. آمَنَ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۱

الرَّسُولُ بِما أُنْزِلَ إِلَیْهِ مِنْ رَبِّهِ وَ الْمُؤْمِنُونَ کُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ کُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قالُوا»

در کناره لوح از سه جانب سوره‌های حمد و توحید با جمله «صدق اللّه العلی العظیم» در پایان نوشته شده است. در بالای لوح دو گوی فیروزه‌فام به روش معمول الواح مشابه قرار داشته که یکی را پیش‌ترها ربوده و برجای آن گویی از کاشی معمولی نهاده‌اند و دیگری را اخیرا ربوده‌اند که جای آن خالی است. زیر آن دو، بر دو سوی لوح این عبارت نوشته شده است:

صنعه- طاهر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۲

امامزاده سید ابو احمد [تصاویر ۱۴۹- ۱۵۴]

اشاره

مزار امامزاده سید ابو احمد بیرون دروازه ری در شمال شرقی شهر قرار گرفته و بنای کنونی آن از نیمه نخستین قرن دهم به‌جای مانده است . می‌تواند اندکی نیز کهن‌تر باشد.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۳

نمای بیرونی بنا هشت‌گوشه با گنبد هرمی شانزده‌ترکی بر پایه شانزده بدنه کوچک است. پوشش گنبد کاشی است با دو نام «علی» در پایین هر ترک به صورت متعاکس، و نام‌های «اللّه» و «محمد» بالای آن درون ترنج‌هایی به خطوط بنایی.

میان قسمت هرمی و بدنه‌ها حاشیه‌ای است گرداگرد از کاشی سیاه‌رنگ که در میان آن همین نام‌ها با کاشی نواری سفید به خطوط بنایی و به تکرار رسم گردیده است.

پوشش اسپر بدنه‌های زیر آن نیز با همین نام‌ها به همان خطوط آراسته است.

نمای درون بنا از سطح بقعه تا بلندی پیرامون سه متر چهارگوشه و سپس با پیش آمدن گوشوارها هشت‌ضلعی است. بالای قسمت هشت‌ضلعی کتیبه سراسری گرداگرد بنا، و پس از آن بدنه‌های شانزده‌گانه گرد گنبد، و آن‌گاه سقف بناست.

در ورود بنا از صفه شرقی گشوده می‌شود.

تزیینات

در نقطه مرکزی سقف ترنجی گچ‌بری شده که بر آن عبارات:

«لا اله الا اللّه، محمد رسول اللّه، علی ولی اللّه.»

به خط ثلث برجسته در زمینه نقش‌ونگار خوانده می‌شود. زمینه و خط سفید رنگ است لیکن دایره میان آن و حاشیه گرداگرد رنگ‌آمیزی است.

پایین ترنج مزبور بر بدنه سقف شانزده ترنج در دو ردیف هشت عددی (ردیف بالا بادامی‌شکل و ردیف پایین به صورت دایره) گچبری و رنگ‌آمیزی شده که میان آنها صلوات کبیر را به این صورت با ثلث سفید نقش نموده‌اند:

[۱] اللهم صل علی/ محمد المصطفی/ و علی المرتضی/ و فاطمهٔ الزهراء/ و الحسن المجتبی/ و الحسین الشهید/ و علی زین العابدین/ و محمد الباقر/

[۲] و جعفر الصادق/ و موسی الکاظم/ و علی الرضا/ و محمد التقی/ و علی النقی/ و الحسن العسکری/ و محمد المهدی/ صلوات اللّه علیهم.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۴

پس از آن گرداگرد بدنه‌های شانزده‌گانه و روی جرزهای میانه آنها با حاشیه‌هایی از نقش‌ونگار گچبری به سبکی ظریف آراسته شده است. چهار نما از این جمله در چهار سو نورگیر بوده که جلوی هریک مشبکی گچبری و زیبا قرار داشته و اکنون تنها مشبک نورگیر غربی باقی است.

پس از آن در آغاز قسمت هشت‌ضلعی کتیبه کمربندی به ثلث برجسته زیبا در زمینه گل و بوته قرار دارد که متن آن سوره فتح تا پایان آیه ششم (وَ کانَ ذلِکَ عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزاً عَظِیماً) است. آغاز کتیبه زاویه شمال غربی، و پایین آن حاشیه‌ای است گرداگرد از نقش‌ونگار.

پایین این قسمت بدنه صفه‌ها و گوشوارها ساده و فاقد هرگونه تزیین است و تنها در اسپر دو صفه شمالی و جنوبی دو مشبک دایره‌شکل گچبری زیبا جلوی نورگیرهای قسمت هشت‌ضلعی بنا دیده می‌شود.

مرقد

مرقد امامزاده در میان بقعه به بلندی بیش از یک متر و طول و عرض تقریبی سه متر در یک متر و نیم با کاشی‌های معرق لاجوردی در همه سو آراسته شده و بر قسمت غربی سطح آن عبارات زیر در دو سطر به ثلث سفید دیده می‌شود:

هذا مرقد السید المطهر ابو احمد بن محمد بن علی بن عبد اللّه بن جعفر بن عبد اللّه بن جعفر بن محمد حنفیه بن امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب علیهم السلام.

فی سنهٔ ۹۳۲.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۵

گرداگرد کاشی‌های روی مرقد در لبه آن میان شانزده ترنج صلوات کبیر با همان متن یادشده در پیش (ضمن معرفی ترنج‌های سقف همین بنا) به ثلث سفید نوشته شده که به جمله «صلوات اللّه علیهم اجمعین» در پایان ضلع غربی انجام پذیرفته است.

بر پایین بدنه‌های شمالی و شرقی و جنوبی مرقد آیه «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی، وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِیها حُسْناً. إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ شَکُورٌ» با همان خط و شکل نوشته شده که از زاویه شمال غربی با جمله «قال اللّه تعالی» آغاز گردیده و در پایان بدنه جنوبی با عبارت «صدق اللّه العلی العظیم» انجام گرفته است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۶

بقعه مجاور صحن مزار در بهشت [تصویر ۱۵۵]

نزدیک مزار علی بن جعفر از جانب شمال، کنار باغی که میان صحن این مزار و باغ گنبد سبز فاصل است، بنایی چهارگوشه با سقف گنبـدی قرار دارد که به شـهادت سـبک بنا از آثار نیمه نخستین دوره صـفوی و خاکجای یک یا چند تن از بزرگان آن دوره قم باید بود.
نمـای درون بنـا نخست چهـارگوشه بـا صـفه‌ای در هر ضـلع و دو درگـاه در شـمال و جنـوب است که در بالاـ بـا پیش آمـدن گوشوارها به هشت‌گوشه دگرگون شده و سقف بنا بی‌فاصله فراز آن قرار گرفته است. دور نیست که گنبد بنا پیش‌تر دو پوشه بوده و قبه‌ای هرمی یا کروی روی سقف موجود قرار داشته که فروریخته است.
بدنه بقعه و صفه‌ها در حال حاضر ساده و گچ و خاکی است و تهی از هرگونه تزیین.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۷

بابامسافر [تصویر ۱۵۶]

بنای بقعه بابامسافر در باغ شاه قم – در شـمال شرقی شهر نزدیک دروازه ری- کهن است و از نیمه نخستین دوره صفوی فروتر نیست. درون بنا با بلنـدی پیرامون شـش متر نخست چهارگوشه و سـپس در بالا هشت‌ضـلعی است. نمای خارجی هشت‌گوشـه است با بقایایی از تزیینات نقش‌ونگار گچی پیش در لچکی- های بالای اضـلاع خارجی بنا، و کنده‌کاری‌های گچ‌بری بر بدنه هریک.
میان بقعه قبری است که اکنون لوحی ندارد لیکن پیش‌تر لوحی سـنگی داشته که بر آن احادیثی در سیروسلوک به خط خوش نقش بوده است .
تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۸

شاه ظهیر [تصویر ۱۵۷]

در نزدیک مزار «شاه حمزه» مزار کوچک دیگری است که پیش‌تر «شاه ظهیر» نام داشته و در استعمال معمرین شهر نیز با همین نـام شـناخته می‌شود. لیکن از اوائـل این قرن- که مزارسـازی و نسب‌بـافی در قم قوتی بسـزا یـافته- آن را به نام «شاهزاده زیـد» شناسانده‌اند .
تربت پاکان، ج۲، ص: ۹۹
بنـای پیشـین بقعه مورد سـخن ساده و کوتاه و محقر بود که چنـد سال پیش آن را برداشـتند و بنایی نو بنیاد کردنـد. روی مرقد امامزاده در میان بقعه چند خشت کاشی شکسته و دو قطعه سالم هشت‌گوشه کتیبه‌دار هست که از نوع کاشی‌های کوکبی قرن هفتم و هشـتم نیست، و گویـا در قرن‌هـای متأخرتر به تقلیـد از آن کاشـی‌ها ساخته شـده است. چهار گوی فیروزه‌فام به معمول الواح قبور قدیم روی مرقد دیده می‌شود.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۰

شیخ ابا صلت [تصویر ۱۵۸]

در شمال شرقی شهر، کنار دروازه ری بقعه‌ای است آجری و ساده از دوره صفوی در گوشه محوطه‌ای وسیع که آن را «شیخ ابا صلت» می‌خوانند و می‌تواند مدفن یکی از دانشمندان قم در قرن‌های نخست هجری بوده باشد . در النقض (ص ۱۶۴) از مدرسه سعد صلت در قم یاد می‌شود و می‌تواند بود که آن همین‌جا و این بقعه مدفن بانی مدرسه بوده باشد.

نمای درون بنا با بلندی پیرامون هشت متر چهارگوشه با گنبد قوسی آجری و سردری مرتفع در جانب شرق است. نوشته‌ای در این بنا دیده نمی‌شود جز «یادگاری» هایی قلمی بر بدنه راست دیوار غربی بقعه با تاریخ‌هایی از دو قرن دوازدهم و سیزدهم.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۱

مزارات دیگر

سلطان محمد شریف [تصویر ۱۵۹]:

بنای پیشین مزار منسوب به سلطان محمد شریف – در محله‌ای به همین نام نزدیک دروازه قلعه شهر– از نمونه‌های خوب و پاکیزه سبک معماری و تزیین قرن نهم و دهم– و شاید اندکی فراتر نیز– بود که دو سال پیش آن را ویران ساختند و برجای آن گنبدی مرتفع بنیاد نهادند. وصف بنای پیشین آن پیش از این در جایی دیگر انجام گرفته است.

اکنون تنها اثر قدیم در این مزار لوح کاشی فیروزه‌ای‌رنگ روی مرقد است که از قرن‌های هفتم و هشتم بازمانده و متن آن چنین است:

«هذا المضجع المبارك للسيد المظلوم المعصوم الشهيد شريف بن شريف من اولاد الامام المعصوم زين العابدين بن الامام الشهيد المعصوم ابو عبد اللّه الحسين بن الامام الهمام مولى جميع الانام على بن ابى طالب عليهم السلام»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۲

چهار امامزاده [تصویر ۱۶۰]:

مزار چهار امامزاده (در اراضی گمر و سعدآباد، شمال شهر) را که به نام خدمتگزار آن در اوائل قرن حاضر «امامزاده ملا آقا بابا» نیز خوانده می– شود مدفن چهار تن از نوادگان امام چهارم می‌دانند . بنای کنونی آن که از درون چهارگوشه با سقفی کوتاه و از بیرون هشت‌گوشه با گنبد برجی هرمی است چندان قدیم نیست. درگاه ورود بنا از شرق است که لچکی‌های پیشانی و بالای پایه‌های دو سوی آن را با کاشی آراسته‌اند.

علی بن بابویه:

بنای مزار علی بن بابویه در نزدیک آستانه حضرت ستی فاطمه باید از اوائل دوره قاجار یا اندکی پیش‌تر باشد. بنا از درون چهارگوشه است با سقفی کوتاه و کتیبه‌ای گرداگرد از سوره فتح که در آغاز آن به خطی ریز، زیر خط کتیبه عبارت «عمل محمود» و در پایه راست بدنه غربی تاریخ ۱۳۳۹ (قمری) دیده می‌شود. بر بدنه جنوبی مرقد (بالاسر) نیز توقیعی که می گویند

از سوی امام یازدهم برای این دانشمند فرستاده شده بود بر کاشی ثبت است. گنبدی مرتفع دارد با

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۳

کتیبه‌ای به ثلث از سوره یاسین که بیش‌تر آن فروریخته و در تعمیرات بعد جای آن را با کاشی‌های معمولی بدون نوشته پر کرده‌اند.

در چند قدمی این مزار بقعه‌ای است که به تازگی تجدید بنا شده و در آن قاضی سعید قمی دانشمند و حکیم و عارف قرن یازدهم (در گذشته ۱۱۰۳) و ملا محمد هیدجی نگارنده حاشیه‌ای بر شرح منظومه سبزواری (در گذشته ۱۳۳۹ ق) به خاک رفته‌اند.

شاهزاده سید علی:

مزاری است در شمال شرقی شهر، بیرون دروازه ری که مورد توجه مردم شهر است و صحن و سرا و بقعه و گنبدی معتبر دارد. لیکن بنای آن نو است و هیچ اثر قدیم ندارد.

سید معصوم:

در اراضی مزدیجان در غرب شهر. بقعه‌ای ساده و کوتاه از دوره قاجار.

احمد بن اسحاق:

مزار احمد بن اسحاق نزدیک رودخانه و پل علیخانی- روبه‌روی درگاه مسجد امام حسن عسکری- خاکجای احمد بن اسحاق بن ابراهیم عسکری نواده امام هفتم است . تواند بود که مسجد جامع عتیق را به همین مناسبت مسجد عسکری نامیده، و سپس آن را به امام حسن عسکری پیشوای یازدهم منسوب داشته‌اند.

در کتاب انوار المشعشعین با استناد به عبارتی از عمدة الطالب ابن عنبه این مزار را خاکجای ناصر الدین علی بطحانی پنداشته و از آن پس اندک‌اندک آن

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۴

را «شاهزاده ناصر الدین» نام داده‌اند. در پیش‌گفتار همین مجلد گذشت که آن عبارت چنان‌که در نسخ قدیم و صحیح آن کتاب دیده می‌شود مربوط به بم کرمان است نه قم.

بنای کنونی مزار مورد سخن نو و ساده است.

علی موسی رضا:

بقعه‌ای ساده و کوتاه از نیمه دوم دوره قاجار در شرق شهر.

ستیه (بیت النور):

بیت النور یا ستیه در میدان میر سراج محراب عبادت حضرت ستی فاطمه در مدت کوتاه اقامت آن حضرت در قم است. در کتاب قم پس از نقل سرگذشت ورود حضرت ستی فاطمه به قم و درگذشت و دفن او در بابلان می‌نویسد: «و محرابی که فاطمه-ع- نماز کرده است در خانه‌ای از سرای موسی بن خزرج تا به اکنون ظاهر است».

بنا و آرایش آینه‌کاری کنونی بیت النور از سال ۱۳۷۱ قمری است.

سید ابو الحسن رضا:

در محله رضاآباد (رضائیه) در شرق شهر نزدیک محله موسویان بقعه‌ای است که آن را مدفن سید ابو الحسن رضا می‌دانند و به تازگی تجدید بنا شده است.

درباره این شخص هیچ‌گونه آگاهی در دست نیست جز آن‌که نام او در داستان بنای مسجد جمکران قم (از آثار میانه دوره صفوی) آمده است. در همان داستان از خاکجای او در محله موسویان این شهر یاد می‌شود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۵

محمدیه:

مدفن میر سید محمد مهدی رضوی قمی که سرگذشت او با یاد همین بقعه- که اخیرا تجدید بنا شده است- در مجلد نخست این کتاب، پیش‌گفتار سند شماره ۷ از اسناد آستانه قم گذشت.

گورستان بابلان:

از بقایای این گورستان که اکنون همه آن جز قسمتی بسیار کم به صورت خیابان و میدان و ابنیه و باغ ملی درآمده دو بقعه نوساز یکی مدفن علی بن ابراهیم نگارنده تفسیر قرآن و درگذشته پس از ۳۰۷، و دیگری مدفن محمد بن قولویه فقیه و محدث عصر خود و درگذشته ۲۹۹- ۳۰۱ در میان باغ ملی به‌جای مانده است. قبر میرزا حسن لاهیجی قمی حکیم و دانشمند قرن یازدهم، درگذشته ۱۱۲۱ (نگارنده مصابیح الهدی و شمع الیقین و جمال الصالحین و آثار دیگر) در کنار جوی آب خیابان ارم، نیز بقعه علی بن بابویه و قاضی سعید و هیدجی که پیش‌تر از آن سخن رفت داخل همین گورستان بوده است.

قسمت بسیار کم بازمانده این گورستان که اکنون «مقبره شیخان» خوانده می‌شود مدفن گروهی از محدثان و راویان قرون نخست و دانشمندان و فقیهان و شخصیت‌های روحانی دوره‌های بعد است که در آن میان بقعه زکریا بن آدم صحابی جلیل امام هشتم و میرزای قمی فقیه و دانشمند بزرگ آغاز قرن سیزدهم، و نیز قبر آدم بن اسحاق و ابو جریر زکریا بن ادریس از صحابیان امامان اهل بیت که قبر اخیر با لوحی قدیم به ثلث زیبا مشخص است زیارتگاه اهالی است.

سرگذشت همه این بزرگان که در اینجا نام بردیم در کتاب‌های تراجم و رجال حدیث آمده است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۶

مقبره کوچه حکیم:

سه تن از دودمان میر بهاء الدین سرکشیک آستانه قم در دوره فتحعلی شاه قاجار از جمله خود او در بقعه‌ای واقع در کوچه حکیم در قسمت شرقی شهر مدفونند. سرگذشت میر بهاء الدین در ذیل سخن از سرکشیکان آستانه در مجلد نخست گذشت.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۷

۲ مساجد

اشاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۰۹

مسجد جمعه (جامع) [تصاویر ۱۶۱- ۱۷۳]

بنای مقصوره رفیع مسجد جامع قم- در نزدیک دروازه ری این شهر- سلجوقی و از نیمه نخستین قرن ششم است. در خلاصهٔ البلدان ذیل سخن از مساجد بزرگ شهر در آن دوره (نیمه دوم قرن یازدهم) پس از ذکر مسجد جامع عتیق- مسجد امام حسن عسکری- می‌نویسد:
«و اما مسجد جامع شهر را که الحال دایر است و تولیت آن با سلسله جلیله سادات واعظ است سلطان طغرل در ایام سلطنت خود در سنه ثمان و عشرین و خمس مأة بنا نهاده و موقوفات بر آن مقرر نموده»
از این نوشته به‌خوبی برمی‌آید که تاریخ ۵۲۸ و نام طغرل دوم (۵۲۵- ۵۲۹) تا آن زمان در کتیبه‌های مسجد برجای بوده است.
از مآخذ دیگر برمی‌آید که تاریخ ۵۲۹ در پایان کتیبه‌ای دیگر تا پیش از تعمیرات فتحعلی شاه به وضوح بوده است . در النقض از جامعی که کمال ثابت قمی- وزیر بزرگ سلطان مسعود
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۰
سلجوقی و کشته‌شده به سال ۵۳۳ - در درون شهر قم بنا نهاده است یاد می‌شود و آن بدون تردید همین مسجد است .
درباره سادات واعظ که تولیت این مسجد را عهده‌دار بوده‌اند شرحی در خلاصهٔ البلدان ذیل سخن از سادات شجری (نقباء طالبیین قم در قسمتی از قرن چهارم) آمده است این‌چنین:
«حسن بن ابی علی احمد بن محمد بن حسن بن ابی علی احمد الشجری قدس سره جد عالی حضرات مرحمت و شریعت‌پناهان مغفرت و رضوان جایگاهان امیر مخدوم و امیر مسیح الدین عیسی روح اللّه روحهما بوده ... و عالی‌حضرت شریعت و غفران‌پناه امیر عیسی اقضی القضات دار المؤمنین قم و متولی شرعی مسجد جامع عتیق بوده و همیشه سلسله سلیله ایشان در بلده کریمه قم من سالف الزمان الی الان عزیز و محترم بوده‌اند و خاندان ایشان به صلاح و تقوی و زهد و ورع و سداد و جاه و شوکت معروف و مشهور بوده و تمام عمر عزیز و محترم بوده و هستند و در بعضی احیان به مناصب دنیویه نیز مشغول

می‌بوده‌اند و از جانب ملوک عجم به سیورغال

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۱

و انعامات ممتع شده بوده‌اند و این سلسله جلیله به سادات واعظ معروف بوده‌اند»

در گلستان هنر ذیل سرگذشت حافظ قنبر شرفی می‌نویسد: «خط ثلث را خوش می‌نوشته و کتابه درگاه مسجد جامع دار المؤمنین قم و محراب مسجد ..

به خط اوست». از این برمی‌آید که در نیمه نخستین قرن دهم از این مسجد مرمتی به عمل آمده است. شاه عباس دوم در سفری به قم در همین مسجد پشت سر ملا محسن فیض دانشمند نامور آن دوره نماز گزارد .

در تاریخ دار الایمان قم و از آنجا در مرآت البلدان اصل بنای مقصوره را از ابو الصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری در سال ۲۶۵ دانسته‌اند. آقای

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۲

گدار هم در مقاله‌ای به استناد نوشته مرآت البلدان اصل بنا را از همان زمان دانسته، لیکن پس از آن می‌گوید: «در حال حاضر قدیم‌ترین قسمتی که از مسجد دیده می‌شود از دوره سلجوقیان است. ساختمان مقصوره در زیر پوششی از گچ که او را پنهان نموده است از عهد سلطان سنجر است».

جامع ابو الصدیم با مشخصاتی که در کتاب قم برای آن گفته شده بر این مسجد قابل انطباق نیست و از آنچه گذشت سال تاریخ بنا و بانی اصلی مسجد دانسته شد که البته مربوط به همان مقصوره یادشده است. اصل بنای گوشوار شرقی و غربی آن و ایوان رفیع جنوبی هم گویا صفوی است لیکن بنای ایوان شمالی و شبستان‌های سراسری شمالی و شرقی از فتحعلی شاه است که در اواخر روزگار فرمانروایی خویش همراه با مرمت مقصوره بزرگ و ایوان جنوبی بنیاد نهاد .

زیرزمین غربی و شبستان سراسری بالای آن را حسین خان نظام الدوله امیر تومان شاهسون در آغاز دوره ناصری بنا کرده است.

*** بنای مقصوره به دهانه ۱۳ و بلندی پیرامون ۲۷ متر که با سه درگاه به ایوان و با دو درگاه در هریک از دو جانب شرقی و غربی به گوشوارهای دو سو می‌پیوندد چهارگوشه و آجری است. در فاصله‌ای پیرامون شش متر از سطح زمین کتیبه‌ای است کمربندی به ثلث که با سوره تبارک از زاویه جنوب غربی آغاز شده و در پایان آن از تعمیر مقصوره به فرمان فتحعلی شاه سخن رفته است. بیش‌تر این کتیبه اکنون

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۳

بی‌رنگ شده و خطوط آن خوانده نمی‌شود و در آن میان تنها نام فتحعلی شاه در بدنه غربی مشخص است. بالای کتیبه تا آغاز قسمت کروی سقف با نقش‌ونگار رنگین به سبکی خاص و با مقرنس‌کاری در زاویه‌ها و بالای محراب آراسته شده و در زیر سقف ۱۶ نما با ۸ نورگیر مشبک در میان طرح افکنده شده است. سقف نیز با اشکال هندسی رنگ‌آمیزی‌شده آراسته گردیده است.

گوشوارهای دو سوی مقصوره به درازای ۲۱ متر با همین پهنا در گوشوار شرقی و با پهنای ۱۳ متر در گوشوار غربی آجری است. ایوان پیشاپیش مقصوره با دهانه و پهنای ۱۴ در ۷ و بلندی پیرامون ۱۷ متر، سقف آن مقرنس آجری است و بدنه و پایه‌ها و لچکی‌ها آراسته به کاشی‌های خشتی دوره فتحعلی شاه که قسمت‌های پایین آن در ربع قرن اخیر تعمیر شده است. کتیبه بالای ایوان آیه نور است تا «رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ» که بیست سال پیش به‌جای کتیبه فرو ریخته

پیشین گذارده‌اند. کتیبه کمربندی ایوان به ثلث سفید سوره جمعه است با عبارت:
«سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ. فی تاریخ ربیع الثانی من سنهٔ ست و اربعین و مأتین بعد الف من الهجرهٔ النبویه فی ۱۲۴۶»
در پایان. کتیبه ریز بالای درگاه ورود میانه که زیر کتیبه کمربندی قرار دارد آیهٔ الکرسی است با آیه «فَاللَّهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» و عبارت «کتبه محمد حسن» در پایان. در بغله‌های شرقی و غربی در ترنج‌هایی آیه «وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» و حدیث «انا مدینهٔ العلم و علی بابها» خوانده می‌شود.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۴
در لبه ایوان از بالا تا پایین طره‌ای است از کاشی فیروزه‌ای و بسیار زیبا. نمای بیرونی ایوان با پایه‌های آن به درازای ۲۸ متر به همان سبک کاشی کاری خشتی است.
قرینه ایوان مزبور در جانب شمال مسجد نیز ایوانی است به دهانه و پهنای ۷ و بلندی ۱۴ متر که بدنه و لچکی‌های آن کاشی خشتی و سقف مقرنس گچی است با کتیبه‌ای در کمربند آن به ثلث مشتمل بر سوره منافقون با این رقم در پایان:
«کتبه محمد رضا الشریف القمی فی ۱۲۴۸»
در پس ایوان و دو سوی آن شبستانی است آجری، و در دو سوی شرقی و غربی مسجد نیز دو شبستان سراسری است که لچکی درگاه‌های آنها به صحن مسجد کاشی کاری است. در جانب غربی زیر شبستان زیرزمینی است سراسری.
سردر ورود مسجد از جانب غربی نیز از دوره فتحعلی شاه است لیکن کتیبه آن نو است و مورخ ۱۳۸۱.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۵

مسجد امام [تصاویر ۱۷۴- ۱۷۸]

مسجد جامع عتیق قم منسوب به امام حسن عسکری (ع) از کهن‌ترین مساجد این شهر است. دور نیست آن همان «مسجد عتیق» نخستین مسجد بنا شده در این منطقه باشد که پیش‌تر آتشکده بوده و احوص بن سعد اشعری آن را ویران ساخته، برجای آن مسجد مزبور را به در پل بساخت و گرداگرد آن رواق‌ها بگردانید .
نیز می‌تواند مسجد جامع ابو الصدیم حسین بن علی بن آدم اشعری باشد که آن را در سال ۲۶۵ میان قم و کمیدان بنیاد کرد و در وقت عامل شدن یحیی بن اسحاق در
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۶
سال ۲۹۱ برای آن مناره‌ای نیز ساختند . این مسجد در یک سوی رودخانه کنار پل بکجه قرار داشته و منطقه کمیدان در آن سوی رود برابر آن واقع بوده است .
راه آن همان راه ساوه و آوه بوده و می‌دانیم که مسجد امام تا دوره صفوی بیرون دروازه ساوه قم قرار داشته است .
این مسجد به‌خاطر انتساب آن به امام یازدهم از دیرزمان مورد توجه بسیار بوده است. در وجه این نسبت مردم قم معتقدند که آن را احمد بن اسحاق اشعری وکیل امام عسکری در قم به دستور آن حضرت از محل وجوه شرعی و درآمد موقوفات امامان اهل بیت در این شهر بنا نهاد لیکن بنای احمد بن اسحاق را یک صفه می‌دانند . صفی الدین حسینی قمی در بیاض خود پس از نقل فرمان امام در مورد بنای مسجد مزبور- آن‌چنان که مردمان شهر از دیرزمان معتقد بوده‌اند- می‌نویسد:

«به دستور امام حسن عسکری از خراج قم .. صفه‌ای در مسجد جامع در بیرون قم به قرب روضه مقدسه فاطمیه در کنار رودخانه که مشهور و معروف است به مسجد حضرت امام حسن عسکری، به فرموده آن حضرت از وجوه خراج قم ساختند که

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۷

الحال آن مسجد کثیر الفیض باقی و نمازگاه شیعیان است» و همو در ذیل سخن از جامعی که ابو الصدیم در بیرون شهر بنا کرد می‌نویسد: «و مخفی نماناد که مسجد جامع بیرون، همان مسجد است که الحال به مسجد امام حسن عسکری معروف است و در آن مسجد صفه‌ای از سر کار آن حضرت ساخته شده و بدان‌جهت آن را مسجد امام حسن عسکری خوانند» . از سوی دیگر نگارنده انوار المشعشعین این شهرت را بی‌اساس می‌داند و در برخی نوشته‌های دیگر نیز وجه انتساب مزبور را به‌گونه‌هایی جز این آورده‌اند و می‌تواند هم‌وجه درست همان باشد که ذیل سخن از مزار احمد بن اسحاق گذشت.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۸

تولیت و امامت و خطابت این مسجد که مقامی بزرگ بود از دیرزمان با بزرگان شهر قم بوده و از قرن نهم به بعد متولیان قدیمی آستانه مقدس تولیت و پیشوایی تفویضی آن را عهده‌داری می‌نموده‌اند. نام این مسجد و متولیان قدیم آن به همین جهت در اسناد و احکام مربوط به تولیت قدیمی آستانه از جمله فرمان‌های اوزون حسن و یعقوب و الوند و آق‌قویونلو و احکام پادشاهان صفوی و مثال‌های صدور این دوره آمده است. ثبت موقوفات و سیورغالات مسجد نیز که رقمی بزرگ بوده است پشت فرمان‌های مورخ ۹۲۰ و ۹۳۱ از اسناد آستانه قم دیده می‌شود.

جزوی از مصحف شریف (جزء ۲۳) به شماره ۵۶ انبار در کتابخانه آستانه قم هست که به شهادت وقف‌نامه روی نخستین برگ، آن را با بیست و نه جزو دیگر امیر یوسف خواجه فرزند شیخ علی بهادر (از امرای مشهور دوره تیموریان) در ۲۰ رمضان سال ۸۴۲ بر مسجد جامع عتیق قم منسوب به امام حسن عسکری واقع در بیرون درب ساوه از دروازه‌های شهر قم وقف نموده است. چنین است متن این وقف‌نامه:

وقف و حبس هذا الجزؤ مع الاجزاء التسعهٔ و العشرین الباقیهٔ من کلام اللّه رب العالمین و الصندوق المسدس المجلد المتین الامیر الاعظم الکبیر الافخم غیاث الدولهٔ و الدنیا و الدین الامیر یوسف خواجه بهادر بن الامیر السعید الکبیر الشهید مظفر الدولهٔ و الدین الامیر شیخ علی بهادر عمت معدلته علی المسجد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۱۹

الجامع العتیق الخارج درب ساوه من دروب مدینه قم حماها اللّه عن الافات و الحوادث المنسوب الی الامام الهمام الحسن العسکری علیه السلام خالصا للّه تعالی و ابتغاء لمرضاته و الزلفی لدیه فی جناته لیقرأ فیه خصوصا ایام الجمعات وقفا صحیحا شرعیا مؤبدا مخلدا مشروطا علی أن لا یخرج منه و لا یقرأ خارجه.

تقبل اللّه منه بقبول حسن فی العشرین من رمضان لسنهٔ اثنی اربعین و ثمانمائهٔ هجریهٔ.

در اجازه کبیره صاحب معالم از شیخ فقیه ابو محمد حسن بن حسوله بن صالحان قمی خطیب جامع عتیق قم، شاگرد ابو عبد اللّه جعفر بن محمد دوریستی و استاد شاذان بن جبرئیل یاد می‌شود .

در تذکره نصرآبادی (ص ۷۸) می‌نویسد: «میرزا ابو طالب خلف بندگان مرحوم میرزا ابراهیم است که از سادات عظیم الشان رضویند. خطابت مسجد امام حسن عسکری که مسمی به مسجد عتیق است در قم ابا عن جد با ایشان است».

امیر ابو الفضل عراقی از امرای دوره طغرل اول سلجوقی (۴۲۹- ۴۶۵) بود و مسجد جامع عتیق قم و مناره‌ها او فرمود (النقض: ۲۲۰). در دوره فتحعلی شاه به دستور او از این مسجد که آن‌هنگام از صدمه سیل رودخانه آسیب دیده بود مرمتی به عمل آمد

. در دوره ناصری و پس از آن تا روزگار ما چندین‌بار قسمت‌های گوناگون مسجد تجدید بنا و تعمیر گردیده که تفصیل آن را در مصادر مربوط می‌توان یافت .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۰

بنای کنونی مسجد چندان کهن نیست. ایوان جنوبی مسجد که قدیم‌ترین قسمت موجود آن است تاریخ ۱۱۲۹ دارد. چند سال پیش هنگام توسعه زیرزمین غربی مسجد شنیده شد که محراب گچی کهنی در آن قسمت پدیدار و ویران گردیده است.

ایوان جنوبی با بلندی چهارده متر و درازا و پهنای ۱۱ در ۱۲ متر مرکب از سه طاق چشمه‌پوش، آرایشی مختصر دارد با سه صفه در بالای بدنه جنوبی که پوشش آنها مقرنس است با لوحه‌ای از نام‌های مقدس در اسپر هریک. کتیبه گچبری گرداگرد ایوان به ثلث سوره جمعه است تا پایان و سپس سوره تبارک تا جمله «تَكادُ تَمَيَّزُ» از آیه هشتم. در محراب ایوان که پوشش درون آن مقرنس و آرایش پیشانی با نام‌های مقدس است هفت لوحه گچبری دیده می‌شود با کتابه- هایی این‌چنین:

۱) عمل کلب علی بن استاد سلطان القمی.

۲/ ۶) یا غفران یا مستعان یا برهان یا سبحان یا رضوان یا حنان یا منان یا دیان.

۳/ ۵) جنات عدن مفتحةُ لهم الابواب. تربت پاکان ؛ ج۲ ؛ ص۱۲۰

چهار «یا علی» در میان و گرداگرد آن: یا سبحان یا مستعان یا قاضی الحاجات یا رفیع الدرجات.

۷) فی سنهٔ تسع و عشرین و مأهٔ بعد الالف.

چنان‌که دیده می‌شود متن لوحه‌های دوم و ششم و همچنین لوحه‌های سوم و پنجم یک‌سان است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۱

مسجد پنجه علی [تصویر ۱۷۹]

مسجد پنجه علی در محله‌ای به همین نام. نام خود را از پنجه‌ای منسوب به حضرت امیر مؤمنان- علیه السلام- که بر سنگ کنده و در محراب آن نصب شده است گرفته و بنای آن از نظر هنری ارزش وصف ندارد. لیکن چند قطعه کاشی که پیش‌تر بر سردر درگاه ورود آن بوده و اکنون پس از تخریب این سردر بر دیوار شرقی مسجد، کنار در ورود، نصب است قدیم است به این شرح:

I

کتیبه خط ثلث مورخ ۸۸۶ که آغاز و انجام آن- چنان‌که از خط لبه کاشی در هردو مورد پیداست- درست است لیکن در میان قطعاتی افتاده دارد و یک تکه شکسته آن نیز به نادرست پیش از جای اصلی خود نصب شده است.

چنین است متن کتیبه:

«هذا المسجد المتبرک المشهور بمسجد الصینی مغیث حارث ابن الامام المفترض الطاعهٔ موسی الکاظم علیه و علی آبائه الطاهرین صلوات اللّه (این کتابه ش ..) .. زاد اللّه توفیقه بالخیرات و الحسنات بعمل مرتضی اعظم سید عبد الصمد بن عطاء اللّه الحسینی فی سنهٔ ۸۸۶»

پس از افتادن خشت‌هایی از میان این کتیبه، چند خشت مشتمل بر عبارات «نصر من اللّه و فتح قریب و بشر المؤمنین، یا محمد یا علی ..» ساخته و در آغاز

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۲

کتیبه برای تکمیل ردیف آن نصب نموده‌اند که مقدار افتاده را بازمی‌نماید.

II

قطعه خشت کاشی با نوشته‌ای به نستعلیق که از همان سال ۸۸۶ است با این متن:

«هو- روایت است از عمار بن یاسر خالدونی که امامزاده حارث ابن الامام المفترض الطاعة موسی الکاظم علیهما السلام در قم به مسجد صینی در مصاف با کرخیه اسدی علیه اللعنة غایب شد و از وی کسی نشانی نیافت. صفت مسجد متبرک آن است که ابراهیم پیغمبر علیه السلام هفت نوبت کعبه معظمه را بنیاد کرد و خراب شد و قرار نگرفت، بامر اللّه تعالی چون حجر الابیض را از مسجد مذکور به کعبه مبارکه بردند مستحکم البنا شد. و همچنین نقل است که هر شهری در آخر الزمان به چیزی و قم به آب منهدم گردد الا این مسجد و حوالی به برکت مقام حجر الابیض و غایب شدن شاهزاده معصوم خراب نخواهد شد. تمام گشت این محراب به سعی صاحب اعظم خواجه کمال الدین شاه حسین بن خواجه عوض شاه بزاز قمی.

تحریرا فی ثانی عشر محرم الحرام سنه ۸۸۶ هجریه»

III

خشتی ترنج‌گونه با جمله «و موسی الکاظم» در میان، بازمانده کتیبه‌ای که ناچار صلوات کبیر بوده است. و خشتی گرد با طرح گل و بوته بدون نوشته.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۳

مسجد عشقعلی [تصاویر ۱۸۰- ۱۸۱]

بنای مسجد عشق‌علی در نزدیک آستانه مقدس، کهن است و باید از پیرامون قرن دهم باشد. درباره بانی و تاریخ دقیق بنای آن آگاهی درستی در دست نیست جز آن‌که در «کتابچه ثبت موقوفات و خالصه‌جات کشور در دوره ناصری» براساس دفاتر قدیم از موقوفات سرکار سید عشق‌علی یاد می‌شود .

در کنار مسجد قدیم شبستانی نه‌چشمه‌ای با چهار ستون در میان هست که در دوره قاجار بنا نهاده‌اند. مسجد قدیم به شکل مقصوره با دهانه ۸ و بلندی پیرامون ۱۲ متر، چهار شاه‌نشین در چهار سو دارد که دو شاه‌نشین شرقی و غربی، درگاه ورود است. درون هریک از دو شاه‌نشین شمالی و جنوبی سه صفه طاق‌نما، و در کنار هر شاه‌نشین دو حجره در پایین و دو غرفه بالای آن طرح افکنده‌اند. پوشش در

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۴

بدنه پایه‌ها سفیدکاری گچی است و در قاعده گنبد و سقف، آجری که با طرح و سبکی خاص به شکلی جالب درآمده و بر روی هم این بنا را از زیبایی و ظرافتی ویژه برخوردار ساخته است .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۵

۳ مدارس قدیم

اشاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۷

مدرسه غیاثیه [تصاویر ۱۸۲- ۱۸۸]

سردر و مناره‌های مدرسه غیاثیه در نزدیک میدان کهنه شهر که نام آن به همین شکل در کتاب‌ها و اسناد دوره صفوی و قاجار به تکرار دیده می‌شود از آثار نیمه نخستین قرن نهم و مورخ به سال ۸۳۰ است.

سردر مدرسه به بلندی ۱۲ و دهانه و پهنای ۷ در ۴ متر رو به جانب شرق بنا شده، و در دو سوی آن بر پایه‌های خارجی ایوان هر طرف دو طاق‌نما- یکی پایین و دیگری بالای آن- برآورده‌اند. در کمربند ایوان کتیبه‌ای سراسری بوده که فروریخته و هیچ از آن برجای نیست. سقف ایوان نیز قسمتی فروریخته و با بی‌توجهی مسئولان امور نسبت به این اثر قدیم بازمانده سقف نیز به‌زودی ویران خواهد شد. پوشش سقف مقرنس بوده که از میان رفته و دو قطعه بسیار کم در دو سوی قوسی‌های سردر از آن باقی است. پوشش بدنه ایوان و قوسی‌ها و پایه‌های دو سو سراسر نقش‌ونگار بسیار ظریف گچ‌بری با کتیبه‌هایی از آیات و عبارات مقدس به

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۸

خطوط بنایی بر سراسر بدنه و پایه‌ها، با نقش نام «محمد» و «علی» بر سراسر بدنه قوسی‌ها و جابه‌جا در میان تزیینات پایه‌ها، و پوشش درون طاق‌نماها ملاط سازی گچی با نام‌های مقدس بوده که همه فروریخته و تنها قسمتی از آرایش قوسی‌ها و نمونه‌هایی از هرنوع آرایش‌های ذکرشده در درون و گرداگرد طاق‌نماها برجای مانده است.

دو مناره بالای سردر به قطر ۲۰/ ۲ متر و بلندی ۱۳ متر از بالای بام (۲۵ متر از سطح زمین) با پوشش آجری است که از پایین تا گلوگاه به نقشه شطرنجی لوزی در ۱۹ ردیف، با طرحی از کاشی فیروزه‌ای میان لوزی‌ها در کمرگاه و گلوگاه هردو مناره، و در بالا با کتیبه‌ای از کاشی خشتی آراسته شده و در بالای کتیبه نقشه آجر چینی دگرگون گردیده و پس از چند ردیف، سه ردیف مقرنس آجری به شکل کنگره فراز مناره‌ها نمودار است.

متن کتیبه‌های بالای دو مناره به ثلث سفید در زمینه لاجوردی دو آیه از قرآن کریم بوده که آنچه در رویه شرقی و شمالی بوده بیش‌تر برجای مانده، آنچه در رویه‌های غربی و جنوبی بوده به نقل معمران در جنگ جهانی اول هنگام ورود نیروهای خارجی به قم، به منظور ارعاب «کمیته مجاهدین» این شهر هدف تیراندازی هوایی نیروهای مزبور قرار گرفته و یک‌سره فروریخته است. متن کتیبه مناره شمالی آیه «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا ...» بوده که اکنون تنها جمله «.. لَئا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ» از دنباله آن بازمانده، و بر مناره جنوبی آیه «اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها» کتیبه بوده که از آن هم تنها همین قسمت از آغاز آیه برجای مانده و در پایان کتیبه خوشبختانه تاریخ بنای مناره‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۲۹

به این شکل باقی است:

«فی .. سنهٔ ثلاثین و ثمانمائهٔ»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۰

مدرسه رضویه [تصویر ۱۸۹]

مدرسه رضویه در میان شهر قدیم از کهن‌ترین مدارس قم است و سید عبد الکریم بن طاوس در گذشته ۶۹۳ در فرحة الغری از آن یاد می‌کند. در این کتاب است که حضرت رضا (ع) در سفر خود از مدینه به مرو از قم گذر فرموده و در اینجا فرود آمده است.

کهن‌ترین قسمت موجود مدرسه، سردر شمالی آن است که از دوره صفوی برجای مانده و کاشی‌های پیشانی و کتیبه کمربندی آن جز چند خشتی فروریخته است. در دو جانب این سردر، دو طاق‌نماست که در جبهه طاق‌نمای شرقی سنگ نبشته‌ای کوچک با این متن- گویای تعمیری در این مدرسه به سال ۱۰۹۴- نصب است:

«هو الفتاح

این تازه بنا که هست در خوبی فردهرگز نرسد به ساکنانش غم و درد

از روی یقین گفت خرد تاریخش‌سرکاری ابدال بیک آبادش کرد»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۱

مدرسه جانی خان

مدرسه جانی خان برابر درگاه مسجد جامع از مدارس دوره صفوی قم است که در دوره ناصری به سال ۱۲۷۸ وسیله میرزا نصر اللّه خان مستوفی گرکانی تعمیر و مرمت یافت و پس از آن گاهی با نام «مدرسه ناصری» یاد می‌شد.

سردری بلند دارد با مقرنسی لطیف در سقف و آرایش کاشی گرهی در لچکی‌های پیشانی. سنگ‌نبشته جبهه درگاه آن- بالای در ورود- حاکی از مرمتی است که در سال ۱۳۷۳ از مدرسه به عمل آمد. صحن و حجرات مدرسه با هندسه‌ای خاص ساخته شده، و پیشانی ایوان‌های پیشاپیش حجرات نیز با کاشی گرهی آراسته است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۲

مدرسه فیضیه

بنای کنونی مدرسه فیضیه در شمال صحن عتیق آستانه قم از نیمه نخستین قرن سیزدهم هجری، و جایگزین بنای «مدرسه آستانه» است که در میانه قرن ششم وجود داشته و یاد آن در کتاب النقض- از آثار همین دوره- (ص ۱۶۴) آمده و پس از آن هم در بسیاری کتابها و اسناد قدیم از آن سخن رفته است . فتحعلی شاه قاجار به سال ۱۲۱۳ بنای پیشین این مدرسه را از اساس برداشت و برجای آن بنای کنونی را بنیاد نهاد.

این بنا با پیرامون یک صد حجره در دو طبقه چهار سوی محوطه‌ای به درازا و پهنای هفتاد و اند در پنجاه متر، سردری از سوی شمال با درازا و پهنای ۱۳ در ۴ و بلندی پیرامون ۱۱ متر، و سه ایوان در جهات شمالی و شرقی و غربی هر یک به دهانه و پهنای ۹ در ۶ و بلندی پیرامون ۱۲ متر داشته که با مقرنس‌کاری در سقف و کاشی‌کاری در بدنه و پایه‌ها و کتیبه‌ای به نستعلیق در کمربند هریک آراسته بوده و اکنون مقرنس‌ها فروریخته و کاشی‌کاری‌ها نیز صورت آشفته‌ای به خود گرفته و ایوان غربی هم در نیم‌قرن اخیر از شکل خود خارج شده و با احداث سقفی در بالای کتیبه کمربندی آن، قسمت بالا مخزن کتابخانه و قسمت پایین مسجد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۳

و مدرس گردیده است. جز این سه ایوان، ایوانی نیز در جنوب هست که در سال ۹۳۹ بنا شده و سردر صحن عتیق آستانه مقدس حضرت ستی فاطمه است که در مجلد نخست ذیل سخن از صحن عتیق به تفصیل وصف شد.

در بالای درگاه ورود مدرسه از سردر شمالی سنگ‌نبشته‌ای است مرمرین که بر آن این دو بیت به نستعلیق ثبت است:

«در روضه معصومه شهنشاه فلک جاه‌بنهاد بنا مدرسه‌ای دلکش و دلخواه

تاریخ بنایش چه ز ارباب سخن خواست‌بنوشت صبا مدرسه فتحعلی شاه»

متن کتیبه کمربندی این سردر به نستعلیق، با دو طرح در آغاز و انجام کتیبه از جمله «یا باقی» به ثلث و به تکرار (هشت بار در هریک به شکل دایره) چنین است:

«این همایون درگه فرخ پی گردون همال‌درگه علم است و باب فضل و کریاس کمال

این مقرنس طاق چبود این منور شمسه چیست‌آسمانی با سکون و آفتابی بی‌زوال

این حرم حرمت حریم این عرش فرسا بارگاه‌گشت بنیاد از مثال پادشاه بی‌مثال

باد یا رب بخت بیدارش چو حی لا ینام‌باد یا رب ملک اقبالش چو ملک لا یزال

با عبارت «انا مدینهٔ العلم و علی بابها» به نستعلیق سفید درشت بالای درگاه ورود،

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۴

و جمله «یا کافی المهمات» به همان خط در دو لچکی بالای سردر.

در کمربند سه ایوان مدرسه، قصیده‌ای از فتحعلی خان ملک الشعراء در ۲۱ بیت کتیبه شده که در هر ایوان هفت بیت است و آغاز آن از ایوان شرقی، این‌چنین:

ایوان شرقی:

دست قدرت تا به دهر این هفت منظر برکشیددهر را کی این‌چنین در حلیه و زیور کشید

هرزمان مشاطه قدرت عروس دهر رابر مراد خلق در پیرایه دیگر کشید

هر سفالین کاسه آمد یادگار جام‌جم‌بلکه جام جم ز رشک از خون دل بر سر کشید

این همه پیمانه عشرت به بزم روزگارهرکس از دوران شاه معدلت گستر کشید

فخر شاهان زمین فتح علی شه کاسمان‌حلقه فرمان او در گوش هفت اختر کشید

آن شهنشاه ملک شه چاکر سنجر غلام‌کش ملک شه خاک در در دیده چون سنجر کشید

آسمان در عهد او رسم ستمکاری گذاشت‌کز حسام شحنه عدلش بسی کیفر کشید

ایوان شمالی:

....

شاه اژدر بند شیر اوژن به دشت کارزارچون زمرد رنگ تیغ اژدها پیکر کشید

آن حسام شعله‌بار آبگون در دست غیراست چون بیدی است کاندر بوستان خنجر کشید

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۵ این اثر از بازوی زورآزمای شاه یافت‌ذو الفقار آن‌گه اثر بخشید کش حیدر کشید

داد ملک‌آرای او موکب به هفت اقلیم راندعدل عالی رای او رایت به نه کشور کشید

قافله در قافله هر خواجه زو مرجان فشاندکاروان در کاروان هر برده زان گوهر کشید

شد جهان آباد چندان کش قصور بی‌قصورسر به چرخ اخضر از این توده اغبر کشید

ایوان غربی:
آن همایون خطه از سیل حوادث شد چنان‌کز خرابی بوم هم رختش ز بوم و برکشید
مضجع پاکان دین خیر البلاد ام القری‌خاک قم کز قمه عرش برین سر برکشید
جسم پاک فاطمه آسوده در این خاک پاک‌کاسمانش خاک در در دیده اختر کشید
دایه گردون چو او در مهد عصمت درنیافت‌تا مه و خورشید را در مهد سیم و زر کشید
گرد خذلان خاک از آن بر صفه مانی فشاندخط بطلان چرخ از این برنامه آزر کشید
هر طرف کاخی منقش تا به کیهان درفزودهر طرف قصری مصور سر به کیوان برکشید
.... ب ....
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۶
در کنار ایوان غربی مسجدی است با سقف مقرنس‌کاری، و بالای آن شاه نشینی به درازا و پهنای ۹ در ۶ متر که از سویی به رودخانه و از سوی دیگر به ایوان مزبور درگاه داشته و اکنون از صورت خود خارج شده است لیکن پوشش مقرنس سقف و کتیبه گچبری سراسری آن باقی است. متن کتیبه قصیده‌ای است از فتحعلی خان صبا در پنجاه بیت به نستعلیق این‌چنین:
یا رب این چرخ است یا عرش برین‌یا همایون قصر دارای زمین
زائران را از صریر آمد به گوش‌نغمه اهلا و بانگ آفرین
ساکنان را از صدا باشد خمش‌بر بط ناهید و چنگ را متین
گشته از نقش در و دیوار آن‌نقش بر دیوار نقاشان چین
کبک و بازش را جناح اندر جناح‌گرگ و پیلش را سروی اندر سرین
نه جدال آن به این از روی قهرنه نبرد این به آن از راه کین
خرم و خندان به باغش نسترن‌تازه و ریان به راغش یاسمین
نه زیان از غارت گلچین بر آن‌نه ضرر از آفت بهمن بر این
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۷ چرخ زنگاری به شنگرف سرشک‌از غم زنگار و شنگرفش قرین
نیش تیغش شیر شادروان اوهمچو سگ دم لابه کش شیر عرین
آن شرف دارد که دارد از شرف‌عرش بر خاک جناب او جبین
آن خطر دارد که دارد از خطردست رضوان آستانش از آستین
دانی این فخر و سعادت از چه یافت‌این همایون بارگاه دلنشین
از نزول داور کون‌ومکان‌از قدوم خسرو دنیا و دین
دادگر فتحعلی شه آن‌که بادآفرین بر جانش از جان‌آفرین
آن جهانداری که از تیغ نزارپهلوی ملک جهان دارد سمین
آن شهنشاهی که از شیرین سخن‌از نهاد حنظل آرد انگبین
ذو الجلالی کز جلال ذو الجلال‌رایت او آیتی باشد مبین
خسروی کافکنده صیت همتش‌جاودان در طاس نه گردون طنین
همتش را لا مکان زیر قدم‌حشمتش را آسمان زیر نگین

بخت او را مام گردون نازده‌همچو مامک بر سلیل نازنین
آسمان دارای خرمن گشت از آن‌کامدش بر کشت احسان خوشه‌چین
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۸ گفتم او را هست بر آدم شرف‌وهم گفتا زین سخن هشدار هین
عقل از این اندرز خندان گشت و گفت‌کای به اندرز تو جان ما را رهین
آن‌که آورد این گهر از نور پاک‌طینت آدم سرشت از ماء و طین
اعتراضی گر تو را باشد بر اوست‌کاین‌چنین آراست نقش آن و این
چون به گاه کینه برخیزد ز جای‌چون به عزم رزم بنشیند به زین
با سر خطی ستاند بوم روم‌در پی خیلی سپارد ملک چین
نه بماند خاندان فیلقوس‌نه گذارد دودمان آبتین
نه به صلب بابک اندرشان سلیل‌نه به ناف مامک اندرشان جنین
در خم خام آورد یال نیال‌در پی خنگ افکند تاج تکین
رمح او نقاب دل‌ها تا کنددر درونشان گوهر خنجر دفین
تیر او با جان بدخواهان اوچون شهاب ثاقب و دیو لعین
شهر قم فخر البلاد ام القری‌کاسمانش کرد یکسان با زمین
شد چنان ویران که نه بامی خراب‌تا در آن بومی شود منزل گزین
گشت چون از حادثات روزگارآن‌چنان شهری دل آرا این‌چنین
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۳۹ جود شاهنشه پی آبادیش‌دست همت برکشید از آستین
یک دو فرسنگ اولش در راه سیل‌چون سکندر بست سدی بس متین
پس در آن فرخنده کشور برفراخت‌قصرهایی جان‌فزا و دلنشین
روضه معصومه کامد منهدم‌کردش اینک غیرت خلد برین
گنبدی افراختش از زر ناب‌کاسمان از غیرتش باشد حزین
از غم زرینه خشتش آفتاب‌هر سحرگه گشت خاکسترنشین
هم در آن بنیاد کرد این مدرسه‌کز غمش فردوس باشد در انین
صحنش از دلکش حدائق چون بهشت‌حجره‌ها چون حجله‌های حورعین
هم به رکنی زان فلک فرسا مکان‌ز امر آن دارای اسکندر مکین
این همایون قصر دلکش شد بناکاسمان بر آستان سودش جبین
الغرض چون ز امر آن صاحبقران‌با زمین این آسمان آمد قرین
زد صبا از بهر تاریخش رقم‌کاسمان دیگر است این بر زمین
تا بود ایوان کیوان برفرازتا بود گلزار جنت دلنشین
باد درگاهش بر از قصر زحل‌باد خرگاهش به از خلد برین
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۰

مدرسه دارالشفا [تصاویر ۱۹۰– ۱۹۴]

بنای دارالشفا در شمال مدرسه فیضیه از فتحعلی شاه است که نخست به عنوان بیمارستانی برای آستانه ساخته شده و سپس به شکل مدرسه و مسکن طالبان علوم دینی درآمده است.

محوطه صحن آن با درازا و پهنای پیرامون ۷۰ در ۳۲ متر سردری از جانب شمال دارد که در اوائل قرن حاضر بر بنا افزوده شده است با بلندی ۸ و دهانه و پهنای ۴/ ۵۰ در ۱/ ۵۰ متر، با کتیبه‌ای در دو سوی سردر (نمای درونی و بیرونی) که بر آن همان حدیث نبوی که در ازاره ایوان طلای آستانه مقدس ثبت شده و متن آن در ذیل سخن از آن بنا به صورت کامل نقل گردید به ثلث نگاشته شده است با تاریخ ۱۳۰۳ در پایان و عبارت «عمل صادق» بالای کتیبه در اسپر رویه جنوبی سردر.

در زاویه شرقی صحن دارالشفا آب‌انباری است که آن را میرزا تقی خان ساروتقی وزیر شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۵ بنا نموده است با سردری به درازا و پهنای ۶ در ۲/ ۷۰ و بلندی ۸ متر، با مقرنس‌کاری در سقف و کاشی‌کاری معرق در لچکی‌های بالای درگاه راه‌پله آب‌انبار، که در بالای آنها در دو سطر این دو رباعی- هر مصرع میان یک ترنج- به نستعلیق محمد رضا امامی ثبت است:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۱ «زین برکه دستور که بادا جاویدبر یاد حسین هریک قطره چشید

فی الحال ز بهر سال تاریخش گفت‌لعنت بیزید باد و بر گور یزید

۱۰۵۵

میرزا تقی از بهر صفی شاه جهان‌این برکه نمود خیر بر عالمیان

جستم ز خرد حساب تاریخش گفت‌این برکه بنا کرده وزیر ایران»

در پایان رباعی نخست این عبارت به نستعلیق ریز خوانده می‌شود:

«کتبه العبد المحتاج محمد رضا الامامی»

در کمربند سردر کتیبه‌ای است از کاشی خشتی لاجوردی به ثلث محمد رضا امامی با این متن:

«فی ایام الدولهٔ السلطان الاعظم و الخاقان الاکرم مروج المذهب الائمهٔ المعصومین علیهم السلام السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان، السلطان ابو المظفر شاه عباس الثانی الصفوی الحسینی الموسوی بهادر خان خلد اللّه تعالی ملکه و سلطانه توفیق یافت به اتمام عمارت این برکه مخدوم الامرا و خادم الفقرا توفیق آثاری ایران‌مداری اعتماد الدولهٔ العلیهٔ العالیهٔ الخاقانیهٔ میرزا محمد تقی المشهور بساروتقی خالصا الی اللّه تعالی فی شهر ربیع الاول سنهٔ خمس و خمسین بعد الالف. کتبه محمد رضا الامامی الاصفهانی»

بالای این کتیبه در زاویه جنوبی اسپر درگاه آب‌انبار سنگ‌نبشته‌ای کوچک است مشتمل بر پنج بیت در متن و دو بیت در کناره راست و چپ به نستعلیق، حاکی از مرمتی که در سال ۱۲۰۴ وسیله تقی خان بروجردی از این آب‌انبار به عمل آمده

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۲

است ، این‌چنین:

«مظهر لطف حق تقی خانادر بروجرد و در زمانه وحید

مثل او روزگار کم دیده‌زاده ز ابا و امهات رشید

بانی کارهای خیر و ثواب‌ایزدش داده است بخت سعید

آب‌انبار این مکان شریف‌بود ویران به سال‌های مدید
کرد تعمیرش از برای ثواب‌حافظش باد کردگار مجید
بهر تاریخ سال تعمیرش‌زایر تشنه‌ای ز راه رسید
جرعه‌ای آب خورد و آن‌گه گفت‌سب و لعنت بشمر باد و یزید
سنه ۱۲۰۴»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۳

مدرسه حاجی

میرزا آقا خان نوری صدر اعظم در دوران حکومت فرزندش ذو الفقار خان در قم، مدرسه و مسجدی در کوی قاضی نزدیک میدان میر این شهر برای حاجی ملا محمد صادق قمی روحانی بزرگ آن دوره قم بنیاد نهاد که تاکنون برجا و دائر است.
بالای درگاه ورود مدرسه سنگ‌نبشته‌ای بود که چند سال پیش آن را به درون راهرو منتقل کرده و بر دیوار نصب نموده‌اند با این متن:
«در زمان دولت روزافزون ملاذ السلاطین و ملجأ الخواقین السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان بن الخاقان المؤید المنصور قامع الاشرار و الشرور ابو المظفر ناصر الدین شاه قاجار خلد اللّه ملکه و سلطانه به واسطه دوام دولت ابد آیت اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاه عالمیان پناه این خجسته مسجد دلکش را جناب جلالت مآب نبالت نصاب غوث الاسلام و المسلمین کهف الدنیا و الدین معنی دانش و آگاهی امین اعلی حضرت
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۴
ظل اللهی شایسته مسند صدارت فخر امم کان کرم محرم اسرار شاهنشاه عالمیان‌پناه قواما للمجد و الدولهٔ و الاقبال نظاما للشوکهٔ و الابههٔ و الاجلال اشرف ارفع امجد اکرم میرزا آقا خان نوری اعتماد الدولهٔ العلیهٔ العالیهٔ صدر اعظم افخم لا زالت رأیات اجلاله مرفوعهٔ بنا فرمودند و بر کافه مسلمین وقف عام نمودند که جمیع شیعه اثنی عشریه در او به عبادت و در حجرات آن به تحصیل علوم مشغول باشند. حرره فی شهر جمادی الثانیه ۱۲۷۲.
کتبه العبد المذنب محمد الگلپایگانی»
ایوان مدرسه که پیشاپیش شبستان مسجد قرار دارد به دهانه و پهنای ۸/ ۵ در ۱۰ و بلندی ۱۲ متر با کاشی‌کاری آراسته شده که در میان آنها در دو جانب درگاه مسجد بر ترنج‌هایی عبارت «معمار این مسجد حاجی شعبان سنه ۱۲۷۲» و «عمل استاد محمد آقا ولد حاجی اسماعیل» ثبت است. کتیبه کمربندی ایوان گچبری است به ثلث مشتمل بر سوره جمعه با رقم:
«حرره علی اکبر متولی مضجع خاقان فتحعلی شاه فی سنهٔ ۱۲۷۲».
در پایان. بالای این کتیبه در جبهه اسپر ایوان کتیبه‌ای است از کاشی خشتی لاجوردی در پانزده سطر به نستعلیق طلایی با این ابیات در متن، سروده حاجی رشید خان بیگدلی اخگر و تحریر همو:
«در زمان شهریار تاج‌دار تاج‌بخش‌آن که ذات بی‌همالش پادشاهی را سزا
بو المظفر ناصر الدین شاه غازی آن که هست‌مهتران را شهریار و خسروان را پادشا
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۵ اعتماد الدوله شه صدر اعظم آن‌که دادملک جم را نظم‌ها چون آصف بن برخیا

گاه بذل و وقت تحسین نی شگفت ار خود شوندمعن با جودش بخیل و فضل با ایدش گدا
شد دل آگاه او آگه ز آز روزگارزان که رایش از صفا شد آینه گیتی‌نما
دید چون شوق مهین فرزند خود در کار خیرآن‌که باشد مهتران و سروران را مقتدا
صهر شاهنشه نظام الملك و المله که هستچون پدر اصل سخا شخص کرم ذات حیا
ساخت در قم مسجدی دلکش که هرکس دید گفت‌لوحش اللّه زین بنا و بارک اللّه زین فضا
وه چه مسجد کز علو پایه و قدر بلندعقل می‌گویدش وه‌وه بر زمین آمد سما
وقف کرد این مسجد نیکو برای خاص و عام‌تا نیاز آرند و طاعت می به ذات کردگار
این عبادت‌خانه فرخ بنا کرد او که خلق‌بعد طاعت جاه گیتی را بگویندی دعا
ز اهتمام میر باقر خان عادل‌پور صدرآن‌که قم از عدل او بس یافته برگ و نوا
خان با ذل ذو الفقار آن کو به رنج فاقه گشت‌با دل وافی دوا و با کف کافی شفا
یافت چون اتمام این نیکو بنای دلپذیرگاه آن شد تا رشید الدین همی خواند ثنا
از پی تاریخ این فرخ بنا کلکش نگاشت‌صدرا مجد را مبارك باشی ای نیکی بنا»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۶

اسناد مدارس قدیم

مدارسی که در اینجا یاد و آثار قدیم آن شناسانده شد آنهایی است که بنای پیشین آن برجای مانده و از رهگذر معرفی اثری تاریخی شایسته ذکر بود. مدارس قدیم دیگری هست که تجدید بنا شده، و مدارسی نیز در کتاب‌ها و اسناد قدیم مذکور است که اکنون نشانی از آنها نیست.

درباره مدارس قدیم قم مقاله‌ای چند سال پیش از نگارنده این سطور به چاپ رسیده که قسمتی از آن با اصلاحات و اضافاتی در پایان این مجلد گذارده شده است.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۷

۴ آثار دیگر

اشاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۴۹

مناره میدان [تصاویر ۱۹۵- ۱۹۶]

در کنار محوطه میدان کهنه شهر مناره‌ای آجری به قطر ۳/۵ و بلندی پیرامون ۲۵ متر هست که در نیم‌قرن اخیر مسجدی نیز در کنار آن بنا کرده‌اند.

آنچه از ملاحظه اسناد و مدارك مربوط و سبك بنای مناره مورد سخن بر می‌آید اساس بنای مناره کهن و شاید سلجوقی است

که به گذشت زمان فرسوده شده و قسمت‌هایی از آن نیز فروریخته بوده است تا در سال ۱۱۹۱ وسیله یکی از امراء زند مرمت گردیده و نمای آجری کنونی از همین مرمت برجای مانده است.

پس از آن در سی سال اخیر مأذنه‌ای بالای آن ساخته و شکل نوتری بدان بخشیده‌اند.

در دیوان هاتف (ص ۹۷- ۹۸ چاپ وحید دستگردی) قطعه‌ای در ماده تاریخ مرمت این مناره با اشاره به قدمت بنای آن هست که به نقل آن مبادرت می‌رود:

سپهر مجد و خورشید سماحت اختر عزت‌نظام عالم و دستور گیتی آصف دوران

جناب صاحب اعظم خدیو افهم اکرم‌ربیع گلشن عالم بهار عالم امکان

جهانگیر و جهان‌بخش و جهاندار و جهان‌داورکه گردونش نپیچد گردن از حکم و سر از فرمان

جوانمرد و جوان‌بخت و جوان‌طبع و جوان‌دولت‌که در ایام او نوشد جهان و تازه شد کیهان

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۰ به دست و کلک او نازند ملک و دین بود آری‌قوام دین و ملت این نظام ملک و دولت آن

گرش خلق جهان جان جهان گویند می‌شایدکه آمد عالم فرسوده را بر تن ز عدلش جان

کهن گلدسته قم را که ویران بود بنیادش‌مجدد شد به حکم او اساس و تازه شد بنیان

تعالی اللّه زهی گلدسته زیبا که پنداری‌به هم بربسته از گل‌دسته‌ای دهقان این بستان

بود مقری بر اوجش با سروش چرخ هم‌نغمه‌مؤذن برفرازش با خروش عرش همدستان

به گلبانگ بلند آوازه انصاف وجود اوبه شرق و غرب از این گلدسته خواهد رفت جاویدان

غرض چون نو شد این گلدسته زیبا و رفت از وی‌سوی عرش برین بانگ مؤذن‌های خوش‌الحان

دبیر خامه هاتف پی تاریخ اتمامش‌رقم زد شد ز حکم آصف این گلدسته آبادان

در کتابخانه آستانه مقدس قم جزوی است از مصحف شریف به شماره ۲۴۰ انبار که بنابر مفاد وقف‌نامه آغاز نسخه، آن را خواجه فخر الدین احمد بن خواجه زین الدین شاه علی طخرودی در اواخر ع ۱- ۸۹۱ بر مسجد معروف به «مسجد منار» واقع در درون شهر قم برابر درب مشهور به «درب علویه» در محله «دوقفیزآباد» از محلات «سروزن» وقف داشته و تولیت آن را به امام آن مسجد شیخ شمس الدین شاه محمد واگذارده است. چنین است متن این وقف‌نامه:

«وقف و حبس هذا الجزء مع الاجزاء التسعهٔ و العشرین من کلام اللّه رب العالمین مع الصندوق المسدس المتین الصاحب

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۱

المعظم المقدم الموقر المکرم مجمع المحاسن و الشیم قدوهٔ الاکارم و منبع المکارم الموفق بتوفیق الملک الصمد الخواجه فخر الملهٔ و الدین احمد بن الصاحب السعید المبجل المفخم المبرور المحترم الخواجه زین الملهٔ و الدین شاه علی الطخرودی ادام اللّه سعادته و تقبل منه حسنته علی المسجد المعروف بمسجد منار الواقع بداخل مدینهٔ قم محاذیا للدرب المعروف بدرب علویه فی محلهٔ دوقفیزآباد من محلات سروزن لیقرأ فی هذا المسجد ایام الجماعات وقفا صحیحا شرعیا بلا نقص و لا فسخ و لا تغییر من البیع او الرهن او الهبهٔ او الارث خالصا للّه تعالی.

و فوض التولیهٔ الی امام هذا المسجد و هو المولی الفاضل العالم المتورع الشیخ شمس الملهٔ و الدین شاه محمد ادیمت فضائله مشروطا بان یقرأ فی هذا المسجد و لا یقرأ فی مجلس خارج هذا المسجد الا فی مجلس ختم رأی المتولی المشار الیه مصلحهٔ فی قرائهٔ، فمن اجری علی هذا الجزء او واحد من الاجزاء الباقیهٔ تبدیلا بنوع ما فقد باء بغضب من اللّه و مأواه جهنم و بئس المصیر و اجر الواقف علی اللّه تعالی فان اللّه لا یضیع اجر المحسنین. و کان ذلک فی اواخر ربیع الاول من تاریخ سنهٔ احدی و

تسعین و ثمانمائهٔ» .
در سنگ‌نبشته مورخ ۹۶۳ که بر دیوار مسجدی نزدیک همین مناره نصب است و متن آن در صفحه بعد نقل شد از «منار چهار سو» یاد می‌شود که گویا مقصود همین مناره باشد.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۲

وقف‌نامه قنات [تصویر ۱۹۷]

در نزدیک مناره میدان و سردر غیاثیه مسجدی است در کنار یک چهارراه که بنای آن اخیرا تجدید شده و بر پایه شرقی آن از بیرون سنگ‌نبشته‌ای به درازا و پهنای ۱/۱۰ در ۰/۰۵۵ متر با یازده بیت در متن به ثلث زیبا و برجسته نصب است گویای وقف قناتی در سال ۹۶۳ بر محله میدان قم با یاد از بناهای خیر دیگر واقف و منار چهار سو و مسجدی که واقف همین قنات در مجاورت آن ساخته بود.
چنین است متن ابیات:
«آصف ..... سم ...آن‌که شد معمور از عدلش خراب‌آباد قم
همچو او بر مسند جاه و بزرگی و شرف‌هیچ‌کس ننشست از اشراف و از امجاد قم
ز این نکوکاری که او با مردم این شهر کرد... کرده نیکو از بدا بنیاد قم
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۳ بعد چندین بقعه خیری که در راه خداساخت در هر گوشه‌ای تا بد در استعداد قم
کرد احداث قنات و نهر آبی بهر خیرساخت جاری بر سر میدان بی‌امداد قم
تا رسد فیضش به هرکس قربهٔ للّه کردوقف بر هر خاص و عام و بنده و آزاد قم
مسجدی هم جمع آن ... دمنار چار سوی‌ساخت تا یک‌یک دعا گویندش از افراد قم
هرکه گردد مانع این آب و غاصب نیز هم‌حاکم و محکوم از اخیار و از اضداد قم
باد روی او زدود آتش لعنت سیاه‌تا بود نام و نشان از آب و خاک و باد قم
بود شهر قم ز بی‌آبی چو وادی عدم‌گوئیا زین آب شد بار دگر ایجاد قم
چون قبول حضرت حق بود بی‌شک خیر اوزین سبب تاریخش آمد آب خیرآباد قم»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۴

تیمچه بزرگ [تصویر ۱۹۸- ۲۰۲]

بنای تیمچه بزرگ در بازار از دوره ناصری و اثر استاد حسن معمار قمی هنرمند مشهور آن عهد است.
سقف تیمچه سه چشمه است بی‌ستون و مجموعا به درازای ۲۷ متر، و چشمه میانه با بلندی و دهانه ۱۵ متر. با پوشش آجری ظریف و آراسته و با مقرنس گچی در زوایا. پیشاپیش حجرات و غرفه‌های گرداگرد تیمچه درهای ارسی بوده که اکنون نیز نمونه‌هایی باقی است.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۵

پل علی‌خانی:

اساس بنای این پل که تا پایان دوره قاجار تنها مدخل ورود شهر بود قدیم است. در هنگام تخریب چشمه‌های پیشین آن سنگ‌نبشته‌ای به دست آمد که بنابر مفاد آن، پل مورد سخن به دستور یکی از پادشاهان صفوی تجدید بنا گردیده است . در سال ۱۲۹۲ علی خان سنقزی ریش بلند نایب الحکومه قم چشمه‌های پیشین پل را که در اثر گذشت زمان فرسوده شده و به‌خاطر بالا آمدن سطح رودخانه کوتاه‌تر شده بود برداشته، برجای آن چشمه‌هایی بلندتر بنا نهاد با این نشان که از آغاز ویران ساختن چشمه‌های پیش تا پایان کامل کار تنها چهل روز فاصله بوده است .

بارو:

وصف آخرین باروی قم که گویا برای آخرین‌بار وسیله حسین خان حکمران این شهر در دوره علی مراد خان زند به سال ۱۱۹۷ مرمت و اصلاح یا تجدید بنا گردیده است در برخی از سفرنامه‌ها و کتاب‌های دوره قاجار آمده است. از جمله نجم الملك در سفرنامه خوزستان خود می‌نویسد: «قم .. حصار معتبر داشته که

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۶

بر وفق قاعده مهندسی زوایای حارسه و محروسه در آن ترتیب داده‌اند. حصار قطوری داشته هنوز در بعضی جهات آثار آن باقی است» .

اکنون قسمتی بسیار کم از این بارو در نزدیك دروازه قلعه و مزار احمد بن قاسم باقی است.

آب‌انبارها:

قدیم‌ترین آب‌انبار قم، آب‌انبار ساروتقی است که در سال ۱۰۵۵ بنا شده و ذیل سخن از مدرسه دارالشفا وصف گردید. جز آن، دیگر آب‌انبارهای مورخ این شهر در حال حاضر از دوره ناصری به بعد است که سال بنا و نام بانی و کتیبه‌های آنها به تفصیل در تحفهٔ الفاطمیین آمده و قدیم‌ترین آنها آب‌انبار سردار بود مورخ ۱۲۶۲ که دو سال پیش ویران شد و پس از آن آب‌انبار برابر مدرسه رضویه در بازار کهنه مورخ ۱۲۶۶ که هنوز برجاست .

مطب شفاء الدوله [تصویر ۲۰۳]:

سردر و نمای خارجی مطب حکیم شفاء الدوله از پزشکان قم در نیمه نخستین و میانه قرن حاضر- که در این شهر با نام «حکیم کاشی» شناخته می‌شده است- برابر سردر شرقی صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه به شکل مسافرخانه‌ای

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۷

هنوز باقی و نموداری از ذوق اوست .

درگاه ورود مطب درست برابر نورگیر ایوان شرقی صحن نو است و از آنجا ضریح مطهر را به درستی می‌توان دید. بالای این درگاه در ترنجی به نستعلیق نوشته شده است:

«وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۱۳۵۲»

بالای پیش تالار جلو غرفه‌ها بر کاشی نوشته شده است:

«یا من اسمه دواء و ذکره شفاء»

بالای غرفه‌ها کتیبه‌ای است از کاشی خشتی به نستعلیق زیبا با این متن سروده خود او:

«رواق حکمت اینجا کاخ سبط مصطفی آنجابشارت دردمندان را دوا اینجا شفا آنجا

در اینجا طب یونانی و تشریح اروپائی‌فرامین الهیات و آیات خدا آنجا

سبب اینجاست یعنی حکمت و تدبیر و دانائی‌توانائی است یعنی حکم و تقدیر و قضا آنجا

کاشی‌ساز حاجی حسین خاک‌نگار»

بر دو جانب درگاه راهرو غرفه‌ها شش بیت دیگر از سروده‌های حکیم بر کاشی خشتی ثبت است این‌چنین:

«از غم هجر مریضی که گرفتار تب استنسخه‌اش افشره وصل به هنگام شب است

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۸ آن‌که در بستر بیماری عشق است دواش‌خرفه خال و گل عارض و عناب لب است

چاره دل چه دوچار غم و اندوه شودساقی و جام می و نغمه و رقص و طرب است

فادزهر اثر سم خیالات به مغزسبزه و باغ و گل و قصه و شعر و ادب است

الغرض نیست عجب گر بشود سهل علاج‌هر مریضی که ز هر درد به رنج و تعب است

درد دانای گرفتار به نادان سخت است‌گر شفا جان ببرد زان به سلامت عجب است

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۵۹

بخش دوم بناهای قدیم در روستاها و بلوکات قم

اشاره

۱) پیرامون شهر

۲) قمرود

۳) قنوات

۴) قهستان و وازکرود

۵) خلجستان

۶) ضمیمه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۱

۱ پیرامون شهر

اشاره

در قسمت «حومه» و پیرامون شهر پیش از آن‌که «بلوکات» آغاز شود چند مزاری است که در زیر از هریک به اجمال یاد

می گردد:

شاهزاده عبد اللّه:

نزدیک قلعه صدری قم (یک کیلومتر و اندی بیرون شهر در جانب غربی) منسوب به مردی از نوادگان امام چهارم. نام این مزار گویا پیش‌تر «شاه زید» بوده است .

بنایی است ساده و کوتاه با قدمت دو سه قرن. در ایوان جنوبی بنا بالای درگاه ورود دایره‌ای است زیبا از کاشی معرق با زمینه نخودی‌رنگ که بر آن چهار نام «محمد» و چهار «علی» به ثلث نوشته شده و متعلق به پیش از دوره قاجار است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۲

شاه جمال:

در کنار راه قم به اراک، دو کیلومتری جنوب غربی شهر قدیم، نزدیک بنای قصر دختر از آثار دوره ساسانی.

بنایی است کوتاه و ساده که چندان کهن نیست با چهار ایوان در چهار سوی بقعه. آب‌انباری نیز دارد که آن را علی سنقری ریش‌بلند نایب الحکومه قم در اواخر قرن گذشته بنیاد کرده است.

شاه جعفر غریب:

در چند کیلومتری شرق شهر، نزدیک راه قم به کاشان، کنار تپه‌های مشهور به «قل‌درویش» که چنان‌که در آغاز همین مجلد گفته شد بقایای شهر قدیم «براوستان» است.

گنبدی است ساده که پنجاه سال پیش به وسیله حاجی میرزا نصر اللّه خان ناصر السلطنه دیبا مرمت شده. لوح سنگی کوچکی مورخ ۱۳۴۵ قمری که بالای درگاه بقعه نصب است از همین تعمیر حکایت می کند.

شاه جمال غریب:

نزدیک بقعه شاه جعفر غریب، در جانب دیگر تپه‌های یادشده، کنار راه قم به کاشان در چند کیلومتری شهر.

این بقعه در اواخر قرن گذشته به استناد «خواب‌نما» پدیدار شده است .

گنبدی است ساده با دو ایوان در شمال و جنوب.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۳

قدمگاه کوه خضر:

در چند کیلومتری جنوب قم کوهی است به نام «کوه خضر» که بالای آن قدمگاه و مسجدی بنا شده و در نزدیک این دو نیز چهار طاقی است که گویا در روزگاران پیش عارفی در آن به‌سر می‌برده است.

این قدمگاه و مسجد چند صد سالی قدمت دارد و در کتاب‌ها و رسائلی که در دوره قاجار برای قم نوشته شده از آن یاد آمده

است . راه‌پله‌ای نیز که از پایین کوه تا مسجد و قدمگاه مزبور از سنگ تراشیده شده در اوائل قرن حاضر ایجاد گردیده است .

جمکران

دیه جمکران در یک فرسنگی شرق قم پیش از اسلام یکی از مناطقی بود که شهر قدیم و باستانی قم را تشکیل می‌داد. یاد آن در کتاب قم به تکرار دیده می‌شود.

مسجد صاحب الزمان [تصویر ۲۰۴]:

در کتاب قم آمده است که: «اول مسجدی که بدین ناحیت [قم] بنا نهادند پیش از آمدن عرب بدین ناحیت، مسجد قریه جمکران بود و مردی از اهل اسلام

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۴

نام او خطاب اسدی که بدین ناحیت افتاده بود آن را بنا کرده بود و در آن تنها نماز می‌گزارد». دور نیست که مسجد مزبور همین باشد که اکنون «مسجد صاحب الزمان» خوانده می‌شود و در جنگی مخطوط- از آثار قرن یازدهم- داستانی برای آن دیده شده است .

این مسجد در قرن‌های اخیر مکرر تعمیر و تجدید بنا شده و تنها اثر قدیم آن در حال حاضر سنگ‌نبشته‌ای است در کنار در ورود بر پایه راست، بیانگر تاریخ تعمیری به سال ۱۱۶۷ با این:

هو الباقی

۱۱۶۷

اختر برج صفا آقا علی اکبر که رفت‌آفتاب از رشک رخسارش به چرخ چارمین

آن‌که توفیقش به هرکار جهان آمد رفیق‌آن‌که باشد در طریق اشتیاقی بی‌قرین

نیست موسی لیک دارد چون شود گرم عطارزمه زر چون ید و بیضا نهان در آستین

شد موفق کرد تعمیر قدمگاهی که هست‌رشک گلزار جهان و ثانی خلد برین

شد قدمگاه شه دین مهدی صاحب زمان‌از طفیل همتش رشک نگارستان چین

هم نسیم گلشنش برقع‌گشای روی گل‌هم زلال جدولش سرچشمه ماء معین

حبذا زین تکیه عالی بنای دلگشای‌بی‌سخن تشریف او بر خلق عالم شد یقین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۵ چون معین شد ... از نو اساس این بنافخرها بر آسمان از این شرف دارد زمین

بود کامل از پی تاریخ پیر عقل گفت‌قایم آل محمد را قدمگاهست این

هادی مهدی [تصویر ۲۰۵]:

مزار «هادی مهدی» در قریه گرگابی جمکران مرکب از دو بنای مجاور یکدیگر است. بنای یکی از آن دو که آن را مدفن سه تن از نوادگان امام سجاد به نام‌های «هادی»، «مهدی» و «ناصر الدین» می‌دانند به وسیله «حسام السلطنه» در سال ۱۳۰۵ انجام شده و کتیبه کمربندی بنا به نستعلیق سفید بر کاشی خشتی لاجوردی با متن زیر حاکی از همین تجدید بناست:

«به عهد ناصر الدين خسرو ستاره خدم‌كزو بسيط جهان گشت رشك باغ ارم
شهى كه زد به فلك بيدق شهنشاهى‌ز داد و عدل و سخا و هنر درين عالم
يگانه مير گزين سرور سپهر سريرحسام السلطنه آن منبع سخا و كرم
ستوده [اى] كه ورا پايگاه رفعت و قدربود رفيع‌تر از كاخ گنبد اعظم
ز داد و عدل و مروت نظير نوشيروان‌به فضل و اصل و گهر افتخار دوره جم
بشسته نام دو صد حاتم از كتب ز سخاببرده دست و دلش رونق از معادن و يم
ز داد و عدل و سخا و كمال و دانش وى‌بخواهم ار كه دهم شرح نايدى به قلم
تربت پاكان، ج۲، ص: ۱۶۶ چرا كه هريك از اوصاف او اگر خواهى‌رقم كنى و به جان بايدت هزار رقم
يك از خصال پسنديده و سعادت وى‌خود اين بود كه فشارد به راه خير قدم
چنان‌كه از سر اخلاص و صدق در اين ملك‌پى مخارج اين بقعه ريخت سيم و درم
نموده امر به سيد ابو الحسن از لطف‌كه اى سلاله آل پيمبر اكرم
بشو مباشر اين امر چون كه هستى تودرست قول و امين و صديق و هم محرم
به امر آمر و هم همرهى آن مأموربشد بناى همين بارگاه بس محكم
تبارك اللّه ازين آستان عرش نشان‌كه هست خاك درش آبروى ملك عجم
به رتبه همچو سپهر و به فضل همچون عرش‌به اختيار چه كعبه به احترام حرم
هواى آن به لطافت هواى هشت بهشت‌فضاى آن به نظافت فضاى باغ ارم
شميم آن همگى مشك بيز عنبر ريزنسيم آن‌چه دم پاك عيسى مريم
عجب مدار ز مدحش از آن‌كه مى‌باشدمحل و مدفن اولادهاى فخر امم
سه گوهرند ز نسل چهارمين حجت‌به نام هادى و مهدى و ناصر الدين هم
كه هريك از پى تعظيمشان ز رتبه و قدرشبانه روز نمايد سپهر قامت خم
بود غرض ز طلوع و غروب شمس كه سرنهد به درگه ايشان و يا كه بر مقدم
تربت پاكان، ج۲، ص: ۱۶۷ به بام رفعت ايشان كسى نخواهد يافت‌راه ار كند به مثل نه سپهر را سلم
براى علم به تاريخ بقعه گفت مليح‌كه برزده است ز نوك قلم به چرخ علم
ز هجرت نبوى بد هزار و سيصد و پنج‌كه زد معاينه اين بقعه بر سپهر خيم
عمل كربلائى عباس كاشى‌پز»

بناى ديگر را مدفن دو تن با نام‌هاى جعفر و سكينه، و اين دو را فرزندان ناصر الدين مدفون در بقعه پيش مى‌دانند . اين بنا نيز چندان كهن نيست.

امامزاده حاجى صفر:

در نزديك ديه جمكران مزارى است كه آن را «امامزاده حاجى صفر» و مدفون در آن را «شاهزاده على رضا» مى‌نامند. «حاجى صفر» مى‌تواند نام خدمتگزار اين مزار در دوره‌هاى پيش بوده باشد.

بنایی است ساده و کوتاه. کهن هم نیست.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۸

۲ قمرود

اشاره

دهستان قمرود در شمال قم قرار گرفته و مرکز آن دیه قمرود در سه فرسنگی شهر از روستاهای کهن است که نام آن در تاریخ قدیم قم به تکرار دیده می‌شود.

سیف‌آباد

اشاره

از مستحدثات دوره قاجار است.

شش امام‌زاده:

بنای کنونی این مزار- که در اواخر دوره ناصری پدیدار گردیده- از مهندس الممالک غفاری به سال ۱۳۲۱ است. کتیبه بالای تالار شرقی بقعه حاکی از همین بناست با این متن:

«حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای مهندس الممالک وزیر فوائد عامه مدظله العالی به سعی و اهتمام سرکار معتمد السلطان حاجی محمد علی خان ناظم الممالک زید مجده العالی اتمام پذیرفت. شهر رجب توشقان لیل ۱۳۲۱».

این بنا چهارگوشه است با دو ایوان در شرق و غرب به بلندی کمتر از ده متر، و گرداگرد آن کتیبه‌ای است گچ‌بری به نستعلیق با این متن:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۶۹ «مرحبا از این زمین قم که انوار خدامی‌کند هر دم تجلی رو سوی عرش اله

از امام هفتمین شش نور در این سرزمین‌گشته مدفون می‌کنم تعداد از بهر شما

حمزه و قاسم محمد خالد و پنجم حسن‌دختری باشد رقیه نام او ای مقتدا

شأنشان این بس برادرزاده معصومه‌اندجعفر بن موسی جعفر امام و پیشوا

خادمش اثلاث سید ابن زین العابدین‌داعی زوار و باقی نسل تا یوم الجزا

چار اطراف از وجود این شش اندر عیش و امن‌خاصه یک زن کوست بانی نام خاتون کدخدا

بانگ بر من زد خرد گفتا صفائی صاف شوماده تاریخ باید گفت از روی صفا

هجدهم از شهر ذیقعده بدان ای هوشیارسیصد و چل و سه می‌آید برون بعد از هزا»

کوه سفید

در نزدیک این منطقه که از توابع قمرود است در نقطه‌ای به نـام «قلیـان‌فروش» کنار راه قـدیم قم به ری، مزاری است که گویا اخیرا نام «امام‌زاده جعفر» را برای آن پسندیده و انتخاب کرده‌اند. خود مزار نیز جدید است.

تربت پاکان، ج ۲، ص: ۱۷۰

۳ قنوات

اشاره

روستاهای شرق و شمال شرقی قم که آب مزروعی آن از قنات‌ها و کاریزها تأمین می‌شود.

طیب و طاهر [تصاویر ۲۰۶– ۲۰۸]:

مزار طیب و طاهر کنار راه قم به سـراجه مزاری کهن‌سال است. در خلاصهٔ التواریخ قاضـی احمد قمی ضمن وقایع سال ۹۹۴ از آن یاد می‌شود. بنای کنونی آن نیز قدیم است و از قرن دهم فروتر نیست. سـبک بنای آن با بناهای قرن هشـتم این منطقه تشابه کامل دارد.

گنبـد این مزار برجی هرمی شـانزده‌ترکی، و نمای درون آن نخست چهار گوشه با درگاه‌هایی در چهار سو است که در بالا به هشت‌گوشه و سـپس در قاعده گنبد به شانزده‌ضـلعی تبدیل شده است. بلندی سـقف از سطح بقعه بیش از ده متر است. نقاشی بی‌تناسب و موهون سقف از آثار تعمیرات دوره‌های اخیر است.

روی مرقد میان بقعه- با درازا و پهنای ۲ در ۳ و بلندی ۲۰/ ۱ متر- با کاشی

تربت پاکان، ج ۲، ص: ۱۷۱

معرق لاـجوردی آراسته شـده که بی‌هیـچ تردیـد از قرن دهـم است و بایـد از نیمه نخسـتین این قرن نیز باشـد . گرداگرد این کاشـی‌ها صـلوات کبیر (اللهم صل علی محمـد المصـطفی ...) به ثلث طلایی درون ترنـج‌هایی نوشـته شده است. کاشـی‌کاری خشتی بدنه نو و بی‌ارزش است.

ایوان مقرنس شرقی بقعه کتیبه‌ای کمربندی از کاشی خشتی دارد به نستعلیق سفید عادل قاجار با این متن:

این همایون بقعه مانا جنت دیگر بودکز غبار آستانش عرش را زیور بود

کعبه کویش بود مسجود این هفت آسمان‌پشت گردون از پی تعظیم او چنبر بود

هیچ دانی کیست در این جایگه منزل گزین‌زاده خیر النسا نوباوه حیدر بود

مشقه عادل قاجار سنه ۱۲۸۱

طیب و طاهر دو سرو از بوستان مصطفی است‌شیعیان را مقتدا و خلق را رهبر بود

نسل پاک سید سجاد زین العابدین‌آن امام راستین مر خلق را سرور بود

این منم خادم به زیر معصیت وا مانده‌ام‌مجرم و عاصی همی دست غمم بر سر بود

عمل استاد محمد ولد آباقر

خدیجه خاتون [تصویر ۲۰۹]:

نزدیک مزار طیب و طاهر در چند کیلومتری شهر بقعه‌ای است به نام «خدیجه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۲

خاتون»، هشت‌گوشه با دو درگاه ورود در شرق و غرب و شش صفه در اضلاع دیگر که بنای آن چندان کهن نیست.

در این بقعه از آثار قدیم لوح کاشی روی مرقد است که سه قطعه بوده و قطعه میانه اکنون نیست. این کاشی‌ها مشابه کاشی‌های مرقد «سلطان محمد شریف».

است و باید از قرن‌های هفتم و هشتم باشد. چنین است نوشته متن دو قطعه بازمانده:

«هذا ضریح اولاد الامام المعصوم موسی بن جعفر علیه السلام و هما الاخوین/ بن موسی علیهما السلام و الاختین اسمهما زینب و مریم ابنت الامام المعصوم الشهید المطهر موسی بن جعفر علیهما السلام»

نوشته حاشیه گرداگرد همین لوح سوره فتح تا اواخر آیه چهارم بوده که قسمت بازمانده آن چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ. إِنَّا فَتَحْنا. تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيَكَ صِراطاً مُسْتَقِيماً. وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً. هو الذ/ دوا إِيماناً مَعَ إِيمانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ»

زیر این لوح اکنون دو قطعه کاشی دیگر از همین جنس دیده می‌شود که بر یکی- که نیمی از آن شکسته است- عبارت «بسم اللّه» و بر دیگری «هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تأ» به ثلث درشت نوشته شده، و چنین برمی‌آید که این دو، بازمانده از حاشیه کاشی‌کاری مرقد است که گرداگرد آن را فرامی‌گرفته و متن آن «آیة الکرسی» بوده است.

در ایوان شرقی لوح سنگی بی‌تاریخی است حاکی از تجدید بنای این مزار با این متن به نستعلیق:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۳

«هذا مرقد المطهر المعصوم امامزادگان واجب التعظیم و التکریم شاهزاده عبد الرحمن و عبد اللّه ابنان موسی بن جعفر علیه السلام و زینب خاتون و فاطمه خاتون و خدیجه خاتون و مریم خاتون و رقیه خاتون بنات موسی بن جعفر علیهم السلام.

من بنای حاجی بخش علی بن جعفر آقا قمی»

مبارک‌آباد

بقعه شیخ نور الدین:

در ابتدای قریه مبارک‌آباد بقعه‌ای است خشت و گلی و کوتاه، گویا با دویست سیصد سال قدمت یا چیزی کمتر، که آن را مدفن شیخ نور الدین می‌دانند (شیخ جمال نور الدین هم شنیده شد).

مؤمن‌آباد

زیارت:

بقعه‌ای کوچک در کنار قلعه قدیم‌آبادی که توهمات اهل ده در نیم‌قرن اخیر آن را به‌وجود آورده است.

زالون آباد

اشاره

در سی کیلومتری شرقی قم نزدیک راه کنونی این شهر به کاشان، در حوالی ویرانه‌های قاسم‌آباد که کنار راه قدیم قم قرار داشت .

سکینه خاتون [تصاویر ۲۱۰– ۲۱۲]:

بنای این مزار صفوی است و باید از نیمه نخستین این دوره نیز باشد. نمای
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۴
درونی بنا چهارگوشه با صفه‌ای در هر سو است. نقاشی بی‌تناسب پوشش گنبدی آن از آثار تعمیرات دوره‌های اخیر است.
اثر قابل توجه در این مزار، گنبد بزرگ و مرتفع آن است که بیشتر آرایش ساقه و روی آن فروریخته است. روی گنبد با کاشی معرق بند اسلیمی خوش طرحی آراسته بوده که اکنون تنها چند قسمت مختصر آن برای نمونه باقی است.
آرایش ساقه گنبد که مقداری بیشتر از آن مانده است نخست یک ردیف کاشی خشتی زیبای زمینه طلایی، و سپس زیر آن کتیبه کمربندی گرداگرد با پهنای نیم متر از کاشی معرق است که بر آن سوره جمعه به ثلث سفید نوشته شده، و بیشتر آن از جمله در پایان که جای رقم کاتب و سال تاریخ است فروریخته. و پس از آن در پایین کتیبه میان دو حاشیه بیست سانتی‌متری از نام‌های «اللّه» و «محمد» و «علی» به خط بنائی (حاشیه بالا با خط سفید و پایین سیاه) تزییناتی است زیبا با کاشی سفید از نام «علی» به شکلی خاص .
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۵

۴ قهستان ووازکرود

اشاره

روستاهای جنوب شرقی قم.

لَنگرود

اشاره

در تلفظ و استعمال محلی. همان «لنجرود» یادشده به تکرار در کتاب قم و اسناد کهن، که در سه فرسنگی شهر کنار راه کاشان در آغاز راه فرعی قهستان قرار گرفته است.

حلیمه خاتون [تصویر ۲۱۳]:

گنبدی است ساده و نه‌چندان کهن در میان ده. در ورود آن از ایوان غربی کتابه‌هایی دارد به ثلث با متن «انا مدینهٔ العلم و علی بابها» در بالا، و «حسب الوصیهٔ غفران مآب حاجی آقا علی رحمه اللّه» در میان، و «به سعی ولد آن مرحوم جناب آقا نصر اللّه تاجر کاشانی فی شهر ذی‌قعدهٔ الحرام فی سنهٔ الف و ثلاثمائهٔ و اثنین ۱۳۰۲» در پایین.

شیخ جمال الدین:

بقعه‌ای است از خشت و گل در بیرون آبادی طرف غربی آن. قسمتی از

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۶

سقف و بدنه این بنا فروریخته و ویران شده است.

صَرم

اشاره

در چهار فرسنگی جنوب شرقی قم. نام آن در تلفظ محلی «سلم» است که همین نیز درست‌تر است همچون برخی دیگر از روستاهای قم که به نام سرداران و بزرگان باستانی ایران خوانده شده مانند «گیو» و «قباد و بیژن» (قبادبزن) و «شیرویه» (سیرویه).

مسجد جامع [تصویر ۲۱۴]:

مقصوره آجری جامع صرم- ۹ در ۹ با بلندی ۱۲ متر- از بناهای قرن یازدهم است. سنگ‌نبشته اسپر درگاه ورود شمالی همین مقصوره با این ابیات در متن و حاشیه سال تاریخ بنای آن را به‌دست می‌دهد:

در متن، نخست بالای لوح به نستعلیق:

سال تاریخش جستمی از عدل گفت کز «غیب آمده» کارش

۱۰۶۲

سپس به همان خط:

حاجی صرمی از سر اخلاص مسجدی ساخت بهر عامه و خاص

ملک از آسمان نزول کندبهر این مسجد تمام خواص

سال تاریخش از خرد جستم گفت حمدی و سوره اخلاص

گرداگرد به نسخ:

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۷

عمل ذاکر شاه قلی

حاجی صرمی بنا کرد مسجدی‌تا که باشد سجده‌گاه خاص و عام

وه چه مسجد رشک فردوس برین‌قدسیان را باشد اندر وی مقام

هر که در وی سجده از اخلاص کردآتش دوزخ بود بر وی حرام

شاه زنده [تصویر ۲۱۵]:

مزاری در بیرون دهکده، در دامنه کوه‌های شمالی آن کنار قناتی به همین نام. گنبدی است ساده و کوتاه از سنگ و گچ با دو در ورود از شمال و غرب بدون مرقد با دو سه قرن قدمت.

یک قطعه کاشی نخودی‌رنگ با نقش «محمد» و «علی»- مشابه آنچه در بنای امامزاده عبد اللّه در ابنیه حومه یاد شد- تا یکی دو سال اخیر کنار درگاه ورود غربی این بنا بود که اکنون نیست. دو قطعه سنگ قبر کوچک در این بقعه هست یکی از میرجان بن علی میران بن استاد میرجان گازر کاشانی مورخ ۱۰ محرم ۹۷۱، و دیگری از استاد شرف الدین علی حسن بن شمس الدین اشعری کاشانی مورخ ۹۸۹.

سلطان محمود:

بیرون دهکده در شمال غرب. گنبدی کوتاه و ساده با رواقی در جنوب.

بنای آن کهن نیست.

وِرجان

اشاره

نخستین دیه بلوک قهستان.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۸

شاهزاده عباس:

در کنار مزرعه نیوند از مزارع ورجان. گنبدی است ساده و نو با چهار ایوان در چهار سو.

شاه ابراهیم

اشاره

از مزارع قهستان، نزدیك کیکوهه و سیرویه. نام خود را از مزاری که در این محل به همین نام هست گرفته است.

شاه ابراهیم [تصاویر ۲۱۶– ۲۱۹]:

بنای کنونی این مزار از دوره صفوی است و برای آن پس از این دوره افسانه‌ای همانند بافته‌های بحر الانساب ساخته‌اند که پیش‌تر بر سنگی در همین مزار نوشته بوده، و اکنون آن را در لوحه‌ای نوشته و با قاب و شیشه بر دیوار مزار آویخته‌اند.
گنبد این مزار به بلندی ۷ متر هرمی برجی، و آراسته به کاشی فیروزه‌ای است. درگاه ورود بقعه از سوی غرب در ایوانی باز می‌شود که برابر آن رواقی است و سپس صحن مزار که آب قنات این مزرعه از میان آن روان است. از این رواق دری به مسجد جنب مزار گشوده می‌شود. بالای درگاه مسجد سنگ‌نبشته‌ای است کوچك مشتمل بر نام بانی و تاریخ بنا.
چنین است آثار قدیم این مزار:

I

در منبت بقعه که آراسته به نقوش کنده‌کاری‌شده دقیق و جالب از نام «علی» و جز آن بوده، و اکنون بیشتر تزیینات آن به مرور زمان ساییده شده است.
در قسمت پایین دو لنگه در تاریخ ساخت و نام اهداءکننده آن نوشته بوده که از
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۷۹
آن جمله عبارت «به تاریخ شهر رجب المرجب ... کدخدا ...» خوانده می‌شود.
رقم سال نیز ساییده شده و فروریخته، لیکن گویا در همان سال ۱۰۱۵ یادشده در زیر ساخته شده باشد و به‌هرحال از این تاریخ نباید فروتر باشد.

II

قطعه چوبی منبت به درازا و پهنای ۲۰ در ۸۰ سانتی‌متر که اکنون در بدنه جنوبی ایوان کنار درگاه ورود بقعه، بالای دریچه‌ای کوچك برابر محفظه‌ای قرار دارد با این کتیبه به نستعلیق که از آن برمی‌آید پیش‌تر این قطعه چوب جزئی از دری بوده است:
«لعنت به سگی که فتنه از وی سر زداول در بغض حیدر صفدر زد
از بهر شکستن در شهر علوم‌در بر شکم دختر پیغمبر زد
فی غرة شهر محرم سنه ۱۰۱۵»
با کنده‌کاری‌های ظریف از نام «علی» و جز آن در زیر این کتابه بر بدنه چوب.

III

بر اسپر بدنه جنوبی رواق غربی چهار سنگ‌نبشته مشتمل بر ابیاتی چند نصب است که دو تا از آنها لوح قبر و دو دیگر حاکی از تعمیرات و اقداماتی در این مزار است با این متن‌ها:
۱) سنگ‌نبشته مورخ ۱۰۶۴ حاکی از جریان آب قنات که آن را پیر مهدی بر این مزار خیر کرده است:
«جهان کرم پیر مهدی که کردجوی آب خیر او ز بهر صواب

به صد خرمنش اجر خواهد رسیدز انعام منعم به روز حساب
خوش امروز بادش که فردا کشدجوی آب صد نامه‌اش را به آب
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۰ چو نیکواختری گشت نیکیش کردکز اقبال گردید نیکو مآب
چراغی ز نور سخا برفروخت‌به جایی کز او خور بود نورتاب
درین آستان آسمان پایه‌ایست‌بود کمتر از ذره‌ای آفتاب
ز آه مقیمان ملک دم‌به‌دم‌کند نقد گنج اثر انتخاب
دعا از لب زایرین کام جوی‌اثر از دم عارفان فیض یاب
کمال طلب با اجابت قرین‌نیاز امم با دعا مستجاب
به فراشی درگهش بر سپهرنسیم از لب غنچه ریزد گلاب تربت پاکان ؛ ج‌۲ ؛ ص‌۱۸۰
پی بستن سنبل فرش‌روب‌قدر کرده از زلف حوران طناب
ز رضوان در این روضه تاریخ شدکه رضوان چنین کرد با دل خطاب
۱۰۶۴ ... حاجی محمد»
۲) سنگ‌نبشته مورخ ۱۰۷۸ حاکی از احداث برکه‌ای در کنار مزار:
«گشت ظاهر به لطف سبحانی‌در جهان برکه سلیمانی
آب سرد از برای تشنه‌لبان‌کرد خیرات میرزا جانی
از پدر هم به نام و هم به سخایادگار و محمد ثانی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۱ سال تاریخ این بنای نکوبشنو از من اگر نمی‌دانی
حق به او کین حیات بخشی کردعمر صد ساله دادش ارزانی
*
بگو ز شهر قم استاد این خجسته بنابود عنایت ابن علی بیک بنا
فی شهور سنهٔ ثمان و سبعین بعد الالف ۱۰۷۸ کتبه محمد ابراهیم»
۳) متن یکی از دو لوح قبر که چون بیانگر تعمیری در این مزار است به نقل آن می‌پردازد:
«هو الحی
مرغ روح زکی چو بیرون شدداخل بارگاه رضوان شد
اخ او قاسم آن محب علی‌عامر شاهزاده از جان شد
کرد سبطین مصطفی تعمیرمزد او در بهشت افزون شد
بود چون دوست‌دار آل رسول‌زین سبب همنشین حوران شد
سال تاریخ او اگر خواهی‌این دو مصرع لطیف موزون شد
بود شهر جمادی الثانی‌کل نفس شنید و بیرون شد
سیصد و چار سال بعد از الف‌همچو تقدیر خیر بی‌چون شد»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۲

کَهَک

اشاره

از روستاهای معتبر قم که به‌خاطر اقامت دانشمندانی چون صدر الدین محمد قوامی شیرازی- ملا صدرا، دانشمند و فیلسوف مشهور قرن یازدهم- در آن شهرتی بسزا یافته است، مرکز بخش قهستان در حال حاضر.

معصومه [تصاویر ۲۲۰- ۲۳۳]:

بنای این مزار در دامنه کوهی در شمال غربی کهک از آثار دوره صفوی است.
نمای داخلی بقعه با بلندی حدود هفت متر چهارگوشه، و گرداگرد آن جز در سوی جنوب ایوان‌ها و حجرات و تالارهاست.
گنبد هرمی برجی مزار به سبکی خاص تزیین یافته است.
آثار قدیم مزار اینهاست:
۱) دو قطعه شکسته کاشی فیروزه‌ای خط برجسته به سبک کاشی‌های قرن هفتم و هشتم که بازمانده کتیبه سردر بقعه است. از آن برمی‌آید که متن این کتیبه صلوات کبیر بوده است.
۲) یک قطعه چوب منبت که بازمانده صندوق منبت روی قبر است. گویا پس از سوختن قسمتی از صندوق در اثر سقوط شمع بازمانده آن را برداشته، و این یک قطعه را که مشتمل بر تاریخ آن بوده است نگاه داشته‌اند. سال‌هایی است که تنها همین یک قطعه درون محجر چوبین کنار مرقد افکنده شده است . متن کتابه روی آن چنین است:
«به اهتمام ریاست مآب رئیس امام قلی بن مرحوم یار
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۳
علی ورجانی- عمل استاد تاج الدین فردوئی به تاریخ سنه ۹۹۹»
۳) دو در منبت که در درگاه‌های شمالی و شرقی بقعه نصب بود و هیچ‌یک از آن دو اکنون نیست. بر کتابه‌های میان در شمالی این عبارات خوانده می‌شد:
«جز آستان توأم در جهان پناهی نیست‌سر مرا به جز این در حواله گاهی نیست
این در به اهتمام جناب صاحب اعظم عمدهٔ الصواحب خواجه غیاث الدین علی العربشاهی/ شرف ترصیف یافت.
به تاریخ شهر رجب سنه تسع و ... سعین و تسعمایه.
کتبه الفقیر زین الدین بن محمد فردوئی عفی عنهما/ عمل استاد ملک و استاد جانعلی جاسبی».

چهار امامزاده:

بقعه‌ای در قبرستان کهک که در سال ۱۲۸۵ به استناد خواب یکی از اهالی بنیاد گردیده است .
نزدیک این بقعه، مسجد جامع قریه واقع است که بنای پیشین آن مورخ ۱۱۲۳ بوده ، و در چند قدمی آن آب‌انباری است که

سنگ‌نبشته بالای درگاه ورود آن خوانده نمی‌شود.

شاه قاسم [تصاویر ۲۲۴– ۲۲۷]:

در یکی از مزارع کهک که مزرعه «نره» خوانده می‌شود (یک کیلومتری جنوب شرقی آن) دو بقعه ویرانه که تنها پایه‌های آن برجای مانده و تعدادی الواح

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۴

قبور از قرن‌های دهم و یازدهم هست که آن را به‌صورت مجموع «شاه قاسم» می‌نامند.

در یکی از دو بنا که از سنگ بنیاد شده چند تن از بزرگان خاندان عربشاهی کهک مدفونند. چنین است متن دو لوح از سه لوح قبر موجود در این بنا:

۱) تاریخ وفات مرحمت و مغفرت پناه جنت مکان غریق الی رحمة اللّه الملک الاحد خواجه شمس الدین محمد بن خواجه محمد صالح عربشاهی فی غرة شهر ربیع الاول سنه ۱۰۳۹ تسع و ثلاثین و الف من الهجرة النبویة المصطفویه.

۲)

آقا صفی آن‌که در زمانه‌در خوبی ذات بود ممتاز

چون میل سرای آخرت کردبگذشت از این جهان به صد ناز

قانونی عقل بهر تاریخ‌این تازه نوا نواخت در ساز

کز عالم غیب هاتفی گفت‌با بلبل خلد شد هم‌آواز

عمل نادر العصری استاد امام قلی ولد مرحمت‌پناه استاد شاهقلی المشهور بذاکر سنگ‌تراش. به تاریخ شهر شوال سنه ۱۰۷۶.

در بنای دیگر که آجری است لوح قبری است مورخ ۱۰۱۶. در میان و پیرامون محوطه میان این دو بنا، سه سنگ قبر بزرگ از قرن دهم دیده می‌شود.

*** علی اکبر فیض ادیب و نویسنده قم در دوره ناصری شرحی در باب همین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۵

«شاه قاسم» در یکی از جنگ‌های متفرقات خود آورده است که عینا نقل می‌شود :

«زمانی در ماه ذی حجة الحرام سنه ۱۳۰۲ در خدمت جناب مستطاب نظاما للمجد آقای متولی‌باشی دام مجده العالی بعد از زیارت آستان امامزاده شاهزاده اسماعیل به کهک وارد شدیم، حکایت کردند امامزاده‌ای در این قریه این روزها پدیدار شده. تفصیل را جویا شدیم گفتند مزرعه‌ای این قریه راست معروف و مشهور به مزرعه نره، در مکانی که آب قنات این مزرعه بر روی زمین ظاهر می‌شود که ابتدای زراعت است بعضی دیوار خرابه و آثار بقعه خرابه بود که او را «شاه قاسم» می‌گفتند. یکی از دشتبان و برزگرهای آن مزرعه شبی خواب دیده بود که در شاه قاسم چراغی روشن است، به هوای چراغ آمده بود چون نزدیک رسیده بود آن چراغ خاموش شده بود. صبح که دمیده بود آن مکان را که چراغ دیده بود بکاوید بعضی مردم هم که شنیدند به کمک او آمده، دو سه ذرع چون زمین را حفر کردند سقف سردابه‌ای پدیدار شد. او را که شکافتند سردابه‌ای بود که در وسط او دیواری به ارتفاع نیم ذرع کشیده بودند که زمین آن سردابه از جهت آن دیوار دو قسمت شده بود، در هریک از آن قسمت‌ها سه میت در میان تابوت خوابیده بودند. یکی از آن میت‌ها را در پوست گرفته اطراف او را میخ زده بودند.

اجساد ایشان از هم متلاشی شده، استخوان سر و ساق ایشان برجا و بی‌عیب بود. کوزه آبی در بالای سر یکی از اموات نهاده بودند. فضای آن سردابه سه ذرع در سه ذرع بود. جناب افلاطون الزمان میرزا محمد حسن طبیب خلف مرحوم حاجی میرزا رضای طبیب که از معاریف آن قریه است به

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۶

همین تفصیل حکایت کردند و فرمودند در میان آن سردابه خودم رفته بودم به همین تفصیل بود.

اکنون آن مکان را امامزاده می‌نامند و محل زیارت شده است».

*** از آثار قدیم دیگر کهک بنای ویرانه بیرون قریه در سر راه بیدهند است که آن را «چهار طاقی» می‌نامند و گویا پیش‌تر مقبره‌ای بوده که اکنون جز پایه‌های آن برجای نیست. بنایی دیگر نیز به همین نام در میان ده بود که اخیرا برای توسعه چهارراهی ویران شد و چند لوح قبر با تاریخ‌های ۱۱۴۲ و ۱۱۵۷ و مانند آن‌که در آن بود کنار چهارراه بر دیوار نصب گردید. چند مقبره عمومی قدیم نیز در کهک و پیرامون آن هست که ترتیب قدمت آن چنین است: قبرستان مزرعه نو/ قبرستان آوین/ قبرستان عالیجه (پایین مزار معصومه در دامنه کوه روبه‌روی آن) با الواح قبور از قرن‌های یازدهم و دوازدهم/ قبرستان بقعه در شمال دهکده با الواح قبور از ۱۲۰۰ تا ۱۲۶۰/ قبرستان کنونی کهک با سنگ‌های قبر از قرن دوازدهم به بعد.

ابَرجِس [تصویر ۲۲۸]

یا «ابرگس» در استعمال محلی. در این دیه سه مزار هست یکی با نام «در بن علی» در مزرعه ازناوه در مدخل ابرجس، و دیگری با نام «شاهزاده قاسم» در بالای قریه. و در کنار قریه از سوی غرب درون رودخانه ابرجس زیارتگاهی دیگر است که چون با «خواب‌نما» پدیدار شده هنوز نامی برای آن نیافته‌اند. قدیم‌ترین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۷

این سه، زیارتگاه «در بن علی» است و بنای هیچ‌یک کهن نیست.

بِیدهَند

اشاره

همان «ویدهند» از قراء جبل قم مولد و منشأ شرف الدین ابو طاهر سعد بن علی بن ممیسه قمی وزیر مشهور سلطان سنجر سلجوقی ، و اوحد الدین ابو ثابت ممیسه وزیر فارس برادر او . دهی دیگر در پیرامون قم بوده است به نام هندوجان که اکنون «هندیجان» گفته، و جزء شهر شمرده می‌شود و آن جز این «ویدهند» است.

«آل هندو» که از خاندان‌های بزرگ قم بوده و تنی چند دانشمند و ادیب- از جمله ابو الفرج علی بن حسین هندو حکیم و ادیب مشهور قرن پنجم، درگذشته ۴۲۰- از آن برخاسته‌اند منسوب به همین «هندوجان» هستند .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۸

امامزاده فاضل:

بیرون دهکده بالای کوهی کوچک مشرف بر آن. بقعه‌ای ساده که در سال ۱۲۶۰ به استناد توهمات عامیانه ایجاد گردیده است .

قبرستان:

روبروی قلعه قدیم آبادی. سنگ قبرها از قرن دهم به بعد است با چند ده قطعه سنگ بزرگ و تزیین شده.

کِرمِجگان

شاه‌پور علی:

یا «نور علی». در یکی از مزارع کرمجگان به نام «در باغ». بقعه‌ای است ساده، و کهن نیست.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۸۹

قُباد بزن

اشاره

همان «قبادان بزن» از قراء جبل یادشده در ترجمه کتاب قم ، میان کهک و میم (تلفظ و استعمال کنونی اهالی نیز «قادبون بزن» است).

شاهزاده محسن:

در مظهر قنات دهکده. بقعه‌ای ساده با ایوانی در شمال. کهن نیست.

مِیَم

اشاره

از قراء قدیم قم که شراب آن مشهور و مرغوب بوده است .

شاهزاده اسحاق:

در قسمت «بالا» ی دهکده برابر چناری کهن سال با قطر پیرامون سه متر.

بقعه‌ای ساده از خشت و گل که در سال ۱۲۸۰ به استناد ادعای «خواب‌نما» پدیدار گردیده است .

دَستگِرد

اشاره

دستجرد . روستایی دیگر در بخش خلجستان به همین نام هست که اکنون تابع تفرش است. دانشمندان دستجردی قرن ششم گویا منسوب به این «دستجرد»
تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۰
دوم باشند .

شاهزاده ابراهیم [تصویر ۲۲۹]:

در میان دهکده. بنایی ساده با گنبدی مخروطی از نیمه دوم دوره صفوی.

سنگ‌نبشته کوچک بالای درگاه ورود با این متن حاکی از سال بنای آن است:

نام شاهان واجب التعظیم‌از خدا طالب است و ابراهیم
سوی جنت سرای مرقدشان‌ره ... نمود عقل سلیم
سال هفتاد و چار بعد هزارشد تمام این بنا که باد مقیم

حلیمه خاتون:

بقعه‌ای کوتاه و ساده در نزدیک بقعه پیش که کهن نیست.

بیرقان

اشاره

در ترجمه کتاب قم: بیرکان از قراء جبل.

شاهزاده اسماعیل [تصاویر ۲۳۰– ۲۳۸]:

در دامنه کوه بیرقـان. از مزارات مشـهور و قـدیم قم که آن را خاکجـای اسـماعیل فرزنـد امـام صـادق (ع) و محمـد بن موسـی الکاظم (ع) می‌پندارند و مرکب از یک بقعه با دو ایوان در شمال و جنوب و رواقی طولانی در جانب غرب بناست.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۱

بنای بقعه به بلندی پیرامون ۸ متر (نخست به شکل چهارضلعی، و سپس با پیش آمدن گوشوارها هشت‌ضلعی با سقف گنبدی) می‌توانـد مربوط به پیش از دوره صـفوی باشـد که در آغـاز دوره قاجاری به‌وسـیله حسـینقلی خان برادر فتحعلی شاه- که بر او شوریده و به جنگ برخاسته بود- مرمت شده، و رواقی در غرب با درازای حدود پانزده متر بر آن مزید گردیده است.

چنین است آثار قدیم این مزار به ترتیب قدمت:

۱) کاشی‌های ازاره بنا- یا شاید پیش‌تر ازاره مرقد که پس از گذاردن صندوق منبت روی آن به ازاره بنا انتقال یافته است-. ده قطعه از این کاشـی‌ها اکنون در موزه آسـتانه قم نگاهـداری می‌شود که چنـد قطعه آن از کاشـی‌های زرفام مغولی است و باید کار خاندان «ابو طاهر» باشد. در پایان کتابه کناره یکی از این قطعات که متن آن ابیاتی از شاهنامه است عبارت:

«فی شهور سنهٔ احدی و ستین و ستمائه»

خوانده می‌شود. چند قطعه دیگر فیروزه‌ای با نقش و خط برجسـته است که بر یک قطعه آن- که دوبر بوده و دو سوی لبه‌ای را می‌پوشانده- عباراتی از سوره یاسین دیده می‌شود.

۲) صـندوق منبت گرداگرد مرقد به بلندی بیش از یک متر و درازا و پهنای ۲ در ۹۰/ ۲ متر که باید از اواخر قرن دهم یا اوائل یازدهم باشـد و اثری ارزنـده است با کنده‌کاری‌های هنرمندانه و کتیبه‌ای گرداگرد به ثلث که متن آن سوره «فتح» است. دیگر کتـابه‌هـای صـندوق به علت قرار گرفتن در پشت محجر چـوبین دیـده نمی‌شود. بر مرقـدی کوچـک که در گوشه بقعه (زاویه شمال شـرقی) هست و آن را از آن فرزنـد «شاهزاده اسـماعیل» می‌دانند نیز چند قطعه چوب کنده‌کاری‌شده قرار دارد که گویا بقایای صندوقی منبت است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۲

۳) در منبت درگـاه غربی که نیز اثری ارزنـده است گویـا از آغـاز دوره قاجـار با کنـده‌کاری‌های منبت و مشـبک بر صـفحات فولادین روی چهارچوب در.

۴) دو در دیگر یکی در مدخل رواق با عبارت:

«عمل رحیم جاسبی ۱۲۱۴»

روی دماغه آن، و دیگری ساده و قـدیم در مـدخل بقعه پیشاپیش و پیوسـته به در منبت یادشـده پیش با نقش چهار «علی» میان هریک از دو لنگه آن.

۵) کاشی‌های فیروزه‌ای روی دو مرقد که عنوان لوح قبر دارد و از نیمه نخستین دوره قاجار باید باشد.

۶) یکی از دو سنگ‌نبشته ایوان جنوبی حاکی از تعمیر بنا به سال ۱۲۱۴ به وسیله حسینقلی خان قاجار با این متن:

«هو الحی الذی لا یموت

کرد تعمیر این خجسته بنااز سعادت ز دوده قاجار

فخر ایران حسینقلی خانادر هزار و دویست و ده و چهار»

۷) منبر قدیم مزار مورخ محرم ۱۲۲ که گویا ۱۲۲۰ باشد.

۸) کتیبه کاشی گرداگرد درگاه ورود در سه ردیف که ردیف میانه سوره جمعه است به خط ثلث با این عبارات در پایان:

«بنا استاد کاظم التماس دعا دارد از زوار

عمل طاهر متخلص به عشاق

طاهر ضعیف‌تر بود از مور روزگاردستش به روز حشر به دامان هشت و چار

کاتب محمود»

دو ردیف دیگر ابیاتی است سست، سروده طاهر قصاع و مجرم با تاریخ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۳

۱۲۶۹ در پایان هر دو ردیف. در بالای درگاه ورود نیز این آیه شریف بر کاشی به ثلث نوشته شده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ »

۹) سنگ‌نبشته دیگر ایوان جنوبی مورخ ۱۳۰۴ حاکی از آن‌که در این سال سطح مزار سنگ‌فرش شده است با این متن:

«کُلُّ مَنْ عَلَیْها فانٍ وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِکْرامِ

حرم شاهزاده اسماعیل‌شرح وصفش برون بود از حد

اندرین روضه بهشت آئین‌هیچ‌کس را دعا نگردد رد

هست چون شمع محفل جعفرهست چون سرو گلشن احمد

نتوان کرد تا به روز قیام‌شرح ذاتش بیان یکی از صد

زان‌که جدش به خلوت معراج‌از شرافت نشست بر مسند

کرد شوقی سؤال تاریخش‌گفت پیر خرد که در ابجد

عدد تربت بری از عیب هست تاریخ سنگ این مرقد»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۴

وِشنَوِه

اشاره

از قراء جبل . موطن شمس الدین علی بن محمد وشنوی از دانشمندان سده ششم .

مسجد جامع پاچنار:

بنای کنونی این مسجد نوساز است. در آن منبری است منبت که روی پایه‌های آن گرداگرد صلوات کبیر به خط ثلث خوانده می‌شود. این کتیبه در سمت راست منبر با این عبارات پایان گرفته است:

«الحجهٔ القائم الخلف الصالح الامام الهمام المنتظر المظفر محمد المهدی صاحب الزمان صلوات اللّه علیه و علیهم اجمعین»

کتابه اصلی منبر که متضمن نام بانی و تاریخ ساخت منبر است به ثلث زیبا چنین است:

«تمام شد این منبر عالی در ایام سلطان السلاطین فرمان فرمای هفت اقلیم ... ظل اللّه فی الارضین فهرمان الماء و الطین ابو

المظفر شاه اسماعیل بهادر خان خلد اللّه ملکه و سلطانه در تاریخ ثانی عشر من شهر شعبان سنه ستهٔ و عشرین و تسع مائهٔ هجریه.

الساعی للمنبر العالی الخواجه زین الدولهٔ و الدنیا و الدین علی بن سلطان علی».

شاهزاده هادی:

بقعه‌ای در بیرون دهکده از سوی شمال. بنای آن نو نیست لیکن از سه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۵

قرن نیز نباید قدیم‌تر باشد. رنگ‌آمیزی بدنه بنا از همین چند سال اخیر است و از آثار قدیم در این مزار چیزی دیده نمی‌شود.

فُردو

اشاره

که «فرد» تلفظ می‌شود و در نسخه چاپی ترجمه کتاب قم به‌صورت «فرده» آمده است . از موقوفات قدیم آستانه مقدس قم.

امامزاده [تصویر ۲۳۹]:

بقعه‌ای ساده و کوتاه بالای تپه‌ای کوچک میان گورستان قریه که آن را.

مدفن شش تن می‌دانند. در برابر در ورود بقعه یکی دو سنگ قبر کوچک با تاریخ‌های ۱۰۷۲ و ۱۱۵۰، و درون قبرستان چند سنگ قبر کهنه از جمله دو سنگ بزرگ از قرن یازدهم دیده شد لیکن بنای «امامزاده» این‌قدرها قدیم نیست.

باوره

اشاره

مزرعه‌ای در یک فرسنگی دهکده فردو، برفراز کوه‌های جنوب شرقی آن.

نام این مزرعه در ترجمه کتاب قم نیز آمده است.

این مزرعه و مزرعه «خاوه» در سوی دیگر «فردو» در سال ۱۰۹۲ وسیله زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی بر آستان مقدس حسینی (ع) وقف گردیده است . قسمت مربوط به این دو جا از وقف‌نامه زبیده بیگم- که متن آن به‌صورت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۶

کامل در شماره ۱ و ۲ سال نهم نامه آستان قدس نشر شده- چنین است:

«و منها ما وقع فی بلوک دار المؤمنین قم همگی و تمامی کل شش دانگ قریه خاوه عن بلوک قهستان من محال مدینهٔ المؤمنین قم با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از ممار و مداخل و مضافات و قنوات و جداول و انهار و اراضی و صحاری و مراتع و مرابع و معالف و دهکده و اعیان و عمارات و تلال و جبال، و کلما یتعلق بها شرعا او عرفا قدیما او جدیدا داخلا او خارجا دایرا او بایرا و غیر ذلک، کتب فیه ام لم یکتب.

و همگی و تمامی کل شش‌دانگ قریه معینه معلومه مشخصه موسومه به قریه بوره عن قراء بلوک قهستان من محال مدینهٔ المؤمنین قم، با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه اسلامیه و شرب و مشارب و قنوات و انهار و جداول و معالف و مراتع و مرابع و دهکده و عمارات و حمامات و تلال و جبال و سایر ما یتعلق بها قدیما جدیدا داخلا خارجا و غیر ذلک، سمی ام لم یسم» .

امامزاده [تصاویر ۲۴۱– ۲۵۱]:

مزاری که آن را خاکجای چهار تن از نوادگان «شاه چراغ» شیراز می‌دانند.

دو نام از نام‌هایی که برای مدفونان معتقدند با نوشته صندوق‌های قبور جدایی دارد .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۷

بنای مزار مرکب از دو گنبد پیوسته به یکدیگر قدیم است لیکن از نظر فنی ارزشی ندارد. اثر ارزنده و جالب توجه در این مزار در منبت درگاه شمالی آن و دو صندوق منبت گنبد جنوبی است که مربوط به پیش از دوره صفوی و از نفائس فن منبت‌کاری قدیم است و باید از آن نگاهداری شود. دو صندوق دیگر هم در گنبد شمالی است که از قرن یازدهم است و به این نفاست نیست.

در منبت مزبور که بی‌تردید همزمان با صندوق‌های گنبد جنوبی (یا به تعمیر دقیق‌تر جنوب شرقی) و بدون شک پیش از قرن دهم پرداخته شده پوشیده از آرایش‌های ظریف است جز آن‌که قسمتی از پایین لنگه چپ آن سوخته و تزیینات صفحه میان همین لنگه نیز از میان رفته است.

گرداگرد و روی پایه‌های میان لنگه‌ها به خط ثلث نوشته‌ها و کتابه‌هایی است این‌چنین:

[لنگه راست]: قال النبی صلی اللّه علیه و سلم حب علی ابن ابی طالب حسنهٔ لا یضر معها سیئهٔ و بغض علی ابن ابی طالب سیئهٔ لا ینفع معها حسنهٔ. صدق رسول اللّه العربی.

قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم یا علی لا- یحبک الا مؤمن تقی و لا یبغضک الا منافق شقی. و قال علیه السلام لو جمع الناس علی حب علی ابن ابی طالب .... صدق رسول اللّه العربی.

[لنگه چپ]: قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم من فرح قلب المؤمن خلق اللّه تعالی ملکا بصورهٔ الطیر له جناحان احدهما بالمشرق و الثانی بالمغرب ملکا بالدر و الیاقوت و عنقه ... و رجلاه فی تحت الثری و له الف رأس و فی کل رأس الف وجه و فی کل وجه الف فم و فی کل فم الف لسان یسبحون اللّه تعا [لی] ..... العربی الهاشمی صدقت.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۸

نام هنرمندانی که این در را آراسته و پرداخته‌اند در میان دو لنگه به این صورت ثبت گردیده است:

عمل استاد مهدی ابن فخر الدین بن عماد الکاشی تاج الدین و عماد ابن مهدی الکاشی سید محمد ابن سید احمد باوره [یی]

صندوق‌های گنبد جنوبی که از شاهزاده محمد و شاهزاده حسین دانسته می‌شود پوشیده از آرایش‌های ظریف با کتابه‌هایی به

خط خوش ثلث در لبه صندوق است این‌چنین:

۱) یکی از دو صندوق که در میان تزیینات زیبای آن نام‌های مقدس نیز کتیبه شده است و در پایین رویه جنوبی آن کتابه زیر به خط کوفی دیده می‌شود:

«لا اله الا اللّه، محمد رسول اللّه، علی ولی اللّه و الحسن و الحسین»

کتابه لبه صندوق آیهٔ الکرسی است که به عبارت «لَا انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ » در بدنه جنوبی پایان می‌گیرد.

۲) صندوق دیگر با این کتابه در چهارسوی لبه آن:

«قال النبی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات علی منی کمنزلتی من ربی. و قال النبی علیه السلام لا یجوز احد الصراط الا من کتب له علی بن ابی طالب الجواز. صدق رسول اللّه العربی الهاشمی.

قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و سلم اربعهٔ انا شفیع لهم یوم القیامهٔ المکرم لذریتی و القاضی لهم بحوائجهم و الساعی لهم فی امورهم و المحب لهم بقلبه و لسانه. صدق رسول اللّه و صدق اولاد رسول اللّه و هم من الصادقین فیه»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۱۹۹

در بدنه جنوبی صندوق پیوسته به این کتابه و پایین آن به‌صورت سرازیر خوانده می‌شود:

«کتبه العبد الفقیر المحتاج الی الغنی عبد السلام بن عبد الحی»

* دو صندوق دیگر مزار- که از آن دو زن دانسته می‌شود- با کنده‌کاری ظریف گرداگرد لبه‌های چهار بدنه هریک آراسته شده و کتابه‌هایی به خط نسخ دارد این‌چنین:

۳) یکی از دو صندوق گنبد شمالی که در لبه آن صلوات کبیر به این شکل نوشته شده است:

اللهم صلی علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتول فاطمه و السبطین الحسن و الحسین و صلی علی زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضی علی و تقی محمد و نقی علی و الزکی العسکری حسن ابن علی و صلی علی الحجهٔ القائم خلف الصالح امام الهمام المنتظر المظفر محمد المهدی الهادی صاحب الزمان صلوات اللّه و سلامه علیه و علیهم اجمعین و صلی اللّه علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین برحمتک یا ارحم الراحمین

این کتیبه در دو بدنه شمالی و جنوبی است و در ردیف آن در بدنه غربی که نزدیک دیوار مزار است نوشته‌ای است که این مقدار آن را توانستم بخوانم:

«وقف نمود عظمت مآب معصوم ... شاهزاده واجب التعظیم شاه عبد اللّه و شاه منصور علیه السلام»

و در ردیف آن در بدنه شرقی این عبارت کتیبه شده است:

«به تاریخ غره شهر جمادی الاول سنه اثنی ثلاثین و الف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۰

فی هجریهٔ النبویهٔ صلی اللّه علیه و آله و سلم، حرره العبد نور اللّه بن حبیب اللّه»

۴) صندوق دیگر این گنبد با این کتیبه در لبه آن:

«اللهم صل علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتول فاطمهٔ و السبطین الحسن و الحسین و صل علی زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضا علی و التقی محمد و النقی علی و الزکی العسکری الحسن و صل علی الحجهٔ القائم خلف الصالح امام الهمام المنتظر المظفر محمد المهدی»

بر پایه‌های میانه بدنه‌های شرقی و غربی و جنوبی این صندوق کتابه‌هایی است به سبک عمودی با این متن‌ها:

[بدنه جنوبی] «وقف ... سعادت مآب سید امیر علی به تاریخ شهر ربیع الاول سنه ثلاثین و الف. حرره العبد نور اللّه ...»
[بدنه شرقی] «عمل فخر الصناع استاد ولی و استاد امیر علی و استاد اصغر نجار»
[بدنه غربی] «این صندوق به اهتمام جناب ریاست مآب میرزا رئیس قلی ابن مرحمت‌پناه پهلوان محمود (؟)».
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۱

۵ خلجستان

اشاره

در جنوب قم. قسمتی از آن‌که داخل محدوده کنونی شهرستان قم است و آن را پیش‌تر «وادی اسحاق» می‌خوانده‌اند ، با بناهای دو روستای تقرود و راهجرد و قراء کنار رودخانه اناربار تا آنجا که جزء قم است.

تَقَرود

اشاره

در پنج فرسنگی جنوب غربی شهر. نام این روستا در «کتاب قم» به‌صورت «طخرود» آمده است . این منطقه در پایان دوره ساسانی بسیار آباد و معتبر بوده و در جنگ نهاوند چهار هزار سپاهی از آن همراه گروهی انبوه خدمتکار حضور و مشارکت داشته‌اند .

شاهزاده طاهر:

بیرون دهکده تقرود. بنای آن صفوی است لیکن ساده و تهی از هرگونه
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۲
آرایش. در کنار بقعه قبر میرزا رضا وزیر دفتر است از رجال دوره قاجار با لوحی که پیکره او با لباس سلام بر آن نقش گردیده است.

طایقان

در چهار فرسنگی جنوب قم . همان «طاقان» یادشده به تکرار در کتاب قم.
جزء رستاق اناربار که همین اراضی کنار رودخانه است .
در مدخل این دیه گورستانی است به نام «مزار شهیدان» که در حال حاضر لوح و نوشته‌ای در آن نیست. زیارتگاهی نیز در همین سال جاری (۱۳۵۲) براساس «خواب‌نما» در آن پدیدار گردیده که آن را «امامزاده غیبی» نام داده‌اند و هنوز تذکره و نسب‌نامه برای آن نساخته‌اند.

خدیجه خاتون

اشاره

در پنج فرسنگی جنوب قم، نزدیک راه شوسه این شهر به اصفهان، در بستر شرقی رود انار. نام این دیه از مزاری که در کنار آن به همین نام قرار دارد گرفته شده است.

بقعه خدیجه خاتون [تصاویر ۲۵۲- ۲۶۳]:

در بیرون قریه و مدخل آن. منسوب به دختری از فرزندان امام ششم- ع.

این بنا را غیاث الدین امیر محمد فرزند خواجه علی صفی امیر بزرگ خاندان

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۳

علی صفی به سال ۷۷۰ بنیاد نهاده است.

نمای خارجی بنا نخست چند متری سنگ‌چین و پس از آن گنبد برجی هرمی و قاعده مضلع آن آجری است. نمای درونی از سطح زمین تا سه متر چهار گوشه با دو درگاه ورود در شمال و جنوب و دو صفه در شرق و غرب است که در بالا با پیش آمدن گوشوارها در زوایا، به هشت‌گوشه و سپس به شانزده‌ضلعی با چهار نورگیر در جهات اصلی دگرگون شده و پس از آن سقف گنبدی بنا با بلندی پیرامون یازده متر از سطح زمین قرار دارد.

در مرکز سقف شمسه‌ای از گل و بوته گچبری‌شده که گرداگرد آن میان دو حاشیه زنجیره‌ای چند سانتی‌متری- حاشیه نخست از نام «محمد» و دومی نقش و نگار- کتابه‌ای است با این متن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ- شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بدنه سقف تا بالای نخستین کتیبه سراسری با کنده‌کاری و ملاط سازی گچی آراسته شده، و هشت شکل هندسی بزرگ با کناره‌ها و حواشی گچبری از نام «محمد» بر آن رسم گردیده است. متن نخستین کتیبه سراسری که در گلوبند بقعه به خط کوفی میان دو حاشیه- فرازین از نام «محمد» و زیرین از نام‌های مقدس «اللّه، محمد و علی» و عباراتی چون آن- گچبری‌شده سوره حمد است.

پس از این کتیبه بدنه نماهای دوازده‌گانه قسمت شانزده‌ضلعی با کنده‌کاری گچی، و گرداگرد آنها و چهار نورگیر با حاشیه‌ای زنجیره‌ای از نقش‌ونگار و در یکی دو بدنه از نام «محمد» آراسته شده، و پس از آن در آغاز قسمت هشت‌گوشه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۴

دومین کتیبه سراسری بنا به ثلث برجسته در زمینه گل و بوته با این متن گچبری شده است:

ذکر القدیم اعلی و بالتقدیم اولی- امر بتجدید بناء المشهد المقدس مضجع السیدهٔ المعصومهٔ خدیجهٔ بنت الامام المعصوم جعفر بن الامام محمد الباقر بن علی بن الحسین بن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم الصلاهٔ و السلام المولی المخدوم الصاحب الاعظم الدستور الاعدل الاعلم عمدهٔ اعاظم الوزراء فی العالم اعتضاد الملوك و السلاطین المؤید بتأیید رب العالمین غیاث الحق و الدولهٔ و الدین الافتخار و النظام ایران امیر محمد بن المولی المخدوم المطلق

در اینجا کتیبه دوم در ضلع شمالی بنا پایان گرفته و دنباله آن در سومین کتیبه سراسری که زیر گوشوارها به ثلث برجسته بر بدنه پایه‌های غربی و جنوبی و شرقی گچ‌بری شده به این شرح آمده است (آغاز از کنار درگاه غربی):

المطاع الشهریار الاعدل الاعلم خلیفة العرب و العجم صاحب السیف و القلم حافظ البلاد ناصر العباد مدبر امور المملکة و خلاصة ترکیب الماء و الطین جمال الحق و الدولة و الدنیا و الدین علی صفی ایدهما اللّه تعالی و نصرهما علی اعدائهما و ابد دولتهما فی شهور سنة سبعین و سبعمائة.

این کتیبه چنان‌که گفته شد بر پایه‌های غربی و جنوبی و شرقی و به تعبیر دقیق‌تر زیر گوشوارهای جنوب غربی، جنوب شرقی و شمال شرقی است. و در ردیف خط آن زیر گوشوار شمال غربی و سه جانب درگاه‌های چهارگانه بنا به همان خط و شکل سوره یاسین تا آیه نهم گچ‌بری شده که زیر گوشوار شمال غربی آغاز

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۵

شده و پس از طی این نیمه بدنه غربی و درگاه‌ها با عبارت «أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ» در اسپر درگاه شمالی پایان گرفته است و پس از آن در کتابه همین درگاه خوانده می‌شود:

بید این جانی درویش علی حاجی طاهر و درویش ابراهیم بن حسن حلاج

در دنباله همین کتیبه بر نیمه دوم بدنه شمالی که زیر گوشوار شمال غربی است این عبارت دیده می‌شود:

هذا العمل للعبد بن محمد علی ابو شجاع [و حس] ن بن علی خلو ...

بدنه درگاه‌ها و گوشوارها با کنده‌کاری گچی، و گرداگرد آنها با حاشیه‌ای زنجیره‌ای و رنگین از نقش‌ونگار- جز در دو گوشوار شمال غربی و جنوب شرقی که متن حاشیه نام‌های مقدس «اللّه، محمد و علی» است- آراسته شده است.

بر دو سوی بدنه جنوبی زیر کتیبه سراسری سوم کتیبه‌ای از کاشی خشتی زمینه لاجوردی با پهنای کم دیده می‌شود که بر مجموع آن این ابیات میان ترنج‌هایی به نستعلیق سفید ثبت است:

«خاتون جهان خدیجه خاتون‌کز رتبه‌اش آسمان زمین است

هم دخت ششم امام باشدهم عمه شاه هشتمین است

اینجاست به خاک و ماه ازین خاک‌با خرمن خویش خوشه‌چین است

اسکندر بی‌قران که از جاه‌با قدر سکندر او قرین است

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۶ بر مرقد او ضریح بگرفت‌یعنی که جهان گرفتن این است

شهر محرم الحرام ۱۳۲۱

روی مرقد میان بنا شاید پیش‌ترها لوح کاشی بوده که اکنون چیزی نمودار نیست. بدنه مرقد با کاشی‌های هشت‌پر به سبک کاشی‌های مغولی آراسته بوده که گویا در طی قرون بسیاری از آنها شکسته و ریخته، و روی باقی‌مانده را گچ کشیده‌اند. در حین تحریر این سطور (خرداد ماه ۱۳۵۲) دو قطعه، یکی درست و دیگری شکسته با کتیبه‌ای در حاشیه که هر دو قهوه‌ای‌رنگ است بر بدنه شمالی مرقد (در زاویه شمال غربی) و بقایای یک قطعه دیگر بر بدنه شرقی با ریختن پوشش گچی از پشت محجر چوبین نمودار است.

شاهزاده ابراهیم:

و شاهزاده اسماعیل. گنبدی است کوتاه و ساده داخل قبرستان بقعه در نزدیک مزار پیش، که نمای خارجی آن اخیرا مرمت شده و اصل بنا هم چندان کهن نیست.

شاهزاده زکریا:

گنبدی دیگر کوتاه از خشت و گل در نزدیک دو بنای پیش که کهن نیست.

خلج آباد

اشاره

در ساحل شمالی رود انار، روبه‌روی قریه خدیجه خاتون، که در اواخر
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۷
قرن گذشته آباد و به این نام موسوم شده است .

امامزاده:

زیارتگاه بیرون آبادی که بقعه‌ای است خوش‌منظر با چهار ایوان در چهار سو. بنای آن از نیمه دوم دوره قاجار است.

جَنداب

شاهزاده عباس:

بیرون آبادی نزدیک دیه قاضی پایین و مزرعه زیبکان. گنبدی ساده و تهی از تزیین گویا از نیمه نخستین دوره قاجار.

قَرَه‌سُو

مقابل جنداب در جانب چپ راه قم به اراک. در بیرون این آبادی در دهه‌های اخیر زیارتگاهی بنا کرده‌اند.

قَلعِه چَم

اشاره

در هفت فرسنگی قم، کنار راه این شهر به اصفهان و بر کناره رود انار.

شاهزاده عبد اللّه:

این زیارتگاه در سال ۱۳۲۴ قمری به استناد خوابی پدیدار گردیده، و چون در کنار راه قم به اصفهان قرار گرفته است با برخورداری از توجه و اقبال عابران سبیل اکنون بقعه و قبه‌ای معتبر دارد که در همین سال‌های اخیر بنیاد و تکمیل شد.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۸

حصار سرخ

اشاره

در نزدیک نیزار (تقاطع راه‌های تهران- اصفهان و قم- اصفهان).

آقای غائب:

مزاری به این نام که آن را مدفن «سید محمد» نامی می‌دانند. گنبدی ساده و کوتاه با یکی دو قرن قدمت. می گویند سنگ‌نبشته‌ای داشته است که بر آن وقف‌نامه قطعه زمینی مجاور مزار نوشته بوده، و آن را برای تصرف همین قطعه ربوده و از میان برده‌اند.

راهجِرد

این دهستان دو پیر به نام‌های «پیرمراد» و «پیرقیصر»، و بقعه‌ای با نام «خواجه حسن»، و سه امامزاده یکی به نام «شاهزاده جعفر» (در آغاز راه فرعی روستای راهجرد از راه قم- اراک) و دیگری به نام «امامزاده عبد الصالح و عبد الخالق» (کنار دهکده مزبور) و سومی با نام «سه خواهران» در مزرعه «ریزاه» (میان همین ده و ده «دیزیجان» که مجاور آن است) دارد و بنای هیچ‌یک کهن نیست.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۰۹

۶ ضمیمه

اشاره

در اینجا از یکی دو بنا واقع در دنباله اراضی کنار رودخانه پس از «نیزار» (تقاطع راه‌های تهران- اصفهان و قم- اصفهان)، و در روستای «راونج» که از نظر اداری تابع شهرستان محلات و در نقشه سازمان آمار کشور داخل محدوده شهرستان قم است یاد

می‌شود.

ساریه خاتون

اشاره

بر کناره رود انار پیش از «دودهک». نام آن از مزاری که در میان قریه به همین نام قرار دارد گرفته شده است.

ساریه خاتون:

بنای کنونی این مزار که بقعه‌ای است در پایین چهارگوشه و در بالا هشت ضلعی با گنبدی ضربی و ساده و با رواقی در شمال بنا، چندان کهن نیست. این ابیات که به نستعلیق گرداگرد در ورود شمالی بقعه بر سنگ مرمر نوشته شده حاکی از تاریخ تجدید بنای آن است:

رهروی را که عقل گشت دلیل کی شود در دو کون خوار و ذلیل

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۰ چیست عقل آن‌که توشه‌ای سازدتا برد با خود آن به‌وقت رحیل

هست آن توشه یادگار نکوچون پل و برکه و رباط و سبیل

که ز اخلاص بنده مؤمن‌کند احداث بهر رب جلیل

بانی این مکان فیض آثارکیست نور دو دیدگان خلیل

میرزای زمانه نور الدهرکه بود عمر وی چو خضر طویل

این‌چنین روضه‌ای نمود بناکه بود مهر و مه در او قندیل

روضه دختر امام به حق‌هادی خلق و رهنمای سبیل

موسی بن جعفر صادق‌شرف دودمان اسماعیل

حضرت ساریه که بود و بودخادمش حور و محرمش جبریل

یافت این روضه چو خلد برین‌زیب اتمام و زیور تکمیل

گشت واجب که جویمش تاریخ‌از نکوسیرتان به وجه جمیل

پیر صافی درون تاریخی‌پاسخم داد از ره تعجیل

کین مکان شریف ساخت بگوی‌دهر نیکو نهاد ابن خلیل

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۱

در بغله چپ درگاه ورود شمالی قطعه کاشی فیروزه‌ای کوچکی است که گویا بالای درگاه ورود بنای پیشین مزار بوده و پس از تجدید بنا به اینجا نقل گردیده است. با این متن:

«بنائ بقعه معصوم‌زاده ساریه خاتون درویش دانیه بن درویش محمد بن درویش شمس الدین بنا، التماس فاتحه دارد. خداش بیامرزد که فاتحه بخواند. فی تاریخ محرم سنه سبع عشر و تسعمایه ... استاد مظفر بن محمد ...»

اثر قدیم دیگر در این مزار محجر خاتم گرداگرد قبر است که باید از قرن یازدهم باشد و ارزنده است. این محجر را اکنون محجر چوبین ساده دیگری احاطه کرده است.

راونج

شاهزاده سلیمان:

داخل گورستان قریه، بنای آن چند صد سالی قدمت دارد. کهن‌ترین اثر مکتوب این مزار سنگ قبر کوچکی است در ایوان بقعه با تاریخ گویا ۱۰۳۷.

پیر داود:

بیرون راونج. بنای آن کهن نیست.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۲

بناهای قدیم محدوده پیشین شهرستان قم

موضوع دو مجلد کتاب حاضر همان‌طور که در مقدمه مجلد اول گفته شد معرفی بناها و آثار قدیم محدوده کنونی شهرستان قم است.

در مناطق مجاور این محدوده که پیش‌تر جزء قم شمرده می‌شده است نیز آثاری قابل توجه وجود دارد که نگارنده بیش‌تر آنها را دیده و خصوصیات لازم را یادداشت نموده‌ام. تاریخ بخشی مهم از این مناطق که تا همین اواخر جزء شهرستان قم بود- به‌خصوص منطقه جاسب و خلجستان- از تاریخ قم جدایی‌ناپذیر است.

بنابراین معرفی بناها و آثار قدیم آنها به سبک دقیق و علمی، در چهارچوب کارهای مربوط به قم و تاریخ و گذشته آن ضروری است که امید است نگارنده یا دیگری توفیق چنین خدمتی را داشته باشد.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۳

خاتمه چند سند مربوط به این مجلد

اشاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۵

مطالعه و بررسی درباره بناها و آثار قدیم قم و پیرامون آن تا اینجا پایان می‌گیرد. در معرفی این آثار کوشش شد جز کتیبه‌ها، همه اسناد و مصرحات تاریخی که بتواند گوشه‌هایی از تاریخ آن را- بیش از آنچه در کتاب‌های معمول و متداول تاریخ قم گفته شده است- روشن سازد ثبت و نقل گردد. با این‌همه همچنان‌که دیده شد در مورد مزارات این منطقه- برخلاف بسیاری

نقاط دیگر و علی‌رغم قدمت و اعتبار بیشتر آنها- کمتر سندی مکتوب در دست است.

متصدیان و خدمتگزاران کنونی مزارات شهر جز آستانه مقدس حضرت فاطمه هیچ‌یک (گویا بدون استثناء) سابقه ممتدی ندارند. طولانی‌ترین سابقه‌ها از دو سه نسل پیش‌تر نیست. اسنادی که خاندان‌های خدمتگزار پیشین مزارات و مشاهد بدون تردید در دست داشته‌اند معلوم نیست چه شده است که نگارنده با فحص و جستجوی بسیار، و با آن‌که اسناد دیوانی و شرعی و اجتماعی بسیاری مربوط به قم از گوشه و کنار به‌دست آورده تاکنون به سندی مهم در این‌باره برخورد ننموده است.

در مورد مزارات بیرون شهر نیز این حکم عینا صادق است. آنچه تاکنون آگاه شده‌ام متصدیان دو مزار «هادی مهدی» جمکران «و چهار امامزاده» باوره فردو اسناد و احکامی از دوره صفوی و قاجار در دست دارند که توفیق استفاده از آنها در این مجموعه حاصل نشد. مزارات و مشاهد دیگر پیرامون شهر و بلوکات

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۶

تا آنجا که اطلاع دارم اسناد مهمی ندارند لیکن متصدیان مزارات واقع در بخش تابع تفرش از خلجستان- که پیش‌ترها تابع قم بوده است- اسناد معتبری در دست دارند که قسمتی از آنها را دیده و از برخی عکس گرفته‌ام.

در میان اسنادی که به مرور یافته‌ام چند سندی مربوط به برخی مدارس قدیم این شهر به نظر رسید که برای آن‌که این مجلد نیز از بخشی درباره اسناد خالی نباشد به نقل آنها در اینجا مبادرت می‌رود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۷

اسناد چهار مدرسه قدیم از مدارس قم در پایان دوره صفوی

اشاره

قدیم‌ترین و نخستین مدارسی که در قم بنیاد شده همان‌هاست که شیخ عبد- الجلیل رازی قزوینی در کتاب شریف النقض یاد کرده، و نوشته است که «به ذکر همه کتاب مطول شود» . او ۹ مدرسه از آن جمله را برشمرده و نام برده است این‌چنین:

* مدرسه سعد صلت

* مدرسه اثیر الملک

* مدرسه سید سعید عز الدین مرتضی قدس اللّه روحه

* مدرسه سید امام زین الدین امیره شرف شاه الحسنی که قاضی و حاکم است

* مشهد ستی فاطمه بنت امام موسی بن جعفر علیه السلام با اوقاف و مدرسه و فقهاء و ائمه به زینت تمام و قبولی عظیم

* مدرسه ظهیر الدین عبد العزیز

* مدرسه استاد ابو الحسن کمیج

* مدرسه شمس الدین مرتضی با عدت و آلت و مدرس و درس

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۸

* مدرسه مرتضی کبیر شرف الدین با زینت و آلت و حرمت و قبول .

از مآخذ و اسناد دوره‌های بعد نام برخی دیگر از مدارس قم در آن روزگاران دانسته می‌شود . در دوره صفوی نیز مدارسی نو بنیاد شده و برخی مدارس بازمانده از دوره‌های پیش تجدید بنا و توسعه یافته بود . از آن جمله مدرسه آستانه حضرت ستی

فاطمه بود که در این دوره تجدید بنا گردید و «فیضیه» نام گرفت.

در سال‌های اخیر قرن یازدهم تا اواخر دوره شاه سلطان حسین مدارس متعددی در قم بنا شده و برخی از مدارس پیشین آن تعمیر و مرمت گردیده است.

در بخش مدارس قدیم همین کتاب دانستیم که مدرسه رضویه در سال ۱۰۹۴ وسیله ابدال بیک مرمت شده بود .

مدرسه جانی خان نیز گویا در نیمه دوم قرن یازدهم بنا شده است . سه مدرسه دیگر وسیله رجال بزرگ دوران صفوی در سال‌های ۱۰۹۵ و ۱۱۱۳ و ۱۱۲۳ در این شهر ساخته شده است.

اینک چند سند مربوط به چهار مدرسه آباد پایان دوره صفوی این شهر:

مدرسه فیضیه:

اشاره

مدرسه آستانه مقدس حضرت ستی فاطمه که از بنای پیشین آن- چنان‌که

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۱۹

دیدیم- در کتاب النقض یاد شده بود.

در وقف‌نامه یکصد و ده مجلد کتابی که شاه عباس اول در سال ۱۰۳۷ بر آستانه مقدس و این مدرسه وقف داشته است و وقف‌نامه هفتاد و پنج مجلدی که میر محمد هاشم گیلانی در سال ۱۰۶۴ بر این دو جا موقوف داشت از آن با نام «مدرسه آستانه» یاد می‌شود. پیش از آن نیز در خلاصهٔ التواریخ قاضی احمد قمی ذیل وقایع سال ۹۹۴ از آن با همین نام یاد گردیده است .

نسخه‌ای از «الغنی و المنی» در تهران بوده است به نستعلیق مورخ ۲۰ ذ ق ۱۰۷۳ در مدرسه معصومه قم . نسخه‌ای نیز از مفاتیح الشرایع فیض به شماره ۵۳ در کتابخانه آستانه ری است نوشته مسیب بن میر صفی حسینی در جمعه ۲۵ محرم ۱۰۹۰ در مدرسه فیضیه قم . نسخه‌ای از کتاب النفس ابن سینا در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است که تحریر آن ظهر جمعه ۱۰ شوال ۱۰۹۴ در مدرسه فیضیه فاطمیه قم انجام گرفته است . در کتابخانه مدرسه فیضیه نیز نسخه‌ای است از شمع الیقین میرزا حسن لاهیجی مورخ ج ۱- ۱۱۲۰ در مدرسه فیضیه قم .

افندی در ذیل سرگذشت ملا عبد الرزاق لاهیجی که «مدرس مدرسه معصومه قم بود» از این مدرسه یاد کرده است .

اروپاییانی که در دوره شاه عباس دوم و شاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۰

سلیمان از قم بازدید نموده‌اند بنای آن روزگار این مدرسه را وصف کرده‌اند .

اینک یک طغرا سند مربوط به این مدرسه از قرن یازدهم:

۱ وقف‌نامه نسخ کتب اربعه حدیث که علامی فهامی مولانا محمد کاظم مدرس مدرسه سلطانی قزوین به وکالت نواب دانشمند خان وقف مدرسه آستانه مقدس حضرت معصومه در دار المؤمنین قم نموده بود.

سند شماره ۱ بیاض منشآت «سفینه» گردآوری شده به سال ۱۰۸۴ در قزوین ، مجموعه شماره ۹۲۵۲ کتابخانه مجلس شورای ملی (ص ۴۴- ۴۸):

صدرنشین محافل افعال و اقوال درةُ التاج تارک هرامری ذی بال حمد و ثنای خداوند دانایی است عز شأنه که کاتب قدرتش به قلم ایجاد صحیفه عالم امکان را به ارقام بدایع صنایع مرقوم گردانیده و طلبه عقول و رای بندگان را در مدارس ایمان و حجرات کاخ دماغ از مطالعه این کتاب الهی به سعادت شناسایی خود رسانیده است. در طریق معرفتش هر لاله تری چراغی و هر خار خشکی نشانه‌ایست در باغی، و نقوش حکمتش هر گلبرگی کتابی و هر غنچه کتاب‌خانه‌ای. دیده‌ها را جهت خواندن خطوط آثار خویش سواد مردمک داده و دبیر خرد دوراندیش را برای شناساندن خویش از کتب اربعه چهار فصل در پیش نهاده، دل دانشمند را در صفه سینه مسند تدریس جای نموده و تلامذه حواس پنجگانه را جهت تحصیل معرفت اشیاء به ملازمت خدمت وی امر فرموده، ساحت معرفت خود را بدایت وجود به فروغ آفتاب محمدی از ظلمت هر شک و شبهه پرداخته و طریق بندگی خویش

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۱

را به نور ارشاد آن مهر سپهر فرخندگی و اهل بیت کرام و عظام او بر جمهور عالمیان روشن و مبرهن ساخته.

صنوف صلوات بی‌حد و ضروب تسلیمات فزون از عد بر ارواح طیبین و طاهرین آن برگزیدگان احد که بوستان شرع و دین به آب ارشاد و تلقین ایشان همیشه تازه است و اوراق ضوابط ملت و قواعد شریعت را به رشته اخبار و آثار این سلسله علیه پیوسته شیرازه.

و بعد بر هوشمندان صاحب خرد و ممیزان نیک و بدظاهر است که پربهاتر زیوری که جمال و کمال انسانیت را لایق و سزا، و فاخرتر خلعتی که بر قامت قابلیت آدمی موافق و براز است ممارست علوم دینیه است که در دنیا و عقبی مایه نجات و رستگاری است و زینت پایه قصر کرامت و بزرگواری. سحاب باران رحمت و چشمه‌سار زلال مغفرت. در ظرف آراء مختلفه طالبان را به سرمنزل تحقیق رهنماست و در چاهسار شبهات باطله سالکان را در کف شعور قایم مقام عصا. مذاق جان را در سر خوان محامد و فضایل به جای نمک است و دیده بصیرت را در دیدن دقایق حقایق به منزله عینک. راحله طریق زندگی است و قافله سفر بندگی.

و معدن گوهر این فضیلت کبری و منبع زلال این سعادت عظمی چه می‌تواند بود جز کتاب خدا و آثار ائمه هدی صلوات اللّه و سلامه علیهم اجمعین که کعبه مراد را «این یکی راه است و آن یک راهبر» و آسمان ارشاد را «این یکی شمس است و آن دیگر قمر». آن یک بحر ز خاری است فرایدِ فوایدش به گوش هوش مستمعان رسیده و این یک ابر مدراری است که از آن [مزرع] کشت بی‌پایان ایمان مؤمنان را خرمی و طراوت بخشیده. گوهر یقین را در ظلمات تکلیفات جهل‌اندوز جز به نور این دو چراغ عالم‌افروز نتوان جست و چهره احوال خویش را از غبار حیرت و ضلال جز در این دو چشمه زلال کوثر و تسنیم مثال نتوان شست.

و در ضبط و جمع آثار ائمه اطهار از علمای دیندار مساعی جمیله به ظهور

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۲

رسیده و هریک به ترتیبی آن لئالی بی‌قیمت بحر بی‌کران طهارت و عصمت را با سرانگشت قلم صدق رقم به رشته تألیف کشیده‌اند. و امتن آن مؤلفات و اتقن آن مصنفات کتب اربعه حدیث است که هریک از آب صدق و صفا بحری است مواج و هرکدام در شب دیجور غوایت سراجی وهاج. و فقیه را جهت تهذیب عقاید دینیه و استبصار در معارف یقینیه همین چهار

کافی است و علل عیون بصایر را کحل الجواهر مطالعه همین احادیث شریفه نافع و شافی. امراض مزمنه قلبیه را تریاق اربعه آن چهار کتاب دافع است و استسقای باد غرور جهل مرکب را شربت چهار پنج این چهار اصل نافع.

دین را کتب اربعه چون جان باشداین چهار کتاب رکن ایمان باشد

هنگام جهاد نفس این چار کتابچار آینه صاحب عرفان باشد

و شک نیست که در تحصیل و ترویج این کتب شریفه ساعی بودن و طلبه علوم دینیه را در مطالعه و مذاکره آنها اعانت نمودن از افضل حسنات و اجزل مثوبات است.

بنابراین وحید عصر و فرید دوران منبع جود و احسان، ارزنده گوهر درج دانش و کمال فروزنده اختر برج عظمت و اجلال، مجموعه محامد صفات گلدسته محاسن ملکات، مخلص دودمان ولایت‌نشان عالی‌مقدار والاشان، نواب دانشمند خان قربهٔ الی اللّه و طلبا لمرضاته این چهار کتاب شریف را به تفصیل ذیل که از آن جمله این مجلد است به حسن اهتمام خدام والامقام افادت و افاضت‌پناه فضایل و کمالات دستگاه حقایق و معارف آگاه علامی فهامی مولانا محمد کاظم مدرس مدرسه سلطانی واقع در دار السلطنه قزوین به اتمام رسانیده، وقف طالب علمان شیعه مدرسه آستانه مقدسه منوره متبرکه حضرت معصومه علیها الف الف ثناء و تحیهٔ که در دار المؤمنین قم واقع است نمود.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۳

حضرت افادت و افاضت‌پناه مومی الیه به وکالت آن عالی‌جناب صیغه وقفیت بر قانون مذهب حق اثنا عشری گفته، تولیت آنها را به مدرس آن مدرسه- و اگر مدرس متعدد باشد مابین ایشان- تفویض نمود. وقفا صحیحا ما دامت السموات و الارض، الی ان یرث اللّه الارض و هو خیر الوارثین. فمن تعرض لابطالها و تصرف فیها بغیر شرط واقفها فقد باء بغضب من اللّه و سخطه و مأواه جهنم و بئس المصیر.

❋ مدرسه نجف قلی بیک:

اشاره

نجف قلی بیک تنکابنی غلام خاصه شریفه شاه عباس دوم و ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه شاه سلیمان که رقم همین خدمت او در مجموعه منشآت شماره ۱۸۹ کتابخانه ملی رشت- فیلم ۲۰۲۰ دانشگاه- و نسخه شماره ۵۸۳ کتابخانه مجلس سنا و منشآت شماره ۱۳۳ ج دانشکده ادبیات دانشگاه تهران هست، درگذشته بامدادان ۱۰ ذ ح- ۱۰۹۹ ، در سال ۱۰۹۵ یا اندکی پیش از آن مدرسه‌ای در قم بنا کرده و کتاب‌هایی بر آن وقف داشته است .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۴

۲ وقف‌نامه آغاز نسخه‌ای از من لا یحضره الفقیه که آن را نجف قلی بیک ناظر بیوتات سرکار خاصه شریفه در ۲۲ ج ۲ – ۱۰۹۵ بر مدرسه‌ای که خود در دار المؤمنین قم احداث کرده بود وقف نموده است (نسخه شماره ۳۸۸ کتابخانه مدرسه فیضیه قم) با مهر او در پایان.

این نسخه از متملکات شخصی نجف قلی بیک بوده و در آغاز آن عبارت «چند روزی به عاریت با ماست. اقل العباد نجف قلی ناظر از بابت ابتیاعی ملا گنج علی در سنه ۱۰۹۲» با مهر او دیده می‌شود.

نسخه‌ای دیگر از کتاب‌های موقوفه این مدرسه با همین وقف‌نامه در آغاز آن مورخ همین سال در کتابخانه خاندان حاج سید جواد قزوین هست .

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۵

بسم اللّه الرحمن الرحیم

وقف صحیح شرعی نمودم قربهً الی اللّه و طلبا لمرضاته کمترین خلق اللّه نجف قلی ناظر بیوتات (سرکار خاصه شریفه) این کتاب را با چند جلد دیگر بر مدرسه جدیده واقعه در دار المؤمنین قم که از جمله مستحدثات این بنده درگاه است که طلبه سکنه مدرسه مذکوره و سایر طلبه سکنه بلده مزبوره به اذن مدرس مدرسه که نایب شرعی متولی آنجاست منتفع شوند به شرط آن‌که از بلده قم بیرون نبرند و مادامی که اهل مدرسه محتاج به کتب مذکوره بوده باشند به غیری ندهند و هرگاه به طلبه خارج مدرسه بدهند شرط آن است که در هریک ماه اذن جدید از نایب متولی بطلبند و بی‌اذن جدید نگاه ندارند و نفروشند و رهن نکنند و خلاف شرایط مزبوره را نامشروع دانند.

و کان ذلک فی ۲۲ شهر جمادی الثانی سنه ۱۰۹۵.

* مدرسه مؤمنیه:

اشاره

بنای اصلی مدرسه مؤمنیه قم از آثار میرزا محمد مؤمن خان اعتماد الدوله وزیر اعظم شاه سلطان حسین است که آن را در سال ۱۱۱۳، با چهل و دو حجره بنیاد نموده و املاک و مستغلاتی چند بر آن وقف داشته است.

میرزا محمد مؤمن خان اعتماد الدوله فرزند حیدر خان فرزند زینل خان شاملو است که پیش‌تر ایشک آقاسی باشی دیوان بوده و در نوروز سال ۱۱۱۰ پس از عزل میرزا طاهر واقعه‌نویس به وزارت شاه سلطان حسین رسید و در اواخر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۶

ج ۲- ۱۱۱۶ در مشهد درگذشت . نام و سرگذشت مختصر و نمونه شعر او با عنوان «مؤمن شاملو نواده زینل خان» در تذکره نصرآبادی هست. در همان‌جا سرگذشت کوتاه و نمونه شعر برادر او «محمد جعفر بیک» نیز دیده می‌شود .

او را فرزندی بوده است به نام محمد قلی بیک که در سال ۱۱۲۳ به حکومت هرات منصوب گردید . محمد باقر بن محمد حسین طبیب مشهور به غلام مکنون شرح ذهبیه (طب الرضا) خود را به نام همین، محمد مؤمن خان اعتماد الدوله ساخته است .

نام او در دستور الملوک و جاهایی دیگر نیز هست.

بنای مدرسه مؤمنیه چند سال پیش تجدید شد. سردر پیشین مدرسه کتیبه‌ای داشت از کاشی خشتی که تا این تجدید باقی بود و در متن آن، این ابیات به نستعلیق زرد نوشته شده بود:

در زمان شه ستاره شیم‌آسمان طبل و آفتاب علم

الذی صاح حکم نافذه‌عن سواد القلوب قم یا غم

خسرو عهد و داور دوران‌شاه گیتی و قبله عالم

ساخت این مدرس سپهر اساس که از آن شد بنای دین محکم

ساخت بر شیعیان آل علی.........

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۷ یافت اتمام این خجسته بناکه بود کعبه‌سان مطاف امم

عبید بندگان درگاهش‌مؤمن شاملو امیر عجم

زد رقم افهم از پی تاریخ‌بهترین مدارس عالم

سنگ‌نبشته‌ای نیز پیش‌تر بالای درگاه ورود مدرسه، میان کتیبه مزبور قرار داشته است مشتمل بر نام و خصوصیات موقوفات مدرسه که آن را سالها پیش برای تصرف همین موقوفات ربوده و از میان برده‌اند.

این مدرسه کتابخانه‌ای معتبر و مهم داشته که برخی نسخ آن تا این اواخر در بیوت علمی قم نگاهداری می‌شده و از آن جمله نسخه‌ای از نکاح وافی، که پس از تجدید بنای مدرسه به کتابخانه جدید آن بازگردانده شده است .

نکته گفتنی دیگر درباره مدرسه مؤمنیه این‌که: آن را در دوره‌های اخیر با نام «مدرسه تحویلخانه» نیز می‌شناخته‌اند. در تواریخ متأخر قم وجه این تسمیه چنین دانسته شده که در حمله افغان از این مدرسه به عنوان محل تحویل جنس دیوانی استفاده می‌نموده‌اند. درست آن است که این کار در دوره حکومت کیکاوس میرزا فرزند فتحعلی شاه انجام می گرفته ، و شهرت مدرسه به آن نام از همین دوره بوده است.

اینک با چهار طغرا از اسناد این مدرسه آشنا می‌شویم:

۳ وقف‌نامه موقوفات مدرسه مؤمنیه مورخ رمضان ۱۱۱۸ از میرزا محمد مؤمن خان اعتماد الدوله که طی آن یک‌دانگ و نیم از دیه قمرود و دو خان و یک بازار (مشتمل بر ۲۲ دکان) را بر مدرسه مزبور وقف داشته است.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۸

سوادی از این سند مهم در بیاض منشآت گردآورده یکی از قمیان در دوره شاه سلطان حسین هست که براساس همان سواد استخراج و نشر می‌شود:

الحمد للّه الذی وقف عقل العقلاء حائرا فی مواقف جلاله و کبریائه و سخف فکر الفضلاء قاصرا عن الانتهاء الی مدارک صفاته و اسمائه. و نصلی علی سید الانبیاء و مبلغ الانباء و اشرف اهل لارض و السماء، المعزز بتعزیز «وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ» المکرم بتکریم «وَ لکِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَ خاتَمَ النَّبِیِّینَ»، صلی اللّه علیه و آله الذین هم مصابیح الایمان و مفاتیح الجنان، و قد انزل فی شأنهم تبصرة للعالمین و تذکیرا:

«إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیراً»، سیما سید الاوصیاء و اشرف الاولیاء و حجة اللّه علی اهل الغبراء و الخضراء، المخصوص باختصاص «إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ» المعلی بتعلیة «من کنت مولاه فعلی مولاه» المکرم بتکریم «انا مدینة العلم و علی بابها»، سلام اللّه علیه و علی اولاده المعصومین سلاما دائما بدوام السموات و الارضین.

اما بعد مؤمنان ثواب کیش و مالکان عقل عاقبت‌اندیش که به حسن تدابیر صائبه اساس بنای سعادت دارین را به مصالح خیرات و مبرات باقیه محکم ساخته و حاصل مزارع نشأتین را به صدقات جاریه آبیاری و حسب الواقع بجمع آن پرداخته‌اند

خوشه‌چین خرمن «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِی كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللَّهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ» گشته، طایران

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۲۹

آشیان مثوبات جاودانی را دانه‌خور خیرات و مبرات خود نموده‌اند. چراغ افروز انجمن حیات ابدی «المؤمن حی فی الدارین» گردیده و در طی معامله با مشتری ازلی که سرمایه سعادت لم یزلی است از راه «يُسارِعُونَ فِی الْخَيْراتِ»* شتافته، به ربح بی‌زیان و نفع بی‌پایان رسیده‌اند و به بذل بهترین اموال در سایه خورشید پایه بی‌زوال «المؤمن فی ظل صدقته یوم القیامة حتی یقضی اللّه بینه و بین خلقه» آسوده. گوهر گرانبهای «ثواب الآخرة خیر من نعیم الدنیا» را آویزه گوش شاهد رغبت نموده و به سودای «وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولى» سرمه‌کش دیده بصیرت گردیده. و به مؤدای کریمه عظیمه اعنی آیه وافی هدایه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ» در معامله با خدای عز و علا سودمندی دیده‌اند.

مع هذا چون در این زمان خیر اقتران و عهد ثواب‌اندیش خاطر ملکوت ناظر اعلی حضرت سلیمان حشمت سکندر شوکت سپهر منزلت خورشید رفعت مشتری سعادت بهرام صولت کیوان جلالت قبله سلاطین دوران آیین زمان قدوه خواقین محمدت قرین جهان، واقف مواقف عالمگیری و کشورستانی بانی مبانی جهانبانی، رفعت‌افزای سپهر سلطنت و شاهی خورشید آسمان ظل اللهی

گر بر درش سپهر زند لاف از گزاف‌سر در کمند آوردش کهکشان کشان

در عهد او نکنده خزان از درخت رخت‌وز عدل او نداده کس از بدنشان نشان

ثمره شجره طیبه سیادت و برتری نوباوه حدیقه ولایت و سروری، باسط بساط امن و امان رافع لوای عدل و احسان، السلطان بن السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابو المظفر و المنصور سمی جده ثالث الائمة علیهم السلام شاه سلطان حسین الصفوی الموسوی بهادر خان لا زالت سفاین دولته القاهرة

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۰

مشحونة باسباب الفتح المبین و جواری سلطنته الباهرة جاریة فی بحار الایام الی یوم الدین.

که همگی عالمیان و تمامی جهانیان خصوصا بندگان آستان و صوفی‌زادگان قدیم خاندان ولایت‌نشان به مقتضای «الناس علی دین ملوکهم» در میدان خیرات گوی مسابقت از سابقین ربوده و در تحصیل دعای خیر به جهت ذات اقدس اشرف کارگذاری مساعی جمیله نموده.

بناء علیه نواب مستطاب معلی القاب فلک جناب عالمیان مآب مبادی آداب وزارت و شوکت و اقبال‌پناه، عظمت و حشمت و رفعت و اجلال دستگاه، شهامت و بسالت و مناعت و عوالی و اعالی انتباه، مرجع ارباب السیف و القلم مرضیة الخصال و الشیم مجمع محاسن الکمالات و الکرم، الدستور الاعظم الاکرم کافل مصالح الامم سلطان وزراء العرب و العجم، مدبر امور السلطنة بالرأی الصائب الاتم مزین مسند الوزارة بوفور الفضائل و وفور الهمم، المستغنی ذاته الشریف عن الاطالة فی الالقاب لعلو الذات و سمو الصفات، صوفی‌زاده قدیم خاندان ولایت‌نشان، عالی جاهی اعتضاد السلطنة البهیة السلطانیة، آصف جاهی اعتماد الدولة العلیة العالیة الخاقانیة، الواثق بعون اللّه المنان محمد مؤمن خان ابد اللّه تعالی ایام وزارته العظمی الی انقضاء الارض و السماء تقربا الی اللّه العظیم و ابتغاء لوجهه الکریم یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی اللّه بقلب سلیم.

وقف صحیح شرعی و حبس موبد ملی نمود

I

تمامی و همگی دو بند گاو از جمله پنج بند گاو ملک طلق نواب مستطاب واقف از کل هشت بند گاو مزرعه قمرود من محال قم که از غایت شهرت مستغنی از تعریف و توصیف است با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه و ما یتعلق بها و ینسب الیها

تربت پاکان، ج ۲، ص: ۲۳۱

II و تمامی شش‌دانگ خان و بازار متصل به آن‌که مبنی است بر بیست و دو باب دکان واقعه در سر چاه حسن من محلات قم با جمیع توابع و لواحق بالتمام

III

و جملگی خان واقعه در کنار میدان مشهور به کاروانسرای حاجی نظر را بالتمام بر مدرسه مبارکه مؤمنیه مشتمل بر چهل و دو حجره واقعه در دار المؤمنین قم که از جمله وقفیات و بناهای خیر نواب مستطاب ایران مآب است به شرطی که سکنه آن از فرقه محقه امامیه اثنی عشریه کثر اللّه امثالهم و بلغهم فی الدارین آمالهم بوده باشند.

و نواب مستطاب واقف امنه اللّه من المخاوف تولیت موقوفات مزبوره را به نفس نفیس خود مادام حیا باقیا- عمره اللّه اطول الاعمار و وقاه صوارف اللیل و النهار- و بعد از آن به ولد ارجمند سعادتمند خود اعنی جناب ستوده آداب مفاخر انتساب، الذی حاز فی عنفوان الشباب من انواع المکارم النصیب الاعلی و فاز مع حداثهٔ السن من اصناف المحاسن بالقدح المعلی، امیرزاده اعظم اکرم حیدر بیکا- وقاه اللّه تعالی و بلغه بما تمناه-. و بعد از آن بر ارشد اولاد ذکور او هکذا ما تعاقبوا و تناسلوا- کثرهم اللّه و ابقاهم و من جمیع المکاره وقاهم-، و با وجود مانع از جانب ایشان تولیت به ارشد ذکور اولاد اناث او ما تعاقبوا و تناسلوا و باوجود عدم ایشان به ارشد اصلح برادران امیرزاده سابق الالقاب، و بعد از ایشان به ارشد اصلح اولاد ذکور ایشان، و باوجود مانع به ذکور اولاد اناث ایشان ما تعاقبوا به شرط تقدم بطن اول بر ثانی.

و نواب مستطاب واقف- امنه اللّه تعالی من المخاوف فی المواقف- مصارف این وقف مؤبد و حبس مخلد را چنین مقرر فرمودند که آنچه حاصل و مداخل موقوفات مزبوره- که عبارت از دو بند گاو قمرود و دو خان، و بیست و دو دکان واقعه در دار المؤمنین قم است- به هم رسد بعد از وضع حقوق دیوانی و اخراجات

تربت پاکان، ج ۲، ص: ۲۳۲

و تعمیرات مدرسه و موقوفات و مایحتاج ملکی و اربابی و خرج قنوات و سایر ما یحتاج و ضروریات و مئونات آنچه بوده باشد یک عشر لحق التولیه مخصوص جناب معلی القاب متولی است در هر مرتبه از مراتب تولیت. و حجره‌ای را روزی مبلغ شصت دینار تبریزی رسانند و حجره اول را که در وقت داخل شدن به جانب یسار واقع است روزی یک صد دینار دهند و دو نفر خادم را از قرار هریک روزی پنجاه دینار مقرر دارند و اگر حاصل و مداخل موقوفات مزبوره زیاده یا کمتر از این مصارف به عمل آید زیاد و کم نمودن مصارف مزبوره در هر مرتبه به اختیار جناب متولی است و در هر مرتبه تعمیر مدرسه و موقوفات را مقدم دارند.

و نواب معلی القاب واقف- سلمه اللّه تعالی من جمیع المخاوف- حق التولیه ایام خود را چنین مقرر فرمودند که هرسال به قدر دوازده سال نماز و روزه و دوازده ختم کلام اللّه مجید از برای نواب جنت‌مآب بهشت آرامگاه [...] از مردم صالح متدین استیجار، و ثواب آن را به روح پر فتوح او هدیه نمایند.

و وظیفه طلبه سکنه مدرسه آن‌که به کسب علوم دین و انتشار معارف یقین و اشتهار احادیث و اخبار ائمه طاهرین صلوات اللّه علیهم اجمعین قیام و اقدام داشته، اوقات خود را باطل و مدرسه را معطل نگذارند.

و نواب مستطاب واقف- حفظه اللّه تعالی من المخاوف- بعد جریان الوقف علی الوجه المزبور و وقوع الشروط علی النهج

المسطور محال مزبوره را به یـد تولیت قبض نمود و جمیع شرایط صحة الوقف و لزومه مـا نطقت به الشریعة المطهرة متحقق گشت.

فقد صارت المذکورات مع توابعها و لواحقها منخرطة فی سلک سایر الموقوفات الشرعیة القطعیة المؤبدة التی لا تباع و لا توهب و لا ترهن و لا تبدل و لا تغیر بوجه من الوجوه و سبب من الاسباب، الی ان یرث اللّه الارض و من علیها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۳

و هو خیر الوارثین. و من سعی فی تغییره و ابطاله فعلیه لعنة اللّه و ملائکة و الناس اجمعین. و بجمیع ذلک کله وقع الاشهاد من الثقات الذین علیهم الاعتماد.

و کان ذلک فی لیلة القدر من شهر رمضان المبارک من الشهر الثانی من النصف الثانی من الثلث الثانی من النصف الثانی من العشر الثانی من المائة الثانیة من الالف الثانی من الهجرة النبویة علی مهاجرها الف الف التحیة. و الحمد للّه اولا و آخرا. سنه ۱۱۱۸.

[گواهی میر محمد باقر ملاباشی:]

بسم اللّه الرحمن الرحیم- الحمد للّه الواقف علی السرائر و الضمائر و الصلوة علی سید الاوایل و الاواخر محمد المبعوث من اشرف العشایر و علی اهل بیته الموقوف علی ولائهم غفران الکبائر و الصغائر.

و بعد فان عالی جاه النواب المستطاب الخان العظیم الشان الرفیع المکان الدستور الاعظم و المخدوم المکرم المعظم، جانی ثمر الفتح و الکرم من غصن السیف و القلم، شمس فلک الوزارة العظمی بدر سماء الایالة الکبری، مدار الایران و اهالیه ملاذ اعاظم العصر و اعالیه، لا زالت اعلام وزارته و دولته فی مواقف الخلود و الدوام منشورة و ارقام عظمته و ایالته علی صفحات اللیالی و الایام مسطورة، وقف جمیع ما سطر فی هذه الوثیقة الانیقة ابتغاء لوجه اللّه الکریم، ثم اخرجه من جملة متملکاته العاقبة مدی الایام و جعلت یده العلیا ید التولیة الدائمة بدوام الشهور و الاعوام.

و کتب الداعی لدوام الدولة القاهرة السامع لاعتراف جناب عالی جاه الواقف نصره اللّه تعالی من المخاوف بتمام ما رقم فی هذه الصحیفة الصحیحة

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۴

محمد باقر بن اسماعیل الحسینی الخاتون‌آبادی.

[محل مهر] ...

۴ وکالت‌نامه مورخ ۴ ج ۲- ۱۲۷۹ در مورد دودانگ مشاع از کل شش‌دانگ مزرعه اللّه قلی بیک خلجستان قم که از موقوفات مدرسه مؤمنیه بوده است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

مخفی و مستور نماند که دودانگ مشاع از جمله شش‌دانگ مزرعه مسماة به مزرعه اللّه قلی بیک که این دودانگ از قرار مذکور وقف بر مدرسه مؤمنیه مخروبه واقعه در قم است که حال مدتی است که خرابه و بلاسکنه می‌باشد و بلامتصدی است و برفرض واقف شود که دودانگ وقفی مزرعه مزبوره را به عالی‌جناب قدسی انتساب فضائل و فواضل اکتساب علام فهام عمدة العلماء العظام و زبدة الفضلاء الکرام مخدومی آقا شیخ محمد حسن سلمه اللّه تعالی واگذار نمودم و جناب ایشان را

وکیل و مأذون در تصرف و مداخله در دودانگ مزبور نمودم که به نحو صرفه و غبطه تصرف نموده، آنچه منافع و مداخل که از آن عاید شود در مصارف اقرب به وقف صرف نماید.

فی ۴ شهر جمادی الاخرهٔ ۱۲۷۹.

۵ [مصالحه‌نامه]

مصالحه‌نامه استیفاء منافع سه‌ساله دودانگ مزرعه مدعوه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۵

به اللّه قلی بیک من قراء خلجستان قم موقوفه مدرسه مؤمنیه، مورخ ۲۹ صفر ۱۲۸۲.

۶ حکم یوسف بن محمد حسن (آشتیانی)

مورخ ج ۲- ۱۲۹۱ خطاب به حاجی اسحاق خان نایب الحکومه خلجستان درباره دو دانگ مزرعه اللّه قلی بیک موقوفه مدرسه مؤمنیه قم. در این حکم گفته شده است که نایب الحکومه مزبور باید ملک موقوفه را به تصرف وکیل شیخ محمد حسن داده، صورت انجام عمل را برای عرض به خاک پای همایونی برای او بفرستد.

❊ مدرسه خان:

اشاره

تربت پاکان ؛ ج۲ ؛ ص۲۳۵

رسه خان قم از مدارس دوره صفوی این شهر است و آن را مهدی قلی خان فرزند علی قلی خان فرزند قرچقای خان در سال ۱۱۲۳ بنیاد نموده است.

قرچقای خان سپهسالار شاه عباس اول از مشهورترین امرای دوره پادشاهی اوست. نام و سرگذشت او در همه کتاب‌های تاریخ این عهد آمده است . دو فرزند او منوچهر خان و علی قلی خان هر دو از اهل فضل و کمال و صاحب مآثر و آثار بوده‌اند.

منوچهر خان که فرزند بزرگ‌تر قرچقای خان، و مدتی والی مشهد و خبوشان و دو رود بود از ملا محمد تقی مجلسی دو اجازه روایت مورخ ۱۰۶۰ و ۱۰۶۲ داشته که هر دو در پایان نسخه‌ای از من لا یحضره الفقیه صدوق- که در نجف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۶

است- دیده می‌شود. میرزا برخوردار ترکمان فراهی متخلص به ممتاز- نویسنده کتاب شمسه و قهقهه- منشی او بوده و نام وی را در دیباچه کتاب مزبور آورده است .

علی قلی خان فرزند کوچک‌تر قرچقای خان، زاده ۱۰۲۰ و زنده تا ۱۰۹۷ از قدماء شاگردان محقق آقا حسین خوانساری و ملا شمسا گیلانی و ملا رجب علی تبریزی، و مدتی متولی قم بوده و نوشته‌های فلسفی و عرفانی متعددی از او در دست است. از

جمله:
۱) احیاء حکمت، به فارسی، دوره حکمت طبیعی و الهی. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است به نسخ علی اصغر سبزواری ساکن قم در ۱۰۹۷، در ۳۰۲ برگ رحلی .
۲) الاربعون حدیثا، به عربی، ساخته شنبه ۲۷ ج ۱- ۱۰۹۷. رساله اول مجموعه شماره ۱۳۶ د کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران در ۶۸ برگ.
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۷
۳) الایمان الکامل، در حکمت و معارف، که در خزائن جواهر القرآن خود از آن یاد کرده است نیز در احیاء حکمت خود .
۴) ایمان و کفر، در معرفت ایمان و نورانیت پیغمبر اکرم و امیر مؤمنان.
ساخته ذ ق- ۱۰۸۷ به فارسی. رساله دوم مجموعه شماره ۱۳۶ د کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران در سی و پنج برگ .
۵) تعلیقات بر شرح اشارات خواجه طوسی، که در اواخر «مزامیر العاشقین» خود از آن یاد کرده و دو برگی از آغاز آن در مجموعه شماره ۶۳۵۳ کتابخانه ملک هست .
۶) التمهیدات، که در برخی نوشته‌های خود به آن ارجاع می‌دهد .
۷) التنقیحات، که از آن نیز در نوشته‌های دیگر خود یاد کرده است .
۸) خزائن جواهر القرآن. در جمع و تفسیر آیات مربوط به اصول عقاید و تفاصیل معاد و قصص و مواعظ و احکام و حکم قرآن مجید و دیگر مباحث قرآنی.
او در رمضان ۱۰۸۳ به نگارش این اثر آغاز کرده و آن را در چهار مجلد به پایان برده است .
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۸
از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانه آستانه قم است و نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۸۱۸ که پیش‌تر در دست فخر الدین نصیری امینی بوده است و دو نسخه در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی در قم، یکی به خط حبیب اللّه بن رشید مورخ آغاز سال ۱۰۸۶ و دیگری جزئی از نسخه اصل که قسمتی دیگر از همان شماره ۱۸۱۸ دانشگاه است.
۹) زبور العارفین و براق العاشقین. به فارسی در سیر و سلوک. نسخه در قم .
۱۰) شرح اثولوجیا، که در خزائن جواهر القرآن و فرقان الرأیین خود بدان ارجاع می‌دهد .
۱۱) شوق‌نامه عباسی. در شرح ابیاتی از مثنوی که آن را به نام شاه عباس دوم نگاشته است. شماره ۵ مجموعه ۴۰۹۷ کتابخانه ملک تهران .
۱۲) رسالهٔ فی الصلوات. شماره ۲ مجموعه ۱۸۱۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
۱۳) رساله در علم اجمالی و تفصیلی پروردگار و عقول و نفوس، به فارسی.
رساله اول مجموعه شماره ۳۲۳۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۳۹
۱۴) رسالهٔ فی العلم، به عربی. شماره ۳ مجموعه ۱۸۱۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
۱۵) فرقان الرأیین و بنیان الحکمتین. در شرح ۲۴ مسأله از مسائل مورد اختلاف میان قدماء فلاسفه و متأخرین. نسخه در تهران .
۱۶) کمال محمدی. افندی در ریاض العلما از آن یاد کرده است .
۱۷) مرآت الوجود و الماهیهٔ، به فارسی که آن را در ۴۳ سالگی نگاشته است. نسخه اصل در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

به شماره ۳۲۳۵.

۱۸) مزامیر العاشقین فی زبدهٔ زبور العارفین. ترجمه عربی زبور العارفین خود اوست با اضافات که دو نسخه از آن در دست است یکی در عراق و دیگری در کتابخانه مدرسه سپهسالار تهران به شماره ۶۵۶۷.

۱۹) منطق، به فارسی که آن را برای فرزند خود «محمد مهدی» نگاشته و از تألیف جلد اول در جمعه ۹ صفر ۱۰۷۶ در پنجاه و شش سالگی، و از جلد دوم در شب دوشنبه ۲۳ شعبان همین سال فراغت یافته است. نسخه‌ای از آن به شماره ۱۱۲۰ در کتابخانه آستان قدس رضوی است در ۹۲ برگ، که فیلم آن به شماره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۰

۲۹۰۶ در دانشگاه است. نسخه‌ای هم نزد سید مهدی لاجوردی در قم دیده‌ام.

۲۰) نفس انسان. نسخه شماره ۹۰۴۹ موقت کتابخانه مجلس شورای ملی.

گویا همین رساله است که در مقدمه رساله علم خود از آن با وصف «رساله در مسأله حقیقت نفس ناطقه و قوای او و سعادت و شقاوت و وصول آن به اقصی کمالات و سعادات و نجات از شقاوت» یاد می‌کند. نیز گویا همین رساله است که در یادداشت روی برگ آغاز نسخه خزائن جواهر القرآن کتابخانه آستانه قم با نام «مرآت جنت و نار» در معرفت احوال نفوس انسانی و مراتب دو قوس صعودی و نزولی آن یاد شده است.

مجموعه‌ای از سه رساله فلسفی (مبادی آراء اهل المدینهٔ الفاضله، فارابی/ رساله نفس ارسطو/ صناعیه میر فندرسکی) به شماره ۲۵۷۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه است که آن را همین علی قلی خان به خط خود نوشته و بر هر سه رساله حواشی نگاشته است.

مهدی قلی خان فرزند او مردی دانشمند بوده و شعر نیز می‌سروده و «صفا» تخلص می‌نموده است. سرگذشت مختصر و نمونه شعر او در تذکره نصرآبادی دیده می‌شود. دیدیم که علی قلی خان کتاب منطق خود را به نام همین فرزند خویش در سال ۱۰۷۶ نگاشته است. در بحث «تولیت تفویضی» در مجلد نخست همین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۱

کتاب دانستیم که او مدتی نیز متولی آستانه قم بوده است.

او کتاب بزرگی به نام «سماء الاسماء» در لغت عربی به فارسی به نام شاه سلطان حسین نگاشته که مفصل و نظیر دائرهٔ المعارف است. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملك تهران دیده شده است.

نسخه‌ای از کتاب صافی در کتابخانه آیت اللّه مرعشی نجفی دو قم است به شماره ۹۸۹، به نسخ عقیل بن سید رکن الدین مسعود بن محمد تقی حسینی کاشانی در اوائل سال ۱۰۹۰ در کاشان، که وسیله «مهدی قلی خان حافد المرحوم قرچقای خان» در سال ۱۰۹۰ در کاشان مقابله شده است با مهر «مهدی قلی مهدی قلی» در پایان یادداشت مقابله.

در منشآت شماره ۱۸۹ کتابخانه ملی رشت (فیلم ۲۰۲۰ دانشگاه) پاسخ‌نامه مهدی قلی خان نواده قرچقای خان هست. در نسخه جمع و خرج سال ۱۱۳۹ آستانه قم از «قیصریه مرحمت‌پناه مهدی قلی خان» یاد شده است.

او را فرزندی بوده است با نام حیدر قلی بیك که در سندی که اکنون می‌بینیم از او یاد شده است. قبر مهدی قلی خان در حجره کنار راهرو ورود مدرسه او در قم بوده که پس از احداث خیابان ارم این شهر جزء پیاده‌رو خیابان شده است.

۷ وقفنامه مورخ ع ۱- ۱۱۲۳ روی برگ آغاز نسخه «خزائن جواهر القرآن» کتابخانه آستانه قم، مبنی بر وقف همین نسخه با بیست و نه

نسخه دیگر بر مدرسه خود در دار المؤمنین قم.

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۲

از این سند پیش از این در ذریعه و از آنجا در برخی نوشته‌های دیگر یاد شده است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

بنابر تأییدات ربانی و توفیقات سبحانی که همواره شامل حال و کافل احوال سعادت اشتمال وکلاء اجلاء ذوی العز و الاعتلاء عالی جاهی خانی عظیم الشانی جامع فضائل دارین مهدی قلی خانا ضاعف اللّه قدره العالی بوده و همواره بنابر مقتضاء خیرخواهی تمامی اوقات شریف را خود را صرف سبب ترفیه حال طلبه عظام نموده و می‌نماید.

بناء علیه در این وقت به جهت ترویح روح کثیر الفتوح والد ماجد خود اطاب اللّه ثراه این جلد کتاب را با بیست [و] نه جلد دیگر وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملی جبلی نمود و تولیت کتب مذکور را به عالی‌قدر والاتباری نتیجهٔ الامراء العظام حیدر قلی بیک فرزند ارجمند خویش مفوض و مرجوع داشته‌اند به شرط آن‌که نظارت کتب مزبوره به مدرسین مدرسه مزبوره بوده باشد و متولی معزی الیه هرکه را از طلبه و غیره که مناسب داند کتاب‌دار نماید.

تحریرا شهر ربیع المولود سنه ۱۱۲۳.

[مهر:] الحکم للّه عبده مهدی قلی

توضیح آن‌که وقف مزبور مشروط است به این‌که تولیت کتب مزبوره بعد از متولی معزی الیه به اعلم و اصلح اولاد ذکور او متعلق باشد، و هرگاه العیاذ باللّه اولاد ذکور او بالکلیه منقرض شوند تولیت تعلق به ذکور اناث اولاد او دارد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۳

بطنا بعد بطن و عقبا بعد عقب، الاعلم فالاعلم و الاصلح فالاصلح. به شرط آن‌که کتب موقوفه را از دار المؤمنین قم و حوالی و نواحی تابعه آن بیرون نبرند. وقفا صحیحا شرعیا دائما بدوام السموات و الارض.

تحریرا فی التاریخ.

[مهر:] الحکم للّه عبده مهدی قلی

[دستخط واقف در کناره سند:]

بسم اللّه الرحمن الرحیم- لقد وقفت هذا الکتاب المستطاب مع سایر المجلدات الاخر علی ما سطر فی السطرین من تلک الاساطیر، وقفا صحیحا شرعیا.

و کتب هذه الاحرف بیده الفانیهٔ و یمینه الجانیهٔ مهدی قلی بن علی قلی بن قرچقای خان عفی عنهم.

[مهر:] الحکم للّه عبده مهدی قلی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۵

تصاویر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۷

۱) شاه جعفر- نمای خارجی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۸

۲) شاه جعفر- سقف بنا (زیر گنبد)
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۴۹
۳) شاه جعفر- نمای داخلی از زاویه شمال غربی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۰
۴) شاه جعفر- نمای داخلی از زاویه شمال شرقی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۱
۵) شاه جعفر- نمای داخلی از زاویه جنوب غربی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۲
۶) شاه جعفر- نمای داخلی از زاویه جنوب شرقی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۳
۷) شاه جعفر- نمونه آرایش گوشوارها و بدنه (گوشوار زاویه جنوب شرقی)
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۴
۸) شاه جعفر- آرایش بدنه محراب
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۵
۹) شاه جعفر- قسمتی از کتیبه بنا [امر ببناء هذه العمارة ..]
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۶
۱۰) شاه جعفر- وضع کتیبه در جاهایی که ساییده شده است
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۷
۱۱) شاه جعفر- کاشی مورخ ۶۶۵ در بدنه شرقی مرقد
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۸
۱۲) شاه جعفر- کاشی‌های بدنه جنوبی مرقد
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۵۹
۱۳) شاه جعفر- کاشی میانه ردیف وسط، کاشی‌های بدنه جنوبی مرقد
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۰
۱۴) شاه جعفر- کتیبه درگاه ورود مورخ ۹۴۲ [موزه آستانه قم]
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۱
۱۵) شاه جعفر- کاشی‌های فیروزه‌ای گرداگرد مرقد که در این اواخر بر سردر بنا نصب گردیده بود مورخ محرم ۶۶۷ [موزه آستانه قم]
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۲
۱۶) مزار در بهشت- علی بن جعفر- نمای خارجی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۳
۱۷) در بهشت، سقف بنا (زیر گنبد)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۴

۱۸) در بهشت، دایره میان سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۵

۱۹) در بهشت، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۶

۲۰) در بهشت، نماها و طاقچه‌های قسمت شانزده‌ضلعی زیر سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۷

۲۱) در بهشت، نمونه آرایش در قسمت شانزده‌ضلعی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۸

۲۲) در بهشت، کتیبه کمربندی بالا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۶۹

۲۳) در بهشت، دنباله کتیبه کمربندی بالا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۰

۲۴) در بهشت، دنباله کتیبه کمربندی بالا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۱

۲۵) در بهشت، پایان کتیبه کمربندی بالا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۲

۲۶) در بهشت، نمونه آرایش قوسی‌های گوشوارها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۳

۲۷) در بهشت، طاقچه گچ‌بری شماره ۳ بالای ازاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۴

۲۸) در بهشت: طاقچه شماره ۴ بالای ازاره و بخشی از کتیبه کمربندی دوم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۵

۲۹) در بهشت، طاقچه شماره ۶ بالای ازاره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۶

۳۰) در بهشت، طاقچه شماره ۷ بالای ازاره، با تاریخ ۷۴۰

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۷

۳۱) در بهشت، طاقچه گچ‌بری شماره ۸ با نام هنرمند آرایشگر بنا (بهرام قزبینی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۸

۳۲) در بهشت، نمونه کاشی‌های ازاره (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۷۹

۳۳) در بهشت، نمونه کاشی‌های ازاره (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۰

۳۴) در بهشت، دو لوح کاشی روی مرقد (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۱

۳۵) در بهشت، کاشی‌های بدنه مرقد (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۲

۳۶) در بهشت، کاشی‌های بدنه مرقد (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۳

۳۷) در بهشت، کاشی‌های بدنه مرقد (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۴

۳۸) در بهشت، چند قطعه کاشی دیگر (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۵

۳۹) در بهشت، کتیبه صلوات کبیر و کتیبه مورخ رجب ۷۱۸ (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۶

۴۰) در بهشت، محراب، پایان کتیبه (موزه ایران باستان)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۷

۴۱) در بهشت، محراب، قسمت بالا (موزه ایران باستان)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۸

۴۲) در بهشت، محراب، قسمت پایین (موزه ایران باستان)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۸۹

۴۳) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۰

۴۴) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۱

۴۵) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، بخشی از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۲

۴۶) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، بخشی از کتیبه کمربندی مشتمل بر نام خواجه علی صفی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۳

۴۷) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، پایان کتیبه کمربندی مشتمل بر تاریخ بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۴

۴۸) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، نام «علی بن محمد بن ابی شجاع بنا» بالای درگاه ورود بنا
[در کتیبه خط کوفی عبارت «أَدْراکَ ما لَیْلَـةُ الْقَدْرِ. لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ ..» از سوره قدر که «لَیْلَةِ الْقَدْرِ» نخستین به غلط بی‌الف و لام کتیبه شده دیده می‌شود]

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۵

۴۹) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، ترنج اسپر یکی از صفه‌ها مشتمل بر نام چهارده معصوم با حاشیه نام «محمد»

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۶

۵۰) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، ترنج اسپر صفه‌ای دیگر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۷

۵۱) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، آرایش قوسی یکی از صفه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۸

۵۲) گنبد سبز- مقبره خواجه اصیل الدین، ترنج بالای در ورود مشتمل بر نام سازنده بنا و تاریخ آن

تربت پاکان، ج۲، ص: ۲۹۹

۵۳) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۰

۵۴) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۱

۵۵) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، نمای کلی بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۲

۵۶) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، سقف بنا (زیر گنبد)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۳

۵۷) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، بخشی از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۴

۵۸) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، پایان کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۵

۵۹) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، پوشش بدنه درگاه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۶

۶۰) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، آرایش قوسی یکی از درگاه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۷

۶۱) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، آرایش قوسی یکی از درگاه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۸

۶۲) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، نمونه آرایش گچ‌بری در پیشانی صفه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۰۹

۶۳) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، صفه برابر در ورود

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۰

۶۴) گنبد سبز- مقبره خواجه علی صفی، آرایش اسپر و لچکی‌های درگاهی دیگر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۱
۸۱) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمای خارجی بنا پیش از کاشی‌کاری جدید کتیبه
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۲
۸۲) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمای کلی داخل بنا
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۳
۸۳) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمایی دیگر از داخل بنا
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۴
۸۴) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمایی دیگر از داخل بنا
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۵
۸۵) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، سقف بنا
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۶
۸۶) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، کتیبه گلوبندی زیر سقف
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۷
۸۷) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمونه آرایش در بدنه‌های قسمت شانزده‌ضلعی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۸
۸۸) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمونه آرایش در بدنه‌های قسمت شانزده‌ضلعی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۱۹
۸۹) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، نمونه آرایش پیشانی درگاه‌ها و کتیبه سراسری گرد آنها
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۰
۹۰) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، آرایش گچ‌بری پیشانی و بدنه صفه‌ها
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۱
۹۱) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، کتیبه گرداگرد درگاه‌ها
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۲
۹۲) گنبد سبز- مقبره بی‌تاریخ، بازمانده پوشش مقرنس یکی از صفه‌ها
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۳
۹۳) سید سربخش، نمای درون بقعه از شرق و جنوب شرقی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۴
۹۴) سید سربخش، نمای درون بقعه از غرب تا جنوب
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۵
۹۵) سید سربخش، ترنج گچ‌بری میان سقف
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۶
۹۶) سید سربخش، یک مشبک گچ‌بری و بخشی از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۷

۹۷) سید سربخش، پایان کتیبه کمربندی و یک مشبک گچ‌بری دیگر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۸

۹۸) سید سربخش، نمونه آرایش گچ‌بری در بدنه قوسی گوشوارها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۲۹

۹۹) سید سربخش، پایان کتیبه کمربندی محراب مشتمل بر نام سازنده هنرمند آن

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۰

۱۰۰) شاه احمد قاسم، نمای خارجی بنا پیش از فروریختن گنبد برجی هرمی آن (عکس از المنجد با زیرنویس «مقام شاهزاده احمد» که مقصود همین بقعه است نه مزار خاک‌فرج)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۱

۱۰۱) شاه احمد قاسم، نمای خارجی (پیش از تعمیر» اخیر).

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۲

۱۰۲) شاه احمد قاسم، نمای درون بقعه (از جنوب و شرق)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۳

۱۰۳) شاه احمد قاسم، نمای درونی (از شرق و شمال)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۴

۱۰۴) شاه احمد قاسم، نمای درونی (درگاه شمالی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۵

۱۰۵) شاه احمد قاسم، نمای درونی (درگاه جنوبی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۶

۱۰۶) شاه احمد قاسم، آرایش گچ‌بری پیشانی صفه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۷

۱۰۷) شاه احمد قاسم، آغاز کتیبه کمربندی و آرایش پیشانی یک گوشوار

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۸

۱۰۸) شاه احمد قاسم، یک مشبک گچ‌بری و بخشی از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۳۹

۱۰۹) شاه احمد قاسم، بخشی دیگر از کتیبه کمربندی و تزیینات گچ‌بری بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۰

۱۱۰) شاه احمد قاسم، بخشی دیگر از کتیبه کمربندی و تزیینات گچ‌بری بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۱

۱۱۱) شاه احمد قاسم، بخشی دیگر از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۲

۱۱۲) شاه احمد قاسم، تاریخ بنا (محرم ۷۸۰) در بالای کتیبه زیر مشبک گچ‌بری
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۳
۱۱۳) شاه احمد قاسم، نام سازنده هنرمند این اثر در پایان کتیبه کمربندی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۴
۱۱۴) شاه احمد قاسم، نمونه آرایش گچ‌بری در قوسی‌های گوشوارها
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۵
۱۱۵) شاه احمد قاسم، آرایش گچ‌بری گوشواری دیگر
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۶
۱۱۶) شاه احمد قاسم، لوح مرقد (موزه دولتی برلین)
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۷
۱۱۷) شاه ابراهیم- مزدیجان، پیش از تعمیرات اخیر (از کتاب راهنمای قم- چاپ ۱۳۱۷ ش).
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۸
۱۱۸) شاه ابراهیم- مزدیجان، نمای خارجی پس از تعمیرات مزبور
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۴۹
۱۱۹) شاه ابراهیم- دروازه کاشان، نمای خارجی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۰
۱۲۰) شاه ابراهیم- دروازه کاشان، کتیبه سردر ورود بقعه مورخ ۷۲۱ (۱۲۷۰)
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۱
۱۲۱) شاه ابراهیم- دروازه کاشان، نمای درون بقعه
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۲
۱۲۲) شاه ابراهیم- دروازه‌کاشان، انجام کتیبه کمربندی
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۳
۱۲۳) شاهزاده زید، کتیبه بالای درگاه ورود شرقی مورخ ۸۴۷
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۴
۱۲۴) شاهزاده زید، گچ‌بری هلالی ایوان درگاه ورود شرقی از قرن نهم
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۵
۱۲۵) شاهزاده زید، گچ‌بری کنار درگاه ورود شمالی از سال ۹۷۹
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۶
۱۳۰) موسی مبرقع، نمای بقعه از جهت شمالی (گنبد سمت چپ)
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۷
۱۳۱) موسی مبرقع، راهرو ورود بقعه از قرن نهم
تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۸

۱۳۲) موسی مبرقع، کتیبه و طاقچه‌های گچ‌بری راهرو ورود بقعه- از قرن نهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۵۹

۱۳۳) موسی مبرقع، پایان کتیبه گچ‌بری راهرو ورود

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۰

۱۳۴) موسی مبرقع، یک طاقچه گچ‌بری رنگین

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۱

۱۳۵) چهل‌اختران، نمای گنبد و سردر شمالی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۲

۱۳۶) چهل‌اختران، نمای درون بنا و سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۳

۱۳۷) چهل‌اختران، نمای درون بنا از جانب غربی و کتیبه درگاه ورود

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۴

۱۳۸) خاک‌فرج- شاهزاده احمد، نمای گنبد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۵

۱۳۹) خاک‌فرج- شاهزاده احمد، سنگ‌نبشته بالای درگاه جنوبی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۶

۱۴۰) خاک‌فرج- شاهزاده احمد، نمای درون بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۷

۱۴۱) خاک‌فرج- شاهزاده احمد، لوح مزار (موزه ایران باستان)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۸

۱۴۲) خاک‌فرج- صفورا، نمای گنبد و بقعه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۶۹

۱۴۳) شاه حمزه، گنبد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۰

۱۴۴) شاه حمزه، ایوان پیشاپیش بقعه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۱

۱۴۵) شاه حمزه، نمای درون بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۲

۱۴۶) شاهزاده احمد، لوح مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۳

۱۴۷) شاهزاده احمد، لوح مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۴

۱۴۸) شاهزاده احمد، همان لوح که عبارت صنعه طاهر در بالای آن دیده می‌شود

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۵

۱۴۹) امام‌زاده سید ابو احمد، نمای بیرونی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۶

۱۵۰) امام‌زاده سید ابو احمد، نمای سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۷

۱۵۱) امام‌زاده سید ابو احمد، نمای درون بقعه از جانب غربی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۸

۱۵۲) امام‌زاده سید ابو احمد، نمای درون بنا از سوی جنوب

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۷۹

۱۵۳) امام‌زاده سید ابو احمد، مشبک نورگیر غربی و بخشی از کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۰

۱۵۴) امام‌زاده سید ابو احمد، کتیبه لوح مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۱

۱۵۵) بنای مجاور مزار علی بن جعفر، نمای خارجی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۲

۱۵۶) بابامسافر، با نموداری از تزیینات پیشین بدنه خارجی بقعه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۳

۱۵۷) شاه ظهیر، یک خشت کاشی هشت‌پر روی مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۴

۱۵۸) شیخ ابا صلت، نمای خارجی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۵

۱۵۹) سلطان محمد شریف، لوح مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۶

۱۶۰) چهار امام‌زاده، نمای خارجی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۷

۱۶۱) مسجد جمعه، گنبد مقصوره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۸

۱۶۲) مسجد جمعه، نمای صحن و ایوان جنوبی مسجد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۸۹

۱۶۳) مسجد جمعه، سقف مقصوره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۰

۱۶۴) مسجد جمعه، نمای درونی مقصوره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۱

۱۶۵) مسجد جمعه، مقصوره، محراب و کتیبه دوره فتحعلی شاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۲

۱۶۶) مسجد جمعه، تزیینات پوشش و مقرنس‌کاری مقصوره

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۳

۱۶۷) مسجد جمعه، ایوان جنوبی و طره گرداگرد آن

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۴

۱۶۸) مسجد جمعه، پایان کتیبه کمربندی ایوان جنوبی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۵

۱۶۹) مسجد جمعه، ایوان جنوبی، مقرنس‌کاری سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۶

۱۷۰) مسجد جمعه، ایوان شمالی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۷

۱۷۱) مسجد جمعه، کتیبه ایوان شمالی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۸

۱۷۲) مسجد جمعه، زیرزمین و شبستان غربی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۳۹۹

۱۷۳) مسجد جمعه، شبستان غربی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۰

۱۷۵) مسجد امام، ایوان جنوبی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۱

۱۷۶) مسجد امام، ایوان جنوبی، آغاز کتیبه کمربندی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۲

۱۷۷) مسجد امام، سه چشمه ایوان جنوبی، نمودار سبک بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۳

۱۷۸) مسجد امام، چشمه اخیر ایوان جنوبی، نمودار سبک بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۴

۱۷۹) مسجد پنجه‌علی، کتیبه‌ها و کاشی‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۵

۱۸۰) مسجد عشقعلی، شاه‌نشین جنوبی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۶

۱۸۱) مسجد عشقعلی، نمای درون از زاویه شمال شرقی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۷

۱۸۲) مدرسه غیاثیه، سردر و مناره‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۸

۱۸۳) مدرسه غیاثیه، بازمانده آرایش گچ‌بری دو هلالی پیشاپیش سردر با نام‌های محمد و علی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۰۹

۱۸۴) مدرسه غیاثیه، بازمانده آرایش گچ‌بری هلالی‌های سردر با اثری از مقرنس پیشین سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۰

۱۸۵) مدرسه غیاثیه، بازمانده آرایش گچ‌بری طاق‌نماها و بدنه پایه‌ها (پایه شمالی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۱

۱۸۶) مدرسه غیاثیه، بازمانده آرایش گچ‌بری سردر (پایه جنوبی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۲

۱۸۷) مدرسه غیاثیه، پایان کتیبه مناره جنوبی مشتمل بر تاریخ بنای آن

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۳

۱۸۸) مدرسه غیاثیه، پایان کتیبه مناره جنوبی مورخ ۸۳۰

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۴

۱۸۹) مدرسه رضویه، سنگ‌نبشته سردر شمالی مورخ ۱۰۹۴

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۵

۱۹۰) دارالشفا، آب‌انبار ساروتقی، کتیبه درگاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۶

۱۹۱) دارالشفا، آب‌انبار ساروتقی، کتیبه درگاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۷

۱۹۲) دارالشفا، آب‌انبار ساروتقی، کتیبه درگاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۸

۱۹۳) دارالشفا، آب‌انبار ساروتقی، آرایش کاشی معرق پیشانی درگاه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۱۹

۱۹۴) دارالشفا، آب‌انبار ساروتقی، سنگ‌نبشته مورخ ۱۲۰۴

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۰

۱۹۵) مناره میدان، از آثار دوره سلجوقی با نمای آجری از دوره زندیه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۱

۱۹۷) سنگ‌نبشته مورخ ۹۶۳ حاکی از وقف قناتی بر محله میدان قم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۲

۱۹۸) تیمچه بزرگ- بازار

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۳

۱۹۹) تیمچه بزرگ- بازار

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۴

۲۰۰) تیمچه بزرگ- چشمه میانه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۵

۲۰۱) تیمچه بزرگ، پوشش سقف

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۶

۲۰۲) تیمچه بزرگ، درهای ارسی پیشاپیش غرفه‌ها

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۷

۲۰۳) مطب حکیم شفاء الدوله

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۸

۲۰۴) جمکران- سنگ‌نبشته مسجد صاحب الزمان

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۲۹

۲۰۵) جمکران- قریه گرگابی، بقعه امامزاده هادی مهدی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۰

۲۰۶) قنوات- مزار طبیب و طاهر، نمای بیرونی گنبد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۱

۲۰۷) قنوات- مزار طیب و طاهر، ایوان شرقی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۲

۲۰۸) قنوات- مزار طیب و طاهر، نمای درون بقعه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۳

۲۰۹) قنوات- مزار خدیجه خاتون، لوح مرقد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۴

۲۱۰) قنوات- سکینه خاتون، نمای بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۵

۲۱۱) قنوات- سکینه خاتون، نمای گنبد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۶

۲۱۲) قنوات- سکینه خاتون، کتیبه و تزیینات گنبد

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۷

۲۱۳) لنگرود- حلیمه خاتون

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۸

۲۱۴) دهکده صرم، گنبد مسجد جامع

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۳۹

۲۱۵) صرم- مزار شاه زنده، سنگ قبری از قرن دهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۰

۲۱۶) قهستان- مزار شاه ابراهیم، در منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۱

۲۱۷) قهستان- مزار شاه ابراهیم، تخته چوب منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۲

۲۱۸) قهستان- مزار شاه ابراهیم، سنگ‌نبشته مورخ ۱۰۷۸ در رواق مزار

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۳

۲۱۹) قهستان- مزار شاه ابراهیم، دو سنگ‌نبشته دیگر رواق

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۴

۲۲۰) کهک، گنبد مزار معصومه

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۵

۲۲۱) کهک- معصومه، قطعه کاشی به سبک کاشی‌های قرن هفتم و هشتم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۶

۲۲۲) کهک- معصومه، یک قطعه کاشی دیگر به سبک کاشی‌های قرن هفتم و هشتم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۷

۲۲۳) کهک- معصومه، تنها قطعه چوب بازمانده از صندوق منبت مرقد مورخ ۹۹۹

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۸

۲۲۴) کهک- شاه قاسم، بازمانده بنای سنگی از قرن یازدهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۴۹

۲۲۵) کهک- شاه قاسم، یکی از الواح قبور بنای سنگی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۰

۲۲۶) کهک- شاه قاسم، بازمانده بنای دیگر از قرن یازدهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۱

۲۲۷) کهک- شاه قاسم، سنگ قبری از قرن دهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۲

۲۲۸) قهستان- ابرجس، نمای بقعه شاهزاده قاسم از دور

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۳

۲۲۹) قهستان- دستگرد، سنگ‌نبشته سردر ورود بقعه شاهزاده ابراهیم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۴

۲۳۰) قهستان- بیرقان، مزار شاهزاده اسماعیل

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۵

۲۳۱) شاهزاده اسماعیل، در منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۶

۲۳۲) شاهزاده اسماعیل، در منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۷

۲۳۳) شاهزاده اسماعیل، پشت در منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۸

۲۳۴) شاهزاده اسماعیل، منبر

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۵۹

۲۳۵) شاهزاده اسماعیل، سنگ‌نبشته‌ای از ایوان جنوبی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۰

۲۳۶) چند قطعه از کاشی‌های ازاره بقعه شاهزاده اسماعیل- قرن هفتم (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۱

۲۳۷) کاشی مورخ ۶۶۱ ازاره بقعه شاهزاده اسماعیل (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۲

۲۳۸) چند قطعه از کاشی‌های فیروزه‌ای ازاره بقعه شاهزاده اسماعیل- قرن هفتم (موزه آستانه قم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۳

۲۳۹) قهستان- فردو، یکی از سنگ قبرهای گورستان دهکده- از قرن یازدهم

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۴

۲۴۰) قهستان- خاوه (از موقوفات زبیده بیگم)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۵

۲۴۱) قهستان- باوره، در منبت امامزاده

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۶

۲۴۲) امامزاده باوره، در منبت

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۷

۲۴۳) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۱

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۸

۲۴۴) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۲

۲۴۵) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۲

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۶۹

۲۴۶) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۳

۲۴۷) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۳

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۰

۲۴۸) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۳

۲۴۹) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۴

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۱

۲۵۰) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۴

۲۵۱) امامزاده باوره، صندوق منبت شماره ۴

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۲

۲۵۲) خلجستان- خدیجه خاتون، نمای گنبد

۲۵۳) خدیجه خاتون، نمای درون بنا (گوشوار شمال شرقی)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۳

۲۵۴) خدیجه خاتون، دایره میان سقف

۲۵۵) خدیجه خاتون، نمودار آرایش سقف و کتیبه سراسری اول

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۴

۲۵۶) خدیجه‌خاتون، آغاز کتیبه سراسری سوم

۲۵۷) خدیجه خاتون، بخشی از دومین کتیبه سراسری در ضلع شمال شرقی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۵

۲۵۸) خدیجه خاتون، بخشی از دومین کتیبه سراسری بالای درگاه ورود شمالی

۲۵۹) خدیجه خاتون، بخشی از سومین کتیبه سراسری

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۶

۲۶۰) خدیجه خاتون، بخشی از سومین کتیبه سراسری

۲۶۱) خدیجه خاتون، نمای گوشوار شمال شرقی و تاریخ بنای بقعه (۷۷۰)

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۷

۲۶۲) خدیجه خاتون، نمای گوشوار شمال غربی و نام سازندگان هنرمند بنا

۲۶۳) خدیجه خاتون، پایان کتابه درگاه ورود شمالی مشتمل بر نام سازندگان بنا

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۸

فهارس کتاب

اشاره

۱- اعلام انسانی

۲- اعلام جغرافیایی

۳- کتابها

۴- ماخذ

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۷۹

۱- اعلام انسانی

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۸۰

تربت پاکان، ج۲، ص: ۴۸۹

۲- اعلام جغرافیایی

۳- کتاب‌ها

۴- ماخذ

ق

ک

گ

ل

م

چاپ کتاب در روز ۸ ذی حجه سال ۱۳۹۶ (ه. ق) به پایان رسید و الحمد للّه اولا و آخرا

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بندهای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹